

متن و ترجمه

کتاب نفیس

# فروع کافی

جلد چهارم

تألیف

محدث عالی مقام ثقة الاسلام محمد یعقوب کلینی رازی رحمته الله

ترجمه : گروه مترجمان

اشراف و ویرایش : محمد حسین رحیمیان

---



---



## فهرست موضوعات

بخش پنجاه و پنجم	ادامه کتاب حج
واجبات حج افراد ..... ۳۷	(۱۹ - ۵۶۷)
بخش پنجاه و ششم	بخش چهل و نهم
حکم کسی که تیت حج تمتع نمی کند ..... ۳۸	ماههای حج ..... ۱۹
بخش پنجاه و هفتم	بخش پنجاهم
چگونگی حجّ مجاورین مکه و اهل	حج اکبر و حج اصغر ..... ۲۰
حرم ..... ۳۹	بخش پنجاه و یکم
بخش پنجاه و هشتم	انواع حجّ ..... ۲۲
حکم حجّ کودکان و حجّ بردگان ..... ۴۸	بخش پنجاه و دوم
بخش پنجاه و نهم	واجبات حج تمتع ..... ۳۱
حکم کسی که پیش از انجام حج واجب	بخش پنجاه و سوم
می میرد یا به انجام حج وصیت	چگونگی حج قران و واجبات آن ..... ۳۳
می کند ..... ۵۲	بخش پنجاه و چهارم
بخش شصتم	چگونگی علامت گذاری به قربانی ..... ۳۴
حکم نیابت زن از مرد ..... ۵۵	

**بخش شصت و یکم**

حکم کسی که برای حج افراد اجیر شده به جای آن، حج تمتع انجام می دهد یا به شرط عمل نمی کند ..... ۵۷

**بخش شصت و هشتم**

حکم کسی که به نیابت از دیگری حج انجام داده و خود در آن شریک بوده است ..... ۶۷

**بخش شصت و دوم**

حکم کسی که به حج وصیت می کند، اما از غیر آن جایی که او وصیت نموده بود، برای او حج انجام دهند، یا به چیز اندکی برای انجام حج وصیت می کند ..... ۵۸

**بخش شصت و نهم**

یک روایت نکته دار ..... ۶۸

**بخش هفتادم**

حکم فردی که هزینه نیابت را در غیر حج مصرف می کند یا از هزینه نیابت، مقداری اضافه می آید ..... ۶۹

**بخش شصت و سوم**

حکم فردی که انجام حج را به عهده می گیرد، ولی هزینه ای که به او داده اند کفایت نمی کند. یا حج را به عهده می گیرد اما آن را به دیگری واگذار می کند. .... ۶۰

**بخش هفتاد و یکم**

حکم طواف و حج به نیابت از ائمه اطهار (علیهم السلام) ..... ۷۱

**بخش شصت و چهارم**

حکم نیابت از مخالفان مذهب ..... ۶۲

**بخش هفتاد و دوم**

حکم کسی که خویشان خود را در ثواب حج خود شریک می کند و با آنان صله رحم می نماید ..... ۷۴

**بخش شصت و ششم**

آداب حج نیابتی و تبت آن ..... ۶۴

**بخش هفتاد و سوم**

زیاد کردن موی سر برای کسی که می خواهد حج و عمره انجام دهد .... ۸۰

**بخش شصت و هفتم**

حکم کسی که در اثنای حج نیابتی از حج یا طواف دیگری نایب شود ..... ۶۶

**بخش هشتاد و یکم**

لیک گفتن ..... ۱۱۶

**بخش هفتاد و چهارم**

میقات‌های احرام ..... ۸۲

**بخش هشتاد و دوم**خودداری محرم از جدال و موارد  
مشابه ..... ۱۲۰**بخش هفتاد و پنجم**حکم کسی که در غیر میقات محرم  
شود ..... ۸۷**بخش هشتاد و سوم**لباس محرم و آنچه پوشیدنش بر او  
مکروه است ..... ۱۲۴**بخش هفتاد و ششم**حکم کسی که از میقات شهر خود بدون  
احرام عبور کند یا بدون احرام وارد مکه  
شود ..... ۹۱**بخش هشتاد و چهارم**حکم محرمی که بر کمر خود همیان و  
کمر بند می‌بندد ..... ۱۳۲**بخش هفتاد و هفتم**

واجبات احرام بستن ..... ۹۶

**بخش هشتاد و پنجم**لباس‌ها و زیورآلاتی که بر زن محرم  
پوشیدنش جایز است و آنچه که از آنها  
بر او مکروه است ..... ۱۳۳**بخش هفتاد و هشتم**غسلی که برای احرام کفایت می‌کند و  
غسلی که کفایت نمی‌کند ..... ۱۰۰**بخش هفتاد و نهم**چیزهایی که پس از غسل و قبل از تلبیه  
گفتن بر محرم جایز است مانند استعمال  
عطر، شکار کردن و موارد دیگر ..... ۱۰۳**بخش هشتاد و ششم**محرمی که ناگزیر به پوشیدن لباسی  
می‌شود که بر او جایز نیست ..... ۱۳۹**بخش هشتاد و هفتم**

لباسی که در آن قربانی واجب است ..... ۱۴۱

**بخش هشتادم**

نماز احرام، احرام بستن و شرایط آن ..... ۱۰۷

**بخش هشتاد و هشتم**

حکم کسی که در پیراهن محرم می‌شود، یا بعد از محرم شدن آن را می‌پوشد. . . ۱۴۲

**بخش هشتاد و نهم**

حکم محرمی که سر یا روی خود را از روی عمد و یا فراموشی می‌پوشاند. . ۱۴۴

**بخش نودم**

حکم سایه برای محرم. . . . . ۱۴۶

**بخش نود و یکم**

محرم نباید در آب فرو رود. . . . . ۱۵۳

**بخش نود و دوم**

حکم عطر برای محرم. . . . . ۱۵۴

**بخش نود و سوم**

کراهت استفاده از زیور آلات برای محرم. . . . . ۱۶۱

**بخش نود و چهارم**

معالجه محرم به هنگام بیماری یا زخمی شدن، درآوردن دمل یا بیماری دیگر. ۱۶۳

**بخش نود و پنجم**

حکم محرمی که حجامت می‌کند، یا ناخن‌ها یا موها یا چیزی از آن را کوتاه می‌کند. . . . . ۱۶۷

**بخش نود و ششم**

حکم محرمی که جانوران را از خود دور می‌کند. . . . . ۱۷۲

**بخش نود و هفتم**

چیزهایی که کشتن آن‌ها برای محرم جایز است و چیزهایی که کفاره‌آور است. . ۱۷۴

**بخش نود و هشتم**

حکم محرمی که ذبح می‌کند و برای چهارپای خود علف می‌چیند. . . . ۱۷۹

**بخش نود و نهم**

آداب محرم. . . . . ۱۸۰

**بخش صدم**

حکم محرمی که از دنیا برود. . . . . ۱۸۵

**بخش صد و یکم**

حکم کسی که به علت بیماری و یا مانع شدن دشمن نمی‌تواند وارد مکه شود و

غیر محرم در حرم و بیرون آن با شکار  
برخورد کند با آن چه کند؟ ..... ۲۱۴

### بخش صد و هفتم

حکم محرمی که به خوردن گوشت شکار  
و حیوان مردار ناگزیر می شود ..... ۲۱۹

### بخش صد و هشتم

حکم محرمی که شکار می کند از کجا کفاره  
دهد و در کجا قربانی نماید؟ ..... ۲۲۱

### بخش صد و نهم

کفاره شکار حیوانات وحشی ..... ۲۲۲

### بخش صد و دهم

کفاره کشتن پرندگان و شکستن تخم آنها  
برای محرم ..... ۲۳۰

### بخش صد و یازدهم

حکم گروهی از حاجیان محرمی که  
برشکاری اجتماع کنند ..... ۲۳۴

### بخش صد و دوازدهم

فرق بین شکار صحرایی و دریایی و آن چه  
از آن بر محرم حلال است ..... ۲۳۸

کفاره ای که بر این موارد تعلّق  
می گیرد ..... ۱۸۶

### بخش صد و دوم

حکم محرمی که ازدواج می کند، یا عقد  
ازدواج و طلاق جاری می کند و کنیز  
می خرد ..... ۱۹۴

### بخش صد و سوم

حکم محرمی که پیش از این که مناسک  
حجش را به پایان برساند بازنش همبستر  
شود و حکم غیر محرمی که با زن محرمه  
هم بستر می شود ..... ۱۹۷

### بخش صد و چهارم

حکم محرمی که همسرش را می بوسد و به  
او با شهوت یا بدون شهوت نگاه می کند یا  
به زن دیگری نگاه می کند ..... ۲۰۳

### بخش صد و پنجم

حکم محرمی که پس از انجام بخشی از  
مناسک حج با همسرش نزدیکی  
می کند ..... ۲۰۸

### بخش صد و ششم

بازداشت از شکار و این که هر گاه محرم و

بخش صدو بیست یکم	بخش صدو سیزدهم
حکم استلام و مسح ..... ۲۶۵	حکم محرمی که چند بار شکار کند . ۲۴۱
بخش صدو بیست و دوم	بخش صدو چهاردهم
ازدحام مردم برای حجرالاسود .... ۲۶۶	حکم محرمی که در حرم شکار کند . ۲۴۳
بخش صدو بیست و سوم	بخش صدو پانزدهم
طواف و استلام ارکان ..... ۲۷۰	چند حدیث نکته دار..... ۲۴۶
بخش صدو بیست چهارم	بخش صدو شانزدهم
ملتزم (پشت کعبه نزدیک رکن یمانی)	چگونگی ورود به حرم ..... ۲۵۰
ودعا در کنار آن ..... ۲۸۱	
بخش صدو بیست و پنجم	بخش صدو هفدهم
فضیلت طواف ..... ۲۸۴	قطع تلبیہ محرم در عمره تمتع ..... ۲۵۲
بخش صدو بیست و ششم	بخش صدو هیجدهم
نماز بهتر است یا طواف خانه خدا؟. ۲۸۶	چگونگی ورود به مکه..... ۲۵۴
بخش صدو بیست و هفتم	بخش صدو نوزدهم
حدود محل طواف ..... ۲۸۷	چگونگی ورود به مسجدالحرام .... ۲۵۸
بخش صدو بیست و هشتم	بخش صدو بیستم
چگونگی طواف نمودن..... ۲۸۸	دعا به هنگام رو به رو شدن با حجرالاسود
	و استلام آن..... ۲۶۲

**بخش صد و بیست نهم**

حکم کسی که در اثنای طواف کاری  
برایش پیش می‌آید یا بیمار می‌شود. ۲۸۹

**بخش صد و سی و ششم**

حکم طواف بیمار و کسی که بدون علت  
به صورت حمل شده طوافش دهند. ۳۰۷

**بخش صد و سی ام**

مردی که از طواف باز می‌ماند، یا نماز برپا  
می‌شود و یا وقت نماز فرا می‌رسد. ۲۹۳

**بخش صد و سی و هفتم**

دو رکعت نماز طواف و وقت آنها و قرائت  
در آنها و دعای آنها ..... ۳۰۹

**بخش صد و سی و یکم**

شک در طواف ..... ۲۹۵

**بخش صد و سی و هشتم**

شک در دو رکعت نماز طواف ..... ۳۱۳

**بخش صد و سی و دوم**

جمع میان چند طواف هفتگانه ..... ۳۰۰

**بخش صد و سی و نهم**

چند حدیث نکته‌دار ..... ۳۱۷

**بخش صد و سی و سوم**

حکم کسی که طواف کرد و راه را از حجر  
اسماعیل کوتاه نمود ..... ۳۰۲

**بخش صد و چهل و چهارم**

استلام حجر الاسود بعد از دو رکعت  
و آشامیدن آب زمزم پیش از رفتن به صفا و  
مروه ..... ۳۲۴

**بخش صد و سی و چهارم**

حکم طواف بی‌وضو ..... ۳۰۳

**بخش صد و چهل و یکم**

ایستادن در بالای صفا و دعا کردن .. ۳۲۶

**بخش صد و سی و پنجم**

حکم کسی که پیش از طواف سعی بین  
صفا و مروه نماید یا طواف را انجام دهد و  
سعی را به تأخیر اندازد ..... ۳۰۴

**بخش صد و چهل و دوم**

سعی بین صفا و مروه و آن چه در آن گفته  
می‌شود ..... ۳۳۲

**بخش صد و چهل و سوم**

حکم کسی که سعی را پیش از صفا از مروه شروع نماید یا بین صفا و مروه شک نماید ..... ۳۳۷

**بخش صد و چهل و چهارم**

استراحت در سعی و انجام آن به صورت سواری ..... ۳۴۰

**بخش صد و چهل و پنجم**

قطع نمودن سعی به جهت نماز یا غیر آن و سعی نمودن بدون وضو ..... ۳۴۲

**بخش صد و چهل و ششم**

کوتاه کردن برای تمتع و بیرون آمدن او از احرام ..... ۳۴۳

**بخش صد و چهل و هفتم**

حکم کسی که عمره تمتع انجام می دهد و فراموش می کند که تقصیر نماید تا به حج احرام می بندد یا پیش از تقصیر سرش می تراشد یا با همسرش نزدیکی می نماید ..... ۳۴۶

**بخش صد و چهل و هشتم**

حکم کسی که به عمره تمتع احرام بسته

پس از احرام با پیشامدی از مگه بیرون می رود ..... ۳۴۹

**بخش صد و چهل و نهم**

حکم کسی که حج تمتع او فوت شود ..... ۳۵۳

**بخش صد و پنجاهم**

احرام زن حائض و مستحاضه ..... ۳۵۵

**بخش صد و پنجاه و یکم**

آن چه بر حائض از ادای مناسک واجب است ..... ۳۵۷

**بخش صد و پنجاه و دوم**

حکم زنی که در حین طواف حائض شود ..... ۳۶۳

**بخش صد و پنجاه و سوم**

زن مستحاضه می تواند بیت را طواف نماید ..... ۳۶۵

**بخش صد و پنجاه و چهارم**

چند روایت نکته دار ..... ۳۶۶



- بخش صد و شصت و سوم  
حرکت به سوی عرفات و حدود آن. ۳۹۰
- بخش صد و پنجاه و پنجم  
معالجه زن حایض ..... ۳۶۸
- بخش صد و شصت و چهارم  
حکم پایان لبیک گفتن حاجی ..... ۳۹۳
- بخش صد و پنجاه و ششم  
دعا برای برطرف شدن خون حیض. ۳۷۰
- بخش صد و شصت و پنجم  
وقوف در عرفه و حدود موقف ..... ۳۹۴
- بخش صد و پنجاه و هفتم  
احرام روز هشتم ذی حجه ..... ۳۷۵
- بخش صد و شصت و ششم  
کوچ کردن از عرفات ..... ۴۰۲
- بخش صد و پنجاه و هشتم  
حج پیاده و نهایت پیاده روی در حج ..... ۳۷۸
- بخش صد و شصت و هفتم  
رفتن به مزدلفه شب هنگام، ایستادن در دامنه کوه مشعر و فرود آمدن از آن و حدود آن ..... ۴۰۵
- بخش صد و پنجاه و نهم  
انجام طواف حج تمتع پیش از رفتن به منا ..... ۳۸۱
- بخش صد و شصت و هشتم  
هروله و تند روی در وادی محسر ... ۴۰۹
- بخش صد و شصت و نهم  
حکم کسی که از وقوف در مشعر آگاهی نداشت ..... ۴۱۲
- بخش صد و شصت و یکم  
حرکت به سوی منا ..... ۳۸۷
- بخش صد و شصت و دهم  
فرود آمدن به منا و حدود آن ..... ۳۸۹

**بخش صد و هفتاد و هفتم**

حکم انجام رمی از جانب بیماران  
و کودکان و حکم انجام رمی به صورت  
سواری ..... ۴۴۰

**بخش صد و هفتاد و هشتم**

روزهای قربانی ..... ۴۴۳

**بخش صد و هفتاد و نهم**

کمترین حدّ قربانی ..... ۴۴۴

**بخش صد و هشتادم**

حکم وجوب قربانی و محل ذبح آن . ۴۴۵

**بخش صد و هشتاد و یکم**

مستحبات قربانی و موارد مجاز و غیرمجاز  
آن ..... ۴۴۸

**بخش صد و هشتاد و دوم**

حکم قربانی زائو، شیرده یا بارکش .. ۴۵۶

**بخش صد و هشتاد و سوم**

حکم شتر قربانی که از راه رفتن بازماند، یا  
پیش از رسیدن به قربانگاه و نحر آن بمیرد  
..... ۴۵۸

از مزدلفه کوچ کند ..... ۴۱۶

**بخش صد و هفتاد و یکم**

کسی که حج از او فوت شده است . ۴۲۰

**بخش صد و هفتاد و دوم**

سنگریزه از کجا برداشته می شود؟ و تعداد  
آنها چقدر است؟ ..... ۴۲۳

**بخش صد و هفتاد و سوم**

روز قربانی و محل شروع انداختن  
سنگریزه و فضیلت آن ..... ۴۲۶

**بخش صد و هفتاد و چهارم**

حکم رمی جمرات در روزهای دهم،  
یازدهم و دوازدهم ..... ۴۳۰

**بخش صد و هفتاد و پنجم**

حکم کسی که در رمی جمرات پس و پیش  
یا زیاد و کم نماید ..... ۴۳۴

**بخش صد و هفتاد و ششم**

حکم کسی که رمی جمرات را فراموش  
کند و یا از مسأله آگاهی نداشته اند . ۴۳۸

**بخش صد و هشتاد و چهارم**

شتر و گاو از قربانی چند نفر کفایت می‌کند؟ ..... ۴۶۳

**بخش صد و نود و یکم**

حکم روزه کسی که حج تمتع انجام می‌دهد در ازای نبود قربانی ..... ۴۸۵

**بخش صد و هشتاد و پنجم**

چگونگی ذبح قربانی ..... ۴۶۶

**بخش صد و نود و دوم**

زیارت بیت و غسل آن ..... ۴۹۲

**بخش صد و هشتاد و ششم**

خوردن از قربانی واجب و صدقه دادن آن و بیرون بردن آن از منا ..... ۴۶۹

**بخش صد و نود و سوم**

طواف نساء ..... ۴۹۶

**بخش صد و هشتاد و هفتم**

پوست قربانی ..... ۴۷۴

**بخش صد و نود و چهارم**

حکم کسی که شب هنگام در منابیتوته کند ..... ۴۹۹

**بخش صد و هشتاد و هشتم**

تراشیدن سر و کوتاه نمودن مو و ناخن ..... ۴۷۵

**بخش صد و نود و پنجم**

آمدن (از منا) به مکه بعد از زیارت طواف ..... ۵۰۱

**بخش صد و هشتاد و نهم**

حکم کسی که در انجام مناسک بخشی را تقدیم و نماید ..... ۴۸۰

**بخش صد و نود و ششم**

تکبیر در ایام تشریق ..... ۵۰۲

**بخش صد و نودم**

مواردی که برای مرد پس از تراشیدن سر پیش از زیارت بیت از لباس و عطر حلال می‌شود ..... ۴۸۲

**بخش صد و نود و هفتم**

نماز در مسجد منا و حکم کسی که در منا نماز قصر و تمام بر او واجب است .. ۵۰۵

**بخش دویست و ششم**

انجام عمره مفرده ..... ۵۳۸

**بخش دویست و هفتم**انجام عمره مفرده در ماههای حج (شوال،  
ذی قعدة و ذی حجه) ..... ۵۴۰**بخش دویست و هشتم**ماههایی که انجام عمره مفرده در آن  
مستحب است و حکم کسی که در ماهی  
به آن محرم شده و در ماه دیگر از احرام  
بیرون آمده است ..... ۵۴۲**بخش دویست و نهم**حکم قطع لبیک گفتن محرم و اعمال  
واجب بر او ..... ۵۴۵**بخش دویست و دهم**حکم کسی که در حال احرام به عمره با  
همسرش نزدیکی می کند و کفاره آن ..... ۵۴۸**بخش دویست و یازدهم**حکم کسی که به عنوان مستحب شتر  
قربانی می فرستد و خود نزد خانواده اش  
می ماند ..... ۵۵۰**بخش صد و نود و هشتم**حکم کوچ از منا؛ کوچ اول و کوچ  
دوم ..... ۵۰۹**بخش صد و نود و نهم**

فرود آمدن در زمین سنگریزه ..... ۵۱۶

**بخش دویستم**

اتمام نماز در حرم مکه و مدینه .... ۵۱۷

**بخش دویست و یکم**فضیلت نماز در مسجد الحرام و بهترین  
بقعه آن ..... ۵۲۱**بخش دویست و دوم**

ورود به کعبه ..... ۵۲۶

**بخش دویست و سوم**

وداع با کعبه ..... ۵۳۲

**بخش دویست و چهارم**استحباب صدقه به هنگام خروج از  
مکه ..... ۵۳۶**بخش دویست و پنجم**

آن چه از عمره فریضه کفایت می کند ..... ۵۳۷

واعتکاف نزد ستون‌ها ..... ۵۸۷

### بخش دویست و دوازدهم

چند روایت نکته دار ..... ۵۵۲

### بخش هشتم

زیارت ائمهٔ بقیع علیهم‌السلام ..... ۵۹۰

### بخش‌های مربوط به زیارت‌ها

(۵۶۸ - ۶۵۶)

### بخش یکم

زیارت پیامبر گرامی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ..... ۵۶۸

### بخش نهم

زیارت مشاهد و قبور شهدا ..... ۵۹۲

### بخش دوم

پیوست حج به زیارت ..... ۵۷۰

### بخش دهم

وداع با قبر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ..... ۵۹۸

### بخش سوم

فضیلت بازگشت به مدینه ..... ۵۷۲

### بخش یازدهم

حرمت مدینه ..... ۵۹۹

### بخش چهارم

ورود به مدینه، زیارت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و دعا

نزد بارگاه آن حضرت ..... ۵۷۳

### بخش دوازدهم

استراحتگاه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ..... ۶۰۳

### بخش پنجم

منبر، روضه و جایگاه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ... ۵۷۹

### بخش سیزدهم

مسجد غدیر خم ..... ۶۰۵

### بخش ششم

جایگاه جبرئیل علیه‌السلام ..... ۵۸۶

### بخش چهاردهم

[چند روایت نکته‌دار] ..... ۶۰۷

### بخش هفتم

فضیلت اقامت در مدینه، روزه داری

### بخش پانزدهم

اعمالی که در بارگاه امیر المؤمنین علیه‌السلام

انجام می‌شود ..... ۶۱۰

**بخش شانزدهم**

دعایی دیگر در کنار قبر امیرمؤمنان  
علی علیه السلام ..... ۶۱۱

**بخش هفدهم**

جایگاه سر مبارک امام حسین علیه السلام .. ۶۱۴

**بخش هیجدهم**

زیارت قبر امام حسین بن علی علیهما السلام . ۶۱۶

**بخش نوزدهم**

اعمال کنار قبر امام کاظم و امام جواد علیهما السلام  
زیاراتی که در بارگاه امامان علیهم السلام کفایت  
می کند ..... ۶۲۹

**بخش بیستم**

فضیلت زیارتها و ثواب آنها ..... ۶۳۲

**بخش بیست و یکم**

فضیلت زیارت امام حسین علیه السلام .... ۶۳۴

**بخش بیست و دوم**

فضیلت زیارت امام کاظم علیه السلام ..... ۶۴۲

**بخش بیست و سوم**

فضیلت زیارت امام رضا علیه السلام ..... ۶۴۳

**بخش بیست و چهارم**

[نماز در حرم های چهارگانه] ..... ۶۴۷

**بخش بیست و پنجم**

چند روایت نکته دار ..... ۶۵۰

(۴۹)

## بَابُ أَشْهُرِ الْحَجِّ

۱ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ مُثَنَّى الْحَنَاطِ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: «الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَعْلُومَاتٌ»: شَوَّالٌ وَ ذُو الْقَعْدَةِ وَ ذُو الْحِجَّةِ، لَيْسَ لِأَحَدٍ أَنْ يَحُجَّ فِيمَا سِوَاهُنَّ.

۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ جَمِيعاً عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: «الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَعْلُومَاتٌ فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ».

## بخش چهل و نهم

## ماههای حج

۱ - زراره گوید: امام باقر عليه السلام در تفسیر آیه شریفه ای که خدای متعال می فرماید: «مراسم حج در ماههای شناخته شده، انجام می شود» فرمود: شَوَّال، ذی قعدة و ذی حجه است که جایز نیست کسی در غیر این ماهها حج را بر خود فرض و واجب سازد.

۲ - معاویه بن عمار گوید: امام صادق عليه السلام در مورد این آیه که می فرماید: «مراسم حج در ماههای شناخته شده، انجام می شود.» (فرمود:)

وَالْفَرَضُ التَّلْبِيَّةُ وَالْإِشْعَارُ وَالتَّقْلِيدُ، فَأَيُّ ذَلِكَ فَعَلَ فَقَدْ فَرَضَ الْحَجَّ وَلَا يُفَرَضُ الْحَجُّ إِلَّا فِي هَذِهِ الشُّهُورِ الَّتِي قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَعْلُومَاتٌ» وَهُوَ شَوَّالٌ وَذُو الْقَعْدَةِ وَذُو الْحِجَّةِ.

۳ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بِإِسْنَادِهِ قَالَ:

أَشْهُرُ الْحَجِّ شَوَّالٌ وَذُو الْقَعْدَةِ وَعَشْرٌ مِنْ ذِي الْحِجَّةِ، وَأَشْهُرُ السِّيَاحَةِ عَشْرُونَ مِنْ ذِي الْحِجَّةِ وَالْمَحَرَّمِ وَصَفَرٍ وَشَهْرُ رَبِيعِ الْأَوَّلِ وَعَشْرٌ مِنْ شَهْرِ رَبِيعِ الْآخِرِ.

(۵۰)

### بَابُ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ وَالْأَصْغَرِ

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ يَوْمِ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ.

مراسم حج واجب با گفتن لبیک، یا شکافتن کوهان شتر قربانی و یا آویختن نعلین بر گردن قربانی، فرض و واجب می شود.

پس هر یک از این سه کار که صورت بگیرد، انجام مراسم حج در آن سال بر عهده حاجی واجب خواهد شد. کسی حق ندارد مراسم حج را بر خود فرض و واجب سازد، مگر در همین سه ماهی که خداوند تعالی فرموده است. این سه ماه عبارتند از: ماههای شَوَّال، ذی قعدة و ذی حجه است.

۳ - علی بن ابراهیم با سند خود نقل می کند که حضرتش فرمود:

ماههای انجام مراسم حج، شَوَّال، ذی قعدة، و ده روز از ماه ذی حجه است و ماههای سیاحت بیست روز از ذی حجه و ماه محرم، صفر، ربیع الاول و ده روز از ماه ربیع الثانی است.

### بخش پنجاهم

### حج اکبر و حج اصغر

۱ - معاویه بن عمار گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: روز حج اکبر چه روزی است؟



فَقَالَ: هُوَ يَوْمُ النَّحْرِ وَ الْحَجُّ الْأَصْغَرُ الْعُمْرَةُ.

۲- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ ذَرِيحٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

الْحَجُّ الْأَكْبَرُ يَوْمُ النَّحْرِ.

۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْقَاسَانِيِّ جَمِيعاً عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ الْمَنْقَرِيِّ عَنْ فَضِيلِ بْنِ عِيَّاضٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ، فَإِنَّ ابْنَ عَبَّاسٍ كَانَ يَقُولُ: يَوْمَ عَرَفَةَ.

فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

الْحَجُّ الْأَكْبَرُ يَوْمُ النَّحْرِ وَ يَحْتَجُّ بِقَوْلِهِ عَزَّ وَ جَلَّ: «فَسِيحُوا فِي الْأَرْضِ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَ هِيَ عَشْرُونَ مِنْ ذِي الْحِجَّةِ وَ الْمُحَرَّمِ وَ صَفَرٍ وَ شَهْرُ رَجَبٍ الْأَوَّلِ، وَ عَشْرٌ مِنْ رَجَبٍ الْآخِرِ. وَ لَوْ كَانَ الْحَجُّ الْأَكْبَرُ يَوْمَ عَرَفَةَ لَكَانَ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَ يَوْمًا.

فرمود: حج اکبر روزی است که مراسم قربانی صورت می گیرد. حج اصغر همان عمره است (که روز مشخصی ندارد).

۲- ذریح گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

حج اکبر، روز مراسم قربانی است.

۳- فضیل بن عیاض گوید: از امام صادق علیه السلام درباره حج اکبر پرسیدم، چرا که ابن عباس در مورد آن می گفت: حج اکبر روز عرفه است.

امام صادق علیه السلام فرمود: امیرمؤمنان علی صلوات الله علیه فرمود:

حج اکبر همان روز مراسم قربانی است که به گفتار خدای متعال استدلال می شود که می فرماید: «پس چهار ماه در روی زمین بگردید» که بیست روز از ذی حجه، ماه محرم، صفر، ربیع الاول و ده روز از ربیع الثانی است. اگر حج اکبر روز عرفه بود بایستی چهار ماه و یک روز بود.

(۵۱)

**بَابُ أَصْنَافِ الْحَجِّ**

- ۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ:
- الْحَجُّ ثَلَاثَةٌ أَصْنَافٍ حَجٌّ مُفْرَدٌ وَ قِرَانٌ وَ تَمَتُّعٌ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ، وَ بِهَا أَمَرَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وَ الْفَضْلُ فِيهَا وَ لَا نَأْمُرُ النَّاسَ إِلَّا بِهَا.
- ۲- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ مَنْصُورِ الصَّنِيقِلِ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:
- الْحَجُّ عِنْدَنَا عَلَى ثَلَاثَةِ أَوْجُهٍ: حَاجٌّ مُتَمَتِّعٌ، وَ حَاجٌّ مُفْرَدٌ سَائِقٌ لِلْهَدْيِ، وَ حَاجٌّ مُفْرَدٌ لِلْحَجِّ.

**بخش سوم****انواع حج**

- ۱- معاویة بن عمار گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می فرمود:
- حج بر سه گونه است: حج مفرد، حج قران و حج به اضافه عمره که رسول خدا صلى الله عليه وآله به آن فرمان داده و همان فضیلت دارد. ما مردم را به همین نوع حج تمتع فرمان می دهیم.
- ۲- منصور صیقِل گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:
- حج در نزد ما به سه گونه انجام می پذیرد: حج به اضافه عمره تمتع، حج افراد با قربانی و حج افراد خالص (یعنی بدون عمره و بدون قربانی).

- ۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْخَزَّازِ قَالَ:  
سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: أَيُّ أَنْوَاعِ الْحَجِّ أَفْضَلُ؟  
فَقَالَ: التَّمَتُّعُ. وَكَيْفَ يَكُونُ شَيْءٌ أَفْضَلَ مِنْهُ وَرَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله يَقُولُ: لَوْ  
اسْتَقْبَلْتُ مِنْ أَمْرِي مَا اسْتَدْبَرْتُ لَفَعَلْتُ مِثْلَ مَا فَعَلَ النَّاسُ.
- ۴- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ مُعَاوِيَةَ  
بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:  
مَا نَعْلَمُ حَجًّا لِلَّهِ غَيْرَ الْمُتَمَتُّعِ إِنَّا إِذَا لَقِينَا رَبَّنَا قُلْنَا: رَبَّنَا عَمِلْنَا بِكِتَابِكَ وَ سُنَّةِ  
نَبِيِّكَ، وَ يَقُولُ الْقَوْمُ: عَمِلْنَا بِرَأْيِنَا. فَيَجْعَلُنَا اللَّهُ وَإِيَّاهُمْ حَيْثُ يَشَاءُ.
- ۵- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ أَبِي  
جَعْفَرٍ الثَّانِي عليه السلام قَالَ:  
كَانَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام يَقُولُ:

۳- ابو ایوب خزّاز گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: کدام یک از انواع حج فضیلت بیشتری دارد؟

فرمود: حج تمتّع فضیلت بیشتری دارد. چگونه امکان دارد که حجّی برتر از حج تمتّع باشد در حالی که رسول خدا صلی الله علیه و آله آرزو می‌کرد و می‌فرمود: اگر من امروز شروع می‌کردم به آن چه تاکنون انجام داده‌ام، حج خود را به همان صورتی انجام می‌دادم که مردم انجام می‌دهند (که عمره خود را با حج تمتّع انجام می‌دهند).

۴- معاویه بن عمار گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

حجّی که مورد قبول خداوند است جز حج تمتّع نیست. هنگامی که ما پروردگار خود را ملاقات کنیم می‌گوییم: پروردگارا! ما به کتاب تو و سنت پیامبرت عمل نمودیم. و این مردم گویند: ما به نظر خود عمل نمودیم. آن گاه خداوند ما و آنها را در هر جایگاهی که بخواهد، قرار می‌دهد.

۵- احمد بن محمد بن ابی نصر گوید: امام جواد عليه السلام فرمود:

امام باقر عليه السلام همواره می‌فرمود:

الْمُتَمَتِّعُ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ أَفْضَلُ مِنَ الْمُفْرِدِ السَّائِقِ لِلْهَدْيِ.  
وَ كَانَ يَقُولُ: لَيْسَ يَدْخُلُ الْحَاجُّ بِشَيْءٍ أَفْضَلَ مِنَ الْمُتَمَتِّعَةِ.

۶- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَرَّارٍ عَنْ يُونُسَ عَنْ مُعَاوِيَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

مَنْ حَجَّ فَلْيَتَمَتَّعْ إِنَّا لَا نَعْدِلُ بِكِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ سُنَّةِ نَبِيِّهِ صلی اللہ علیہ وسلم.  
۷- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ وَ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ صَفْوَانَ الْجَمَّالِ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِنَّ بَعْضَ النَّاسِ يَقُولُ: جَرَّدُ الْحَجِّ. وَ بَعْضُ النَّاسِ يَقُولُ: أَفْرَنُ وَ سُقُ، وَ بَعْضُ النَّاسِ يَقُولُ: تَمَتَّعُ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ. فَقَالَ: لَوْ حَجَجْتُ أَلْفَ عَامٍ لَمْ أَفْرُنْهَا إِلَّا مُتَمَتِّعًا.  
۸- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَدِيدٍ قَالَ:

کسی کہ حج تمتع انجام می دهد، برتر از کسی است که حج مفرد را با قربانی انجام می دهد. حضرتش همواره می فرمود: برای حاجی چیزی بهتر از حج تمتع نیست.  
۶- معاویة (بن عمار) گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هر کس عازم حج می شود، باید به حج تمتع بپردازد. ما فرمان کسی را با فرمان کتاب خدا و فرمان سنت پیامبر او برابر نمی دانیم.

۷- صفوان جمال گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: برخی از مردم می گویند: حج خالص به جا بیاور. برخی دیگر گویند: قربانی با خود بیاور و برخی دیگر می گویند: عمره تمتع به جا بیاور و بعد از عمره به حج بپرداز.

امام صادق عليه السلام فرمود: اگر من هزار سال به حج بروم، جز با حج تمتع به خانه خدا نزدیک نمی شوم.

۸- علی بن حدید گوید:

كَتَبَ إِلَيْهِ عَلِيُّ بْنُ مُيَسِّرٍ يَسْأَلُهُ عَنْ رَجُلٍ اعْتَمَرَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ ثُمَّ حَضَرَ لَهُ  
الْمَوْسِمَ أَوْ يَحُجُّ مُفْرِدًا لِلْحَجِّ أَوْ يَتَمَتَّعُ؟ أَيُّهُمَا أَفْضَلُ؟  
فَكَتَبَ إِلَيْهِ: يَتَمَتَّعُ أَفْضَلُ.

۹ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ قَالَ:  
سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الْحَجِّ.  
فَقَالَ: تَمَتَّعُ.

ثُمَّ قَالَ: إِنَّا إِذَا وَقَفْنَا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ قُلْنَا: يَا رَبِّ! أَخَذْنَا بِكِتَابِكَ وَ سُنَّةِ  
نَبِيِّكَ، وَ قَالَ النَّاسُ: رَأَيْنَا بَرَأِينَا.

۱۰ - مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَفْصِ بْنِ  
الْبُخْتَرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:  
الْمُتَمَتُّعُ وَ اللَّهُ أَفْضَلُ وَ بِهَا نَزَلَ الْقُرْآنُ وَ جَرَتْ السُّنَّةُ.

علی بن میسر طی نامه ای به امام علیه السلام این گونه نوشت: شخصی در ماه رمضان عمره به  
جا آورده است، آن گاه موسم حج فرا رسیده است، آیا حج مفرد انجام دهد یا حج تمتع؟  
کدام برتر است؟

حضرتش در پاسخ نوشت: حج تمتع انجام دهد برتر است.

۹ - حلبی گوید: از امام صادق علیه السلام درباره حج پرسیدم.

فرمود: حج تمتع به جا آور.

آن گاه فرمود: هنگامی که ما در پیشگاه خدای تعالی بایستیم، می گوییم: پروردگارا! ما از  
کتاب تو و سنت پیامبر تو پیروی کردیم و مردم می گویند: ما طبق نظر خود عمل نمودیم.

۱۰ - حفص بن بختری گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

به خدا سوگند! حج تمتع فضیلت بیشتری دارد. آیه قرآن به حج تمتع نازل شده و سنت  
به حج تمتع جاری گشته است.

۱۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَصْرِ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام فِي السَّنَةِ الَّتِي حَجَّ فِيهَا وَ ذَلِكَ فِي سَنَةِ اثْنَتَيْ عَشْرَةَ وَمِائَتَيْنِ، فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! بِأَيِّ شَيْءٍ دَخَلْتَ مَكَّةَ مُفْرِدًا أَوْ مُتَمَتِّعًا؟ فَقَالَ: مُتَمَتِّعًا.

فَقُلْتُ لَهُ: أَيُّمَا أَفْضَلُ؟ الْمُتَمَتِّعُ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ، أَوْ مَنْ أَفْرَدَ وَ سَاقَ الْهَدْيَ؟ فَقَالَ: كَانَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام يَقُولُ: الْمُتَمَتِّعُ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ أَفْضَلُ مِنَ الْمُفْرِدِ السَّائِقِ لِلْهَدْيِ.

وَ كَانَ يَقُولُ: لَيْسَ يَدْخُلُ الْحَاجُّ بِشَيْءٍ أَفْضَلَ مِنَ الْمُتَمَتِّعِ.

۱۲ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ ابْنِ مُسْكَانٍ عَنْ عَبْدِ الْمَلِكِ بْنِ عَمْرٍو أَنَّهُ سَأَلَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ التَّمَتُّعِ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ.

۱۱ - احمد بن محمد بن ابی نصر گوید: سال دویست و دوازده هجری امام جواد عليه السلام به حج خانه خدا مشرف بود. من به حضرتش عرض کردم: قربانت گردم! شما با چه تیتی به حج آمده اید؟ با تیت حج خالص یا حج تمتع؟ فرمود: با تیت حج تمتع.

گفتم: کدام یک برتر است؟ آن کسی که حج تمتع به جا می آورد، یا آن کسی که فقط به مراسم حج می پردازد و قربانی با خود می آورد؟ فرمود: امام باقر عليه السلام همواره می فرمود: «حج و عمره تمتع برتر از حج بی عمره و آوردن قربانی است».

و آن حضرت همواره می فرمود: «هیچ انجام دهنده حجی به حج خانه خدا مشرف نمی شود که از حاجیان حج تمتع برتر باشد».

۱۲ - عبدالمک بن عمرو گوید: از امام صادق عليه السلام در مورد حج و عمره تمتع پرسیدم.

فَقَالَ: تَمَتَّعَ.

قَالَ: فَقَضَى أَنَّهُ أَفْرَدَ الْحَجَّ فِي ذَلِكَ الْعَامِ أَوْ بَعْدَهُ.

فَقُلْتُ: أَصْلَحَكَ اللَّهُ! سَأَلْتُكَ فَأَمَرْتَنِي بِالتَّمَتُّعِ وَارَأَيْتَ قَدْ أَفْرَدْتَ الْحَجَّ الْعَامَ؟  
فَقَالَ: أَمَّا وَاللَّهِ، إِنَّ الْفَضْلَ لَفِي الَّذِي أَمَرْتُكَ بِهِ وَ لَكِنِّي ضَعِيفٌ فَشَقَّ عَلَيَّ  
طَوَافَانِ بَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ فَلِذَلِكَ أَفْرَدْتُ الْحَجَّ.

۱۳ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ  
سُوَيْدٍ عَنْ يَحْيَى الْحَلَبِيِّ عَنْ عَمِّهِ عُبَيْدِ اللَّهِ أَنَّهُ قَالَ:  
سَأَلَ رَجُلٌ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام وَأَنَا حَاضِرٌ فَقَالَ: إِنِّي اعْتَمَرْتُ فِي الْحَرَمِ وَقَدِمْتُ  
الآنَ مُتَمَتِّعًا.

فَسَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: نِعْمَ مَا صَنَعْتَ. إِنَّا لَا نَعْدِلُ بِكِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ  
وَسُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فَإِذَا بَعَثْنَا رَبَّنَا أَوْ وَرَدْنَا عَلَى رَبِّنَا قُلْنَا: يَا رَبِّ! أَخَذْنَا بِكِتَابِكَ  
وَسُنَّةِ نَبِيِّكَ صلی الله علیه و آله، وَقَالَ النَّاسُ: رَأَيْنَا رَأَيْنَا. فَصَنَعَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِنَا وَ بِهِمْ مَا شَاءَ.

فرمود: حج تمتع به جا آور.

راوی گوید: زمان گذشت و آن حضرت در آن سال یا بعد از آن، حج افراد به جا آورد.  
عرض کردم: خداوند کارهای شما را اصلاح نماید! من از شما در مورد نیت حج پرسیدم،  
به من دستور دادید که حج تمتع به جا آورم، اکنون شما حج افراد انجام می‌دهید؟  
فرمود: هان سوگند به خدا! برترین حج همان است که به تو دستور دادم، ولی من ناتوان  
شده‌ام و انجام دو طواف بین صفا و مروه برای من سخت است. از این رو حج افراد انجام می‌دهم.  
۱۳ - عبیدالله حلبی گوید: من در حضور امام صادق عليه السلام بودم که یک نفر پرسید: من در ماه  
حرام به نیت عمره احرام بسته‌ام و اینک به قصد حج تمتع وارد شده‌ام. (کار من صحیح است؟)  
پس شنیدم که امام صادق عليه السلام به او فرمود: کار بسیار خوبی کرده‌ای. ما اهل بیت، فرمان  
کتاب خدا و رسول خدا صلی الله علیه و آله را با فرمان هیچ‌کسی برابر نمی‌دانیم. هنگامی که (روز  
رستاخیز) پروردگار ما، همه ما را برانگیزد و در برابر او بایستیم، ما می‌گوییم: بار پروردگار!  
ما به فرمان کتاب تو و سنت رسولت چنگ زدیم.

و اهل تسنن خواهند گفت: ما چنین تصوّر کردیم و به نظر خود عمل نمودیم.  
در آن روز خداوند تبارک و تعالی آن طور که بخواهد با ما و آنان رفتار خواهد کرد.

- ۱۴- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُؤَيْدٍ عَنْ دُرُسْتٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَضْلِ الْهَاشِمِيِّ قَالَ: دَخَلْتُ مَعَ إِخْوَتِي عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَقُلْنَا: إِنَّا نُرِيدُ الْحَجَّ وَبَعْضُنَا صَرُورَةٌ. فَقَالَ: عَلَيْكُمْ بِالتَّمَتُّعِ، فَإِنَّا لَا نَتَّقِي فِي التَّمَتُّعِ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ سُلْطَانًا وَاجْتِنَابَ الْمُسْكِرِ وَالْمَسْحِ عَلَى الْخَفَيْنِ.
- ۱۵- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِنِّي اعْتَمَرْتُ فِي رَجَبٍ وَأَنَا أُرِيدُ الْحَجَّ أَفَأَسُوقُ الْهَدْيَ وَأُفْرِدُ الْحَجَّ أَوْ أَتَمَتُّعُ. فَقَالَ: فِي كُلِّ فَضْلٍ وَكُلِّ حَسَنٍ. قُلْتُ: فَأَيُّ ذَلِكَ أَفْضَلُ؟ فَقَالَ: تَمَتُّعٌ هُوَ وَاللَّهُ أَفْضَلُ.

- ۱۴- محمد بن فضل هاشمی گوید: من با برادرانم خدمت امام صادق عليه السلام شرف یاب شدیم و گفتیم: ما عازم حج شده ایم و برخی از ما برای نوبت اول به حج می رویم. با چه تبتی عازم شویم؟
- فرمود: بر شما باد به حج تمتع. ما خاندان پیامبر درباره حج و عمره تمتع، پرهیز از مسکرات و مسح کشیدن بر پشت پاها از هیچ سلطان و قدرتی واهمه نداریم.
- ۱۵- معاویه بن عمار گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: من در سال جاری ماه رجب به عمره رفته ام، و اینک عازم حج گشته ام. آیا با خودم قربانی ببرم و حج بی عمره به جا آورم؟ یا این که از نو به تبت عمره احرام ببندم و حج تمتع به جا آورم؟
- فرمود: در هر کدام، فضیلتی است و هر دو خوب و بهتر است.
- گفتم: کدام یک فضیلت بیشتری دارد؟
- فرمود: به تبت عمره و حج تمتع احرام ببند. به خدا سوگند! حج تمتع بهتر است.



ثُمَّ قَالَ: إِنَّ أَهْلَ مَكَّةَ يَقُولُونَ: إِنَّ عُمْرَتَهُ عِرَاقِيَّةٌ وَحَجَّتَهُ مَكِّيَّةٌ، كَذَبُوا أَوْ لَيْسَ هُوَ مُرْتَبِطاً بِحَجِّهِ لَا يَخْرُجُ حَتَّى يَقْضِيَهُ.

ثُمَّ قَالَ: إِنِّي كُنْتُ أَخْرَجُ لِلَّيْلَةِ أَوْ لِلْيَلَتَيْنِ تَبَقِيَانِ مِنْ رَجَبٍ، فَتَقُولُ أُمُّ فَرْوَةَ: أَيُّ أَبْنَاهُ! إِنَّ عُمْرَتَنَا شَعْبَانِيَّةٌ، وَأَقُولُ لَهَا: أَيُّ بَنِيَّةٍ! إِنَّهَا فِيمَا أَهْلَلْتُ وَ لَيْسَتْ فِيمَا أَهْلَلْتُ.

۱۶ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ صَفْوَانَ الْجَمَّالِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

مَنْ لَمْ يَكُنْ مَعَهُ هَذِي وَأَفْرَدَ رَغْبَةً عَنِ الْمُتَمَتِّعِ فَقَدْ رَغِبَ عَنْ دِينِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ.

۱۷ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِنَّهُمْ يَقُولُونَ فِي حَجَّةِ الْمُتَمَتِّعِ: حَجُّهُ مَكِّيَّةٌ وَ عُمْرَتُهُ عِرَاقِيَّةٌ.

آن گاه حضرتش فرمود: مردم مکه درباره ما می گویند: عمره اینان عمره عراقی و حج آنان حج مکی است. اینان دروغ می گویند. مگر عراقی پایبند حج نیست که نمی تواند از حرم خارج شود تا موقعی که حج خود را نیز به پایان برساند؟

سپس حضرتش فرمود: من شب بیست و نهم یا بیست و هشتم ماه رجب برای عمره احرام بستم. اُم فروه گفت: پدر جان! عمره ما عمره ماه شعبان خواهد بود.

گفتم: دخترم! عمره ما به حساب آن ماهی حساب می شود که لَبِیک گفته ایم، نه آن ماهی که از لباس احرام خارج می شویم.

۱۶ - صفوان جمال گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هر که قربانی با خود نیاورد و به جهت روی گردانی از حج تمتع، حج افراد به جا آورد، در واقع از دین خداوند تعالی روی گردان شده است.

۱۷ - معاویه (بن عمار) گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: اهل تسنن درباره کسی که حج

تمتع به جا می آورد می گویند: حج او مکی و عمره او عراقی است.

فَقَالَ: كَذَبُوا. أَوْ لَيْسَ هُوَ مُرْتَبِطًا بِحَجَّتِهِ لَا يَخْرُجُ مِنْهَا حَتَّى يَقْضِيَ حَجَّتَهُ؟  
 ۱۸ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ عَبْدِ الْمَلِكِ بْنِ  
 أَعْيَنَ قَالَ:

حَجَّ جَمَاعَةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا فَلَمَّا قَدِمُوا الْمَدِينَةَ دَخَلُوا عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام،  
 فَقَالُوا: إِنَّ زُرَّارَةَ أَمَرْنَا أَنْ نُهْلَ بِالْحَجِّ إِذَا أَحْرَمْنَا.  
 فَقَالَ لَهُمْ: تَمَتَّعُوا.

فَلَمَّا خَرَجُوا مِنْ عِنْدِهِ دَخَلْتُ عَلَيْهِ فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! لَئِنْ لَمْ تُخْبِرْهُمْ بِمَا  
 أَخْبَرْتَ زُرَّارَةَ لَنَأْتِيَنَّ الْكُوفَةَ وَ لَنُضْبِحَنَّ بِهِ كُذَّابًا.  
 فَقَالَ: رُدُّهُمْ.

فَدَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالَ: صَدَقَ زُرَّارَةُ.  
 ثُمَّ قَالَ: أَمَّا وَاللَّهِ، لَا يَسْمَعُ هَذَا بَعْدَ هَذَا الْيَوْمَ أَحَدٌ مِنِّي.

فرمود: دروغ گفته‌اند. مگر کسی که عمره تمتع به جا می‌آورد، پایینند حج تمتع نیست که  
 تا حج خود را تکمیل نکند، حق ندارد از حرم خارج شود؟  
 ۱۸ - عبدالمکمل بن اعین گوید: گروهی از اصحاب ما عازم حج بودند. هنگامی که به  
 مدینه رسیدند، خدمت امام باقر علیه السلام شرف‌یاب شدند و گفتند: زرارہ به ما گفته که در موقع  
 احرام به عزم حج لبیک بگوییم.

حضرتش به آنان فرمود: به عزم حج تمتع لبیک بگویید.  
 وقتی از خدمت امام باقر علیه السلام خارج شدند و این خبر را آوردند، من به خدمت رسیدم و  
 گفتم: قربانت گردم! اگر آن چه را به برادر زرارہ گفته‌ای به اینان بازگو نکنی، فردا که ما وارد  
 کوفه شویم، همه مردم خاندان اعین را دروغگو می‌خوانند.  
 امام باقر علیه السلام فرمود: آنان را بازگردان.

وقتی که آنان مجدداً به خدمت امام باقر علیه السلام شرف‌یاب شدند، حضرتش به آنان فرمود:  
 زرارہ راست گفته است.

سپس امام باقر علیه السلام فرمود: هان به خدا سوگند! از امروز به بعد، دیگر هیچ کس این سخن  
 را از من نخواهد شنید.

(۵۲)

### بَابُ مَا عَلَى الْمُتَمَتِّعِ مِنَ الطَّوَافِ وَ السَّعْيِ

- ۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ صَفْوَانَ جَمِيعاً عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: عَلَى الْمُتَمَتِّعِ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ ثَلَاثَةُ أَطْوَافٍ بِالْبَيْتِ، وَ سَعْيَانِ بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ وَ عَلَيْهِ إِذَا قَدِمَ مَكَّةَ طَوَافٌ بِالْبَيْتِ وَ رَكْعَتَانِ عِنْدَ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ عليه السلام وَ سَعْيٍ بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ، ثُمَّ يُقْصَرُ وَ قَدْ أَحَلَّ هَذَا لِلْعُمْرَةِ وَ عَلَيْهِ لِلْحَجِّ طَوَافَانِ وَ سَعْيٍ بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ، وَ يُصَلِّي عِنْدَ كُلِّ طَوَافٍ بِالْبَيْتِ رَكْعَتَيْنِ عِنْدَ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ عليه السلام.
- ۲ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ ابْنِ مُسْكَانٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

### بخش پنجاه و دوم

### واجبات حج تمتع

۱ - معاویه بن عمار گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

کسی که حج و عمره تمتع به جا می آورد، باید سه نوبت دور خانه کعبه طواف کند و دو نوبت بین صفا و مروه سعی کند، به این صورت که در آغاز ورود به مکه، یک نوبت طواف کند، پس از آن دو رکعت نماز طواف پشت مقام ابراهیم عليه السلام بخواند. بعد بین صفا و مروه سعی کند، سپس موی یا ناخن خود را بچیند و از احرام خارج شود. این مراسم ویژه عمره است. برای حج تمتع نیز، باید دو نوبت دور خانه طواف کند و یک نوبت بین صفا و مروه سعی کند. و بعد از هر طواف، دو رکعت نماز طواف در پشت مقام ابراهیم عليه السلام بخواند.

۲ - ابو بصیر گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

الْمُتَمَتِّعُ عَلَيْهِ ثَلَاثَةُ أَطْوَافٍ بِالْبَيْتِ، وَ طَوَافَانِ بَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ وَ قَطْعُ التَّلْبِيَةِ مِنْ مُتَعَتِهِ إِذَا نَظَرَ إِلَى بُيُوتِ مَكَّةَ وَ يُحْرَمُ بِالْحَجِّ يَوْمَ التَّرْوِيَةِ وَ يَقْطَعُ التَّلْبِيَةَ يَوْمَ عَرَفَةَ حِينَ تَزُولُ الشَّمْسُ.

۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ جَمِيعاً عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَفْصِ بْنِ الْبَخْتَرِيِّ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

عَلَى الْمُتَمَتِّعِ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ ثَلَاثَةُ أَطْوَافٍ بِالْبَيْتِ وَ يُصَلِّي لِكُلِّ طَوَافٍ رَكْعَتَيْنِ وَ سَعْيَانِ بَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ.

کسی که حج و عمره تمتع انجام می دهد بایستی سه نوبت دور خانه خدا طواف کند و دو نوبت بین صفا و مروه سعی کند و چنین فردی هنگامی که خانه های مکه را دید تلبیه را قطع کند و برای حج در روز ترویہ احرام ببندد و در روز عرفه هنگام ظهر تلبیه را قطع نماید.

۳- منصور بن حازم گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

کسی که حج و عمره تمتع به جا آورد، باید سه نوبت دور خانه کعبه طواف کند و برای هر طوافی دو رکعت نماز بخواند، و دو نوبت بین صفا و مروه سعی کند.

(۵۳)

## بَابُ صِفَةِ الْإِقْرَانِ وَ مَا يَجِبُ عَلَى الْقَارِنِ

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَفْصِ بْنِ الْبَخْتَرِيِّ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَا يَكُونُ الْقَارِنُ إِلَّا بِسِيَاقِ الْهَدْيِ وَ عَلَيْهِ طَوَافَانِ بِالْبَيْتِ وَ سَعْيٌ بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ، كَمَا يَفْعَلُ الْمُفْرَدُ لَيْسَ بِأَفْضَلَ مِنَ الْمُفْرَدِ إِلَّا بِسِيَاقِ الْهَدْيِ.

۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

الْقَارِنُ لَا يَكُونُ إِلَّا بِسِيَاقِ الْهَدْيِ وَ عَلَيْهِ طَوَافٌ بِالْبَيْتِ وَ رَكَعَتَانِ عِنْدَ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَ سَعْيٌ بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ وَ طَوَافٌ بَعْدَ الْحَجِّ وَ هُوَ طَوَافُ النِّسَاءِ.

۳ - عَلِيُّ بْنُ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

## بخش پنجاه و سوم

## چگونگی حج قران و واجبات آن

۱ - منصور بن حازم گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

حجّ قران انجام نمی پذیرد مگر با همراه بودن قربانی از محلّ احرام؛ به این صورت که باید دو نوبت دور خانه کعبه طواف کند و یک نوبت بین صفا و مروه سعی نماید، مانند حج افراد - که نه عمره دارد و نه قربانی - حج قران برتر از حج افراد نیست مگر به جهت همراه بودن قربانی.

۲ - معاویه بن عمار گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

کسی به حجّ قران نمی رسد، جز با همراه بودن قربانی. در این حج، یک نوبت باید دور خانه کعبه طواف کند، سپس در پشت مقام ابراهیم علیه السلام دو رکعت نماز طواف بخواند، سپس بین صفا و مروه سعی کند و در پایان یک نوبت دیگر دور خانه طواف کند، که همان طواف نساء است.

۳ - عبدالله بن سنان گوید:

قُلْتُ لَهُ: إِنِّي سَقْتُ الْهَدْيَ وَ قَرَنْتُ؟  
 قَالَ: وَلِمَ فَعَلْتَ ذَلِكَ؟ التَّمَتُّعُ أَفْضَلُ؟  
 ثُمَّ قَالَ: يُجْزِئُكَ فِيهِ طَوَافُ بِالْبَيْتِ وَ سَعْيُ بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ وَاحِدٌ.  
 وَ قَالَ: طُفْ بِالْكَعْبَةِ يَوْمَ النَّحْرِ.

(۵۴)

### بَابُ صِفَةِ الْإِشْعَارِ وَ التَّقْلِيدِ

۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِنِّي قَدْ اشْتَرَيْتُ بَدَنَةً فَكَيْفَ أَصْنَعُ بِهَا؟  
 فَقَالَ: أَنْطَلِقُ حَتَّى تَأْتِيَ مَسْجِدَ الشَّجَرَةِ فَأَفْضُ عَلَيْكَ مِنَ الْمَاءِ وَ الْبَسْ ثَوْبَيْكَ  
 ثُمَّ أَنْخِهَا مُسْتَقْبِلَ الْقِبْلَةِ ثُمَّ ادْخُلِ الْمَسْجِدَ فَصَلِّ ثُمَّ افْرَضْ بَعْدَ صَلَاتِكَ ثُمَّ  
 أَخْرِجْ إِلَيْهَا فَأَشْعِرْهَا مِنَ الْجَانِبِ الْأَيْمَنِ مِنْ سَنَامِهَا. ثُمَّ قُلْ:

به امام صادق عليه السلام گفتم: من قربانی آورده‌ام تا حج قرآن به جا آورم.  
 فرمود: چرا این کار را کرده‌ای؟ حج تمتع بهتر از حج قرآن است.  
 سپس فرمود: در صورت حج قرآن، کافی است که روز ورود به مکه یک نوبت دور خانه  
 طواف کنی و بعد یک نوبت بین صفا و مروه سعی کنی.  
 حضرتش فرمود: در روز عید قربان، یک نوبت دیگر دور خانه طواف کن.

### بخش پنجاه و چهارم چگونگی علامت گذاری به قربانی

۱ - یونس بن یعقوب گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: من یک شتر قربانی خریده‌ام تا حج  
 قرآن به جا آورم. چگونه آن را علامت بگذارم؟  
 فرمود: حرکت کن تا به مسجد شجره برسی. در آن جا غسل کن و دو لباس احرامت را بر  
 تن کن و شتر قربانی را رو به قبله بخوابان سپس وارد مسجد شو و نماز بخوان، سپس بعد از  
 نماز نیت کن سپس به سوی شتر برو و سمت راست کوهان شتر را با کارد، خون آلود کن.  
 آن گاه بگو:

«بِسْمِ اللَّهِ اللَّهُمَّ مِنْكَ وَلَكَ، اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي».

ثُمَّ انْطَلِقْ حَتَّى تَأْتِيَ الْبَيْدَاءَ فَلَبَّهْ.

۲ - الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبَانَ عَنْ مُحَمَّدٍ الْحَلَبِيِّ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ تَجْلِيلِ الْهَدْيِ وَتَقْلِيدِهَا.

فَقَالَ: لَا تُبَالِي أَيِّ ذَلِكَ فَعَلْتَ.

وَسَأَلْتُهُ عَنْ إِشْعَارِ الْهَدْيِ.

فَقَالَ: نَعَمْ مِنَ الشَّقِّ الْأَيْمَنِ.

فَقُلْتُ: مَتَى تُشْعِرُهَا؟

قَالَ: حِينَ تُرِيدُ أَنْ تُحْرِمَ.

۳ - أَبَانٌ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ وَ زُرَّارَةَ قَالَا:

«به نام خدا، بارخدا یا! این قربانی مال توست و برای توست. بار خدایا! از من بپذیر»

بعد، حرکت کن تا به وادی بیداء برسی. (موقعی که به وادی بیداء رسیدی) بگو:

«لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ».

۲ - مُحَمَّدٌ حَلَبِيٌّ گوید: از امام صادق عليه السلام در مورد علامت‌گذاری و آویختن نعلین از

گردن قربانی پرسیدم.

فرمود: مشکلی ندارد که چگونه انجام دهی.

از حضرتش در مورد علامت‌گذاری پرسیدم.

فرمود: آری می‌توان از سمت راست قربانی انجام داد.

عرض کردم: کی علامت‌گذاری کنیم؟

فرمود: آن‌گاه که می‌خواهی احرام ببندی.

۳ - عبدالرحمان وزراره گویند:

سَأَلْنَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْبُذْنِ كَيْفَ تُشَعَّرُ وَ مَتَى يُحْرَمُ صَاحِبُهَا؟ وَ مِنْ أَيِّ جَانِبٍ تُشَعَّرُ؟ وَ مَعْقُولَةٌ تُنَحَّرُ أَوْ بَارَكَةٌ؟

فَقَالَ: تُنَحَّرُ مَعْقُولَةٌ وَ تُشَعَّرُ مِنَ الْجَانِبِ الْأَيْمَنِ.

۴ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْبُذْنِ كَيْفَ تُشَعَّرُ؟ قَالَ: تُشَعَّرُ وَ هِيَ مَعْقُولَةٌ وَ تُنَحَّرُ وَ هِيَ قَائِمَةٌ تُشَعَّرُ مِنْ جَانِبِهَا الْأَيْمَنِ وَ يُحْرَمُ صَاحِبُهَا إِذَا قُلِدَتْ وَ أُشْعِرَتْ.

۵ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِذَا كَانَتِ الْبُذْنُ كَثِيرَةً قَامَ فِيمَا بَيْنَ ثَنَتَيْنِ ثُمَّ أُشْعِرَ الْيُمْنَى ثُمَّ الْيُسْرَى وَ لَا يُشْعِرُ أَبَدًا حَتَّى يَتَهَيَّأَ لِلْإِحْرَامِ لِأَنَّهُ إِذَا أُشْعِرَ وَ قُلِدَ وَ جَلَّلَ وَجَبَ عَلَيْهِ الْإِحْرَامُ وَ هِيَ بِمَنْزِلَةِ التَّلْبِيَةِ.

از امام صادق ع پرسیدیم: چگونه قربانی علامت گذاری شود؟ و صاحب قربانی چه هنگامی احرام ببندد؟ از کدام سمت قربانی علامت گذاری می شود؟ آیا شتر بسته شده نحر می شود یا خوابانیده شود؟

فرمود: پای شتر را بسته و نحر می شود و از سمت راست کوهان علامت گذاری می شود.

۴ - عبدالله بن سنان گوید: از امام صادق ع پرسیدم: شتر قربانی به چه صورت علامت گذاری می شود؟

فرمود: خوابیده و پا بسته علامت گذاری می شود و ایستاده نحر می شود. علامت گذاری در سمت راست کوهان صورت می گیرد و صاحب قربانی از همان لحظه که برگردن گوسفند قربانی نعلین بیاویزد، یا کوهان شتر را زخمی کند، در حال احرام خواهد بود.

۵ - جمیل بن درّاج گوید: امام صادق ع فرمود:

هرگاه قربانی بسیار شد، صاحب قربانی بین دو قربانی می ایستد آن گاه شتر سمت راستی را علامت گذاری کند، سپس شتر سمت چپی را و دیگر هرگز علامت گذاری نمی کند تا آماده احرام شود، چرا که هنگامی که علامت گذاری کرد و نعلین از گردن قربانی آویخت احرام بر او واجب می شود، و این عمل به سان تلبیه است.



۶- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:  
الْبُذْنُ تُشَعَّرُ مِنَ الْجَانِبِ الْأَيْمَنِ وَ يَقُومُ الرَّجُلُ فِي جَانِبِ الْأَيْسَرِ ثُمَّ يُقَلِّدُهَا  
بَنَعْلٍ خَلَقَ قَدْ صَلَّى فِيهَا.

(۵۵)

### بَابُ الْإِفْرَادِ

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:  
الْمُفْرَدُ بِالْحَجِّ عَلَيْهِ طَوَافٌ بِالْبَيْتِ وَ رَكَعَتَانِ عِنْدَ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ سَعْيٍ بَيْنَ  
الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ وَ طَوَافُ الزِّيَارَةِ وَ هُوَ طَوَافُ النِّسَاءِ وَ لَيْسَ عَلَيْهِ هَدْيٌ وَ لَا  
أُضْحِيَّةٌ.

۶- معاویه بن عمار گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:  
شتر قربانی را از سمت راست، علامت می گذارند. صاحب قربانی باید در سمت چپ  
به ایستد و علامت بگذارد، سپس یک جفت نعلین کهنه که در آن نماز خوانده باشد، به  
کردن شتر بیاویزد.

### بخش پنجاه و پنجم

#### واجبات حج افراد

۱- معاویه بن عمار گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:  
کسی که حج افراد به جا می آورد، باید (در ابتدای ورود به مسجدالحرام) یک نوبت  
دور خانه کعبه طواف کند، دو رکعت نماز طواف در پشت مقام ابراهیم علیه السلام بخواند و یک  
نوبت بین صفا و مروه سعی کند و (بعد از عرفات و منا) یک نوبت دیگر نیز دور خانه  
طواف کند که همان طواف زیارت است و این همان طواف نساء است. کسی که حج افراد  
به جا می آورد، روز عید قربان، نه قربانی واجب دارد و نه قربانی مستحب.

قَالَ: وَ سَأَلْتُهُ عَنِ الْمُفْرِدِ لِلْحَجِّ هَلْ يَطُوفُ بِالْبَيْتِ بَعْدَ طَوَافِ الْفَرِيضَةِ؟  
قَالَ: نَعَمْ مَا شَاءَ وَ يُجَدِّدُ التَّلْبِيَةَ بَعْدَ الرَّكْعَتَيْنِ، وَ الْقَارِئُ بِتِلْكَ الْمَنْزِلَةِ يَعْقِدَانِ مَا  
أَحَلَّ مِنَ الطَّوَافِ بِالتَّلْبِيَةِ.

(۵۶)

### بَابُ فِيمَنْ لَمْ يَنْوِ الْمُتَعَةَ

- ۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ:  
سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ لَبَّى بِالْحَجِّ مُفْرِدًا فَقَدِمَ مَكَّةَ وَ طَافَ بِالْبَيْتِ وَ  
صَلَّى رَكْعَتَيْنِ عِنْدَ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ عليه السلام وَ سَعَى بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ.  
قَالَ: فَلْيَحِلَّ وَ لِيُجْعَلْهَا مُتَعَةً إِلَّا أَنْ يَكُونَ سَاقِ الْهَدْيِ.
- ۲ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ فَضَالٍ عَنْ ابْنِ  
بَكَيْرٍ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام يَقُولُ:

راوی گوید: از حضرتش سؤال کردم: کسی که حج افراد به جا می آورد، بعد از طواف  
اول، باز هم می تواند دور خانه طواف کند؟  
فرمود: آری، هر چند که مایل باشد می تواند طواف کند، ولی بعد از خواندن دو رکعت  
نماز طواف، بلافاصله باید از نو لبیک بگوید. کسی که حج قرآن به جا می آورد نیز همین حکم را  
دارد، چرا که در هر دو مورد با گفتن لبیک، احرام خود را تحکیم می کنند، و با طواف خانه  
کعبه، از احرام آزاد می شوند.

### بخش پنجاه و ششم

#### حکم کسی که تیت حج تمتع نمی کند

- ۱ - معاویة بن عمار گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: اگر کسی در موقع احرام به عزم  
حج افراد لبیک بگوید و بعد از ورود به مکه طواف کند و در مقام ابراهیم عليه السلام نماز طواف  
بخواند، سپس سعی صفا و مروه را به پایان برساند، (وظیفه او چیست؟)  
فرمود: باید از احرام بیرون آید و حج تمتع به جا بیاورد، مگر این که با خود قربانی  
آورده باشد.
- ۲ - زراره گوید: از امام باقر عليه السلام شنیدم که می فرمود:

مَنْ طَافَ بِالْبَيْتِ وَبِالصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ أَحَلَّ أَحَبُّ أَوْ كَرِهَ.  
 ۳- أَحْمَدُ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ عَمَّنْ أَخْبَرَهُ عَنْ أَبِي  
 الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:  
 مَا طَافَ بَيْنَ هَذَيْنِ الْحَجَرَيْنِ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ أَحَدٌ إِلَّا أَحَلَّ إِلَّا سَأَتِقَ الْهَدْيِ.

(۵۷)

### بَابُ حَجِّ الْمُجَاوِرِينَ وَ قُطَّانِ مَكَّةَ

۱- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ عَبْدِ  
 الْكَرِيمِ بْنِ عَمْرٍو عَنْ سَعِيدِ الْأَعْرَجِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:  
 لَيْسَ لِأَهْلِ سَرِفٍ وَ لَا لِأَهْلِ مَرٍّ وَ لَا لِأَهْلِ مَكَّةَ مُتَعَةٌ، يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ: ﴿ذَلِكَ  
 لِمَنْ لَمْ يَكُنْ أَهْلُهُ حَاضِرِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ﴾.

هر کس دور کعبه طواف کند و سعی صفا و مروه را به پایان برساند، از احرام آزاد  
 می‌شود، چه مایل باشد چه اکراه داشته باشد.

۳- راوی گوید: امام ابا الحسن علیه السلام فرمود:

هر کس بین دو کوه صفا و مروه سعی کند، از احرام بیرون می‌آید، مگر کسی که با خود  
 قربانی آورده باشد.

### بخش پنجاه و هفتم

### چگونگی حج مجاورین مکّه و اهل حرم

۱- سعید اعرج گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

برای مردم سَرِف، مَرٍّ و مَكّه انجام حج تمتّع لازم نیست، خداوند متعال می‌فرماید:  
 «این (حج) از آن کسی است که از ساکنان مسجد الحرام نباشد».

۲- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قُلْتُ: لِأَهْلِ مَكَّةَ مُتْعَةٌ؟

قَالَ: لَا، وَلَا لِأَهْلِ بُسْتَانَ، وَلَا لِأَهْلِ ذَاتِ عِرْقٍ، وَلَا لِأَهْلِ عُسْفَانَ وَنَحْوِهَا.  
 ۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «ذَلِكَ لِمَنْ لَمْ يَكُنْ أَهْلُهُ حَاضِرِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ». قَالَ: مَنْ كَانَ مَنْزِلُهُ عَلَى ثَمَانِيَةِ عَشَرَ مِيلًا مِنْ بَيْنِ يَدَيْهَا وَثَمَانِيَةِ عَشَرَ مِيلًا مِنْ خَلْفِهَا وَثَمَانِيَةِ عَشَرَ مِيلًا عَنْ يَمِينِهَا وَثَمَانِيَةِ عَشَرَ مِيلًا عَنْ يَسَارِهَا فَلَا مُتْعَةَ لَهُ مِثْلَ مَرٍّ وَأَشْبَاهِهَا.

۴- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ دَاوُدَ عَنْ حَمَّادٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ أَهْلِ مَكَّةَ أَيْتَمَّتَعُونَ؟ قَالَ: لَيْسَ لَهُمْ مُتْعَةٌ؟

۲- ابو بصیر گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: آیا انجام حج تمتع برای مردم مکه نیز لازم است؟

فرمود: نه، هم چنین برای مردم بستان، ذات عرق، عسفان و نظایر آن نیز لازم نیست.  
 ۳- حریر گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: منظور از این گفتار خداوند که می فرماید: «حج تمتع ویژه کسانی است که خانواده آنان به اندازه مسافت سفر از مسجدالحرام فاصله دارند» چیست؟

فرمود: کسانی که در هیجده میلی مکه زندگی می کنند، می توانند حج تمتع به جا بیاورند، خواه در سمت مقابل حرم باشند و یا در سمت پشت و یا دست راست و یا دست چپ مانند دره «مر» - که تا مکه یک روز راه فاصله دارد - و نظایر آن.

۴- داوود بن حماد گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: آیا مردم مکه نیز می توانند حج تمتع انجام دهند؟

فرمود: برای آنان انجام حج تمتع لازم نیست.

قُلْتُ: فَالْقَاطِنُ بِهَا؟  
 قَالَ: إِذَا أَقَامَ بِهَا سَنَةً أَوْ سَتَتَيْنِ صَنَعَ صُنْعَ أَهْلِ مَكَّةَ؟  
 قُلْتُ: فَإِنْ مَكَثَ الشَّهْرَ.  
 قَالَ: يَتَمَتَّعُ.  
 قُلْتُ: مِنْ أَيْنَ؟  
 قَالَ: يَخْرُجُ مِنَ الْحَرَمِ.  
 قُلْتُ: أَيْنَ يُهْلُ بِالْحَجِّ؟  
 قَالَ: مِنْ مَكَّةَ نَحْوًا مِمَّا يَقُولُ النَّاسُ.  
 ۵- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ  
 بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ:  
 قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِنِّي أُرِيدُ الْجَوَارَ فَكَيْفَ أَصْنَعُ؟

عرض کردم: کسی که در مکه اقامت می‌کند چه وظیفه‌ای دارد؟  
 فرمود: اگر یک سال یا دو سال اقامت کند، مانند مردم مکه رفتار خواهد کرد.  
 گفتم: اگر یک ماه در مکه اقامت کند چه؟  
 فرمود: حج تمتع انجام می‌دهد.  
 گفتم: از کجا احرام می‌بندد؟  
 فرمود: از حرم بیرون می‌رود (و از آن جا احرام می‌بندد).  
 گفتم: از کجا از احرام حج بیرون می‌آید؟  
 فرمود: از مکه، از نظیر مکانی که مردم می‌گویند.  
 ۵- عبدالرحمان بن حجاج گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: می‌خواهم در حرم خدا  
 مجاور بمانم. موقع حج تکلیف من چه خواهد بود؟

قَالَ: إِذَا رَأَيْتَ الْهَلَالَ هِلَالَ ذِي الْحِجَّةِ فَأَخْرِجْ إِلَى الْجِعْرَانَةِ فَأَحْرِمَ مِنْهَا بِالْحَجِّ.

فَقُلْتُ لَهُ: كَيْفَ أَصْنَعُ إِذَا دَخَلْتُ مَكَّةَ أُقِيمُ إِلَى يَوْمِ التَّرْوِيَةِ لَا أَطُوفُ بِالْبَيْتِ؟  
قَالَ: تُقِيمُ عَشْرًا لَا تَأْتِي الْكَعْبَةَ؟ إِنَّ عَشْرًا لَكَثِيرٌ إِنْ الْبَيْتَ لَيْسَ بِمَهْجُورٍ، وَلَكِنْ  
إِذَا دَخَلْتَ فَطُفَ بِالْبَيْتِ وَاسْعَ بَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ.

فَقُلْتُ لَهُ: أَلَيْسَ كُلُّ مَنْ طَافَ بِالْبَيْتِ وَ سَعَى بَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ فَقَدْ أَحَلَّ؟  
قَالَ: إِنَّكَ تَعْقِدُ بِالتَّلْبِيَةِ.

ثُمَّ قَالَ: كُلَّمَا طُفْتَ طَوَافًا وَ صَلَّيْتَ رَكَعَتَيْنِ فَاغْقِدْ بِالتَّلْبِيَةِ.  
ثُمَّ قَالَ: إِنَّ سُفْيَانَ فَقِيهَكُمْ أَتَانِي فَقَالَ: مَا يَحْمِلُكَ عَلَى أَنْ تَأْمُرَ أَصْحَابَكَ يَأْتُوا  
الْجِعْرَانَةَ فَيُحْرِمُونَ مِنْهَا؟

فَقُلْتُ لَهُ: هُوَ وَقْتُ مِنْ مَوَاقِيتِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ.

فرمود: موقعی که هلال ماه ذی حجه را مشاهده کردی، از حرم خارج شو تا به منطقه جعرانه  
برسی. در آن جا به احرام حج مبادرت کن.  
پرسیدم: موقعی که با حال احرام به مکه بازگشتم چه کنم؟ آیا تا روز هشتم معطل بمانم و دور  
خانه کعبه طواف نکنم؟

فرمود: می خواهی ده روز در مکه باشی و دور خانه کعبه طواف نکنی؟ ده روز خیلی زیاد  
است. خانه خدا را نمی توان متروک و مهجور و انهداد. بلکه هنگام ورود به مکه وارد مسجد شو و  
دور خانه کعبه طواف کن و بین صفا و مروه نیز، سعی کن.  
پرسیدم: مگر نه این است که هر کس دور خانه کعبه طواف کند و بین صفا و مروه سعی کند،  
در واقع از احرام خارج شده است؟

فرمود: ولی تو بعد از سعی، لیلت می گویی و از نو احرام خود را تحکیم می کنی.  
حضرتش فرمود: بعد از آن (تا روز هشتم) هر وقت که طواف به جا آوردی، فوری بعد از  
نماز طواف، لیلت می گویی و احرام خود را می بندی.  
آن گاه امام صادق علیه السلام فرمود: فقیه شما (مردم کوفه) سفیان ثوری نزد من آمد و گفت: چه  
باعث شده است که به اصحابت دستور می دهی که به جعرانه بروند و از آن جا محرم شوند؟  
به او گفتم: جعرانه میقاتی از میقات های رسول خدا ﷺ است.

فَقَالَ: وَ أَيْ وَقْتٍ مِنْ مَوَاقِيتِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ هُوَ؟  
 فَقُلْتُ لَهُ: أَحْرَمَ مِنْهَا حِينَ قَسَمَ غَنَائِمَ حُنَيْنٍ وَ مَرْجِعُهُ مِنَ الطَّائِفِ؟  
 فَقَالَ: إِنَّمَا هَذَا شَيْءٌ أَخَذْتُهُ مِنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ، كَانَ إِذَا رَأَى الْهَيْلَالَ صَاحَ  
 بِالْحَجِّ.

فَقُلْتُ: أَلَيْسَ قَدْ كَانَ عِنْدَكُمْ مَرْضِيًّا؟  
 قَالَ: بَلَى، وَ لَكِنْ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ أَصْحَابَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ إِنَّمَا أَحْرَمُوا مِنَ  
 الْمَسْجِدِ؟

فَقُلْتُ: إِنَّ أَوْلَيْكَ كَانُوا مُتَمَتِّعِينَ فِي أَغْنَائِهِمُ الدَّمَاءَ، وَإِنَّ هَؤُلَاءِ قَطَنُوا بِمَكَّةَ  
 فَصَارُوا كَأَنَّهُمْ مِنْ أَهْلِ مَكَّةَ، وَ أَهْلُ مَكَّةَ لَا مُتْعَةَ لَهُمْ، فَأَحْبَبْتُ أَنْ يَخْرُجُوا مِنْ مَكَّةَ  
 إِلَى بَعْضِ الْمَوَاقِيتِ وَ أَنْ يَسْتَعْبُوا بِهِ أَيَّامًا.  
 فَقَالَ لِي: وَ أَنَا أَخْبِرُهُ، أَنَّهَا وَقْتُ مِنْ مَوَاقِيتِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ! فَإِنِّي  
 أَرَى لَكَ أَنْ لَا تَفْعَلَ.

سفیان گفت: جعرانه چه زمانی میقات رسول خدا ﷺ بود؟  
 گفتم: رسول خدا ﷺ از جعرانه به عزم عمره مفرده احرام بست؛ آن روزی که غنایم جنگ  
 حنین را قسمت کرد و از محاصره طائف بازگشته بود.  
 سفیان گفت: تو این فتوا را از عبدالله بن عمر گرفته‌ای. او بعد از دیدن هلال ذی حجه احرام  
 می‌بست و فریاد لبیک به حج می‌زد.

گفتم: مگر جایگاه عبدالله بن عمر پیش شما مورد پسند نیست؟  
 سفیان گفت: چرا، اما مگر ندانسته‌ای که اصحاب رسول خدا ﷺ فقط از مسجدالحرام لباس  
 احرام پوشیده‌اند؟

گفتم: اصحاب رسول خدا ﷺ به عزم حج تمتع از مسجدالحرام لبیک گفته‌اند که بر همه آنان  
 واجب شده بود که قربانی کنند، اما من به کسانی دستور داده‌ام از جعرانه لباس احرام بپوشند که  
 در حرم مکه مجاور شده‌اند و چنانند که گویا مردم مکه هستند. مردم مکه حق ندارند که حج  
 تمتع به جا آورند. از این رو من دوست دارم که مجاوران حرم از شهر مکه خارج شوند و تا رسیدن  
 به میقات جعرانه برای چند روزی از حرم خدا دور شده باشند.

موقعی که من می‌گفتم: جعرانه هم میقاتی از میقات‌های رسول خدا ﷺ است، سفیان ثوری  
 به من گفت: ای ابا عبدالله! من مصلحت نمی‌دانم که چنین دستوری را به اصحاب بدهی.

فَصَحِکْتُ وَ قُلْتُ: وَ لَکِنِّي أَرَى لَهُمْ أَنْ يَفْعَلُوا.  
 فَسَأَلَ عَبْدُ الرَّحْمَنِ عَمَّنْ مَعَنَا مِنَ النِّسَاءِ كَيْفَ يَصْنَعْنَ؟  
 فَقَالَ: لَوْ لَا أَنَّ خُرُوجَ النِّسَاءِ شَهْرَةٌ لَأَمَرْتُ الصَّرُورَةَ مِنْهُنَّ أَنْ تَخْرُجَ، وَ لَكِنْ مُرَّ  
 مَنْ كَانَ مِنْهُنَّ صَرُورَةٌ أَنْ تُهَلَّ بِالْحَجِّ فِي هِلَالِ ذِي الْحِجَّةِ. فَأَمَّا اللَّوَاتِي قَدْ  
 حَجَّجْنَ فَإِنْ شِئْنَ فَفِي خَمْسٍ مِنَ الشَّهْرِ، وَإِنْ شِئْنَ فَيَوْمَ التَّرْوِيَةِ.  
 فَخَرَجَ وَ أَقَمْنَا فَاعْتَلَّ بَعْضُ مَنْ كَانَ مَعَنَا مِنَ النِّسَاءِ الصَّرُورَةَ مِنْهُنَّ، فَقَدِمَ فِي  
 خَمْسٍ مِنْ ذِي الْحِجَّةِ.  
 فَأَرْسَلْتُ إِلَيْهِ أَنْ بَعْضَ مَنْ مَعَنَا مِنْ صَرُورَةِ النِّسَاءِ قَدْ اعْتَلَلْنَ فَكَيْفَ تَصْنَعُ؟  
 فَقَالَ: فَلْتَنْتَظِرْ مَا بَيْنَهَا وَ بَيْنَ التَّرْوِيَةِ، فَإِنْ طَهَّرَتْ فَلْتَهَلَّ بِالْحَجِّ وَ إِلَّا فَلَا يَدْخُلُ  
 عَلَيْهَا يَوْمَ التَّرْوِيَةِ إِلَّا وَ هِيَ مُحْرِمَةٌ، وَ أَمَّا الْآخَرُ فَيَوْمَ التَّرْوِيَةِ.  
 فَقُلْتُ: إِنْ مَعَنَا صَبِيًّا مَوْلُودًا فَكَيْفَ نَصْنَعُ بِهِ؟

من خنديدیم وگفتم: اما من مصلحت می‌دانم که آنان را با خبر سازم.  
 در این هنگام عبدالرحمان از امام صادق علیه السلام پرسید: بانوانی که همراه ما هستند، چه تکلیفی دارند؟  
 فرمود: اگر خارج شدن بانوان مایه شهرت نبود، به زنانی که برای نخستین بار در مراسم حج  
 شرکت می‌کنند، دستور می‌دادم تا به جعرانه بروند. (اما اینک که مایه شهرت می‌شود.) ولی به  
 زنانی که برای نخستین بار حج می‌گزارند بگو: اول ماه ذی‌حجه لباس احرام بپوشند و لَبِیک  
 بگویند و اما زنانی که پیشتر حج انجام داده‌اند، اگر مایل باشند، در روز پنجم ذی‌حجه لباس  
 احرام بپوشند وگرنه مانند دیگر زنان در روز هشتم لباس احرام بپوشند.  
 امام صادق علیه السلام از مکه خارج شد و ما ماندیم. به ناگاه یکی از بانوان که برای نوبت اول در  
 مراسم حج شرکت می‌کرد، قاعده شد. روز پنجم ذی‌حجه امام صادق علیه السلام به مکه بازگشت و ما  
 به حضرتش پیام دادیم که یکی از بانوان ما که قرار بود در اول ماه لباس احرام بپوشند، قاعده  
 شد. تکلیف او چیست؟

حضرتش فرمود: تا روز هشتم منتظر شود اگر پاک شد، فوری آماده شود و لباس احرام  
 بپوشد و لَبِیک بگوید، و اگر پاک نشد، حتماً شب هشتم لباس احرام بپوشد و لَبِیک بگوید. اما  
 دیگران که پیشتر به حج آمده‌اند، در روز هشتم لباس احرام بپوشند.  
 عرض کردم: با ما، نوزادی است، با آن کودک چه باید کرد؟



فَقَالَ: مُرْأَمَهُ تَلْقَى حَمِيدَةً فَتَسْأَلُهَا كَيْفَ تَصْنَعُ بِصَبِيَّانِهَا؟

فَأَتَتْهَا فَسَأَلَتْهَا كَيْفَ تَصْنَعُ؟

فَقَالَتْ: إِذَا كَانَ يَوْمُ التَّرْوِيَةِ فَأَحْرِمُوا عَنْهُ وَ جَرِّدُوهُ وَ غَسِّلُوهُ كَمَا يُجَرِّدُ الْمُحْرِمُ وَ قِفُوا بِهِ الْمَوَاقِفَ، فَإِذَا كَانَ يَوْمُ النَّحْرِ فَارْزُمُوا عَنْهُ وَ احْلِقُوا عَنْهُ رَأْسَهُ وَ مُرِيَ الْجَارِيَةَ أَنْ تَطُوفَ بِهِ بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ.

قَالَ: وَ سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ مَكَّةَ يَخْرُجُ إِلَى بَعْضِ الْأَمْصَارِ ثُمَّ يَرْجِعُ إِلَى مَكَّةَ فَيَمُرُّ بِبَعْضِ الْمَوَاقِفِ أَلَا أَنْ يَتَمَتَّعَ؟

قَالَ: مَا أَرُغِمُ أَنْ ذَلِكَ لَيْسَ لَهُ لَوْ فَعَلَ وَ كَانَ الْإِهْلَالُ أَحَبَّ إِلَيَّ.

۶- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَرَّارٍ عَنْ يُونُسَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ:

الْمُجَاوِرُ بِمَكَّةَ سَنَةً يَعْمَلُ عَمَلِ أَهْلِ مَكَّةَ. يَعْنِي يُفَرِّدُ الْحَجَّ مَعَ أَهْلِ مَكَّةَ وَ مَا كَانَ دُونَ السَّنَةِ فَلَهُ أَنْ يَتَمَتَّعَ.

فرمود: به مادر آن نوزاد بگو: شخصاً خدمت حمیده (همسر امام صادق عليه السلام) برسد و از او بپرسد چه کند؟

مادر نوزاد خدمت حمیده خاتون شرفیاب شد و تکلیف کودک را پرسید.

حمیده خاتون فرمود: روز ترویہ (هشتم) او را به لباس احرام درآورید؛ کودک را عریان کنید و غسل بدهید همان طور که مرد محرم عریان می شود (و غسل می کند)، سپس لباس احرام بر تن او بپوشانید و او را در همه مراسم شرکت دهید و روز عید قربان عوض او ریگ بر سر مجسمه شیطان بکوبید و به نیابت کودک، سرش را بتراشید و به یکی از کنیزان خود بگویید تا او را بین صفا و مروه طواف دهد.

راوی گوید: از حضرتش پرسیدم: اگر کسی اهل مکه باشد و به شهری از شهرها سفر کند و در راه مراجعت به وطن به یکی از میقاتها گذر کند، آیا می تواند به نیت حج تمتع لباس احرام بپوشد؟ فرمود: تصوّر نمی کنم مانعی داشته باشد. اما به نظر من لَبَّیک گفتن او به عنوان حج افراد بهتر است.

۶- عبدالله بن سنان گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می فرمود:

کسی که یک سال تمام در شهر مکه سکونت داشته باشد، باید مانند اهل مکه حج افراد به جا بیاورد. و هر کس که کمتر از یک سال در مکه مجاورت کرده باشد، می تواند حج تمتع به جا بیاورد.

- ۷- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْمُجَاوِرِ أَلَهُ أَنْ يَتَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ؟ قَالَ: نَعَمْ يَخْرُجُ إِلَى مُهَلٍّ أَرْضِهِ فَيَلْبِي إِنْ شَاءَ.
- ۸- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَمَّنْ أَخْبَرَهُ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: مَنْ دَخَلَ مَكَّةَ بِحَجَّةٍ عَنْ غَيْرِهِ ثُمَّ أَقَامَ سَنَةً فَهُوَ مَكِّيٌّ، فَإِذَا أَرَادَ أَنْ يَحُجَّ عَنْ نَفْسِهِ أَوْ أَرَادَ أَنْ يَغْتَمِرَ بَعْدَ مَا انْصَرَفَ مِنْ عَرَفَةَ فَلَيْسَ لَهُ أَنْ يُحْرِمَ بِمَكَّةَ، وَلَكِنْ يَخْرُجُ إِلَى الْوَقْتِ وَكُلَّمَا حَوَّلَ رَجَعَ إِلَى الْوَقْتِ.
- ۹- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ أَبِي الْفَضْلِ قَالَ: كُنْتُ مُجَاوِرًا بِمَكَّةَ فَسَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مِنْ أَيْنَ أُحْرِمُ بِالْحَجِّ؟

۷- سماعه گوید: از امام ابی الحسن عليه السلام در مورد مجاور مکّه پرسیدم که آیا می‌تواند حج و عمره تمتّع انجام دهد؟ فرمود: آری، اگر خواست به جایگاه احرام سرزمین خود بیرون می‌رود و از آن جا لبیک می‌گوید.

- ۸- راوی گوید: امام باقر عليه السلام فرمود: هرکه برای انجام حج از جانب دیگری وارد مکّه شود و یک سال در آن سکونت کند، او اهل مکّه است. پس هرگاه بخواهد از جانب خود حج انجام دهد، یا پس از پایان مراسم عرفه عمره انجام دهد نمی‌تواند از مکّه احرام ببندد، ولی بایستی به میقات بیرون رود و هرگاه به مکّه رود بایستی به میقات برگردد.
- ۹- ابی الفضل گوید: من در شهر مکّه مجاور بودم. از امام صادق عليه السلام پرسیدم: برای حج، در کجا لباس احرام بپوشم؟

فَقَالَ: مِنْ حَيْثُ أَحْرَمَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مِنَ الْجِعْرَانَةِ، أَتَاهُ فِي ذَلِكَ الْمَكَانِ فَتَوَحَّ  
فَتَحَّ الطَّائِفَ وَفَتَحَ خَيْبَرَ وَفَتَحَ.

فَقُلْتُ: مَتَى أَخْرُجُ؟

قَالَ: إِنْ كُنْتَ صَرُورَةً فَإِذَا مَضَى مِنْ ذِي الْحِجَّةِ يَوْمٌ، وَإِنْ كُنْتَ فَدْ حَجَجْتَ  
قَبْلَ ذَلِكَ فَإِذَا مَضَى مِنَ الشَّهْرِ خَمْسٌ.

۱۰ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَرَّارٍ عَنْ يُوسُفَ عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ  
أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

الْمُجَاوِرُ بِمَكَّةَ إِذَا دَخَلَهَا بِعُمْرَةٍ فِي غَيْرِ أَشْهُرِ الْحَجِّ فِي رَجَبٍ أَوْ شَعْبَانَ أَوْ  
شَهْرِ رَمَضَانَ أَوْ غَيْرِ ذَلِكَ مِنَ الشُّهُورِ إِلَّا أَشْهُرَ الْحَجِّ، فَإِنَّ أَشْهُرَ الْحَجِّ شَوَّالٌ وَذُو  
الْقَعْدَةِ وَذُو الْحِجَّةِ مَنْ دَخَلَهَا بِعُمْرَةٍ فِي غَيْرِ أَشْهُرِ الْحَجِّ ثُمَّ أَرَادَ أَنْ يُحْرِمَ  
فَلْيَخْرُجْ إِلَى الْجِعْرَانَةِ فَيُحْرِمَ مِنْهَا ثُمَّ يَأْتِي مَكَّةَ وَلَا يَقْطَعِ التَّلْبِيَةَ حَتَّى يَنْظُرَ إِلَى  
الْبَيْتِ ثُمَّ يَطُوفُ بِالْبَيْتِ وَيُصَلِّي الرُّكْعَتَيْنِ عِنْدَ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ ثُمَّ يَخْرُجُ إِلَى  
الصَّفا وَالمَرْوَةِ فَيَطُوفُ بَيْنَهُمَا، ثُمَّ يَقْصِرُ وَيَحِلُّ ثُمَّ يَعْقِدُ التَّلْبِيَةَ يَوْمَ التَّرْوِيَةِ.

فرمود: در همان جا که رسول خدا ﷺ لباس احرام پوشیده؛ از جعرانه لباس احرام برتن کن.  
در این جا بود که فتوحاتی نصیب رسول خدا ﷺ شد: فتح طائف، فتح خیبر و فتح (حنین).

پرسیدم: در چه زمانی به جعرانه حرکت کنم؟

فرمود: اگر برای نخستین بار به حج آمده‌ای، هنگامی که یک روز از اول ذی‌حجه گذشت از  
جعرانه لباس احرام برتن کن و اگر پیش از آن نیز به مناسک حج موفق بوده‌ای، روز پنجم  
ذی‌حجه احرام ببند.

۱۰ - سماعه گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

هر کس در مکه مجاور باشد، در صورتی که در غیر از ماههای حج؛ در ماه رجب یا شعبان یا  
ماه رمضان یا غیر از این ماهها - البته غیر از ماههای حج، که شوال، ذی‌قعدة و ذی‌حجه هستند -  
با عمره مفرده وارد مکه شده باشد، و بعد در ماه حج بخواهد برای حج احرام ببندد، (که یک  
سال کامل از مجاورت او نگذشته، باید حج تمتع به جا آورد) به جعرانه عزیمت کند و لباس  
احرام بپوشد و لبیک گویان برای عمره تمتع وارد مکه شود و تا دیدارش به کعبه نیفتد، لبیک را قطع  
نکند، و موقعی که وارد مسجد شد، دور کعبه طواف کند و در پشت مقام ابراهیم علیه السلام دور رکعت نماز  
طواف بخواند و بعد از آن بین صفا و مروه سعی کند و با کوتاه کردن ناخن و موی سر و صورت از  
لباس احرام خارج شود، سپس روز هشتم ذی‌حجه برای حج، لبیک گوید و لباس احرام بپوشد.

(۵۸)

**بَابُ حَجِّ الصَّبِيَّانِ وَ الْمَمَالِكِ**

- ۱ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ مُثَنَّى الْحَنَاطِ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَحَدِهِمَا عليه السلام قَالَ: إِذَا حَجَّ الرَّجُلُ بِإِنِّهِ وَ هُوَ صَغِيرٌ، فَإِنَّهُ يَأْمُرُهُ أَنْ يُلَبِّيَ وَ يُفْرِضَ الْحَجَّ، فَإِنْ لَمْ يُحْسِنْ أَنْ يُلَبِّيَ لُبِّي عَنْهُ وَ يُطَافُ بِهِ وَ يُصَلَّى عَنْهُ. قُلْتُ: لَيْسَ لَهُمْ مَا يَذْبَحُونَ.
- قَالَ: يُذْبَحُ عَنِ الصَّغَارِ وَ يَصُومُ الْكِبَارُ وَ يُتَّقَى عَلَيْهِمْ مَا يُتَّقَى عَلَى الْمُحْرِمِ مِنَ الثِّيبِ وَ الطَّيِّبِ، فَإِنْ قَتَلَ صَيْدًا فَعَلَى أَبِيهِ.
- ۲ - أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ عَبْدِ الْكَرِيمِ عَنْ أَيُّوبَ أَخِي أُدَيْمٍ قَالَ: سُئِلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مِنْ أَيْنَ يُجَرَّدُ الصَّبِيَّانُ؟

**بخش پنجاه و هشتم****حکم حج کودکان و حج بردگان**

- ۱ - زراره گوید: امام (باقر یا امام صادق علیه السلام) فرمود: هرگاه فردی با کودک صغیرش در مراسم حج شرکت کند، بایستی به او دستور دهد که لبیک گوید و حج را بر خود لازم دارد، هرگاه کودک نتواند خوب لبیک گوید از عوض او لبیک گفته شده، دور خانه طواف می شود و نماز طواف خوانده می شود.
- عرض کردم: کودکان قربانی ندارند (چه باید کرد؟)
- فرمود: از عوض آنها قربانی ذبح می شود و بزرگترها عوض قربانی بایستی روزه بگیرند و مواردی که محرم باید از آنها خودداری کند - مانند لباس و عطر - آنها نیز باید از این موارد خودداری کنند. پس هرگاه صیدی را بکشند کفاره آن به عهده پدر کودک است.
- ۲ - ایوب برادر ادیم گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیده شد: کودکان از کجا لباس احرام بپوشند؟

فَقَالَ: كَانَ أَبِي يُجَرِّدُهُمْ مِنْ فَخٍّ.

۳- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ أَبِيهِ قَالَ:  
قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِنَّ مَعِيَ صَبِيَّةً صَغَارًا وَأَنَا أَخَافُ عَلَيْهِمُ الْبَرْدَ فَمِنْ أَيْنَ  
يُخْرِمُونَ؟

قَالَ: أَنْتَ بِهِمُ الْعَرْجَ فَيُخْرِمُوا مِنْهَا، فَإِنَّكَ إِذَا أَتَيْتَ الْعَرْجَ وَقَعْتَ فِي تَهَامَةٍ.  
ثُمَّ قَالَ: فَإِنْ خِفْتَ عَلَيْهِمْ فَأَنْتَ بِهِمُ الْجُحْفَةَ.

۴- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ  
اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

انْظُرُوا مَنْ كَانَ مَعَكُمْ مِنَ الصَّبِيَّانِ فَقَدِّمُوهُ إِلَى الْجُحْفَةِ أَوْ إِلَى بَطْنِ مَرٍّ وَ يُصْنَعْ  
بِهِمْ مَا يُصْنَعُ بِالْمُحْرَمِ وَ يُطَافُ بِهِمْ وَ يُزْمَى عَنْهُمْ وَ مَنْ لَا يَجِدُ مِنْهُمْ هَدْيًا فَلْيُصِمْ  
عَنْهُ وَلِيَّهِ.

فرمود: پدر بزرگوارم عليه السلام کودکان را از منطقه فخ لباس احرام می پوشانید.

۳- یعقوب گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: چند کودک خردسال به همراه آورده‌ام و  
می ترسم با لباس احرام، سرما بخورند، از کجا می توانند لباس احرام بپوشند؟  
فرمود: شما به همراه کودکان به گردنه عرج بروید و در آن جا کودکان باید لباس احرام  
بپوشند. هنگامی که به گردنه عرج رسیدی، در سرایشی تهامه قرار می گیری.  
آن گاه حضرتش فرمود: اگر باز هم بر حال کودکان بیمناک می باشی، به جحفه برسید و  
کودکان از جحفه لباس احرام بپوشند.

۴- معاویه بن عمار گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

ملاحظه کنید! هر که کودک خود را به همراه می آورد، از جحفه یا دره مَرٍّ<sup>(۱)</sup> باید لباس  
احرام بپوشانید و تکالیف و ویژه احرام را درباره آنان رعایت کنید: آنان را طواف بدهید و به  
نیابت از آنان شیطان را سنگ بزنید. (هر کودکی که در حج تمتع لباس احرام بپوشد، باید  
یک قربانی از عوض او ذبح شود؛) و اگر مقدور نباشد، باید ولی او به نیابت وی روزه بگیرد.

۱- مَرٍّ منطقه‌ای است که یک روز تا مکه فاصله دارد.

وَ كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليه السلام يَضَعُ السَّكِينَ فِي يَدِ الصَّبِيِّ، ثُمَّ يَقْبِضُ عَلَى يَدَيْهِ الرَّجُلَ فَيَذْبَحُ.

۵- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ يُوسُفَ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ:

لَيْسَ عَلَى الْمَمْلُوكِ حَجٌّ وَلَا عُمْرَةٌ حَتَّى يُعْتَقَ.

۶- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ غُلَمَانٍ لَنَا دَخَلُوا مَعَنَا مَكَّةَ بِعُمْرَةٍ وَ خَرَجُوا مَعَنَا إِلَى عَرَفَاتٍ بِغَيْرِ إِحْرَامٍ.

قَالَ: قُلْ لَهُمْ: يَغْتَسِلُونَ ثُمَّ يُحْرِمُونَ وَ اذْبَحُوا عَنْهُمْ كَمَا تَذْبَحُونَ عَنْ أَنْفُسِكُمْ.

۷- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

امام سجّاد عليه السلام همواره کارد قصّابی را در دست کودک می نهاد و قصّاب، دست خود را روی دست کودک می نهاد و گوسفند را قربانی می کرد.

۵- فضل بن یونس گوید: امام کاظم عليه السلام فرمود:

کسی که در قید بردگی است، تکلیف انجام حجّ و عمره ندارد، مگر موقعی که از قید بردگی آزاد شود.

۶- اسحاق بن عمّار گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: از خاندان ما، چند کودک به عزم عمره با لباس احرام وارد مکه شدند و بعد از پایان عمره، بدون احرام در مراسم عرفات حاضر شده اند. (تکلیف آنان چیست؟)

امام صادق عليه السلام فرمود: به آنان بگو: غسل کنند، آن گاه لباس احرام بپوشند و از عوض آنان - آن سان که از جانب خود قربانی می کنید - بایستی قربانی ذبح کنید.

۷- حرّیز گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

كُلُّ مَا أَصَابَ الْعَبْدُ وَهُوَ مُحْرِمٌ فِي إِحْرَامِهِ فَهُوَ عَلَى السَّيِّدِ إِذَا أُذِنَ لَهُ فِي الْإِحْرَامِ.

۸- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي إِبْرَاهِيمَ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ غُلَامٍ لَنَا خَرَجْتُ بِهِ مَعِيَ وَامْرَأَتُهُ فَتَمَتَّعَ وَاهْلًا بِالْحَجِّ يَوْمَ التَّرْوِيَةِ وَ لَمْ أَذْبَحْ عَنْهُ أَلَهُ أَنْ يَصُومَ بَعْدَ النَّفْرِ وَ قَدْ ذَهَبَتِ الْأَيَّامُ الَّتِي قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ. فَقَالَ: أَلَا كُنْتَ أَمْرَتَهُ أَنْ يُفْرِدَ الْحَجَّ؟ قُلْتُ: طَلَبْتُ الْخَيْرَ.

فَقَالَ: كَمَا طَلَبْتَ الْخَيْرَ، فَادْبَحْ شَاةً سَمِيَةً، وَ كَانَ ذَلِكَ يَوْمَ النَّفْرِ الْآخِرِ.

۹- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ سَمَاعَةَ:

هر برده‌ای که در حال احرام مرتکب عمل منافی حج شود اگر با اجازه مولا و آقايش احرام ببندد، به عهده مولای اوست.

۸- علی بن ابی حمزه گوید: از امام کاظم عليه السلام پرسیدم: با یکی از کودکانم برای انجام حج به مکه مشرف شدیم، به او دستور دادم تیت حج تمتع کند و روز ترویة از احرام حج خارج شد؛ ولی از عوض او قربانی نکشتم. آیا لازم است پس از کوچ از مکه روزه بگیرد در حالی که روزهایی که خداوند معین فرموده پایان یافته است؟ فرمود: آیا به او دستور ندادی که حج افراد انجام دهد؟ گفتم: برای او آرزوی خیر کردم.

فرمود: آن سان که آرزوی خیر کرده‌ای، پس گوسفند چاقی قربانی کن. و این در واپسین روز کوچ از منا بود.

۹- سماعه گوید:

أَنَّهُ سُئِلَ عَنْ رَجُلٍ أَمَرَ غُلَمَانَهُ أَنْ يَتَمَتَّعُوا؟  
قَالَ: عَلَيْهِ أَنْ يُضَحِّيَ عَنْهُمْ.

قُلْتُ: فَإِنَّهُ أَعْطَاهُمْ دَرَاهِمَ قَبْعُضَهُمْ ضَحَّى وَبَعْضُهُمْ أَمْسَكَ الدَّرَاهِمَ وَصَامَ.  
قَالَ: قَدْ أَجْزَأَ عَنْهُمْ وَهُوَ بِالْخِيَارِ إِنْ شَاءَ تَرَكَهَا.  
قَالَ: وَلَوْ أَنَّهُ أَمَرَهُمْ وَصَامُوا كَانَ قَدْ أَجْزَأَ عَنْهُمْ.

(۵۹)

### بَابُ الرَّجُلِ يَمُوتُ صَرُورَةً أَوْ يُوصِي بِالْحَجِّ

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي رَجُلٍ تُوْفِيَ وَأَوْصَى أَنْ يُحَجَّ عَنْهُ؟  
قَالَ: إِنْ كَانَ صَرُورَةً فَمِنْ جَمِيعِ الْمَالِ إِنَّهُ بِمَنْزِلَةِ الدَّيْنِ الْوَاجِبِ، وَإِنْ كَانَ قَدْ حَجَّ فَمِنْ ثَلَاثِهِ، وَمَنْ مَاتَ وَلَمْ يَحَجَّ حَجَّةَ الْإِسْلَامِ وَلَمْ يَتْرُكْ إِلَّا قَدْرَ نَفَقَةِ الْحُمُولَةِ وَلَهُ وَرَثَةٌ فَهُمْ أَحَقُّ بِمَا تَرَكَ، فَإِنْ شَاءُوا أَكَلُوا وَإِنْ شَاءُوا أَحْجُوا عَنْهُ.

از امام علیه السلام پرسیدند: مردی به کودکش دستور داده که حج تمتع انجام دهند.

فرمود: آن فرد بایستی از جانب آنها قربانی ذبح کند.

عرض کردم: او مقداری پول به آنها داده، برخی قربانی ذبح کرده‌اند و برخی دیگر پول‌ها را برای خود نگه داشته و روزه گرفته‌اند.

فرمود: همین برای آنها کافی است. او نیز مخیر است اگر خواست می‌تواند قربانی نکشد.

فرمود: اگر به آنها دستور می‌داد که روزه بگیرند، از آنها کفایت می‌کرد.

### بخش پنجاه و نهم

**حکم کسی که پیش از انجام حج واجب می‌میرد یا به انجام حج وصیت می‌کند**

۱ - معاویه بن عمار گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد کسی که پیش از انجام حج واجب از دنیا رفته و وصیت کرده که از جانب او حجی انجام شود (پرسیدم).

فرمود: اگر نخستین حج باشد، باید از همه دارایی او مبلغ حج را بردارند، چرا که این حج به سان بدهی واجب است. و اگر به حج رفته باشد، مبلغ حج را از یک سوم مال برمی‌دارند. و اگر فردی بمیرد و حجة الاسلام را انجام ندهد و جز هزینه سفر چیزی نداشته باشد در عین حال ورثه‌ای داشته باشد که به ما ترک نیازمندتر باشند، در این صورت ورثه می‌توانند همان مقدار ما ترک را مصرف کنند و اگر خواستند می‌توانند از جانب او حجی انجام دهند.



- ۲ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ سَعْدِ بْنِ أَبِي خَلْفٍ قَالَ:  
سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ مُوسَى عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ الصَّرُورَةَ يَحُجُّ عَنِ الْمَيِّتِ؟  
قَالَ: نَعَمْ إِذَا لَمْ يَجِدِ الصَّرُورَةَ مَا يَحُجُّ بِهِ عَنْ نَفْسِهِ، فَإِنْ كَانَ لَهُ مَا يَحُجُّ بِهِ عَنْ  
نَفْسِهِ فَلَيْسَ يُجْزِي عَنْهُ حَتَّى يَحُجَّ مِنْ مَالِهِ وَهِيَ تُجْزِي عَنِ الْمَيِّتِ إِنْ كَانَ  
لِلصَّرُورَةِ مَالٌ وَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ مَالٌ.
- ۳ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ  
اللَّهِ عليه السلام:  
فِي رَجُلٍ صَرُورَةَ مَاتَ وَلَمْ يَحُجَّ حَجَّةَ الْإِسْلَامِ وَلَهُ مَالٌ.  
قَالَ: يَحُجُّ عَنْهُ صَرُورَةٌ لَا مَالَ لَهُ.
- ۴ - أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ  
إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ:

- ۲ - سعد بن ابی خلف گوید: از امام کاظم عليه السلام پرسیدم: آیا مردی که برای نخستین بار  
حج انجام می‌دهد می‌تواند از جانب مرده‌ای حج انجام دهد؟  
فرمود: آری، اگر چنین فردی توان مالی نداشته باشد که از جانب خود حج انجام دهد،  
اگر توان مالی برای انجام حج داشته باشد، برای او کافی نیست مگر این که از مال خود حج  
انجام دهد و همان از جانب مرده کفایت می‌کند، اگر چنین فردی توان مالی داشته باشد،  
گرچه مرده مالی نداشته باشد.
- ۳ - معاویة بن عمار گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: مردی توان مالی داشته ولی حجة  
الاسلام را انجام نداده اینک از دنیا رفته است (تکلیف چیست؟)  
فرمود: حج او را فردی که توان مالی ندارد و نخستین بار به حج می‌رود، انجام می‌دهد.
- ۴ - اسحاق بن عمار گوید:

سَأَلَتْهُ عَنِ الرَّجُلِ يَمُوتُ وَ يُوصِي بِحَجَّةٍ فَيُعْطَى رَجُلٌ دَرَاهِمَ يَحُجُّ بِهَا عَنْهُ  
فَيَمُوتُ قَبْلَ أَنْ يَحُجَّ ثُمَّ أُعْطِيَ الدَّرَاهِمَ غَيْرُهُ.

قَالَ: إِنْ مَاتَ فِي الطَّرِيقِ أَوْ بِمَكَّةَ قَبْلَ أَنْ يَقْضِيَ مَنَاسِكَهٖ، فَإِنَّهُ يُجْزَى عَنِ الْأَوَّلِ.  
قُلْتُ: فَإِنْ ابْتَلَى بِشَيْءٍ يُفْسِدُ عَلَيْهِ حَجَّهُ حَتَّى يَصِيرَ عَلَيْهِ الْحَجُّ مِنْ قَابِلٍ أَيْجُزَى  
عَنِ الْأَوَّلِ؟

قَالَ: نَعَمْ.

قُلْتُ: لِأَنَّ الْأَجِيرَ ضَامِنٌ لِلْحَجِّ؟

قَالَ: نَعَمْ.

۵- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عُثْمَانَ عَمَّنْ ذَكَرَهُ  
عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

فِي رَجُلٍ أُعْطِيَ رَجُلًا مَا يَجْبُهُ فَحَدَّثَ بِالرَّجُلِ حَدَّثَ فَقَالَ:

از حضرتش پرسیدم: مردی پیش از مرگ وصیت می کند که حجی از جانب او انجام  
شود. در این راستا به فردی مبلغی پول می دهند که به نیابت از او حج را انجام دهد، او پیش از  
انجام حج از دنیا می رود. در این هنگام پول ها را به فرد دیگری می دهند. (وظیفه چیست؟)  
فرمود: اگر نایب در راه یا در مکه پیش از انجام اعمال حج بمیرد، همان از فوت شده  
نخستین کفایت می کند.

عرض کردم: اگر گرفتار مشکلی شود که حج او باطل گردد و حجی در سال آینده به  
عهده او بیاید، آیا باز از فوت شده اول کفایت می کند؟

فرمود: آری.

گفتم: چون اجیر ضامن حج است؟

فرمود: آری.

۵- راوی گوید: امام صادق عليه السلام درباره مردی که به مردی هزینه سفر حج را پرداخته که  
انجام دهد، ولی برای نایب حادثه ای رخ می دهد فرمود:

إِنْ كَانَ خَرَجَ فَأَصَابَهُ فِي بَعْضِ الطَّرِيقِ فَقَدْ أَجَزَّاتُ عَنِ الْأَوَّلِ وَإِلَّا فَلَا.  
 ۶- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ سُوَيْدِ  
 الْقَلَاءِ عَنْ أَيُّوبَ عَنْ بُرَيْدِ الْعَجَلِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:  
 سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ اسْتَوْدَعَنِي مَالًا فَهَلَكَ وَ لَيْسَ لَوْلَدِهِ شَيْءٌ وَلَمْ يَحُجَّ حَجَّةَ  
 الْإِسْلَامِ؟  
 قَالَ: حُجَّ عَنْهُ وَ مَا فَضَّلَ فَأَعْطَاهُمْ.

(۶۰)

### بَابُ الْمَرْأَةِ تَحُجُّ عَنِ الرَّجُلِ

۱- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ ابْنِ رِثَابٍ عَنْ  
 مُصَادِفٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:  
 فِي الْمَرْأَةِ تَحُجُّ عَنِ الرَّجُلِ الصَّرُورَةُ، فَقَالَ:

اگر نایب برای انجام حج از شهر بیرون رفته و این حادثه در مسیر حج رخ داده، از فرد  
 اول کفایت می‌کند، وگرنه کفایت نمی‌کند.  
 ۶- برید عجلی گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: فردی مبلغی به من سپرده بود که از دنیا  
 رفت و فرزندان او چیزی ندارند. از طرفی، حجة الاسلام را نیز انجام نداده است (وظیفه  
 چیست؟)  
 فرمود: از جانب او حجی انجام شود و مانده پول را به فرزندان او بپرداز.

### بخش شصتم

### حکم نیابت زن از مرد

۱- مصادف گوید: امام صادق عليه السلام در مورد زنی که نایب حج مردی می‌شود که به حج  
 نرفته بود، فرمود:

إِنْ كَانَتْ قَدْ حَجَّتْ وَ كَانَتْ مُسْلِمَةً فَقِيهَةً فَرُبَّ امْرَأَةٍ أَفْقَهُ مِنْ رَجُلٍ.  
 ۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ:  
 قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: الرَّجُلُ يَحُجُّ عَنِ الْمَرْأَةِ وَالْمَرْأَةُ تَحُجُّ عَنِ الرَّجُلِ؟  
 قَالَ: لَا بَأْسَ.

۳ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ قَالَ:  
 قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: امْرَأَةٌ مِنْ أَهْلِنَا مَاتَ أَخُوهَا فَأَوْصَى بِحَجَّةٍ وَ قَدْ حَجَّتِ  
 الْمَرْأَةُ.

فَقَالَتْ: إِنْ صَلَحَ حَجَّجْتُ أَنَا عَنْ أَخِي وَ كُنْتُ أَنَا أَحَقَّ بِهَا مِنْ غَيْرِي.  
 فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: لَا بَأْسَ بِأَنْ تَحُجَّ عَنْ أَخِيهَا، وَإِنْ كَانَ لَهَا مَالٌ فَلْتَحُجَّ مِنْ  
 مَالِهَا فَإِنَّهُ أَعْظَمُ لِأَجْرِهَا.

اگر زن پیشتر حج انجام داده وزن مسلمان و آگاه به مسایل حج باشد، (اشکالی ندارد)؛ چرا که چه بسا زنی که در مسایل شرعی از مرد آگاهتر است.  
 ۲ - معاویه بن عمار گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: مردها که می توانند به نیابت از زن ها به حج بروند، آیا زن ها نیز می توانند به نیابت از مردها به حج بروند؟  
 فرمود: مانعی ندارد.

۳ - ابی ایوب گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: یک نفر از فامیل ما فوت نموده و وصیت کرده است که از میراث او کسی را به نیابت حج بفرستند. خواهرش که پیشتر به حج رفته است، می گوید: اگر درست باشد، خود من به نیابت از برادرم به حج می روم. من از دیگران سزاوارترم که با مال برادرم، مراتب وصیت را عملی کنم. (تکلیف ما چیست؟)  
 فرمود: مانعی ندارد که آن خانم به نیابت از برادرش به حج برود. و اگر این خانم صاحب مال است، چه بهتر که از مال خودش به حج برود که اجر و پاداش بیشتری دارد.

۴- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَصَّالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ رِفَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ: تَحُجُّ الْمَرْأَةُ عَنْ أَخِيهَا وَ عَنْ أُخْتِهَا. وَ قَالَ: تَحُجُّ الْمَرْأَةُ عَنْ ابْنِهَا.

(۶۱)

بَابُ مَنْ يُعْطَى حَجَّةٌ مُفْرَدَةً فَيَتَمَتَّعُ أَوْ يَخْرُجُ مِنْ غَيْرِ الْمَوْضِعِ الَّذِي يُشْتَرَطُ

۱- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي بصيرٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عليه السلام: فِي رَجُلٍ أُعْطِيَ رَجُلًا دَرَاهِمَ يَحُجُّ بِهَا عَنْهُ حَجَّةً مُفْرَدَةً أَوْ يَجُوزُ لَهُ أَنْ يَتَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ.

۴- رفاعه گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

زن می تواند به نیابت از برادر و خواهرش به حج برود.

حضرتش فرمود: مادر نیز می تواند به نیابت از پسرش به حج برود.

بخش شصت و یکم

حکم کسی که برای حج افراد اجیر شده به جای آن، حج تمتع انجام می دهد یا به شرط عمل نمی کند

۱- ابوبصیر گوید: به امام (باقر عليه السلام یا امام صادق عليه السلام) گفتم: مردی نایب گرفته است که برای او حج افراد انجام دهد. آیا نایب می تواند به جای حج افراد، حج و عمره تمتع به جا آورد؟

فَقَالَ: نَعَمْ، إِنَّمَا خَالَفَهُ إِلَى الْفَضْلِ.

۲ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ رِثَابٍ عَنْ حَرِيزٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ أُعْطِيَ رَجُلًا حَجَّةً يَحُجُّ بِهَا عَنْهُ مِنَ الْكُوفَةِ فَحَجَّ عَنْهُ مِنَ الْبَصْرَةِ.  
قَالَ: لَا بَأْسَ إِذَا قَضَى جَمِيعَ مَنَاسِكَهِ فَقَدْ تَمَّ حَجُّهُ.

(۶۲)

بَابُ مَنْ يُوصِي بِحَجَّةٍ فَيَحُجُّ عَنْهُ مِنْ غَيْرِ مَوْضِعِهِ أَوْ يُوصِي

بِشَيْءٍ قَلِيلٍ فِي الْحَجِّ

۱ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ زَكَرِيَّا بْنِ آدَمَ قَالَ:

فرمود: آری. او فقط در فضیلت عمل مخالفت کرده است.

۲ - حریر گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: مردی نایب گرفته است برای او از کوفه به حج برود و او از بصره حرکت کرده است (چه حکمی دارد؟)  
فرمود: اگر همه اعمالش را انجام داده ایرادی ندارد؛ چرا که حج او پایان یافته است.

بخش شصت و دوم

حکم کسی که به حج وصیت می‌کند، اما از غیر آن جایی که او وصیت

نموده بود، برای او حج انجام دهند، یا به چیز اندکی برای

انجام حج وصیت می‌کند

۱ - زکریا بن آدم گوید:

سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ مَاتَ وَ أَوْصَى بِحَجَّةٍ أَيْجُوزُ أَنْ يُحَجَّ عَنْهُ مِنْ غَيْرِ الْبَلَدِ الَّذِي مَاتَ فِيهِ؟  
فَقَالَ: مَا كَانَ دُونَ الْمِيقَاتِ فَلَا بَأْسَ.

۲- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ صَالِحِ بْنِ السَّنْدِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بَشِيرٍ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ قَالَ:

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي رَجُلٍ أَوْصَى بِحَجَّةٍ فَلَمْ تَكْفِهِ مِنَ الْكُوفَةِ: إِنَّهَا تُجْزَى حَجَّتُهُ مِنْ دُونَ الْوَقْتِ.

۳- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرِّضَا عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ يَمُوتُ فَيُوصِي بِالْحَجِّ مِنْ أَيْنَ يُحَجُّ عَنْهُ؟  
قَالَ: عَلَى قَدَرِ مَالِهِ إِنْ وَسِعَهُ مَالُهُ فَمِنْ مَنْزِلِهِ، وَإِنْ لَمْ يَسْغُهُ مَالُهُ مِنْ مَنْزِلِهِ فَمِنْ الْكُوفَةِ، فَإِنْ لَمْ يَسْغُهُ مِنَ الْكُوفَةِ فَمِنْ الْمَدِينَةِ.

از امام ابوالحسن عليه السلام پرسیدم: مردی پیش از مرگش وصیت به انجام حج کرده است. آیا می‌توان حج او را از شهر دیگری - که فوت کرده - انجام داد؟  
فرمود: اگر پیش از میقات باشد، ایرادی ندارد.

۲- عمر بن یزید گوید: امام صادق عليه السلام در مورد فردی که به انجام حج وصیت کرده؛ ولی بودجه مالی او از کوفه کفایت نکند، فرمود:  
برای او پیش از میقات کفایت می‌کند.

۳- محمد بن عبدالله گوید: به امام رضا عليه السلام گفتم: اگر کسی بمیرد و وصیت کرده باشد که برای او حج نیابتی به عمل آورند، از چه مکان باید نایب بگیرند؟  
فرمود: از آن مکانی که بودجه مالی او کفایت کند؛ اگر بودجه مالی او به حد کفایت باشد، باید از محل سکونت او نایب بگیرند و اگر کافی نباشد از کوفه و اگر باز هم کافی نباشد از مدینه نایب بگیرند.

۴- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ ابْنِ رِثَابٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:  
فِي رَجُلٍ أَوْصَى أَنْ يُحَجَّ عَنْهُ حَجَّةُ الْإِسْلَامِ فَلَمْ يَبْلُغْ جَمِيعَ مَا تَرَكَ إِلَّا  
خَمْسِينَ دِرْهَمًا.

قَالَ: يُحَجُّ عَنْهُ مِنْ بَعْضِ الْأَوْقَاتِ الَّتِي وَقَّتَهَا رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله مِنْ قُرْبٍ.  
۵- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ أَوْ عَنْ رَجُلٍ عَنْ  
مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ عَمَّنْ سَأَلَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:  
عَنْ رَجُلٍ أَوْصَى بِعِشْرِينَ دِرْهَمًا فِي حَجَّةٍ.  
قَالَ: يُحَجُّ بِهَا رَجُلٌ مِنْ مَوْضِعٍ بَلَعَهُ.

(۶۳)

**بَابُ الرَّجُلِ يَأْخُذُ الْحَجَّةَ فَلَا تَكْفِيهِ أَوْ يَأْخُذُهَا فَيَذْفَعُهَا إِلَى غَيْرِهِ**

۱- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ قَالَ:

۴- ابن رثاب گوید: امام صادق عليه السلام درباره مردی که وصیت کرده که برای او نایب  
بگیرند تا حج فريضه اسلامی را عوض او انجام دهد. بعد از بررسی معلوم شد که فقط  
پنجاه درهم از او به جا مانده است فرمود:

از نزدیکترین میقات‌های حج - که رسول خدا صلى الله عليه وآله برای احرام مقرر کرده است - نایب بگیرند.  
۵- ابو سعید از شخصی روایت می‌کند از امام صادق عليه السلام پرسید: مردی به حج وصیت  
نموده و برای این کار به ۲۰ درهم وصیت نموده (تکلیف چیست؟)  
فرمود: شخصی از آن جایی که آن مبلغ کفایت می‌کند، برای او حج گزارد.

#### بخش شصت و سوم

حکم فردی که انجام حج را به عهده می‌گیرد، ولی هزینه‌ای که به او داده‌اند  
کفایت نمی‌کند. یا حج را به عهده می‌گیرد اما آن را به دیگری واگذار می‌کند  
۱- محمد بن اسماعیل گوید:



أَمَرْتُ رَجُلًا يَسْأَلُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ يَأْخُذُ مِنْ رَجُلٍ حَجَّةً فَلَا تَكْفِيهِ أَلَهُ أَنْ يَأْخُذَ مِنْ رَجُلٍ أُخْرَى وَ يَتَّسِعَ بِهَا وَ يُجْزِي عَنْهُمَا جَمِيعاً أَوْ يُشْرِكُهُمَا جَمِيعاً إِنْ لَمْ تَكْفِهِ إِحْدَاهُمَا.

فَذَكَرَ أَنَّهُ قَالَ: أَحَبُّ إِلَيَّ أَنْ تَكُونَ خَالِصَةً لِوَاحِدٍ، فَإِنْ كَانَتْ لَا تَكْفِيهِ فَلَا يَأْخُذْهَا.

۲- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ جَعْفَرِ الْأَحْوَلِ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عليه السلام: مَا تَقُولُ فِي الرَّجُلِ يُعْطَى الْحَجَّةَ فَيَذْفَعُهَا إِلَى غَيْرِهِ؟

قَالَ: لَا بَأْسَ بِهِ.

۳- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَسِّنِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ أَبَانَ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ قَالَ:

به فردی دستور دادم که از امام رضا عليه السلام پرسید: اگر انسان از یک نفر حج نیابتی بگیرد، ولی هزینه‌ای که دریافت می‌کند کافی نباشد، آیا می‌تواند به منظور وسعت و گشایش، از یک نفر دیگر هم حج نیابتی بگیرد و با یک حج برای هر دو نفر نیابت کند و یا هر دو نفر را در ثواب حج شریک سازد اگر برای یکی کافی نباشد؟

آن شخص برای من خبر آورد که حضرتش در جواب فرمود: من دوست دارم که یک حج، فقط به نیابت از یک نفر برگزار شود، و اگر مبلغ دریافتی کفایت نمی‌کند، حج نیابتی نگیرد.

۲- عثمان بن عیسی گوید: به امام رضا عليه السلام گفتم: نظر شما در مورد فردی که حج نیابتی را دریافت می‌کند اما آن را به فرد دیگری واگذار می‌کند چیست؟

فرمود: ایرادی ندارد.

۳- عمر بن یزید گوید:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: رَجُلٌ أُوصِيَ بِحَجَّةٍ فَلَمْ تَكْفِهِ.  
قَالَ: فَيَقْدُمُهَا حَتَّى يُحِجَّ دُونَ الْوَقْتِ.

(۶۴)

### بَابُ الْحَجِّ عَنِ الْمُخَالِفِ

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ وَهْبِ بْنِ عَبْدِ رَبِّهِ قَالَ:  
قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَيْحُجُّ الرَّجُلُ عَنِ النَّاصِبِ؟  
فَقَالَ: لَا.

فَقُلْتُ: فَإِنْ كَانَ أَبِي؟

قَالَ: فَإِنْ كَانَ أَبَاكَ فَتَنَعَمْ.

۲ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ قَالَ:

به امام صادق علیه السلام گفتم: فردی وصیت کرده که برای او حج نیابتی به جا آورند، ولی مبلغی که معین کرده است کفایت نمی‌کند. (تکلیف چیست؟)  
فرمود: باید از جایی نایب بگیرند که به میقات حرم نزدیک باشد.

### بخش شصت و چهارم حکم نیابت از مخالفان مذهب

۱ - وهب بن عبد ربّه گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: انسان می‌تواند از جانب ناصبی نیابت بگیرد و به حج برود؟  
فرمود: نه.

گفتم: اگر چنین فردی پدرم باشد، چه صورت دارد؟  
فرمود: اگر به نیابت از پدرت باشد، مانعی ندارد.

۲ - علی بن مهزیار گوید:

به امام علیه السلام نوشتم: شخصی به نیابت از یک ناصبی حج انجام می‌دهد آیا گناهی برگردن اوست؟ و آیا آن شخص ناصبی با عمل این شخص، نفع و پاداشی می‌برد؟  
حضرتش در جواب نوشت: از جانب ناصبی حج انجام نمی‌شود و نمی‌توان ناصبی را برای انجام حج نایب قرار داد.

كَتَبْتُ إِلَيْهِ الرَّجُلُ يَحُجُّ عَنِ النَّاصِبِ هَلْ عَلَيْهِ إِثْمٌ إِذَا حَجَّ عَنِ النَّاصِبِ وَ هَلْ  
يَنْفَعُ ذَلِكَ النَّاصِبَ أَمْ لَا؟  
فَكَتَبَ: لَا يَحُجُّ عَنِ النَّاصِبِ وَلَا يَحُجُّ بِهِ.

(۶۵)

## بَابُ

۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مَهْزِيَارَ قَالَ:  
كَتَبْتُ إِلَى أَبِي مُحَمَّدٍ عليه السلام أَنَّ مَوْلَاكَ عَلِيَّ بْنَ مَهْزِيَارَ أَوْصَى أَنْ يُحَجَّ عَنْهُ مِنْ  
ضَيْعَةٍ صَيَّرَ رُبْعَهَا لَكَ فِي كُلِّ سَنَةٍ حَجَّةً إِلَى عَشْرِينَ دِينَاراً وَ أَنَّهُ قَدْ انْقَطَعَ طَرِيقُ  
الْبَصْرَةِ فَتَضَاعَفُ الْمَثُونَةُ عَلَى النَّاسِ فَلَيْسَ يَكْتَفُونَ بِعَشْرِينَ دِينَاراً وَ كَذَلِكَ  
أَوْصَى عِدَّةً مِنْ مَوَالِيكَ فِي حَجَجِهِمْ.  
فَكَتَبَ: يُجْعَلُ ثَلَاثُ حَجَجٍ حَجَّتَيْنِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ.

۱ - ابراهیم بن مهزیار گوید: طی نامه‌ای به امام حسن عسکری عليه السلام نوشتم: دوستدار  
شما علی بن مهزیار وصیت کرد که از مزرعه‌ای که یک چهارم آن مال شماست در هر سال  
حجی تا بیست دینار انجام شود. اکنون راه بصره مسدود است و هزینه سفر برای مردم  
بیشتر شده و بیست دینار کافی نیست. البته عده‌ای دیگر از دوستان شما نیز این گونه  
وصیت کرده‌اند (تکلیف چیست؟)

حضرتش مرقوم فرمود: هزینه سه سفر حج را دو سفر حج قرار دهید، ان شاء الله.

۲- اِبْرَاهِيمُ قَالَ: وَكَتَبَ إِلَيْهِ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ الْحَصِينِيُّ:  
 أَنَّ ابْنَ عَمِّي أَوْصَى أَنْ يُحَجَّ عَنْهُ بِخَمْسَةِ عَشَرَ دِينَاراً فِي كُلِّ سَنَةٍ فَلَيْسَ يَكْفِي  
 فَمَا تَأْمُرُ فِي ذَلِكَ؟  
 فَكَتَبَ: يَجْعَلُ حَجَّتَيْنِ فِي حَجَّةِ إِنْ اللَّهَ عَالِمٌ بِذَلِكَ.

(۶۶)

### بَابُ مَا يَنْبَغِي لِلرَّجُلِ أَنْ يَقُولَ إِذَا حَجَّ عَنْ غَيْرِهِ

۱- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ  
 عَبْدِ الْكَرِيمِ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:  
 قُلْتُ لَهُ: الرَّجُلُ يُحَجُّ عَنْ أَخِيهِ أَوْ عَنْ أَبِيهِ أَوْ عَنْ رَجُلٍ مِنَ النَّاسِ هَلْ يَنْبَغِي لَهُ  
 أَنْ يَتَكَلَّمَ بِشَيْءٍ؟  
 قَالَ: نَعَمْ يَقُولُ بَعْدَ مَا يُحْرِمُ:

۲- ابراهیم گوید: علی بن محمد حصینی نیز طی نامه‌ای به آن حضرت نوشت:  
 پسر عموی من وصیت کرد که هر سال با پانزده دینار یک حج انجام شود، اکنون این  
 مبلغ کافی نیست. چه امر می‌فرمایید؟  
 حضرتش نوشت: هزینه دو حج برای انجام یک حج قرار داده شده، چرا که خداوند  
 از این امر آگاه است.

### بخش شصت و ششم

### آداب حج نیابتی و نیت آن

۱- حلبی گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: کسی که می‌خواهد به نیابت از برادر، پدر یا  
 فرد دیگری حج انجام دهد، شایسته است چیزی بگوید؟  
 فرمود: آری، آن گاه که احرام بست می‌گوید:

«اللَّهُمَّ مَا أَصَابَنِي فِي سَفَرِي هَذَا مِنْ تَعَبٍ أَوْ شِدَّةٍ أَوْ بَلَاءٍ أَوْ شَعَثٍ فَأَجْزُ فَلَانًا فِيهِ وَ أَجْزَنِي فِي قَضَائِي عَنْهُ».

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ ابْنِ مُسْكَانٍ عَنْ الْحَلْبِيِّ مِثْلَهُ.

۲- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: قُلْتُ لَهُ: مَا يَجِبُ عَلَى الَّذِي يَحُجُّ عَنِ الرَّجُلِ؟ قَالَ: يُسَمِّيهِ فِي الْمَوَاطِنِ وَالْمَوَاقِفِ.

۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

قِيلَ لَهُ: أَرَأَيْتَ الَّذِي يَقْضِي عَنْ أَبِيهِ أَوْ أُمِّهِ أَوْ أَخِيهِ أَوْ غَيْرِهِمْ أَيْتَكَلَّمُ بِشَيْءٍ؟ قَالَ: نَعَمْ يَقُولُ عِنْدَ إِحْرَامِهِ:

«اللَّهُمَّ مَا أَصَابَنِي فِي سَفَرِي هَذَا مِنْ تَعَبٍ أَوْ شِدَّةٍ أَوْ بَلَاءٍ أَوْ شَعَثٍ فَأَجْزُ فَلَانًا فِيهِ وَ أَجْزَنِي فِي قَضَائِي عَنْهُ» .

۲- محمد بن مسلم گوید: به امام باقر عليه السلام گفتم: کسی که حج نیابتی به جا می آورد، چه آدابی را باید رعایت کند؟

فرمود: در همه جا و همه مراسم، نام صاحب حج را ببرد.

۳- معاویه بن عمار گوید: به امام صادق عليه السلام گفتند: به نظر شما کسی که به نیابت از جانب پدر، مادر، یا برادر و یا دیگران به حج می رود، آیا باید چیزی بگوید؟

فرمود: آری. موقع احرام بگوید:

«اللَّهُمَّ مَا أَصَابَنِي مِنْ نَصَبٍ أَوْ شَعَثٍ أَوْ شِدَّةٍ فَأَجْزُ فَلَانًا فِيهِ وَ أَجْزَنِي فِي قَضَائِي عَنْهُ».

(۶۷)

**بَابُ الرَّجُلِ يَحُجُّ عَنْ غَيْرِهِ فَحَجَّ عَنْ غَيْرِ ذَلِكَ أَوْ يَطُوفُ عَنْ غَيْرِهِ**

۱- أَبُو عَلِيٍّ الشَّعْرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ يَحْيَى الْأَزْرَقِيِّ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ عليه السلام: الرَّجُلُ يَحُجُّ عَنْ الرَّجُلِ يَصْلُحُ لَهُ أَنْ يَطُوفَ عَنْ أَقَارِبِهِ؟ فَقَالَ: إِذَا قَضَى مَنَاسِكَ الْحَجِّ فَلْيَصْنَعْ مَا شَاءَ.

۲- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى رَفَعَهُ قَالَ:

سُئِلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: عَنْ رَجُلٍ أَعْطَى رَجُلًا مَالًا يَحُجُّ عَنْهُ فَحَجَّ عَنْ نَفْسِهِ؟ فَقَالَ: هِيَ عَنْ صَاحِبِ الْمَالِ.

«اللَّهُمَّ مَا أَصَابَنِي مِنْ نَصَبٍ أَوْ شَعَثٍ أَوْ شِدَّةٍ فَأَجْزُ فَلَانًا فِيهِ وَ أَجْزَنِي فِي قَضَائِي عَنْهُ».

**بخش شصت و هفتم**

**حکم کسی که در اثنای حج نیابتی از حج یا طواف دیگری نایب شود**

۱- یحیی ازرق گوید: به امام کاظم عليه السلام گفتم: کسی که به حج نیابتی می رود، آیا می تواند

به نیابت از خویشاوندان خودش طواف کند؟

فرمود: بعد از آن که مراسم حج را به جا آورد، هر کاری که خواست انجام می دهد.

۲- محمد بن یحیی در روایت مرفوعه ای گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدند: مردی

هزینه سفر حج را به فردی داد که از جانب او حج انجام دهد و او از جانب خودش انجام

داد (چه حکمی دارد؟)

فرمود: حج در واقع از جانب صاحب هزینه صورت پذیرفته است.

۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ بَعْضِ رِجَالِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:  
فِي رَجُلٍ أَخَذَ مِنْ رَجُلٍ مَالًا وَلَمْ يُحِجَّ عَنْهُ وَمَاتَ لَمْ يُخَلَّفْ شَيْئًا.  
قَالَ: إِنْ كَانَ حَجٌّ الْأَجِيرُ أَخَذَتْ حَجَّتَهُ وَدُفِعَتْ إِلَى صَاحِبِ الْمَالِ، وَإِنْ لَمْ  
يَكُنْ حَجٌّ كُتِبَ لِصَاحِبِ الْمَالِ ثَوَابُ الْحَجِّ.

(۶۸)

### بَابُ مَنْ حَجَّ عَنْ غَيْرِهِ إِنْ لَهُ فِيهَا شِرْكَةٌ

۱- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ الْعَبَّاسِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أُسْبَاطٍ  
عَنْ رَجُلٍ مِنْ أَصْحَابِنَا يُقَالُ لَهُ: عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ سِنَانٍ قَالَ:  
كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام إِذْ دَخَلَ عَلَيْهِ رَجُلٌ فَأَعْطَاهُ ثَلَاثِينَ دِينَارًا يُحِجُّ بِهَا  
عَنْ إِسْمَاعِيلَ وَلَمْ يَتْرُكْ شَيْئًا مِنَ الْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ إِلَّا اشْتَرَطَهُ عَلَيْهِ حَتَّى اشْتَرَطَ  
عَلَيْهِ أَنْ يَسْعَى عَنْ وَادِي مُحَسَّرٍ.

۳- راوی گوید: امام صادق عليه السلام در مورد مردی که نایب شده از جانب کسی حج انجام دهد و پیش از انجام آن مرده و مالی از خود نگذاشته است (چه حکمی دارد؟) فرمود: اگر نایب حجی انجام داده بود، حج او به صاحب مال منظور می شود و اگر حجی نداشت برای صاحب مال پاداش حج نگاشته می شود.

### بخش شصت و هشتم

### حکم کسی که به نیابت از دیگری حج انجام داده و خود در آن شریک بوده است

۱- عبدالرحمان بن سنان گوید: خدمت امام صادق عليه السلام حضور داشتم که مردی وارد شد، حضرتش سی دینار به او داد که به نیابت از (فرزندش) اسماعیل حج انجام دهد و هر چه از احکام حج و عمره تمتع بود به او گوش زد نمود که انجام دهد تا آن که شرط کرد که از وادی محسّر سعی کند.

ثُمَّ قَالَ: يَا هَذَا! إِذَا أَنْتَ فَعَلْتَ هَذَا كَانَ لِإِسْمَاعِيلَ حَجَّةٌ بِمَا أَنْفَقَ مِنْ مَالِهِ وَكَانَ لَكَ تِسْعٌ بِمَا أَنْعَبْتَ مِنْ بَدَنِكَ.

۲- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ يُوسُفَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْمُؤْمِنِ عَنْ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قُلْتُ لَهُ: الرَّجُلُ يَحُجُّ عَنْ آخَرٍ مَا لَهُ مِنَ الْأَجْرِ وَالثَّوَابِ. قَالَ: لِلَّذِي يَحُجُّ عَنْ رَجُلٍ أَجْرٌ وَثَوَابٌ عَشْرٍ حِجَجٍ.

(۶۹)

### بَابُ نَادِرٍ

۱- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ يَقْطِينٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: رَجُلٌ دَفَعَ إِلَى خَمْسَةِ نَفَرٍ حَجَّةً وَاحِدَةً.

آن گاه فرمود: فلانی! اگر این حج را انجام دهی از جانب اسماعیل در ازای مالش یک حج صورت می پذیرد، ولی برای تو نه حج در ازای رنج و زحمتی که کشیده ای می باشد.

۲- ابن مسکان گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: کسی که به نیابت از فردی حج انجام می دهد چه پاداش و مزدی دارد؟

فرمود: برای چنین فردی که به نیابت از دیگری حج انجام می دهد مزد و پاداش ده حج می باشد.

### بخش شصت و نهم

#### یک روایت نکته دار

۱- علی بن یقین گوید: به امام کاظم علیه السلام گفتم: فردی به پنج نفر انجام یک حج را داده است (چه حکمی دارد؟)



فَقَالَ: يَحُجُّ بِهَا بَعْضُهُمْ فَسَوَّغَهَا رَجُلٌ مِنْهُمْ.  
فَقَالَ لِي: كُلُّهُمْ شُرَكَاءُ فِي الْأَجْرِ.  
فَقُلْتُ: لِمَنِ الْحَجُّ؟  
قَالَ: لِمَنْ صَلَّى فِي الْحَرِّ وَالْبَرْدِ.

(۷۰)

بَابُ الرَّجُلِ يُعْطَى الْحَجَّ فَيَصْرِفُ مَا أَخَذَ فِي غَيْرِ الْحَجِّ أَوْ تَفْضُلُ الْفَضْلَةِ  
مِمَّا أُعْطِيَ

۱ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ جَمِيعاً عَنْ أَحْمَدَ بْنِ  
مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْقُمِّيِّ قَالَ:  
سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرِّضَا عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ يُعْطَى الْحَجَّةَ يَحُجُّ بِهَا وَ يُوسِّعُ عَلَى  
نَفْسِهِ فَيَفْضُلُ مِنْهَا أَوْ يَرُدُّهَا عَلَيْهِ؟

فرمود: برخی آن را انجام می دهند و یکی از آنها آن را جایز می شمارد.  
حضرتش به من فرمود: همه آنها در پاداش شریک هستند.  
گفتم: حج از آن کیست؟  
فرمود: کسی که در سرما و گرما نماز خوانده است.

#### بخش هفتم

حکم فردی که هزینه نیابت را در غیر حج مصرف می کند یا از هزینه  
نیابت، مقداری اضافه می آید

۱ - مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قُمِيٌّ گوید: از امام رضا عليه السلام پرسیدم: اگر کسی برای نیابت حج  
هزینه ای دریافت کند و در اثنای سفر با وسعت و گشایش خرج کند و مقداری هم از مبلغ  
دریافتی بماند. آیا مانده هزینه را باید به صاحب آن برگرداند؟

قَالَ: لَا هِيَ لَهُ.

۲ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُصَدِّقِ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ عَمَّارِ بْنِ مُوسَى السَّابَّاطِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَأْخُذُ الدَّرَاهِمَ لِيُحِجَّ بِهَا عَنْ رَجُلٍ هَلْ يَجُوزُ لَهُ أَنْ يُنْفِقَ مِنْهَا فِي غَيْرِ الْحَجِّ؟

قَالَ: إِذَا ضَمِنَ الْحَجَّ فَالدَّرَاهِمُ لَهُ يَصْنَعُ بِهَا مَا أَحَبَّ وَ عَلَيْهِ حَجَّةٌ.

۳ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ قَالَ: بَعَثَنِي عَمْرُ بْنُ يَزِيدَ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ الْأَحْوَلِ بِدَرَاهِمٍ وَقَالَ: قُلْ لَهُ: إِنْ أَرَادَ أَنْ يُحِجَّ بِهَا فَلْيُحِجَّ، وَإِنْ أَرَادَ أَنْ يُنْفِقَهَا فَلْيُنْفِقْهَا.

قَالَ: فَأَنْفَقَهَا وَلَمْ يُحِجَّ.

قَالَ حَمَّادٌ: فَذَكَرَ ذَلِكَ أَصْحَابُنَا لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام.

فَقَالَ: وَجَدْتُمْ الشَّيْخَ فَقِيهَا.

فرمود: نه. مال خود اوست.

۲ - عمار بن موسی ساباطی گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: فردی نایب می شود که از جانب دیگری حج انجام دهد. آیا می تواند از مبلغ آن مقداری را در غیر حج مصرف کند؟ فرمود: هرگاه ضامن انجام حج شده است همه مبلغ درهم ها مال اوست. هر جا دوست داشت مصرف کند و فقط انجام یک حج به عهده اوست.

۳ - حماد بن عثمان گوید: عمر بن یزید مبلغی به من داد که آن را به ابو جعفر احوال بدهم و بگویم: اگر بخواهد به حج برود و اگر بخواهد به مصرف شخصی برساند. ابو جعفر احوال به حج نرفت و آن مبلغ را در مصارف شخصی خرج کرد. حماد گوید: اصحاب ما این قضیه را به امام صادق عليه السلام گزارش دادند.

امام صادق عليه السلام فرمود: بر شما روشن شد که ابو جعفر شیخی فقیه است.

(۷۱)

بَابُ الطَّوَافِ وَالْحَجِّ عَنِ الْأَئِمَّةِ عليه السلام

۱ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُوسَى بْنِ الْقَاسِمِ الْبَجَلِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام: يَا سَيِّدِي! إِنِّي أَرْجُو أَنْ أَصُومَ فِي الْمَدِينَةِ شَهْرَ رَمَضَانَ. فَقَالَ: تَصُومُ بِهَا إِنْ شَاءَ اللَّهُ.

قُلْتُ: وَأَرْجُو أَنْ يَكُونَ خُرُوجُنَا فِي عَشْرِ مِنْ شَوَّالٍ وَقَدْ عَوَّدَ اللَّهُ زِيَارَةَ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وَأَهْلِ بَيْتِهِ وَزِيَارَتَكَ فَرُبَّمَا حَجَجْتُ عَنْ أَبِيكَ وَرُبَّمَا حَجَجْتُ عَنْ أَبِي وَرُبَّمَا حَجَجْتُ عَنِ الرَّجُلِ مِنْ إِخْوَانِي وَرُبَّمَا حَجَجْتُ عَنْ نَفْسِي فَكَيْفَ أَصْنَعُ؟ فَقَالَ: تَمَتَّعْ.

فَقُلْتُ: إِنِّي مُقِيمٌ بِمَكَّةَ مِنْذُ عَشْرِ سِنِينَ. فَقَالَ: تَمَتَّعْ.

## بخش هفتاد و یکم

حکم طواف و حج به نیابت از ائمه اطهار عليه السلام

۱ - موسی بن قاسم بجلی گوید: به امام جواد عليه السلام گفتم: ای سرور من! امیدوارم که ماه رمضان در مدینه بمانم و روزه بگیرم.

فرمود: اگر خدا بخواهد در مدینه روزه خواهی گرفت.

عرض کردم: و امیدوارم که دهه شوال برای حج حرکت کنم. من مکرر به زیارت رسول خدا صلى الله عليه وآله و خاندان او عليه السلام و زیارت شما موفق شده‌ام، گاهی به نیابت از پدر شما امام رضا عليه السلام به حج رفته‌ام، گاهی به نیابت از پدر خودم، گاهی به نیابت از برادر ایمانیم و گاهی برای خودم. اینک چگونه حَجَّی به جا آورم؟

فرمود: حج تمتع.

گفتم: من از ده سال پیش تاکنون در شهر مکه اقامت داشته‌ام. باز هم می‌توانم حج تمتع به جا بیاورم؟

فرمود: (آری)، حج تمتع به جا بیاور.

۲- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَّارٍ عَنْ مُوسَى بْنِ الْقَاسِمِ قَالَ:  
 قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ الثَّانِي عليه السلام: قَدْ أَرَدْتُ أَنْ أَطُوفَ عَنْكَ وَ عَنْ أَبِيكَ، فَقِيلَ لِي: إِنَّ الْأَوْصِيَاءَ لَا يُطَافُ عَنْهُمْ.  
 فَقَالَ لِي: بَلْ طُفَّ مَا أَمَكَنَّكَ، فَإِنَّهُ جَائِزٌ.  
 ثُمَّ قُلْتُ لَهُ بَعْدَ ذَلِكَ بِثَلَاثِ سِنِينَ: إِنِّي كُنْتُ اسْتَأْذَنْتُكَ فِي الطَّوَافِ عَنْكَ وَ عَنْ أَبِيكَ، فَأَذِنْتَ لِي فِي ذَلِكَ فَطُفْتُ عَنْكُمَا مَا شَاءَ اللَّهُ. ثُمَّ وَقَعَ فِي قَلْبِي شَيْءٌ فَعَمِلْتُ بِهِ.  
 قَالَ: وَ مَا هُوَ؟  
 قُلْتُ: طُفْتُ يَوْمًا عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله.  
 فَقَالَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ: صَلَّى اللَّهُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ.

۲- موسی بن قاسم گوید: به امام جواد علیه السلام گفتم: می‌خواستم به نیابت از شما و از پدر بزرگوارتان امام رضا علیه السلام طواف انجام دهم. مردم گفتند: اوصیا نیازی به طواف ندارند. (آیا درست است؟)

فرمود: بلکه هر چند که ممکن باشد به نیابت از اوصیا طواف کن که نیابت از اوصیا جایز است.

سه سال بعد به امام جواد علیه السلام گفتم: من پیشتر از شما اجازه گرفتم که به نیابت از شما و نیابت از پدر بزرگوارتان طواف کنم، شما اجازه دادید و من مدت‌ها طواف کردم. بعد، فکری در خاطرم گذشت که به آن عمل کردم.

امام جواد علیه السلام فرمود: چه فکری؟

عرض کردم: یک روز به نیابت از رسول خدا صلی الله علیه و آله طواف کردم.

حضرتش بلافاصله سه مرتبه فرمود: صلوات خدا بر رسول خدا نثار باد.

ثُمَّ الْيَوْمَ الثَّانِي عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، ثُمَّ طُفْتُ الْيَوْمَ الثَّلَاثَ عَنِ الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ الرَّابِعَ عَنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ الْخَامِسَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ السَّادِسَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ الْيَوْمَ السَّابِعَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ الْيَوْمَ الثَّامِنَ عَنْ أَبِيكَ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ الْيَوْمَ التَّاسِعَ عَنْ أَبِيكَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ الْيَوْمَ الْعَاشِرَ عَنْكَ يَا سَيِّدِي. وَ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ أَدِينُ اللَّهُ بِوَلَايَتِهِمْ.

فَقَالَ: إِذَنْ وَ اللَّهُ، تَدِينُ اللَّهَ بِالَّذِينَ الَّذِي لَا يَقْبَلُ مِنَ الْعِبَادِ غَيْرُهُ.

قُلْتُ: وَ رَبِّمَا طُفْتُ عَنْ أُمِّكَ فَاطِمَةَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ رَبِّمَا لَمْ أَطُفْ.

فَقَالَ: اسْتَكَثِرْ مِنْ هَذَا، فَإِنَّهُ أَفْضَلُ مَا أَنْتَ عَامِلُهُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ.

عرض کردم: روز دوم به نیابت از امیرمؤمنان علی علیه السلام طواف کردم، روز سوم، به نیابت از امام حسن مجتبی علیه السلام، روز چهارم به نیابت از سیدالشهداء علیه السلام، روز پنجم به نیابت از امام سجاد علیه السلام، روز ششم به نیابت از امام باقر علیه السلام، روز هفتم به نیابت از امام صادق علیه السلام، روز هشتم به نیابت از جدبزرگوارت امام کاظم علیه السلام، روز نهم به نیابت از پدربزرگوارت امام رضا علیه السلام و روز دهم به نیابت از شما ای سرور من! این اوصیا همان رهبرانی هستند که من با ولایت آنان خدا را بندگی می‌کنم.

امام جواد علیه السلام فرمود: به خدا سوگند! در این صورت خدا را با دین و آیینی بندگی می‌کنی که خداوند، غیر آن را از بندگان نمی‌پذیرد.

گفتم: گاهی به نیابت از مادر بزرگوارت فاطمه علیه السلام طواف می‌کنم و گاهی طواف نمی‌کنم. فرمود: هر چه بیشتر به نیابت از مادرم فاطمه علیه السلام طواف کن که بهترین اعمالی است که انجام می‌دهی، ان شاء الله.

(۷۲)

بَاب مَنْ يُشْرِكُ قَرَابَتَهُ وَإِخْوَتَهُ فِي حَجَّتِهِ أَوْ يَصِلُهُمْ بِحَجَّةٍ

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

قُلْتُ لَهُ أَشْرِكُ أَبَوَيَّ فِي حَجَّتِي؟

قَالَ: نَعَمْ.

قُلْتُ: أَشْرِكُ إِخْوَتِي فِي حَجَّتِي.

قَالَ: نَعَمْ إِنْ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ جَاعِلٌ لَكَ حَجًّا وَلَهُمْ حَجًّا.

وَلَكَ أَجْرٌ لِصِلَتِكَ إِيَّاهُمْ قُلْتُ فَأَطُوفُ عَنِ الرَّجُلِ وَالْمَرْأَةِ وَهُمْ بِالْكُوفَةِ؟  
فَقَالَ: نَعَمْ تَقُولُ: حِينَ تَفْتَتِحُ الطَّوْفَ: اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنْ فُلَانٍ الَّذِي تَطُوفُ عَنْهُ.

بخش هفتاد و دوم

حکم کسی که خویشان خود را در ثواب حج خود شریک

می کند و با آنان صله رحم می نماید

۱ - معاویة بن عمار گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: می توانم پدر و مادرم را در حج خود

شریک سازم؟

فرمود: آری.

گفتم: می توانم برادرانم را در حج خود شریک سازم؟

فرمود: آری. خداوند تعالی برای خودت پاداش یک حج منظور می کند و برای آنان نیز،

پاداش یک حج و پاداش دیگری هم به تو عنایت خواهد کرد که صله رحم کرده ای.

گفتم: آیا می توانم به نیابت از مردان و زنانی که در کوفه هستند طواف کنم؟

فرمود: آری، موقع شروع به طواف، می گویی: خدایا! این طواف را از فلانی بپذیر.

۲- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَالٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ عَمْرِو بْنِ إِيَّاسٍ قَالَ: حَجَّجْتُ مَعَ أَبِي وَأَنَا صَرُورَةٌ فَقُلْتُ: إِنِّي أَحِبُّ أَنْ أَجْعَلَ حَجَّتِي عَنْ أُمِّي، فَإِنَّهَا قَدْ مَاتَتْ.

قَالَ: فَقَالَ لِي: حَتَّى أَسْأَلَ لَكَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام. فَقَالَ إِيَّاسٌ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: وَأَنَا أَسْمَعُ - جُعِلَتْ فِدَاكَ - إِنَّ ابْنِي هَذَا صَرُورَةٌ وَ قَدْ مَاتَتْ أُمُّهُ فَأَحَبُّ أَنْ يَجْعَلَ حَجَّتَهُ لَهَا أَوْ فَيَجُوزُ ذَلِكَ لَهُ؟ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: يُكْتَبُ لَهُ وَلَهَا وَ يُكْتَبُ لَهُ أَجْرُ الْبَرِّ. ۳- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ صَفْوَانَ الْجَمَّالِ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَدَخَلَ عَلَيْهِ الْحَارِثُ بْنُ الْمُغِيرَةِ فَقَالَ: يَا أَبَايَ أَنْتَ وَأُمِّي! لِي ابْنَةٌ قِيَمَةٌ لِي عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَ هِيَ عَاتِقٌ أَفَأَجْعَلُ لَهَا حَجَّتِي؟

۲- عمرو بن ایاس گوید: به همراه پدرم برای نخستین بار به حج مشرف شدم، به پدرم گفتم: دوست دارم از جانب مادرم - که از دنیا رفته است - حج انجام دهم. پدرم گفت: صبر کن تا از امام صادق عليه السلام بپرسم. در حضور امام صادق عليه السلام بودیم که پدرم ایاس به آن حضرت عرض کرد: قربانت گردم! این فرزند برای نخستین بار به حج آمده، مادرش از دنیا رفته است، دوست دارد حج خود را از جانب مادرش انجام دهد، آیا می‌تواند چنین نماید؟ امام صادق عليه السلام فرمود: در این صورت هم برای او و هم برای مادرش حج نوشته می‌شود، افزون بر این که برای فرزندش پاداش نیکی به مادر نیز نگاشته می‌شود. ۳- صفوان جمال گوید: خدمت امام صادق عليه السلام شرفیاب شدم. حارث بن مغیره نیز شرفیاب شد و عرض کرد: پدر و مادرم به فدایت! دختر ارزشمندی دارم آیا می‌توانم حج را به او واگذار کنم؟

قَالَ: أَمَّا إِنَّهُ يَكُونُ لَهَا أَجْرُهَا وَ يَكُونُ لَكَ مِثْلُ ذَلِكَ، وَ لَا يُنْقَضُ مِنْ أَجْرِهَا شَيْءٌ.

۴ - أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي إِبْرَاهِيمَ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَحُجُّ فَيَجْعَلُ حَجَّتَهُ وَ عُمْرَتَهُ أَوْ بَعْضَ طَوَافِهِ لِبَعْضِ أَهْلِهِ وَ هُوَ عَنْهُ غَائِبٌ بِلَدٍ آخَرَ.

قَالَ: قُلْتُ: فَيُنْقَضُ ذَلِكَ مِنْ أَجْرِهِ؟  
قَالَ: لَا، هِيَ لَهُ وَ لِصَاحِبِهِ وَ لَهُ أَجْرُ سَوَى ذَلِكَ بِمَا وَصَلَ.  
قُلْتُ: وَ هُوَ مَيِّتٌ هَلْ يَدْخُلُ ذَلِكَ عَلَيْهِ.  
قَالَ: نَعَمْ حَتَّى يَكُونُ مَسْخُوطاً عَلَيْهِ فَيَغْفَرَ لَهُ أَوْ يَكُونُ مُضَيَّعاً عَلَيْهِ فَيُوسَّعَ عَلَيْهِ.

فرمود: هان که پاداش حج به دخترت می رسد و مانند آن نیز به تو می رسد با این که از پاداش او چیزی کاسته نمی شود.

۴ - اسحاق بن عمار گوید: از امام کاظم عليه السلام پرسیدم: اگر کسی به حج برود و حج و عمره خود - یا قسمتی از طواف خود - را برای خویشاوند خود که در شهر دیگری زندگی می نماید منظور کند. آیا از اجر و پاداش خودش کاسته می شود؟

فرمود: نه، پاداش یک حج کامل برای خودش و پاداش یک حج کامل برای خویشاوند او منظور می شود. پاداش دیگری هم دارد که به خویشان و دوستان خود صله و خدمت کرده است.

گفتم: اگر آن شخص، مرده باشد باز هم پاداش حج به او می رسد و در موقعیت او تأثیر می گذارد؟

فرمود: آری. حتی ممکن است مورد خشم و غضب خدا باشد و به وسیله ثواب حج مورد آمرزش قرار بگیرد و یا اگر در تنگنا باشد، وسعت و گشایش یابد.



قُلْتُ: فَيَعْلَمُ هُوَ فِي مَكَانِهِ أَنْ عَمَلَ ذَلِكَ لِحَقِّهِ.

قَالَ: نَعَمْ.

قُلْتُ: وَإِنْ كَانَ نَاصِباً يَنْفَعُهُ ذَلِكَ؟

قَالَ: نَعَمْ يُخَفِّفُ عَنْهُ.

۵- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنِ الْحَارِثِ بْنِ الْمُغِيرَةِ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام وَأَنَا بِالْمَدِينَةِ بَعْدَ مَا رَجَعْتُ مِنْ مَكَّةَ: إِنِّي أَرَدْتُ أَنْ أَحُجَّ عَنْ ابْنَتِي.

قَالَ: فَمَا جَعَلَ ذَلِكَ لَهَا الْآنَ.

۶- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:  
فِي الرَّجُلِ يُشْرِكُ أَبَاهُ وَ أَخَاهُ وَ قَرَابَتَهُ فِي حَجِّهِ.

عرض کردم: مرده‌ای که در تنگنا بوده باشد، می‌فهمد که این گشایش و وسعت از کجا به او رسیده است؟  
فرمود: آری.

عرض کردم: اگر فرد ناصبی باشد که با مذهب حق به دشمنی و ستیزه می‌پرداخته، باز هم پاداش حج برای او مفید واقع می‌شود؟  
فرمود: آری عذاب او تخفیف می‌یابد.

۵- حارث بن مغیره گوید: آن گاه که از مکه به مدینه بازگشتم به امام صادق عليه السلام گفتم:  
می‌خواهم حجی را از جانب دخترم انجام دهم؟

فرمود: هم اکنون آن حج را به دخترت واگذار کن.

۶- هشام بن حکم گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: اگر انسان پدر، برادر و خویشاوند خود را در حج خود شریک سازد، چه صورت دارد؟

فَقَالَ: إِذَا يُكْتَبَ لَكَ حَجٌّ مِثْلَ حَجِّهِمْ وَتُرَدَّادَ أَجْرًا بِمَا وَصَلْتَ.

۷- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ ابْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: مَنْ وَصَلَ أَبَاهُ أَوْ ذَا قَرَابَةٍ لَهُ فَطَافَ عَنْهُ كَانَ لَهُ أَجْرُهُ كَامِلًا وَلِلَّذِي طَافَ عَنْهُ مِثْلُ أَجْرِهِ وَ يُفْضَلُ هُوَ بِصِلَتِهِ إِيَّاهُ بِطَوَافٍ آخَرَ.

وَقَالَ: مَنْ حَجَّ فَجَعَلَ حَجَّتَهُ عَنْ ذِي قَرَابَتِهِ يَصِلُهُ بِهَا كَانَتْ حَجَّتُهُ كَامِلَةً، وَكَانَ لِلَّذِي حَجَّ عَنْهُ مِثْلُ أَجْرِهِ إِنْ أَلَّاهُ عَزَّ وَجَلَّ وَاسِعٌ لِدَلِكْ.

۸- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَثِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْحَضْرَمِيِّ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: رَجَعْتُ مِنْ مَكَّةَ فَلَقِيتُ أَبَا الْحَسَنِ مُوسَى عليه السلام فِي الْمَسْجِدِ وَهُوَ قَاعِدٌ فِيمَا بَيْنَ الْقَبْرِ وَ الْمِنْبَرِ فَقُلْتُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ! إِنِّي إِذَا خَرَجْتُ إِلَى مَكَّةَ رَبَّمَا قَالَ لِي الرَّجُلُ: طُفْ عَنِّي أَسْبُوعًا وَصَلِّ رَكَعَتَيْنِ فَأَشْتَغِلْ عَنْ ذَلِكَ، فَإِذَا رَجَعْتُ لَمْ أَذِرْ مَا أَقُولُ لَهُ.

فرمود: در آن صورت، یک حج در نامه عمل تو ثبت می شود و همانند آن در نامه عمل آنان ثبت می شود. و تو پاداش افزون تری دریافت می کنی چون که صله رحم کرده ای.

۷- ابو بصیر گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هر که پدر یا نزدیکان خود را صله کرده و از جانب او طواف کند، اجر او کامل شده و برای کسی که از جانبش طواف نموده اجری مانند اجر اوست و به جهت صله رحم یک طواف برای او افزوده می شود.

فرمود: هر که حج انجام دهد و آن را برای نزدیکان خود قرار دهد حج او کامل شده و برای آن طرف همانند اجر او خواهد بود، چرا که خداوند توسعه دهنده است.

۸- ابراهیم حضرمی گوید: از مکه بازگشتم و امام کاظم عليه السلام را که در مسجد بین قبر و منبر نشسته بود، ملاقات نمودم و عرض کردم: ای فرزند رسول خدا! زمانی که به طرف مکه خارج شدم هر کسی می گفت: از جانب من هفت شوط طواف انجام ده و دو رکعت نماز بخوان اما من مشغول اعمالم شدم و نتوانستم این کار را انجام دهم وقتی بازگشتم ندانستم به او چه بگویم.

قَالَ: إِذَا أَتَيْتَ مَكَّةَ فَقَضَيْتَ نُسُكَكَ فَطُفْ أُسْبُوعًا وَصَلِّ رَكْعَتَيْنِ ثُمَّ قُلْ: «اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا الطَّوْفَ وَهَاتَيْنِ الرَّكْعَتَيْنِ عَنْ أَبِي وَأُمِّي وَعَنْ زَوْجَتِي وَعَنْ وُلْدِي وَعَنْ حَامَّتِي وَعَنْ جَمِيعِ أَهْلِ بَلَدِي حُرِّهِمْ وَعَبْدِهِمْ وَأَبْيَضِهِمْ وَأَسْوَدِهِمْ».

فَلَا تَشَاءُ أَنْ قُلْتَ لِلرَّجُلِ إِنِّي قَدْ طُفْتُ عَنْكَ وَصَلَّيْتُ عَنْكَ رَكْعَتَيْنِ إِلَّا كُنْتَ صَادِقًا.

فَإِذَا أَتَيْتَ قَبْرَ النَّبِيِّ ﷺ فَقَضَيْتَ مَا يَجِبُ عَلَيْكَ فَصَلِّ رَكْعَتَيْنِ ثُمَّ قِفْ عِنْدَ رَأْسِ النَّبِيِّ ﷺ ثُمَّ قُلْ:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ مِنْ أَبِي وَأُمِّي وَزَوْجَتِي وَوُلْدِي وَجَمِيعِ حَامَّتِي وَمِنْ جَمِيعِ أَهْلِ بَلَدِي حُرِّهِمْ وَعَبْدِهِمْ وَأَبْيَضِهِمْ وَأَسْوَدِهِمْ».

فَلَا تَشَاءُ أَنْ تَقُولَ لِلرَّجُلِ: إِنِّي أَقْرَأْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ عَنْكَ السَّلَامَ إِلَّا كُنْتَ صَادِقًا.

فرمود: هنگامی که به مکه رفتی و مناسک خود را به جا آوردی، هفت دور طواف کن و دو رکعت نماز بخوان آن گاه بگو:

خدایا! این طواف و این دو رکعت نماز را از جانب پدر و مادر، همسر و فرزندان، نزدیکان و از تمامی اهل شهرم آزاد و برده و سفید و سیاه آنها انجام دادم.

پس اگر بخواهی بگویی که من از جانب تو طواف کرده و دو رکعت نماز خواندم راست گفته‌ای.

و آن گاه که به نزد قبر پیامبر ﷺ رفتی، پس آن چه بر تو لازم است به جا آوردی، پس دو رکعت نماز بخوان و نزد سر پیامبر ﷺ بایست سپس بگو:

سلام بر تو ای پیامبر خدا از جانب پدرم و مادرم، همسر و فرزندانم و همه نزدیکانم و از تمامی اهل شهرم آزاد و بنده و سفید و سیاه آنها.

پس اگر بخواهی به کسی بگویی که از جانب تو به رسول خدا ﷺ سلام دادم راست گفته‌ای.

۹ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ قَالَ:  
سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَمْ أَشْرِكٌ فِي حَجَّتِي؟  
قَالَ: كَمْ شِئْتَ.

۱۰ - أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي عِمْرَانَ الْأَزْمِينِيِّ عَنْ  
عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:  
لَوْ أَشْرَكْتَ أَلْفًا فِي حَجَّتِكَ لَكَانَ لِكُلِّ وَاحِدٍ حَجَّةٌ مِنْ غَيْرِ أَنْ تَنْقُصَ حَجَّتَكَ  
شَيْئًا.

(۷۳)

### بَابُ تَوْفِيرِ الشَّعْرِ لِمَنْ أَرَادَ الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ  
اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

۹ - مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ گوید: از امام رضا عَلَيْهِ السَّلَامُ پرسیدم: چند نفر را می توانم در حج خود  
شریک سازم؟

فرمود: هر چند نفر که مایل باشی.

۱۰ - مُحَمَّدُ بْنُ حَسَنِ گوید: امام کاظم عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

اگر در حج خود هزار نفر را شریک کردی برای هر یک از آنها یک حج خواهد بود،  
بی آن که از حج تو کاسته شود.

### بخش هفتاد و سوم

زیاد کردن موی سر برای کسی که می خواهد حج و عمره انجام دهد

۱ - معاوية بن عمار گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَعْلُومَاتٌ شَوَّالٌ وَ ذُو الْقَعْدَةِ وَ ذُو الْحِجَّةِ، فَمَنْ أَرَادَ الْحَجَّ وَفَرَ شَعْرَهُ إِذَا نَظَرَ إِلَى هِلَالِ ذِي الْقَعْدَةِ، وَ مَنْ أَرَادَ الْعُمْرَةَ وَفَرَ شَعْرَهُ شَهْرًا.

۲- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْعَلَاءِ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ يُرِيدُ الْحَجَّ أَيْ أَخْذُ مِنْ رَأْسِهِ فِي شَوَّالٍ كُلِّهِ مَا لَمْ يَرَ الْهِلَالَ؟

قَالَ: لَا بَأْسَ مَا لَمْ يَرَ الْهِلَالَ.

۳- أَحْمَدُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي خَالِدٍ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: لَا تَأْخُذْ مِنْ شَعْرِكَ وَأَنْتَ تُرِيدُ الْحَجَّ فِي ذِي الْقَعْدَةِ، وَلَا فِي الشَّهْرِ الَّذِي تُرِيدُ فِيهِ الْخُرُوجَ إِلَى الْعُمْرَةِ.

۴- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ سَعِيدِ الْأَعْرَجِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

حج، ماههای معلوم شوال، ذی قعده و ذی حجه است. هر که می خواهد حج انجام دهد از هنگامی که هلال ذی قعده را رؤیت نمود، مویش را زیاد کند و هر که قصد عمره کند یک ماه مویش را زیاد کند.

۲- حسین بن ابی العلاء گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: مردی که می خواهد حج انجام دهد آیا می تواند موی سر را در تمام ماه شوال کوتاه کند تا هنگامی که ماه را ندیده است؟ فرمود: اشکالی ندارد، مادامی که هلال را ندیده است.

۳- ابو حمزه گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

وقتی می خواهی در ماه ذی قعده برای انجام حج و ماهی که می خواهی برای انجام عمره خارج شوی موی سر خود را کوتاه نکن.

۴- سعید اعرج گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

لَا يَأْخُذُ الرَّجُلُ إِذَا رَأَى هِلَالَ ذِي الْقَعْدَةِ، وَ أَرَادَ الْخُرُوجَ مِنْ رَأْسِهِ وَ لَا مِنْ لَحْيَتِهِ.

۵- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

أَغْفِ شَعْرَكَ لِلْحَجِّ إِذَا رَأَيْتَ هِلَالَ ذِي الْقَعْدَةِ وَ لِلْعُمْرَةِ شَهْرًا.

(۷۴)

### بَابُ مَوَاقِيتِ الْإِحْرَامِ

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مِنْ تَمَامِ الْحَجِّ وَ الْعُمْرَةِ أَنْ تُحْرِمَ مِنَ الْمَوَاقِيتِ الَّتِي وَقَّتَهَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَ لَا تُجَاوِزَهَا إِلَّا وَ أَنْتَ مُحْرِمٌ، فَإِنَّهُ وَقَّتَ لِأَهْلِ الْعِرَاقِ وَ لَمْ يَكُنْ يَوْمَئِذٍ عِرَاقُ

مردی که ماه ذی قعدہ را دید و می خواهد به مکّه برود، نباید از موی سر و ریش خود کوتاه کند.

۵- عبدالله بن سنان گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

هنگامی که هلال ماه ذی قعدہ را دیدی برای حج موی سر خود را زیاد کن و برای انجام عمره یک ماه پیش چنین کن.

### بخش هفتاد و چهارم

#### میقات های احرام

۱- معاویة بن عمار گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

از کمال حج و عمره این است که از میقات هایی که رسول خدا ﷺ قرار داده، محرم شوی و فاصله از آن جاها نگذری مگر این که محرم باشی، زیرا حضرتش آن میقات «بطن العقیق» را برای اهل عراق قرار داده که در آن روز عراق نبوده،

بَطْنَ الْعَقِيقِ مِنْ قَبْلِ أَهْلِ الْعِرَاقِ وَ وَقْتُ لِأَهْلِ الْيَمَنِ يَلْمَلَمَ وَ وَقْتُ لِأَهْلِ الطَّائِفِ قَرْنَ الْمَنَازِلِ وَ وَقْتُ لِأَهْلِ الْمَغْرِبِ الْجُحْفَةَ وَ هِيَ مَهْيَعَةٌ وَ وَقْتُ لِأَهْلِ الْمَدِينَةِ ذَا الْحُلَيْفَةِ وَ مَنْ كَانَ مَنْزِلُهُ خَلْفَ هَذِهِ الْمَوَاقِيتِ مِمَّا يَلِي مَكَّةَ فَوْقَتُهُ مَنْزِلُهُ.

۲- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

الْإِحْرَامُ مِنْ مَوَاقِيتِ خَمْسَةٍ وَ قَتَّهَا رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله لَا يَنْبَغِي لِحَاجٍّ وَ لَا لِمُعْتَمِرٍ أَنْ يُحْرِمَ قَبْلَهَا وَ لَا بَعْدَهَا وَ قَتَّ لِأَهْلِ الْمَدِينَةِ ذَا الْحُلَيْفَةِ وَ هُوَ مَسْجِدُ الشَّجَرَةِ يُصَلَّى فِيهِ وَ يُفَرِّضُ فِيهِ الْحَجَّ وَ وَقْتُ لِأَهْلِ الشَّامِ الْجُحْفَةَ وَ وَقْتُ لِأَهْلِ نَجْدٍ الْعَقِيقِ وَ وَقْتُ لِأَهْلِ الطَّائِفِ قَرْنَ الْمَنَازِلِ وَ وَقْتُ لِأَهْلِ الْيَمَنِ يَلْمَلَمَ، وَ لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ أَنْ يَرْغَبَ عَنْ مَوَاقِيتِ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله.

۳- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ دَاوُدَ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْخَزَّازِ قَالَ:

که از طرف اهل عراق قرار داده است و برای اهل یمن «یَلْمَلَمَ» را میقات قرار داد. و برای اهل طائف «قرن المنازل» و برای اهل مغرب جحفه که همان مهیعه است و برای اهل مدینه «ذوالحلیفه» و هر که منزلش بعد از میقات تا مکه باشد، منزلش میقات او است.

۲- حلبی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

احرام از پنج میقات است که رسول خدا صلى الله عليه وآله قرار داده که برای حج کننده و عمره کننده شایسته نیست که پیش از آن و بعد از آن محرم شود. برای اهل مدینه «ذوالحلیفه» را - که آن مسجد شجره است - میقات قرار داد که در آن نماز خوانده و نیت حج را می کنند و برای اهل شام «جحفه»، برای اهل نجد «عقیق»، برای اهل طائف «قرن المنازل» و برای اهل یمن «یلملم» را میقات قرار داده است و سزاوار نیست کسی از میقات های رسول خدا صلى الله عليه وآله روگردان باشد.

۳- ابو ایوب خزّاز گوید:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: حَدَّثَنِي عَنِ الْعَقِيقِ أَوْ قَتَّ وَقْتَهُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَوْ شَيْءٌ صَنَعَهُ النَّاسُ؟

فَقَالَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ: وَقَّتَ لِأَهْلِ الْمَدِينَةِ ذَا الْحُلَيْفَةِ وَ وَقَّتَ لِأَهْلِ الْمَغْرِبِ الْجُحْفَةَ وَ هِيَ عِنْدَنَا مَكْتُوبَةٌ مَهْيَعَةٌ، وَ وَقَّتَ لِأَهْلِ الْيَمَنِ يَلْمَلَمَ، وَ وَقَّتَ لِأَهْلِ الطَّائِفِ قَرْنَ الْمَنَازِلِ، وَ وَقَّتَ لِأَهْلِ نَجْدِ الْعَقِيقِ وَ مَا أَنْجَدَتْ.

۴ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

آخِرُ الْعَقِيقِ بَرِيدٌ أَوْ طَاسٍ.

وَ قَالَ: بَرِيدُ الْبُعْثِ دُونَ غَمْرَةٍ بِبَرِيدَيْنِ.

۵ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عليه السلام قَالَ: حَدُّ الْعَقِيقِ مَا بَيْنَ الْمَسْلُخِ إِلَى عَقَبَةِ غَمْرَةٍ.

به امام صادق عليه السلام عرض کردم: برای من از میقات «عقیق» بگو؛ آیا میقاتی است که رسول خدا ﷺ قرار داده یا مردم قرار داده‌اند؟

فرمود: به راستی رسول خدا ﷺ برای اهل مدینه «ذوالحلیفه»، برای اهل مغرب «جحفه» - که نزد ما «مهیعه» نوشته شده - برای اهل یمن «یلملم»، برای اهل طائف «قرن المنازل» و برای اهل نجد «عقیق» و آن چه به خدا منتهی می‌شود، میقات قرار داده است.

۴ - معاویه بن عمار گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

پایانی‌ترین بخش عقیق، برید او طاسی است.

و فرمود: برید بعث کمتر از دو برید به غمره است.

۵ - ابو بصیر گوید: امام (باقریا امام صادق عليه السلام) فرمود:

حد و مرز میقات عقیق مابین قربانگاه تا عقبه غمره است.



۶- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

أَوْطَأْسَ لَيْسَ مِنَ الْعَقِيقِ.

۷- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الْإِحْرَامِ مِنْ أَيِّ الْعَقِيقِ أَفْضَلُ أَنْ أُحْرِمَ؟ فَقَالَ: مِنْ أَوَّلِهِ أَفْضَلُ.

۸- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ قَالَ:

كَتَبْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام: أَنَا تُحْرِمُ مِنْ طَرِيقِ الْبَصْرَةِ وَلَسْنَا نَعْرِفُ حَدَّ عَرْضِ الْعَقِيقِ. فَكَتَبَ: أُحْرِمُ مِنْ وَجْهَةٍ.

۶- راوی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: منطقه اوطاس از میقات عقیق به شمار نمی آید.

۷- یونس بن یعقوب گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: احرام بستن از کدام بخش میقات بهتر است؟

فرمود: از اولش بهتر است.

۸- یونس بن عبدالرحمان گوید: طی نامه ای خدمت امام کاظم عليه السلام نوشتم: ما از راه بصره محرم می شویم و حدود میقات عقیق را نمی دانیم؟ حضرتش در جواب نوشت: از منطقه وجهه محرم شو.

۹- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

مَنْ أَقَامَ بِالْمَدِينَةِ شَهْرًا وَهُوَ يُرِيدُ الْحَجَّ ثُمَّ بَدَأَ لَهُ أَنْ يَخْرُجَ فِي غَيْرِ طَرِيقِ أَهْلِ الْمَدِينَةِ الَّذِي يَأْخُذُونَهُ، فَلْيَكُنْ إِحْرَامُهُ مِنْ مَسِيرَةِ سِتَّةِ أَمْيَالٍ فَيَكُونُ حِذَاءَ الشَّجَرَةِ مِنَ الْبَيْدَاءِ.

وَ فِي رِوَايَةٍ أُخْرَى: يُحْرِمُ مِنَ الشَّجَرَةِ ثُمَّ يَأْخُذُ أَيَّ طَرِيقٍ شَاءَ.

۱۰- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

أَوَّلُ الْعَقِيقِ بَرِيدُ الْبُعْثِ وَهُوَ دُونَ الْمَسْلُخِ بِسِتَّةِ أَمْيَالٍ مِمَّا يَلِي الْعِرَاقَ وَبَيْنَهُ وَبَيْنَ غَمْرَةِ أَرْبَعَةٍ وَ عِشْرُونَ مِيلًا بَرِيدَانِ.

بَعْضُ أَصْحَابِنَا قَالَ:

إِذَا خَرَجْتَ مِنَ الْمَسْلُخِ فَأَحْرِمْ عِنْدَ أَوَّلِ بَرِيدٍ يَسْتَقْبِلُكَ.

۹- عبدالله بن سنان گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هر که در مدینه یک ماه اقامت کرد و خواست در مراسم حج شرکت نماید آن گاه تصمیم گرفت که از غیر راه اهل مدینه برود، احرام او از ۶ میلی و از بیداء مقابل مسجد شجره خواهد بود.

در روایت دیگری آمده است: او بایستی از مسجد شجره محرم شود و از هر راهی بخواند برود.

۱۰- معاویه بن عمار گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

نخستین بخش میقات عقیق، برید البعث است و آن از طرف عراق شش میل مانده به قربانگاه است و ما بین او و غمره بیست و چهار میل دو برید است.

یکی از اصحاب ما گوید: هنگامی که از قربانگاه بیرون رفتی نزد اولین برید محرم شو.

(۷۵)

## بَابُ مَنْ أَحْرَمَ دُونَ الْوَقْتِ

۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ الْكَرْخِيِّ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ أَحْرَمَ بِحَجَّةٍ فِي غَيْرِ أَشْهُرِ الْحَجِّ دُونَ الْوَقْتِ الَّذِي وَقَّتَهُ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله.

قَالَ: لَيْسَ إِحْرَامُهُ بِشَيْءٍ، إِنْ أَحَبَّ أَنْ يَرْجِعَ إِلَى مَنْزِلِهِ فَلْيَرْجِعْ وَلَا أَرَى عَلَيْهِ شَيْئاً، وَإِنْ أَحَبَّ أَنْ يَمْضِيَ فَلْيَمْضِ، فَإِذَا انْتَهَى إِلَى الْوَقْتِ فَلْيُحْرِمْ مِنْهُ وَيَجْعَلْهَا عُمْرَةً، فَإِنَّ ذَلِكَ أَفْضَلُ مِنْ رُجُوعِهِ، لِأَنَّهُ أَعْلَنَ الْإِحْرَامَ بِالْحَجِّ.

۲ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ مُثَنَّى عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

## بخش هفتاد و پنجم

## حکم کسی که در غیر میقات محرم شود

۱ - ابراهیم کرخی گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: کسی که در غیر ماههای حج و غیر از میقات‌هایی که رسول خدا صلى الله عليه وآله قرار داده، محرم می‌شود (تکلیفش چیست؟)

فرمود: احرامش درست نیست، اگر دوست دارد به خانه‌اش برگردد، پس برگردد و ایرادی براو نمی‌بینم و اگر خواست حج را انجام دهد، می‌تواند و زمانی که به میقات رسید از آن جا محرم می‌شود و آن را عمره قرار می‌دهد، زیرا آن، بهتر از برگشت اوست، چون با احرامش اعلان حج نموده است.

۲ - زراره گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَعْلُومَاتٌ شَوَّالٌ وَ ذُو الْقَعْدَةِ وَ ذُو الْحِجَّةِ لَيْسَ لِأَحَدٍ أَنْ يُحْرِمَ بِالْحَجِّ فِي سِوَاهُنَّ وَ لَيْسَ لِأَحَدٍ أَنْ يُحْرِمَ ذُوْنَ الْوَقْتِ الَّذِي وَقَّتَهُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فَإِنَّمَا مَثَلُ ذَلِكَ مَثَلُ مَنْ صَلَّى فِي السَّفَرِ أَرْبَعًا وَ تَرَكَ الثَّانِيَيْنِ.

۳- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ فَضِيلِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ﷺ عَنْ رَجُلٍ اشْتَرَى بَدَنَةً قَبْلَ أَنْ يَنْتَهِيَ إِلَى الْوَقْتِ الَّذِي يُحْرِمُ فِيهِ فَأَشْعَرَهَا وَ قَلَدَهَا أَيْحِبُّ عَلَيْهِ حِينَ فَعَلَ ذَلِكَ مَا يَجِبُ عَلَى الْمُحْرِمِ؟ قَالَ: لَا، وَ لَكِنْ إِذَا انْتَهَى إِلَى الْوَقْتِ فَلْيُحْرِمْ ثُمَّ لْيُشْعِرْهَا وَ يُقَلِّدَهَا، فَإِنَّ تَقْلِيدَهُ الْأَوَّلَ لَيْسَ بِشَيْءٍ.

۴- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ ابْنِ أُذَيْنَةَ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ﷺ: مَنْ أَحْرَمَ بِالْحَجِّ فِي غَيْرِ أَشْهُرِ الْحَجِّ فَلَا حَجَّ لَهُ وَ مَنْ أَحْرَمَ ذُوْنَ الْمِيقَاتِ فَلَا إِحْرَامَ لَهُ.

حج در ماههای معلوم شوال، ذی قعدة و ذی حجه است، هیچ کس نمی تواند در غیر آن ماهها و در غیر آن میقات هایی که رسول خدا ﷺ قرار داده، محرم شود، همانا مثل این شخص، مثل کسی است که در هنگام سفر چهار رکعتی نماز گزارد و نماز دو رکعتی (شکسته) را ترک کند.

۳- فضیل بن یسار گوید: از امام صادق ﷺ پرسیدم: کسی که شتر قربانی را پیش از آن که در میقات محرم شود، خریده و آن را علامت گذاری کرده و بر آن قلاده ای نهاده است، آیا واجبات محرم بر او نیز واجب می شود؟

فرمود: نه، ولی هنگامی که به میقات رسید، بایستی محرم شود، سپس اشعار و تقلید کند، زیرا تقلید اول او اعتبار ندارد.

۴- ابن اذینه گوید: امام صادق ﷺ فرمود:

هر که در غیر ماههای حج، احرام بندد، حج او ارزشی ندارد و هر که در غیر میقات محرم شده احرام او ارزش ندارد.

- ۵- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ مِهْرَانَ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ أَخِيهِ رَبَاحٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِنَّا نُرَوِّى بِالْكُوفَةِ أَنَّ عَلِيًّا عليه السلام قَالَ: إِنَّ مِنْ تَمَامِ الْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ أَنْ يُحْرِمَ الرَّجُلُ مِنْ دَوِيرَةِ أَهْلِهِ، فَهَلْ قَالَ هَذَا عَلِيٌّ عليه السلام؟ فَقَالَ: قَدْ قَالَ ذَلِكَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام لِمَنْ كَانَ مَنْزِلُهُ خَلْفَ الْمَوَاقِيتِ، وَلَوْ كَانَ كَمَا يَقُولُونَ مَا كَانَ يَمْنَعُ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وسلم أَنْ لَا يَخْرُجَ بَيْتَابِهِ إِلَى الشَّجَرَةِ.
- ۶- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ مَيْسَرَةَ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام وَأَنَا مُتَغَيِّرُ اللَّوْنِ، فَقَالَ لِي: مِنْ أَيْنَ أَحْرَمْتَ؟ قُلْتُ: مِنْ مَوْضِعٍ كَذَا وَكَذَا. فَقَالَ: رَبُّ طَالِبٍ خَيْرٌ تَزِلُّ قَدَمُهُ.

- ۵- رباح گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: به مادر کوفه روایت می کنند که علی عليه السلام فرموده است: از کامل بودن حج و عمره انسان احرام بستن او از خانه اهلش است. آیا علی عليه السلام این حدیث را فرموده است؟
- فرمود: علی عليه السلام این را برای کسی فرموده که خانه اش بعد از میقات باشد و اگر چنین بود که می گویند، رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم مانع از خروج با لباس خود از مسجد شجره نمی شد.
- ۶- میسره گوید: من رنگ پریده خدمت امام صادق عليه السلام شرف یاب شدم، حضرتش فرمود: از کجا محرم شدی؟
- گفتم: از محل چنین و چنان.
- فرمود: چه جویندگان خیری که پایش بلغزد.

ثُمَّ قَالَ: يَسْرُكَ إِنْ صَلَّيْتَ الظُّهْرَ فِي السَّفَرِ أَرْبَعًا؟  
قُلْتُ: لَا.

قَالَ: فَهُوَ وَاللَّهِ، ذَاكَ.

۷- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

مَنْ أَحْرَمَ دُونَ الْوَقْتِ وَأَصَابَ مِنَ النِّسَاءِ وَالصَّيْدِ فَلَا شَيْءَ عَلَيْهِ.

۸- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ:

لَيْسَ يَنْبَغِي لِأَحَدٍ أَنْ يُحْرِمَ دُونَ الْمَوَاقِيتِ الَّتِي وَقَّتَهَا رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله إِلَّا أَنْ يَخَافَ فَوْتَ الشَّهْرِ فِي الْعُمْرَةِ.

سپس فرمود: دوست داری به هنگام ظهر در سفر چهار رکعت نماز بخوانی؟  
گفتم: نه.

فرمود: به خدا سوگند! آن عمل، چنین است.

۷- حریز گوید: یکی از اصحاب ما گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

هر که در غیر از میقات محرم شود و با همسرش نزدیکی کند و صید نماید، چیزی به عهده او نیست.

۸- معاویه بن عمار گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می فرمود:

سزاوار نیست کسی از غیر میقات هایی که رسول خدا صلی الله علیه و آله قرار داده، محرم شود مگر این که بیم آن داشته باشد که ماه عمره سپری شود.

۹- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَجِيءُ مُعْتَمِرًا عُمْرَةً رَجَبٍ فَيَدْخُلُ عَلَيْهِ هِلَالُ شَعْبَانَ قَبْلَ أَنْ يَبْلُغَ الْوَقْتَ أَوْ يُحْرِمَ قَبْلَ الْوَقْتِ وَ يَجْعَلُهَا لِرَجَبٍ أَوْ يُؤَخِّرُ الْإِحْرَامَ إِلَى الْعَقِيقِ وَ يَجْعَلُهَا لَشَعْبَانَ؟  
قَالَ: يُحْرِمُ قَبْلَ الْوَقْتِ فَيَكُونُ لِرَجَبٍ لِأَنَّ لِرَجَبٍ فَضْلَهُ وَ هُوَ الَّذِي نَوَى.

(۷۶)

### بَابُ مَنْ جَاوَزَ مِيقَاتَ أَرْضِهِ بِغَيْرِ إِحْرَامٍ أَوْ دَخَلَ مَكَّةَ بِغَيْرِ إِحْرَامٍ

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ نَسِيَ أَنْ يُحْرِمَ حَتَّى دَخَلَ الْحَرَمَ. قَالَ: قَالَ أَبِي: يَخْرُجُ إِلَى مِيقَاتِ أَهْلِ أَرْضِهِ فَإِنْ خَشِيَ أَنْ يَفُوتَهُ الْحَجُّ أَحْرَمَ مِنْ مَكَانِهِ، فَإِنْ اسْتَطَاعَ أَنْ يَخْرُجَ مِنَ الْحَرَمِ فَلْيَخْرُجْ ثُمَّ لِيُحْرِمَ.

۹- اسحاق بن عمار گوید: از امام کاظم عليه السلام پرسیدم: کسی جهت عمره رجب عازم حج می شود و پیش از رسیدن به میقات، ماه شعبان فرا می رسد، آیا پیش از میقات محرم شده و می تواند آن را برای ماه رجب قرار دهد و یا تأخیر اندازد تا به عقیق برسد و برای شعبان قرار دهد؟

فرمود: پیش از میقات محرم شود و آن را برای رجب قرار دهد؛ زیرا برای رجب فضیلت است و آن، همانی است که ثبت کرد.

### بخش هفتاد و ششم

### حکم کسی که از میقات شهر خود بدون احرام عبور کند یا بدون احرام وارد مکه شود

۱- حلبی گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: کسی که فراموش کرده محرم شود وارد حرم شده است (چه حکمی دارد؟)

فرمود: پدرم فرمود: بایستی به میقات شهر خود برگردد و اگر بیم دارد که حج او فوت شود، از همان مکان احرام ببندد و اگر بتواند از حرم بیرون رود پس بیرون رود، آن گاه محرم شود.

- ۲- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرُّضَا عليه السلام قَالَ: كَتَبْتُ إِلَيْهِ: أَنَّ بَعْضَ مَوَالِيكَ بِالْبَصْرَةِ يُحْرِمُونَ بَطْنَ الْعَقِيقِ وَ لَيْسَ بِذَلِكَ الْمَوْضِعُ مَاءً وَ لَا مَنْزِلٌ وَ عَلَيْهِمْ فِي ذَلِكَ مَثْنَةٌ شَدِيدَةٌ وَ يُعْجِلُهُمْ أَصْحَابُهُمْ وَ جَمَالُهُمْ وَ مِنْ وَرَاءِ بَطْنِ الْعَقِيقِ بِخَمْسَةِ عَشَرَ مِيلًا مَنْزِلٌ فِيهِ مَاءٌ وَ هُوَ مَنْزِلُهُمُ الَّذِي يَنْزِلُونَ فِيهِ فَتَرَى أَنَّ يُحْرِمُوا مِنْ مَوْضِعِ الْمَاءِ لِرَفَقَةٍ بِهِمْ وَ خِفَتِهِ عَلَيْهِمْ؟ فَكَتَبَ: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وَقَّتَ الْمَوَاقِيتَ لِأَهْلِهَا وَ لِمَنْ أَتَى عَلَيْهَا مِنْ غَيْرِ أَهْلِهَا، وَ فِيهَا رُخْصَةٌ لِمَنْ كَانَتْ بِهِ عِلَّةٌ فَلَا يُجَاوِزُ الْمِيقَاتَ إِلَّا مِنْ عِلَّةٍ.
- ۳- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ أَبِي بَكْرٍ الْحَضْرَمِيِّ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِنِّي خَرَجْتُ بِأَهْلِي مَاشِيًا فَلَمْ أَهْلَ حَتَّى أَتَيْتُ الْجُحْفَةَ وَ قَدْ كُنْتُ شَاكِيًا، فَجَعَلَ أَهْلُ الْمَدِينَةِ يَسْأَلُونَ عَنِّي فَيَقُولُونَ: لَقِينَاهُ وَ عَلَيْهِ ثِيَابُهُ وَ هُمْ لَا يَعْلَمُونَ وَ قَدْ رَخَّصَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله لِمَنْ كَانَ مَرِيضًا أَوْ ضَعِيفًا أَنْ يُحْرِمَ مِنَ الْجُحْفَةِ.

۲- صفوان بن يحيى گوید: طی نامه‌ای به امام رضا عليه السلام نوشتم: بعضی از دوستان شما در بصره از وسط میقات عقیق محرم می‌شوند، در آن جا آب و منزل نیست و آنها در آن جا به مشقت و سختی می‌افتند و همراهان و شتردارانشان آنها را به عجله و امی دارند و پس از بطن عقیق به فاصله ۱۵ میلی منزلی است که در آن آب است و آن منزلی است که در آن فرود می‌آیند، آیا اجازه می‌فرمایید که از آن جا که آب است محرم شوند تا به آسانی و راحتی انجام دهند؟

حضرتش در پاسخ نوشت: رسول خدا صلى الله عليه وآله میقات‌ها را برای مردمان آنها قرار داد و همین طور برای غیر مردمان آن میقات‌ها، از آن بگذرد. و اگر کسی بیمار باشد برای او رخصت داده شده است و بنا بر این کسی نمی‌تواند (بدون احرام) از میقات بگذرد مگر کسی که بیمار باشد.

۳- ابوبکر حضرمی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

من با خانواده‌ام پیاده (از مدینه) حرکت کردم و محرم نشدم تا این که به جحفه رسیدم در حالی که بیمار بودم مردم مدینه از من سؤال می‌کردند و می‌گفتند که او را با لباس دیدیم در حالی که آنها نمی‌دانند که پیامبر خدا صلى الله عليه وآله به بیمار و ناتوان اجازه داده که از جحفه محرم شود.



۴- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ رِفَاعَةَ بْنِ مُوسَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَعْزِضُ لَهُ الْمَرَضُ الشَّدِيدُ قَبْلَ أَنْ يَدْخُلَ مَكَّةَ.

قَالَ: لَا يَدْخُلُهَا إِلَّا بِإِحْرَامٍ.

۵- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَنَاسٍ مِنْ أَصْحَابِنَا، حَجُّوا بِامْرَأَةٍ مَعَهُمْ فَقَدِمُوا إِلَى الْوَقْتِ وَهِيَ لَا تُصَلِّي فَجَهِلُوا أَنَّ مِثْلَهَا يَنْبَغِي أَنْ يُحْرِمَ فَمَضَوْا بِهَا كَمَا هِيَ حَتَّى قَدِمُوا مَكَّةَ وَهِيَ طَامِتٌ حَلَالٌ فَسَأَلُوا النَّاسَ، فَقَالُوا: تَخْرُجُ إِلَى بَعْضِ الْمَوَاقِيتِ فَتُحْرِمُ مِنْهُ وَكَانَتْ إِذَا فَعَلَتْ لَمْ تُدْرِكِ الْحَجَّ.

فَسَأَلُوا أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام فَقَالَ: تُحْرِمُ مِنْ مَكَانِهَا قَدْ عَلِمَ اللَّهُ نِيَّتَهَا.

۶- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ:

۴- رفاعه بن موسی گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: کسی که قبل از ورود به مکه دچار بیماری سختی شده (چگونه وارد مکه شود؟)  
فرمود: فقط با احرام وارد مکه شود.

۵- زراره گوید: گروهی از اصحاب ما به حج مشرف شدند که یک زن نیز به همراه داشتند. وقتی به میقات رسیدند، آن زن دوران عادت ماهانه را می‌گذراند و نمی‌دانستند که آیا او می‌تواند محرم شود؟ وارد مکه شدند و در این مورد از مردم سؤال کردند، آن‌ها جواب دادند: به یکی از میقات‌ها برو و از آن جا محرم شود و چنین بود که اگر این کار را می‌کرد به حج نمی‌رسید.

از امام باقر عليه السلام در این مورد پرسیدند.

فرمود: از همان مکانش محرم شود که همانا خداوند از نیت او آگاه است.

۶- عبدالله بن سنان گوید:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ مَرَّ عَلَى الْوَقْتِ الَّذِي يُحْرِمُ النَّاسُ مِنْهُ فَنَسِيَ  
أَوْ جَهَلَ فَلَمْ يُحْرِمِ حَتَّى أَتَى مَكَّةَ فَخَافَ أَنْ رَجَعَ إِلَى الْوَقْتِ أَنْ يَقُوتَهُ الْحَجُّ.  
فَقَالَ: يَخْرُجُ مِنَ الْحَرَمِ وَ يُحْرِمُ وَ يُجْزِئُهُ ذَلِكَ.

۷- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ  
الْفُضَيْلِ عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ الْكِنَانِيِّ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ جَهَلَ أَنْ يُحْرِمَ حَتَّى دَخَلَ الْحَرَمَ كَيْفَ يَصْنَعُ؟  
قَالَ: يَخْرُجُ مِنَ الْحَرَمِ ثُمَّ يَهْلُ بِالْحَجِّ.

۸- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ بَعْضِ  
أَصْحَابِنَا عَنْ أَحَدِهِمَا عليه السلام:

فِي رَجُلٍ نَسِيَ أَنْ يُحْرِمَ أَوْ جَهَلَ وَ قَدْ شَهِدَ الْمَنَاسِكَ كُلَّهَا وَ طَافَ وَ سَعَى.  
قَالَ: تُجْزِئُهُ نَيْتُهُ إِذَا كَانَ قَدْ تَوَى ذَلِكَ فَقَدْ تَمَّ حَجُّهُ وَ إِنْ لَمْ يَهْلُ.  
وَ قَالَ فِي مَرِيضٍ أُغْمِيَ عَلَيْهِ حَتَّى أَتَى الْوَقْتَ فَقَالَ: يُحْرِمُ مِنْهُ.

از امام صادق عليه السلام پرسیدم: کسی که از یکی از میقات‌هایی که مردم از آن جا محرم  
می‌شوند می‌گذرد و فراموش می‌کند، یا وظیفه‌اش را نمی‌داند و محرم نمی‌شود تا این که  
وارد مکه می‌شود (پس از دانستن مسأله) بیم آن دارد که اگر به میقات برگردد حج از او  
فوت شود (چه وظیفه‌ای دارد؟)

فرمود: از حرم خارج شود و احرام ببندد که همان کفایتش می‌کند.

۷- ابو الصباح کنانی گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: کسی که نداند باید محرم شود تا  
هنگامی که وارد حرم شود چه وظیفه‌ای دارد؟

فرمود: از حرم بیرون رود آن گاه محرم به حج شود.

۸- یکی از اصحاب گوید: امام (باقر یا امام صادق عليه السلام) در مورد شخصی که از روی  
فراموشی یا ناآگاهی محرم نشد و تمامی مناسک حج، طواف و سعی را انجام داد فرمود:  
اگر تبت کند، همان کافی است. همانا حج او تمام شده، اگر چه محرم نشده باشد.

هم چنین حضرتش در مورد کسی که بی‌هوش بوده تا به میقات رسیده فرمود:  
از آن جا احرام می‌بندد.

۹- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام عَنِ الْإِحْرَامِ مِنْ غَمْرَةٍ.  
قَالَ: لَيْسَ بِهِ بَأْسٌ أَنْ يُحْرِمَ مِنْهَا، وَكَانَ بَرِيدُ الْعَقِيقِ أَحَبَّ إِلَيَّ.

۱۰- صَفْوَانُ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ امْرَأَةٍ كَانَتْ مَعَ قَوْمٍ فَطَمِثَتْ فَأَرْسَلَتْ إِلَيْهِمْ فَسَأَلْتَهُمْ، فَقَالُوا: مَا نَدْرِي أَعَلَيْكَ إِحْرَامٌ أَمْ لَا وَأَنْتِ حَائِضٌ، فَتَرَكَوْهَا حَتَّى دَخَلَتْ الْحَرَمَ.  
قَالَ: إِنْ كَانَ عَلَيْهَا مُهَلَّةٌ فَلْتَرْجِعْ إِلَى الْوَقْتِ فَلْتُحْرِمَ مِنْهُ، وَإِنْ لَمْ يَكُنْ عَلَيْهَا وَقْتُ فَلْتَرْجِعْ إِلَى مَا قَدَرْتَ عَلَيْهِ بَعْدَ مَا تَخْرُجُ مِنَ الْحَرَمِ بِقَدَرِ مَا لَا يَقُوتُهَا.

۱۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَمْرٍو بْنِ سَعِيدٍ عَنْ وَرْدَانَ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ عليه السلام قَالَ:

مَنْ كَانَ مِنْ مَكَّةَ عَلَى مَسِيرَةِ عَشْرَةِ أَمْيَالٍ لَمْ يَدْخُلْهَا إِلَّا بِإِحْرَامٍ.

۹- اسحاق بن عمار گوید: از امام کاظم عليه السلام در مورد احرام از غمره - که در عقیق است - پرسیدم.

فرمود: ایرادی ندارد، که از آن جا محرم شود و «برید عقیق» نزد من بهتر است.

۱۰- معاویه بن عمار گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: زنی که به همراه گروهی به سفر حج می‌رفت، پیش از احرام حایض شد، از آنها وظیفه‌اش را پرسید.  
گفتند: نمی‌دانیم که در این حال بر تو احرام واجب است یا نه.

او را وا گذاشتند تا وارد حرم شد (چه وظیفه‌ای دارد؟)

فرمود: اگر فرصت دارد به میقات برگردد و از آن جا محرم شود و اگر فرصت ندارد هر مسافتی که می‌تواند و حج او از بین نمی‌رود از حرم بیرون شود.

۱۱- وردان گوید: امام کاظم عليه السلام فرمود:

هر که ده میل با مکه فاصله داشته باشد فقط با احرام وارد مکه شود.

۱۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ سَوْرَةَ بْنِ كُليبٍ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام: خَرَجْتُ مَعَنَا امْرَأَةً مِنْ أَهْلِنَا فَجَهِلَتِ الْإِحْرَامَ فَلَمْ تُحْرَمْ حَتَّى دَخَلْنَا مَكَّةَ وَنَسِينَا أَنْ نَأْمُرَهَا بِذَلِكَ.

قَالَ: فَمُرُّوْهَا فَلْتُحْرَمْ مِنْ مَكَانِهَا مِنْ مَكَّةَ أَوْ مِنَ الْمَسْجِدِ.

(۷۷)

### بَابُ مَا يَجِبُ لِعَقْدِ الْإِحْرَامِ

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ وَ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ جَمِيعاً عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

۱۲ - سورة بن کلب گوید: به امام باقر عليه السلام گفتم: خانمی از خویشاوندانم به همراه ما به مکه حرکت کرد. او از روی ناآگاهی محرم نشد تا هنگامی که وارد مکه شدیم و ما نیز فراموش کردیم که به او دستور دهیم لباس احرام بپوشد.

فرمود: به او دستور دهید که از همان جا در مکه یا از مسجد محرم شود.

### بخش هفتاد و هفتم

### واجبات احرام بستن

۱ - معاویة بن عمار گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

إِذَا انْتَهَيْتَ إِلَى الْعَقِيقِ مِنْ قَبْلِ الْعِرَاقِ أَوْ إِلَى الْوَقْتِ مِنْ هَذِهِ الْمَوَاقِيتِ وَأَنْتَ تُرِيدُ الْإِحْرَامَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ، فَانْتَفِ بِطَيْتِكَ وَ قَلِّمْ أَظْفَارَكَ وَ أَطْلِ عَانَتَكَ وَ خُذْ مِنْ شَارِبِكَ وَ لَا يَضُرُّكَ بَأْيٌ ذَلِكَ بَدَأَتْ ثُمَّ اسْتَكْ وَ اغْتَسِلْ وَ الْبَسْ ثَوْبَيْكَ، وَ لِيَكُنْ فَرَاغَكَ مِنْ ذَلِكَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ عِنْدَ زَوَالِ الشَّمْسِ وَ إِنْ لَمْ يَكُنْ عِنْدَ زَوَالِ الشَّمْسِ، فَلَا يَضُرُّكَ غَيْرَ أَنِّي أَحِبُّ أَنْ يَكُونَ ذَاكَ مَعَ الْإِخْتِيَارِ عِنْدَ زَوَالِ الشَّمْسِ.

۲ - عَلِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

السُّنَّةُ فِي الْإِحْرَامِ تَقْلِيمُ الْأَظْفَارِ، وَ اخْذُ الشَّارِبِ، وَ حَلْقُ الْعَانَةِ.

۳ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ قَالَ:

سَأَلَ أَبُو بَصِيرٍ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام وَ أَنَا حَاضِرٌ فَقَالَ: إِذَا طَلَيْتُ لِلْإِحْرَامِ الْأَوَّلِ كَيْفَ أَصْنَعُ فِي الطَّلِيَةِ الْأَخِيرَةِ؟ وَ كَمْ بَيْنَهُمَا؟  
قَالَ: إِذَا كَانَ بَيْنَهُمَا جُمُعَتَانِ خَمْسَةَ عَشَرَ يَوْمًا فَاطَّلِ.

هنگامی که از طرف عراق به سرزمین عقیق رسیدی، یا به میقاتی از این میقاتها وارد شدی؛ و قصد داری که به خواست خداوند احرام کنی، موی زیر بغل هایت را بزدا، ناخن هایت را بگیر، خود را نظافت کن سبیل خود را کوتاه کن، و ایرادی ندارد که با کدامیک اعمال خود را آغاز کنی، سپس مسواک بزن و غسل کن و لباس های احرامت را به تن کن، و چنان باش که به خواست خدا تا ظهر به این اعمال پایان دهی و اگر هنگام ظهر پایان نرسید ایرادی ندارد مگر این که من دوست دارم پایان اعمال، - همراه با اختیار - هنگام ظهر باشد.

۲ - حریز گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

سنت و روش رسول خدا صلی الله علیه و آله به هنگام احرام، ناخن گرفتن و کوتاه کردن سبیل و تراشیدن موی عانه است.

۳ - ابوبصیر گوید: در خدمت امام صادق عليه السلام بودم، شخصی از حضرتش سؤال کرد: اگر برای احرام اول (عمره تمتع) نوره استعمال کنم برای احرام دوم (حج تمتع) چه کنم؟ و فاصله میان این دو چقدر است؟

فرمود: اگر بین دو احرام، دو جمعه - پانزده روز - باشد، پس نوره بکش .

۴ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْمُكَارِي عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

لَا بَأْسَ بِأَنْ تَطْلِيَ قَبْلَ الْإِحْرَامِ بِخَمْسَةِ عَشَرَ يَوْمًا.

۵ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ قَالَ: كَتَبَ الْحَسَنُ بْنُ سَعِيدٍ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام: رَجُلٌ أَحْرَمَ بِغَيْرِ غُسْلِ أَوْ بِغَيْرِ صَلَاةٍ عَالِمٌ أَوْ جَاهِلٌ مَا عَلَيْهِ فِي ذَلِكَ وَكَيْفَ يَنْبَغِي أَنْ يَصْنَعَ؟ فَكَتَبَ عليه السلام: يُعِيدُ.

۶ - بَعْضُ أَصْحَابِنَا عَنِ ابْنِ جُمُهورٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي يَعْفُورٍ قَالَ:

كُنَّا بِالْمَدِينَةِ فَلَا حَاجَةَ فِي نَتْفِ الْإِطْوِ وَحَلَقِهِ فَقُلْتُ: حَلَقُهُ أَفْضَلُ. وَ قَالَ زُرَّارَةُ: نَتْفُهُ أَفْضَلُ.

۴ - ابو بصیر گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

اشکالی ندارد که قبل از احرام به فاصله پانزده روز، نوره استعمال شود.

۵ - علی بن مهزیار گوید: حسن بن سعید طی نامه ای خدمت امام رضا عليه السلام نوشت:

کسی که از روی عمد یا ناآگاهی بدون غسل، یا نماز احرام بسته است چه وظیفه ای دارد؟

حضرتش مرقوم فرمود: باید اعاده کند.

۶ - عبدالله بن ابی یعفر گوید: در مدینه بودیم که زرارہ در مورد کندن موی زیر بغل و تراشیدنش با من مجادله و بحث کرد. پس من گفتم: تراشیدنش بهتر است. زرارہ گفت: کندنش بهتر است.

فَاسْتَأْذَنَّا عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام، فَأَذِنَ لَنَا وَهُوَ فِي الْحَمَّامِ يَطْلِي وَ قَدْ اَطَّلَى  
إِبْطِيهِ، فَقُلْتُ لِرُزَّارَةَ: يَكْفِيكَ.

قَالَ: لَا، لَعَلَّهُ فَعَلَ هَذَا لِمَا لَا يَجُوزُ لِي أَنْ أَفْعَلَهُ.

فَقَالَ: فِيمَا أَنْتُمَا؟

فَقُلْتُ: إِنَّ زُرَّارَةَ لَحَانِي فِي نَتْفِ الْإِبْطِ وَ حَلْقِهِ، قُلْتُ: حَلَقَهُ أَفْضَلُ وَ قَالَ زُرَّارَةُ:  
نَتْفُهُ أَفْضَلُ.

فَقَالَ: أَصَبْتَ السُّنَّةَ وَ أَخْطَأَهَا زُرَّارَةُ، حَلَقَهُ أَفْضَلُ مِنْ نَتْفِهِ، وَ طَلِيَهُ أَفْضَلُ مِنْ  
حَلْقِهِ.

ثُمَّ قَالَ لَنَا: اطْلِيَا.

فَقُلْنَا: فَعَلْنَا مُنْذُ ثَلَاثٍ.

فَقَالَ: أَعِيدَا، فَإِنَّ الْإِطْلَاءَ طَهُورٌ.

پس از آن، از امام صادق عليه السلام اجازه ملاقات گرفتیم. حضرتش اجازه فرمود در حالی که  
در حمام بر زیر بغل نوره استعمال می نمود. پس به زرارہ گفتم: قبول نمودی؟  
گفت: نه، شاید آن حضرت این کار را به دلیلی انجام می دهد که برای من جایز نیست  
انجام دهم.

حضرت فرمود: شما در مورد چه چیزی سخن می گوید؟

عرض کردم: زرارہ با من در مورد تراشیدن موی زیر بغل و کندنش گفت و گو می کرد من  
گفتم: تراشیدنش بهتر است و زرارہ گفت: کندنش.

حضرت فرمود: تو به سنت دست یافتی و زرارہ خطاء رفته است. تراشیدنش بهتر از  
کندن است و نوره کشیدنش بهتر از تراشیدن است.

سپس به ما فرمود: نوره استعمال کنید!

عرض کردیم: سه روز پیش انجام دادیم.

فرمود: دوباره استعمال کنید، زیرا نوره پاکیزگی است.

(۷۸)

**بَابُ مَا يُجْزَى مِنْ غُسْلِ الْإِحْرَامِ وَ مَا لَا يُجْزَى**

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ جَمِيعاً عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: غُسْلُ يَوْمِكَ لِيَوْمِكَ وَ غُسْلُ لَيْلَتِكَ لِلَّيْلَتِكَ.

۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَرَّارٍ عَنْ يُونُسَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَغْتَسِلُ بِالْمَدِينَةِ لِإِحْرَامِهِ أَمْ يُجْزَى ذَلِكَ مِنْ غُسْلِ ذِي الْحَلِيفَةِ؟

قَالَ: نَعَمْ، فَأَتَاهُ رَجُلٌ وَ أَنَا عِنْدَهُ، فَقَالَ: اغْتَسَلَ بَعْضُ أَصْحَابِنَا فَعَرَضْتُ لَهُ حَاجَةً حَتَّى أَمْسَى.

**بخش هفتاد و هشتم****غسلی که برای احرام کفایت می‌کند و غسلی که کفایت نمی‌کند**

۱ - عمر بن یزید گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

غسل روز تو برای احرام روز توست و غسل شب برای احرام همان شب توست.

۲ - ابوبصیر گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: مردی که در مدینه برای احرام خود غسل

کند، آیا آن غسل از غسل ذی الحلیفه کفایت می‌کند؟

فرمود: آری. در این هنگام مردی خدمت آن حضرت شرفیاب شد - من نیز نزد ایشان

بودم - و عرض کرد: یکی از یاران ما غسل کرد پس کاری برای او پیش آمد تا شب فرا رسید

(چه حکمی دارد؟)



قَالَ: يُعِيدُ الْغُسْلَ نَهَاراً لِيَوْمِهِ ذَلِكَ وَ لَيْلاً لَلَيْلَتِهِ.

۳- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَغْتَسِلُ لِلْإِحْرَامِ ثُمَّ يَنَامُ قَبْلَ أَنْ يُحْرِمَ.  
قَالَ: عَلَيْهِ إِعَادَةُ الْغُسْلِ.

۴- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ اغْتَسَلَ لِلْإِحْرَامِ ثُمَّ لَبَسَ قَمِيصاً قَبْلَ أَنْ يُحْرِمَ.  
قَالَ: قَدْ انْتَقَضَ غُسْلُهُ.

۵- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ قَالَ:

فرمود: غسل را اعاده می‌کند، روز برای آن روزش غسل می‌کند، و شب برای همان شبش.

۳- نضر بن سوید گوید: از امام کاظم عليه السلام پرسیدم: شخصی برای احرام غسل می‌کند پس پیش از این که محرم شود می‌خوابد؟  
فرمود: باید دوباره غسل کند.

۴- علی بن ابی حمزه گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: کسی که برای احرام غسل کرد و پیش از این که محرم شود پیراهن پوشید (چه حکمی دارد؟)  
فرمود: به طور قطع غسل او شکسته شد.

۵- علی بن ابی حمزه گوید: از امام کاظم عليه السلام پرسیدم:

سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ اغْتَسَلَ لِلْإِحْرَامِ ثُمَّ نَامَ قَبْلَ أَنْ يُحْرِمَ.  
قَالَ: عَلَيْهِ إِعَادَةُ الْغُسْلِ.

۶- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام فِي رَجُلٍ اغْتَسَلَ لِإِحْرَامِهِ ثُمَّ قَلَّمَ أَظْفَارَهُ.  
قَالَ: يَمْسَحُهَا بِالْمَاءِ وَلَا يُعِيدُ الْغُسْلَ.

۷- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ  
قَالَ:

أَرْسَلْنَا إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام وَنَحْنُ جَمَاعَةٌ وَنَحْنُ بِالْمَدِينَةِ إِنَّا نُرِيدُ أَنْ نُودَّعَكَ.  
فَأَرْسَلَ إِلَيْنَا أَنْ اغْتَسِلُوا بِالْمَدِينَةِ، فَإِنِّي أَخَافُ أَنْ يَغُسَّرَ عَلَيْكُمُ الْمَاءُ بِذِي  
الْحُلَيْفَةِ، فَاغْتَسِلُوا بِالْمَدِينَةِ وَالْبُسُوفِ ثِيَابَكُمْ الَّتِي تُحْرَمُونَ فِيهَا، ثُمَّ تَعَالَوْا فَرَادَى  
أَوْ مَثَانِي.

شخصی برای احرام غسل می‌کند پس پیش از این که محرم شود می‌خواهد (چه  
حکمی دارد؟)

فرمود: باید دوباره غسل کند.

۶- راوی گوید: امام باقر عليه السلام درباره مردی که برای احرام غسل کرد، سپس ناخن‌هایش را  
گرفت فرمود:

ناخن‌هایش را با آب می‌شوید و لازم نیست غسل را اعاده کند.

۷- هشام بن سالم گوید: گروهی در مدینه بودیم که پیامی برای امام صادق عليه السلام  
فرستادیم که ما می‌خواهیم با شما وداع کنیم.

حضرتش به ما پاسخ داد: در مدینه غسل کنید، زیرا بیم آن دارم که در ذوالحلیفه  
(مسجد شجره) آب کمیاب باشد. پس در مدینه غسل کنید و لباس‌هایی را که در آن محرم  
می‌شوید بپوشید و آن گاه یک به یک یا دو به دو حرکت کنید.

- ۸- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلَاءِ بْنِ رَزِينَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: إِذَا اغْتَسَلَ الرَّجُلُ وَهُوَ يُرِيدُ أَنْ يُحْرِمَ فَلَبَسَ قَمِيصًا قَبْلَ أَنْ يُلَبِّيَ فَعَلَيْهِ الْغُسْلُ.
- ۹- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ ابْنِ دَرَّاجٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عليه السلام فِي الرَّجُلِ يَغْتَسِلُ لِلْإِحْرَامِ ثُمَّ يَمْسَحُ رَأْسَهُ بِمُنْدِيلٍ. قَالَ: لَا بَأْسَ بِهِ.

(۷۹)

**بَابُ مَا يَجُوزُ لِلْمُحْرِمِ بَعْدَ اغْتِسَالِهِ مِنَ الطَّيِّبِ وَ الصَّيِّدِ وَ غَيْرِ ذَلِكَ قَبْلَ أَنْ يُلَبِّيَ**

- ۱- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ قَالَ:

۸- مُحَمَّد بن مسلم گوید: امام باقر عليه السلام فرمود: هنگامی که شخص غسل کند و تصمیم دارد که احرام بپوشد و پیش از این که تلبیه بگوید پیراهنی بپوشد باید (دوباره) غسل کند.

۹- ابن درّاج گوید: امام (صادق یا امام باقر عليه السلام) درباره مردی که برای احرام غسل می‌کند سپس سرش را با حوله پاک می‌کند فرمود: ایرادی ندارد.

**بخش هفتاد و نهم**

چیزهایی که پس از غسل و قبل از تلبیه گفتن بر محرم جایز است مانند استعمال عطر، شکار کردن و موارد دیگر

۱- علی بن ابی حمزه گوید:

سَأَلَتْهُ عَنِ الرَّجُلِ يَدُهِنَّ بِدُهْنٍ فِيهِ طِيبٌ وَهُوَ يُرِيدُ أَنْ يُحْرِمَ.  
 قَالَ: لَا تَدُهْنُ حِينَ تُرِيدُ أَنْ تُحْرِمَ بِدُهْنٍ فِيهِ مِسْكٌ وَلَا عَنْبَرٌ تَبْقَى رَائِحَتُهُ فِي  
 رَأْسِكَ بَعْدَ مَا تُحْرِمُ وَادُهْنُ بِمَا شِئْتَ مِنَ الدُّهْنِ حِينَ تُرِيدُ أَنْ تُحْرِمَ قَبْلَ الْغُسْلِ وَ  
 بَعْدَهُ، فَإِذَا أَحْرَمْتَ فَقَدْ حَرَّمَ عَلَيْكَ الدُّهْنُ حَتَّى تَحِلَّ.  
 ۲- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ  
 اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

لَا تَدُهْنُ حِينَ تُرِيدُ أَنْ تُحْرِمَ بِدُهْنٍ فِيهِ مِسْكٌ وَلَا عَنْبَرٌ مِنْ أَجْلِ رَائِحَةٍ تَبْقَى فِي  
 رَأْسِكَ بَعْدَ مَا تُحْرِمُ وَادُهْنُ بِمَا شِئْتَ مِنَ الدُّهْنِ حِينَ تُرِيدُ أَنْ تُحْرِمَ، فَإِذَا أَحْرَمْتَ  
 فَقَدْ حَرَّمَ عَلَيْكَ الدُّهْنُ حَتَّى تَحِلَّ.  
 ۳- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبَانَ عَنْ عَبْدِ  
 الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ وَفُضَيْلٍ وَ مُحَمَّدٍ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ سُئِلَ  
 عَنِ الطَّيِّبِ عِنْدَ الْإِحْرَامِ وَالدُّهْنِ.

از امام علی (ع) سؤال کردم: کسی که می خواهد احرام ببندد می تواند از روغنی که آمیخته به  
 عطر استفاده کند؟

فرمود: وقتی که می خواهی محرم شوی از روغنی آمیخته به مشک و عنبر که بعد از  
 محرم شدن بوی آن در سرت باقی می ماند، استفاده مکن (و چون این را رعایت کردی) از  
 هرگونه روغنی که بخواهی - چه پیش از غسل و چه بعد از غسل - استفاده نما؛ چرا که آن  
 گاه که محرم شدی استفاده روغن بر تو حرام است تا وقتی که احرام را به پایانبری.

۲- حلبی نیز نظیر این روایت را از امام صادق (ع) نقل کرده است.

۳- عبد الرحمان بن ابی عبدالله، فضیل و محمد بن مسلم گویند: از امام صادق (ع) در  
 مورد استعمال عطر و روغن به هنگام احرام پرسیدند.

فَقَالَ: كَانَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَا يَزِيدُ عَلَى السَّلِيخَةِ.

۴ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ دَاوُدَ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا بَأْسَ بِأَنْ يَدَّهِنَ الرَّجُلُ قَبْلَ أَنْ يَغْتَسِلَ لِلْإِحْرَامِ، أَوْ بَعْدَهُ وَكَانَ يَكْرَهُ الدَّهْنَ الْخَائِرَ الَّذِي يَبْقَى.

۵ - أَحْمَدُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْعَلَاءِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الرَّجُلِ الْمُحْرِمِ يَدَّهِنُ بَعْدَ الْغُسْلِ. قَالَ: نَعَمْ.

فَادَّهَنَّا عِنْدَهُ بِسَلِيخَةِ بَانٍ وَذَكَرَ أَنَّ أَبَاهُ كَانَ يَدَّهِنُ بَعْدَ مَا يَغْتَسِلُ لِلْإِحْرَامِ، وَ أَنَّهُ يَدَّهِنُ بِالدَّهْنِ مَا لَمْ يَكُنْ غَالِيَةً، أَوْ دُهْنًا فِيهِ مِسْكٌ أَوْ عَنْبَرٌ.

۶ - أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ قَالَ:

فرمود: علی علیه السلام چیزی بر روغن اضافه نمی کرد.

۴ - محمد بن مسلم گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

ایرادی ندارد که شخص پیش از غسل برای احرام و یا بعد از آن، از روغن استفاده کند. (محمد بن مسلم گوید: امام صادق علیه السلام اگر چه داشت روغن غلیظی که بویش بماند استفاده شود.

۵ - حسین بن ابی علاء گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد مُحْرِمِی که پس از غسل (و پیش از احرام) عطر و روغن استعمال می کند پرسیدم. فرمود: آری (ایرادی ندارد).

(حسین بن ابی علاء گوید: پس ما نزد او روغن خوشبو استعمال کردیم و آن حضرت برای ما تعریف نمود که پدر بزرگوارش علیه السلام پس از غسل احرام، روغن استعمال می نمود. و این که حضرتش روغنی استعمال می نمود که معطر نباشد و روغنی که در آن مشک یا عنبر باشد نیز نباشد.

۶ - علی بن عبدالعزیز گوید:

اغتَسَلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام لِلْإِحْرَامِ، ثُمَّ دَخَلَ مَسْجِدَ الشَّجَرَةِ، فَصَلَّى، ثُمَّ خَرَجَ إِلَى الْغُلَمَانِ فَقَالَ: هَاتُوا مَا عِنْدَكُمْ مِنْ لُحُومِ الصَّيْدِ حَتَّى نَأْكُلَهُ.

۷- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

فِي الرَّجُلِ إِذَا تَهَيَّأَ لِلْإِحْرَامِ فَلَهُ أَنْ يَأْتِيَ النِّسَاءَ مَا لَمْ يَعْقِدِ التَّلْبِيَةَ أَوْ يَلْبَسَ.

۸- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحَدِهِمَا عليه السلام:

فِي رَجُلٍ صَلَّى الظُّهْرَ فِي مَسْجِدِ الشَّجَرَةِ وَعَقَدَ الْإِحْرَامَ ثُمَّ مَسَّ طَبِيبًا أَوْ صَادَ صَيْدًا أَوْ وَقَعَ أَهْلَهُ.

قَالَ: لَيْسَ عَلَيْهِ شَيْءٌ مَا لَمْ يَلْبَسَ.

۹- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ

سُوَيْدٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ قَالَ:

امام صادق عليه السلام برای احرام غسل نمود، سپس وارد مسجد شجره شد، نماز خواند بعد نزد غلامانش رفت و فرمود: آن چه در نزد شما از گوشت شکار است بیاورید تا بخوریم.

۷- راوی گوید: امام صادق عليه السلام درباره کسی که برای احرام آماده شده فرمود:

می تواند نزد زنان برود مادامی که تیت تلبیه نکرده یا تیت تلبیه کرده اما آن را نگفته باشد.

۸- جمیل بن دراج از شخصی از اصحاب ما این گونه روایت می کند: امام (باقر و یا امام

صادق عليه السلام) درباره کسی که نماز ظهر را در مسجد شجره خواند و احرام بست، سپس عطر

زد، یا شکار نمود و یا با زنش همبستر شد فرمود:

اشکالی بر او نیست مادامی که لیبیک نگفته است.

۹- نضر بن سويد از یکی از یارانش این گونه روایت می کند:

كَتَبْتُ إِلَى أَبِي إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: رَجُلٌ دَخَلَ مَسْجِدَ الشَّجَرَةِ فَصَلَّى وَأَحْرَمَ وَخَرَجَ مِنَ الْمَسْجِدِ فَبَدَأَ لَهُ قَبْلَ أَنْ يُكَلِّبِي أَنْ يَنْقُضَ ذَلِكَ بِمُؤَاقَعَةِ النِّسَاءِ أَلَهُ ذَلِكَ؟ فَكَتَبَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: نَعَمْ، أَوْ لَا بَأْسَ بِهِ.

۱۰- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَرَّارٍ عَنْ يُونُسَ عَنْ زِيَادِ بْنِ مَرْوَانَ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا تَقُولُ فِي رَجُلٍ تَهَيَّأَ لِلْإِحْرَامِ وَفَرَّغَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ الصَّلَاةِ وَجَمِيعِ الشُّرُوطِ إِلَّا أَنَّهُ لَمْ يُكَلِّبْ أَلَهُ أَنْ يَنْقُضَ ذَلِكَ وَيُؤَاقِعَ النِّسَاءَ؟ فَقَالَ: نَعَمْ.

(۸۰)

### بَابُ صَلَاةِ الْإِحْرَامِ وَعَقْدِهِ وَالِاشْتِرَاطِ فِيهِ

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ وَمُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ جَمِيعاً عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

طی نامه‌ای از امام کاظم علیه السلام پرسیدم: آیا مردی که به مسجد شجره داخل شده و نماز به جا آورده و محرم شده و آن گاه از مسجد بیرون آمده و پیش از گفتن لبیک در کار خود تجدید نظر کرده و می‌خواهد به وسیله نزدیکی با زنان، آن چه را که به جا آورده است نقض کند، آیا می‌تواند؟

امام علیه السلام در جواب نوشت: آری، - یا نوشت: - ایرادی بر او نیست .

۱۰- زیاد بن مروان نیز نظیر این روایت را از امام کاظم علیه السلام نقل کرده است.

### بخش هشتم

### نماز احرام، احرام بستن و شرایط آن

۱- حلبی و معاویه بن عمار گویند: امام صادق علیه السلام فرمود:

لَا يَصُرُّكَ بَلِيلٌ أَحْرَمْتَ أَمْ نَهَارٍ إِلَّا أَنْ أَفْضَلَ ذَلِكَ عِنْدَ زَوَالِ الشَّمْسِ.

۲ - عَلِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ جَمِيعاً عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ:

لَا يَكُونُ إِحْرَامٌ إِلَّا فِي دُبُرِ صَلَاةٍ مَكْتُوبَةٍ أَحْرَمْتَ فِي دُبُرِهَا بَعْدَ التَّسْلِيمِ، وَإِنْ كَانَتْ نَافِلَةً صَلَّيْتَ رَكْعَتَيْنِ وَأَحْرَمْتَ فِي دُبُرِهِمَا، فَإِذَا انْفَلَتَ مِنْ صَلَاتِكَ فَأَحْمَدِ اللَّهَ وَ أَتْنِ عَلَيْهِ وَ صَلِّ عَلَى النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله وَ قُلْ:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَنِي مِمَّنْ اسْتَجَابَ لَكَ وَ آمَنَ بِوَعْدِكَ وَ اتَّبَعَ أَمْرَكَ فَإِنِّي عَبْدُكَ وَ فِي قَبْضَتِكَ لَا أَوْقَى إِلَّا مَا وَقَيْتَ وَ لَا أَخْذُ إِلَّا مَا أُعْطِيتَ وَ قَدْ ذَكَرْتَ الْحَجَّ، فَأَسْأَلُكَ أَنْ تَغْرِمَ لِي عَلَيْهِ عَلَى كِتَابِكَ وَ سُنَّةِ نَبِيِّكَ وَ تُقَوِّينِي عَلَى مَا ضَعُفْتُ عَنْهُ وَ تَسْلَمَ مِنِّي مَنَاسِكِي فِي يُسْرٍ مِنْكَ وَ عَافِيَةٍ، وَ اجْعَلْنِي مِنَ الَّذِينَ رَضِيتَ وَ ارْتَضَيْتَ وَ سَمَّيْتَ وَ كَتَبْتَ اللَّهُمَّ فَتَمِّمْ لِي حَجِّي وَ عُمْرَتِي.

ایرادی ندارد که شب هنگام محرم شوی و یاروز هنگام مگر این که بهتر است به هنگام زوال ظهر باشد.

۲ - معاویة بن عمار گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هیچ احرامی جز در پی نماز واجب که پس از سلام آن محرم شوی تحقق نمی یابد، پس اگر نماز مستحبی باشد دو رکعت نماز می خوانی در پی آن محرم می شوی. چون نماز را به جا آوردی، پس خدا را ستایش کن و ثنایش بگویی و بر پیامبر صلى الله عليه وآله درود بفرستی و بگو:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَنِي مِمَّنْ اسْتَجَابَ لَكَ وَ آمَنَ بِوَعْدِكَ وَ اتَّبَعَ أَمْرَكَ فَإِنِّي عَبْدُكَ وَ فِي قَبْضَتِكَ لَا أَوْقَى إِلَّا مَا وَقَيْتَ وَ لَا أَخْذُ إِلَّا مَا أُعْطِيتَ وَ قَدْ ذَكَرْتَ الْحَجَّ، فَأَسْأَلُكَ أَنْ تَغْرِمَ لِي عَلَيْهِ عَلَى كِتَابِكَ وَ سُنَّةِ نَبِيِّكَ وَ تُقَوِّينِي عَلَى مَا ضَعُفْتُ عَنْهُ وَ تَسْلَمَ مِنِّي مَنَاسِكِي فِي يُسْرٍ مِنْكَ وَ عَافِيَةٍ، وَ اجْعَلْنِي مِنَ الَّذِينَ رَضِيتَ وَ ارْتَضَيْتَ وَ سَمَّيْتَ وَ كَتَبْتَ اللَّهُمَّ فَتَمِّمْ لِي حَجِّي وَ عُمْرَتِي».



اللَّهُمَّ إِنِّي أُرِيدُ التَّمَتُّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ عَلَى كِتَابِكَ وَ سُنَّةِ نَبِيِّكَ ﷺ فَإِنْ عَرَضَ لِي شَيْءٌ يَحْبِسُنِي فَحُلِّنِي حَيْثُ حَبَسْتَنِي لِقَدْرِكَ الَّذِي قَدَّرْتَ عَلَيَّ.

اللَّهُمَّ إِنْ لَمْ تَكُنْ حَجَّةً فَعُمْرَةً أَحْرَمَ لَكَ شَعْرِي وَ بَشْرِي وَ لَحْمِي وَ دَمِي وَ عِظَامِي وَ مُخِّي وَ عَصَبِي مِنَ النِّسَاءِ وَ الثِّيَابِ وَ الطَّيِّبِ أَبْتَغِي بِذَلِكَ وَجْهَكَ وَ الدَّارَ الْآخِرَةَ.

قَالَ: وَ يُجْزئُكَ أَنْ تَقُولَ هَذَا مَرَّةً وَاحِدَةً حِينَ تُحْرِمُ، ثُمَّ قُمْ فَاْمُشْ هُنَيْئَةً فَإِذَا اسْتَوَتْ بِكَ الْأَرْضُ مَاشِيًا كُنْتَ أَوْ رَاكِبًا فَلَبَّ.

۳ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

قُلْتُ لَهُ: إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أَتَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فَكَيْفَ أَقُولُ.

قَالَ: تَقُولُ: «اللَّهُمَّ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أَتَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ عَلَى كِتَابِكَ وَ سُنَّةِ نَبِيِّكَ ﷺ» وَ إِنْ شِئْتَ أَضْمَرْتَ الَّذِي تُرِيدُ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أُرِيدُ التَّمَتُّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ عَلَى كِتَابِكَ وَ سُنَّةِ نَبِيِّكَ ﷺ فَإِنْ عَرَضَ لِي شَيْءٌ يَحْبِسُنِي فَحُلِّنِي حَيْثُ حَبَسْتَنِي لِقَدْرِكَ الَّذِي قَدَّرْتَ عَلَيَّ.

اللَّهُمَّ إِنْ لَمْ تَكُنْ حَجَّةً فَعُمْرَةً أَحْرَمَ لَكَ شَعْرِي وَ بَشْرِي وَ لَحْمِي وَ دَمِي وَ عِظَامِي وَ مُخِّي وَ عَصَبِي مِنَ النِّسَاءِ وَ الثِّيَابِ وَ الطَّيِّبِ أَبْتَغِي بِذَلِكَ وَجْهَكَ وَ الدَّارَ الْآخِرَةَ.

حضرتش افزود: هنگامی که محرم می شوی یک مرتبه این دعا را بگویی، بس است. و آن گاه برخیز چند لحظه گام بردار، چون وارد جاده مکّه شدی - چه پیاده و چه سواره - لبیک را آغاز کن.

۳ - حمّاد بن عثمان گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: من می خواهم حج و عمره انجام دهم پس چگونه تیت کنم و چه بگویم؟

فرمود: می گویی: «خدایا! من به پیروی از کتاب تو و سنت پیامبر تو قصد تمتّع به عمره به سوی حج را دارم» و اگر بخواهی خواسته خود را در دل می گذرانی.

۴ - عَلِيٌّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَادِ بْنِ عُمَانَ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:  
 سَأَلْتُهُ أَلَيْلًا أَحْرَمَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَمْ نَهَارًا؟  
 فَقَالَ: نَهَارًا.  
 قُلْتُ: أَيَّ سَاعَةٍ؟  
 قَالَ: صَلَاةُ الظُّهْرِ.  
 فَسَأَلْتُهُ مَتَى تَرَى أَنْ تُحْرَمَ؟  
 فَقَالَ: سَوَاءٌ عَلَيْكُمْ، إِنَّمَا أَحْرَمَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ صَلَاةُ الظُّهْرِ، لِأَنَّ الْمَاءَ كَانَ قَلِيلًا  
 كَأَنْ يَكُونَ فِي رُءُوسِ الْجِبَالِ فَيَهْجُرُ الرَّجُلُ إِلَى مِثْلِ ذَلِكَ مِنَ الْعَدِ، وَلَا يَكَادُ  
 يَقْدِرُونَ عَلَى الْمَاءِ وَإِنَّمَا أُحْدِثْتُ هَذِهِ الْمِيَاهُ حَدِيثًا.  
 ۵ - أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ  
 عَمَّارٍ قَالَ:

۴ - حلبی گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: آیا رسول خدا ﷺ شبانه محرم شد یا به  
 هنگام روز؟  
 فرمود: به هنگام روز  
 گفتم در چه ساعتی؟  
 فرمود: وقت نماز ظهر.  
 پرسیدم: به نظر شما، ما کی مُحْرَم شویم؟  
 فرمود: برای شما مساوی است، رسول خدا ﷺ از آن جهت به هنگام نماز ظهر محرم  
 گشت که آب کم بود، چنانکه در قلّه کوهها جای داشت و از این رو کسی که امروز به طلب  
 آب می رفت روز بعد در همین وقت باز می گشت و به همین جهت دست یابی ایشان به آب  
 بسیار دشوار بود، و این آبها که اکنون وجود دارد تازه پدید آمده است.  
 ۵ - اسحاق بن عمار گوید:

قُلْتُ لِأَبِي إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ أَصْحَابَنَا يَخْتَلِفُونَ فِي وَجْهَيْنِ مِنَ الْحَجِّ يَقُولُ بَعْضُ: أَحْرَمَ بِالْحَجِّ مُفْرَدًا فَإِذَا طُفَّتْ بِالْبَيْتِ وَ سَعَيْتَ بَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ فَأَحِلٌّ وَ اجْعَلْهَا عُمْرَةً وَ بَعْضُهُمْ يَقُولُ: أَحْرَمَ وَ أَنْوَ الْمُتَمَتَّةَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ. أَيُّ هَذَيْنِ أَحَبُّ إِلَيْكَ؟

قَالَ: أَنْوَ الْمُتَمَتَّةَ.

۶- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ فَضَالٍ عَنْ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ حَمْزَةَ بْنِ حُمْرَانَ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الَّذِي يَقُولُ حُلْنِي حَيْثُ حَبَسْتَنِي. قَالَ: هُوَ حِلٌّ حَيْثُ حَبَسَهُ. قَالَ أَوْ لَمْ يَقُلْ.

۷- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: هُوَ حِلٌّ إِذَا حُبِسَ اشْتَرَطَ أَوْ لَمْ يَشْتَرِطْ.

به امام کاظم علیه السلام گفتم: اصحاب ما در دو نوع از حج اختلاف نظر دارند. بعضی می‌گویند: احرام به حج مفرد ببند و زمانی که طواف کعبه نمودی و سعی ما بین صفا و مروه کردی محل شو (از احرام بیرون بیا) و آن را عمره قرار ده. و بعضی از آنها می‌گویند: محرم شو و نیت عمره تمتع به عمره حج کن. کدام یک از این‌ها نزد شما بهتر است؟

فرمود: نیت عمره تمتع کن

۶- حمزة بن حمران گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: کسی که به هنگام احرام می‌گوید: (خداوند!) هر جا که محبوس شدم و مانعی پیش آمد که نتوانستم به قصدم ادامه دهم، مرا از احرام بیرون آور).

فرمود: هر جا که گرفتار شد و نتوانست احرام را ادامه دهد از احرام بیرون می‌آید، چه آن کلمات را گفته باشد چه نگفته باشد.

۷- زراره نیز نظیر این روایت را از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند.

- ۸ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ أَبِي بَكْرٍ الْخَضْرَمِيِّ وَ زَيْدِ الشَّحَامِ وَ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ قَالُوا: أَمَرَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنْ نُلَبِّيَ وَ لَا نُسَمِّيَ شَيْئًا. وَ قَالَ: أَصْحَابُ الْإِضْمَارِ أَحَبُّ إِلَيَّ.
- ۹ - أَحْمَدُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ سَيْفٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ أَنَّهُ سَأَلَ أَبَا الْحَسَنِ مُوسَى عليه السلام قَالَ: الْإِضْمَارُ أَحَبُّ إِلَيَّ فَلَبَّ وَ لَا تُسَمِّ.
- ۱۰ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ الْكِنَانِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: أَرَأَيْتَ لَوْ أَنَّ رَجُلًا أَحْرَمَ فِي دُبُرِ صَلَاةٍ مَكْتُوبَةٍ أَوْ كَانَ يُجْزئُهُ ذَلِكَ؟ قَالَ: نَعَمْ.

- ۸ - ابوبکر خضرمی، زید شحام و منصور بن حازم گویند:  
امام صادق عليه السلام به ما امر فرمود که لبیک بگوییم و چیزی را نام نبریم و فرمود: یاران و افراد پنهان کننده (تبت) نزد من بهتر هستند.
- ۹ - اسحاق بن عمار نیز نظیر این روایت را از امام کاظم عليه السلام نقل کرده است.
- ۱۰ - ابو صباح کنانی گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: به نظر شما اگر کسی در پی نماز واجب محرم شود آیا کفایت می‌کند؟  
فرمود: آری.

۱۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَفْصِ بْنِ الْبُخْتَرِيِّ وَ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ وَ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنِ الْحَلْبِيِّ جَمِيعاً عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

إِذَا صَلَّيْتَ فِي مَسْجِدِ الشَّجَرَةِ فَقُلْ وَأَنْتَ قَاعِدٌ فِي دُبْرِ الصَّلَاةِ قَبْلَ أَنْ تَقُومَ مَا يَقُولُ الْمُحْرِمُ ثُمَّ قُمْ فَاَمْشِ حَتَّى تَبْلُغَ الْمِيلَ وَ تَسْتَوِيَ بِكَ الْبَيْدَاءُ فَإِذَا اسْتَوَتْ بِكَ فَلَبَّهْ.

۱۲ - عَلِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَرَّارٍ عَنْ يُونُسَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ أَنَّهُ سَأَلَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

هَلْ يَجُوزُ لِلْمُتَمَتِّعِ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ أَنْ يُظْهَرَ التَّلْبِيَةَ فِي مَسْجِدِ الشَّجَرَةِ؟  
فَقَالَ: نَعَمْ، إِنَّمَا لَبَّى النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله عَلَى الْبَيْدَاءِ، لِأَنَّ النَّاسَ لَمْ يَكُونُوا يَعْرِفُونَ التَّلْبِيَةَ، فَأَحَبُّ أَنْ يُعَلِّمَهُمْ كَيْفَ التَّلْبِيَةِ.

۱۱ - حلبی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هرگاه در مسجد شجره نماز به جا آوردی در آن حال که در پی نماز نشسته باشی، پیش از آن که از جای برخیزی همان چیزی را که محرم می گوید بگو و آن گاه برخیز و گام بردار تا به یک میلی جایگاه برسی و در بیداء قرارگیری وقتی در سطح آن قرار گرفتی لبیک بگو.

۱۲ - عبدالله بن سنان گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: آیا برای کسی که عمره حج تمتع

انجام می دهد جایز است تلبیه را در مسجد شجره بگوید؟

فرمود: آری، همانا پیامبر صلی الله علیه و آله در بیداء تلبیه گفت، چون مردم تلبیه را نمی دانستند، پس

دوست داشت که به مردم بیاموزد که چگونه تلبیه گویند.

۱۳- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:  
 قُلْتُ لَهُ: إِذَا أَحْرَمَ الرَّجُلُ فِي دُبُرِ الْمَكْتُوبَةِ أَيْلَبِي حِينَ يَنْهَضُ بِهِ بَعِيرُهُ أَوْ جَالِسًا فِي دُبُرِ الصَّلَاةِ؟  
 قَالَ: أَيُّ ذَلِكَ شَاءَ صَنَعَ.

قَالَ الْكَلِينِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَهَذَا عِنْدِي مِنَ الْأَمْرِ الْمُتَوَسَّعِ إِلَّا أَنَّ الْفَضْلَ فِيهِ أَنْ يُظْهَرَ التَّلْبِيَةَ حَيْثُ أَظْهَرَ النَّبِيُّ ﷺ عَلَى طَرَفِ الْبَيْدَاءِ، وَ لَا يَجُوزُ لِأَحَدٍ أَنْ يَجُوزَ مِيلَ الْبَيْدَاءِ إِلَّا وَقَدْ أَظْهَرَ التَّلْبِيَةَ، وَ أَوَّلَ الْبَيْدَاءِ أَوَّلَ مِيلٍ يَلْقَاكَ عَنْ يَسَارِ الطَّرِيقِ.  
 ۱۴- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

۱۳- اسحاق بن عمار گوید: به امام کاظم علیه السلام عرض کردم: هنگامی که کسی در پی نماز واجب محرم می شود آیا باید به هنگام سوار شدن بر شتر تلبیه گوید و یا بعد از نماز واجب بگوید؟

فرمود: هر کدام را خواست انجام دهد.

کلینی علیه السلام گوید:

در هر دو مورد اجازه و رخصت داده شده است، ولی بهتر آن است که تلبیه را آن جا بلند گوید که پیامبر ﷺ بر جانب بیداء بلند فرموده است و بر کسی جایز نیست از یک میلی بیداء بگذرد مگر این که تلبیه را بلند کند و آغاز بیداء میل اولین بخش از سمت چپ راه است که با تورو به رو می شود.

۱۴- معاویه بن عمار گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

صَلَّ الْمَكْتُوبَةَ ثُمَّ أَحْرَمَ بِالْحَجِّ أَوْ بِالْمُتَعَةِ وَ أَخْرَجَ بِغَيْرِ تَلْبِيَةٍ حَتَّى تَصْعَدَ إِلَى  
أَوَّلِ الْبَيْدَاءِ إِلَى أَوَّلِ مِيلٍ عَنْ يَسَارِكَ، فَإِذَا اسْتَوَتْ بِكَ الْأَرْضُ رَاكِبًا كُنْتَ أَوْ مَاشِيًا  
فَلَبَّ فَلَا يَصْرُكَ لَيْلًا أَحْرَمْتَ أَوْ نَهَارًا وَ مَسْجِدُ ذِي الْحُلَيْفَةِ الَّذِي كَانَ خَارِجًا عَنْ  
السَّقَائِفِ عَنْ صَحْنِ الْمَسْجِدِ، ثُمَّ الْيَوْمَ لَيْسَ شَيْءٌ مِنَ السَّقَائِفِ مِنْهُ.

۱۵ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ رِثَابٍ عَنْ  
فُضَيْلِ بْنِ يَسَارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:  
الْمُعْتَمِرُ عُمْرَةً مُفْرَدَةً يَشْتَرِطُ عَلَى رَبِّهِ أَنْ يَحُلَّهُ حَيْثُ حَبَسَهُ، وَ مُفْرَدُ الْحَجِّ  
يَشْتَرِطُ عَلَى رَبِّهِ إِنْ لَمْ يَكُنْ حَجَّةً فَعُمْرَةً.

۱۶ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ أَبِي  
الْمَعْرَاءِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:  
كَانَتْ بَنُو إِسْرَائِيلَ إِذَا قَرَّبَتِ الْقُرْبَانَ تَخْرُجُ نَارٌ تَأْكُلُ قُرْبَانَ مَنْ قَبْلَ مِنْهُ، وَإِنَّ اللَّهَ  
جَعَلَ الْإِحْرَامَ مَكَانَ الْقُرْبَانِ.

در مسجد شجره نماز فريضه را خوانده سپس احرام به حج یا تمتع به عمره را ببند و  
بدون تلبیه از مسجد بیرون رو تا از نخستین بخش بیداء بالا روی، - تا اول یک میلی دست  
چپ خود - چون بر زمین مسطح رسیدی، خواه سواره خواه پیاده لیبک را بلند بگو. پس به  
توضیر نمی‌رساند که شب هنگام محرم شدی و یا روز. و مسجد ذی الحلیفه همان جایی  
که بیرون از سقف‌های مسجد بوده است و امروزه چیزی از آن سقف‌ها وجود ندارد.

۱۵ - فضیل بن یسار گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

کسی که عمره مفرده انجام می‌دهد با پروردگار خویش شرط می‌کند که او را از قید  
احرام بگشاید در جایی که او را باز دارد و افراد کننده حج شرط می‌کند با پروردگار خویش  
که اگر (به سبب مانعی) حجتی صورت نگیرد، پس عمره محسوب شود.

۱۶ - ابی مغراء گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

همواره در بنی اسرائیل این گونه مرسوم بود که زمانی که قربانی خود را (به درگاه الهی)  
نزدیک می‌کردند آتشی بیرون می‌آمد و قربانی پذیرفته شده را می‌سوزانید. به راستی که  
خداوند متعال احرام را به جای قربان قرار داده است.

(۸۱)

**بَابُ التَّلْبِيَةِ**

- ۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ قَالَ: سَأَلْتُهُ لِمَ جُعِلَتِ التَّلْبِيَةُ؟  
فَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَوْحَى إِلَى إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنْ أَدْنُ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَ عَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ. فَنَادَى فَاجِيبَ مِنْ كُلِّ وَجْهِ يُكْبِتُونَ.
- ۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنَّ تَلْبِيَةَ الْأَخْرَسِ وَ تَشَهُدَهُ وَ قِرَاءَتَهُ الْقُرْآنَ فِي الصَّلَاةِ تَحْرِيكُ لِسَانِهِ وَ إِشَارَتُهُ بِإِصْبَعِهِ.

**بخش هشتاد و یکم****لیک گفتن**

- ۱ - حلبی گوید: از امام علی (ع) پرسیدم: برای چه باید لیک گفت؟  
فرمود: که خداوند تعالی به ابراهیم (ع) وحی فرمود که در بین مردم اعلان کن که به صورت پیاده، سواره از هر راه دور به حج بیایند.
- وقتی حضرت ابراهیم (ع) ندا داد از هر جانبی با لیک گفتن جواب داده شد.
- ۲ - سکونی گوید: امام صادق (ع) از پدر بزرگوارش علی (ع) نقل می نماید که حضرتش فرمود: همانا امیرمؤمنان حضرت علی (ع) فرمود:
- لیک گفتن لال، تشهد او و قرآن خواندنش در نماز تکان دادن زبانش و اشاره او به انگشتانش می باشد.



۳- عَلِيٌّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ وَ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ جَمِيعاً عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: التَّلْبِيَةُ: «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ، إِنَّ الْحَمْدَ وَ النُّعْمَةَ لَكَ وَ الْمُلْكَ، لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ، ذَا الْمَعَارِجِ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ دَاعِيَا إِلَى دَارِ السَّلَامِ، لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ غَفَّارَ الذُّنُوبِ، لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ أَهْلَ التَّلْبِيَةِ، لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ، لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ مَرْهُوباً وَ مَرْغُوباً إِلَيْكَ، لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ تُبْدِي وَ الْمَعَادُ إِلَيْكَ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ كَشَّافَ الْكُرْبِ الْعِظَامِ، لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ عَبْدُكَ وَ ابْنُ عَبْدِكَ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ يَا كَرِيمَ لَبَّيْكَ».

تَقُولُ ذَلِكَ فِي دُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ مَكْتُوبَةٍ أَوْ نَافِلَةٍ وَ حِينَ يَنْهَضُ بِكَ بَعِيرُكَ وَ إِذَا عَلَوْتَ شَرَفًا أَوْ هَبَطْتَ وَادِيًا أَوْ لَقِيتَ رَاكِبًا أَوْ اسْتَيْقَظْتَ مِنْ مَنَامِكَ وَ بِالْأَسْحَارِ وَ أَكْثَرُ مَا اسْتَطَعْتَ مِنْهَا وَ أَجْهَرُ بِهَا، وَ إِنْ تَرَكْتَ بَعْضَ التَّلْبِيَةِ فَلَا يَضُرُّكَ غَيْرَ أَنْ تَمَامَهَا أَفْضَلُ.

۳- معاویة بن عمار گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: لیبیک گفتن چنین است:

«لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ، إِنَّ الْحَمْدَ وَ النُّعْمَةَ لَكَ وَ الْمُلْكَ، لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ، ذَا الْمَعَارِجِ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ دَاعِيَا إِلَى دَارِ السَّلَامِ، لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ غَفَّارَ الذُّنُوبِ، لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ أَهْلَ التَّلْبِيَةِ، لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ، لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ مَرْهُوباً وَ مَرْغُوباً إِلَيْكَ، لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ تُبْدِي وَ الْمَعَادُ إِلَيْكَ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ كَشَّافَ الْكُرْبِ الْعِظَامِ، لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ عَبْدُكَ وَ ابْنُ عَبْدِكَ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ يَا كَرِيمَ لَبَّيْكَ».

این تلبیه را در پی هر نماز واجب یا نافله می‌گویید و زمانی که شترت تو را از بالای بلندی می‌برد یا از دره‌ای پایین آمدی یا با سواره‌ای ملاقات کردی یا از خواب بیدار شدی و سحرگاهان بخوان، هر چه می‌توانی آن را با آواز بلند بخوان و اگر قسمتی از تلبیه را ترک کردی ضرری ندارد مگر این که گفتن تمامی آن بهتر است.

وَ اعْلَمَ أَنَّهُ لَا بُدَّ مِنَ التَّلْبِيَّاتِ الْأَرْبَعِ فِي أَوَّلِ الْكَلَامِ وَ هِيَ الْفَرِيضَةُ وَ هِيَ التَّوْحِيدُ وَ بِهَا لَبَّى الْمُرْسَلُونَ وَ أَكْثَرُ «مِنْ ذِي الْمَعَارِجِ»، فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ يُكْثِرُ مِنْهَا وَ أَوَّلَ مَنْ لَبَّى إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

قَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَدْعُوكُمْ إِلَى أَنْ تَحْجُوا بَيْتَهُ فَأَجَابُوهُ بِالتَّلْبِيَةِ فَلَمْ يَبَقْ أَحَدٌ أَخَذَ مِثْلَهُ بِالْمُؤَافَاةِ فِي ظَهْرِ رَجُلٍ وَ لَا بَطْنِ امْرَأَةٍ إِلَّا أَجَابَ بِالتَّلْبِيَةِ.

۴- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ يَفْطِينَ عَنْ أَسَدِ بْنِ أَبِي الْعَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَضِيلِ عَمَّنْ رَأَى أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ﷺ وَ هُوَ مُحَرَّمٌ قَدْ كَشَفَ عَنْ ظَهْرِهِ حَتَّى أَبْدَاهُ لِلشَّمْسِ هُوَ يَقُولُ: لَبَّيْكَ فِي الْمَذْنِبِينَ لَبَّيْكَ.

۵- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ رَفَعَهُ قَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ لَمَّا أُحْرِمَ أَتَاهُ جَبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ لَهُ: مُرْ أَصْحَابَكَ بِالْعَجِّ وَ الثَّجِّ وَ الْعَجُّ رَفَعُ الصَّوْتِ بِالتَّلْبِيَةِ وَ الثَّجُّ نَحْرُ الْبُذْنِ.

و بدان که از گفتن لبیک‌های چهارگانه‌ای که در اول کلام آمده است و همان واجب است و آن توحید است و پیامبران مرسل بر آن تلبیه گفته‌اند و فراز «ذی المعارج» را بیشتر بگو، زیرا رسول خدا ﷺ آن را بیشتر می‌گفت و نخستین کسی که لبیک گفت ابراهیم علیه السلام بود. حضرتش فرمود: به راستی که خداوند ﷻ شما را به حج فرا می‌خواند که خانه، او را قصد نمایید پس او را با تلبیه اجابت نمایید، هیچ کسی در وفا به پیمان باقی نمی‌ماند؛ در صلب پدر و شکم مادر مگر این که به لبیک پاسخ می‌دهد.

۴- محمد بن فضیل گوید: کسی امام صادق علیه السلام را در حال احرام دید که حضرتش پشت خود را برای آفتاب باز نموده و می‌فرمود:

لبیک، من در کنار گناهکارانم.

۵- حریز در روایت مرفوعه‌ای گوید:

هنگامی که رسول خدا ﷺ محرم شد، جبرئیل نزد او آمد و عرض کرد: اصحاب خود را به عَجِّ و ثَجِّ مأمور کن. پس عَجِّ همان بانگ برآوردن به لبیک و ثَجِّ قربانی کردن شتران است.

- وَقَالَ: قَالَ جَابِرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ: مَا بَلَّغْنَا الرُّوحَاءَ حَتَّى بَحَثَ أَصْوَاتُنَا.
- ۶- عَلِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَا بَأْسَ بِأَنْ تُتَلَّبِيَ وَأَنْتَ عَلَى غَيْرِ طَهْرٍ وَ عَلَى كُلِّ حَالٍ.
- ۷- عَلِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْخَزَّازِ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْمُكَارِيِّ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَيْسَ عَلَى النِّسَاءِ جَهْرٌ بِالتَّلْبِيَةِ.
- ۸- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ رِجَالٍ شَتَّى عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ لَبَّى فِي إِحْرَامِهِ سَبْعِينَ مَرَّةً إِيْمَانًا وَ احْتِسَابًا أَشْهَدَ اللَّهُ لَهُ أَلْفَ أَلْفِ مَلَكٍ بَرَاءَةً مِنَ النَّارِ، وَ بَرَاءَةً مِنَ النِّفَاقِ.

و گوید: جابر بن عبدالله گوید: هنوز به منطقه روحاء نرسیده بودیم که صدایمان گرفت.

۶- حلبی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

ایرادی ندارد که بدون طهارت و بر هر حال که باشی لبیک بگویی.

۷- ابو بصیر گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

بلند گفتن تلبیه بر زنان جایز نیست.

۸- ابن فضال از راویان مختلفی نقل می کند که گویند: امام صادق علیه السلام فرمود: رسول

خدا ﷺ فرمود:

کسی که در احرام خود از روی ایمان و پاداش بسیار، هفتاد مرتبه لبیک گوید، خداوند یک میلیون فرشته را برای دوری او از آتش و نفاق گواه گیرد.

(۸۲)

**بَابُ مَا يَنْبَغِي تَرْكُهُ لِلْمُحْرِمِ مِنَ الْجِدَالِ وَغَيْرِهِ**

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: «الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَعْلُومَاتٌ فَنَنْفَرُ فِيهَا مِنْ الْحَجِّ فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ».

فَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ اشْتَرَطَ عَلَى النَّاسِ شَرْطًا وَ شَرَطَ لَهُمْ شَرْطًا. قُلْتُ: فَمَا الَّذِي اشْتَرَطَ عَلَيْهِمْ، وَ مَا الَّذِي اشْتَرَطَ لَهُمْ؟ فَقَالَ: أَمَّا الَّذِي اشْتَرَطَ عَلَيْهِمْ، فَإِنَّهُ قَالَ: «الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَعْلُومَاتٌ فَنَنْفَرُ فِيهَا مِنْ الْحَجِّ فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ» وَ أَمَّا مَا شَرَطَ لَهُمْ، فَإِنَّهُ قَالَ: «فَنَنْفَرُ فِي يَوْمَيْنِ فَلَا إِمَامَ عَلَيْهِ وَ مَنْ تَأَخَّرَ فَلَا إِمَامَ عَلَيْهِ لِمَنْ اتَّقَى». قَالَ: يَرْجِعُ لَا ذَنْبَ لَهُ.

**بخش هشتاد و دوم****خودداری محرم از جدال و موارد مشابه**

۱ - حلبی گوید: امام صادق عليه السلام درباره گفتار خداوند تعالی که می فرماید: «حج در ماههای معینی انجام شود پس کسی که در این ماه حج واجب انجام می دهد نباید با زنان نزدیکی کند و نه کار زشت و نه جنگ و جدال نماید». فرمود: خداوند تعالی شرطی را بر مردم و شرطی را برای آنان مقرر داشته است. عرض کردم: شرطی که بر آنان مقرر داشته کدام است، و شرطی که برای آنها مقرر داشته است چیست؟

فرمود: اما شرطی که بر آنان مقرر داشته همان است که فرموده: «حج در ماههای معلومی انجام می گیرد پس کسی که در این ماهها حج را بر خود واجب کند باید از مباشرت با زنان و فحش و سخنان زشت و دروغ و مجادله در حج خودداری کند». و اما شرطی که برای ایشان مقرر داشته همان است که فرموده:

«پس کسی که مناسک خود را شتابان در ظرف این دو روز انجام دهد، گناهی بر او نیست و هم چنین کسی که (ماندن در منا را ادامه دهد) و مناسک را به تأخیر اندازد، گناهی بر او نیست و این احکام برای کسی است که تقوا پیشه کند. امام عليه السلام فرمود: چنین حاجی به شهر خود باز می گردد در حالی که هیچ گناهی ندارد.

قَالَ: قُلْتُ: أَرَأَيْتَ مَنْ ابْتُلِيَ بِالْفُسُوقِ مَا عَلَيْهِ.  
 قَالَ: لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ حُدًّا يَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ يُلَبِّي.  
 قُلْتُ: فَمَنْ ابْتُلِيَ بِالْجِدَالِ مَا عَلَيْهِ.  
 قَالَ: إِذَا جَادَلَ فَوْقَ مَرَّتَيْنِ فَعَلَى الْمُصِيبِ دَمٌ يَهْرِيْقُهُ وَ عَلَى الْمُخْطِئِ بَقَرَةٌ.  
 ۲ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ  
 سُوَيْدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: «وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ».  
 قَالَ: إِنَّمَاهُمَا أَنْ لَا رَفَتْ وَ لَا فُسُوقَ وَ لَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ.  
 ۳ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ  
 بْنِ شاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى وَ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ جَمِيعاً عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ:  
 قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

---

راوی گوید: عرض کردم: به نظر شما کسی که گرفتار فسق شود چه بر گردن اوست؟  
 فرمود: خدا بر او حدی قرار نداده است. او باید استغفار کند و لبیک گوید.  
 عرض کردم: اگر کسی به جدال گرفتار شود حکمش چیست؟  
 فرمود: در صورتی که از دوبار زیاده‌تر مجادله کند، اگر مجادله‌اش درست بوده باید یک  
 (گوسفند) قربانی کند و اگر به خطاء بوده یک گاو قربانی نماید.  
 ۲ - عبدالله بن سنان گوید: امام علیه السلام در مورد آیه شریفه «و حج و عمره را برای خدا کامل  
 کنید» فرمود: کامل بودن آنها این است که در حج نزدیکی با زن، فسوق و جدال نباشد.  
 ۳ - معاویه بن عمار گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

إِذَا أَحْرَمْتَ فَعَلَيْكَ بِتَقْوَى اللَّهِ، وَذِكْرِ اللَّهِ كَثِيرًا وَقَلَّةِ الْكَلَامِ إِلَّا بِخَيْرٍ، فَإِنْ مِنْ تَمَامِ الْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ أَنْ يَحْفَظَ الْمَرْءُ لِسَانَهُ إِلَّا مِنْ خَيْرٍ، كَمَا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ، فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ: «فَمَنْ فَرَضَ فِيهِِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ» وَالرَّفَثُ: الْجِمَاعُ وَالْفُسُوقُ الْكَذِبُ وَالسَّبَابُ وَالْجِدَالُ قَوْلُ الرَّجُلِ: «لَا وَاللَّهِ وَبَلَى وَاللَّهِ».

وَاعْلَمْ أَنَّ الرَّجُلَ إِذَا حَلَفَ بِثَلَاثِ أَيْمَانٍ وَلَاءٍ فِي مَقَامٍ وَاحِدٍ وَهُوَ مُحْرِمٌ فَقَدْ جَادَلَ، فَعَلَيْهِ دَمٌ يُهْرِيقُهُ وَيَتَصَدَّقُ بِهِ، وَإِذَا حَلَفَ يَمِينًا وَاحِدَةً كَاذِبَةً فَقَدْ جَادَلَ وَ عَلَيْهِ دَمٌ يُهْرِيقُهُ وَيَتَصَدَّقُ بِهِ.

وَقَالَ: اتَّقِ الْمُفَاخَرَةَ وَعَلَيْكَ بِوَرَعٍ يَحْجُزُكَ عَنْ مَعَاصِي اللَّهِ، فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ: «ثُمَّ لِيُقْضَىٰ لَهُمْ وَلِيُؤْفَوْا نُدُورَهُمْ وَلِيُطَوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ».

هنگامی که احرام بستی بر تو باد به تقوای خدا و زیاد یاد خدا کردن و کم سخن گفتن مگر به نیکی، زیرا از کامل بودن حج و عمره این است که انسان زبانش را باز دارد مگر از نیکی چنانکه خداوند ﷻ فرمود، زیرا خداوند ﷻ می فرماید: «هر که در آن ماهها حج را لازم کرد پس رفت، فسوق و جدال در حج نیست» رفت همان نزدیکی با زنان، فسوق، دروغ و فحش است و جدال گفتار «نه والله» و «آری والله» است و بدان که هنگامی که شخص سه بار در حال احرام در یک مکان سوگند یاد کند پس جدال نموده است و بایستی قربانی کند و آن را صدقه دهد و زمانی که یک سوگند دروغ بخورد پس جدال نموده است بر اوست یک قربانی نماید و آن را صدقه دهد.

و فرمود: از فخر فروشی بهر اسید، و بر تو باد تقوا و پرهیزکاری که تو را از عصیان به خدا دور نماید، زیرا خداوند متعال می فرماید: «سپس باید آلودگی هایشان را بزدایند و نذر هایشان را به جا آورند و به خانه خدا طواف کنند.»

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: مِنَ التَّفَثِ أَنْ تَتَكَلَّمَ فِي إِحْرَامِكَ بِكَلَامٍ قَبِيحٍ، فَإِذَا دَخَلْتَ مَكَّةَ وَ طُفْتَ بِالْبَيْتِ وَ تَكَلَّمْتَ بِكَلَامٍ طَيِّبٍ، فَكَانَ ذَلِكَ كَفَّارَةً.

قَالَ: وَ سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَقُولُ: لَا لَعَمْرِي وَ بَلَى لَعَمْرِي.

قَالَ: لَيْسَ هَذَا مِنَ الْجِدَالِ، إِنَّمَا الْجِدَالُ «لَا وَ اللَّهُ وَ بَلَى وَ اللَّهُ».

۴ - الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عليه السلام قَالَ:

إِذَا حَلَفَ ثَلَاثَ أَيْمَانَ مُتَتَابِعَاتٍ صَادِقًا فَقَدْ جَادَلَ وَ عَلَيْهِ دَمٌ، وَ إِذَا حَلَفَ بِيَمِينٍ وَاحِدَةٍ كَاذِبًا فَقَدْ جَادَلَ وَ عَلَيْهِ دَمٌ.

۵ - أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدٍ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنِ الْمُحْرِمِ يُرِيدُ أَنْ يَعْمَلَ الْعَمَلَ فَيَقُولُ لَهُ: صَاحِبُهُ وَ اللَّهُ لَا تَعْمَلْهُ فَيَقُولُ: وَ اللَّهُ لَا عَمَلَنَّهُ فَيُخَالِفُهُ مِرَارًا أَيْلِزُمُهُ مَا يَلْزَمُ صَاحِبَ الْجِدَالِ؟

امام صادق عليه السلام فرمود: از آلودگی این است که در حال احرام سخن زشتی بگویی، پس زمانی که وارد مکه شدی و کعبه را طواف نمودی و سخن نیکویی گفتی، پس همین کفاره (گناهان) می شود.

راوی گوید: از حضرتش پرسیدم: کسی که می گوید: «نه به جانم آری و «به جانم» چه؟ فرمود: این گونه گفتار از جدال نیست، بلکه جدال گفتن «نه به خدا» و «آری به خدا» است.

۴ - ابو بصیر گوید: امام (باقر یا امام صادق عليه السلام) می فرماید:

هرگاه انسان سه مرتبه پشت سر هم سوگند راست یاد کند در واقع مجادله کرده است و یک قربانی به عهده اوست. و هرگاه یک مرتبه به دروغ سوگند یاد کند در واقع مجادله کرده است و یک قربانی به عهده اوست.

۵ - ابوبصیر گوید: از حضرتش پرسیدم: مُحْرِمی که می خواهد خدمتی به برادر دینی خود کند رقیفش به او می گوید: به خدا سوگند! آن را انجام نده. او می گوید: به خدا سوگند! حتماً آن را انجام می دهم و بارها با او مخالفت می کند، آیا کفاره ای بر گردن او لازم می آید مانند آن چه به گردن جدال کننده لازم می آید؟

قَالَ: لَا، إِنَّمَا أَرَادَ بِهَذَا إِكْرَامَ أَخِيهِ، إِنَّمَا ذَلِكَ مَا كَانَ لِلَّهِ فِيهِ مَعْصِيَةٌ.  
 ۶- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ  
 أَيُّوبَ عَنْ أَبِي الْمَغْرَاءِ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ خَالِدٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ:  
 فِي الْجِدَالِ شَأْنٌ وَفِي السَّبَابِ وَ الْفُسُوقِ بَقَرَةٌ وَ الرَّفَثِ فَسَادُ الْحَجِّ.

(۸۳)

### بَابُ مَا يَلْبَسُ الْمُحْرِمُ مِنَ الثِّيَابِ وَ مَا يُكْرَهُ لَهُ لِبَاسُهُ

۱- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ بَعْضِ  
 أَصْحَابِنَا عَنْ بَعْضِهِمْ عليه السلام قَالَ:  
 أَحْرَمَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله فِي ثَوْبِي كُرْسُفٍ.  
 ۲- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ  
 اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

فرمود: نه، زیرا که می خواهد برادرش را گرامی بدارد، بلکه آن در موردی است که به  
 خدا معصیت شود.

۶- سلیمان بن خالد گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می فرمود:  
 در جدال، یک گوسفند قربانی می شود، در فحش و فسوق یک گاو است و نزدیکی با  
 زنان موجب بطلان حج است.

### بخش هشتاد و سوم

### لباس محرم و آن چه پوشیدنش بر او مکروه است

۱- یکی از راویان گوید: یکی از ائمه عليهم السلام می فرماید:  
 رسول خدا صلى الله عليه وآله با دو لباس پنبه ای احرام بست.  
 ۲- معاویه بن عمار گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:



- كَانَ تَوْبًا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ الَّذِي أَحْرَمَ فِيهِمَا يَمَانَيْنِ عِبْرِيٍّ وَظَفَارٍ وَفِيهِمَا كُفْنٌ.
- ۳- عَلِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ: كُلُّ تَوْبٍ يُصَلَّى فِيهِ فَلَا بَأْسَ أَنْ يُحْرَمَ فِيهِ.
- ۴- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ الْكَرِيمِ بْنِ عَمْرٍو عَنْ أَبِي بصيرٍ قَالَ: سُئِلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ﷺ عَنِ الْخَمِيصَةِ سَدَّهَا إِبْرِيْسَمٌ وَلَحْمَتُهَا مِنْ غَزَلٍ. قَالَ: لَا بَأْسَ بِأَنْ يُحْرَمَ فِيهَا، إِنَّمَا يُكْرَهُ الْخَالِصُ مِنْهُ.
- ۵- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ شُعَيْبِ أَبِي صَالِحٍ عَنْ خَالِدِ أَبِي الْعَلَاءِ الْخَقَّافِ قَالَ: رَأَيْتُ أَبَا جَعْفَرٍ ﷺ وَ عَلَيْهِ بُزْدٌ أَخْضَرُ وَهُوَ مُحْرَمٌ.
- ۶- مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ حَنَّانِ بْنِ سَدِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ:

آن دو لباسی که رسول خدا ﷺ در آن دو محرم شد از پارچه‌های عبری و ظفار یمنی بود و حضرتش در همان دو کفن شد.

۳- حریز گوید: امام صادق ﷺ فرمود:

هر جامه‌ای که در آن نماز گذارده شود پس ایرادی نیست که در آن احرام بسته شود

۴- ابی بصیر گوید: از امام صادق ﷺ درباره پارچه‌ای که تار آن از ابریشم و پودش از پنبه رشته شده است پرسیدند.

فرمود: ایرادی ندارد در آن لباس محرم شود و همانا خالص آن کراهت دارد.

۵- خالد ابی‌العلاء خفاف گوید: امام باقر ﷺ را دیدم که در حال احرام، لباس برد سبزی برتن داشت.

۶- حنان بن سدير گوید:

كُنْتُ عِنْدَهُ جَالِسًا فَسُئِلَ عَنْ رَجُلٍ يُحْرِمُ فِي تَوْبٍ فِيهِ حَرِيرٌ.  
فَدَعَا بِإِزَارٍ قُرْبِيِّ. فَقَالَ: أَنَا أُحْرِمُ فِي هَذَا وَفِيهِ حَرِيرٌ.  
۷- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ  
شُعَيْبٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الْمُحْرِمِ يَلْبَسُ الطَّيْلَسَانَ الْمَزْرُورَ.  
فَقَالَ: نَعَمْ، وَ فِي كِتَابِ عَلِيِّ عليه السلام: لَا يَلْبَسُ طَيْلَسَانٌ حَتَّى يُنْزَعَ أَرْزَاؤُهُ، فَحَدَّثَنِي  
أَبِي: إِنَّمَا كُرِهَ ذَلِكَ مَخَافَةَ أَنْ يَزُرَّهُ الْجَاهِلُ عَلَيْهِ.  
۸- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ  
اللَّهِ عليه السلام مِثْلَ ذَلِكَ وَ قَالَ:  
إِنَّمَا كُرِهَ ذَلِكَ مَخَافَةَ أَنْ يَزُرَّهُ الْجَاهِلُ، فَأَمَّا الْفَقِيهُ فَلَا بَأْسَ أَنْ يَلْبَسَهُ.

در خدمت امام صادق عليه السلام حضور داشتم که از آن حضرت درباره مردی که در لباس  
حریردار محرم می شود پرسیدند:  
پس امام عليه السلام دستور داد تا پیراهن قرقبی بیاورند آن گاه فرمود: من در این لباس محرم  
می شوم در صورتی که حریر دارد.  
۷- یعقوب بن شعیب گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: محرمی که لباس بارانی دگمه دار  
می پوشد چگونه است؟  
فرمود: آری، در کتاب حضرت علی عليه السلام آمده است: محرم نباید بارانی بپوشد مگر آن که  
دگمه های آن را بکند.  
و پدر بزرگوارم عليه السلام به من خبر داد: همانا از این جهت مکروه است که بیم آن می رود  
شخص ناآگاه دگمه های آن را ببندد.  
۸- حلبی نظیر این روایت را نقل می کند و در پایان آن می افزاید:  
فرمود: اما برای شخص فقیه و آگاه از مسایل ایرادی ندارد که چنین لباسی بپوشد.

۹ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

لَا تَلْبَسْ ثَوْبًا لَهُ أَزْرَارٌ وَأَنْتَ مُحْرِمٌ إِلَّا أَنْ تَنْكُسَهُ وَلَا ثَوْبًا تَدْرَعُهُ وَلَا سَرَاوِيلَ إِلَّا أَنْ لَا يَكُونَ لَكَ إِزَارٌ وَلَا خُفَّيْنِ إِلَّا أَنْ لَا يَكُونَ لَكَ نَعْلَانِ. قَالَ: وَسَأَلْتُهُ عَنِ الْمُحْرِمِ يُقَارِئُ بَيْنَ ثِيَابِهِ الَّتِي أَحْرَمَ فِيهَا وَغَيْرِهَا. قَالَ: لَا بَأْسَ بِذَلِكَ إِذَا كَانَتْ طَاهِرَةً.

۱۰ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الْمُحْرِمِ يَتَرَدَّى بِالثَّوْبَيْنِ.

قَالَ: نَعَمْ وَالثَّلَاثَةِ إِنْ شَاءَ يَتَّقِي بِهَا الْبُرْدَ وَالْحَرَّ.

۱۱ - عَلِيُّ بْنُ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: لَا بَأْسَ بِأَنْ يُغَيَّرَ الْمُحْرِمُ ثِيَابَهُ، وَلَكِنْ إِذَا دَخَلَ مَكَّةَ لَبَسَ ثَوْبَيْ إِحْرَامِهِ اللَّذَيْنِ أَحْرَمَ فِيهِمَا وَكُرِهَ أَنْ يَبِيعَهُمَا.

۹ - معاویة بن عمار گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هرگاه محرم باشی لباس دگمه دار مپوش، مگر آنکه آنرا وارونه سازی، هم چنین لباسی را که دست‌هایت را در آستین‌هایش کنی و نیز شلواری را به تن مکن مگر آنکه لنگی برای پوشش پایین تنه نداشته باشی و نیز کفشی را نپوش مگر آنکه نعلین نداشته باشی. راوی گوید: از امام عليه السلام در مورد محرمی که لباس‌های احرام را با لباس‌های دیگری نزدیک می‌کند و می‌پوشد پرسیدم.

فرمود: ایرادی ندارد اگر پاک باشد.

۱۰ - حلبی گوید: از امام صادق عليه السلام در مورد محرمی که دو لباس می‌پوشد، پرسیدم. فرمود: آری، و سه لباس هم - اگر بخواهد از سرما و گرما خود را نگاه دارد - می‌تواند بپوشد.

۱۱ - معاویه گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

ایرادی ندارد که محرم لباس‌هایش را تغییر دهد، ولی وقتی وارد مکه شد باید آن دو لباسی را که در آنها محرم شده است بپوشد و فروختن آنها مکروه است.

- ۱۲ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام عَنِ الْمُحْرَمِ يَلْبَسُ الْخَزَّ. قَالَ: لَا بَأْسَ.
- ۱۳ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَائِدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُخْتَارٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: يُحْرَمُ الرَّجُلُ فِي الثَّوْبِ الْأَسْوَدِ. قَالَ: لَا يُحْرَمُ فِي الثَّوْبِ الْأَسْوَدِ وَلَا يُكْفَنُ بِهِ الْمَيِّتُ.
- ۱۴ - أَحْمَدُ عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يُحْرَمُ فِي ثَوْبٍ وَسِخٍ.

- ۱۲ - عبدالرحمان بن حجاج گوید: از امام صادق عليه السلام در مورد محرمی که لباس خرز می پوشد پرسیدم.  
فرمود: ایرادی ندارد.
- ۱۳ - حسین بن مختار گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: آیا جایز است مرد در لباس سیاه محرم شود؟  
فرمود: احرام با لباس سیاه بسته نمی شود و مرده در آن کفن نمی گردد.
- ۱۴ - محمد بن مسلم گوید: از امام (باقر یا صادق عليه السلام) پرسیدم: کسی که در لباس چرکین محرم می شود، (آیا این کار شایسته است؟)

قَالَ: لَا وَ لَا أَقُولُ إِنَّهُ حَرَامٌ، وَلَكِنْ أَحِبُّ أَنْ يُطَهَّرَهُ وَ طَهُّورُهُ غَسْلُهُ، وَ لَا يَغْسِلُ الرَّجُلُ ثَوْبَهُ الَّذِي يُحْرَمُ فِيهِ حَتَّى يَحِلَّ وَ إِنْ تَوَسَّخَ إِلَّا أَنْ يُصِيبَهُ جَنَابَةٌ، أَوْ شَيْءٌ فَيَغْسِلُهُ.

۱۵- أَحْمَدُ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: سُئِلَ عَنْ خَلُوقِ الْكَعْبَةِ لِلْمُحْرَمِ أَيْغَسَلُ مِنْهُ الثَّوْبُ؟ قَالَ: لَا هُوَ طَهُورٌ.

ثُمَّ قَالَ: إِنْ بَثَّوْبِي مِنْهُ لَطَخًا.

۱۶- أَحْمَدُ عَنْ ابْنِ فَضَّالٍ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ لَيْثِ الْمُرَادِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الثَّوْبِ الْمُعْلَمِ هَلْ يُحْرَمُ فِيهِ الرَّجُلُ؟ قَالَ: نَعَمْ، إِنَّمَا يُكْرَهُ الْمُلْحَمُ.

۱۷- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ هِلَالٍ قَالَ:

فرمود: نه، و نمی‌گویم که آن حرام است، ولی نزد من بهتر است که آن را تطهیر کند و طهارتش به شستن آن است و انسان نباید لباسی را که در آن محرم می‌شود بشوید تا وقتی که از احرام بیرون آید، گر چه آن لباس چرکین گردد، مگر آن که منی یا چیزی به آن اصابت کند، که باید آن را بشوید.

۱۵- ابن ابی عمیر از یکی از شیعیان نقل می‌کند که گوید: از امام صادق عليه السلام در مورد عطر کعبه پرسیده شد که آیا محرم باید به خاطر آلوده شدن لباسش به آن، لباس خود را بشوید؟ فرمود: نه، آن پاک است.

آن گاه فرمود: همانا لباس من به آن آلوده است.

۱۶- لیث مرادی گوید: از امام صادق عليه السلام درباره لباس نشان‌دار سؤال کردم که آیا مرد می‌تواند در آن محرم شود؟

فرمود: آری، همانا پارچه ملحم (قماشی از ابریشم) مکروه است.

۱۷- عبدالله بن هلال گوید:

سُئِلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: عَنِ الثَّوْبِ يَكُونُ مَصْبُوغًا بِالْعُصْفُرِ ثُمَّ يُغَسَّلُ أَلْبَسُهُ وَأَنَا مُحْرِمٌ.

قَالَ: نَعَمْ لَيْسَ الْعُصْفُرُ مِنَ الطَّيِّبِ، وَلَكِنْ أَكْرَهُ أَنْ تَلْبَسَ مَا يَشْهَرُكَ بِهِ النَّاسُ.  
 ۱۸ - أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْعَلَاءِ قَالَ:  
 سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الثَّوْبِ يُصَيِّبُهُ الرَّعْفَرَانُ ثُمَّ يُغَسَّلُ فَلَا يَذْهَبُ أَيَحْرَمُ فِيهِ؟

قَالَ: لَا بَأْسَ بِهِ إِذَا ذَهَبَ رِيحُهُ وَلَوْ كَانَ مَصْبُوغًا كُلُّهُ إِذَا ضَرَبَ إِلَى الْبَيَاضِ وَغُسِّلَ فَلَا بَأْسَ بِهِ.

۱۹ - الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبَانَ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ الْفَضْلِ قَالَ:  
 سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الْمُحْرِمِ يَلْبَسُ الثَّوْبَ قَدْ أَصَابَهُ الطَّيِّبُ.  
 قَالَ: إِذَا ذَهَبَ رِيحُ الطَّيِّبِ فَلْيَلْبَسْهُ.

از امام صادق عليه السلام سؤال شد: لباسی که با عصفَر رنگ آمیزی شده باشد سپس آن را بشویند آیا در حال احرام می توانم آن را بپوشم؟  
 فرمود: آری، عصفَر از عطریات نیست، ولی من دوست ندارم تو لباسی بپوشی که مردم به وسیله آن تو را شهره سازند.

۱۸ - حسین بن ابی علاء گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: لباسی که به زعفران آغشته شود، سپس شسته شود، پس رنگ آن از بین نرود آیا می توان در آن محرم شد؟  
 فرمود: ایرادی ندارد، اگر بوی آن برود و اگر تمام آن با زعفران رنگ آمیزی شود، در صورتی که به سفیدی بزند و شسته شود، ایرادی ندارد.

۱۹ - اسماعیل بن فضل گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: محرم می تواند لباسی را که معطر شده بپوشد؟

فرمود: زمانی که بوی عطر از بین برود بپوشد.

۲۰ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

لَا بَأْسَ بِأَنْ يُحْرِمَ الرَّجُلُ فِي ثَوْبٍ مَصْبُوغٍ بِمَشَقٍّ وَلَا بَأْسَ بِأَنْ يُحَوَّلَ الْمُحْرِمُ ثِيَابَهُ.

قُلْتُ: إِذَا أَصَابَهَا شَيْءٌ يُغْسِلُهَا؟

قَالَ: نَعَمْ وَإِنْ احْتَلَمَ فِيهَا.

۲۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُصَدِّقِ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ عَمَّارِ بْنِ مُوسَى قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ يَلْبَسُ لِحَافًا ظَهَارَتُهُ حُمْرَاءُ وَبِطَانَتُهُ صَفْرَاءُ قَدْ أَتَى لَهُ سَنَةٌ وَ سَنَتَانِ.

قَالَ: مَا لَمْ يَكُنْ لَهُ رِيحٌ فَلَا بَأْسَ، وَكُلُّ ثَوْبٍ يُصْبَغُ وَ يُغْسَلُ يُجُوزُ الْإِحْرَامُ فِيهِ، فَإِنْ لَمْ يُغْسَلْ فَلَا.

۲۰ - حلبی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

ایرادی ندارد که مرد در لباس رنگ آمیزی شده، با مشق (گل ارمنی) محرم شود و ایرادی ندارد که محرم لباس خود را عوض کند.

گفتم: هر گاه به آن چیزی برسد باید آن را بشوید؟

فرمود: آری، و اگر چه در آن محتلم شود.

۲۱ - عمار بن موسی گوید: از امام صادق عليه السلام در مورد کسی که لباسی می پوشد که

بیرون آن قرمز و داخل آن زرد است و یک سال و دو سال بر او می گذرد پرسیدم

فرمود: مادامی که بو نداشته باشد، ایرادی ندارد و هر لباسی که رنگ آمیزی شود و

شسته شود احرام در آن جایز است و اگر شسته نشود، جایز نیست.

۲۲- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ نَجِيحٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَا بَأْسَ بِلُبْسِ الْخَاتَمِ لِلْمُحْرِمِ. وَفِي رِوَايَةٍ أُخْرَى: لَا يَلْبَسُهُ لِلزَّيْنَةِ.

(۸۴)

### بَابُ الْمُحْرِمِ يَشُدُّ عَلَى وَسَطِهِ الْهَمِيَانِ وَالْمِنْطَقَةَ

- ۱- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ صَفْوَانَ الْجَمَّالِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنْ مَعِيَ أَهْلِي وَأَنَا أُرِيدُ أَنْ أَشُدَّ نَفَقَتِي فِي حَقْوِي. فَقَالَ: نَعَمْ، فَإِنَّ أَبِي عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ يَقُولُ: مِنْ قُوَّةِ الْمُسَافِرِ حِفْظُ نَفَقَتِهِ.
- ۲- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُؤَيْدٍ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ:

۲۲- نجیح گوید: امام کاظم علیه السلام فرمود:

ایرادی ندارد که محرم در دست خود انگشتر کند.

در روایت دیگر آمده است: به شرط آن که انگشتر را برای زینت در دستش نکند.

### بخش هشتاد و چهارم

### حکم محرمی که بر کمر خود همیان و کمر بند می بندد

- ۱- صفوان جمال گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: به همراه خانواده ام در مکه هستم و می خواهم که هزینه سفر خود را در کمر بندم ببندم (آیا می توانم؟) فرمود: آری، زیرا پدرم علیه السلام می فرمود: از توانایی مسافر، حفظ هزینه سفر است.
- ۲- ابوبصیر گوید:



سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الْمُحْرِمِ يَشُدُّ عَلَى بَطْنِهِ الْعِمَامَةَ.  
قَالَ: لَا.

ثُمَّ قَالَ: كَانَ أَبِي يَقُولُ: يَشُدُّ عَلَى بَطْنِهِ الْمِنْطَقَةَ الَّتِي فِيهَا نَفَقَتُهُ يَسْتَوْتِقُ مِنْهَا،  
فَأِنَّهَا مِنْ تَمَامِ حَجِّهِ.

۳- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ شُعَيْبٍ قَالَ:  
سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الْمُحْرِمِ يَصُرُّ الدَّرَاهِمَ فِي تَوْبِهِ؟  
قَالَ: نَعَمْ وَ يَلْبَسُ الْمِنْطَقَةَ وَ الْهَمِيَان.

(۸۵)

**بَابُ مَا يَجُوزُ لِلْمُحْرِمَةِ أَنْ تَلْبَسَهُ مِنَ الثِّيَابِ وَ الْخُلِيِّ وَ مَا يُكْرَهُ لَهَا مِنْ ذَلِكَ**

۱- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ عِيصِ بْنِ  
الْقَاسِمِ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

از امام صادق عليه السلام پرسیدم: محرمی که بر شکم خود عمامه می‌بندد چه حکمی دارد؟  
فرمود: نه (جایز نیست).

سپس فرمود: پدر بزرگوارم همواره می‌فرمود: محرم کمربندی را که هزینه سفرش در آن  
است بر شکمش ببندد تا اطمینان داشته باشد، زیرا این کار از کامل نمودن حج است.

۳- یعقوب بن شعیب گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: محرمی که پول‌های خود را در  
زیر لباسش پنهان می‌کند چه حکمی دارد؟  
فرمود: آری، و می‌تواند کمربند و همیان ببندد.

**بخش هشتاد و پنجم**

**لباس‌ها و زیورآلاتی که بر زن محرم پوشیدنش جایز است  
و آن چه که از آن‌ها بر او مکروه است**

۱- عیص بن قاسم گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

الْمَرْأَةُ الْمُحَرَّمَةُ تَلْبَسُ مَا شَاءَتْ مِنَ الثِّيَابِ غَيْرِ الْحَرِيرِ وَ الْقُفَّازَيْنِ وَ كُرَةِ النَّقَابِ.

وَ قَالَ: تَسْدِلُ الثُّوبَ عَلَى وَجْهِهَا.

قُلْتُ: حَدِّ ذَلِكْ إِلَى أَيْنَ؟

قَالَ: إِلَى طَرَفِ الْأَنْفِ قَدَرًا مَا تُبْصِرُ.

۲- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ الْعَبَّاسِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ الْمَرْأَةِ الْمُحَرَّمَةِ أَيَّ شَيْءٍ تَلْبَسُ مِنَ الثِّيَابِ.

قَالَ: تَلْبَسُ الثِّيَابَ كُلَّهَا إِلَّا الْمَصْبُوعَةَ بِالزَّعْفَرَانِ وَ الْوَرَسِ وَ لَا تَلْبَسُ الْقُفَّازَيْنِ وَ لَا حُلِيًّا تَتَزَيَّنُ بِهِ لَزْوَجَهَا وَ لَا تَكْتَحِلُ إِلَّا مِنْ عِلَّةٍ وَ لَا تَمَسُّ طِيْبًا، وَ لَا تَلْبَسُ حُلِيًّا وَ لَا فِرْنَدًا وَ لَا بَأْسَ بِالْعَلَمِ فِي الثُّوبِ.

زن محرم می تواند از لباس ها هر چه خواست - جز ابریشم و دستکش ها - بپوشد و برای او روبند مکروه است.

حضرتش فرمود: می تواند لباس را بر روی خود بیندازد.

گفتم: اندازه آویختن تا کجاست؟

فرمود: تا نزدیکی بینی به اندازه ای که بتواند ببیند.

۲- نضر بن سوید گوید: از امام کاظم عليه السلام پرسیدم: زن محرم می تواند چه لباس هایی بپوشد؟

فرمود: همه لباس ها را می تواند بپوشد، جز لباس های رنگ شده با زعفران، اسپرک و

نمی تواند دستکش بپوشد و زیور آلاتی که جهت شوهر خود آرایش می کند و سرمه

نمی کشد مگر این که بیماری داشته باشد و عطر استعمال نمی کند و نمی تواند زیور آلات و

ابریشم خالص بپوشد و ایرادی ندارد که لباس معروف بپوشد.

۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

مَرَّ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِامْرَأَةٍ مُتَنَبِّئَةٍ وَهِيَ مُحْرِمَةٌ.  
فَقَالَ: أَحْرَمِي وَاسْفِرِي وَارْزُخِي ثَوْبَكَ مِنْ فَوْقِ رَأْسِكَ، فَإِنَّكَ إِنْ تَتَّقَبْتِ لَمْ يَتَغَيَّرْ لَوْنُكَ.

فَقَالَ رَجُلٌ: إِلَى أَيْنَ تُرْخِيهِ؟

فَقَالَ: تُعْطِي عَيْنَيْهَا.

قَالَ: قُلْتُ: يَبْلُغُ فَمَهَا؟

قَالَ: نَعَمْ.

وَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْمُحْرِمَةُ لَا تَلْبَسُ الْحُلِيَّ، وَلَا الثِّيَابَ الْمُصَبَّغَاتِ إِلَّا صَبْعًا لَا يَزْدَعُ.

۳- حلبی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: امام باقر علیه السلام از کنار زن محرمی که روبند بسته بود گذشت و فرمود: احرام ببندد و نقاب از رو بردار و از بالای سر خود لباس را بر روی خود آویزان کن، زیرا اگر نقاب ببندی رنگ صورتت - از آفتاب - متغیر نمی شود.

مردی گفت: روبند را تا کجا آویزان نماید؟

فرمود: دو چشمش را بپوشاند.

گوید: عرض کردم: به دهانش برسد؟

فرمود: آری.

امام صادق علیه السلام فرمود: زن محرم نباید از زیور آلات استفاده کند، هم چنین نباید لباس هایی که رنگ آمیزی شده بپوشد مگر این که رنگ آنها با شستن از بین نرود.

۴- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام عَنِ الْمَرْأَةِ يَكُونُ عَلَيْهَا الْحُلِيُّ وَالْخَلْخَالُ وَالْمَسَكَةُ وَالْقُرْطَانُ مِنَ الذَّهَبِ وَالْوَرِقِ تُحْرَمُ فِيهِ وَهُوَ عَلَيْهَا وَقَدْ كَانَتْ تَلْبَسُهُ فِي بَيْتِهَا قَبْلَ حَجَّهَا أَتَنْزَعُهُ إِذَا أُحْرِمَتْ أَوْ تَتْرُكُهُ عَلَى حَالِهِ؟

قَالَ: تُحْرَمُ فِيهِ وَتَلْبَسُهُ مِنْ غَيْرِ أَنْ تُظْهِرَهُ لِلرِّجَالِ فِي مَرْكَبِهَا وَمَسِيرِهَا.

۵- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْأَحْمَسِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنِ الْعِمَامَةِ السَّابِرِيَّةِ فِيهَا عَلَمٌ حَرِيرٌ تُحْرَمُ فِيهَا الْمَرْأَةُ؟

قَالَ: نَعَمْ، إِنَّمَا كُرِهَ ذَلِكَ إِذَا كَانَ سَدَاهُ وَلَحْمَتُهُ جَمِيعاً حَرِيراً.

ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: قَدْ سَأَلَنِي أَبُو سَعِيدٍ عَنِ الْخَمِيصَةِ سَدَاهَا إِبْرِيْشَمٌ أَنْ أَلْبَسَهَا وَكَانَ وَجَدَ الْبُرْدَ؟ فَأَمَرْتُهُ أَنْ يَلْبَسَهَا.

۴- عبدالرحمان بن حجاج گوید: از امام کاظم عليه السلام پرسیدم: زنی که احرام می‌بندد و بر خود زیور آلات، خلخال، دستبند و گوشواره طلا و نقره دارد که آن‌ها را در منزلش هم پوشیده آیا به هنگام احرام بیرون آورد و یا آن‌ها را وا گذارد؟

فرمود: در آن‌ها محرم می‌شود بدون این که در حال سواره و در مسیر بر مردان نمایان کند.

۵- احمسی گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: آیا زن می‌تواند در عمامه سابری (که

سفید و رقیق است) که در آن تار ابریشم است محرم شود؟

فرمود: آری، فقط در صورتی مکروه است که تار و پود آن همگی از ابریشم باشد.

سپس حضرتش فرمود: ابو سعید از من درباره خمیصه - که تار آن ابریشم است - پرسید

که آیا می‌تواند آن را به هنگام سرما بپوشد؟

پس به او دستور دادم که آن را بپوشد.

- ۶- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ أَوْ غَيْرِهِ عَنْ دَاوُدَ بْنِ الْحُصَيْنِ عَنْ أَبِي عُيَيْنَةَ قَالَ:
- سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مَا يَحِلُّ لِلْمَرْأَةِ أَنْ تَلْبَسَ وَهِيَ مُحْرِمَةٌ؟
- قَالَ: الثِّيَابُ كُلُّهَا مَا خَلَا الْقَفَّازِينَ وَالثُّرُوعَ وَ الْحَرِيرَ.
- قُلْتُ: تَلْبَسُ الْخَزَّ.
- قَالَ: نَعَمْ.
- قُلْتُ: فَإِنَّ سَدَاهُ الْإِبْرِسِمَ وَهُوَ حَرِيرٌ؟
- قَالَ: مَا لَمْ يَكُنْ حَرِيرًا خَالِصًا فَلَا بَأْسَ.
- ۷- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَيْمُونٍ عَنْ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عليه السلام قَالَ:
- الْمُحْرِمَةُ لَا تَتَنَقَّبُ، لِأَنَّ إِحْرَامَ الْمَرْأَةِ فِي وَجْهِهَا وَ إِحْرَامَ الرَّجُلِ فِي رَأْسِهِ.

۶- ابو عیینہ گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: پوشیدن چه چیزی برای زن مُحرم حلال است؟

فرمود: همه نوع لباس‌ها را می‌تواند بپوشد، جز دستکش و روبند و ابریشم.

گفتم: می‌تواند لباس خز بپوشد؟

فرمود: آری.

گفتم: تارهای آن از ابریشم است که همان حریر است؟

فرمود: مادامی که حریر خالص نباشد ایرادی ندارد.

۷- عبدالله بن میمون گوید: امام صادق از پدرش عليه السلام نقل می‌کند که حضرتش فرمود: زن مُحرم نمی‌تواند روبند بزند؛ زیرا احرام زن در روی او و احرام مرد در سر اوست.

- ۸- حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ غَيْرِ وَاحِدٍ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ الْفَضْلِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الْمَرْأَةِ هَلْ تَصْلُحُ لَهَا أَنْ تَلْبَسَ ثَوْبًا حَرِيرًا وَهِيَ مُحْرِمَةٌ؟ قَالَ: لَا، وَلَهَا أَنْ تَلْبَسَهُ فِي غَيْرِ إِحْرَامِهَا.
- ۹- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ: مَرَّ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام بِامْرَأَةٍ مُحْرِمَةٍ قَدْ اسْتَتَرَتْ بِمِرْوَحَةٍ، فَأَمَاطَ الْمِرْوَحَةَ بِنَفْسِهِ عَنْ وَجْهِهَا.
- ۱۰- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ عَامِرِ بْنِ جُذَاعَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: مُصَبَّغَاتُ الثِّيَابِ تَلْبَسُهُ الْمُحْرِمَةُ؟ فَقَالَ: لَا بَأْسَ بِهِ إِلَّا الْمُقَدَّمُ الْمَشْهُورَ وَالْقِلَادَةَ الْمَشْهُورَةَ.

- ۸- اسماعیل بن فضل گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: آیا زن می تواند در حال احرام لباس حریر بپوشد؟  
فرمود: نه، در غیر احرام می تواند بپوشد.
- ۹- احمد بن محمد بن ابی نصر گوید: امام هادی عليه السلام فرمود:  
امام جواد عليه السلام از کنار زنی محرمی می گذشت که با بادبزین صورت خود را پوشانیده بود  
حضرتش با دست خود بادبزین را از صورت او کنار زد.
- ۱۰- عامر بن جذاعه گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: آیا زن محرم می تواند از لباس های رنگ شده بپوشد؟  
فرمود: ایرادی ندارد مگر رنگ قرمز تند و مشخص شده و گردنبند نمایان شده.

۱۱ - حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ سَمَاعَةَ عَنْ غَيْرِ وَاحِدٍ عَنْ أَبَانَ عَنْ مُحَمَّدٍ الْحَلَبِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْمَرْأَةِ إِذَا أَحْرَمَتْ أَتَلْبَسُ السَّرَاوِيلَ؟ قَالَ: نَعَمْ إِنَّمَا تُرِيدُ بِذَلِكَ السُّتْرَةَ.

(۸۶)

### بَابُ الْمُحْرَمِ يُضْطَرُّ إِلَى مَا لَا يَجُوزُ لَهُ لُبْسُهُ

۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع: فِي رَجُلٍ هَلَكَتْ نَعْلَاهُ وَلَمْ يَقْدِرْ عَلَى نَعْلَيْنِ. قَالَ لَهُ: أَنْ يَلْبَسَ الْحَقَيْنِ إِذَا اضْطُرَّ إِلَى ذَلِكَ وَلْيَشُقَّهُ مِنْ ظَهْرِ الْقَدَمِ، وَإِنْ لَبَسَ الطَّيْلَسَانَ فَلَا يَزُرُهُ عَلَيْهِ، فَإِنْ اضْطُرَّ إِلَى قَبَاءٍ مِنْ بَرْدٍ وَ لَا يَجِدُ ثَوْباً غَيْرَهُ فَلْيَلْبَسْهُ مَقْلُوباً وَ لَا يُدْخِلْ يَدَيْهِ فِي يَدَيِ الْقَبَاءِ.

۱۱ - محمد حلبی گوید: از امام صادق ع پرسیدم: آیا زن به هنگام احرام می تواند شلوار بپوشد؟ فرمود: آری، چون می خواهد با آن خود را بپوشاند.

### بخش هشتاد و ششم

#### محرمی که ناگزیر به پوشیدن لباسی می شود که بر او جایز نیست

۱ - ابوبصیر گوید: امام صادق ع درباره مردی که نعلین او از بین رفته بود و دسترسی به نعلین نداشت به او فرمود:

کفش بپوشد، اگر به آن ناگزیر شده است و پشت پای کفش را پاره نماید و اگر بارانی پوشید تکمه آن را نبندد و اگر به جهت سرما ناچار شد، قبا بپوشد و اگر لباس دیگری نیافت آن را پشت و رو بپوشد و دست هایش را داخل آستین قبا ننماید.

- ۲ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ رِفَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْمُحْرِمِ يَلْبَسُ الْخَفَيْنِ وَ الْجَوْرَيْنِ. قَالَ: إِذَا اضْطُرَّ إِلَيْهِمَا. ۳ - سَهْلٌ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَيْمُونٍ الْقَدَّاحِ عَنْ جَعْفَرٍ عليه السلام: أَنْ عَلِيًّا عليه السلام كَانَ لَا يَرَى بَأْسًا بَعْقِدِ الثُّوبَ إِذَا قَصَرَ ثُمَّ يُصَلِّي فِيهِ وَإِنْ كَانَ مُحْرِمًا. ۴ - سَهْلٌ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مِثْنَى عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: لَا بَأْسَ بِأَنْ يُحْرِمَ الرَّجُلُ وَ عَلَيْهِ سِلَاحُهُ إِذَا خَافَ الْعَدُوَّ. ۵ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ مِثْنَى الْحَنَاطِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

- ۲ - رفاعه گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: محرمی که کفش و جوراب می پوشد چه حکمی دارد؟ فرمود: زمانی که ناگزیر شد اشکالی ندارد. ۳ - عبدالله بن ميمون قدّاح گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: علی عليه السلام ایرادی بر گره زدن لباس - در صورت کوتاه بودن - نمی گرفت که در آن نماز خوانده شود گر چه محرم باشد. ۴ - زراره گوید: امام باقر عليه السلام فرمود: ایرادی ندارد که هر گاه محرم از دشمن بترسد با سلاح محرم شود. ۵ - مثنی حنّاط گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:



مَنْ اضْطُرَّ إِلَى تَوْبٍ وَهُوَ مُحْرِمٌ وَ لَيْسَ مَعَهُ إِلَّا قَبَاءٌ فَلْيَتَنَكُّسْهُ وَ لِيَجْعَلْ أَعْلَاهُ  
أَسْفَلَهُ وَ يَلْبَسْهُ.

وَ فِي رِوَايَةٍ أُخْرَى: يَغْلِبُ ظَهْرَهُ بَطْنَهُ إِذَا لَمْ يَجِدْ غَيْرَهُ.

۶- حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ غَيْرِ وَاحِدٍ عَنْ أَبَانَ عَنْ  
عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ حُمْرَانَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

الْمُحْرِمُ يَلْبَسُ السَّرَاوِيلَ إِذَا لَمْ يَكُنْ مَعَهُ إِزَارٌ وَ يَلْبَسُ الْخُفَّيْنِ إِذَا لَمْ يَكُنْ مَعَهُ  
نَعْلٌ.

(۸۷)

### بَابُ مَا يَجِبُ فِيهِ الْفِدَاءُ مِنْ لُبْسِ الثِّيَابِ

۱- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ  
عَلِيِّ بْنِ رِثَابٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

هر که در حال احرام ناچار باشد که لباس بپوشد و همراه او فقط قبا است پس آن را  
پشت رو کرده و طرف بالای آن را پایین و پایین آن را بالا نموده و بپوشد.

در روایت دیگری آمده است: اگر غیر از قبا نیافت، بیرون آن را داخل قرار دهد.

۶- حمran گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

اگر محرم لنگ نداشته باشد می تواند شلوار بپوشد و اگر نعلین نداشته باشد می تواند  
کفش بپوشد.

### بخش هشتاد و هفتم

### لباسی که در آن قربانی واجب است

۱- زراره گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

مَنْ لَبَسَ ثَوْبًا لَا يَنْبَغِي لَهُ لُبْسُهُ وَهُوَ مُحْرِمٌ فَعَلَّ ذَلِكَ نَاسِيًا أَوْ سَاهِيًا أَوْ جَاهِلًا فَلَا شَيْءَ عَلَيْهِ، وَ مَنْ فَعَلَهُ مُتَعَمِّدًا فَعَلَيْهِ دَمٌ.

۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عليه السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ ضُرُوبٍ مِنَ الثِّيَابِ مُخْتَلِفَةٍ يَلْبَسُهَا الْمُحْرِمُ إِذَا احتَاجَ مَا عَلَيْهِ؟  
قَالَ: لِكُلِّ صِنْفٍ مِنْهَا فِدَاءٌ.

(۸۸)

### بَابُ الرَّجُلِ يُحْرِمُ فِي قَمِيصٍ أَوْ يَلْبَسُهُ بَعْدَ مَا يُحْرِمُ

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ وَ غَيْرِ وَاحِدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: فِي رَجُلٍ أَحْرَمَ وَ عَلَيْهِ قَمِيصٌ.

هر محرمی که لباسی بپوشد که پوشیدن آن شایسته نبود و این از روی فراموشی، سهو یا ناآگاهی باشد چیزی بر عهده او نیست و کسی که از روی عمد بپوشد باید قربانی ذبح کند.  
۲ - محمد بن مسلم گوید: از امام (باقر و یا امام صادق علیه السلام) درباره انواع مختلفی از لباس پرسیدم که محرم می تواند آن ها را به هنگام نیاز بپوشد؟  
فرمود: برای هر نوع از آن لباس ها یک قربانی است.

### بخش هشتاد و هشتم

حکم کسی که در پیراهن محرم می شود، یا بعد از محرم شدن آن را می پوشد

۱ - معاویه بن عمار و دیگران گویند: امام صادق عليه السلام درباره کسی که در پیراهن محرم

شده فرمود:

قَالَ: يَنْزَعُهُ وَلَا يَشُقُّهُ، وَإِنْ كَانَ لِبَسَهُ بَعْدَ مَا أُحْرِمَ شَقَّهُ وَأَخْرَجَهُ مِمَّا يَلِي رِجْلَيْهِ.

۲- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ خَالِدِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَصَمِّ قَالَ:

دَخَلَ رَجُلٌ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ وَهُوَ مُحْرِمٌ فَدَخَلَ فِي الطَّوَافِ وَعَلَيْهِ قَمِيصٌ وَكِسَاءٌ فَأَقْبَلَ النَّاسُ عَلَيْهِ يَشُقُّونَ قَمِيصَهُ وَكَانَ صُلْبًا.

فَرَأَاهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام وَهُمْ يُعَالِجُونَ قَمِيصَهُ يَشُقُّونَهُ، فَقَالَ لَهُ: كَيْفَ صَنَعْتَ؟ فَقَالَ: أَحْرَمْتُ هَكَذَا فِي قَمِيصِي وَكِسَائِي.

فَقَالَ: انْزِعْهُ مِنْ رَأْسِكَ لَيْسَ يُنْزَعُ هَذَا مِنْ رِجْلَيْهِ، إِنَّمَا جَهَلَ.

فَأَنَاءَهُ غَيْرُ ذَلِكَ، فَسَأَلَهُ فَقَالَ: مَا تَقُولُ فِي رَجُلٍ أَحْرَمَ فِي قَمِيصِهِ؟ قَالَ: يَنْزَعُهُ مِنْ رَأْسِهِ.

باید آن را از تنش درآورد و نباید آن را پاره کند و اگر آن را بعد از احرام پوشیده باید آن را پاره کند و از طرف پاهایش در بیاورد.

۲ - خالد بن محمد اصم گوید: مرد محرمی وارد مسجدالحرام شد و مشغول طواف گشت. او پیراهن محکم و عبایی بر تن داشت و مردم به او رو آورده و پیراهن او را پاره می کردند.

امام صادق عليه السلام این منظره را دید که مردم دست و پا می کنند که پیراهنش را پاره کنند. حضرت از او پرسید: چه کرده ای؟

گفت: این چنین در پیراهن و عبایم محرم شده ام.

حضرت فرمود: از سرت بیرون بیاور و چنین شخصی لباس را از طرف پایین در نمی آورد، زیرا نمی دانسته است.

شخص دیگری نزد حضرت آمد و سؤال کرد: نظر شما در مورد کسی که در پیراهنش محرم شده است چیست؟

فرمود: آن را از طرف سرش درمی آورد.

۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ:

إِنْ لَبِسْتَ ثَوْبًا فِي إِحْرَامِكَ لَا يَصْلُحُ لَكَ لُبْسُهُ فَلَبَّ وَاعِدْ غُسْلَكَ، وَإِنْ لَبِسْتَ قَمِيصًا فَشَقَّهُ وَأَخْرِجْهُ مِنْ تَحْتِ قَدَمَيْكَ.

(۸۹)

### بَابُ الْمُحْرِمِ يُعْطِي رَأْسَهُ أَوْ وَجْهَهُ مُتَعَمِّدًا أَوْ نَاسِيًا

۱- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ سَهْلٍ بْنِ زِيَادٍ عَنْ ابْنِ مُحْبُوبٍ عَنْ ابْنِ رِثَابٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

قُلْتُ: الْمُحْرِمُ يُؤْذِيهِ الذَّبَابُ حِينَ يُرِيدُ النَّوْمَ يُعْطِي وَجْهَهُ؟  
قَالَ: نَعَمْ، وَلَا يُخَمِّرُ رَأْسَهُ وَ الْمَرْأَةُ عِنْدَ النَّوْمِ لَا بَأْسَ بِأَنْ تُعْطِيَ وَجْهَهَا كُلَّهُ عِنْدَ النَّوْمِ.

۳- معاوية بن عمار گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

اگر در حال احرام لباسی را پوشیدی که پوشیدن آن برای تو جایز نبود، لبیک بگو و غسلت را اعاده کن و اگر پیراهن پوشیدی پس آن را پاره کن و از طرف پایین پاهایت بیرون بیاور.

### بخش هشتاد و نهم

حکم محرمی که سر یا روی خود را از روی عمد و یا فراموشی می پوشاند

۱- زراره گوید: به امام باقر علیه السلام گفتم: محرمی که مگس آزارش می دهد در موقع خوابیدن می تواند رویش را بپوشاند؟

فرمود: آری، ولی سرش را نپوشاند و زن به هنگام خوابیدن می تواند تمام صورتش را بپوشاند.

۲ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ سِنَانٍ عَنْ عَبْدِ الْمَلِكِ الْقُمِّيِّ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: الْمُحْرِمُ يَتَوَضَّأُ ثُمَّ يُجَلِّلُ وَجْهَهُ بِالْمِنْدِيلِ يُخَمِّرُهُ كُلَّهُ؟ قَالَ: لَا بَأْسَ.

۳ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنِ الْمُحْرِمِ يَنَامُ عَلَى وَجْهِهِ عَلَى زَامِلَتِهِ. قَالَ: لَا بَأْسَ بِهِ.

۴ - أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام عَنِ الْمُحْرِمِ يَجِدُ الْبَرْدَ فِي أُذُنَيْهِ يُعْطِيهِمَا. قَالَ: لَا.

۲ - عبدالملک قمی گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: محرمی وضو می‌گیرد سپس صورتش را با حوله پاک می‌کند که همه صورتش را می‌پوشاند. فرمود: ایرادی ندارد.

۳ - حلبی گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: محرم می‌تواند بر صورت خود، روی تشک سواری خود بخوابد؟ فرمود: ایرادی ندارد.

۴ - عبدالرحمان گوید: از امام کاظم عليه السلام پرسیدم: محرمی که در گوش‌هایش احساس سرما می‌کند می‌تواند گوش‌هایش را بپوشاند؟ فرمود: نه.

(۹۰)

**بَابُ الظَّلَالِ لِلْمُحْرِمِ**

۱ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ الْمُثَنَّى الْخَطِيبِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ وَبِشْرِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ قَالَ:  
 قَالَ لِي مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ: أَلَا أُسْرُكَ يَا ابْنَ مُثَنَّى؟  
 قَالَ: قُلْتُ: بَلَى وَ قُمْتُ إِلَيْهِ.  
 قَالَ: دَخَلَ هَذَا الْفَاسِقُ أَنْفًا فَجَلَسَ قُبَالَهَ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَيْهِ فَقَالَ لَهُ:  
 يَا أَبَا الْحَسَنِ! مَا تَقُولُ فِي الْمُحْرِمِ؟ أَيْسْتَظِلُّ عَلَى الْمَحْمُولِ؟  
 فَقَالَ لَهُ: لَا.  
 قَالَ: فَيَسْتَظِلُّ فِي الْخِبَاءِ؟  
 فَقَالَ لَهُ: نَعَمْ.

**بخش نودم****حکم سایه برای محرم**

۱ - جعفر بن مثنی خطیب از محمد بن فضیل و بشر بن اسماعیل نقل می کند که گوید  
 محمد به من گفت: ای پسر مثنی می خواهی تو را خوشحال بکنم؟  
 گفتم: آری و برخاستم به جانب او رفتم.  
 گفت: اندکی پیش این فاسق ابو یوسف قاضی شاگرد ابوحنفیه برابر امام کاظم عليه السلام  
 نشست و به حضرتش گفت: ای ابوالحسن! نظر تو در مورد محرم چیست؟ آیا می تواند در  
 کجاوه در زیر سایه باشد؟  
 فرمود: نه.  
 گفت: آیا در خیمه می تواند در زیر سایه باشد؟  
 فرمود: آری.

فَاعَادَ عَلَيْهِ الْقَوْلَ شَبَهَ الْمُسْتَهْزِئِ يَضْحَكُ، فَقَالَ: يَا أَبَا الْحَسَنِ! فَمَا فَرْقُ بَيْنِ هَذَا وَهَذَا؟

فَقَالَ: يَا أَبَا يُوسُفَ! إِنَّ الدِّينَ لَيْسَ بِقِيَاسٍ كَقِيَاسِكُمْ، أَنْتُمْ تَلْعَبُونَ بِالدِّينِ، إِنَّا صَنَعْنَا كَمَا صَنَعَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ، وَ قُلْنَا كَمَا قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ، كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَرْكَبُ رَاحِلَتَهُ فَلَا يَسْتَظِلُّ عَلَيْهَا وَ تُؤْذِيهِ الشَّمْسُ، فَيَسْتُرُ جَسَدَهُ بَعْضُهُ بِبَعْضٍ، وَ رُبَّمَا سَتَرَ وَجْهَهُ بِيَدِهِ، وَإِذَا نَزَلَ اسْتَظَلَ بِالْخَبَاءِ وَ فِيهِ الْبَيْتِ وَ فِيهِ الْجِدَارِ.

۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ ﷺ عَنِ الظَّلَالِ لِلْمُحْرَمِ.

فَقَالَ: اضْحَ لِمَنْ أَحْرَمْتَ لَهُ.

قُلْتُ: إِنِّي مُحْرُورٌ، وَإِنَّ الْحَرَ يَشْتَدُّ عَلَيَّ.

قَالَ: أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ الشَّمْسَ تَغْرُبُ بِذُنُوبِ الْمُحْرَمِينَ؟!

او سخنش را همانند مسخره‌گری که می‌خندید تکرار کرد و گفت: بین این و آن چه فرقی است؟

فرمود: ای ابا یوسف! به راستی دین همانند قیاس شما به قیاس سنجیده نمی‌شود، شما با دین بازی می‌کنید ما عمل می‌کنیم آن سان که رسول خدا ﷺ عمل می‌نمود و می‌گوییم آن سان که رسول خدا ﷺ می‌فرمود. رسول خدا ﷺ همواره سوار بر شتر خود می‌شد و چیزی بر آن سایه‌بان نمی‌کرد و آفتاب او را آزار می‌داد پس با قسمتی از بدنش قسمت دیگر را می‌پوشانید و چه بسا با دستش صورتش را می‌پوشانید و چون پیاده می‌شد در زیر سایه می‌رفت و در زیر خیمه و سایه خانه و سایه دیوار قرار می‌گرفت.

۲ - عبدالله بن مغیره گوید: از امام کاظم ﷺ در مورد سایه برای محرم پرسیدم.

فرمود: زیر آفتاب باش برای کسی که به خاطرش محرم شده‌ای.

گفتم: من گرم‌زده‌ام، و تحمل گرما بر من سخت است.

فرمود: آیا نمی‌دانی که آفتاب با گناهان احرام شونده‌گان غروب می‌کند؟!

۳- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الرِّيَّانِ عَنْ قَاسِمِ الصَّنِيفِلِ قَالَ:

مَا رَأَيْتُ أَحَدًا كَانَ أَشَدَّ تَشَدِيدًا فِي الظِّلِّ مِنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام كَانَ يَأْمُرُ بِقَلْعِ الثُّبَّةِ وَ الْحَاجِبِينَ إِذَا أُحْرِمَ.

۴- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنِ الْمَرْأَةِ يُضْرَبُ عَلَيْهَا الظَّلَالُ وَ هِيَ مُحْرِمَةٌ؟ قَالَ: نَعَمْ.

قُلْتُ: فَالرَّجُلُ يُضْرَبُ عَلَيْهِ الظَّلَالُ وَ هُوَ مُحْرِمٌ.

قَالَ: نَعَمْ، إِذَا كَانَتْ بِهِ شَقِيقَةٌ وَ يَتَصَدَّقُ بِمُدٍّ لِكُلِّ يَوْمٍ.

۵- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيعٍ قَالَ: كَتَبْتُ إِلَى الرَّضَا عليه السلام: هَلْ يَجُوزُ لِلْمُحْرِمِ أَنْ يَمْشِيَ تَحْتَ ظِلِّ الْمُحْمِلِ؟

۳- قاسم بن صیقل گوید: در مسأله «سایه» کسی را سخت گیرتر از امام باقر عليه السلام ندیدم که دستور می داد تا گنبد و سایه بان ها به هنگام احرام کنده شود.

۴- ابوبصیر گوید: از امام عليه السلام پرسیدم: آیا می توان برای زن در حال احرام سایه بان زد؟ فرمود: آری.

گفتم: پس آیا برای مرد نیز جایز است که در حال احرام سایه بان زده شود؟ فرمود: آری، در صورتی که دچار سر درد باشد و باید برای هر روز یک مدّ طعام صدقه بدهد.

۵- اسماعیل بن بزیع گوید:

به امام رضا عليه السلام طی نامه ای نوشتم: آیا جایز است که محرم در زیر سایه کجاوه راه برود؟



فَكَتَبَ: نَعَمْ.

قَالَ: وَ سَأَلَهُ رَجُلٌ عَنِ الظَّلَالِ لِلْمُحْرِمِ مِنْ أَذَى مَطَرٍ أَوْ شَمْسٍ وَأَنَا أَسْمَعُ. فَأَمَرَهُ أَنْ يَفِدِيَ شَاةً وَيَذْبَحَهَا بِمَنْى.

۶- أَحْمَدُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ أَشِيْمٍ عَنْ مُوسَى بْنِ عُمَرَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَنْصُورٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنِ الظَّلَالِ لِلْمُحْرِمِ.

قَالَ: لَا يُظَلَّلُ إِلَّا مِنْ عِلَّةٍ مَرَضٍ.

۷- أَحْمَدُ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى الْكِلَابِيِّ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ عليه السلام: إِنَّ عَلِيَّ بْنَ شِهَابٍ يَشْكُو رَأْسَهُ وَ الْبَرْدُ شَدِيدٌ وَ يُرِيدُ أَنْ يُحْرِمَ.

فَقَالَ: إِنْ كَانَ كَمَا زَعَمَ فَلْيُظَلَّلْ، وَ أَمَّا أَنْتَ فَاصْحَحْ لِمَنْ أَحْرَمْتَ لَهُ.

حضرت در پاسخ نوشت: آری.

راوی گوید: من می شنیدم که مردی از حضرتش در مورد سایه بان برای محرم به خاطر اذیت شدن از باران یا آفتاب پرسید. حضرت به او دستور فرمود که گوسفندی فدیة دهد و آن را در منا ذبح نماید.

۶- محمد بن منصور گوید: از امام رضا عليه السلام در مورد سایه بان برای محرم پرسیدم.

فرمود: محرم نباید زیر سایه قرار بگیرد باشد مگر این که بیمار باشد.

۷- عثمان بن عیسی کلابی گوید: به امام کاظم عليه السلام عرض کردم: علی بن شهاب از درد

سرش می نالد در حالی که سرمای سختی است و می خواهد محرم شود.

فرمود: اگر این گونه که فکر می کند، باشد، زیر سایه برود اما تو، زیر آفتاب باش برای

کسی که به خاطرش محرم شده ای.

- ۸- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ عَبْدِ الْخَالِقِ قَالَ:  
سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام هَلْ يَسْتَتِرُ الْمُحْرِمُ مِنَ الشَّمْسِ؟  
فَقَالَ: لَا، إِلَّا أَنْ يَكُونَ شَيْخًا كَبِيرًا. أَوْ قَالَ: ذَا عِلَّةٍ.
- ۹- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي مَحْمُودٍ قَالَ:  
قُلْتُ لِلرِّضَاءِ عليه السلام: الْمُحْرِمُ يُظِلُّ عَلَى مَحْمِلِهِ وَ يَفْتَدِي إِذَا كَانَتِ الشَّمْسُ وَ  
الْمَطَرُ يُضِرَّانِ بِهِ؟  
قَالَ: نَعَمْ.  
قُلْتُ: كَمْ الْفِدَاءُ؟  
قَالَ: شَاءَ.
- ۱۰- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنِ الْكَاهِلِيِّ عَنْ  
أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:  
لَا بَأْسَ بِالْقُبَّةِ عَلَى النِّسَاءِ وَ الصِّبْيَانِ وَ هُمُ الْمُحْرِمُونَ.

- ۸- اسماعیل بن عبد الخالق گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: آیا محرم می تواند زیر  
سایه برود؟  
فرمود: نه، مگر این که پیرمرد - و یا فرمود: - بیمار باشد
- ۹- ابراهیم بن ابی محمود گوید: به امام رضا عليه السلام گفتم: آیا محرم می تواند از سایه کجاوه  
استفاده کند - اگر آفتاب و باران او را آزار دهند - و فدیة دهد؟  
فرمود: آری.
- گفتم: چه قربانی بدهد؟  
فرمود: یک رأس گوسفند.
- ۱۰- کاهلی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:  
ایرادی ندارد که سایه بان بر زنان و کودکان مُحْرِم زده شود.

- ۱۱ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنْ يَحْيَى الْحَلَبِيِّ عَنِ الْمُعَلَّى بْنِ خُنَيْسٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: لَا يَسْتَتِرُ الْمُحْرِمُ مِنَ الشَّمْسِ بِثَوْبٍ وَلَا بِأَسٍ أَنْ يَسْتَتِرَ بَعْضُهُ بِبَعْضٍ.
- ۱۲ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ بَكْرِ بْنِ صَالِحٍ قَالَ: كَتَبْتُ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام: أَنَّ عَمَّتِي مَعِي وَ هِيَ زَمِيلَتِي وَ الْحَرُّ تَشْتَدُّ عَلَيْهَا إِذَا أُحْرِمْتُ فَتَرَى لِي أَنْ أُظِلَّ عَلَيَّ وَ عَلَيْهَا. فَكَتَبَ عليه السلام: ظِلُّ عَلَيْهَا وَ خَدَّهَا.
- ۱۳ - الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبَانَ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ:
- سَأَلْتُهُ عَنِ الْمُحْرِمِ أَيْتَغَطَّى؟  
قَالَ: أَمَّا مِنَ الْحَرِّ وَ الْبَرْدِ فَلَا.
- ۱۴ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَلِيٍّ بْنِ رَاشِدٍ قَالَ:

۱۱ - معلى بن خنيس گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

محرم نباید با لباسی خود را از آفتاب بپوشاند و ایرادی ندارد که با قسمتی از بدنش قسمت دیگر را بپوشاند.

۱۲ - بکر بن صالح گوید: به امام باقر عليه السلام طی نامه‌ای نوشتم: عمه‌ام به همراه من به حج آمده در کجاوه ماست و گرما هم براو سخت است، به هنگام محرم شدن آیا به من اجازه می‌فرمایید که برای خودم و او سایه‌بان بسازم؟

حضرتش نوشت: فقط برای او سایه بان بساز.

۱۳ - زراره گوید: از امام عليه السلام پرسیدم: آیا محرم می‌تواند خود را بپوشاند؟

فرمود: اما از گرما و سرما، نه.

۱۴ - ابی علی بن راشد گوید:

سَأَلَتْهُ عَنْ مُحْرِمٍ ظَلَّلَ فِي عُمْرَتِهِ.

قَالَ: يَجِبُ عَلَيْهِ دَمٌ.

قَالَ: وَإِنْ خَرَجَ إِلَى مَكَّةَ وَظَلَّلَ وَجَبَ عَلَيْهِ أَيْضاً دَمٌ لِعُمْرَتِهِ وَ دَمٌ لِحَجَّتِهِ.

۱۵ - عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ قَالَ:

كُنَّا فِي دَهْلِيزِ يَحْيَى بْنِ خَالِدٍ بِمَكَّةَ وَكَانَ هُنَاكَ أَبُو الْحَسَنِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ أَبُو يُوسُفَ، فَقَامَ إِلَيْهِ أَبُو يُوسُفَ وَ تَرَبَّعَ بَيْنَ يَدَيْهِ فَقَالَ: يَا أَبَا الْحَسَنِ! جُعِلَتْ فِدَاكَ! الْمُحْرِمُ يُظَلِّلُ؟  
قَالَ: لَا.

قَالَ: فَيَسْتَظِلُّ بِالْجِدَارِ وَ الْمَحْمِلِ وَ يَدْخُلُ الْبَيْتَ وَ الْخَبَاءَ؟  
قَالَ: نَعَمْ.

قَالَ: فَضَحِكَ أَبُو يُوسُفَ شِبْهَ الْمُسْتَهْزِئِ.

از امام علیه السلام درباره محرمی که در عمره، زیر سایه قرار می گیرد، پرسیدم. فرمود: بر او قربانی واجب می شود و اگر برای بازگشت به مکه زیر سایه برود نیز قربانی بر او واجب می شود یک قربانی برای عمره یک قربانی برای حج .  
۱۵ - محمد بن فضیل گوید: ما در مکه در دهلیز یحیی بن خالد بودیم، امام کاظم علیه السلام نیز حضور داشتند، ابو یوسف (شاگرد ابو حنیفه) نیز در آن جا بود. او برخاست و چهار زانو برابر امام کاظم علیه السلام نشست و به حضرتش گفت: ای ابوالحسن! قربانت گردم! آیا محرم می تواند در زیر سایه باشد؟  
فرمود: نه.

گفت: آیا می تواند در سایه دیوار و کجاوه باشد و درون اتاق و خیمه برود؟  
فرمود: آری.

راوی گوید: ابو یوسف همانند مسخره گری خندید.

فَقَالَ لَهُ أَبُو الْحَسَنِ عليه السلام: يَا أَبَا يُوسُفَ! إِنَّ الدِّينَ لَيْسَ بِالْقِيَاسِ كَقِيَاسِكَ وَ قِيَاسِ أَصْحَابِكَ، إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَمَرَ فِي كِتَابِهِ بِالطَّلَاقِ وَ أَكَّدَ فِيهِ بِشَاهِدَيْنِ وَ لَمْ يَرْضَ بِهِمَا إِلَّا عَدْلَيْنِ، وَ أَمَرَ فِي كِتَابِهِ بِالتَّزْوِيجِ وَ أَهْمَلَهُ بِلَا شُهُودٍ، فَأَتَيْتُمُ بِشَاهِدَيْنِ فِيمَا أَبْطَلَ اللَّهُ وَ أَبْطَلْتُمُ شَاهِدَيْنِ فِيمَا أَكَّدَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ، وَ أَجَزْتُمُ طَلَاقَ الْمَجْنُونِ وَ السَّكَرَانِ، حَجَّ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله فَأَحْرَمَ وَ لَمْ يُظَلِّلْ وَ دَخَلَ الْبَيْتَ وَ الْخِبَاءَ، وَ اسْتَظَلَ بِالْمَحْمِلِ وَ الْجِدَارِ، فَعَلْنَا كَمَا فَعَلَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله. فَسَكَتَ.

(۹۱)

### بَابُ أَنَّ الْمُحْرِمَ لَا يَزْتَمِسُ فِي الْمَاءِ

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَمَّنْ أَخْبَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

امام کاظم عليه السلام فرمود: ای ابا یوسف! به راستی دین به سان قیاس تو و قیاس یاران تو سنجیده نمی شود.

به راستی که خداوند تعالی در کتابش امر فرمود به طلاق و در آن به دو شاهد تأکید کرد و راضی نشد در آن مگر به دو عادل و امر فرمود در کتابش به ازدواج و برای آن شاهد نخواست پس شما در جایی که خدا شاهد نخواست، شاهد آوردید و در جایی که خداوند تأکید به شاهد فرموده شاهد نیاوردید. شما طلاق دیوانه و مست را جایز شمردید. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله مراسم حج را انجام داد و احرام بست ولی در سایه قرار نگرفت و درون اتاق و خیمه رفت و از سایه کجاوه و دیوار استفاده کرد. ما نیز به سان پیامبر خدا صلى الله عليه وآله رفتار کردیم. در این حال ابو یوسف خاموش شد.

### بخش نود و یکم

### محرم نباید در آب فرو رود

۱ - راوی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

لا يَرْتَمِسُ الْمُحْرَمُ فِي الْمَاءِ.  
 ۲ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ شُعَيْبٍ  
 عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:  
 لا يَرْتَمِسُ الْمُحْرَمُ فِي الْمَاءِ وَلا الصَّائِمُ.

(۹۲)

### بَابُ الطَّيِّبِ لِلْمُحْرَمِ

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ  
 بْنِ شاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ وَ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:  
 لا تَمَسَّ شَيْئًا مِنَ الطَّيِّبِ وَلا مِنْ الدَّهْنِ فِي إِحْرَامِكَ، وَ اتَّقِ الطَّيِّبَ فِي طَعَامِكَ،  
 وَ أَمْسِكْ عَلَى أَنْفِكَ مِنَ الرَّائِحَةِ الطَّيِّبَةِ، وَ لا تُمْسِكْ عَنْهُ مِنَ الرِّيحِ الْمُتَتِنَةِ، فَإِنَّهُ لا  
 يَنْبَغِي لِلْمُحْرَمِ أَنْ يَتَلَذَّذَ بِرِيحٍ طَيِّبَةٍ.

محرم نباید در آب فرو رود.

۲ - یعقوب بن شعیب گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: محرم روزه‌دار نباید در آب فرو  
 روند.

### بخش نود و دوم

### حکم عطر برای محرم

۱ - معاویه بن عمار گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:  
 نباید در حال احرامت بوی خوش به کار ببری و نباید به خودت روغن بمالی و در غذا  
 نیز از بوی خوش بپرهیز و بینی خود را از بوی خوش بازدار و جلوی بینیت را از بوی بد  
 نگیر، زیرا برای محرم سزاوار نیست که از بوی خوش لذت ببرد.

۲- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَمَّنْ أَخْبَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

لَا يَمَسُّ الْمُحْرِمُ شَيْئًا مِنَ الطَّيِّبِ وَلَا الرِّيحَانِ، وَلَا يَتَلَذَّذُ بِهِ وَلَا بِرِيحِ طَيِّبَةٍ، فَمَنْ ابْتُلِيَ بِشَيْءٍ مِنْ ذَلِكَ فَلْيَتَصَدَّقْ بِقَدَرِ مَا صَنَعَ قَدَرِ سَعَتِهِ.

۳- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

مَنْ أَكَلَ زَعْفَرَانًا مُتَعَمِّدًا أَوْ طَعَامًا فِيهِ طِيبٌ فَعَلَيْهِ دَمٌ، فَإِنْ كَانَ نَاسِيًا فَلَا شَيْءَ عَلَيْهِ وَ يَسْتَغْفِرُ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ.

۴- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

الْمُحْرِمُ يُمَسِّكُ عَلَى أَنْفِهِ مِنَ الرِّيحِ الطَّيِّبَةِ، وَلَا يُمَسِّكُ عَلَى أَنْفِهِ مِنَ الرِّيحِ الْمُتَنَتَةِ.

۲- راوی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

محرم نباید از عطر و ریحان استفاده کند و از آن لذت ببرد و همین طور نباید از بوی خوش استفاده کند و هر که از آن استفاده کند بایستی به اندازه توانایی خود صدقه دهد.

۳- زراره گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

کسی که از روی عمد زعفران و یا غذایی که در آن عطر باشد بخورد بر عهده اوست که قربانی کند. اگر این کار از روی فراموشی باشد چیزی بر عهده او نیست و از خدای متعال طلب آمرزش کند.

۴- حلبی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: محرم باید از بوییدن بوی خوشی خودداری

کند، ولی لازم نیست بینی اش را از بوی گند باز دارد.

۵- عَلِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ مِثْلَهُ وَ قَالَ:  
لَا بَأْسَ بِالرَّيْحِ الطَّيِّبَةِ فِيمَا بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ مِنْ رِيحِ الْعَطَّارِينَ، وَ لَا يُمَسِّكَ عَلَى أَنْفِهِ.

۶- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ قَالَ:  
رَأَيْتُ أَبَا الْحَسَنِ (ع) كُشِفَ بَيْنَ يَدَيْهِ طِيبٌ لِيَنْظُرَ إِلَيْهِ وَ هُوَ مُحَرَّمٌ، فَأَمْسَكَ عَلَى أَنْفِهِ بِتَوْبِهِ مِنْ رِيحِهِ.

۷- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ:  
قُلْتُ لَهُ: الْأُشْنَانُ فِيهِ الطِّيبُ أُغْسِلُ بِهِ يَدَيَّ وَ أَنَا مُحَرَّمٌ.  
قَالَ: إِذَا أَرَدْتُمْ الْإِحْرَامَ فَانْظُرُوا مَزَاوِدَكُمْ فَاعْزِلُوا الَّذِي لَا تَحْتَاجُونَ إِلَيْهِ.  
وَ قَالَ: تَصَدَّقْ بِشَيْءٍ كَفَّارَةً لِلْأُشْنَانِ الَّذِي غَسَلْتَ بِهِ يَدَكَ.

۵- نظیر این روایت را هشام بن حکم از امام صادق (ع) نقل می‌کند و حضرتش افزود:  
ایرادی نیست که محرم از بوی خوش مغازه‌های بین صفا و مروه استشمام کند و نباید بینی خود بگیرد.

۶- محمد بن اسماعیل گوید: امام کاظم (ع) را در حال احرام دیدم که مقابلش عطر باز شده بود که به آن نگاه کند. حضرتش با لباسش بینی خود را از بوی آن گرفته بود.

۷- حسن بن زیاد گوید: به امام صادق (ع) گفتم: آیا می‌توانم در حال احرام با اشنان معطر دست خود را بشویم؟

فرمود: هرگاه خواستید محرم شوید، اثاثیه خود را بررسی کنید و چیزهایی را که به آنها احتیاج ندارید کنار گذارید.

و فرمود: چیزی صدقه ده تا کفاره باشد برای اشنانی که دست خود را به آن شستی.



۸- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي الْمَحْرَمِ يُصِيبُ ثَوْبَهُ الطَّيِّبُ. قَالَ: لَا بَأْسَ بِأَنْ يَغْسِلَهُ بِيَدِ نَفْسِهِ.

۹- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ الْكَرِيمِ عَنْ الْحَسَنِ بْنِ هَارُونَ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِنِّي أَكَلْتُ خَبِيصًا حَتَّى شَبِعْتُ وَأَنَا مُحْرَمٌ. فَقَالَ: إِذَا فَرَعْتَ مِنْ مَنَاسِكَكَ وَارَدْتَ الْخُرُوجَ مِنْ مَكَّةَ فَابْتَغِ بِدِرْهَمٍ تَمْرًا فَتَصَدَّقْ بِهِ، فَيَكُونَ كَفَّارَةً لَذَلِكَ وَلِمَا دَخَلَ فِي إِحْرَامِكَ مِمَّا لَا تَعْلَمُ.

۱۰- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ حَنَانِ بْنِ سَدِيرٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام: مَا تَقُولُ فِي الْمِلْحِ فِيهِ زَعْفَرَانٌ لِلْمُحْرَمِ؟ قَالَ: لَا يَنْبَغِي لِلْمُحْرَمِ أَنْ يَأْكُلَ شَيْئًا فِيهِ زَعْفَرَانٌ، وَلَا شَيْئًا مِنَ الطَّيِّبِ.

۸- ابن ابی عمیر گوید: یکی از اصحاب ما گوید: امام صادق عليه السلام درباره محرمی که لباسش معطر می شود فرمود:

ایرادی ندارد که با دست خود آن را بشوید.

۹- حسن بن هارون گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: من در حال احرام حلوی خرمایی که با زعفران بود خوردم تا سیر شدم

فرمود: هرگاه اعمالت پایان یافت و خواستی از مکه بیرون بروی یک درهم خرما بخر و آن را صدقه بده تا کفاره آن و آنچه از روی ناآگاهی بر احرامت داخل شده است، باشد.

۱۰- سدید گوید: به امام باقر عليه السلام گفتم: نظر شما در مورد نمک آمیخته به زعفران برای محرم چیست؟

فرمود: سزاوار نیست برای محرم چیزی بخورد که در آن زعفران و چیزی از عطر باشد.

۱۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنْ يَحْيَى بْنِ عِمْرَانَ الْحَلَبِيِّ عَنِ الْمُعَلَّى أَبِي عُثْمَانَ عَنْ مُعَلَّى بْنِ خُنَيْسٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

كُرِهَ أَنْ يَنَامَ الْمُحْرِمُ عَلَى فِرَاشٍ أَصْفَرٍ أَوْ عَلَى مِرْفَقَةٍ صَفْرَاءَ.

۱۲ - أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

لَا تَمَسَّ رِيحَانًا وَأَنْتَ مُحْرِمٌ وَلَا شَيْئًا فِيهِ زَعْفَرَانٌ وَلَا تَطْعَمَ طَعَامًا فِيهِ زَعْفَرَانٌ.

۱۳ - صَفْوَانٌ عَنْ أَبِي الْمَغْرَاءِ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْمُحْرِمِ يَغْسِلُ يَدَهُ بِالْأُشْنَانِ.

قَالَ: كَانَ أَبِي يَغْسِلُ يَدَهُ بِالْحُرْضِ الْأَبْيَضِ.

۱۱ - معلى بن خنيس گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: خوشایند نیست که محرم بر بستری یا بالش زرد بخوابد

۱۲ - عبدالله بن سنان گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

نباید در حال احرام هیچ نوع گلی و نه چیزی را که در آن زعفران باشد، لمس کنی و غذایی که در آن زعفران باشد مخور.

۱۳ - ابوالمغراء گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: محرم می تواند دست خود را با اشنان بشوید؟

فرمود: پدرم همواره دستش را با اشنان سفید می شست .

- ۱۴ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: لَا بَأْسَ بِأَنْ تَشُمَّ الْأَذْخَرَ وَالْقَيْصُومَ وَالْخُزَامَى وَالشَّيْحَ وَأَشْبَاهَهُ وَأَنْتَ مُحْرِمٌ.
- ۱۵ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ هِلَالٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَبَلَةَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْمُحْرِمِ يَمَسُّ الطَّيِّبَ وَهُوَ نَائِمٌ لَا يَعْلَمُ. قَالَ: يَغْسِلُهُ وَلَيْسَ عَلَيْهِ شَيْءٌ. وَ عَنِ الْمُحْرِمِ يَذْهَبُ بِالْذَّهْنِ الطَّيِّبِ وَ الْمُحْرِمُ لَا يَعْلَمُ مَا عَلَيْهِ. قَالَ: يَغْسِلُهُ أَيْضًا وَ لِيَحْذَرُ.
- ۱۶ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ قَالَ: سَأَلْتُ ابْنَ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ التُّفَّاحِ وَ الْأُتْرُجِّ وَ النَّبَقِ وَ مَا طَابَ رِيحُهُ. قَالَ: تُمَسِّكُ عَنْ شَمِّهِ وَ تَأْكُلُهُ.

- ۱۴ - معاویة بن عمار گوید: ایرادی ندارد که در حال احرام گیاهان خوشبوی: اذخر، قیصوم، خزامی، شیخ و مانند آن‌ها را استشمام کنی.
- ۱۵ - اسحاق بن عمار گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: آیا محرم می‌تواند در حال خواب که نمی‌داند به عطر دست می‌زند؟ فرمود: دست خود را بشوید و چیزی بر عهده او نیست. و هم چنین از حضرتش در مورد محرمی که غیر محرم او را با روغن معطری روغن مالی می‌کند و محرم هم نمی‌داند، پرسیدم فرمود: او نیز خود را می‌شوید و از این کار پرهیز نماید.
- ۱۶ - علی بن مهزیار گوید: از ابن ابی عمیر دربارهٔ سیب، ترنج، میوهٔ سدر و هرچه که خوشبو است پرسیدم. فرمود: محرم از استشمام آنها خودداری کند و می‌تواند آنها را بخورد.

- ۱۷ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُصَدِّقِ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ عَمَّارِ بْنِ مُوسَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْمُحْرَمِ يَأْكُلُ الْأُتْرُجَ. قَالَ: نَعَمْ. قُلْتُ: لَهُ رَائِحَةٌ طَيِّبَةٌ؟ قَالَ: الْأُتْرُجُ طَعَامٌ لَيْسَ هُوَ مِنَ الطَّيِّبِ.
- ۱۸ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُؤَيْدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْحِنَاءِ. فَقَالَ: إِنَّ الْمُحْرَمَ لَيَمَسُّهُ وَيُدَاوِي بِهِ بَعِيرَهُ وَ مَا هُوَ بِطَيِّبٍ وَ مَا بِهِ بَأْسٌ.
- ۱۹ - أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ قَالَ:

- ۱۷ - عَمَّارِ بْنِ مُوسَى گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: آیا محرم می تواند ترنج بخورد؟ فرمود: آری. عرض کردم: آن بوی خوش دارد؟ فرمود: ترنج خوردنی است، از عطریات نیست.
- ۱۸ - عبدالله بن سنان گوید: از امام صادق عليه السلام در مورد حنا پرسیدم؟ فرمود: محرم می تواند آن را لمس کند و شترش را با آن معالجه کند، آن عطر نیست و ایرادی ندارد.
- ۱۹ - حماد بن عثمان گوید:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنِّي جَعَلْتُ ثَوْبِي إِحْرَامِي مَعَ أَثْوَابٍ قَدْ جُمِرَتْ فَأَجِدُ مِنْ رِيحِهَا؟  
قَالَ: فَأَنْشُرْهَا فِي الرِّيحِ حَتَّى يَذْهَبَ رِيحُهَا.

(۹۳)

### بَابُ مَا يُكْرَهُ مِنَ الزَّيْنَةِ لِلْمُحْرَمِ

- ۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:  
لَا تَنْظُرُ فِي الْمِرْآةِ وَأَنْتَ مُحْرِمٌ، لِأَنَّهُ مِنَ الزَّيْنَةِ وَلَا تَكْتَحِلِ الْمَرْأَةُ الْمُحْرِمَةُ بِالسَّوَادِ، إِنَّ السَّوَادَ زِينَةٌ.
- ۲ - عَلِيُّ بْنُ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:  
لَا يَنْظُرُ الْمُحْرِمُ فِي الْمِرْآةِ لِزِينَةٍ، فَإِنْ نَظَرَ فَلْيَلْبَسْ.

به امام صادق علیه السلام گفتم: من لباس های احرام خود را با لباس هایی که بخور داده شده بود  
نهدم، اکنون بوی آن را استشمام می کنم؟  
فرمود: آن ها را در معرض باد پهن کن تا بوی آن ها برود.

### بخش نود و سوم

### کراهت استفاده از زیور آلات برای محرم

- ۱ - حریز گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:  
وقتی محرم هستی به آینه نگاه مکن، زیرا که آن از زینت است و زن محرم نباید سرمه  
سیاه استعمال کند، زیرا سیاهی آن زینت است.
- ۲ - معاویه بن عمار گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:  
نبايد محرم برای آرایش به آینه نگاه کند، پس اگر نگاه کرد بایستی لبیک بگوید.

۳- عَلِيٌّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنِ الْكُحْلِ لِلْمُحْرِمِ.

قَالَ: أَمَّا بِالسَّوَادِ فَلَا، وَلَكِنْ بِالصَّبْرِ وَ الْحُضْضِ.

۴- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبَانَ عَمَّنْ أَخْبَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

إِذَا اشْتَكَى الْمُحْرِمُ عَيْنَيْهِ فَلْيَكْتَحِلْ بِكُحْلٍ لَيْسَ فِيهِ مِسْكٌ وَلَا طِيبٌ.

۵- عَلِيٌّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

الْمُحْرِمُ لَا يَكْتَحِلُ إِلَّا مِنْ وَجَعٍ.

وَقَالَ: لَا بَأْسَ بِأَنْ تَكْتَحِلَ وَأَنْتَ مُحْرِمٌ بِمَا لَمْ يَكُنْ فِيهِ طِيبٌ يُوجَدُ رِيحُهُ، فَأَمَّا لِلزَّيْنَةِ فَلَا.

۳- حلبی گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: به کار بردن سرمه برای محرم چه حکمی دارد؟  
فرمود: سرمه سیاه نه ولی به کار بردن سرمه صبر و حضض (که نوعی دارو هستند) اشکالی ندارد.

۴- راوی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

وقتی چشم محرم درد کند بایستی سرمه‌ای به کار ببرد که در آن مشک و عطر نباشد.

۵- معاویه گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: محرم نباید سرمه به کار ببرد مگر چشمش درد کند.

و فرمود: ایرادی ندارد در حال احرامت از سرمه‌ای استفاده کنی که بوی معطر نداشته باشد؛ ولی برای آرایش نباید سرمه به کار ببری.

(۹۴)

**بَابُ الْعِلَاجِ لِلْمُحْرَمِ إِذَا مَرَضَ أَوْ أَصَابَهُ جُرْحٌ أَوْ خُرَاجٌ أَوْ عِلَّةٌ**

- ۱- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ الْكِنَانِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِذَا اشْتَكَى الْمُحْرِمُ فَلْيَتَدَاوِ بِمَا يَأْكُلُ وَهُوَ مُحْرِمٌ.
- ۲- عَلِيُّ بْنُ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَمَّنْ أَخْبَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: مَرَّ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله عَلَى كَعْبِ بْنِ عُجْرَةَ وَالْقَمْلُ يَتَنَاثَرُ مِنْ رَأْسِهِ وَهُوَ مُحْرِمٌ فَقَالَ لَهُ: أَتُوْذِيكَ هَوَامُّكَ؟  
فَقَالَ: نَعَمْ.
- فَأَنْزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ «فَن كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ بِهِ أَذًى مِنْ رَأْسِهِ فَفِدْيَةٌ مِنْ صِيَامٍ أَوْ صَدَقَةٍ أَوْ نُسُكٍ».

**بخش نود و چهارم****معالجه محرم به هنگام بیماری یا زخمی شدن، در آوردن دمل یا بیماری دیگر**

- ۱- ابو صباح کنانی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:  
وقتی محرم بیمار شود باید با همان دارویی که در حال احرام آن را می خورد مداوا نماید.
- ۲- راوی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: روزی رسول خدا صلى الله عليه وآله از کنار کعب بن عجره، که محرم بود، گذشت، در حالی که شپش از سر او فرو می ریخت. حضرت به او فرمود: آیا جانوران تو را آزار می دهند؟  
گفت: آری.
- پس این آیه فرود آمد که «هرکس از شما بیمار باشد، یا ناراحتی در سر داشت (و ناگزیر باید سرش را بتراشد) پس بر اوست فدیة ای از قبیل روزه یا صدقه یا قربانی بدهد».

فَأَمَرَهُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَنْ يَخْلِقَ وَ جَعَلَ الصَّيَّامَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ، وَ الصَّدَقَةَ عَلَى سِتَّةِ مَسَاكِينَ لِكُلِّ مِسْكِينٍ مُدَّيْنٍ وَ النَّسْكَ شَاءَ.

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ﷺ: وَ كُلُّ شَيْءٍ مِنَ الْقُرْآنِ أَوْ فَصَاحِبُهُ بِالْخِيَارِ يَخْتَارُ مَا شَاءَ وَ كُلُّ شَيْءٍ مِنَ الْقُرْآنِ، فَمَنْ لَمْ يَجِدْ كَذَا فَعَلَيْهِ كَذَا فَلِأُولَى الْخِيَارِ.

۳ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ يَحْيَى الْكَاهِلِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ:

سَأَلَهُ رَجُلٌ ضَرِيرُ الْبَصَرِ وَأَنَا حَاضِرٌ فَقَالَ: أَكْتَحِلُ إِذَا أُحْرِمْتُ.

قَالَ: لَا، وَلِمَ تَكْتَحِلُ؟

قَالَ: إِنِّي ضَرِيرُ الْبَصَرِ، فَإِذَا أَنَا اكْتَحَلْتُ نَفَعَنِي وَإِذَا لَمْ أَكْتَحِلْ ضَرَّنِي.

قَالَ: فَمَا تَكْتَحِلُ.

قَالَ: فَإِنِّي أَجْعَلُ مَعَ الْكُحْلِ غَيْرَهُ.

قَالَ: مَا هُوَ؟

پس رسول خدا ﷺ امر فرمود که او سرش را بتراشد و روزه را سه روز قرار داد و صدقه را بر شش فقیر، برای هر فقیری دو مُد و قربانی را گوسفند قرار داد.

امام صادق ﷺ فرمود: هر موردی که در قرآن «او» باشد، انسان مختار است که در هر کدام خواست برگزیند و هر چیزی از قرآن اگر نتوانست چنین کند پس شایسته است که اختیار کند.

۳ - عبدالله بن یحیی کاهلی گوید: من در خدمت امام صادق ﷺ بودم، مردی که چشمش ضعیف بود از حضرتش پرسید: به هنگام محرم شدن می‌توانم سرمه بکشم؟

فرمود: نه، چرا سرمه می‌کشی؟

گفت: چشمم ضعیف است، چون سرمه می‌کشم مرا بهبود می‌کند و چون سرمه نمی‌کشم به من ضرر می‌رساند.

فرمود: سرمه بکش

گفت: سرمه را با چیز دیگری روی چشمم قرار می‌دهم.

حضرت فرمود: با چه چیزی؟



قَالَ: أَخَذُ خِرْقَتَيْنِ فَأَرَبُّهُمَا فَأَجْعَلُ عَلَى كُلِّ عَيْنٍ خِرْقَةً وَأُعَصِّبُهُمَا بِعَصَابَةٍ إِلَى قَفَايَ، فَإِذَا فَعَلْتُ ذَلِكَ نَفَعَنِي، وَإِذَا تَرَكْتُهُ ضَرَّنِي.  
قَالَ: فَاَصْنَعُهُ.

۴- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبَانَ عَمَّنْ أَخْبَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

سُئِلَ عَنْ رَجُلٍ تَشَقَّقَتْ يَدَاهُ وَرِجْلَاهُ وَهُوَ مُحْرِمٌ أَيْتَدَاوَى؟  
قَالَ: نَعَمْ بِالسَّمَنِ وَالزَّيْتِ.

وَقَالَ: إِذَا اسْتَكَى الْمُحْرِمُ فَلْيَتَدَاوِ بِمَا يَحِلُّ لَهُ أَنْ يَأْكُلَهُ وَهُوَ مُحْرِمٌ.

۵- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنِ الْمُحْرِمِ يَعْصِرُ الدَّمَ لَ وَ يَرْبِطُ عَلَى الْقَرْحَةِ؟  
قَالَ: لَا بَأْسَ.

گفت: دو پارچه را چهارگوش می‌کنم بر هر چشمم پارچه‌ای می‌گذارم و آنها را گره می‌زنم و از پشت سرم می‌بندم، چون این کار را انجام دهم بهبود می‌یابم و اگر آن را انجام ندهم به چشمم ضرر می‌رساند.

فرمود: چنین انجام ده.

۴- راوی گوید: از امام صادق عليه السلام سؤال شد: مرد محرمی که دست‌ها و پاهایش ترک می‌خورد آیا مداوا کند؟

فرمود: آری با روغن و زیتون.

و فرمود: هرگاه محرم مریض شود پس مداوا کند به آنچه که خوردنش در حال احرام بر او حلال است.

۵- معاویه بن عمار گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: محرم دمل را می‌فشارد و می‌بندد؟  
فرمود: ایرادی ندارد.

- ۶- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:   
 إِنْ خَرَجَ بِالرَّجُلِ مِنْكُمْ الْخُرَاجُ أَوْ الدَّمْلُ فَلْيَرْبِطْهُ وَلْيَتَدَاوِ بِزَيْتٍ أَوْ سَمْنٍ.
- ۷- أَحْمَدُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ سَعِيدٍ الْأَعْرَجِ قَالَ:   
 سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الْمُحْرَمِ يَكُونُ بِهِ شَجَّةٌ أَوْ يُدَاوِيهَا أَوْ يُعَصِّبُهَا بِخَرْقَةٍ؟   
 قَالَ: نَعَمْ وَكَذَلِكَ الْقَرْحَةُ تَكُونُ فِي الْجَسَدِ.
- ۸- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ عِمْرَانَ الْحَلَبِيِّ قَالَ:   
 سُئِلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الْمُحْرَمِ يَكُونُ بِهِ الْجُرْحُ فَيَتَدَاوَى بِدَوَاءٍ فِيهِ زَعْفَرَانٌ.   
 قَالَ: إِنْ كَانَ الْغَالِبَ عَلَى الدَّوَاءِ فَلَا، وَإِنْ كَانَتِ الْأَدْوِيَةُ الْغَالِبَةَ عَلَيْهِ فَلَا بَأْسَ.
- ۹- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ نَاجِيَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ مَرْوَانَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

- ۶- هشام بن سالم گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:   
 هرگاه جوش یا دملی بر بدن یکی از شما برآید باید آن را بسته و با زیتون یا روغن مداوا کند.
- ۷- سعید اعرج گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: محرمی که سرش شکسته می‌تواند آن را مداوا کند و یا با پارچه ببندد؟   
 فرمود: آری، و همین گونه است دملی که در بدن ایجاد شده است.
- ۸- عمران حلبی گوید: از امام صادق عليه السلام سؤال شد: محرمی که جراحی دارد می‌تواند از داروی مخلوط به زعفران استفاده کند؟   
 فرمود: اگر زعفران بر آن دارو غالب باشد نه؛ ولی اگر دارو به زعفران غالب باشد، ایرادی ندارد.
- ۹- سماعة گوید:

سَأَلَتْهُ عَنِ الْمُحْرَمِ يُصِيبُ أَذُنُهُ الرِّيحُ فَيَخَافُ أَنْ يَمْرُضَ هَلْ يَصْلُحُ لَهُ أَنْ يَسُدَّ أُذُنَيْهِ بِالْقُطْنِ.

قَالَ: نَعَمْ لَا بَأْسَ بِذَلِكَ إِذَا خَافَ ذَلِكَ وَإِلَّا فَلَا.

۱۰ - أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهْبٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ: لَا بَأْسَ بِأَنْ يُعَصَّبَ الْمُحْرَمُ رَأْسُهُ مِنَ الصُّدَاعِ.

(۹۵)

### بَابُ الْمُحْرَمِ يَحْتَجِمُ أَوْ يَقْضِي ظُفْرًا أَوْ شَعْرًا أَوْ شَيْئًا مِنْهُ

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الْمُحْرَمِ يَحْتَجِمُ قَالَ: لَا إِلَّا أَنْ لَا يَجِدَ بُدًّا فَلْيَحْتَجِمْ وَلَا يَخْلُقْ مَكَانَ الْمَحَاجِمِ.

از امام صادق عليه السلام پرسیدم: محرمی که به گوشش باد می خورد و می ترسد که بیمار شود آیا می تواند بر گوشش پنبه نهد؟

فرمود: آری، زمانی که از آن ترسید، ایرادی ندارد و اگر نترسد، نه.

۱۰ - معاوية بن وهب گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

اشکالی ندارد که محرم به جهت سر درد، سرش را ببندد.

### بخش نود و پنجم

حکم محرمی که حجامت می کند، یا ناخن ها یا موها یا چیزی

از آن را کوتاه می کند

۱ - حلبی گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: محرم می تواند حجامت کند؟

فرمود: نه، مگر آن که ناچار باشد، در این صورت حجامت کرده و جای آن را نتراشد.

- ۲- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ مُثَنَّى بْنِ عَبْدِ السَّلَامِ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: لَا يَحْتَجِمُ الْمُحْرِمُ إِلَّا أَنْ يَخَافَ عَلَى نَفْسِهِ أَنْ لَا يَسْتَطِيعَ الصَّلَاةَ.
- ۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الْمُحْرِمِ تَطَوُّلَ أَظْفَارِهِ أَوْ يَنْكَسِرُ بَعْضُهَا فَيُؤْذِيهِ ذَلِكَ. قَالَ: لَا يَقْصُصُ مِنْهَا شَيْئًا إِنْ اسْتَطَاعَ، فَإِنْ كَانَتْ تُؤْذِيهِ فَلْيَقْصِّهَا وَ لِيَطْعِمَ مَكَانَ كُلِّ ظُفْرٍ قَبْضَةً مِنْ طَعَامٍ.
- ۴- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَمَّنْ أَخْبَرَهُ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام فِي مُحْرِمٍ قَلَّمَ ظُفْرًا. قَالَ: يَتَصَدَّقُ بِكَفِّ مِنْ طَعَامٍ. قَالَ: ظُفْرَيْنِ. قَالَ: كَفَيْنِ.

- ۲- زراره گوید: امام باقر عليه السلام فرمود: محرم نمی تواند حجامت کند مگر این که بترسد توانایی بر خواندن نماز نداشته باشد.
- ۳- معاویه بن عمار گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: محرمی که ناخن هایش بلند می شود، یا بعضی از آنها می شکند و او را آزار می دهد، (آیا می تواند بچیند؟) فرمود: اگر بتواند نباید آنها را بچیند، ولی اگر موجب آزار او شود بایستی آنها را بچیند و در مقابل هر ناخنی مشتی از طعام اطعام کند.
- ۴- راوی گوید: امام باقر عليه السلام درباره محرمی که ناخن خود را بچیند فرمود: مشتی از طعام صدقه دهد.
- راوی عرض کرد: دو ناخن باشد چطور؟
- فرمود: دو مشت از طعام.

قُلْتُ: ثَلَاثَةً.

قَالَ: ثَلَاثَةٌ أَكْفٍ.

قُلْتُ: أَرْبَعَةً؟

قَالَ: أَرْبَعَةٌ أَكْفٍ.

قُلْتُ: خَمْسَةً؟

قَالَ: عَلَيْهِ دَمٌ يَهْرِيْقُهُ، فَإِنْ قَصَّ عَشْرَةً أَوْ أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ فَلَيْسَ عَلَيْهِ إِلَّا دَمٌ يَهْرِيْقُهُ.

۵- حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنْ حَسَنِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ رِبَاطٍ عَنْ هَاشِمِ بْنِ الْمُثَنَّى عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِذَا قَلَّمَ الْمُحْرِمُ أَظْفَارَ يَدَيْهِ وَرِجْلَيْهِ فِي مَكَانٍ وَاحِدٍ، فَعَلَيْهِ دَمٌ وَاحِدٌ وَإِنْ كَانَتْ مُتَفَرِّقَتَيْنِ فَعَلَيْهِ دَمَانِ.

[راوی گوید: ] عرض کردم: سه ناخن چطور؟

فرمود: سه مشت از طعام.

عرض کردم: چهار ناخن چطور؟

فرمود: چهار مشت از طعام.

عرض کردم: پنج ناخن چطور؟

فرمود: بایستی یک قربانی کند. پس اگر ده ناخن یا بیشتر از آن را بچیند، فقط یک قربانی بر عهده اوست.

۵- ابوبصیر گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

وقتی محرم ناخن‌های دست و پایش را یک جا بچیند بر او یک قربانی است و اگر جداگانه باشد بر او دو قربانی است.

- ۶- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ:  
سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ نَسِيَ أَنْ يَقْلَمَ أَظْفَارَهُ عِنْدَ إِحْرَامِهِ.  
قَالَ: يَدْعُهَا.  
قُلْتُ: فَإِنَّ رَجُلًا مِنْ أَصْحَابِنَا أَفْتَاهُ بِأَنْ يَقْلَمَ أَظْفَارَهُ وَ يُعِيدَ إِحْرَامَهُ فَفَعَلَ.  
قَالَ: عَلَيْهِ دَمٌ يَهْرِيْقُهُ.
- ۷- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:  
لَا يَأْخُذُ الْمُحْرِمُ مِنْ شَعْرِ الْحَلَالِ.
- ۸- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ جَمِيعاً عَنْ ابْنِ مَجْبُوبٍ عَنْ ابْنِ رِثَابٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:  
مَنْ حَلَقَ رَأْسَهُ أَوْ نَتَفَ إِطْبَهُ نَاسِيًا أَوْ سَاهِيًا أَوْ جَاهِلًا فَلَا شَيْءَ عَلَيْهِ وَ مَنْ فَعَلَهُ مُتَعَمِّدًا فَعَلَيْهِ دَمٌ.

- ۶- اسحاق بن عمار گوید: از امام کاظم عليه السلام پرسیدم: مردی که از روی فراموشی در حال احرام ناخن‌هایش را بچیند (چه وظیفه‌ای دارد؟)  
فرمود: آنها را رها می‌کند.  
عرض کردم: یکی از اصحاب ما فتوا داده که ناخن‌هایش را بچیند و احرامش را اعاده کند. او نیز این کار را انجام داد.  
فرمود: بر او قربانی است.
- ۷- معاویه بن عمار گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:  
محرم نباید موی غیر محرم را بچیند.
- ۸- زراره گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:  
هر که سر یا موی زیر بغل خود را از روی فراموشی یا سهو یا ناآگاهی بتراشد، چیزی بر عهده او نیست و کسی که از روی عمد انجام دهد بر عهده اوست که یک قربانی نماید.

۹- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

إِنْ نَتَفَ الْمُحْرِمُ مِنْ شَعْرِ لِحْيَتِهِ وَغَيْرِهَا شَيْئًا فَعَلَيْهِ أَنْ يُطْعِمَ مَسْكِينًا فِي يَدِهِ.  
 ۱۰- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ فَضَالٍ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ لَيْثِ الْمُرَادِيِّ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الرَّجُلِ يَتَنَاوَلُ لِحْيَتَهُ وَهُوَ مُحْرِمٌ فَيَعْبَثُ بِهَا فَيَنْتَفُ مِنْهَا الطَّاقَاتِ يَبْقَيْنَ فِي يَدِهِ خَطًّا أَوْ عَمْدًا.  
 قَالَ: لَا يَضُرُّهُ.

۱۱- أَحْمَدُ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ قَالَ:  
 قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

إِذَا وَضَعَ أَحَدُكُمْ يَدَهُ عَلَى رَأْسِهِ أَوْ لِحْيَتِهِ وَهُوَ مُحْرِمٌ فَسَقَطَ شَيْءٌ مِنَ الشَّعْرِ فَلْيَتَصَدَّقْ بِكَفِّينَ مِنْ كَعْكَ أَوْ سَوِيْقٍ.

۹- حلبی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

هرگاه محرم چیزی از موی ریشش و یا غیر آن را بکند بر اوست که مسکینی را با دستش اطعام نماید.

۱۰- لیث مرادی گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: محرمی که ریش خود را می جود و با آن بازی می کند پس چند تار موی آن کنده شده در دستش می ماند این کار از روی عمد یا سهوا انجام پذیرد چه حکمی دارد؟

فرمود: ضرری به او نمی رساند.

۱۱- هشام بن سالم گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

وقتی یکی از شما در حال احرام دستش را بر سر یا ریش خود بگذارد و چیزی از مو بیافتد، بایستی پس دو مشت کعک یا سویق صدقه دهد.

(۹۶)

**بَابُ الْمُحْرَمِ يُلْقِي الدَّوَابَّ عَنْ نَفْسِهِ**

- ۱ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ أَبَانَ عَنْ أَبِي الْجَارُودِ قَالَ:  
سَأَلَ رَجُلٌ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ قَتَلَ قَمَلَةً وَهُوَ مُحْرِمٌ.  
قَالَ: بِئْسَ مَا صَنَعَ!  
قَالَ: فَمَا فِدَاؤُهَا؟  
قَالَ: لَا فِدَاءَ لَهَا.
- ۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ:  
قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: مَا تَقُولُ فِي مُحْرِمٍ قَتَلَ قَمَلَةً؟  
قَالَ: لَا شَيْءَ عَلَيْهِ فِي الْقَمَلِ، وَلَا يَنْبَغِي أَنْ يَتَعَمَّدَ قَتْلَهَا.

**بخش نود و ششم****حکم محرمی که جانوران را از خود دور می کند**

- ۱ - ابی جارود گوید: مردی از امام باقر عليه السلام پرسید: کسی که در حال احرام شپشی را کشت (چه حکمی دارد؟)  
فرمود: چه کار بدی کرده است!  
گفت: فداء و كفارة آن چیست؟  
فرمود: برای او فداء و كفارة ای نیست.
- ۲ - معاویه بن عمار گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: نظر شما درباره محرمی که شپشی را می کشد چیست؟  
فرمود: در این مورد چیزی بر عهده نیست و سزاوار نیست که از روی عمد به کشتن آن اقدام کند.



۳ - الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَاءِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَائِدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْعَلَاءِ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: لَا يَزِمِي الْمُحْرِمُ الْقَمْلَةَ مِنْ تَوْبِهِ، وَ لَا مِنْ جَسَدِهِ مُتَعَمِّدًا، فَإِنْ فَعَلَ شَيْئًا مِنْ ذَلِكَ فَلْيُطْعِمْ مَكَانَهَا طَعَامًا.  
قُلْتُ: كَمْ؟  
قَالَ: كَفًّا وَاحِدًا.

۴ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ:  
قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: أَرَأَيْتَ إِنْ وَجَدْتُ عَلِيَّ قَرَادًا أَوْ حَلَمَةً أَطْرَحُهُمَا؟  
قَالَ: نَعَمْ وَ صَغَارُ لَهُمَا، إِنَّهُمَا رَقِيَا فِي غَيْرِ مَرْقَاهُمَا.

- ۳ - حسین بن ابی‌علا گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:  
محرم نباید از روی عمد شپش را از لباس و بدن خود دور کند و اگر این کار را انجام داد پس در ازای آن بایستی اطعام کند.  
عرض کردم: چقدر؟  
فرمود: یک مشت.
- ۴ - عبدالله بن سنان گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: اگر در حال احرام در بدن خود کنه‌ای و یا کرمی بینم می‌توانم آنها را دور کنم؟  
فرمود: آری، برای خوار ساختن آنها؛ چرا که آنها در جایی برآمده‌اند که جایشان نیست.

(۹۷)

**بَابُ مَا يَجُوزُ لِلْمُحْرِمِ قَتْلُهُ وَ مَا يَجِبُ عَلَيْهِ فِيهِ الْكَفَّارَةُ**

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزِ عَمَّنْ أَخْبَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

كُلُّ مَا خَافَ الْمُحْرِمُ عَلَى نَفْسِهِ مِنَ السَّبَاعِ وَ الْحَيَّاتِ وَ غَيْرِهَا فَلْيَقْتُلْهُ، فَإِنْ لَمْ يُرِدْكَ فَلَا تُرِدْهُ.

۲ - عَلِيُّ بْنُ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ جَمِيعاً عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ صَفْوَانَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

إِذَا أُحْرِمْتَ فَاتَّقِ قَتْلَ الدَّوَابِّ كُلِّهَا إِلَّا الْأَفْعَى وَ الْعُقْرَبَ وَ الْقَارَةَ، فَإِنَّهَا تُوهِي السَّقَاءَ وَ تُحْرِقُ عَلَى أَهْلِ الْبَيْتِ، وَ أَمَّا الْعُقْرَبُ، فَإِنَّ نَبِيَّ اللَّهِ صلى الله عليه وآله مَدَّ يَدَهُ إِلَى الْحَجَرِ فَلَسَعَتْهُ عُقْرَبٌ فَقَالَ: «لَعَنَكَ اللَّهُ لَا بَرًّا تَدْعِينِ وَ لَا فَاجِرًا».

**بخش نود و هفتم****چیزهایی که کشتن آنها برای محرم جایز است****و چیزهایی که کفاره آور است**

۱ - راوی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

از جاننداری که محرم بر جان خود بترسد - از درندگان، مارها و غیر آن ... - می تواند آن را بکشد و اگر جانوری با تو کاری نداشته باشد تو نیز با آن کاری نداشته باش.

۲ - معاویه بن عمار گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

آن گاه که محرم شدی از کشتن تمام جنبنده ها بپرهیز، مگر مار افعی، عقرب و موش. زیرا موش خیک را پاره کرده و خانه را بر اهلش آتش می زند، در مورد عقرب؛ پس پیامبر خدا صلی الله علیه و آله دستش را بر سنگی دراز کرد. عقربی دستش را نیش زد. حضرتش فرمود: خدا تو را لعنت کند! خوب و بد را رها نمی گذاری.

وَ الْحَيَّةُ إِذَا أَرَادَتْكَ فَاقْتُلْهَا، فَإِنْ لَمْ تُرِدْكَ فَلَا تُرِدْهَا، وَ الْكَلْبُ الْعَقُورُ وَ السَّبُعُ إِذَا أَرَادَكَ فَاقْتُلْهُمَا، فَإِنْ لَمْ يُرِيدَكَ فَلَا تُرِيدُهُمَا وَ الْأَسْوَدُ الْعَدِرُ فَاقْتُلْهُ عَلَى كُلِّ حَالٍ وَ اِزِمِ الْعُرَابَ رَمِيًّا وَ الْحِدَاةَ عَلَى ظَهْرِ بَعِيرِكَ.

۳ - عَلِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

يُقْتَلُ فِي الْحَرَمِ وَ الْإِحْرَامِ الْأَفْعَى وَ الْأَسْوَدُ الْعَدِرُ وَ كُلُّ حَيَّةٍ سَوَاءٍ وَ الْعَقْرَبُ وَ الْفَأْرَةُ وَ هِيَ الْقُوَيْسِقَةُ وَ يُرْجَمُ الْعُرَابُ وَ الْحِدَاةُ رَجْمًا، فَإِنْ عَرَضَ لَكَ لُصُوصٌ امْتَنَعْتَ مِنْهُمْ.

۴ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ غِيَاثِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

يُقْتَلُ الْمُحْرِمُ الزُّبُورُ وَ النَّسْرُ وَ الْأَسْوَدُ الْعَدِرُ وَ الذُّئْبُ وَ مَا خَافَ أَنْ يَعْدُوَ عَلَيْهِ وَ قَالَ: الْكَلْبُ الْعَقُورُ هُوَ الذُّئْبُ.

و هر گاه ماری به طرف تو آمد آن را بکش، اگر با تو کاری نداشت تو به آن کار نداشته باش. اگر سگ ها و درندگان به تو حمله کردند، آنها را از پای درآور و اگر با تو کاری نداشتند با آنها کاری نداشته باش. مار سیاه پلید است، پس در هر جایی آن را بکش و به کلاغ و زغن (که نوعی کلاغ است) سنگ بزن، گرچه بر پشت شترت باشد.

۳ - حلبی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

حیوانات ذیل در محدوده حرم و در حال احرام کشته می شوند: مار افعی، مار سیاه پلید و هر مار پلیدی، عقرب و موش - که همان فویسه نام دارد - و کلاغ و زغن با سنگ زده می شوند. پس اگر با دزدانی رو به روی شدی، از آنها امتناع کن.

۴ - ابراهیم گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

محرم می تواند زنبور، کرکس، مار سیاه پلید، گرگ - و هر چه را که می ترسد با او دشمنی کند - بکشد.

فرمود: سگ درنده همان گرگ است.

۵- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ مُحْرِمٍ قَتَلَ زُنْبُورًا.

قَالَ: إِنْ كَانَ خَطَأً فَلَيْسَ عَلَيْهِ شَيْءٌ.

قُلْتُ: لَا، بَلْ مُتَعَمِّدًا.

قَالَ: يُطْعَمُ شَيْئًا مِنْ طَعَامٍ.

قُلْتُ: إِنَّهُ أَرَادَنِي.

قَالَ: كُلُّ شَيْءٍ أَرَادَكَ فَاقْتُلْهُ.

۶- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ

مُثَنَّى بْنِ عَبْدِ السَّلَامِ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَحَدِهِمَا عليه السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ الْمُحْرِمِ يَقْتُلُ الْبَقَّةَ وَ الْبُرْغُوثَ إِذَا أَرَادَاهُ؟

قَالَ: نَعَمْ.

۵- معاویه گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: محرمی که زنبوری را می‌کشد (چه حکمی

دارد؟)

فرمود: اگر از روی اشتباه باشد چیزی براو نیست.

گفتم: نه، بلکه از روی عمد بوده است؟

فرمود: چیزی از غذا اطعام می‌کند.

گفتم: زنبور می‌خواست مرا نیش بزند؟

فرمود: هر چه تو را قصد کرد پس آن را بکش.

۶- زراره گوید: از امام (باقریا امام صادق عليه السلام) پرسیدم: آیا محرم می‌تواند پشه و کک را

که آزارش می‌دهند بکشد؟

فرمود: آری.

۷ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ سَهْلٍ بْنِ زِيَادٍ عَنْ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ رِثَابٍ عَنْ مِسْمَعٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: الْيَرْبُوعُ وَالْقَنْفُذُ وَالضَّبُّ إِذَا أَمَاتَهُ الْمُحْرِمُ فِيهِ جَدْيٌ وَالْجَدْيُ خَيْرٌ مِنْهُ وَإِنَّمَا قُلْتُ هَذَا كَيْ يَنْكُلَ عَنْ صَيْدٍ غَيْرِهَا.

۸ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

إِنَّ الْقِرَادَ لَيْسَ مِنَ الْبَعِيرِ وَالْحَلَمَةُ مِنَ الْبَعِيرِ بِمَنْزِلَةِ الْقَمْلَةِ مِنْ جَسَدِكَ فَلَا تُلْقِيهَا وَ أَلْقِ الْقِرَادَ.

۹ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ الْمُحْرِمِ يُقَرِّدُ الْبَعِيرَ. قَالَ: نَعَمْ وَ لَا يَنْزِعُ الْحَلَمَةَ.

۷ - مسمع گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هرگاه محرم کلا نگوش، خارپشت و سوسمار را بکشد بایستی یک بزغاله قربانی کند و بزغاله از آن (مقتول) برتر است و این را گفتم تا محرم از صید غیر آن سرباز زند.

۸ - حرّیز گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

کنه از شتر پدید نمی آید و حلّمه (نوعی کرمک) از شتر مانند شپش از بدن توست. پس آن را از شتر نینداز و کنه را بینداز.

۹ - ابوبصیر گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: محرم می تواند کنه را از شتر دور کند؟

فرمود: آری، ولی حلّمه (نوعی کرمک) را دور نکند.

- ۱۰- أَحْمَدُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْعَرْزَمِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ قَالَ: يَقْتُلُ الْمُحْرِمُ كُلَّ مَا خَشِيَهُ عَلَى نَفْسِهِ.
- ۱۱- أَحْمَدُ عَنْ ابْنِ فَضَالٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَا بَأْسَ بِقَتْلِ الْبُرْغُوثِ وَالْقَمَلَةِ وَالْبَقَّةِ فِي الْحَرَمِ.
- ۱۲- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ الْقَلَانِسِيِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ عَنْ أَبَانَ عَنْ أَبِي الْجَارُودِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: حَكَّكْتُ رَأْسِي وَأَنَا مُحْرِمٌ فَوَقَعَتْ قَمَلَةٌ. قَالَ: لَا بَأْسَ. قُلْتُ: أَيُّ شَيْءٍ تَجْعَلُ عَلَيَّ فِيهَا؟ قَالَ: وَمَا أَجْعَلُ عَلَيْكَ فِي قَمَلَةٍ، لَيْسَ عَلَيْكَ فِيهَا شَيْءٌ.

- ۱۰- عبدالرحمان عزمی گوید: امام صادق علیہ السلام از پدر بزرگوارش علیہ السلام نقل می‌کند که حضرت علی علیہ السلام فرمود:
- محرم هر جاننداری را که بر جان خویش احساس خطر کند، می‌تواند به قتل برساند.
- ۱۱- زراره گوید: امام صادق علیہ السلام فرمود:
- ایرادی ندارد که انسان در حرم کک، شپش و پشه را بکشد.
- ۱۲- ابو جارود گوید: به امام صادق علیہ السلام عرض کردم: سرم را در احرام خاراندم پس شپشی افتاد (چه حکمی دارد؟)
- فرمود: ایرادی ندارد.
- گفتم: چه کفاره‌ای بر عهده من - به خاطر این کار - قرار می‌دهی؟
- فرمود: در مورد شپش چیزی بر عهده تو قرار نمی‌دهم. چیزی در آن بر تو لازم نیست.

(۹۸)

## بَابُ الْمُحْرَمِ يَذْبَحُ وَيَحْتَشُّ لِذَابْتِهِ

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

الْمُحْرَمُ يَذْبَحُ الْبَقَرَ وَالْإِبِلَ وَالْغَنَمَ وَكُلَّ مَا لَمْ يَصْفَ مِنَ الطَّيْرِ، وَ مَا أُحِلَّ لِلْحَلَالِ أَنْ يَذْبَحَهُ فِي الْحَرَمِ وَهُوَ مُحْرَمٌ فِي الْحِلِّ وَالْحَرَمِ.

۲- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُوسَى بْنِ سَعْدَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْمُحْرَمُ يَنْحَرُ بَعِيرَهُ أَوْ يَذْبَحُ شَاتَهُ؟ قَالَ: نَعَمْ.

قُلْتُ لَهُ: يَحْتَشُّ لِذَابْتِهِ وَبَعِيرِهِ.

قَالَ: نَعَمْ وَ يَقْطَعُ مَا شَاءَ مِنَ الشَّجَرِ حَتَّى يَدْخُلَ الْحَرَمَ، فَإِذَا دَخَلَ الْحَرَمَ فَلَا.

## بخش نود و هشتم

## حکم محرمی که ذبح می کند و برای چهارپای خود علف می چیند

۱- حریز گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

محرم می تواند گاو، شتر، گوسفند، پرندگان حلال گوشت و آنچه را که بر غیر محرم حلال است در حرم در حال احرام - خواه در حرم و خواه بیرون آن باشد - ذبح کند.

۲- عبدالله بن سنان گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: محرم می تواند شترش را نحر کند و یا گوسفندش را ذبح نماید؟

فرمود: آری.

گفتم: محرم می تواند برای چهارپا و شترش علف بچیند؟

فرمود: آری و آنچه خواست می تواند از درخت برد تا وارد حرم شود، چون وارد

حرم شد دیگر نمی تواند چنین نماید.

(۹۹)

**بَابُ أَدَبِ الْمُحْرَمِ**

- ۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِذَا حَكَكَتَ رَأْسَكَ فَحُكَّهُ حَكًّا رَفِيقًا وَلَا تُحَكِّنْ بِالْأُظْفَارِ، وَ لَكِنْ بِأَطْرَافِ الْأَصَابِعِ.
- ۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِذَا اغْتَسَلَ الْمُحْرَمُ مِنَ الْجَنَابَةِ يَصُبُّ عَلَى رَأْسِهِ وَيُمِيزُ الشَّعْرَ بِأَنَامِلِهِ بَعْضُهُ مِنْ بَعْضٍ.
- ۳ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

**بخش نود و نهم****آداب محرم**

- ۱ - ابوبصیر گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: هر گاه سرت را خاریدی آن را آهسته بخاران و با ناخن هایت مخاران، ولی با اطراف انگشتانت بخاران.
- ۲ - حریر گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: هر گاه محرم می‌خواهد از جنابت غسل کند بایستی آب را بر سرش ریخته و با انگشتانش لای موهایش را وا کند.
- ۳ - یکی از اصحاب ما گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:



لَا بَأْسَ بِأَنْ يَدْخُلَ الْمُحْرِمُ الْحَمَّامَ، وَلَكِنْ لَا يَتَدَلَّكَ.

۴- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:  
لَيْسَ لِلْمُحْرِمِ أَنْ يُلَبِّيَ مَنْ دَعَاهُ حَتَّى يَقْضِيَ إِحْرَامَهُ.  
قُلْتُ: كَيْفَ يَقُولُ؟  
قَالَ: يَقُولُ: يَا سَعْدُ!

۵- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى وَ أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُصَدِّقِ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ عَمَّارِ بْنِ مُوسَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:  
سَأَلْتُهُ عَنِ الْمُحْرِمِ يَتَخَلَّلُ.  
قَالَ: لَا بَأْسَ.

ایرادی نیست که محرم به حمام رود، ولی نباید کیسه بمالد.

۴- حمّاد بن عیسی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

محرم نمی تواند در پاسخ کسی لبیک بگوید تا وقتی که احرامش را به پایان برساند.

راوی گوید: گفتم: پس چگونه پاسخ دهد؟

فرمود: بگوید: ای سعادتمند!

۵- عمار بن موسی گوید: از امام صادق عليه السلام در مورد محرمی که خلال می کند پرسیدم؟

فرمود: ایرادی ندارد.

۶- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ قَالَ:  
قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: الْمُحْرَمُ يَسْتَاكُ؟  
قَالَ: نَعَمْ.

قُلْتُ: فَإِنْ أَدْمَى يَسْتَاكُ.

قَالَ: نَعَمْ هُوَ مِنَ السُّنَّةِ.

وَرُويَ أَيْضًا: لَا يَسْتَدْمِي.

۷- حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنْ ابْنِ سَمَاعَةَ عَنْ غَيْرِ وَاحِدٍ عَنْ أَبَانٍ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: هَلْ يَحْكُ الْمُحْرَمُ رَأْسَهُ وَيَغْتَسِلُ بِالْمَاءِ؟

قَالَ: يَحْكُ رَأْسَهُ مَا لَمْ يَتَعَمَّدَ قَتْلَ دَابَّةٍ، وَلَا بِأَسٍ أَنْ يَغْتَسِلَ بِالْمَاءِ وَيَصُبَّ  
عَلَى رَأْسِهِ مَا لَمْ يَكُنْ مُلَبَّدًا، فَإِنْ كَانَ مُلَبَّدًا فَلَا يُفِيضُ عَلَى رَأْسِهِ الْمَاءَ إِلَّا مِنَ  
الِإِحْتِلَامِ.

۶- معاوية بن عمار گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: آیا محرم می تواند مسواک بزند؟  
فرمود: آری.

گفتم: پس اگر از لثه هایش خون بیاید چه حکمی دارد؟

فرمود: آری، مسواک زدن از سنت است.

هم چنین روایت شده است: سعی کند از لثه هایش خون نیاورد.

۷- زراره گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: آیا محرم می تواند سر خود را بخاراند و با آب  
بشوید؟

فرمود: می تواند سرش را بخاراند در صورتی که قصد کشتن جانوری را نداشته باشد و

ایرادی ندارد که با آب سرش را بشوید و آب را بر سر خود بریزد در صورتی که موهایش

بهم چسبیده نباشد. پس اگر چنین باشد فقط در غسل از احتلام می تواند بر سرش آب بریزد.

- ۸- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:
- يُكْرَهُ الْإِحْتِبَاءُ لِلْمُحْرِمِ، وَيُكْرَهُ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ.
- ۹- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ حَفْصِ بْنِ الْبُخْتَرِيِّ عَنْ أَبِي حَلَّالٍ الرَّازِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:
- سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلَيْنِ افْتَتَلَا وَهُمَا مُحْرِمَانِ.
- قَالَ: سُبْحَانَ اللَّهِ! بئسَ مَا صَنَعَا.
- قُلْتُ: قَدْ فَعَلَا فَمَا الَّذِي يَلْزَمُهُمَا؟
- قَالَ: عَلَى كُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا دَمٌ.
- ۱۰- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْعَمْرِيِّ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَخِيهِ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:
- سَأَلْتُهُ عَنِ الْمُحْرِمِ يُصَارِعُ هَلْ يَصْلُحُ لَهُ؟

۸- حمّاد بن عثمان گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

احتباء (جمع کردن پشت پای ساق‌ها در لباس) بر محرم و در مسجد الحرام مکروه است.

۹- ابو حلال رازی گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد ستیز دو محرم پرسیدم؟

فرمود: سبحان الله! چه کار بدی کردند!

گفتم: مرتکب چنین عملی شده‌اند چه چیزی بر ذمه آنهاست؟

فرمود: بر هر کدام از آنها یک قربانی است.

۱۰- علی بن جعفر گوید: از برادرم امام کاظم علیه السلام پرسیدم: آیا شایسته است که محرم

کشتی بگیرد؟

قَالَ: لَا يَصْلُحُ لَهُ مَخَافَةٌ أَنْ يُصِيبَهُ جِرَاحٌ أَوْ يَقَعَ بَعْضُ شَعْرِهِ.

۱۱- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَبَلَةَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَعِيدٍ قَالَ:

سَأَلَ أَبُو عَبْدِ الرَّحْمَنِ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الْمُحْرِمِ يُعَالِجُ دَبَرَ الْجَمَلِ.

قَالَ: فَقَالَ: يُلْقِي عَنْهُ الدَّوَابَّ وَلَا يُدْمِيهِ.

۱۲- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ عَمْرِو بْنِ

سَعِيدٍ عَنْ مُصَدِّقِ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ عَمَّارِ بْنِ مُوسَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنِ الْمُحْرِمِ يَكُونُ بِهِ الْجَرَبُ فَيُؤْذِيهِ.

قَالَ: يَحْكُهُ، فَإِنْ سَالَ مِنْهُ الدَّمُ فَلَا بَأْسَ.

فرمود: خوب نیست، چرا که بیم آن می‌رود که دچار جراحی شود یا از مویش کنده شود.

۱۱- عبدالله بن سعید گوید: ابو عبدالرحمان از امام صادق عليه السلام در مورد محرمی که زخم پشت شتر را معالجه می‌کند پرسید؟

فرمود: حشرات را از او دور کنند به گونه‌ای که خون آلود نشود.

۱۲- عمار بن موسی گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: محرمی که مبتلا به بیماری جَرَب است و بیماری او را اذیت می‌کند چه حکمی دارد؟

فرمود: می‌تواند آن را بخاراند و اگر خون هم جاری شود، ایرادی ندارد.

(۱۰۰)

## بَابُ الْمُحْرَمِ يَمُوتُ

- ۱ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ ابْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام فِي الْمُحْرَمِ يَمُوتُ قَالَ: يُغَسَّلُ وَ يُكْفَنُ وَ يُعْطَى وَ جُفَاهُ وَ لَا يُحَنَّطُ، وَ لَا يُمَسُّ شَيْئاً مِنَ الطَّيِّبِ.
- ۲ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْمُحْرَمِ يَمُوتُ. قَالَ: يُغَسَّلُ وَ يُكْفَنُ بِالثِّيَابِ كُلِّهَا يُصْنَعُ بِهِ كَمَا يُصْنَعُ بِالْمُحِلِّ غَيْرَ أَنَّهُ لَا يُمَسُّ الطَّيِّبَ.
- ۳ - مُحَمَّدٌ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ فَضَالٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ أَبِي مَرْيَمَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

## بخش صدم

## حکم محرمی که از دنیا برود

- ۱ - ابن ابو حمزه گوید: امام کاظم عليه السلام درباره محرمی که بمیرد فرمود: او غسل و کفن گردد و صورتش پوشیده می شود، حنوط نمی شود و معطر نمی گردد.
- ۲ - سماعه نیز گوید: از حضرتش درباره محرمی که بمیرد پرسیدم. فرمود: او غسل داده می شود و همه تنش با پارچه کفن می شود و همه احکامی که برای مرده غیر محرم اجرا می شود برای او نیز اجرا می گردد، مگر این که او معطر نمی گردد.
- ۳ - ابو مریم گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

تُوفِّي عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بِالْأَبْوَاءِ وَهُوَ مُحْرِمٌ وَمَعَهُ الْحَسَنُ وَ  
الْحُسَيْنُ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ وَعَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ وَعَبْدُ اللَّهِ وَعُبَيْدُ اللَّهِ ابْنَا الْعَبَّاسِ، فَكَفَّنُوهُ وَ  
خَمَرُوا وَجْهَهُ وَرَأْسَهُ وَلَمْ يُحْنُطُوهُ.

وَقَالَ: هَكَذَا فِي كِتَابِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

۴ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ هِلَالٍ عَنْ  
عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَبَلَةَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:  
سَأَلْتُهُ عَنِ الْمَرْأَةِ الْمُحْرِمَةِ تَمُوتُ وَهِيَ طَامِئَةٌ.  
قَالَ: لَا تَمَسَّ الطَّيِّبَ، وَإِنْ كُنَّ مَعَهَا نِسْوَةٌ حَلَالٌ.

(۱۰۱)

### بَابُ الْمَحْضُورِ وَالْمُضْدُودِ وَمَا عَلَيْهِمَا مِنَ الْكَفَّارَةِ

۱ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ ابْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ دَاوُدَ بْنِ سِرْحَانَ عَنْ  
عَبْدِ اللَّهِ بْنِ فَرْقَدٍ عَنْ حُمْرَانَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

عبدالرحمان بن حسن بن علی در حال احرام در ابواء از دنیا رفت، همراه او امام حسن  
و امام حسین علیهما السلام، عبدالله بن جعفر و عبدالله و عبیدالله دو فرزندان عباس بودند. پس او را  
کفن کردند صورت و سرش را پوشانیدند و بر او حنوط نکردند.  
حضرت فرمود: در کتاب علی علیه السلام این گونه آمده است.

۴ - اسحاق بن عمار گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: زن محرمی که در عادت ماهانه  
بمیرد چه حکمی دارد؟

فرمود: به او عطر زده نمی‌شود، گرچه همراه او زنان غیر محرم نیز باشند.

### بخش صد و یکم

حکم کسی که به علت بیماری و یا مانع شدن دشمن نمی‌تواند وارد مکه  
شود و کفاره‌ای که بر این موارد تعلق می‌گیرد

۱ - حمران گوید: امام باقر علیه السلام فرمود:

إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ حِينَ صَدَّ بِالْحُدَيْبِيَّةِ قَصْرَ وَأَحْلَ وَنَحَرْتُمْ أَنْصَرَفَ مِنْهَا وَلَمْ يَجِبْ عَلَيْهِ الْحُلُقُ حَتَّى يَقْضِيَ النَّسْكَ. فَأَمَّا الْمَحْضُورُ فَإِنَّمَا يَكُونُ عَلَيْهِ التَّقْصِيرُ.

۲- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي نَصْرِ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ (ع) عَنْ مُحْرِمٍ انْكَسَرَتْ سَاقُهُ أَيُّ شَيْءٍ يَكُونُ حَالُهُ وَأَيُّ شَيْءٍ عَلَيْهِ؟

قَالَ: هُوَ حَلَالٌ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ.

قُلْتُ: مِنَ النِّسَاءِ وَ الثِّيَابِ وَ الطَّيِّبِ.

فَقَالَ: نَعَمْ مِنْ جَمِيعِ مَا يَحْرُمُ عَلَى الْمُحْرِمِ.

وَ قَالَ: أَمَّا بَلَعَكَ قَوْلَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع): حُلِّيْتُ حَيْثُ حَبَسْتَنِي لِقَدْرِكَ الَّذِي قَدَّرْتَ عَلَيَّ.

قُلْتُ: أَصْلَحَكَ اللَّهُ! مَا تَقُولُ فِي الْحَجِّ؟

هنگامی که رسول خدا ﷺ در روز حدیبیه از ورود به مکه ممنوع شد تقصیر نمود و از احرام بیرون آمد و شتر قربانی کرد، آن گاه از همان جا بازگشت و بر او تراشیدن مو نیز واجب نشد تا مناسک را به پایان برساند.

ولی کسی که به جهت بیماری از ورود به مکه ممنوع شود، فقط باید تقصیر کند.

۲- احمد بن محمد بن ابی نصر گوید: از امام رضا (ع) پرسیدم: محرمی که ساق پایش شکسته چه وظیفه‌ای دارد؟

فرمود: او از همه چیز آزاد است.

گفتم: حتی در ارتباط با زنان، لباس و عطر؟

فرمود: آری از همه آن چیزهایی که بر محرم حرام است.

و فرمود: آیا سخن امام صادق (ع) به تو نرسیده که فرمود: مرا آزاد کن هنگامی که مرا بازداشتی به تدبیر خود که بر من تدبیر کردی.

عرض کردم: خداوند کارهای شمار اصلاح فرماید! نظر شما در مورد حج آن محرم چیست؟

قَالَ: لَا بُدَّ أَنْ يَحُجَّ مِنْ قَابِلٍ.

قُلْتُ: أَخْبِرْنِي عَنِ الْمَحْصُورِ وَالْمَصْدُودِ هُمَا سَوَاءٌ؟  
فَقَالَ: لَا.

قُلْتُ: فَأَخْبِرْنِي عَنِ النَّبِيِّ ﷺ حِينَ صَدَّهُ الْمُشْرِكُونَ قَضَى عُمْرَتَهُ؟  
قَالَ: لَا، وَلَكِنَّهُ اعْتَمَرَ بَعْدَ ذَلِكَ.

۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ  
بْنِ شاذَانَ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ صَفْوَانَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ:  
سَمِعْتُهُ يَقُولُ:

الْمَحْصُورُ غَيْرُ الْمَصْدُودِ الْمَحْصُورُ الْمَرِيضُ وَالْمَصْدُودُ الَّذِي يَصُدُّهُ  
الْمُشْرِكُونَ كَمَا رَدُّوا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ وَأَصْحَابَهُ لَيْسَ مِنْ مَرَضٍ وَالْمَصْدُودُ تَحِلُّ  
لَهُ النِّسَاءُ وَالْمَحْصُورُ لَا تَحِلُّ لَهُ النِّسَاءُ.  
قَالَ: وَ سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ أُخْصِرَ فَبَعَثَ بِالْهَدْيِ.

فرمود: باید در سال آینده حج نماید.

عرض کردم: مرا از محصور (ممنوع به مرض) و مصدود (ممنوع به دشمن) آگاه کن، آیا  
حکم آنها برابر است؟  
فرمود: نه.

عرض کردم: مرا از پیامبر خدا ﷺ آگاه کن آن گاه که مشرکان او را منع کردند، آیا عمره  
خود را قضاء کرد؟

فرمود: نه، ولی بعد از آن، عمره به جا آورد.

۳- معاویه بن عمار گوید: از امام صادق ﷺ شنیدم که می فرمود:

محصور غیر از مصدود است. محصور مریض است و مصدود کسی است که مشرکان او  
را از مراسم حج باز دارند، چنانچه رسول خدا ﷺ و اصحابش را برگردانیدند و این در اثر  
بیماری نبوده است و زنان بر مصدود حلال می شوند ولی بر محصور حلال نمی شوند.  
گوید: از حضرتش پرسیدم: مردی محصور می شود و قربانی را با یارانش می فرستد.



قَالَ: يُوَاعِدُ أَصْحَابَهُ مِيعَادًا إِنْ كَانَ فِي الْحَجِّ فَمَحِلُّ الْهَدْيِ يَوْمَ النَّحْرِ فَإِذَا كَانَ يَوْمَ النَّحْرِ، فَلْيُقْصَصْ مِنْ رَأْسِهِ وَلَا يَجِبُ عَلَيْهِ الْحَلْقُ حَتَّى يَقْضِيَ الْمَنَاسِكَ، وَإِنْ كَانَ فِي عُمْرَةٍ فَلْيَنْظُرْ مِقْدَارَ دُخُولِ أَصْحَابِهِ مَكَّةَ وَالسَّاعَةَ الَّتِي يَعِدُهُمْ فِيهَا، فَإِذَا كَانَ تِلْكَ السَّاعَةُ قَصَرَ وَأَحَلَّ.

وَإِنْ كَانَ مَرِيضٌ فِي الطَّرِيقِ بَعْدَ مَا أُحْرِمَ فَأَرَادَ الرُّجُوعَ رَجَعَ إِلَى أَهْلِهِ وَنَحَرَ بَدَنَةً أَوْ أَقَامَ مَكَانَهُ حَتَّى يَبْرَأَ إِذَا كَانَ فِي عُمْرَةٍ وَإِذَا بَرَأَ فَعَلَيْهِ الْعُمْرَةُ وَاجِبَةٌ، وَإِنْ كَانَ عَلَيْهِ الْحَجُّ رَجَعَ أَوْ أَقَامَ فَفَاتَهُ الْحَجُّ، فَإِنَّ عَلَيْهِ الْحَجَّ مِنْ قَابِلٍ، فَإِنَّ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ عليه السلام خَرَجَ مُعْتَمِرًا فَمَرِضَ فِي الطَّرِيقِ.

فَبَلَغَ عَلِيًّا عليه السلام ذَلِكَ وَهُوَ فِي الْمَدِينَةِ فَخَرَجَ فِي طَلَبِهِ فَأَدْرَكَهُ بِالسُّقْيَا وَهُوَ مَرِيضٌ بِهَا فَقَالَ: يَا بُنَيَّ! مَا تَشْتَكِي؟  
فَقَالَ: أَشْتَكِي رَأْسِي.

فرمود: با یارانش در جایی وعده می‌کند، اگر در حج باشد قربان‌گاه در روز قربانی وعده‌گاه است، پس هنگامی که روز قربانی فرا رسیده از سرش تقصیر می‌کند و تراشیدن سر براو واجب نمی‌شود تا هنگامی که مناسک را به پایان برساند و اگر در عمره باشد به اندازه ورود یارانش به مکه منتظر می‌ماند و ساعتی که در آن با آنها وعده کرده، چون آن ساعت فرا رسیده تقصیر می‌کند و از احرام بیرون می‌آید.

و اگر بعد از احرام در راه بیمار شد و خواست به سوی خانواده خویش برگردد، یک شتر قربانی کند و یا همان جا درنگ کند تا بهبود یابد. و اگر در عمره باشد پس هنگامی که سالم شد بر اوست که عمره را به صورت وجوب انجام دهد و اگر بر عهده او حج باشد، چه برگردد و چه بماند حج از او فوت شده است و در سال آینده حج براو واجب است. همانا امام حسین بن علی علیه السلام برای عمره خارج شد و در راه بیمار شد، خبر به علی علیه السلام - که در مدینه بود - رسید. حضرتش در پی آن حضرت بیرون آمد در «سقیّا» - که در آن جا بیمار بود - به او رسید و فرمود: فرزندم! کجای بدنت درد می‌کند؟

عرض کرد: سرم درد می‌کند.

فَدَعَا عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِبَدَنَةِ فَنَحَرَهَا وَحَلَقَ رَأْسَهُ وَرَدَّهُ إِلَى الْمَدِينَةِ، فَلَمَّا بَرَأَ مِنْ وَجَعِهِ اعْتَمَرَ.

قُلْتُ: أَرَأَيْتَ حِينَ بَرَأَ مِنْ وَجَعِهِ قَبْلَ أَنْ يَخْرُجَ إِلَى الْعُمْرَةِ حَلَّتْ لَهُ النِّسَاءُ؟  
قَالَ: لَا تَحِلُّ لَهُ النِّسَاءُ حَتَّى يَطُوفَ بِالْبَيْتِ وَبِالصَّفَا وَالْمَرْوَةِ.  
قُلْتُ: فَمَا بَالُ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ حِينَ رَجَعَ مِنَ الْحُدَيْبِيَّةِ حَلَّتْ لَهُ النِّسَاءُ وَلَمْ يَطُفْ بِالْبَيْتِ.

قَالَ: لَيْسَا سِوَاءَ كَأَنَّ النَّبِيَّ ﷺ مَصْدُودًا وَالْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَحْصُورًا.  
۴- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَسَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ ابْنِ رِثَابٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:  
إِذَا أَحْصَرَ الرَّجُلُ بَعَثَ بِهَدْيِهِ فَإِذَا أَفَاقَ وَوَجَدَ مِنْ نَفْسِهِ خِفَةً فَلْيَمْضِ إِنْ ظَنَّ أَنَّهُ يُدْرِكُ النَّاسَ، فَإِنْ قَدِمَ مَكَّةَ قَبْلَ أَنْ يَنْحَرَ الْهَدْيَ فَلْيُقِمَّ عَلَى إِحْرَامِهِ حَتَّى يَفْرُغَ مِنْ جَمِيعِ الْمَنَاسِكِ وَلْيَنْحَرْ هَدْيَهُ وَلَا شَيْءَ عَلَيْهِ وَإِنْ قَدِمَ مَكَّةَ وَقَدْ نَحَرَ هَدْيَهُ، فَإِنْ عَلَيْهِ الْحَجُّ مِنْ قَابِلٍ أَوْ الْعُمْرَةُ.

علی علیہ السلام شتری خواست و آن را قربانی کرد و سر امام حسین علیہ السلام را تراشید و به مدینه برگردانید. و آن گاه که بهبود یافت عمره انجام داد.  
عرض کردم: هنگامی که از درد بهبود یافت پیش از این که به سوی عمره بیرون رود آیا زنان بر او حلال می شود؟  
فرمود: زنان بر او حلال نمی شود، تا زمانی که کعبه را طواف کرده و مابین صفا و مروه سعی نماید.  
عرض کردم: چگونه رسول خدا ﷺ آن گاه که از حدیبیه برگشت زنان بر او حلال شدند در حالی که طواف کعبه نکرد؟  
فرمود: این دو امر برابر نیستند، پیامبر ﷺ مصدود بود و امام حسین علیہ السلام محصور.  
۴- زراره گوید: امام باقر علیہ السلام فرمود:

وقتی انسان محصور شد قربانی خود را می فرستد. پس اگر حالش بهتر شد و در خود احساس سبکی کرد به مکه برود اگر گمان می کند که مردم را در می یابد پس اگر پیش از این که قربانی نحر شود به مکه برسد، باید بر انجام اعمال احرام خود قیام کند تا از تمامی مناسک حج فارغ شود و قربانی خود را نحر کند و چیزی بر عهده او نیست و اگر بعد از نحر قربانی به مکه رسید بر اوست که در سال آینده حج یا عمره انجام دهد.

- قُلْتُ: فَإِنْ مَاتَ وَهُوَ مُحْرِمٌ قَبْلَ أَنْ يَنْتَهِيَ إِلَى مَكَّةَ.  
 قَالَ: يُحْجُّ عَنْهُ إِنْ كَانَتْ حَجَّةَ الْإِسْلَامِ، وَ يُعْتَمَرُ إِنَّمَا هُوَ شَيْءٌ عَلَيْهِ.
- ۵- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ فِي الْمَحْصُورِ وَلَمْ يَسْقِ الْهَدْيَ.  
 قَالَ: يَنْسُكُ وَ يَرْجِعُ فَإِنْ لَمْ يَجِدْ ثَمَنَ هَذِي صَامَ.
- ۶- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ ابْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ مُثَنَّى عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:
- إِذَا أُحْصِرَ الرَّجُلُ فَبَعَثَ بِهَدْيِهِ فَأَذَاهُ رَأْسُهُ قَبْلَ أَنْ يَنْحَرَ هَدْيَهُ، فَإِنَّهُ يَذْبَحُ شَاءَ فِي الْمَكَانِ الَّذِي أُحْصِرَ فِيهِ أَوْ يَصُومُ أَوْ يَتَصَدَّقُ وَ الصَّوْمُ ثَلَاثَةُ أَيَّامٍ وَ الصَّدَقَةُ عَلَى سِتَّةِ مَسَاكِينَ نِصْفُ صَاعٍ لِكُلِّ مِسْكِينٍ.
- ۷- سَهْلٌ عَنْ ابْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ رِفَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

گفتم: اگر در حال احرام و پیش از رسیدن به مکه بمیرد چه می شود؟  
 فرمود: اگر حجة الاسلام باشد از جانب او حج و عمره به جا آورده می شود چون همان برگردن اوست.

۵- معاویه بن عمار گوید: امام صادق عليه السلام درباره محصور به مرض که قربانی نفرستاده است فرمود:

قربانی می کند و باز می گردد و اگر مبلغ قربانی را نداشته باشد روزه می گیرد.

۶- زراره گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هرگاه انسان محصور شد، قربانی خود را به سوی مکه بفرستد و پیش از این که قربانی او ذبح شود سر درد او را آزار دهد پس او گوسفندی را در مکانی که محصور به مرض شده ذبح می کند یا روزه می گیرد، یا صدقه می دهد و روزه سه روز است و صدقه بر شش مسکین که بر هر یک نصف صاع صدقه می دهد.

۷- رفاعه گوید:

سَأَلَتْهُ عَنِ الرَّجُلِ يَشْتَرِطُ وَهُوَ يَنْوِي الْمَتْعَةَ فَيُحْصِرُ هَلْ يُجْزِئُهُ أَنْ لَا يَحُجَّ مِنْ قَابِلٍ؟

قَالَ: يَحُجُّ مِنْ قَابِلٍ وَ الْحَاجُّ مِثْلَ ذَلِكَ إِذَا أُحْصِرَ.  
قُلْتُ: رَجُلٌ سَاقَ الْهَدْيِ ثُمَّ أُحْصِرَ.  
قَالَ: يَبْعَثُ بِهِدْيِهِ.

قُلْتُ: هَلْ يَسْتَمْتِعُ مِنْ قَابِلٍ؟  
فَقَالَ: لَا، وَ لَكِنْ يَدْخُلُ فِي مِثْلِ مَا خَرَجَ مِنْهُ.  
۸ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ يُوسُفَ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

سَأَلَتْهُ عَنْ رَجُلٍ عَرَضَ لَهُ سُلْطَانٌ فَأَخَذَهُ ظَالِمًا لَهُ يَوْمَ عَرَفَةَ قَبْلَ أَنْ يُعْرِفَ فَبَعَثَ بِهِ إِلَى مَكَّةَ فَحَبَسَهُ فَلَمَّا كَانَ يَوْمَ النَّحْرِ خَلَّى سَبِيلَهُ كَيْفَ يَصْنَعُ؟

از امام صادق علیه السلام پرسیدم: کسی که به صورت مشروط محرم می شود در حالی که او تبت احرام به عمره تمتع می کند و محصور به مرض می شود آیا می تواند که در سال آینده حج را انجام ندهد؟  
فرمود: سال آینده حج را انجام می دهد و حاجی همانند آن است هنگامی که محصور شود.

گفتم: کسی که قربانی خود را همراه آورده سپس محصور به مرض شده وظیفه او چیست؟  
فرمود: قربانی خود را می فرستد.

گفتم: آیا او باید حج تمتع را در سال آینده انجام دهد؟  
فرمود: نه، اما داخل می شود در مثل آن چه که از آن خارج شده بود.  
۸ - فضل بن یونس گوید: از امام کاظم علیه السلام پرسیدم: کسی را پادشاه ستمگری در روز عرفه پیش از این که وقوف به عرفه کند دستگیر کرد و او را به مکه فرستاد و باز داشت کرد، چون روز قربانی شد او را رها نمود، وظیفه او چیست؟

قَالَ: يَلْحَقُ فَيَقِفُ بِجَمْعٍ ثُمَّ يَنْصَرِفُ إِلَى مَنَى فَيَزِمِي وَ يَذْبَحُ وَ يَخْلُقُ وَ لَا شَيْءَ عَلَيْهِ.

قُلْتُ: فَإِنْ خَلَّى عَنْهُ يَوْمَ النَّفَرِ كَيْفَ يَصْنَعُ؟

هـ قَالَ: هَذَا مَصْدُودٌ عَنِ الْحَجِّ إِنْ كَانَ دَخَلَ مَكَّةَ مُتَمَتِّعًا بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فَلْيُطْفِئْ بِالْيَمِينِ أُسْبُوعًا ثُمَّ يَسْعَى أُسْبُوعًا وَ يَخْلُقُ رَأْسَهُ وَ يَذْبَحُ شَاةً، فَإِنْ كَانَ مُفْرِدًا لِلْحَجِّ فَلْيَسْ عَلَيْهِ ذَبْحٌ وَ لَا شَيْءَ عَلَيْهِ.

۹ - حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ الْمِثْمِيِّ عَنْ أَبَانَ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

الْمَصْدُودُ يَذْبَحُ حَيْثُ صَدَّ وَ يَرْجِعُ صَاحِبُهُ فَيَأْتِي النِّسَاءَ وَ الْمَحْصُورُ يَبْعَثُ بِهِدْيِهِ وَ يَعِدُهُمْ يَوْمًا فَإِذَا بَلَغَ الْهَدْيُ أَحْلَلَ هَذَا فِي مَكَانِهِ.

قُلْتُ لَهُ: أَرَأَيْتَ إِنْ رَدُّوا عَلَيْهِ دَرَاهِمَهُ وَ لَمْ يَذْبَحُوا عَنْهُ وَ قَدْ أَحْلَلَ فَأَتَى النِّسَاءَ. قَالَ: فَلْيَعِدْ وَ لَيْسَ عَلَيْهِ شَيْءٌ وَ لِيُمْسِكِ الْآنَ عَنِ النِّسَاءِ إِذَا بَعَثَ.

فرمود: در منابه مردم ملحق می شود و در مشعرو قوف می کند، پس برمی گردد به منا و رمی می کند و قربانی نموده و سر می تراشد و چیزی بر او نیست. گفتم: اگر روز کوچ از منا (روز دوازدهم) آزاد شود چه می کند؟ فرمود: این شخص مصدود به سبب دشمن از حج محروم است و اگر به قصد حج تمتع وارد مکه شده است بایستی هفت شوط به بیت طواف کند، هفت بار سعی بین صفا و مروه را انجام دهد، سرش را بتراشد گوسفند ذبح نماید و اگر به قصد حج افراد وارد مکه شده است قربانی بر ذمه ندارد و چیزی بر عهده او نیست.

۹- زراره گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

کسی که مصدود به سبب دشمن است، باید قربانی ذبح کند از همان جا که ممنوع شده باز می گردد و می تواند از زنان بهره گیرد و کسی که به بیماری محصور شده است قربانی خود را می فرستد و با آن حاجیانی که قربانی او را به همراه می برند روز معینی قرار می گذارد وقتی قربانی به قربانگاه رسید محصور در مکانش از احرام بیرون می آید.

به امام عليه السلام عرض کردم: به نظر شما اگر آن ها از جانب او قربانی نکنند و درهم های او را به او برگردانند در حالی که او به گمان قربانی کردن از احرام بیرون آمده و به نزد زنان رفته است، تکلیف چیست؟

فرمود: دوباره تکرار کند و چیزی بر عهده او نیست و الآن که قربانی را فرستاد از زنان کناره گیرد.

(۱۰۲)

**بَابُ الْمُحْرَمِ يَتَزَوَّجُ أَوْ يُزَوَّجُ وَ يُطَلَّقُ وَ يَشْتَرِي الْجَوَارِيَ**

- ۱ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: الْمُحْرَمُ لَا يُنْكَحُ وَلَا يُنْكَحُ وَلَا يَخْطُبُ وَلَا يَشْهَدُ النِّكَاحَ، وَإِنْ نَكَحَ فَنِكَاحُهُ بَاطِلٌ.
- ۲ - أَحْمَدُ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِنْ رَجُلًا مِنَ الْأَنْصَارِ تَزَوَّجَ وَهُوَ مُحْرَمٌ فَأَبْطَلَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ نِكَاحَهُ.
- ۳ - أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

**بخش صد و دوم**

**حکم محرمی که ازدواج می‌کند، یا عقد ازدواج و طلاق جاری می‌کند و کنیز می‌خرد**

- ۱ - یکی از اصحاب ما گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: محرم نمی‌تواند ازدواج کند، برای دیگری عقد جاری سازد و از کسی خواستگاری نماید و نمی‌تواند شاهد عقد ازدواجی شود و اگر ازدواج کرد، ازدواجش باطل است.
- ۲ - عبدالرحمان بن ابی عبدالله گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: مردی از انصار در حال احرام ازدواج کرد، رسول خدا ﷺ نکاح او را باطل نمود.
- ۳ - ابراهیم بن حسن گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

إِنَّ الْمُحْرِمَ إِذَا تَزَوَّجَ وَهُوَ مُحْرِمٌ فُرِّقَ بَيْنَهُمَا ثُمَّ لَا يَتَعَاوَدَانِ أَبَدًا.  
 ۴ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ  
 قَالَ:

الْمُحْرِمُ لَا يَتَزَوَّجُ فَإِنْ فَعَلَ فَنِكَاحُهُ بَاطِلٌ.  
 ۵ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ ابْنِ مُحْبُوبٍ عَنْ  
 سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:  
 لَا يَنْبَغِي لِلرَّجُلِ الْحَلَالِ أَنْ يُزَوِّجَ مُحْرِمًا وَهُوَ يَعْلَمُ أَنَّهُ لَا يَحِلُّ لَهُ.  
 قُلْتُ: فَإِنْ فَعَلَ فَدَخَلَ بِهَا الْمُحْرِمُ.  
 قَالَ: إِنْ كَانَا عَالِمَيْنِ، فَإِنَّ عَلَى كُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا بَدَنَةً وَ عَلَى الْمَرْأَةِ إِنْ كَانَتْ  
 مُحْرِمَةً بَدَنَةً، وَإِنْ لَمْ تَكُنْ مُحْرِمَةً فَلَا شَيْءَ عَلَيْهَا إِلَّا أَنْ تَكُونَ قَدْ عَلِمْتَ أَنَّ الَّذِي  
 تَزَوَّجَهَا مُحْرِمٌ، فَإِنْ كَانَتْ عَلِمْتَ ثُمَّ تَزَوَّجْتَهُ فَعَلَيْهَا بَدَنَةٌ.

هرگاه محرم ازدواج کند از همدیگر جدا می‌شوند و هرگز به همدیگر باز نمی‌گردند.  
 ۴ - معاویه بن عمار گوید: امام صادق عليه السلام می‌فرماید: محرم نباید ازدواج کند، چرا که  
 نکاح او باطل است.

۵ - سماعة بن مهران گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: شایسته نیست فرد غیر محرم با  
 محرمی ازدواج کند با این که می‌داند که این کار بر او حلال نیست.  
 گفتم: اگر ازدواج نمود و بر محرم دخول کرد (چه حکمی دارد؟)  
 فرمود: اگر هر دو از حکم آگاه بودند، بر هر کدام یک شتر قربانی است و اگر زن محرم  
 بود، قربانی شتر است و اگر محرم نبود چیزی بر عهده او نیست مگر این که بداند کسی که با  
 او ازدواج کرده محرم بوده که در این صورت بر او قربانی شتر است.

۶- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: الْمُحْرِمُ يُطَلَّقُ وَلَا يَتَزَوَّجُ.

۷- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدٍ بْنِ سِنَانٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْمُحْرِمِ يُطَلَّقُ؟ قَالَ: نَعَمْ.

۸- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْبَرْقِيِّ عَنْ سَعْدِ بْنِ سَعْدٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرُّضَا عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْمُحْرِمِ يَشْتَرِي الْجَوَارِيَ وَيَبِيعُ. قَالَ: نَعَمْ.

۶- ابوبصیر گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می فرمود:

محرم می تواند طلاق دهد، ولی نمی تواند ازدواج نماید.

۷- حمّاد بن عثمان گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: آیا محرم می تواند زنش را طلاق دهد؟

فرمود: آری.

۸- سعد بن سعد گوید: از امام رضا عليه السلام پرسیدم: محرم می تواند به خرید و فروش کنیز

بپردازد؟

فرمود: آری.



(۱۰۳)

### بَابُ الْمُحْرَمِ يُوَاقِعُ امْرَأَتَهُ قَبْلَ أَنْ يَقْضِيَ مَنَاسِكَهُ أَوْ مُجِلَّ يَقْعُ عَلَى مُحْرَمَةٍ

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ مُحْرَمٍ غَشِيَ امْرَأَتَهُ وَهِيَ مُحْرَمَةٌ.

قَالَ: جَاهِلَيْنِ أَوْ عَالَمَيْنِ.

قُلْتُ: أَجَبْنِي فِي الْوَجْهَيْنِ جَمِيعًا.

قَالَ: إِنْ كَانَا جَاهِلَيْنِ اسْتَغْفَرَا رَبَّهُمَا وَ مَضَيَا عَلَى حَجِّهِمَا وَلَيْسَ عَلَيْهِمَا شَيْءٌ، وَإِنْ كَانَا عَالَمَيْنِ فُرِّقَ بَيْنَهُمَا مِنَ الْمَكَانِ الَّذِي أَحْدَثَا فِيهِ وَ عَلَيْهِمَا بَدَنَةٌ وَ عَلَيْهِمَا الْحَجُّ مِنْ قَابِلٍ، فَإِذَا بَلَغَا الْمَكَانَ الَّذِي أَحْدَثَا فِيهِ فُرِّقَ بَيْنَهُمَا حَتَّى يَقْضِيَا نُسُكَهُمَا وَ يَرْجِعَا إِلَى الْمَكَانِ الَّذِي أَصَابَا فِيهِ مَا أَصَابَا.

#### بخش صد و سوم

**حکم محرمی که پیش از این که مناسک حجش را به پایان برساند با زنش**

**همبستر شود و حکم غیر محرمی که با زن محرمه هم بستر می شود**

۱- زراره گوید: از امام علیه السلام پرسیدم: مردی با زن محرمه اش همبستر شده (چه حکمی دارد؟)

فرمود: آیا هر دو از مسائل آگاه بودند یا نه؟

گفتم: هر دو صورت را پاسخ دهید.

فرمود: اگر ناآگاهانه این کار را انجام دادند از پروردگارشان استغفار کنند و از همان جا

حج خود باقی می ماند و چیزی بر عهده آنها نیست و اگر آگاهانه انجام دادند از همان جا

که آن کار را نموده اند از هم جدا شوند و بر هر کدام آنها یک شتر کفاره خواهد بود و بایستی

حج را در سال آینده انجام دهند و هرگاه به همان مکان که آن کار را انجام داده اند برسند

بین آنها جدایی می افتد تا مناسکشان را به پایان برسانند و به همان مکانی که آن کار را انجام

داده بودند باز گردند.

قُلْتُ: فَأَيُّ الْحَجَّتَيْنِ لَهُمَا؟

قَالَ: الْأُولَى الَّتِي أَخَذْنَا فِيهَا مَا أَخَذْنَا وَالْأُخْرَى عَلَيْهِمَا عُقُوبَةٌ.

۲ - عَلِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ رَفَعَهُ إِلَى أَحَدِهِمَا عليه السلام قَالَ:

مَعْنَى يُفَرَّقُ بَيْنَهُمَا أَيُّ: لَا يَخْلُوَانِ وَأَنْ يَكُونَ مَعَهُمَا ثَلَاثٌ.

۳ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ

بْنِ شاذَانَ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ صَفْوَانَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي

الْمُحْرَمِ يَقَعُ عَلَى أَهْلِهِ.

قَالَ: إِنْ كَانَ أَفْضَى إِلَيْهَا فَعَلَيْهِ بَدَنَةٌ وَ الْحَجُّ مِنْ قَابِلٍ، وَإِنْ لَمْ يَكُنْ أَفْضَى إِلَيْهَا

فَعَلَيْهِ بَدَنَةٌ وَ لَيْسَ عَلَيْهِ الْحَجُّ مِنْ قَابِلٍ.

قَالَ: وَ سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ وَقَعَ عَلَى امْرَأَتِهِ وَ هُوَ مُحْرَمٌ؟

گفتم: کدام حج برای آنها حساب می شود؟

فرمود: حج اولی که در آن، آن کار را کرده بودند، و حج دیگری عقوبت بر آنهاست.

۲ - ابان بن عثمان در روایت مرفوعه ای گوید: امام (باقر و یا امام صادق علیه السلام) فرمود:

منظور از جدایی مابین آنها این است که (تنها نباشند) و شخص سومی همراه آنها باشد.

۳ - معاویه بن عمار گوید: امام صادق علیه السلام درباره محرمی که با همسرش همبستر شود

فرمود:

اگر با او کاری صورت داد بر اوست که یک شتر قربانی کند و در سال آینده حج انجام

دهد و اگر با او کاری صورت نداد بر اوست که یک شتر قربانی کند و انجام حج در سال

آینده لازم نیست.

از حضرتش پرسیدم: مرد محرمی که با همسرش نزدیکی می کند، چه حکمی دارد؟

قَالَ: إِنْ كَانَ جَاهِلًا فَلَيْسَ عَلَيْهِ شَيْءٌ وَإِنْ لَمْ يَكُنْ جَاهِلًا فَعَلَيْهِ سَوْقٌ بَدَنَةٍ وَ عَلَيْهِ الْحَجُّ مِنْ قَابِلٍ، فَإِذَا انْتَهَى إِلَى الْمَكَانِ الَّذِي وَقَعَ بِهَا فُرْقٌ مَحْمِلُهُمَا فَلَمْ يَجْتَمِعَا فِي خِבَاءٍ وَاحِدٍ إِلَّا أَنْ يَكُونَا مَعَهُمَا غَيْرُهُمَا حَتَّى يَبْلُغَ الْهَدْيُ مَحِلَّهُ.

۴ - الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام: رَجُلٌ وَقَعَ عَلَى أَهْلِهِ وَهُوَ مُحْرِمٌ.

قَالَ: أَمْ جَاهِلٌ أَوْ عَالِمٌ؟

قَالَ: قُلْتُ: جَاهِلٌ؟

قَالَ: يَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَلَا يَعُودُ وَلَا شَيْءَ عَلَيْهِ.

۵ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ قَالَ:

فرمود: اگر از مسأله آگاه نبود چیزی براو نیست و اگر آگاه بود بر اوست که یک نفر شتر برای قربانی ببرد و در سال آینده حج انجام دهد، وقتی که به آن مکانی که در آن نزدیکی نموده بود برسند محمل آن دو از هم جدا می شود و با هم در یک خیمه نخواهند بود مگر این که فرد دیگری نیز با آن دو باشد تا هنگامی که قربانی به محلش برسد.

۴ - زراره گوید: به امام باقر عليه السلام عرض کردم: کسی که در حال احرام با همسرش همبستر شود چه حکمی دارد؟

فرمود: آیا از روی ناآگاهی انجام داده یا آگاه به حکم بود؟

گفتم: از روی ناآگاهی.

فرمود: از خدا آمرزش خواهد و دیگر انجام ندهد و چیزی به عهده او نیست.

۵ - علی بن ابی حمزه گوید:

سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ (ع) عَنْ مُحْرِمٍ وَقَعَ أَهْلَهُ.

فَقَالَ: قَدْ أَتَى عَظِيمًا.

قُلْتُ: أَفْتَنِي.

فَقَالَ: اسْتَكْرَهَهَا أَوْ لَمْ يَسْتَكْرِهَهَا.

قُلْتُ: أَفْتَنِي فِيهِمَا جَمِيعًا.

فَقَالَ: إِنْ كَانَ اسْتَكْرَهَهَا فَعَلَيْهِ بَدَنَتَانِ وَإِنْ لَمْ يَكُنْ اسْتَكْرَهَهَا فَعَلَيْهِ بَدَنَةٌ وَعَلَيْهَا بَدَنَةٌ وَ يَفْتَرِقَانِ مِنَ الْمَكَانِ الَّذِي كَانَ فِيهِ مَا كَانَ حَتَّى يَنْتَهِيَا إِلَى مَكَّةَ وَعَلَيْهِمَا الْحَجُّ مِنْ قَابِلٍ لَا بُدَّ مِنْهُ.

قَالَ: قُلْتُ: فَإِذَا انْتَهَيَا إِلَى مَكَّةَ فَهِيَ امْرَأَتُهُ كَمَا كَانَتْ.

فَقَالَ: نَعَمْ هِيَ امْرَأَتُهُ كَمَا هِيَ فَإِذَا انْتَهَيَا إِلَى الْمَكَانِ الَّذِي كَانَ مِنْهُمَا مَا كَانَ افْتَرَقَا حَتَّى يُحِلَّا فَإِذَا أَحَلَّا فَقَدْ انْقَضَى عَنْهُمَا، فَإِنْ أَبِي كَانَ يَقُولُ ذَلِكَ.

از امام (ابا الحسن ع) درباره محرمی که با همسرش نزدیکی می کند پرسیدم.

فرمود: کار بزرگی انجام داده!

عرض کردم: حکم آن را برای من بیان فرمایید!

فرمود: آیا زن را به این کار مجبور کرده یا مجبور نکرده است؟

عرض کردم: حکم هر دو مورد را بفرمایید!

فرمود: اگر زنش را مجبور کرده دو شتر قربانی بر عهده اوست و اگر مجبور نکرده یک

شتر بر عهده اوست و یک شتر بر عهده زن.

و از همان جایی که آن قضیه اتفاق افتاد جدا می شوند تا هنگامی که به مکه برسند و در

سال آینده حجاجی بر عهده آن دو است که باید انجام دهند.

علی بن ابی حمزه گوید: عرض کردم: هنگامی که به مکه رسیدند، آن زن همسر اوست،

همان طور که پیشتر همسرش بود؟

فرمود: آری، او همسر آن مرد است همان طور که پیشتر همسرش بود. پس هنگامی که به آن

جای مورد نظر رسیدند تا هنگامی که از احرام بیرون بیایند از هم جدا می شوند هرگاه از احرام

بیرون آمدند، اعمالشان صورت پذیرفته است که پدر بزرگوارم (ع) چنین فرموده است.

وَ فِي رِوَايَةٍ أُخْرَى: فَإِنْ لَمْ يَقْدِرْ عَلَى بَدَنَةِ فَإِطْعَامُ سِتِّينَ مِسْكِينًا لِكُلِّ مِسْكِينٍ مُدٌّ، فَإِنْ لَمْ يَقْدِرْ فَصِيَامُ ثَمَانِيَةِ عَشَرَ يَوْمًا وَ عَلَيْهَا أَيْضًا كَمِثْلُهُ إِنْ لَمْ يَكُنْ اسْتَكْرَهَهَا.

۶- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ صَبَّاحِ الْحِذَاءِ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ مُوسَى عليه السلام: أَخْبِرْنِي عَنْ رَجُلٍ مُحِلٍّ وَقَعَ عَلَى أَمَةٍ لَهُ مُحْرِمَةٌ. قَالَ: مُوسِرٌ أَوْ مُعْسِرٌ. قُلْتُ: أَجِنِّي فِيهِمَا. قَالَ: هُوَ أَمْرُهَا بِالْإِحْرَامِ أَوْ لَمْ يَأْمُرْهَا أَوْ أَحْرَمَتْ مِنْ قِبَلِ نَفْسِهَا. قُلْتُ: أَجِنِّي فِيهِمَا.

و در روایت دیگری آمده است: اگر توانایی قربانی شتر را ندارد به شصت مسکین اطعام کند. به هر مسکینی یک مد و اگر آن را هم نتوانست هیجده روز، روزه بگیرد و اگر مرد زن را مجبور به این کار کرده باشد همانند مرد باید کفاره دهد.

۶- اسحاق بن عمار گوید: به امام کاظم عليه السلام عرض کردم: مردی که محل بوده و با کنیز محرمش همبستر شده چه حکمی دارد؟

فرمود: توانمند است یا ناتوان؟

گفتم: در هر دو مورد پاسخ فرمایید.

فرمود: آیا همان مرد به او دستور احرام داده یا نه از جانب خود محرم شده است؟

عرض کردم: در هر دو مورد پاسخ فرمایید.

فَقَالَ: إِنْ كَانَ مُوسِرًا وَكَانَ عَالِمًا أَنَّهُ لَا يَنْبَغِي لَهُ وَكَانَ هُوَ الَّذِي أَمَرَهَا بِالْإِحْرَامِ  
فَعَلَيْهِ بَدَنَةٌ وَإِنْ شَاءَ بَقَرَةٌ وَإِنْ شَاءَ شَاةٌ، وَإِنْ لَمْ يَكُنْ أَمَرَهَا بِالْإِحْرَامِ فَلَا شَيْءَ عَلَيْهِ  
مُوسِرًا كَانَ أَوْ مُعْسِرًا وَإِنْ كَانَ أَمَرَهَا وَهُوَ مُعْسِرٌ فَعَلَيْهِ دَمٌ شَاةٍ أَوْ صِيَامٌ.

۷- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ  
سُوَيْدٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:  
سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ بَاشَرَ امْرَأَتَهُ وَهُمَا مُحْرِمَانِ مَا عَلَيْهِمَا.  
فَقَالَ: إِنْ كَانَتِ الْمَرْأَةُ أَعَانَتْ بِشَهْوَةٍ مَعَ شَهْوَةِ الرَّجُلِ، فَعَلَيْهِمَا الْهَدْيُ جَمِيعًا  
وَ يُفَرَّقُ بَيْنَهُمَا حَتَّى يَفْرُغَا مِنَ الْمَنَاسِكَ وَ حَتَّى يَرْجِعَا إِلَى الْمَكَانِ الَّذِي أَصَابَا  
فِيهِ مَا أَصَابَا، وَإِنْ كَانَتِ الْمَرْأَةُ لَمْ تُعِنْ بِشَهْوَةٍ وَ اسْتَكْرَهَهَا صَاحِبُهَا فَلَيْسَ عَلَيْهَا  
شَيْءٌ.

فرمود: اگر توانمند باشد و بداند نباید این کار را انجام دهد و خودش به کنیزش به احرام  
دستور داده باشد یک شتر بر عهده اوست و اگر خواست یک گاو و اگر خواست یک  
گوسفند ذبح کند. و اگر او به کنیزش دستور احرام نداده چیزی بر عهده او نیست چه  
توانمند باشد چه ناتوان. و اگر او به کنیز دستور به احرام داده بر عهده او قربانی گوسفند یا  
گرفتن روزه است.

۷- سلیمان بن خالد گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: مردی با همسرش نزدیکی می کند  
در حالی که هر دو در حال احرامند، چه چیزی بر عهده آنها است؟  
فرمود: اگر زن با شهوت خود به شهوت مرد کمک کند، بر عهده آنها قربانی است و بین  
آنها جدایی می افتد تا هنگامی که از اعمال فارغ شوند و به آن جای مورد نظر برگردند. و  
اگر زن با شهوت خود کمک نکند و همسرش او را مجبور کند چیزی بر عهده آن زن نیست.

(۱۰۴)

**بَابُ الْمُحْرَمِ يُقْبَلُ امْرَأَتَهُ وَ يَنْظُرُ إِلَيْهَا بِشَهْوَةٍ أَوْ غَيْرِ شَهْوَةٍ أَوْ يَنْظُرُ إِلَى غَيْرِهَا**

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ مُحْرَمٍ نَظَرَ إِلَى امْرَأَتِهِ فَأَمْنَى أَوْ أَمَذَى وَ هُوَ مُحْرَمٌ. قَالَ: لَا شَيْءَ عَلَيْهِ، وَ لَكِنْ لِيُغْتَسِلَ وَ يَسْتَغْفِرَ رَبَّهُ وَ إِنْ حَمَلَهَا مِنْ غَيْرِ شَهْوَةٍ فَأَمْنَى أَوْ أَمَذَى فَلَا شَيْءَ عَلَيْهِ وَ إِنْ حَمَلَهَا أَوْ مَسَّهَا بِشَهْوَةٍ فَأَمْنَى أَوْ أَمَذَى فَعَلَيْهِ دَمٌ. وَ قَالَ: فِي الْمُحْرَمِ يَنْظُرُ إِلَى امْرَأَتِهِ وَ يُنْزِلُهَا بِشَهْوَةٍ حَتَّى يُنْزَلَ. قَالَ: عَلَيْهِ بَدَنَةٌ.

۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

#### بخش صد و چهارم

**حکم محرمی که همسرش را می‌بوسد و به او با شهوت یا بدون شهوت نگاه می‌کند یا به زن دیگری نگاه می‌کند**

۱ - معاویة بن عمار گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: محرمی که به همسرش نگاه کرده و از او منی و یا مذي بیرون آمده است چه حکمی دارد؟

فرمود: چیزی بر عهده او نیست، ولی باید غسل کند و از پروردگارش طلب مغفرت نماید و اگر او را بدون شهوت در آغوش کشد و از او منی و یا مذي بیرون آید، باز چیزی بر عهده او نیست و اگر او را به شهوت به آغوش کشد یا لمس کند و منی و یا مذي از او بیرون آید بر عهده او یک قربانی است.

و حضرتش در مورد محرمی که به شهوت به همسرش نگاه کند تا انزال منی نماید فرمود: بر او است یک شتر قربانی کند.

۲ - حلبی گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم:

سَأَلَتْهُ عَنِ الْمُحْرَمِ يَضَعُ يَدَهُ مِنْ غَيْرِ شَهْوَةٍ عَلَى امْرَأَتِهِ؟  
 قَالَ: نَعَمْ يُضْلِحُ عَلَيْهَا خِمَارَهَا وَ يُضْلِحُ عَلَيْهَا ثَوْبَهَا وَ مَحْمِلَهَا.  
 قُلْتُ: أَفَيَمَسُّهَا وَ هِيَ مُحْرَمَةٌ؟  
 قَالَ: نَعَمْ.  
 قُلْتُ: الْمُحْرَمُ يَضَعُ يَدَهُ بِشَهْوَةٍ.  
 قَالَ: يُهْرِيقُ دَمَ شَاةٍ.  
 قُلْتُ: فَإِنْ قَبَّلَ.  
 قَالَ: هَذَا أَشَدُّ يَنْحَرُ بَدَنَةً.  
 ۳ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي  
 حَمْزَةَ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ:  
 سَأَلَتْهُ عَنْ رَجُلٍ قَبَّلَ امْرَأَتَهُ وَ هُوَ مُحْرَمٌ.  
 قَالَ: عَلَيْهِ بَدَنَةٌ وَإِنْ لَمْ يُنْزَلْ وَ لَيْسَ لَهُ أَنْ يَأْكُلَ مِنْهَا.

محرم می تواند دستش را بدون شهوت به همسرش بزند؟  
 فرمود: آری، می تواند روسری لباس و محمل او را درست کند.  
 گفتم: آیا می تواند به همسر محرمش دست بزند؟  
 فرمود: آری.  
 گفتم: اگر با شهوت به او دست بزند چطور؟  
 فرمود: باید یک راس گوسفند قربانی کند.  
 گفتم: اگر او را ببوسد چه؟  
 فرمود: این سخت تر است، باید یک نفر شتر قربانی کند.  
 ۳ - علی بن ابی حمزه گوید: از امام کاظم عليه السلام پرسیدم: مرد محرمی که همسرش را  
 می بوسد چه حکمی دارد؟  
 فرمود: بر اوست یک نفر شتر قربانی کند، اگر چه انزال نشود و جایز نیست بر او از  
 گوشت آن قربانی بخورد.



۴ - سَهْلُ بْنُ زِيَادٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ ابْنِ رِثَابٍ عَنْ مِسْمَعٍ أَبِي سَيَّارٍ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: يَا أَبَا سَيَّارٍ! إِنَّ حَالَ الْمُحْرِمِ ضَيِّقَةٌ فَمَنْ قَبَّلَ امْرَأَتَهُ عَلَى غَيْرِ شَهْوَةٍ وَ هُوَ مُحْرِمٌ فَعَلَيْهِ دَمٌ شَاةٌ، وَ مَنْ قَبَّلَ امْرَأَتَهُ عَلَى شَهْوَةٍ فَأَمْنَى فَعَلَيْهِ جَزُورٌ وَ يَسْتَغْفِرُ رَبَّهُ، وَ مَنْ مَسَّ امْرَأَتَهُ بِيَدِهِ وَ هُوَ مُحْرِمٌ عَلَى شَهْوَةٍ، فَعَلَيْهِ دَمٌ شَاةٌ وَ مَنْ نَظَرَ إِلَى امْرَأَتِهِ نَظَرَ شَهْوَةٍ فَأَمْنَى، فَعَلَيْهِ جَزُورٌ وَ مَنْ مَسَّ امْرَأَتَهُ أَوْ لَازَمَهَا مِنْ غَيْرِ شَهْوَةٍ فَلَا شَيْءَ عَلَيْهِ.

۵ - مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام عَنِ الْمُحْرِمِ يَعْثُبُ بِأَهْلِهِ حَتَّى يُمْنِيَ مِنْ غَيْرِ جَمَاعٍ أَوْ يَفْعَلَ ذَلِكَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ مَا ذَا عَلَيْهِمَا.  
قَالَ: عَلَيْهِمَا جَمِيعاً الْكَفَّارَةُ مِثْلُ مَا عَلَى الَّذِي يُجَامِعُ.

۴ - مسمع ابی سیار گوید: امام صادق عليه السلام به من فرمود:

ای ابا سیار! حکم محرم سخت است. پس هر کس همسرش را بدون شهوت ببوسد بر اوست که یک راس گوسفند قربانی کند و هر محرمی همسرش را با شهوت ببوسد و انزال نماید بر اوست که یک نفر شتر قربانی کند و از پروردگارش طلب آمرزش نماید و هر که با شهوت دست به همسرش بزند پس بر اوست یک راس گوسفند قربانی کند و هر که به شهوت بر همسرش نگاه کند و انزال نماید بر اوست که یک شتر قربانی کند و هر که بدون شهوت به همسرش دست بزند و یا او را بدون شهوت در آغوش گیرد چیزی بر او نیست.  
۵ - عبدالرحمان حجاج گوید: از امام کاظم عليه السلام پرسیدم: محرمی که با همسرش بازی می کند و بی آن که نزدیکی کند انزال می نماید، یا این کار را در ماه رمضان می کند حکم آنها چگونه است؟

فرمود: هر دو باید کفاره دهند، همانند کسی که نزدیکی کرده است (بایستی بنده آزاد کند و دو ماه پی در پی روز نیز و به شصت مسکین اطعام نماید).

- ۶- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَمْرِو بْنِ عُثْمَانَ الْخَزَّازِ عَنْ صَبَّاحِ الْحِذَاءِ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ: قُلْتُ لَهُ: مَا تَقُولُ فِي مُحْرِمٍ عَبَثَ بِذَكَرِهِ فَأَمْنِي. قَالَ: أَرَى عَلَيْهِ مِثْلَ مَا عَلَى مَنْ أَتَى أَهْلَهُ وَهُوَ مُحْرِمٌ بِدَنَّةٍ وَ الْحَجَّ مِنْ قَابِلٍ.
- ۷- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ نَظَرَ إِلَى سَاقِ امْرَأَةٍ فَأَمْنِي. قَالَ: إِنْ كَانَ مُوسِرًا فَعَلَيْهِ بِدَنَّةٍ وَإِنْ كَانَ بَيْنَ ذَلِكَ فَبَقَرَةٌ وَإِنْ كَانَ فَقِيرًا فَشَاةٌ. أَمَّا إِنِّي لَمْ أَجْعَلْ ذَلِكَ عَلَيْهِ مِنْ أَجْلِ الْمَاءِ، وَلَكِنْ مِنْ أَجْلِ أَنَّهُ نَظَرَ إِلَى مَا لَا يَحِلُّ لَهُ.
- ۸- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ فِي مُحْرِمٍ نَظَرَ إِلَى غَيْرِ أَهْلِهِ فَأَنْزَلَ قَالَ:

- ۶- اسحاق بن عمار گوید: به امام کاظم عليه السلام گفتم: نظر شما درباره محرمی که با آلت خود بازی می نماید و انزال می کند چیست؟  
فرمود: حکم او مانند کسی است که در حال احرام با همسرش نزدیکی کند که یک شتر قربانی کند و حج در سال آینده انجام دهد.
- ۷- ابوبصیر گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: مردی که به ساق زنی نگاه می کند و انزال می نماید چه حکمی دارد؟  
فرمود: اگر متمکن و ثروتمند است بایستی یک شتر قربانی کند و اگر متوسط الحال است یک گاو و اگر فقیر است یک گوسفند قربانی کند.
- آگاه باشید! این حکم را به جهت انزال بر او قرار ندادم، بلکه به این جهت است که به کسی نگاه کرده که بر او حلال نیست.
- ۸- معاویه بن عمار گوید:
- حضرتش درباره محرمی که به غیر همسرش نگاه نمود و انزال کرد فرمود:

عَلَيْهِ دَمٌ، لِأَنَّهُ نَظَرَ إِلَى غَيْرِ مَا يَحِلُّ لَهُ وَإِنْ لَمْ يَكُنْ أَنْزَلَ، فَلَيْتَقِيَ اللَّهَ وَلَا يَعُدَّ وَ  
لَيْسَ عَلَيْهِ شَيْءٌ.

۹- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ النَّهْدِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْوَلِيدِ عَنْ أَبَانَ  
بْنِ عُثْمَانَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ حَمَّادٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الْمُحْرِمِ يَقْبَلُ أُمَّهُ؟

قَالَ: لَا بَأْسَ هَذِهِ قُبْلَةٌ رَحْمَةً، إِنَّمَا يُكْرَهُ قُبْلَةُ الشَّهْوَةِ.

۱۰- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ وَهْبِ بْنِ حَفْصٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ يَسْمَعُ كَلَامَ امْرَأَةٍ مِنْ خَلْفِ حَائِطٍ وَهُوَ مُحْرِمٌ  
فَتَشَهَّى حَتَّى أَنْزَلَ.

قَالَ: لَيْسَ عَلَيْهِ شَيْءٌ.

۱۱- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَصْرِ  
عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

بر اوست که قربانی کند، زیرا که او به چیزی نگاه کرده که بر او حلال نیست و اگر انزال  
نکرده باید از خدا بترسد و این کار را تکرار نکند و بر عهده او چیزی نیست.

۹- حسین بن حماد گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: محرم می تواند مادرش را ببوسد؟  
فرمود: ایراد ندارد. این بوسه رحمت است، تنها بوسه شهوت مکروه است.

۱۰- ابوبصیر گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: مردی که سخن زنی را از پشت دیوار  
بشنود و شهوتی بشود تا انزال نماید چه حکمی دارد؟

فرمود: چیزی بر عهده او نیست.

۱۱- یکی از اصحاب ما گوید: امام صادق عليه السلام

فِي مُحْرِمٍ اسْتَمَعَ عَلَى رَجُلٍ يُجَامِعُ أَهْلَهُ فَأَمْنَى.  
قَالَ: لَيْسَ عَلَيْهِ شَيْءٌ.

۱۲ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ  
عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:  
فِي الْمُحْرِمِ تُنْعَتُ لَهُ الْمَرْأَةُ الْجَمِيلَةُ الْخِلْقَةُ فَيُمْنِي.  
قَالَ: لَيْسَ عَلَيْهِ شَيْءٌ.

(۱۰۵)

**بَابُ الْمُحْرِمِ يَأْتِي أَهْلَهُ وَقَدْ قَضَى بَعْضَ مَنَاسِكِهِ**

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْخَزَّازِ عَنْ سَلَمَةَ بْنِ  
مُحْرَزٍ قَالَ:

درباره محرمی که به صدای مردی که با همسرش جماع می کند گوش کند پس از او منی  
خارج شود فرمود:  
چیزی بر عهده او نیست.  
۱۲ - سماعه گوید: امام صادق عليه السلام درباره محرمی که نزد او زن زیبایی توصیف می شود  
و او انزال می کند فرمود:  
چیزی بر عهده او نیست.

**بخش صد و پنجم**

**حکم محرمی که پس از انجام بخشی از مناسک حج  
با همسرش نزدیکی می کند**

۱ - سلمة بن محرز گوید:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ وَقَعَ عَلَى أَهْلِهِ قَبْلَ أَنْ يَطُوفَ طَوَافَ النِّسَاءِ.  
 قَالَ: لَيْسَ عَلَيْهِ شَيْءٌ فَخَرَجْتُ إِلَى أَصْحَابِنَا فَأَخْبَرْتُهُمْ  
 فَقَالُوا: اتَّقَاكَ، هَذَا مُيَسَّرٌ قَدْ سَأَلَهُ عَنْ مِثْلِ مَا سَأَلْتَ فَقَالَ لَهُ: عَلَيْكَ بَدَنَةٌ.  
 قَالَ: فَدَخَلْتُ عَلَيْهِ فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! إِنِّي أَخْبَرْتُ أَصْحَابِنَا بِمَا أَجَبْتَنِي  
 فَقَالُوا: اتَّقَاكَ هَذَا مُيَسَّرٌ قَدْ سَأَلَهُ عَمَّا سَأَلْتَ فَقَالَ لَهُ: عَلَيْكَ بَدَنَةٌ.  
 فَقَالَ: إِنَّ ذَلِكَ كَانَ بَلَعَهُ فَهَلْ بَلَعَكَ؟  
 قُلْتُ: لَا.

قَالَ: لَيْسَ عَلَيْكَ شَيْءٌ.

۲ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي خَالِدٍ  
 الْقَمَاطِ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ وَقَعَ عَلَى امْرَأَتِهِ يَوْمَ النَّحْرِ قَبْلَ أَنْ يَزُورَ.  
 قَالَ: إِنْ كَانَ وَقَعَ عَلَيْهَا بِشَهْوَةٍ فَعَلَيْهِ بَدَنَةٌ، وَإِنْ كَانَ غَيْرَ ذَلِكَ فَبَقَرَةٌ.

از امام صادق عليه السلام پرسیدم: مردی که با همسرش نزدیکی کرد در حالی که هنوز طواف  
 نساء بجا نیاورده است چه حکمی دارد؟  
 فرمود: چیزی بر عهده او نیست.  
 من نزد اصحابمان رفتم و این سخن را به آنها باز گفتم.  
 آنها گفتند: حضرتش از تو تقیه کرده است. همین میسر پیش از تو این پرسش را از  
 حضرتش پرسید،

حضرت به او پاسخ داد: بر تو قربانی شتر است.  
 سلمة بن محرز گوید: باز خدمت آن حضرت رفتم و گفتم: قربانت گردم! من به یاران  
 خودم پاسخ شما را گفتم، گفتند: از تو تقیه کرده است همین میسر است از آن چه تو  
 پرسیدی او هم پرسید. فرمود: بر تو قربانی شتر است.  
 فرمود: که حکم آن به او رسیده بود، آیا به تو هم رسیده است؟  
 گفتم: نه.

فرمود: چیزی بر عهده تو نیست.

۲ - ابو خالد قَمَاطِ گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: کسی که روز قربان پیش از طواف  
 خانه خدا با همسرش نزدیکی نموده است چه حکمی دارد؟  
 فرمود: اگر با شهوت با او نزدیکی نموده است بایستی یک شتر قربانی کند و اگر غیر آن  
 بوده است یک گاو قربانی کند.

قُلْتُ: أَوْ شَاةٌ؟

قَالَ: أَوْ شَاةٌ.

۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ مُتَمَتِّعٍ وَقَعَ عَلَى أَهْلِهِ وَلَمْ يَزُرْ. قَالَ: يَنْحَرُ جَزُورًا وَ قَدْ حَشِيتُ أَنْ يَكُونَ قَدْ تُلِمَ حَجُّهُ إِنْ كَانَ عَالِمًا، وَإِنْ كَانَ جَاهِلًا فَلَا شَيْءَ عَلَيْهِ.

وَسَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ وَقَعَ عَلَى امْرَأَتِهِ قَبْلَ أَنْ يَطُوفَ طَوَافَ النِّسَاءِ. قَالَ: عَلَيْهِ جَزُورٌ سَمِينَةٌ، وَإِنْ كَانَ جَاهِلًا فَلَيْسَ عَلَيْهِ شَيْءٌ. قَالَ: وَسَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ قَبْلَ امْرَأَتِهِ وَ قَدْ طَافَ طَوَافَ النِّسَاءِ وَلَمْ تَطْفُ هِيَ. قَالَ: عَلَيْهِ دَمٌ يُهْرِيْقُهُ مِنْ عِنْدِهِ.

۴- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عِيصِ بْنِ الْقَاسِمِ قَالَ:

گفتم: یا گوسفند؟

فرمود: یا گوسفند.

۳- معاویة بن عمار گوید: از امام صادق عليه السلام در مورد کسی که حج تمتع را انجام می دهد و با همسرش نزدیکی می کند در صورتی که هنوز خانه کعبه را طواف نکرده بود؟ فرمود: یک شتر قربانی کند، همانا بیم آن دارم که حج او از بین رفته باشد، اگر از مسأله آگاه بود و اگر ناآگاه بود چیزی بر عهده او نیست.

باز از حضرتش پرسیدم: مردی که پیش از طواف نساء با همسرش نزدیکی کرده چه حکمی دارد؟

فرمود: بر اوست که یک شتر فربه قربانی کند و اگر از مسأله آگاه نبوده چیزی بر عهده او نیست.

پرسیدم: مردی که همسرش را می بوسد در حالی که خود طواف نساء را انجام داده، ولی همسرش هنوز طواف ننموده است.

فرمود: بر او یک قربانی است که از جانب خود قربانی کند.

۴- عیص بن قاسم گوید:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ وَقَعَ أَهْلُهُ حِينَ ضَحَّى قَبْلَ أَنْ يَزُورَ الْبَيْتَ.  
قَالَ: يُهْرِيْقُ دَمًا.

۵- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

إِذَا وَقَعَ الْمُحْرِمُ امْرَأَتَهُ قَبْلَ أَنْ يَأْتِيَ الْمُزْدَلِفَةَ فَعَلَيْهِ الْحَجُّ مِنْ قَابِلٍ.  
۶- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ ابْنِ مُحْبُوبٍ عَنْ ابْنِ رِثَابٍ عَنْ حُمْرَانَ بْنِ أَعْيَنَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:  
سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ كَانَ عَلَيْهِ طَوَافُ النِّسَاءِ وَحَدَّهُ فَطَافَ مِنْهُ خَمْسَةَ أَشْوَاطٍ ثُمَّ غَمَزَهُ بَطْنُهُ فَخَافَ أَنْ يَبْدُرَهُ فَخَرَجَ إِلَى مَنْزِلِهِ فَنَفَضَ ثُمَّ غَشِيَ جَارِيَتَهُ.  
قَالَ: يَغْتَسِلُ ثُمَّ يَرْجِعُ فَيَطُوفُ بِالْبَيْتِ طَوَافَيْنِ تَمَامَ مَا كَانَ قَدْ بَقِيَ عَلَيْهِ مِنْ طَوَافِهِ وَ يَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ لَا يَعُودُ.

از امام صادق عليه السلام پرسیدم: مردی پس از قربانی با همسرش نزدیکی نمود که هنوز خانه کعبه را طواف نکرده بود چه حکمی دارد؟  
فرمود: باید قربانی کند.

۵- معاویه بن عمار گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:  
هرگاه مرد پیش از ورود به مشعر با همسرش نزدیکی کند بایستی در سال آینده حج به جا آورد.

۶- حمران بن اعین گوید: از امام باقر عليه السلام پرسیدم: مردی فقط طواف نساء برگردن اوست پس پنج شوط آنرا انجام داد سپس دل درد گرفت و ترسید که چیزی از او بیرون آید به منزلش رفت خود را راحت نمود، سپس با کنیزش جماع کرد چه حکمی دارد؟  
فرمود: غسل می نماید و باز می گردد و دو شوط دیگر بیت را - که از طوافش مانده بود - انجام دهد و از خدا طلب آمرزش نموده و این کار را تکرار نمی کند.

وَإِنْ كَانَ طَافَ طَوَافَ النِّسَاءِ فَطَافَ مِنْهُ ثَلَاثَةَ أَشْوَاطٍ ثُمَّ خَرَجَ فَعَشِيَ فَقَدْ أَفْسَدَ حَجَّهُ وَ عَلَيْهِ بَدَنَةٌ وَ يَغْتَسِلُ ثُمَّ يَعُودُ فَيَطُوفُ أُسْبُوعًا.

۷- ابْنُ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ الْعَزِيزِ الْعَبْدِيِّ عَنْ عُبَيْدِ بْنِ زُرَّارَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ طَافَ بِالْبَيْتِ أُسْبُوعًا طَوَافَ الْفَرِيضَةِ ثُمَّ سَعَى بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ أَرْبَعَةَ أَشْوَاطٍ ثُمَّ عَمَرَهُ بَطْنُهُ فَخَرَجَ فَقَضَى حَاجَتَهُ ثُمَّ عَشِيَ أَهْلَهُ.

قَالَ: يَغْتَسِلُ ثُمَّ يَعُودُ فَيَطُوفُ ثَلَاثَةَ أَشْوَاطٍ وَ يَسْتَغْفِرُ رَبَّهُ وَ لَا شَيْءَ عَلَيْهِ. قُلْتُ: فَإِنْ كَانَ طَافَ بِالْبَيْتِ طَوَافَ الْفَرِيضَةِ فَطَافَ أَرْبَعَةَ أَشْوَاطٍ ثُمَّ عَمَرَهُ بَطْنُهُ فَخَرَجَ فَقَضَى حَاجَتَهُ فَعَشِيَ أَهْلَهُ.

فَقَالَ: أَفْسَدَ حَجَّهُ وَ عَلَيْهِ بَدَنَةٌ وَ يَغْتَسِلُ ثُمَّ يَرْجِعُ فَيَطُوفُ أُسْبُوعًا ثُمَّ يَسْعَى وَ يَسْتَغْفِرُ رَبَّهُ.

و اگر از طواف نساء سه شوط انجام داده بود، سپس بیرون رفت و جماع کرد. در این صورت حج او باطل شده است و بایستی یک شتر قربانی کند و غسل نماید سپس برگردد و هفت شوط طواف نماید.

۷- عبید بن زرارہ گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: مردی که هفت شوط طواف واجب را انجام داد، سپس بین صفا و مروہ چهار مرتبہ سعی نمود، بعد دل درد گرفت و بیرون آمد و بہ قضای حاجت رفت سپس با ہمسرش نزدیکی نمود، چہ حکمی دارد؟ فرمود: غسل می کند و باز می گردد و سه مرتبہ دیگر سعی می نماید و از پروردگارش طلب آمرزش کند و چیزی بر عہدہ او نیست.

گفتم: اگر طواف واجب بیت چهار شوط انجام دہد، سپس درد دل گرفته پس بیرون رفته و قضای حاجت نماید و با ہمسرش نزدیکی کند، چہ وظیفہ ای دارد؟ فرمود: او حج خود را فاسد نمودہ است. بایستی یک شتر قربانی کند و غسل نماید و برگشتہ ہفت بار طواف می کند، سپس سعی نمودہ و از پروردگارش طلب آمرزش می نماید.



قُلْتُ: كَيْفَ لَمْ تَجْعَلْ عَلَيْهِ حِينَ غَشِيَ أَهْلَهُ قَبْلَ أَنْ يَفْرُغَ مِنْ سَعْيِهِ كَمَا جَعَلْتَ عَلَيْهِ هَذَا حِينَ غَشِيَ أَهْلَهُ قَبْلَ أَنْ يَفْرُغَ مِنْ طَوَافِهِ.

قَالَ: إِنَّ الطَّوَافَ فَرِيضَةٌ وَفِيهِ صَلَاةٌ وَالسَّعْيُ سُنَّةٌ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ.

قُلْتُ: أَلَيْسَ اللَّهُ يَقُولُ: «إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ»؟

قَالَ: بَلَى، وَ لَكِنْ قَدْ قَالَ فِيهِمَا: «وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ» فَلَوْ كَانَ السَّعْيُ فَرِيضَةً لَمْ يَقُلْ فَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا.

۸ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ يَقْطِينٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ قَالَ لِمَرْأَتِهِ أَوْ لِحَارِيتِهِ بَعْدَ مَا حَلَقَ فَلَمْ يَطُفْ وَ لَمْ يَسْعَ بَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ: اطَّرَحِي ثَوْبَكَ وَ نَظَرِي إِلَى فَرْجِهَا.

قَالَ: لَا شَيْءَ عَلَيْهِ إِذَا لَمْ يَكُنْ غَيْرَ النَّظَرِ.

گفتم: چرا برای او در جایی که قبل از پایان یافتن سعی نزدیکی می‌نماید، قربانی قرار ندادی؟ مانند جایی که قبل از پایان یافتن طواف نزدیکی می‌نماید که بر او قربانی قرار دادی؟

فرمود: چون طواف واجب است و در آن نماز است در حالی که سعی سنتی از رسول خدا ﷺ است.

گفتم: آیا خداوند نفرموده است: «به راستی صفا و مروه از شعائر خداوند است»؟

فرمود: آری، ولی در این دو مورد فرموده است: «پس اگر کسی تطوع نمود برای او بهتر است، چرا که خداوند شاکر داناست»

پس اگر سعی واجب بود، نمی‌فرمود: «اگر کسی تطوع نمود بهتر است»

۸ - علی بن یقطین گوید: از امام کاظم علیه السلام پرسیدم: مردی پس از تراشیدن سرو پیش از طواف و سعی بین صفا و مروه به همسر یا کنیزش می‌گوید: لباس را درآور آن گاه به شرمگاه او می‌نگرد چه حکمی دارد؟

فرمود: چیزی بر عهده او نیست، هر گاه غیر از نگاه چیز دیگری نباشد.

(۱۰۶)

## أَبْوَابُ الصَّيْدِ

بَابُ النَّهْيِ عَنِ الصَّيْدِ وَ مَا يُصْنَعُ بِهِ إِذَا أَصَابَهُ الْمُحْرَمُ  
وَالْمُحِلُّ فِي الْحِلِّ وَالْحَرَمِ

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: لَا تَسْتَحِلُّ شَيْئاً مِنَ الصَّيْدِ وَأَنْتَ حَرَامٌ وَلَا وَأَنْتَ حَلَالٌ فِي الْحَرَمِ وَلَا تَذَلُّ عَلَيْهِ مُحِلًّا وَلَا مُحَرِّمًا فَيَضْطَادُّوهُ وَلَا تُشِرْ إِلَيْهِ فَيُسْتَحِلَّ مِنْ أَجْلِكَ، فَإِنَّ فِيهِ فِدَاءً لِمَنْ تَعَمَّدَهُ.

۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ جَمِيعاً عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَفْصِ بْنِ الْبَخْتَرِيِّ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

## بخش صد و ششم

بازداشت از شکار و این که هر گاه محرم و غیر محرم در حرم و بیرون آن  
با شکار برخورد کند با آن چه کند؟

۱ - حلبی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

چیزی از شکار را در حال احرام، هم چنین در حال غیر احرام و در حرم حلال مشمار و به محرم و غیر محرم حیوانی را راهنمایی نکن تا آن را شکار کنند و به سوی آن اشاره نکن تا به سبب تو حلال شمرده شود، زیرا کسی که از روی عمد شکار کند باید کفاره دهد.

۲ - منصور بن حازم گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

الْمُحْرِمُ لَا يَدُلُّ عَلَى الصَّيْدِ، فَإِنْ دَلَّ عَلَيْهِ فَقَتِلَ فَعَلَيْهِ الْفِدَاءُ.  
 ۳- ابنُ أَبِي عُمَيْرٍ وَ صَفْوَانُ بْنُ يَحْيَى جَمِيعاً عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي  
 عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

لَا تَأْكُلُ مِنَ الصَّيْدِ وَأَنْتَ حَرَامٌ وَإِنْ كَانَ الَّذِي أَصَابَهُ مُحِلٌّ وَ لَيْسَ عَلَيْكَ فِدَاءٌ  
 مَا أَتَيْتَهُ بِجَهَالَةٍ إِلَّا الصَّيْدَ، فَإِنَّ عَلَيْكَ فِيهِ الْفِدَاءَ بِجَهْلٍ كَانَ أَوْ بَعْمَدٍ.  
 ۴- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ  
 الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ الْمُحْرِمِ يَصِيدُ الصَّيْدَ بِجَهَالَةٍ.  
 قَالَ: عَلَيْهِ كَفَّارَةٌ.  
 قُلْتُ: فَإِنَّهُ أَصَابَهُ خَطَأً.  
 قَالَ: وَ أَيْ شَيْءٍ الْخَطَأُ عِنْدَكَ؟  
 قُلْتُ: يَزْمِي هَذِهِ النَّخْلَةَ فَيُصِيبُ نَخْلَةً أُخْرَى.

محرم نباید کسی را به شکار راهنمایی کند که در این صورت اگر شکار کشته شود  
 بایستی یک قربانی کفاره دهد.

۳- معاویه بن عمار گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:  
 در حال احرام از گوشت شکار مخور گرچه غیر محرم آن را شکار نموده باشد، و کفاره  
 چیزی که از روی ناآگاهی انجام می دهی بر تو نیست مگر شکار که در آن کفاره بر عهده  
 توست؛ چه از روی ناآگاهی باشد چه از روی عمد باشد.

۴- ابن ابی نصر گوید: از امام رضا علیه السلام پرسیدم:  
 حکم محرمی که از روی ناآگاهی شکار می کند چیست؟  
 فرمود: بایستی کفاره دهد.

گفتم: اگر به خطاء زده باشد چه؟

فرمود: نزد تو خطاء چیست؟

گفتم: می خواست به این درخت خرما بزند، به درخت خرما ی دیگر اصابت کرد.

قَالَ: نَعَمْ هَذَا الْخَطَاُ وَعَلَيْهِ الْكَفَّارَةُ.  
 قُلْتُ: فَإِنَّهُ أَخَذَ طَائِرًا مُتَعَمِّدًا فَذَبَحَهُ وَهُوَ مُحْرِمٌ.  
 قَالَ: عَلَيْهِ الْكَفَّارَةُ.  
 قُلْتُ: أَلَسْتَ قُلْتَ: إِنَّ الْخَطَاُ وَالْجَهَالََةَ وَالْعَمْدَ لَيْسُوا بِسَوَاءٍ؟ فَلَايُّ شَيْءٍ  
 يَفْضُلُ الْمُتَعَمِّدُ الْجَاهِلُ وَالْخَاطِئُ؟  
 قَالَ: إِنَّهُ أَثِمَ وَلَعِبَ بِدِينِهِ.  
 ۵- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ  
 محبوبٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ رِثَابٍ عَنْ مِسْمَعٍ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:  
 إِذَا رَمَى الْمُحْرِمُ صَيْدًا فَأَصَابَ اثْنَيْنِ فَإِنَّ عَلَيْهِ كَفَّارَتَيْنِ جَزَاؤُهُمَا.  
 ۶- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى وَابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ  
 عَمَّارٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

فرمود: آری این از روی اشتباه و خطاست و بر او کفاره است.  
 گفتم: اگر پرنده‌ای را از روی عمد در حال احرام گرفت و سر برید، چه حکمی دارد؟  
 فرمود: بر اوست که کفاره دهد.  
 گفتم: مگر شما نفرمودید که خطاء و نادانی و عمد برابر نیستند. پس چه فرقی است بین  
 متعمد، نادان و خطاکار؟  
 فرمود: زیرا که متعمد گناه می‌کند و با دین بازی می‌نماید.  
 ۵- مسمع بن عبدالمک گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:  
 هرگاه محرم به شکار تیراندازد و به دو شکار اصابت کند، بر او دو کفاره به عنوان جزای  
 آنهاست.  
 ۶- معاویة بن عمار گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

إِذَا أَصَابَ الْمُحْرِمُ الصَّيْدَ فِي الْحَرَمِ وَهُوَ مُحْرِمٌ، فَإِنَّهُ يَنْبَغِي لَهُ أَنْ يَدْفِنَهُ وَلَا يَأْكُلَهُ أَحَدٌ وَإِذَا أَصَابَهُ فِي الْحِلِّ، فَإِنَّ الْحَلَالَ يَأْكُلُهُ وَعَلَيْهِ هُوَ الْفِدَاءُ.

۷- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: رَجُلٌ أَصَابَ مِنْ صَيْدٍ أَصَابَهُ مُحْرِمٌ وَهُوَ حَلَالٌ.

قَالَ: فَلْيَأْكُلْ مِنْهُ الْحَلَالَ، وَلَيْسَ عَلَيْهِ شَيْءٌ، إِنَّمَا الْفِدَاءُ عَلَى الْمُحْرِمِ.

۸- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ حَرِيزِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ لُحُومِ الْوَحْشِ تُهْدَى إِلَى الرَّجُلِ وَلَمْ يَعْلَمْ صَيْدَهَا وَ لَمْ يَأْمُرْ بِهِ أَيَا كُلُّهُ؟  
قَالَ: لَا.

قَالَ: وَ سَأَلْتُهُ أَيَا كُلُّ قَدِيدِ الْوَحْشِ مُحْرِمٌ؟  
قَالَ: لَا.

هر گاه محرم حیوانی را در حرم شکار کرد، سزاوار است که آن را دفن کند و کسی از گوشت آن نخورد؛ و هر گاه در بیرون حرم شکار کرد، غیر محرم می تواند از آن بخورد و برگردن محرم (شکار کننده) کفاره است.

۷- منصور بن حازم گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: انسان غیر محرم می تواند از شکار محرم بخورد؟

فرمود: غیر محرم می تواند از آن بخورد و چیزی بر عهده او نیست، کفاره فقط بر گردن محرم است.

۸- محمد بن مسلم گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: از گوشت حیوانات وحشی به شخص (محرم) هدیه می شود و نمی داند که شکار آن چگونه است و به آن هم دستور نداده است آیا می تواند از آن میل کند؟  
فرمود: نه.

گوید: پرسیدم: آیا (محرم) می تواند از گوشت حیوانات وحشی بخورد؟  
فرمود: نه.

- ۹- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَمِيلٍ قَالَ:  
قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الصَّيْدُ يَكُونُ عِنْدَ الرَّجُلِ مِنَ الْوَحْشِ فِي أَهْلِهِ أَوْ مِنَ الطَّيْرِ يُحْرِمُ وَهُوَ فِي مَنْزِلِهِ.  
قَالَ: لَا بَأْسَ لَا يَضُرُّهُ.
- ۱۰- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:  
مَا وَطِئْتُهُ أَوْ وَطِئَهُ بَعِيرُكَ وَأَنْتَ مُحْرِمٌ فَعَلَيْكَ فِدَاؤُهُ.  
وَقَالَ: اْعْلَمْ! أَنَّهُ لَيْسَ عَلَيْكَ فِدَاءُ شَيْءٍ أَتَيْتَهُ وَأَنْتَ جَاهِلٌ بِهِ وَأَنْتَ مُحْرِمٌ فِي حَجِّكَ وَلَا فِي عُمْرَتِكَ إِلَّا الصَّيْدَ، فَإِنَّ عَلَيْكَ فِيهِ الْفِدَاءَ بِجَهَالَةٍ كَانَ أَوْ بَعْمَدٍ.
- ۱۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ جَعْفَرٍ عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

- ۹- جمیل گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: شخصی از خانه خودش محرم می شود و در خانه اش از گوشت حیوانات وحشی و پرندگان شکار شده دارد، می تواند از آنها میل کند؟  
فرمود: ایرادی ندارد، و بر او ضرر نمی رساند.
- ۱۰- معاویه بن عمار گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:  
هر چه را در حال احرام پایمال کنی و یا شتر تو پایمال کند باید کفاره آن را بدهی.  
حضرتش فرمود: بدان! برای تو کفاره چیزی در حال احرام حج و عمره نیست که از روی نادانی انجام دهی مگر شکار را، زیرا در آن کفاره است، خواه دانسته و خواه ندانسته انجام پذیرد.
- ۱۱- سکونی گوید: امام صادق علیه السلام از پدرانش علیه السلام نقل می کند که حضرتش فرمود:

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ فِي الْمُحْرَمِ يُصِيبُ الصَّيْدَ فَيُدْمِيهِ ثُمَّ يُرْسِلُهُ.  
قَالَ: عَلَيْهِ جَزَاؤُهُ.

(۱۰۷)

### بَابُ الْمُحْرَمِ يُضْطَرُّ إِلَى الصَّيْدِ وَالْمَيْتَةِ

- ۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:  
سَأَلْتُهُ عَنِ الْمُحْرَمِ يُضْطَرُّ فَيَجِدُ الْمَيْتَةَ وَالصَّيْدَ أَيُّهُمَا يَأْكُلُ؟  
قَالَ: يَأْكُلُ مِنَ الصَّيْدِ مَا يُحِبُّ أَنْ يَأْكُلَ مِنْ مَالِهِ؟  
قُلْتُ: بَلَى.  
قَالَ: إِنَّمَا عَلَيْهِ الْفِدَاءُ فَلْيَأْكُلْ وَ لِيُفِدِهِ.
- ۲ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَالٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ قَالَ:

حضرت امیرمؤمنان علی علیه السلام در مورد محرمی که شکار می نماید پس آن را خون آلود کرده سپس ذبح می کند فرمود:  
بر اوست در ازای آن کفاره دهد.

### بخش صد و هفتم

### حکم محرمی که به خوردن گوشت شکار و حیوان مردار ناگزیر می شود

- ۱ - حلبی گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: هرگاه محرمی به خوردن گوشت مردار و شکار ناگزیر باشد کدام یک را بخورد؟  
فرمود: شکار را بخورد (آیا) دوست ندارد که از مال خودش بخورد؟  
گفتم: آری.  
فرمود: فقط کفاره بر عهده اوست؛ پس از آن بخورد و کفاره اش را بدهد.
- ۲ - یونس بن یعقوب گوید:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْمُضْطَرِّ إِلَى الْمَيْتَةِ وَهُوَ يَجِدُ الصَّيْدَ.  
 قَالَ: يَأْكُلُ الصَّيْدَ.  
 قُلْتُ: إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَلَّ لَهُ الْمَيْتَةَ إِذَا اضْطُرَّ إِلَيْهَا وَلَمْ يُحِلَّ لَهُ الصَّيْدَ.  
 قَالَ: تَأْكُلُ مِنْ مَالِكَ أَحَبُّ إِلَيْكَ أَوْ مِنْ مَيْتَةٍ؟  
 قُلْتُ: مِنْ مَالِي؟  
 قَالَ: هُوَ مَالُكَ، لِأَنَّ عَلَيْكَ فِدَاهُ.  
 قُلْتُ: فَإِنْ لَمْ يَكُنْ عِنْدِي مَالٌ.  
 قَالَ: تَقْتَضِيهِ إِذَا رَجَعْتَ إِلَى مَالِكَ.  
 ۳- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ شِهَابٍ عَنْ  
 ابْنِ بُكَيْرٍ وَزُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ ابْنِ أَبِي اضْطُرَّ إِلَى مَيْتَةٍ وَصَيْدٍ وَهُوَ مُحْرِمٌ.  
 قَالَ: يَأْكُلُ الصَّيْدَ وَيَفْدِي.

از امام صادق علیه السلام پرسیدم: محرمی که به خوردن مردار مضطر می شود، در حالی که به  
 شکار دسترسی دارد چه باید بکند؟  
 فرمود: از شکار میل کند.  
 عرض کردم: خداوند در حال اضطرار مردار را بر انسان (محرم و غیر محرم) حلال  
 کرده، ولی شکار را بر محرم حلال نکرده است.  
 فرمود: از مال خودت بخوری بیشتر دوست داری یا از مردار؟  
 گفتم: از مال خودم.  
 فرمود: شکار نیز از مال توست، چرا که کفاره آن بر عهده توست.  
 گفتم: اگر در آن موقع مالی نداشتم چه کنم.  
 فرمود: چون به مالت رسیدی کفاره را قضا کن.  
 ۳- ابن بکیر و زراره گویند: امام صادق علیه السلام درباره شخصی که در حال احرام به خوردن  
 مردار و شکار مضطر می شود فرمود:  
 از شکار میل می کند و کفاره می دهد.



(۱۰۸)

**بَابُ الْمُحْرَمِ يَصِيدُ الصَّيْدَ مِنْ أَيْنَ يَفْدِيهِ؟ وَ أَيْنَ يَذْبَحُهُ؟**

- ۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ صَفْوَانَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: يَفْدِي الْمُحْرَمُ فِدَاءَ الصَّيْدِ مِنْ حَيْثُ أَصَابَهُ.
- ۲ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ بَعْضِ رِجَالِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: مَنْ وَجَبَ عَلَيْهِ هَدْيٌ فِي إِحْرَامِهِ فَلَهُ أَنْ يَنْحَرَهُ حَيْثُ شَاءَ إِلَّا فِدَاءَ الصَّيْدِ، فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ: ﴿هَذَا بَالِغُ الْكَفَّةِ﴾.
- ۳ - أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

**بخش صدو هشتم****حکم محرمی که شکار می کند از کجا کفاره دهد و در کجا قربانی نماید؟**

- ۱ - معاویه بن عمار گوید: حضرتش فرمود: محرم در جایی که شکار نموده است کفاره می دهد.
- ۲ - راوی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: هر که در احرام یک شتر قربانی بر او واجب شود می تواند هر جا که خواست آن را نحر نماید، مگر قربانی شکار را، زیرا خداوند متعال می فرماید: «قربانی که به کعبه رسیده باشد».
- ۳ - عبدالله بن سنان گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

مَنْ وَجَبَ عَلَيْهِ فِدَاءٌ صَيْدًا أَصَابَهُ وَهُوَ مُحْرِمٌ، فَإِنْ كَانَ حَاجًّا نَحَرَ هَذِيهُ الَّذِي  
يَجِبُ عَلَيْهِ بِمَنَى، وَإِنْ كَانَ مُعْتَمِرًا نَحَرَ بِمَكَّةَ قُبَالَهَ الْكَعْبَةِ.

۴ - الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَّاءِ عَنْ أَبَانَ  
عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ:

فِي الْمُحْرِمِ إِذَا أَصَابَ صَيْدًا فَوَجَبَ عَلَيْهِ الْفِدَاءُ فَعَلَيْهِ أَنْ يَنْحَرَهُ إِنْ كَانَ فِي  
الْحَجِّ بِمَنَى حَيْثُ يَنْحَرُ النَّاسُ، فَإِنْ كَانَ فِي عُمْرَةٍ نَحَرَ بِمَكَّةَ، وَإِنْ شَاءَ تَرَكَهُ إِلَى  
أَنْ يَفْقَدَ فَيَشْتَرِيهِ فَإِنَّهُ يُجْزَى عَنْهُ.

(۱۰۹)

### بَابُ كَفَّارَاتِ مَا أَصَابَ الْمُحْرِمُ مِنَ الْوَحْشِ

۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي  
حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

هر محرمی که برای انجام قربانی که بر عهده او واجب باشد اگر محرم به حج است،  
قربانی را در منا بکشد و اگر محرم به عمره باشد آن را در مکه رو به روی کعبه بکشد.  
۴ - زراره نیز نظیر این روایت را از امام باقر عليه السلام نقل می کند و می افزاید: حضرتش فرمود:  
و اگر خواست آن را تأخیر می اندازد تا (به و وطنش) برگردد و آن را خریداری نماید (و  
قربانی نماید) پس همان برای او کافی است.

### بخش صدو نهم

### کفاره شکار حیوانات وحشی

۱ - ابوبصیر گوید:

سَأَلْتُهُ عَنْ مُحْرِمٍ أَصَابَ نَعَامَةً أَوْ حِمَارًا وَحُشٍ.  
قَالَ: عَلَيْهِ بَدَنَةٌ.

قُلْتُ: فَإِنْ لَمْ يَقْدِرْ عَلَى بَدَنَةٍ.

قَالَ: فَلْيُطْعِمْ سِتِّينَ مِسْكِينًا.

قُلْتُ: فَإِنْ لَمْ يَقْدِرْ عَلَى أَنْ يَتَصَدَّقَ.

قَالَ: فَلْيَصُمْ ثَمَانِيَةَ عَشَرَ يَوْمًا وَ الصَّدَقَةُ مُدٌّ عَلَى كُلِّ مِسْكِينٍ.

قَالَ: وَ سَأَلْتُهُ عَنْ مُحْرِمٍ أَصَابَ بَقْرَةً.

قَالَ: عَلَيْهِ بَقْرَةٌ.

قُلْتُ: فَإِنْ لَمْ يَقْدِرْ عَلَى بَقْرَةٍ.

قَالَ: فَلْيُطْعِمْ ثَلَاثِينَ مِسْكِينًا.

قُلْتُ: فَإِنْ لَمْ يَقْدِرْ عَلَى أَنْ يَتَصَدَّقَ.

قَالَ: فَلْيَصُمْ تِسْعَةَ أَيَّامٍ.

از امام صادق عليه السلام پرسیدم: محرمی که شتر مرغ و یا گورخری را شکار کند (چه وظیفه دارد؟)

فرمود: بر ذمه او قربانی شتری است.

گفتم: اگر نتواند چه؟

فرمود: شصت مسکین را اطعام کند.

گفتم: اگر نتواند چه؟

فرمود: هیجده روز، روزه بگیرد و یک مدّ بر هر مسکینی صدقه دهد.

گوید: از حضرتش پرسیدم: محرمی که گاو شکار کند (چه کفاره‌ای دارد؟)

فرمود: بر ذمه اوست یک گاو قربانی کند.

گفتم: اگر توانایی آن را نداشته باشد چه؟

فرمود: سی مسکین را اطعام کند.

گفتم: اگر توانایی چنین کاری را نداشته باشد چه؟

فرمود: نه روز، روزه بگیرد.

قُلْتُ: فَإِنْ أَصَابَ ظَنِيًّا.

قَالَ: عَلَيْهِ شَأَةٌ.

قُلْتُ: فَإِنْ لَمْ يَقْدِرْ.

قَالَ: فَإِطْعَامُ عَشْرَةِ مَسَاكِينَ، فَإِنْ لَمْ يَقْدِرْ عَلَى مَا يَتَصَدَّقُ بِهِ فَعَلَيْهِ صِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ.

۲- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ دَاوُدَ الرَّقِّيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي الرَّجُلِ يَكُونُ عَلَيْهِ بَدَنَةٌ وَاجِبَةٌ فِي فِدَاءٍ.

قَالَ: إِذَا لَمْ يَجِدْ بَدَنَةً فَسَبْعُ شَيَاهِ، فَإِنْ لَمْ يَقْدِرْ صَامَ ثَمَانِيَةَ عَشَرَ يَوْمًا.

۳- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ فَضَالٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: «أَوْ عَذْلٌ ذَلِكَ صِيَامًا».

قَالَ: يُثَمَّنُ قِيمَةَ الْهَدْيِ طَعَامًا ثُمَّ يَصُومُ لِكُلِّ مَدِّ يَوْمًا، فَإِذَا زَادَتْ الْأُمْدَادُ عَلَى شَهْرَيْنِ فَلَيْسَ عَلَيْهِ أَكْثَرُ مِنْهُ.

گفتم: اگر آهوئی را شکار کرد چه؟

فرمود: بر اوست یک گوسفند، قربانی کند.

گفتم: اگر نتوانست چه؟

فرمود: ده مسکین را اطعام نماید و اگر نتوانست که صدقه دهد پس بر اوست که سه روز، روزه بگیرد.

۲- داوود رقی گوید: امام صادق عليه السلام در مورد کسی که بر ذمه اش شتری از بابت کفاره است فرمود:

هر گاه شتر قربانی نیافت، هفت رأس گوسفند کفاره دهد و اگر قدرت آن را نداشته باشد، هیجده روز، روزه بگیرد.

۳- یکی از اصحاب ما گوید: امام صادق عليه السلام در مورد گفتار خداوند متعال که می فرماید: «یا برابر آن (اطعام مساکین) روزه بگیرد» فرمود:

به اندازه قیمت قربانی طعام محاسبه می شود و برای هر مدّ یک روز، روزه می گیرد. هنگامی که اندازه مدّها بیشتر از دو ماه شد، پس بیشتر از آن بر ذمه او نیست (که روزه بگیرد).

۴- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ جَمِيعاً عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ شُعَيْبٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

قُلْتُ لَهُ: الْمُحْرِمُ يَقْتُلُ نَعَامَةً.

قَالَ: عَلَيْهِ بَدَنَةٌ مِنَ الْإِبِلِ.

قُلْتُ: يَقْتُلُ حِمَارَ وَحْشٍ.

قَالَ: عَلَيْهِ بَدَنَةٌ.

قُلْتُ: فَالْبَقَرَةُ؟

قَالَ: بَقَرَةٌ.

۵- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي مُحْرِمٍ قَتَلَ نَعَامَةً. قَالَ: عَلَيْهِ بَدَنَةٌ، فَإِنْ لَمْ يَجِدْ فَأَطْعَامُ سِتِّينَ مَسْكِينًا.

۴- یعقوب بن شعیب گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: محرمی که شتر مرغی را شکار کند (چه وظیفه دارد؟)

فرمود: بر ذمه او قربانی شتری است.

پرسیدم: اگر گورخر شکار کند؟

فرمود: بر ذمه اوست یک شتر قربانی کند.

پرسیدم: اگر گاو شکار کند چه؟

فرمود: بر اوست یک گاو قربانی کند.

۵- یکی از اصحاب ما گوید: امام صادق عليه السلام در مورد محرمی که شتر مرغی را کشت،

فرمود: بر ذمه او یک شتر است، پس اگر نیافت اطعام شصت مسکین است.

وَقَالَ: إِنْ كَانَ قِيَمَةُ الْبَدَنَةِ أَكْثَرَ مِنْ إِطْعَامِ سِتِّينَ مَسْكِينًا لَمْ يَزِدْ عَلَى إِطْعَامِ سِتِّينَ مَسْكِينًا، وَإِنْ كَانَ قِيَمَةُ الْبَدَنَةِ أَقَلَّ مِنْ إِطْعَامِ سِتِّينَ مَسْكِينًا لَمْ يَكُنْ عَلَيْهِ إِلَّا قِيَمَةُ الْبَدَنَةِ.

۶- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي مُحْرَمٍ رَمَى ظَنِيًّا فَأَصَابَهُ فِي يَدِهِ فَعَرَجَ مِنْهَا.

قَالَ: إِنْ كَانَ الظَّنِّي مَشَى عَلَيْهَا وَرَعَى فَعَلَيْهِ رُبْعُ قِيَمَتِهِ، وَإِنْ كَانَ ذَهَبَ عَلَى وَجْهِهِ فَلَمْ يَذَرْ مَا صَنَعَ فَعَلَيْهِ الْفِدَاءُ، لِأَنَّهُ لَا يَذَرِي لَعَلَّهُ قَدْ هَلَكَ.

۷- سَهْلُ بْنُ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ قَتَلَ تَغْلَبًا. قَالَ: عَلَيْهِ دَمٌ. قُلْتُ: فَأَرْبَابًا.

و فرمود: اگر قیمت شتر بیش از اطعام شصت مسکین باشد در صورت انتخاب اطعام بر آن تعداد مساکین اضافه نمی‌شود و اگر قیمت شتر کمتر شد بیشتر از قیمت شتر بر ذمه او نیست. ۶- ابوبصیر گوید: امام صادق عليه السلام در مورد محرمی که به آهوئی تیر انداخت پس به دست او خورده و لنگ شد فرمود:

اگر آهو بتواند با آن راه رفته و بچرد پس بر ذمه اوست که یک چهارم قیمت آن و اگر برود و معلوم نشود که چه شد پس بر ذمه او کفاره کامل است، چون که نمی‌داند؛ شاید هلاک شده باشد.

۷- ابوبصیر گوید: از امام صادق عليه السلام درباره مرد (محرمی که) روباهی را کشت پرسیدم. فرمود: بر اوست قربانی کند.

گفتم: اگر خرگوش را بکشد چه؟

قَالَ: مِثْلُ مَا عَلَى الثَّغْلَبِ.

۸- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ مُحْرِمٍ أَصَابَ أَرْزَبًا أَوْ ثَعْلَبًا.

قَالَ: فِي الْأَرْزَبِ شَاةٌ.

۹- سَهْلُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ رِثَابٍ عَنْ مِسْمَعٍ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ مِسْمَعٍ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: الْيَرْبُوعُ وَالْقَنْفُذُ وَالضَّبُّ إِذَا أَصَابَهُ الْمُحْرِمُ فَعَلَيْهِ جَدْيٌ وَالْجَدْيُ خَيْرٌ مِنْهُ، وَإِنَّمَا جُعِلَ عَلَيْهِ هَذَا كَيْ يَنْكُلَ عَنْ صَيْدٍ غَيْرِهِ.

۱۰- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ وَ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ رِثَابٍ عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

فرمود: کفاره آن همانند کفاره روباه است.

۸- احمد بن محمد بن ابی نصر گوید: از امام رضا علیه السلام درباره محرمی که خرگوش یا روباه

شکار می‌کند پرسیدم.

فرمود: در شکار خرگوش بایستی یک گوسفند قربانی کند.

۹- مسمع گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

هرگاه محرم کلا نگوشت، خارپشت، سوسمار را بکشد بایستی یک بزغاله قربانی کند و بزغاله بهتر از آن (صید شده‌ها) است و همانا این حکم بر محرم قرار داده شده تا از شکار غیر آن‌ها سرباز زند.

۱۰- ابی عبیده گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

إِذَا أَصَابَ الْمُحْرِمُ الصَّيْدَ وَلَمْ يَجِدْ مَا يُكَفِّرُ مِنْ مَوْضِعِهِ الَّذِي أَصَابَ فِيهِ  
الصَّيْدَ قَوْمَ جَزَائِهِ مِنَ النَّعْمِ دَرَاهِمَ، ثُمَّ قُومَتِ الدَّرَاهِمُ طَعَاماً لِكُلِّ مِسْكِينٍ نِصْفُ  
صَاعٍ، فَإِنْ لَمْ يَقْدِرْ عَلَى الطَّعَامِ صَامَ لِكُلِّ نِصْفِ صَاعٍ يَوْماً.  
۱۱ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي  
حَمْزَةَ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ أَصَابَ بَيْضَ نَعَامَةٍ وَهُوَ مُحْرِمٌ.

قَالَ: يُرْسِلُ الْفَحْلَ فِي الْإِبِلِ عَلَى عَدَدِ الْبَيْضِ.

قُلْتُ: فَإِنَّ الْبَيْضَ يَفْسُدُ كُلُّهُ وَيَصْلَحُ كُلُّهُ.

قَالَ: مَا يُتَنَجُّ مِنَ الْهَدْيِ فَهُوَ هَدْيٌ بَالِغُ الْكَعْبَةِ، وَإِنْ لَمْ يُتَنَجَّ فَلَيْسَ عَلَيْهِ شَيْءٌ،  
فَمَنْ لَمْ يَجِدْ إِبِلًا فَعَلَيْهِ لِكُلِّ بَيْضَةٍ شَاةٌ، فَإِنْ لَمْ يَجِدْ فَالْصَّدَقَةُ عَلَى عَشْرَةِ مَسَاكِينَ  
لِكُلِّ مِسْكِينٍ مُدٌّ، فَإِنْ لَمْ يَقْدِرْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ.

هنگامی که محرم شکار نمود و چیزی را در شکارگاه به عنوان کفاره نیافت قیمت آن  
شکار حیوان به درهم و بعد با گندم قیمت گذاری شده برای هر مسکین نصف صاع داده  
می شود و اگر توانایی گندم نداشت برای هر نصف صاع یک روز، روزه بگیرد.  
۱۱ - علی بن ابی حمزه گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: محرمی که تخم شتر مرغ را  
شکست (چه وظیفه ای دارد؟)

فرمود: به تعداد تخم شتر مرغ شتر نر را بر شتران ماده بجهاند.

گفتم: گاهی همه تخم ها شکسته می شود و یا سالم می ماند؟

فرمود: آن چه از تخم به عمل می آید، پس آن قربانی است که به کعبه رسیده است و اگر  
از آن تخم چیزی به عمل نیامد، پس در عهده او چیزی نیست، پس هر که شتران ماده  
نیافت در ازای هر تخمی گوسفندی است و اگر گوسفند نیافت به ده مسکین برای هر  
مسکین یک مد طعام صدقه دهد و اگر توانایی نداشت سه روز، روزه بگیرد.



- ۱۲ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ رِثَابٍ عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ اشْتَرَى لِرَجُلٍ مُحْرِمٍ بَيْضَ نَعَامَةٍ فَأَكَلَهُ الْمُحْرِمُ. قَالَ: عَلَى الَّذِي اشْتَرَاهُ لِلْمُحْرِمِ فِدَاءٌ وَعَلَى الْمُحْرِمِ فِدَاءٌ. قُلْتُ: وَمَا عَلَيْهِمَا؟ قَالَ: عَلَى الْمُحِلِّ جَزَاءُ قِيمَةِ الْبَيْضِ لِكُلِّ بَيْضَةٍ دِرْهَمٌ، وَعَلَى الْمُحْرِمِ الْجَزَاءُ لِكُلِّ بَيْضَةٍ شَاةٌ.
- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ رِثَابٍ عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ مِثْلَهُ.
- ۱۳ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيعٍ عَنْ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ يَزِيدَ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: فِي رَجُلٍ مَرَّ وَهُوَ مُحْرِمٌ فَأَخَذَ ظَبْيَةً فَأَخْتَلَبَهَا وَشَرِبَ لَبَنَهَا.

- ۱۲ - ابو عبیده گوید: از امام باقر عليه السلام پرسیدم: شخصی برای محرمی تخم شتر مرغ خرید. محرم نیز آن را خورد (چه حکمی دارد؟) فرمود: هم برای خریدار و هم برای محرم کفاره است. گفتم: کفاره آنها چیست؟ فرمود: برای غیر محرم درازای هر تخمی بهای آن و برای محرم جهت هر تخمی یک گوسفند کفاره است.
- ۱۳ - یزید بن عبد الملک گوید: امام صادق عليه السلام درباره مرد محرمی که به آهوئی می‌رسد و آن را دوشیده و شیرش را می‌خورد فرمود:

قَالَ: عَلَيْهِ دَمٌ وَ جَزَاءٌ فِي الْحَرَمِ.  
 ۱۴ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ يَحْيَى بْنِ الْمُبَارَكِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَبَلَةَ عَنْ  
 سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ:  
 سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ مُحْرِمٍ كَسَرَ قَرْنًا ظَنِّي.  
 قَالَ: يَجِبُ عَلَيْهِ الْفِدَاءُ.  
 قَالَ: قُلْتُ: فَإِنْ كَسَرَ يَدَهُ.  
 قَالَ: إِنْ كَسَرَ يَدَهُ وَلَمْ يَزَعْ فَعَلَيْهِ دَمٌ شَاةً.

(۱۱۰)

### بَابُ كَفَّارَةِ مَا أَصَابَ الْمُحْرِمُ مِنَ الطَّيْرِ وَ الْبَيْضِ

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي  
 عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

یک قربانی بر عهده اوست و کفاره شیر را که در حرم دوشیده و خورده بپردازد.  
 ۱۴ - ابوبصیر گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: محرمی که شاخ آهوئی را شکست (چه  
 کفاره‌ای دارد؟)

فرمود: بر او کفاره واجب می‌شود.  
 گفتم: اگر دست آن را شکست چه؟  
 فرمود: اگر دستش شکسته و نتوانست بچرد پس بر عهده اوست که یک گوسفند قربانی کند.

### بخش صد و دهم

### کفاره کشتن پرندگان و شکستن تخم آنها برای محرم

۱ - حریز بن عبدالله گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

الْمُحْرَمُ إِذَا أَصَابَ حَمَامَةً فِيهَا شَاةٌ، وَإِنْ قَتَلَ فِرَاحَهُ فِيهِ حَمْلٌ، وَإِنْ وَطِئَ الْبَيْضَ فَعَلَيْهِ دِرْهَمٌ.

۲- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ الْكِنَانِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: فِي الْحَمَامَةِ وَأَشْبَاهِهَا إِذَا قَتَلَهَا الْمُحْرَمُ شَاةٌ، وَإِنْ كَانَ فِرَاحاً فَعَدْلُهَا مِنَ الْحُمَلَانِ.

وَقَالَ فِي رَجُلٍ وَطِئَ بَيْضَ نَعَامَةٍ فَقَدَعَهَا وَهُوَ مُحْرَمٌ فَقَالَ: قَضَى فِيهِ عَلَيَّ عليه السلام أَنْ يُرْسَلَ الْفَحْلُ عَلَى مِثْلِ عَدَدِ الْبَيْضِ مِنَ الْإِبِلِ، فَمَا لَقِحَ وَ سَلِمَ حَتَّى يُتَبَّجَ كَانَ النَّتَاجُ هَذِيًّا بِالِغِ الْكَعْبَةِ.

۳- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ جَمِيعاً عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ الْمُفَضَّلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِذَا قَتَلَ الْمُحْرَمُ قِطَاةً فَعَلَيْهِ حَمْلٌ قَدْ قُطِمَ مِنَ اللَّبَنِ وَ رَعَى مِنَ الشَّجَرِ.

هرگاه محرم کبوتری را بکشد باید یک گوسفند قربانی کند و اگر جوجه آن را بکشد باید یک بره قربانی کند و اگر تخم آن را پایمال کند پس یک درهم بر ذمه اوست.

۲- ابی صباح کنانی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هرگاه محرم کبوتر و مانند آن را پایمال کند یک گوسفند بر ذمه اوست و اگر جوجه باشد به اندازه قیمت آن بره قربانی کند.

و در مورد محرمی که تخم شتر مرغی را پایمال نمود و آن را بشکند، فرمود: علی عليه السلام در مورد آن، چنین قضاوت فرمود که به تعداد تخم شتر مرغ، شتر نر را بر شتران ماده بجهاند. پس آن چه آبستن شد و سالم ماند و نتیجه داد آن بچه شتر قربانی است که به کعبه می‌رسد.

۳- مفصل بن صالح گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هرگاه محرم پرندۀ سخنگو را کشت یک بره تازه از شیر گرفته شده علفخوار بر عهده اوست.

- ۴ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ سِنَانٍ عَنْ ابْنِ مُسْكَانٍ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ خَالِدٍ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ مُحْرِمٍ وَطِئَ بَيْضَ قَطَاةٍ فَشَدَّخَهُ. قَالَ: يُرْسَلُ الْفَحْلُ فِي عَدَدِ الْبَيْضِ مِنَ الْغَنَمِ كَمَا يُرْسَلُ الْفَحْلُ فِي عَدَدِ الْبَيْضِ مِنَ النَّعَامِ فِي الْإِبِلِ.
- ۵ - أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: فِي كِتَابِ عَلِيِّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ: فِي بَيْضِ الْقَطَاةِ بَكَارَةٌ مِنَ الْغَنَمِ إِذَا أَصَابَهُ الْمُحْرِمُ مِثْلُ مَا فِي بَيْضِ النَّعَامِ بَكَارَةٌ مِنَ الْإِبِلِ.
- ۶ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ قَتَلَ فَرْخًا وَهُوَ مُحْرِمٌ فِي غَيْرِ الْحَرَمِ.

- ۴ - سلیمان بن خالد گوید: از امام عليه السلام در مورد محرمی که تخم مرغ سخنگوی را پایمال کند و آن را بشکند پرسیدم فرمود: به تعداد آنها گوسفندی را به گوسفند ماده بجهاند، همچنان که در مورد شتر چنین می کند.
- ۵ - سلیمان بن خالد گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: در کتاب علی عليه السلام آمده است: درباره از بین بردن تخم پرند سخنگو باید گوسفند ماده قربانی کند آن سان که در مورد تخم شتر مرغ بایستی یک شتر قربانی کند.
- ۶ - ابوبصیر گوید: از امام صادق عليه السلام در مورد مردی که جوجه ای را در حال احرام در بیرون از حرم می کشد، پرسیدم.

فَقَالَ: عَلَيْهِ حَمْلٌ وَ لَيْسَ عَلَيْهِ قِيَمَةٌ، لِأَنَّهُ لَيْسَ فِي الْحَرَمِ.

۷- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنْ يَاسِينَ الضَّرِيرِ عَنْ حَرِيزِ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ خَالِدٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ قِيَمَةِ مَا فِي الْقُمْرِيِّ وَ الدُّبْسِيِّ وَ السُّمَانِيِّ وَ الْعُصْفُورِ وَ الْبُلْبُلِ.

فَقَالَ: قِيَمَتُهُ، فَإِنْ أَصَابَهُ وَ هُوَ مُحْرِمٌ بِالْحَرَمِ فَقِيَمَتَانِ لَيْسَ عَلَيْهِ فِيهِ دَمٌ. ۸- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي الْقُبْرَةِ وَ الْعُصْفُورِ وَ الصَّعْوَةِ يَقْتُلُهُمُ الْمُحْرِمُ. قَالَ: عَلَيْهِ مَدٌّ مِنْ طَعَامٍ لِكُلِّ وَاحِدٍ. ۹- مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

فرمود: بر عهده او یک برّه است، و قیمت آن بر عهده اوست، چرا که در حرم واقع نشده است.

۷- سلیمان بن خالد گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: قیمت قمری، دبسی، سمانی (که نوعی پرند هستند) گنجشک و بلبل چقدر است؟ فرمود: یک برابر قیمت آن و اگر محرم آن را در حرم بکشد، دو برابر قیمت است و در آن قربانی نیست.

۸- یکی از اصحاب ما گوید: امام صادق عليه السلام درباره چکاوک، گنجشک و ستکانه‌ای که محرم بکشد فرمود:

بر ذمه محرم است که در ازای هر کدام یک مد طعام بپردازد.

۹- سلیمان بن خالد گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

فِي كِتَابِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: مَنْ أَصَابَ قَطَاةً أَوْ حَجَلَةً أَوْ دُرَّاجَةً أَوْ نَظِيرَهُنَّ فَعَلَيْهِ دَمٌ.

۱۰ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: رَجُلٌ أَصَابَ طَيْرَيْنِ وَاحِدٌ مِنْ حَمَامِ الْحَرَمِ وَالْآخَرُ مِنْ حَمَامٍ غَيْرِ الْحَرَمِ.

قَالَ: يَشْتَرِي بِقِيَمَةِ الَّذِي مِنْ حَمَامِ الْحَرَمِ قَمَحًا فَيُطْعِمُهُ حَمَامَ الْحَرَمِ وَ يَتَصَدَّقُ بِجَزَاءِ الْآخَرِ.

(۱۱۱)

### بَابُ الْقَوْمِ يَجْتَمِعُونَ عَلَى الصَّيْدِ وَهُمْ مُحْرَمُونَ

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ جَمِيعاً عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى جَمِيعاً عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ:

در کتاب علی عليه السلام آمده است: هر محرمی که پرندۀ سخنگو، یا کبک یا درّاجه و یا همانند آنها را بکشد باید یک قربانی نماید.

۱۰ - حمّاد بن عثمان گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: مرد محرمی که دو کبوتر را کشت، یکی از کبوتران حرم بود، کبوتر دیگری از غیر حرم؟

فرمود: باید به قیمت کبوتر حرم گندم بخرد و به کبوتران حرم بخوراند و قیمت کبوتر دیگری را صدقه دهد.

### بخش صدو یازدهم

حکم گروهی از حاجیان محرمی که همگی جانوری را شکار کنند

۱ - عبدالرحمان بن حجّاج گوید:

سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام عَنْ رَجُلَيْنِ أَصَابَا صَيْدًا وَهُمَا مُحْرِمَانِ الْجَزَاءُ بَيْنَهُمَا أَوْ عَلَى كُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا جَزَاءٌ؟

فَقَالَ: لَا، بَلْ عَلَيْهِمَا أَنْ يَجْزِيَ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا الصَّيْدَ.  
قُلْتُ: إِنْ بَعْضُ أَصْحَابِنَا سَأَلَنِي عَنْ ذَلِكَ فَلَمْ أَذَرِ مَا عَلَيْهِ.  
فَقَالَ: إِذَا أَصَبْتُمْ مِثْلَ هَذَا فَلَمْ تَذَرُوا فَعَلَيْكُمْ بِالْإِحْتِيَاظِ حَتَّى تَسْأَلُوا عَنْهُ فَتَعْلَمُوا.

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ مِثْلَهُ.

۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

إِذَا اجْتَمَعَ قَوْمٌ عَلَى صَيْدٍ وَهُمْ مُحْرِمُونَ فِي صَيْدِهِ أَوْ أَكَلُوا مِنْهُ فَعَلَى كُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ قِيَمَتُهُ.

از امام کاظم عليه السلام پرسیدم: دو مرد محرم همزمان شکاری را می‌زنند، آیا در کفاره مشترکند و یا بر هر یک جزای جداگانه است؟

فرمود: نه، بلکه بایستی هر کدام جداگانه کفاره دهند.

گفتم: بعضی از یاران ما در این مورد از من پرسیدند و من حکم آن را ندانستم.

فرمود: هرگاه چنین مسأله‌ای پیش آمد و حکم آن را ندانستید بر شماست که احتیاط

کنید تا حکم آن را پرسیده و بدانید.

۲ - معاویه بن عمار گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هرگاه گروهی محرم شکاری کنند یا از آن بخورند بر عهده هر کدام قیمت شکار (کفاره)

خواهد بود.

- ۳- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ الْحَكَمِ بْنِ أَيْمَنَ عَنْ يُوسُفَ الطَّاطَرِيِّ قَالَ:  
قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: صَيْدٌ أَكَلَهُ قَوْمٌ مُحْرَمُونَ.  
قَالَ: عَلَيْهِمْ شَاةٌ وَ لَيْسَ عَلَى الَّذِي ذَبَحَهُ إِلَّا شَاةٌ.
- ۴- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ:  
سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ قَوْمٍ اشْتَرَوْا صَيْدًا فَقَالَتْ رَفِيقَةٌ لَهُمْ: اجْعَلُوا لِي فِيهِ بَدْرَهُمْ فَجَعَلُوا لَهَا.  
فَقَالَ: عَلَى كُلِّ إِنْسَانٍ مِنْهُمْ فِدَاءٌ.
- ۵- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي وَلَادٍ الْحَنَاطِ قَالَ:

- ۳- یوسف طاطری گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: چند محرم شکاری را خوردند (چه حکم دارد؟)  
فرمود: بر عهده آنها یک گوسفند است و کسی که شکار را ذبح کرده نیز یک گوسفند قربانی کند.
- ۴- ابوبصیر گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: عده‌ای شکاری را خریدند و زنی از همراهان آنان گفت: برای من نیز با درهمی سهمی قرار دهید پس آنها نیز قرار دادند.  
فرمود: برای هر کدام از آنها کفاره‌ای است.
- ۵- ابو ولاد حنّاط گوید:



حَرَجْنَا سِتَّةَ نَفَرٍ مِنْ أَصْحَابِنَا إِلَى مَكَّةَ فَأَوْقَدْنَا نَارًا عَظِيمَةً فِي بَعْضِ الْمَنَازِلِ أَرَدْنَا أَنْ نَطْرَحَ عَلَيْهَا لَحْمًا ذَكِيًّا، وَكُنَّا مُحْرِمِينَ فَمَرَّبْنَا طَائِرٌ صَافٌّ - قَالَ: حَمَامَةٌ أَوْ شِبْهَهَا - فَأَحْرَقَتْ جَنَاحَهُ فَسَقَطَ فِي النَّارِ فَمَاتَ فَأَعْتَمَمْنَا لِذَلِكَ، فَدَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَأَخْبَرْتُهُ وَسَأَلْتُهُ.

فَقَالَ: عَلَيْكُمْ فِدَاءٌ وَاحِدٌ دَمُ شَاةٍ تَشْتَرِكُونَ فِيهِ جَمِيعًا، لِأَنَّ ذَلِكَ كَانَ مِنْكُمْ عَلَى غَيْرِ تَعَمُّدٍ، وَلَوْ كَانَ ذَلِكَ مِنْكُمْ تَعَمُّدًا لَيَقَعَ فِيهَا الصَّيْدُ فَوَقَعَ الزَّمْتُ كُلُّ رَجُلٍ مِنْكُمْ دَمُ شَاةٍ.

قَالَ أَبُو وَلَادٍ: وَكَانَ ذَلِكَ مِنَّا قَبْلَ أَنْ نَدْخُلَ الْحَرَمَ.

۶- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ شِهَابٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَحَدِهِمَا عَلَيْهِ السَّلَامُ:

فِي مُحْرِمِينَ أَصَابَا صَيْدًا فَقَالَ: عَلَى كُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا الْفِدَاءُ.

با شش تن از اصحابمان به طرف مکه حرکت کردیم در یکی از منزلها آتش زیادی روشن نمودیم که گوشت تذکیه شده‌ای را بپزیم در حالی که محرم بودیم، ناگاه پرنده‌ای که بال‌هایش را پهن کرده بود - که کبوتر یا همانند آن بود - از کنار ما گذشت و بال‌هایش سوخت و به آتش افتاد و مرد. مابدين جهت ناراحت شديد در مکه خدمت امام صادق عليه السلام شرف ياب شدیم، و در این مورد پرسیدیم؟

فرمود: بر شما یک فدیة است که یک گوسفند قربانی کنید که همه در آن شریک باشید، چرا که آن کار از جانب شما از روی عمد نبوده و اگر آن از جانب شما به عمد بود تا شکار در آن بیفتد پس آن پرنده افتاد، برای هر یک از شما یک قربانی گوسفندی لازم می‌نمودم. ابو ولاد گوید: این کار ما پیش از این بود که وارد حرم شویم.

۶- زرارہ گوید: امام (باقر یا امام صادق عليه السلام) درباره دو نفر محرمی که با هم شکار کرده‌اند فرمود: هر کدام بایستی کفاره دهند.

(۱۱۲)

**بَابُ فَضْلِ مَا بَيْنَ صَيْدِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَ مَا يَحِلُّ لِلْمُحْرِمِ مِنْ ذَلِكَ**

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَمَّنْ أَخْبَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

لَا بَأْسَ بِأَنْ يَصِيدَ الْمُحْرِمُ السَّمَكَ، وَ يَأْكُلَ مَالِحَهُ وَ طَرِيَهُ وَ يَتَزَوَّدَ.

وَ قَالَ: «أَحِلَّ لَكُمْ صَيْدُ الْبَحْرِ وَ طَعَامُهُ مَتَاعًا لَكُمْ».

قَالَ: مَالِحُهُ الَّذِي يَأْكُلُونَ وَ فَضْلُ مَا بَيْنَهُمَا كُلُّ طَيْرٍ يَكُونُ فِي الْأَجَامِ يَبِيضُ فِي الْبَرِّ وَ يُفْرِخُ فِي الْبَرِّ فَهُوَ مِنْ صَيْدِ الْبَرِّ وَ مَا كَانَ مِنْ صَيْدِ الْبَرِّ يَكُونُ فِي الْبَرِّ وَ يَبِيضُ فِي الْبَحْرِ وَ يُفْرِخُ فِي الْبَحْرِ فَهُوَ مِنْ صَيْدِ الْبَحْرِ.

۲- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

#### بخش صدو دوازدهم

**فرق بین شکار صحرائی و دریایی و آن چه از آن بر محرم حلال است**

۱- راوی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

ایرادی ندارد که محرم ماهی را صید نماید و شور و تازه آن را بخورد و برای خود توشه کند که خداوند فرمود: «برای شما صید دریایی حلال شد و طعام آن توشه‌ای برای شماست». فرمود: ماهی شور را می‌خورند و بین آنها فرق است. و هر پرنده‌ای که در نیزار باشد در صحرا تخم گذارده و در آن جوجه می‌گذارد پس آن صید صحرائی است و هر چه از صید صحرا که در صحرا باشد و در دریا تخم کرده و در آن جوجه کند، پس آن از صید دریاست.

۲- معاویه بن عمار گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

كُلُّ شَيْءٍ يَكُونُ أَصْلُهُ فِي الْبَحْرِ وَ يَكُونُ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ فَلَا يَنْبَغِي لِلْمُحْرِمِ أَنْ يَقْتُلَهُ، فَإِنْ قَتَلَهُ فَعَلَيْهِ الْجَزَاءُ كَمَا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ.

۳- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينَ عَنْ مُحَمَّدٍ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ مِنْ مُحْرِمٍ قَتَلَ جَرَادَةً.

قَالَ: كَفَّ مِنْ طَعَامٍ، وَإِنْ كَانَ كَثِيرًا فَعَلَيْهِ دَمٌ شَاةٍ.

۴- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَمَّنْ أَخْبَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي مُحْرِمٍ قَتَلَ جَرَادَةً قَالَ: يُطْعِمُ تَمْرَةً وَ التَّمْرَةَ خَيْرٌ مِنْ جَرَادَةٍ.

۵- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ:

اعْلَمْ! أَنَّ مَا وَطِئْتَ مِنَ الدَّبَا أَوْ وَطِئْتَهُ بَعِيرُكَ فَعَلَيْكَ فِدَاؤُهُ.

هر چیزی که اصل آن در دریا زندگی کند و گاهی در صحرا و گاهی در دریاست برای محرم جایز نیست آن را بکشد و اگر کشت بر عهده اوست کفاره آن، چنانچه خداوند تعالی فرموده است.

۳- محمد بن مسلم گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: محرمی که ملخ بکشد (چه حکمی دارد؟)

فرمود: یک مشت گندم کفاره دهد و اگر ملخ‌های بسیاری را بکشد بر اوست که یک گوسفند قربانی کند.

۴- راوی گوید: امام صادق عليه السلام در مورد محرمی که ملخ بکشد فرمود:

خرما اطعام کند و خرما بهتر از ملخ است.

۵- معاویه بن عمار گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

بدان که هر چه بچه ملخ پایمال کنی و یا شترت پایمال کند بایستی قیمت آن را پردازی.

- ۶- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: مَرَّ عَلِيٌّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ عَلَى قَوْمٍ يَأْكُلُونَ جَرَادًا، فَقَالَ: سُبْحَانَ اللَّهِ! وَأَنْتُمْ مُحْرَمُونَ؟ فَقَالُوا: إِنَّمَا هُوَ مِنْ صَيْدِ الْبَحْرِ. فَقَالَ لَهُمْ: اَرْمُوهُ فِي الْمَاءِ إِذَا.
- ۷- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَحَدِهِمَا عليه السلام قَالَ: الْمُحْرِمُ يَتَنَكَّبُ الْجَرَادَ إِذَا كَانَ عَلَى الطَّرِيقِ، فَإِنْ لَمْ يَجِدْ بُدَأَ فَقَتَلَ فَلَا شَيْءَ عَلَيْهِ.
- ۸- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ:

- ۶- محمد بن مسلم گوید: امام باقر عليه السلام فرمود: علی عليه السلام از کنار گروهی گذشت که ملخ می خوردند فرمود: سبحان الله! شما در حالی که محرم هستید (ملخ می خورید؟) گفتند: همانا آن از صید دریایی است. فرمود: در این صورت آن ها را در دریا بیندازید.
- ۷- زراره گوید: امام (باقر و یا امام صادق عليه السلام) فرمود: هنگامی که ملخ ها در مسیر راهی قرار گیرند، محرم باید از آن راه کناره گیرد و اگر چاره نداشت و ملخ ها را پایمال کرد چیزی بر عهده او نیست.
- ۸- ابوبصیر گوید:

سَأَلَتْهُ عَنِ الْجَرَادِ يَدْخُلُ مَتَاعَ الْقَوْمِ فَيَدُوسُوهُ مِنْ غَيْرِ تَعَمُّدٍ لِقَتْلِهِ أَوْ يَمُرُّونَ بِهِ فِي الطَّرِيقِ فَيَطْئُونَهُ.

قَالَ: إِنْ وَجَدْتَ مَعْدِلًا فَاغْدِلْ عَنْهُ، فَإِنْ قَتَلْتَهُ غَيْرَ مُتَعَمِّدٍ فَلَا بَأْسَ.

۹ - حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ غَيْرِ وَاحِدٍ عَنْ أَبَانَ عَنِ الطَّيَّارِ عَنْ أَحَدِهِمَا عليه السلام قَالَ: لَا يَأْكُلُ الْمُحْرَمُ طَيْرَ الْمَاءِ.

(۱۱۳)

### بَابُ الْمُحْرَمِ يُصِيبُ الصَّيْدَ مِرَارًا

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي الْمُحْرَمِ يَصِيدُ الطَّيْرَ. قَالَ: عَلَيْهِ الْكَفَّارَةُ فِي كُلِّ مَا أَصَابَ.

از امام عليه السلام پرسیدم: ملخ‌هایی که داخل متاع گروهی می‌شوند پس افراد بدون آن‌که قصد کشتن آن‌ها را داشته باشند ملخ‌ها را پایمال می‌کنند، یا در وسط راه از میان آن‌ها می‌گذرند و آن‌ها را پایمال می‌کنند (چه حکمی دارد؟) فرمود: اگر راهی دیگر یافتی از آن‌راه برو و اگر بدون عمد آن‌ها را کشتی ایرادی ندارد. ۹ - طیار گوید: امام (باقر یا امام صادق علیه السلام) فرمود: محرم نباید از پرندگان آبی بخورد.

### بخش صد و سیزدهم

### حکم محرمی که چند بار شکار کند

۱ - معاویه بن عمار گوید: امام صادق عليه السلام در مورد محرمی که پرنده شکار کرده فرمود: در هر تعدادی که شکار کند، همان یک کفاره بر عهده اوست.

۲- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي مُحْرَمٍ أَصَابَ صَيْدًا.  
 قَالَ: عَلَيْهِ الْكَفَّارَةُ.  
 قُلْتُ: فَإِنْ أَصَابَ آخَرَ؟  
 قَالَ: إِذَا أَصَابَ آخَرَ فَلَيْسَ عَلَيْهِ كَفَّارَةٌ، وَهُوَ مِمَّنْ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «وَمَنْ عَادَ فَيَنْتَقِمُ اللَّهُ مِنْهُ».

۳- قَالَ ابْنُ أَبِي عُمَيْرٍ: عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ:  
 إِذَا أَصَابَ الْمُحْرِمُ الصَّيْدَ خَطَأً فَعَلَيْهِ أَبَدًا فِي كُلِّ مَا أَصَابَ الْكَفَّارَةُ، وَإِذَا أَصَابَهُ مُتَعَمِّدًا، فَإِنَّ عَلَيْهِ الْكَفَّارَةَ فَإِنْ عَادَ فَأَصَابَ ثَانِيًا مُتَعَمِّدًا فَلَيْسَ عَلَيْهِ الْكَفَّارَةُ، وَهُوَ مِمَّنْ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «وَمَنْ عَادَ فَيَنْتَقِمُ اللَّهُ مِنْهُ».

۲- حلبی گوید: امام صادق عليه السلام در مورد محرمی که شکار کرده فرمود:  
 بر او کفاره است.

گفتم: اگر صید دیگری نیز شکار کند.

فرمود: هرگاه صید دیگری را شکار کند بر او کفاره نیست و او از کسانی است که خدای تعالی فرموده: «و هر که از حد بگذرد پس خداوند از او انتقام می گیرد»

۳- ابن ابی عمیر از بعضی اصحابش نقل می کند و گوید:

هرگاه محرم از روی خطا شکار کرد همیشه در هر شکارش بر او کفاره است و هرگاه از روی عمد شکار کند پس بر اوست کفاره و اگر از روی عمد دوباره شکار کرد پس کفاره بر او نیست. و او از کسانی است که خدای تعالی فرموده است: «و هر که از حد بگذرد پس خداوند از او انتقام می گیرد».

(۱۱۴)

## بَابُ الْمُحْرَمِ يُصِيبُ الصَّيْدَ فِي الْحَرَمِ

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

إِنْ قُتِلَ الْمُحْرَمُ حَمَامَةً فِي الْحَرَمِ فَعَلَيْهِ شَاةٌ وَ تَمَنُّ الْحَمَامَةِ دِرْهَمٌ أَوْ شِبْهُهُ يَتَصَدَّقُ بِهِ أَوْ يُطْعَمُ حَمَامٌ مَكَّةَ، فَإِنْ قُتِلَ فِي الْحَرَمِ وَ لَيْسَ بِمُحْرَمٍ فَعَلَيْهِ تَمَنُّهَا.  
 ۲- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ عَنِ الْحَارِثِ بْنِ الْمَغِيرَةِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

سُئِلَ عَنْ رَجُلٍ أَكَلَ بَيْضَ حَمَامِ الْحَرَمِ وَ هُوَ مُحْرَمٌ.  
 قَالَ: عَلَيْهِ لِكُلِّ بَيْضَةٍ دَمٌّ وَ عَلَيْهِ تَمَنُّهَا سُدُسٌ أَوْ رُبْعُ الدَّرْهَمِ، الْوَهْمُ مِنْ صَالِحِ.  
 ثُمَّ قَالَ: إِنَّ الدَّمَاءَ لَزِمَتْهُ لِأَكْلِهِ وَ هُوَ مُحْرَمٌ، وَإِنَّ الْجَزَاءَ لَزِمَهُ لِأَخْذِهِ بَيْضَ حَمَامِ الْحَرَمِ.

## بخش صدو چهاردهم

## حکم محرمی که در حرم شکار کند

۱- حلبی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

اگر محرم در حرم کبوتری را شکار کند بر او است که یک گوسفند قربانی کند و قیمت کبوتر را - که یکدرهم و یا همانند آن است - صدقه دهد و یا به کبوتران مکه بخوراند و اگر در حرم بدون این که محرم باشد شکار کند فقط قیمت آن بر عهده اوست.

۲- حارث بن مغیره گوید: از امام صادق علیه السلام سؤال شد: مرد محرمی که تخمهای کبوتر حرم را بخورد چه حکمی دارد؟

فرمود: در ازای هر تخم یک قربانی کند و قیمت آن تخم را که یک ششم و یا یک چهارم درهم است (شک از راوی است) بپردازد  
 سپس فرمود: قربانی بر عهده اوست، چرا که در حال احرام آن را خورده است، و قیمت به جهت گرفتن تخم کبوتر حرم بر او لازم شد.

۳- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ يَزِيدَ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:  
عَنْ رَجُلٍ مُحْرِمٍ مَرَّ وَهُوَ فِي الْحَرَمِ فَأَخَذَ عُتُقَ ظَنِيَّةٍ فَاحْتَلَبَهَا وَشَرِبَ مِنْ لَبَنِهَا.

قَالَ: عَلَيْهِ دَمٌ وَجَزَاؤُهُ فِي الْحَرَمِ تَمَنُّ اللَّبَنِ.

۴- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ وَ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:  
إِنْ أَصَبْتَ الصَّيْدَ وَأَنْتَ حَرَامٌ فِي الْحَرَمِ فَالْفِدَاءُ مُضَاعَفٌ عَلَيْكَ، وَإِنْ أَصَبْتَهُ وَ أَنْتَ حَلَالٌ فِي الْحَرَمِ فَقِيَمَةٌ وَاحِدَةٌ، وَإِنْ أَصَبْتَهُ وَأَنْتَ حَرَامٌ فِي الْحِلِّ فَإِنَّمَا عَلَيْكَ فِدَاءٌ وَاحِدٌ.

۵- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ بَعْضِ رِجَالِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

۳- یزید بن عبدالمملک گوید: امام صادق عليه السلام دربارهٔ مرد محرمی که در حرم به آهویی می‌رسد؛ گردن آن را می‌گیرد و آن را دوشیده و شیرش را می‌خورد فرمود:  
بر عهده اوست که یک گوسفند قربانی کند و کفاره آن کار در حرم پرداخت قیمت شیر است.

۴- معاویه بن عمار گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

اگر در حال احرام در حرم شکار کنی، پس کفاره آن، دو برابر است و اگر در حرم و در غیر احرام شکار کردی یک کفاره است و اگر در حال احرام و در غیر حرم شکار نمودی فقط یک کفاره بر عهده تو است.

۵- راوی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:



إِنَّمَا يَكُونُ الْجَزَاءُ مُضَاعَفًا فِيمَا دُونَ الْبَدَنَةِ حَتَّى يَبْلُغَ الْبَدَنَةَ، فَإِذَا بَلَغَ الْبَدَنَةَ فَلَا تُضَاعَفُ، لِأَنَّهُ أَعْظَمُ مَا يَكُونُ، قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «وَمَنْ يُعْظَمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ».

۶- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي وَلَادٍ الْحَنَاطِ عَنْ حُمْرَانَ بْنِ أَغَيْنَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: قُلْتُ لَهُ: مُحْرِمٌ قَتَلَ طَيْرًا فِيمَا بَيْنَ الصِّفَا وَالْمَرْوَةِ عَمْدًا. قَالَ: عَلَيْهِ الْفِدَاءُ وَالْجَزَاءُ وَ يُعَزَّرُ. قَالَ: قُلْتُ: فَإِنْ فَعَلَهُ فِي الْكَعْبَةِ عَمْدًا. قَالَ: عَلَيْهِ الْفِدَاءُ وَالْجَزَاءُ وَ يُضْرَبُ دُونَ الْحَدِّ وَ يُقَامُ لِلنَّاسِ كَيْ يَنْكُلَ غَيْرُهُ.

کفاره تنها در قربانی کمتر از شتر دو برابر می شود تا به اندازه شتر برسد. پس هنگامی که به اندازه شتر رسید دیگر دو برابر نمی شود، زیرا آن بزرگترین چیزی است که می تواند باشد. خداوند تعالی می فرماید: «هر که شعائر خدا را بزرگ شمارد پس آن از تقوای دلها است».

۶- حمران بن اعین گوید: به امام باقر عليه السلام گفتم: محرمی که در بین صفا و مروه از روی عمد پرنده ای را بکشد چه حکمی دارد؟

فرمود: بر اوست که قیمت آن پرنده را بپردازد و یک قربانی کند و تأدیب شود.

گفتم: اگر در کعبه از روی عمد این کار را کند چه حکمی دارد؟

فرمود: بر اوست که قیمت آن را بپردازد و قربانی کند، و کمتر از حد (که ۸۰ تازیانه

است) به او زده می شود و در میان مردم اقامه حد شود تا دیگران از این کار سرباز زنند.

(۱۱۵)

## بَابُ نَوَادِرَ

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى وَابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: «لَيَبْلُوكُمْ اللَّهُ بِشَيْءٍ مِنَ الصَّيْدِ تَنَالُهُ أَيْدِيكُمْ وَرِمَاحُكُمْ».

قَالَ: حُشِرَتْ لِرَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله فِي عُمَرَةَ الْحُدَيْبِيَّةِ الْوُحُوشُ حَتَّى نَالَتْهَا أَيْدِيهِمْ وَرِمَاحُهُمْ.

۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَيَبْلُوكُمُ اللَّهُ بِشَيْءٍ مِنَ الصَّيْدِ تَنَالُهُ أَيْدِيكُمْ وَرِمَاحُكُمْ».

قَالَ: حُشِرَ عَلَيْهِمُ الصَّيْدُ فِي كُلِّ مَكَانٍ حَتَّى دَنَا مِنْهُمْ لَيَبْلُوَهُمُ اللَّهُ بِهِ.

## بخش صدو پانزدهم

## چند حدیث نکته دار

۱ - معاویة بن عمار گوید: امام صادق عليه السلام درباره گفتار خدای تعالی که می فرماید: «به طور حتم خداوند شما را به چیزی از شکار می آزماید که دست هایتان و تیرهایتان آن را دریابد» فرمود:

در عمره حدیبیه برای پیامبر خدا صلى الله عليه وآله حیواناتی وحشی پیدا شدند تا این که دست ها و تیرهایشان به آنها رسید.

۲ - حلبی نیز در ذیل این آیه از امام صادق عليه السلام نقل می کند که حضرتش فرمود: در آن هنگام برای پیامبر خدا صلى الله عليه وآله و یارانش در مکانی حیواناتی وحشی پیدا شدند تا جایی که در تیررس آنان قرار گرفتند و بدین وسیله خداوند آن ها را می آزمود.

۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عُمَرَ الْيَمَانِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: ﴿ذُوا عَدْلٍ مِنْكُمْ﴾.

قَالَ: الْعَدْلُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَ الْإِمَامُ مِنْ بَعْدِهِ.

ثُمَّ قَالَ: هَذَا مِمَّا أَخْطَأَتْ بِهِ الْكُتَّابُ.

۴- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ رَفَعَهُ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: ﴿تَنَالُهُ أَيْدِيكُمْ وَ رِمَاحُكُمْ﴾.

قَالَ: مَا تَنَالُهُ الْأَيْدِي الْبَيْضُ وَ الْفِرَاحُ وَ مَا تَنَالُهُ الرِّمَاحُ فَهُوَ مَا لَا تَصِلُ إِلَيْهِ الْأَيْدِي.

۵- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ فَضَالٍ عَنْ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: ﴿يَحْكُمُ بِهِ ذُوا عَدْلٍ مِنْكُمْ﴾.

قَالَ: الْعَدْلُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَ الْإِمَامُ مِنْ بَعْدِهِ.

۳- ابراهیم بن عمر یمانی گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد فرمایش خدای تعالی که می‌فرماید: «دو صاحب عدالت از شما (به آن حکم کنند)» پرسیدم.

فرمود: منظور از عدل، رسول خدا ﷺ و امام بعد از آن حضرت است.

سپس فرمود: این حکم از مواردی است که نویسندگان و نسخه‌برداران در مورد آن به خطا رفته‌اند<sup>(۱)</sup>.

۴- احمد بن محمد در روایت مرفوعه‌ای گوید: حضرتش در مورد آیه شریفه‌ای که می‌فرماید: «دست‌ها و تیرهایتان به آن می‌رسد» فرمود:

آن چه دست‌ها به آن برسد تخم پرندگان و جوجه‌ها هستند و آن چه تیرها به آن برسد حیواناتی هستند که در دسترس نیستند.

۵- زراره گوید: از امام باقر علیه السلام در مورد فرمایش خداوند: «و صاحب عدالت از شما به آن حکم می‌کنند»، پرسیدم. فرمود: منظور از عدل، رسول خدا ﷺ و امام بعد از آن حضرت است.

۱- علامه فیض کاشانی رحمه الله در توضیح این فراز می‌نویسد: نسخه‌برداران در این واژه تصرّف کرده و «الف» را افزوده‌اند که درست آن «ذو عدل» است که مراد پیامبر خدا ﷺ و هر امامی است که در زمان خود می‌باشد.

ثُمَّ قَالَ: هَذَا مِمَّا أَخْطَأْتُ بِهِ الْكِتَابُ.

۶ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ عَنْ زَيْدِ الشَّحَامِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: ﴿وَمَنْ غَادَفَ يَنْتَقِمُ اللَّهُ مِنْهُ﴾.

قَالَ: إِنَّ رَجُلًا انْطَلَقَ وَهُوَ مُحْرِمٌ فَأَخَذَ ثَعْلَبًا فَجَعَلَ يُقَرِّبُ النَّارَ إِلَى وَجْهِهِ وَ جَعَلَ الثَّعْلَبُ يَصِيحُ وَ يُحَدِّثُ مِنْ اسْتِهِ وَ جَعَلَ أَصْحَابُهُ يَنْهَوْنَهُ عَمَّا يَصْنَعُ، ثُمَّ أَرْسَلَهُ بَعْدَ ذَلِكَ فَبَيْنَمَا الرَّجُلُ نَائِمٌ إِذْ جَاءَتْهُ حَيَّةٌ فَدَخَلَتْ فِيهِ فَلَمْ تَدَعُهُ حَتَّى جَعَلَ يُحَدِّثُ كَمَا أَحَدَتِ الثَّعْلَبُ ثُمَّ خَلَّتْ عَنْهُ.

۷ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى رَفَعَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي رَجُلٍ أَكَلَ مِنْ لَحْمِ صَيْدٍ لَا يَذَرِي مَا هُوَ وَ هُوَ مُحْرِمٌ.  
قَالَ: عَلَيْهِ دَمٌ شَاةٌ.

سپس فرمود: این حکم از مواردی است که نویسندگان و نسخه‌برداران در مورد آن به خطا رفته‌اند.

۶- زید شحام می‌گوید: امام صادق عليه السلام در مورد گفتار خدای تعالی که می‌فرماید: «و هر که از حد تجاوز کرد پس خداوند از او انتقام می‌کند» فرمود:

مرد محرمی از راهی می‌رفت پس روباهی را گرفت و آتش را نزدیک صورت او آورد و روباه فریاد زده و از پشت خود باد خارج می‌نمود و دوستانش او را از آن کار باز می‌داشتند، آن‌گاه آن مرد روباه را رها نمود، در این بین که خوابیده بود ناگاه ماری آمد و وارد دهان او شد و او را رها نکرد تا از ترسش همانند روباه باد خارج می‌کرد، سپس او را رها کرد.

۷- محمد بن یحیی در روایت مرفوعه‌ای گوید: امام صادق عليه السلام درباره مرد محرمی که از گوشتی خورد که نمی‌دانست چیست فرمود:  
بر ذمه او قربانی گوسفند است.

۸- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ أَبِيهِ عُقْبَةَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ قَضَى حَجَّهُ ثُمَّ أَقْبَلَ حَتَّى إِذَا خَرَجَ مِنَ الْحَرَمِ اسْتَقْبَلَهُ صَيْدٌ قَرِيبٌ مِنَ الْحَرَمِ وَ الصَّيْدُ مُتَوَجِّهٌ نَحْوَ الْحَرَمِ فَرَمَاهُ فَقَتَلَهُ مَا عَلَيْهِ فِي ذَلِكَ؟  
قَالَ: يَفْدِيهِ عَلَى نَحْوِهِ.

۹- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ قَالَ:  
سَأَلْتُ الرَّجُلَ عَنِ الْمُحْرِمِ يَشْرَبُ الْمَاءَ مِنْ قَرْبَةٍ أَوْ سِقَاءٍ أُتْخَذَ مِنْ جُلُودِ الصَّيْدِ  
هَلْ يَجُوزُ ذَلِكَ أَمْ لَا؟  
فَقَالَ: يَشْرَبُ مِنْ جُلُودِهَا.

۸- عقبه بن خالد گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: مردی که حج خود را به پایان رساند سپس برای رفتن آماده شد، چون از حرم بیرون شد، در نزدیک حرم شکاری را دید که به حرم می‌رفت. پس تیری به آن زد و آن را کشت چه چیزی بر عهده اوست؟  
فرمود: قربانی می‌کند همان گونه که این کار را در حرم انجام می‌داد.

۹- علی بن مهزیار گوید: از امام عليه السلام پرسیدم: آیا محرم می‌تواند از مشک و خیکی که از پوست شکار است آب بیاشامد یا نه؟  
فرمود: می‌تواند در پوست شکار آب بیاشامد.

(۱۱۶)

**بَابُ دُخُولِ الْحَرَمِ**

۱ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبَ قَالَ:

كُنْتُ مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مُزَامِلَةً فِيمَا بَيْنَ مَكَّةَ وَ الْمَدِينَةِ، فَلَمَّا انْتَهَى إِلَى الْحَرَمِ نَزَلَ وَ اغْتَسَلَ وَ أَخَذَ تَعْلِيَهُ بِيَدَيْهِ ثُمَّ دَخَلَ الْحَرَمَ حَافِئاً فَصَنَعْتُ مِثْلَ مَا صَنَعَ. فَقَالَ: يَا أَبَانُ مَنْ صَنَعَ مِثْلَ مَا رَأَيْتَنِي صَنَعْتُ تَوَاضَعاً لِلَّهِ مَحَاً لِلَّهِ عَنْهُ مِائَةُ أَلْفٍ سَيِّئَةٍ، وَ كَتَبَ لَهُ مِائَةُ أَلْفٍ حَسَنَةٍ وَ بَنَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُ مِائَةَ أَلْفٍ دَرَجَةٍ وَ قَضَى لَهُ مِائَةَ أَلْفٍ حَاجَةٍ.

۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ صَالِحِ بْنِ السُّنْدِيِّ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حُسَيْنِ بْنِ الْمُخْتَارِ عَنْ أَبِي عُيَيْدَةَ قَالَ:

**بخش صدو شانزدهم****چگونگی ورود به حرم**

۱ - ابان بن تغلب گوید: در بین مکّه و مدینه همراه امام صادق عليه السلام بودم، وقتی به حرم رسید از مرکب پیاده شد، غسل نمود و دو نعلین خود را در دو دست خود گرفت، سپس با پای برهنه وارد حرم شد من هم چنین کردم

آن گاه فرمود: ای ابان! هر که به جهت فروتنی از خدا چنین انجام دهد، خداوند صد هزار گناه او را پاک می کند و صد هزار نیکی برایش می نویسد و صد هزار درجه او را بالا می برد و صد هزار حاجت را برایش برآورده می کند.

۲ - ابو عبیده گوید:

زَامَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام فِيمَا بَيْنَ مَكَّةَ وَ الْمَدِينَةِ، فَلَمَّا انْتَهَى إِلَى الْحَرَمِ اغْتَسَلَ وَ أَخَذَ نَعْلَيْهِ بِيَدَيْهِ ثُمَّ مَشَى فِي الْحَرَمِ سَاعَةً.

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْمُخْتَارِ مِثْلَهُ.

۳ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ:

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِذَا دَخَلْتَ الْحَرَمَ فَتَنَاوَلْ مِنَ الْإِذْخِرِ فَاْمَضْغُهُ، وَ كَانَ يَأْمُرُ أُمَّ فَرْوَةَ بِذَلِكَ.

۴ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

إِذَا دَخَلْتَ الْحَرَمَ فَخُذْ مِنَ الْإِذْخِرِ فَاْمَضْغُهُ.  
قَالَ الْكَلِينِيُّ رحمته الله: سَأَلْتُ بَعْضَ أَصْحَابِنَا عَنْ هَذَا.

با امام باقر عليه السلام در راه مکه همسفر شدم، حضرتش وقتی به حرم رسید غسل کرد و دو نعلین خود را به دو دستش گرفت و ساعتی پابرنه در حرم راه رفت .

۳ - ابوبصیر گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

آن گاه که وارد حرم شدی از گیاه خوشبوی اذخر تناول کن و آن را بجو.

حضرتش به ام فروه نیز این گونه دستور می داد.

۴ - نظیر این روایت را معاویه بن عمار از امام صادق عليه السلام نقل می کند.

کلینی رحمته الله می گوید: از یکی از اصحاب (از سفرای امام زمان عليه السلام) در این مورد پرسیدم:

فَقَالَ: يُسْتَحَبُّ ذَلِكَ لِطِيبِ بِهَا الْفَمُ لِتَقْبِيلِ الْحَجَرِ.  
 ۵- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ ذَرِيحٍ قَالَ:  
 سَأَلْتُهُ عَنِ الْغُسْلِ فِي الْحَرَمِ قَبْلَ دُخُولِهِ أَوْ بَعْدَ دُخُولِهِ؟  
 قَالَ: لَا يَضُرُّكَ أَيُّ ذَلِكَ فَعَلْتَ، وَإِنْ اغْتَسَلْتَ بِمَكَّةَ فَلَا بَأْسَ، وَإِنْ اغْتَسَلْتَ فِي  
 بَيْتِكَ حِينَ تَنْزِلُ بِمَكَّةَ فَلَا بَأْسَ.

(۱۱۷)

### بَابُ قَطْعِ تَلْبِيَةِ الْمُتَمَتِّعِ

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ جَمِيعاً  
 عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى وَ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ صَفْوَانَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قَالَ أَبُو  
 عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

گفت: این کار مستحب است برای این که به وسیله آن دهان برای بوسیدن حجر الاسود  
 خوشبو شود.

۵- ذریح گوید: از امام عليه السلام پرسیدم: غسل در حرم پیش از ورود به آن است یا بعد از آن؟  
 فرمود: هر کدام را انجام دادی ضرری ندارد، اگر در مکه غسل کردی ایرادی ندارد و اگر  
 در منزلت در هنگام ورود به مکه انجام دادی، ایرادی ندارد.

### بخش صد و هفدهم

### قَطْعُ تَلْبِيَةِ مُحْرَمٍ فِي عَمْرِهِ تَمَتُّعٍ

۱- معاوية بن عمار گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:



إِذَا دَخَلْتَ مَكَّةَ وَأَنْتَ مُتَمَتِّعٌ فَانْظُرْ إِلَى بُيُوتِ مَكَّةَ فَاقْطَعْ التَّلْبِيَةَ، وَحَدُّ بُيُوتِ مَكَّةَ الَّتِي كَانَتْ قَبْلَ الْيَوْمِ عَقَبَةُ الْمَدِينَيْنِ، وَإِنَّ النَّاسَ قَدْ أَحَدُثُوا بِمَكَّةَ مَا لَمْ يَكُنْ فَاقْطَعْ التَّلْبِيَةَ وَ عَلَيْكَ بِالتَّكْبِيرِ وَ التَّهْلِيلِ وَ التَّحْمِيدِ وَ الثَّنَاءِ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ بِمَا اسْتَطَعْتَ.

۲- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ حَنَانِ بْنِ سَدِيرٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ وَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِذَا رَأَيْتَ أُبْيَاتَ مَكَّةَ فَاقْطَعْ التَّلْبِيَةَ.

۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

الْمُتَمَتِّعُ إِذَا نَظَرَ إِلَى بُيُوتِ مَكَّةَ قَطَعَ التَّلْبِيَةَ.

۴- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرُّضَا عليه السلام أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ الْمُتَمَتِّعِ مَتَى يَقْطَعُ التَّلْبِيَةَ؟

هرگاه وارد مکه شدی و به عمره تمتع احرام بستى و نگاه به خانه‌های مکه کردی، تلبیه را قطع کن و حدود خانه‌های مکه در سابق عقبه مردم مدینه بود (آن جا که با رسول خدا صلی الله علیه و آله بیعت نمودند) ولى مردم خانه‌هایی را ساختند که پیشتر در مکه چیزی نبود. پس تلبیه را قطع کن و آن چه توان داری «الله اکبر، لا اله الا الله، الحمد لله» بگو و خداوند تعالى را ثنا گوی.

۲- سدید گوید: امام باقر و امام صادق علیهما السلام فرمودند:

هرگاه خانه‌های مکه را دیدی تلبیه را قطع کن .

۳- حلبی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هنگامی که نگاه متمتع به خانه‌های مکه افتاد، باید تلبیه را قطع کند.

۴- احمد بن محمد گوید: از امام رضا عليه السلام پرسیدند: متمتع چه موقع تلبیه را باید قطع کند؟

قَالَ: إِذَا نَظَرْتُ إِلَى أَعْرَاشِ مَكَّةَ عَقَبَةَ ذِي طُوًى.  
قُلْتُ: يُبُوتُ مَكَّةَ؟  
قَالَ: نَعَمْ.

(۱۱۸)

### بَابُ دُخُولِ مَكَّةَ

- ۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ فَضَالٍ عَنْ  
يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ قَالَ:  
قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: مِنْ أَيْنَ أَدْخُلُ مَكَّةَ وَ قَدْ جِئْتُ مِنَ الْمَدِينَةِ؟  
فَقَالَ: ادْخُلْ مِنْ أَعْلَى مَكَّةَ، وَإِذَا خَرَجْتَ تُرِيدُ الْمَدِينَةَ فَاخْرُجْ مِنْ أَسْفَلِ مَكَّةَ.  
۲ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ طَلْحَةَ بْنِ زَيْدٍ  
عَنْ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ عليه السلام:

فرمود: هرگاه به خانه‌های مکه در عقبه ذی طوی بنگرد.  
عرض کردم: به خانه‌های مکه؟  
فرمود: آری.

### بخش صدو هیجدهم چگونگی ورود به مکه

- ۱ - یونس بن یعقوب گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: وقتی از مدینه می‌آیم از کجا وارد  
مکه شوم؟  
فرمود: از بالای مکه وارد شو و چون خارج می‌شوی و می‌خواهی به مدینه بروی از  
پایین مکه بیرون رو.  
۲ - طلحه بن زید گوید: امام صادق عليه السلام از پدر بزرگوارش عليه السلام این گونه نقل می‌کند:

أَنَّهُ كَانَ إِذَا قَدِمَ مَكَّةَ بَدَأَ بِمَنْزِلِهِ قَبْلَ أَنْ يَطُوفَ.

۳- حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنْ ابْنِ سَمَاعَةَ عَنْ غَيْرِ وَاحِدٍ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ مُحَمَّدِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ فِي كِتَابِهِ: ﴿وَطَهَّرْ بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ﴾ فَيَنْبَغِي لِلْعَبْدِ أَنْ لَا يَدْخُلَ مَكَّةَ إِلَّا وَهُوَ طَاهِرٌ قَدْ غَسَلَ عَرَقَهُ وَالْأَذَى وَتَطَهَّرَ.

۴- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

إِذَا انْتَهَيْتَ إِلَى الْحَرَمِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ فَاغْتَسِلْ حِينَ تَدْخُلُهُ، وَإِنْ تَقَدَّمْتَ فَاغْتَسِلْ مِنْ بئرِ مَيْمُونٍ أَوْ مِنْ فَخٍّ أَوْ مِنْ مَنْزِلِكَ بِمَكَّةَ.

۵- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ الْحَلَبِيِّ قَالَ:

أَمَرَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنْ نَغْتَسِلَ مِنْ فَخٍّ قَبْلَ أَنْ نَدْخُلَ مَكَّةَ.

هرگاه حضرت علی عليه السلام وارد مکه می شد پیش از این که طواف کند، به منزلش فرود می آمد.

۳- محمد حلبی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: خداوند تبارک و تعالی در کتابش می فرماید: «و خانه مرا برای طواف کنندگان و نمازگزاران و رکوع و سجودکنندگان پاک کن» پس سزاوار است هر بنده ای که وارد مکه می شود پاک باشد که عرق و کثافتش را شسته و طهارت نماید.

۴- معاویه بن عمار گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هرگاه به حرم رسیدی - ان شاء الله - هنگام ورود غسل کن و اگر پیش از غسل به آن جا رسیدی پس از چاه میمون یا از فحّ یا از منزلت در مکه غسل کن.

۵- حلبی گوید: امام صادق عليه السلام به ما دستور فرمود که پیش از ورود به مکه در فحّ غسل نماییم.

۶- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ عَجَلَانَ أَبِي صَالِحٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

إِذَا أَنْتَهَيْتَ إِلَى بَيْتِ مَيْمُونٍ أَوْ بَيْتِ عَبْدِ الصَّمَدِ فَأَغْتَسِلْ وَ اخْلَعْ نَعْلَيْكَ وَ امْشِ حَافِياً، وَ عَلَيْكَ السَّكِينَةُ وَ الْوَقَارُ.

۷- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ: قَالَ لِي: إِنْ اغْتَسَلْتَ بِمَكَّةَ ثُمَّ نِمْتَ قَبْلَ أَنْ تَطُوفَ فَأَعِدْ غُسْلَكَ.

۸- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا إِبْرَاهِيمَ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ يَغْتَسِلُ لِدُخُولِ مَكَّةَ ثُمَّ يَنَامُ فَيَتَوَضَّأُ قَبْلَ أَنْ يَدْخُلَ أَيْجِزُهُ ذَلِكَ أَوْ يُعِيدُ؟

۶- عجلان ابی صالح گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هرگاه به چاه میمون و یا چاه عبدالصمد رسیدی، غسل نموده و نعلین خود را بکن و پابرهنه راه برو و بر تو باد به آرامش و وقار!

۷- علی بن ابی حمزه گوید: امام کاظم عليه السلام به من فرمود:

اگر در مکه غسل نمودی سپس پیش از طواف خوابیدی غسلت را دوباره انجام ده.  
۸- عبدالرحمان بن حجّاج گوید: از امام کاظم عليه السلام پرسیدم: شخصی برای ورود به مکه غسل نمود، سپس خوابید. پس پیش از ورود به مکه وضو گرفت آیا همان کفایت می‌کند یا اعاده نماید؟

قَالَ: لَا يُجْزِئُهُ، لِأَنَّهُ إِنَّمَا دَخَلَ بِوُضُوءٍ.

۹ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ:

مَنْ دَخَلَهَا بِسَكِينَةٍ غُفِرَ لَهُ ذَنْبُهُ.

قُلْتُ: كَيْفَ يَدْخُلُهَا بِسَكِينَةٍ.

قَالَ: يَدْخُلُ غَيْرَ مُتَكَبِّرٍ وَلَا مُتَجَبِّرٍ.

۱۰ - الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبَانَ عَنْ

إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

لَا يَدْخُلُ مَكَّةَ رَجُلٌ بِسَكِينَةٍ إِلَّا غُفِرَ لَهُ.

قُلْتُ: مَا السَّكِينَةُ؟

قَالَ: يَتَوَاضَعُ.

فرمود: کفایت نمی‌کند، زیرا با وضو (ی تنها) داخل مکه شده است.

۹ - معاویه عمار گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: هر که به آرامش وارد مکه شود گناهش آمرزیده می‌شود.

گفتم: چگونه به آرامش وارد شود؟

فرمود: بدون تکبر و زورگویی وارد شود.

۱۰ - اسحاق بن عمار گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

مردی به آرامش وارد مکه نمی‌شود مگر که گناهش آمرزیده می‌شود.

گفتم: آرامش چیست؟

فرمود: فروتنی نماید.

(۱۱۹)

**بَابُ دُخُولِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ**

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ جَمِيعاً عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى وَ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِذَا دَخَلْتَ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ فَادْخُلْهُ حَافِئاً عَلَى السَّكِينَةِ وَ الْوَقَارِ وَ الْخُشُوعِ. وَ قَالَ: وَ مَنْ دَخَلَهُ بِخُشُوعٍ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ. قُلْتُ: مَا الْخُشُوعُ؟

قَالَ: السَّكِينَةُ لَا تَدْخُلُهُ بِتَكَبُّرٍ، فَإِذَا انْتَهَيْتَ إِلَى بَابِ الْمَسْجِدِ فَقُمْ وَ قُل: «السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ مِنَ اللَّهِ وَ مَا شَاءَ اللَّهُ وَ السَّلَامُ عَلَى أَنْبِيَائِ اللَّهِ وَ رُسُلِهِ وَ السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ وَ السَّلَامُ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ».

**بخش صدور نوزدهم****چگونگی ورود به مسجد الحرام**

۱ - معاویة بن عمار گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هر گاه، وارد مسجد الحرام شدی، پس پابرنه با آرامش و وقار و فروتنی وارد شو. آن حضرت افزود: و هر که به فروتنی وارد آن جا شد، خداوند او را می آمرزد ان شاء الله. گفتم: خشوع چیست؟

فرمود: آرامش است. با تکبر داخل آن جا نشو، چون به درب مسجد رسیدی بایست و بگو:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ مِنَ اللَّهِ وَ مَا شَاءَ اللَّهُ وَ السَّلَامُ عَلَى أَنْبِيَائِ اللَّهِ وَ رُسُلِهِ وَ السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ وَ السَّلَامُ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ».

فَإِذَا دَخَلْتَ الْمَسْجِدَ فَارْفَعْ يَدَيْكَ وَاسْتَقْبِلِ الْبَيْتَ وَقُلْ:  
 «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ فِي مَقَامِي هَذَا فِي أَوَّلِ مَنْاسِكِي أَنْ تَقْبَلَ تَوْبَتِي وَأَنْ تَجَاوَزَ عَنْ خَطِيئَتِي وَ  
 تَضَعَ عَنِّي وَزْرِي الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَلَّغَنِي بَيْتَهُ الْحَرَامَ.  
 اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّ هَذَا بَيْتُكَ الْحَرَامَ الَّذِي جَعَلْتَهُ مَثَابَةً لِلنَّاسِ وَأَمْنًا مُبَارَكًا وَهُدًى لِلْعَالَمِينَ.  
 اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَ الْبَلَدُ بَلَدُكَ وَ الْبَيْتُ بَيْتُكَ جِئْتُ أَطْلُبُ رَحْمَتَكَ وَ أَوْفُ طَاعَتَكَ مُطِيعاً لِأَمْرِكَ  
 رَاضِياً بِقُدْرِكَ أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْمُضْطَرِّ إِلَيْكَ الْخَائِفِ لِعُقُوبَتِكَ.  
 اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَ اسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ وَ مَرْضَاتِكَ».

۲- وَ رَوَى أَبُو بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: تَقُولُ وَ أَنْتَ عَلَى بَابِ الْمَسْجِدِ:

و هر گاه داخل مسجد شدی دست هایت را بلند نما و رو به خانه کعبه کرده و بگو:  
 «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ فِي مَقَامِي هَذَا فِي أَوَّلِ مَنْاسِكِي أَنْ تَقْبَلَ تَوْبَتِي وَأَنْ تَجَاوَزَ عَنْ خَطِيئَتِي وَ تَضَعَ  
 عَنِّي وَزْرِي الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَلَّغَنِي بَيْتَهُ الْحَرَامَ.  
 اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّ هَذَا بَيْتُكَ الْحَرَامَ الَّذِي جَعَلْتَهُ مَثَابَةً لِلنَّاسِ وَأَمْنًا مُبَارَكًا وَهُدًى لِلْعَالَمِينَ.  
 اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَ الْبَلَدُ بَلَدُكَ وَ الْبَيْتُ بَيْتُكَ جِئْتُ أَطْلُبُ رَحْمَتَكَ وَ أَوْفُ طَاعَتَكَ مُطِيعاً لِأَمْرِكَ رَاضِياً  
 بِقُدْرِكَ أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْمُضْطَرِّ إِلَيْكَ الْخَائِفِ لِعُقُوبَتِكَ.  
 اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَ اسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ وَ مَرْضَاتِكَ».

۲- ابوبصیر گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هر گاه کنار بر درب مسجد رسیدی می گویی:

«بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَمِنْ اللَّهِ وَمَا شَاءَ اللَّهُ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَخَيْرِ الْأَسْمَاءِ لِلَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَالسَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَى أَنْبِيَائِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ، السَّلَامُ عَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ الرَّحْمَانِ، السَّلَامُ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْحَمْ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَعَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِكَ وَعَلَى أَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ وَسَلِّمْ عَلَيْهِمْ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَاسْتَعْمِلْنِي فِي طَاعَتِكَ وَمَرْضَاتِكَ وَاحْفَظْنِي بِحِفْظِ الْإِيمَانِ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي جَلِّ ثَنَاءٍ وَجْهَكَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنِي مِنْ وَفْدِهِ وَزُؤَارِهِ وَجَعَلَنِي مِمَّنْ يَغْمُرُ مَسَاجِدَهُ وَجَعَلَنِي مِمَّنْ يُنَاجِيهِ.

«بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَمِنْ اللَّهِ وَمَا شَاءَ اللَّهُ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَخَيْرِ الْأَسْمَاءِ لِلَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَالسَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَى أَنْبِيَائِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ، السَّلَامُ عَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ الرَّحْمَانِ، السَّلَامُ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْحَمْ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَعَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِكَ وَعَلَى أَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ وَسَلِّمْ عَلَيْهِمْ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَاسْتَعْمِلْنِي فِي طَاعَتِكَ وَمَرْضَاتِكَ وَاحْفَظْنِي بِحِفْظِ الْإِيمَانِ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي جَلِّ ثَنَاءٍ وَجْهَكَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنِي مِنْ وَفْدِهِ وَزُؤَارِهِ وَجَعَلَنِي مِمَّنْ يَغْمُرُ مَسَاجِدَهُ وَجَعَلَنِي مِمَّنْ يُنَاجِيهِ.



اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَرَاثُكَ فِي بَيْتِكَ وَ عَلَى كُلِّ مَا تَبَيَّحْتُ لِمَنْ أَتَاهُ وَ زَارَهُ وَ أَنْتَ خَيْرُ مَا تَبَيَّحْتُ وَ أَكْرَمُ مَزُورٍ.

فَأَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَانُ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ وَ بِأَنَّكَ وَاحِدٌ أَحَدٌ صَمَدٌ لَمْ تَلِدْ وَ لَمْ تُوَلَدْ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَ رَسُولُكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ يَا جَوَادُ يَا كَرِيمُ يَا مَاجِدُ يَا جَبَّارُ يَا كَرِيمُ أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ تَحْفَتَكَ إِيَّايَ بِزِيَارَتِي إِيَّاكَ أَوَّلَ شَيْءٍ تُعْطِينِي فَكَأَنَّكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ.

اللَّهُمَّ فَكُ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ تَقُولُهَا ثَلَاثًا وَ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ الطَّيِّبِ وَ ادْرَأْ عَنِّي شَرَّ شَيْطَانِينَ الْإِنْسِ وَ الْجِنِّ وَ شَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَ الْعَجَمِ».

اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَرَاثُكَ فِي بَيْتِكَ وَ عَلَى كُلِّ مَا تَبَيَّحْتُ لِمَنْ أَتَاهُ وَ زَارَهُ وَ أَنْتَ خَيْرُ مَا تَبَيَّحْتُ وَ أَكْرَمُ مَزُورٍ. فَأَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَانُ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ وَ بِأَنَّكَ وَاحِدٌ أَحَدٌ صَمَدٌ لَمْ تَلِدْ وَ لَمْ تُوَلَدْ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَ رَسُولُكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ يَا جَوَادُ يَا كَرِيمُ يَا مَاجِدُ يَا جَبَّارُ يَا كَرِيمُ أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ تَحْفَتَكَ إِيَّايَ بِزِيَارَتِي إِيَّاكَ أَوَّلَ شَيْءٍ تُعْطِينِي فَكَأَنَّكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ.

اللَّهُمَّ فَكُ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ تَقُولُهَا ثَلَاثًا وَ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ الطَّيِّبِ وَ ادْرَأْ عَنِّي شَرَّ شَيْطَانِينَ الْإِنْسِ وَ الْجِنِّ وَ شَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَ الْعَجَمِ».

(۱۲۰)

## بَابُ الدُّعَاءِ عِنْدَ اسْتِقْبَالِ الْحَجَرِ وَ اسْتِلاَمِهِ

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

إِذَا دَنَوْتَ مِنَ الْحَجَرِ الْأَسْوَدِ فَارْفَعْ يَدَيْكَ وَ احْمَدِ اللَّهَ وَ أَثْنِ عَلَيْهِ وَ صَلِّ عَلَى النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله وَ اسْأَلِ اللَّهَ أَنْ يَقْبَلَ مِنْكَ ثُمَّ اسْتَلِمِ الْحَجَرَ وَ قَبْلَهُ فَإِنْ لَمْ تَسْتَطِعْ أَنْ تُقْبَلَهُ فَاسْتَلِمْهُ بِيَدِكَ فَإِنْ لَمْ تَسْتَطِعْ أَنْ تَسْتَلِمَهُ بِيَدِكَ فَأَشِرْ إِلَيْهِ وَ قُلْ:

## بخش صدو بیستم

## دعا به هنگام رو به رو شدن با حجرالاسود و استلام آن

۱ - معاویة بن عمار گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

آن گاه که به حجرالاسود نزدیک شدی دست هایت را بلند نما و خدا را حمد کن و براو ثنا گوی و بر پیامبر صلی الله علیه و آله درود بفرست و از خدا بخواه که از تو قبول نماید. سپس به حجرالاسود دست بمال و آن را ببوس و اگر نتوانستی آن را ببوسی پس به آن دست بمال و اگر نتوانستی به آن دست بمالی پس اشاره کن به سوی آن و بگو:

«اللَّهُمَّ أَمَانَتِي أَدِّئْهَا وَ مِيثَاقِي تَعَاهِدْتُهُ لِنَشْهَدَ لِي بِالْمُؤَافَاةِ.

اللَّهُمَّ تَصَدِّيقًا بِكِتَابِكَ وَ عَلَى سُنَّةِ نَبِيِّكَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ آمَنْتُ بِاللَّهِ وَ كَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَ الطَّاغُوتِ وَ بِاللَّاتِ وَ الْعُزَّى وَ عِبَادَةِ الشَّيْطَانِ وَ عِبَادَةِ كُلِّ نِدٍّ يُدْعَى مِنْ دُونِ اللَّهِ».

فَإِنْ لَمْ تَسْتَطِعْ أَنْ تَقُولَ هَذَا كُلَّهُ فَبَعْضَهُ وَ قُلْ:

«اللَّهُمَّ إِلَيْكَ بَسَطْتُ يَدِي وَ فِيمَا عِنْدَكَ عَظُمْتَ رَغْبَتِي فَأَقْبَلْ سَيِّئَاتِي وَ اغْفِرْ لِي وَ ارْحَمْنِي.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكُفْرِ وَ الْفَقْرِ وَ مَوَاقِفِ الْخِزْيِ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ».

۲- وَ فِي رِوَايَةِ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

«اللَّهُمَّ أَمَانَتِي أَدِّئْهَا وَ مِيثَاقِي تَعَاهِدْتُهُ لِنَشْهَدَ لِي بِالْمُؤَافَاةِ.

اللَّهُمَّ تَصَدِّيقًا بِكِتَابِكَ وَ عَلَى سُنَّةِ نَبِيِّكَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ آمَنْتُ بِاللَّهِ وَ كَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَ الطَّاغُوتِ وَ بِاللَّاتِ وَ الْعُزَّى وَ عِبَادَةِ الشَّيْطَانِ وَ عِبَادَةَ كُلِّ نِدٍّ يُدْعَى مِنْ دُونِ اللَّهِ».

اگر همه این دعا را نتوانستی بگویی، پس مقداری از آن را بگو، و بگو:

«اللَّهُمَّ إِلَيْكَ بَسَطْتُ يَدِي وَ فِيمَا عِنْدَكَ عَظُمْتَ رَغْبَتِي فَأَقْبَلْ سَيِّئَاتِي وَ اغْفِرْ لِي وَ ارْحَمْنِي.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكُفْرِ وَ الْفَقْرِ وَ مَوَاقِفِ الْخِزْيِ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ».

۲- ابوبصیر گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

إِذَا دَخَلْتَ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ فَاْمُشِ حَتَّى تَذُوَّ مِنَ الْحَجَرِ الْأَسْوَدِ فَتَسْتَقْبِلَهُ وَ تَقُولُ:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ، سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ أَكْبَرُ مِنْ خَلْقِهِ وَ أَكْبَرُ مِمَّنْ أَخْشَى وَ أَخْذَرُ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ خَدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ يُخَيِّي وَ يُمَيِّتُ وَ يُحْيِي بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

وَ تُصَلِّي عَلَى النَّبِيِّ وَ آلِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ وَ تُسَلِّمُ عَلَى الْمُرْسَلِينَ كَمَا فَعَلْتَ حِينَ دَخَلْتَ الْمَسْجِدَ.

ثُمَّ تَقُولُ: «اللَّهُمَّ إِنِّي أُوْمِنُ بِوَعْدِكَ وَ أُوفِي بِعَهْدِكَ» ثُمَّ ذَكَرَ كَمَا ذَكَرَ مُعَاوِيَةَ.

۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

إِذَا دَخَلْتَ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ وَ حَاذَيْتَ الْحَجَرَ الْأَسْوَدَ فَقُلْ:

هرگاه وارد مسجدالحرام شدی برو تا به حجر الاسود نزدیک شوی پس آن را بوسیده و بگو:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ، سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ أَكْبَرُ مِنْ خَلْقِهِ وَ أَكْبَرُ مِمَّنْ أَخْشَى وَ أَخْذَرُ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ خَدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ يُخَيِّي وَ يُمَيِّتُ وَ يُحْيِي بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

و بر پیامبر و خاندان او - درود خدا بر او و خاندان او باد - درود بفرست و بر پیامبران مرسل سلام ده، آن سان که به هنگام ورود به مسجدالحرام انجام دادی. سپس بگو:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أُوْمِنُ بِوَعْدِكَ وَ أُوفِي بِعَهْدِكَ».

ابو بصر در ادامه همانند روایت معاویه بن عمار را نقل کرد.

۳- راوی گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

هرگاه وارد مسجدالحرام شدی و مقابل حجر الاسود قرار گرفتی بگو:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ آمَنْتُ بِاللَّهِ وَكَفَرْتُ بِالطَّاغُوتِ وَبِاللَّاتِ وَ الْعُزَّى وَ بِعِبَادَةِ الشَّيْطَانِ وَ بِعِبَادَةِ كُلِّ نِدٍّ يُدْعَى مِنْ دُونِ اللَّهِ».

ثُمَّ أَذَّنَ مِنَ الْحَجَرِ وَ اسْتَلِمَهُ بِيَمِينِكَ ثُمَّ تَقُولُ:

«بِسْمِ اللَّهِ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُمَّ أَمَانَتِي أَدِيتُهَا وَ مِيثَاقِي تَعَاهَدْتُهُ لِتَشْهَدَ عِنْدَكَ لِي بِالْمُؤَافَاةِ».

(۱۲۱)

### بَابُ الْإِسْتِلَامِ وَ الْمَسْحِ

۱- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ شُعَيْبٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ اسْتِلَامِ الرُّكْنِ.

قَالَ: اسْتِلَامُهُ أَنْ تُلْصِقَ بَطْنَكَ بِهِ، وَ الْمَسْحُ أَنْ تَمْسَحَهُ بِيَدِكَ.

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ آمَنْتُ بِاللَّهِ وَكَفَرْتُ بِالطَّاغُوتِ وَبِاللَّاتِ وَ الْعُزَّى وَ بِعِبَادَةِ الشَّيْطَانِ وَ بِعِبَادَةِ كُلِّ نِدٍّ يُدْعَى مِنْ دُونِ اللَّهِ».

سپس به حجر الاسود نزدیک شو و با دست راست آن را استلام کرده سپس بگو:

«بِسْمِ اللَّهِ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُمَّ أَمَانَتِي أَدِيتُهَا وَ مِيثَاقِي تَعَاهَدْتُهُ لِتَشْهَدَ عِنْدَكَ لِي بِالْمُؤَافَاةِ».

### بخش صدو بیست یکم

### حکم استلام و مسح

۱- یعقوب بن شعیب گوید: از امام صادق عليه السلام در مورد استلام رکن پرسیدم.

فرمود: استلام این است که شکمت را به آن بچسبانی و مسح این است که به آن دست بمالی.

(۱۲۲)

**بَابُ الْمَزَاحِمَةِ عَلَى الْحَجَرِ الْأَسْوَدِ**

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

كُنَّا نَقُولُ: لَا بُدَّ أَنْ نُسْتَفْتِحَ بِالْحَجَرِ وَنَخْتِمَ بِهِ فَأَمَّا الْيَوْمَ فَقَدْ كَثُرَ النَّاسُ.

۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى وَ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

كُنْتُ أَطُوفُ وَ سُفْيَانُ الثَّوْرِيُّ قَرِيبٌ مِنِّي فَقَالَ: يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ! كَيْفَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله يَصْنَعُ بِالْحَجَرِ إِذَا انْتَهَى إِلَيْهِ؟  
فَقُلْتُ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله يَسْتَلِمُهُ فِي كُلِّ طَوَافٍ فَرِيضَةً وَ نَافِلَةً.

**بخش صدو بیست و دوم****ازدحام مردم برای حجر الاسود**

۱ - معاویه بن عمار گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

تا به حال می گفتیم: باید هر طواف را از حجر الاسود شروع نموده و به آن ختم نماییم اما امروز مردم زیاد شده اند.

۲ - عبدالرحمان بن حجّاج گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

مشغول طواف بودم و سفیان ثوری نیز نزدیک من بود گفت: ای اباعبدالله! وقتی رسول خدا صلى الله عليه وآله به حجر الاسود می رسید چگونه رفتار می کرد؟  
گفتم: رسول خدا صلى الله عليه وآله در هر طواف واجب و نافله آن را استلام می نمود.

قَالَ: فَتَخَلَّفَ عَنِّي قَلِيلًا، فَلَمَّا انْتَهَيْتُ إِلَى الْحَجَرِ جُزْتُ وَ مَشَيْتُ فَلَمْ أَسْتَلِمْهُ  
فَلَحِقَنِي فَقَالَ: يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ! أَلَمْ تُخْبِرْنِي أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ يَسْتَلِمُ الْحَجَرَ فِي  
كُلِّ طَوَافٍ فَرِيضَةً وَ نَافِلَةً؟  
قُلْتُ: بَلَى.

قَالَ: فَقَدْ مَرَزْتَ بِهِ فَلَمْ تَسْتَلِمْ فَقُلْتُ: إِنَّ النَّاسَ كَانُوا يَرَوْنَ لِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ مَا لَا  
يَرَوْنَ لِي، وَ كَانَ إِذَا انْتَهَى إِلَى الْحَجَرِ أَفْرَجُوا لَهُ حَتَّى يَسْتَلِمَهُ وَ إِنِّي أَكْرَهُ الزَّحَامَ.  
۳- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ  
يَحْيَى عَنْ سَيْفِ الثَّمَارِ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ: أَتَيْتُ الْحَجَرَ الْأَسْوَدَ فَوَجَدْتُ عَلَيْهِ زَحَامًا فَلَمْ أَلْقِ إِلَّا  
رَجُلًا مِنْ أَصْحَابِنَا فَسَأَلْتُهُ.  
فَقَالَ: لَا بُدَّ مِنْ اسْتِلَامِهِ.

فَقَالَ: إِنَّ وَجَدْتَهُ خَالِيًا وَ إِلَّا فَسَلِّمْ مِنْ بَعِيدٍ.

۴- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ:

آن حضرت فرمود: سفیان مقداری از من عقب ماند، چون به حجر الاسود رسیدم،  
گذشتم و رفتم و آن را استلام ننمودم. سفیان به من رسید و گفت: ای اباعبدالله! مگر نگفتی  
که رسول خدا ﷺ در هر طواف واجب و نافله حجر الاسود را استلام می نمود؟  
گفتم: آری.

گفت: تو از آن گذشتی و استلام ننمودی.

گفتم: مردم برای رسول خدا ﷺ حرمتی قائل بودند که برای من قائل نیستند، چون به  
حجر الاسود می رسید به آن حضرت راه می دادند تا آن را استلام نماید و من از ازدحام  
خوشم نمی آید.

۳- سیف ثمار گوید: به امام صادق ﷺ گفتم: وقتی کنار حجر الاسود رفتم، ازدحام مردم  
بود و جز یک مرد از اصحابمان نیافتم، از او در مورد استلام پرسیدم، گفت: ناچار باید  
استلام کرد.

حضرت فرمود: اگر حجر الاسود را خلوت یافتی استلام کن و گرنه از دور به آن سلام کن  
(یعنی با دست اشاره کن).

۴- معاویه بن عمار گوید:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ حَجَّ وَلَمْ يَسْتَلِمِ الْحَجَرَ.  
فَقَالَ: هُوَ مِنَ السُّنَّةِ، فَإِنْ لَمْ يَقْدِرْ فَاللَّهُ أَوْلَى بِالْعُدْرِ.

۵- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ شُعَيْبٍ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِنِّي لَا أَخْلُصُ إِلَى الْحَجَرِ الْأَسْوَدِ.  
فَقَالَ: إِذَا طُفَّتْ طَوَافُ الْفَرِيضَةِ فَلَا يَضُرُّكَ.

۶- حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنْ ابْنِ سَمَاعَةَ عَنْ غَيْرِ وَاحِدٍ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ مُحَمَّدٍ الْحَلَبِيِّ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الْحَجَرِ إِذَا لَمْ أَسْتَطِعْ مَسَّهُ وَكَثُرَ الزَّحَامُ.  
فَقَالَ: أَمَّا الشَّيْخُ الْكَبِيرُ وَالضَّعِيفُ وَالْمَرِيضُ فَمُرَّخْصٌ، وَمَا أَحَبُّ أَنْ تَدَعَ  
مَسَّهُ إِلَّا أَنْ لَا تَجِدَ بُدًّا.

از امام صادق عليه السلام پرسیدم: مردی اعمال حج را انجام داد، ولی استلام حجر الاسود  
نمود (چه حکمی دارد؟)

فرمود: استلام از سنت است، اگر نتوانست خداوند عذرپذیر است.

۵- یعقوب بن شعیب گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: من به حجر الاسود نمی‌رسم؟

فرمود: چون طواف واجب نمودی ایرادی ندارد.

۶- محمد حلبی گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: هرگاه از کثرت جمعیت نتوانستم

حجر الاسود را استلام نمایم چه حکمی دارد؟

فرمود: پیرمرد، ناتوان و بیمار رخصت دارند و من دوست ندارم که دست مالیدن به

آن را ترک نمایی مگر این که چاره‌ای نداشته باشی.



- ۷- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ مُحَمَّدٍ بْنِ عُبَيْدٍ اللَّهُ قَالَ:  
سُئِلَ الرَّضَا عليه السلام عَنِ الْحَجَرِ الْأَسْوَدِ وَهَلْ يُقَاتَلُ عَلَيْهِ النَّاسُ إِذَا كَثُرُوا؟  
قَالَ: إِذَا كَانَ كَذَلِكَ فَأَوْمَ إِلَيْهِ إِيْمَاءً بِيَدِكَ.
- ۸- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْخَزَّازِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:  
لَيْسَ عَلَى النِّسَاءِ جَهْرٌ بِالتَّلْبِيَةِ وَ لَا اسْتِلَامُ الْحَجَرِ وَ لَا دُخُولُ الْبَيْتِ وَ لَا سَعْيٌ بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ، يَعْنِي الْهَرْوَلَةَ.
- ۹- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُوسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ مُحَمَّدٍ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله:  
اسْتَلِمُوا الرُّكْنَ، فَإِنَّهُ يَمِينُ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ يُصَافِحُ بِهَا خَلْقَهُ مُصَافِحَةَ الْعَبْدِ - أَوْ الرَّجُلِ - يَشْهَدُ لِمَنْ اسْتَلَمَهُ بِالْمُؤَافَاةِ.

۷- محمد بن عبيدالله گوید:

از امام رضا عليه السلام درباره حجر الاسود سؤال شد که آیا باید مردم بر سر آن - در هنگام شلوغی - با هم ستیزه کنند؟

فرمود: وقتی این چنین شد با دست به سوی آن اشاره کن.

۸- ابوبصیر گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

بلند گفتن لبیک، استلام حجر و داخل بیت شدن و هروله در سعی بین صفا و مروه بر زنان نیست.

۹- محمد بن مسلم گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود:

استلام کنید حجر الاسود را، زیرا آن دست خداوند در میان مردم است که به وسیله آن با خلقتش مصافحه می کند آن سان که بنده - یا مرد - مصافحه می کند، آن سنگ در حق کسی که استلامش نموده به وفاء گواهی می دهد.

۱۰ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ سَعِيدِ الْأَعْرَجِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:  
 سَأَلْتُهُ عَنْ اسْتِلَامِ الْحَجَرِ مِنْ قَبْلِ الْبَابِ.  
 فَقَالَ: أَلَيْسَ إِنَّمَا تُرِيدُ أَنْ تَسْتَلِمَ الرُّكْنَ؟  
 قُلْتُ: نَعَمْ.  
 قَالَ: يُجْزِئُكَ حَيْثُ مَا نَأَلْتَ يَدُكَ.

(۱۲۳)

### بَابُ الطَّوَافِ وَاسْتِلَامِ الْأَرْكَانِ

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

۱۰ - سعید اعرج گوید: از امام صادق عليه السلام در مورد استلام حجر از جانب درب پرسیدم؟  
 فرمود: آیا نمی خواهی که رکن را استلام کنی؟  
 گفتم: چرا؟  
 فرمود: به هر جا که دستت رسید کفایت می کند.

### بخش صدو بیست و سوم

### طواف و استلام ارکان

۱ - معاویه بن عمار گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

طُفَ بِأَبْنَيْ سَبْعَةِ أَشْوَاطٍ وَ تَقُولُ فِي الطَّوَافِ:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي يُمَشَّى بِهِ عَلَى طَلَلِ الْمَاءِ كَمَا يُمَشَّى بِهِ عَلَى جَدِّ الْأَرْضِ، وَ  
أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي يَهْتَزُّ لَهُ عَرْشُكَ، وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي تَهْتَزُّ لَهُ أَقْدَامُ مَلَائِكَتِكَ، وَ أَسْأَلُكَ  
بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ مُوسَى مِنْ جَانِبِ الطُّورِ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَ أَلْقَيْتَ عَلَيْهِ مَحَبَّةً مِنْكَ، وَ أَسْأَلُكَ  
بِاسْمِكَ الَّذِي غَفَرْتَ بِهِ لِمُحَمَّدٍ ﷺ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ وَ أَتَمَمْتَ عَلَيْهِ نِعْمَتَكَ أَنْ تَفْعَلَ بِي  
كَذَا وَ كَذَا» مَا أَحَبَبْتَ مِنَ الدُّعَاءِ.

وَ كُلَّمَا انْتَهَيْتَ إِلَى بَابِ الْكَعْبَةِ فَصَلِّ عَلَى النَّبِيِّ ﷺ وَ تَقُولُ فِيمَا بَيْنَ الرُّكْنِ  
الْيَمَانِيِّ وَ الْحَجَرِ الْأَسْوَدِ:

«رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ».

وَ قُلْ فِي الطَّوَافِ: «اللَّهُمَّ إِنِّي إِلَيْكَ فَقِيرٌ وَ إِنِّي خَائِفٌ مُسْتَجِيرٌ فَلَا تُغَيِّرْ جِسْمِي وَ لَا تُبَدِّلِ  
اسْمِي».

بيت را هفت شوط طواف کن و در طواف بگو:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي يُمَشَّى بِهِ عَلَى طَلَلِ الْمَاءِ كَمَا يُمَشَّى بِهِ عَلَى جَدِّ الْأَرْضِ، وَ أَسْأَلُكَ  
بِاسْمِكَ الَّذِي يَهْتَزُّ لَهُ عَرْشُكَ، وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي تَهْتَزُّ لَهُ أَقْدَامُ مَلَائِكَتِكَ، وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ  
مُوسَى مِنْ جَانِبِ الطُّورِ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَ أَلْقَيْتَ عَلَيْهِ مَحَبَّةً مِنْكَ، وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي غَفَرْتَ بِهِ  
لِمُحَمَّدٍ ﷺ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ وَ أَتَمَمْتَ عَلَيْهِ نِعْمَتَكَ أَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَ كَذَا».

و هر چه دوست داشتی دعا کن و در هر بار که به کنار در کعبه رسیدی بر پیامبر ﷺ درود

بفرست و ما بین رکن یمان و حجر الاسود بگو:

«رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ».

و در طواف بگو: «اللَّهُمَّ إِنِّي إِلَيْكَ فَقِيرٌ وَ إِنِّي خَائِفٌ مُسْتَجِيرٌ فَلَا تُغَيِّرْ جِسْمِي وَ لَا تُبَدِّلِ اسْمِي».

۲- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ قَالَ:  
 حَدَّثَنِي أَيُّوبُ أَخُو أَدِيمَ عَنِ الشَّيْخِ قَالَ: قَالَ لِي أَبِي:  
 كَانَ أَبِي عليه السلام إِذَا اسْتَقْبَلَ الْمِيزَابَ قَالَ:  
 «اللَّهُمَّ اغْنِقْ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ وَ ادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجَنِّ وَ الْإِنْسِ وَ  
 ادْخُلْنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ».

۳- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي الْبَلَادِ عَنْ عَبْدِ  
 السَّلَامِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ نُعَيْمٍ قَالَ:  
 قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: دَخَلْتُ طَوَافَ الْفَرِيضَةِ فَلَمْ يُفْتَحْ لِي شَيْءٌ مِنَ الدُّعَاءِ  
 إِلَّا الصَّلَاةَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ عليه السلام وَ سَعَيْتُ فَكَانَ كَذَلِكَ.  
 فَقَالَ: مَا أُعْطِيَ أَحَدٌ مِمَّنْ سَأَلَ أَفْضَلَ مِمَّا أُعْطِيَ.

۲- عبدالله بن مسكان گوید: ایوب برادر اَدیم از امام صادق عليه السلام این گونه نقل کرد که  
 حضرتش فرمود:

پدرم (امام باقر عليه السلام) به من فرمود: هرگاه پدرم (امام زین العابدین عليه السلام) برابر ناودان کعبه  
 می رسید می فرمود:

«اللَّهُمَّ اغْنِقْ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ وَ ادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجَنِّ وَ الْإِنْسِ وَ  
 ادْخُلْنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ».

۳- عبدالرحمان بن نعیم گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: مشغول طواف واجب بودم که  
 هیچ دعایی برایم مقدور نشد مگر صلوات بر محمد و آل محمد عليه السلام. و هرچه سعی نمودم  
 همان شد.

فرمود: به هیچ در خواست کننده ای بهتر از تو چیزی داده نشده است.

۴- مُحَمَّدُ بْنُ یَحْیٰی عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ یَحْیٰی عَنْ یَعْقُوبَ بْنِ شُعَيْبٍ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: مَا أَقُولُ إِذَا اسْتَقْبَلْتُ الْحَجَرَ؟

فَقَالَ: كَبَّرَ وَصَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ.

قَالَ: وَ سَمِعْتُهُ إِذَا أَتَى الْحَجَرَ يَقُولُ: اللَّهُ أَكْبَرُ السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صلی اللہ علیہ وسلم.

۵- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ عَاصِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليه السلام إِذَا بَلَغَ الْحَجَرَ قَبْلَ أَنْ يَبْلُغَ الْمِيزَابَ يَرْفَعُ رَأْسَهُ ثُمَّ يَقُولُ:

«اللَّهُمَّ ادْخُلْنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ وَهُوَ يَنْظُرُ إِلَى الْمِيزَابِ وَاجْزِنِي بِرَحْمَتِكَ مِنَ النَّارِ وَ عَافِنِي مِنَ السُّقْمِ وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنَ الرِّزْقِ الْحَلَالِ وَادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فُسْقَةِ الْجَنِّ وَالْإِنْسِ وَ شَرَّ فُسْقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ».

۴- یعقوب بن شعیب گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: هرگاه با حجر الاسود روبه رو شدم چه بخوانم؟

فرمود: تکبیرگو و صلوات بر محمد و آل او بفرست.

راوی گوید: از حضرتش شنیدم چون به حجر الاسود رسید می فرمود: الله اکبر السلام علی رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم

۵- عمر بن عاصم گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: همواره وقتی امام سجاده عليه السلام کنار حجر الاسود می رسید پیش از این که به ناودان برسد سرش را بلند نموده می فرمود:

«اللَّهُمَّ ادْخُلْنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ وَهُوَ يَنْظُرُ إِلَى الْمِيزَابِ وَاجْزِنِي بِرَحْمَتِكَ مِنَ النَّارِ وَ عَافِنِي مِنَ السُّقْمِ وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنَ الرِّزْقِ الْحَلَالِ وَادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فُسْقَةِ الْجَنِّ وَالْإِنْسِ وَ شَرَّ فُسْقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ».

۶- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أُذَيْنَةَ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ لَمَّا أَنْتَهَى إِلَى ظَهْرِ الْكَعْبَةِ حِينَ يَجُوزُ الْحَجَرُ:

«يَا ذَا الْمَنِّ وَالطَّوْلِ وَالْجُودِ وَالْكَرَمِ إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَضَاعِفُهُ لِي وَتَقَبَّلْهُ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ».

۷- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُؤَيْدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

يُسْتَحَبُّ أَنْ تَقُولَ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْحَجَرِ:  
«اللَّهُمَّ آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ»  
وَقَالَ: إِنَّ مَلَكًا مُوَكَّلًا يَقُولُ: آمِينَ.

۸- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدٍ بْنِ يَحْيَى عَنْ غِيَاثِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عليه السلام قَالَ:

۶- عمر بن اذینه گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که چون به پشت کعبه می‌رسید و از حجر الاسود می‌گذشت می‌فرمود:

«يَا ذَا الْمَنِّ وَالطَّوْلِ وَالْجُودِ وَالْكَرَمِ إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَضَاعِفُهُ لِي وَتَقَبَّلْهُ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ».

۷- عبدالله بن سنان گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

مستحب است بین رکن و حجر این گونه بگویی:

«اللَّهُمَّ آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ».

و فرمود: فرشته برگزیده‌ای می‌گوید: آمین .

۸- غیاث بن ابراهیم گوید: امام جعفر صادق عليه السلام از پدر بزرگوارش عليه السلام نقل می‌کند که فرمود:

كَانَ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ لَا يَسْتَلِمُ إِلَّا الرُّكْنَ الْأَسْوَدَ وَالْيَمَانِيَّ، ثُمَّ يَقْبَلُهُمَا وَيَضَعُ خَدَّهُ عَلَيْهِمَا وَرَأَيْتُ أَبِي يَفْعَلُهُ.

۹- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ:

كُنْتُ أَطُوفُ بِالْبَيْتِ فَإِذَا رَجُلٌ يَقُولُ: مَا بَالُ هَذَيْنِ الرُّكْنَيْنِ يُسْتَلَمَانِ وَلَا يُسْتَلَمُ هَذَانِ؟

فَقُلْتُ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ اسْتَلَمَ هَذَيْنِ وَلَمْ يَغْرِضْ لِهَذَيْنِ فَلَا تَغْرِضْ لَهُمَا إِذَا لَمْ يَغْرِضْ لَهُمَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ.

قَالَ جَمِيلٌ: وَرَأَيْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ﷺ يَسْتَلِمُ الْأَرْكَانَ كُلَّهَا.

۱۰- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْبَرْقِيِّ رَفَعَهُ عَنْ زَيْدِ الشَّحَّامِ أَبِي أُسَامَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ:

رسول خدا ﷺ همواره فقط رکن حجرالاسود و یمانئ را استلام می‌کرد، سپس آن‌ها را بوسیده و گونه خود را بر آنها می‌نهاد و پدرم را نیز دیدم که چنین می‌کرد.

۹- جمیل بن صالح گوید: امام صادق ﷺ فرمود:

مشغول طواف بیت بودم که ناگاه دیدم مردی می‌گفت: چرا این دو رکن استلام می‌شوند و آن دو استلام نمی‌شوند؟

گفتم: زیرا رسول خدا ﷺ این دو را استلام می‌کرد و با آن دو کاری نداشت. پس تو هم با آن دو کاری نداشته باش، چون رسول خدا ﷺ با آن دو کاری نداشت.

جمیل گوید: امام صادق ﷺ را دیدم که همه ارکان را استلام می‌کرد.

۱۰- زید شحام ابی اسامه گوید:

كُنْتُ أَطُوفُ مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَكَانَ إِذَا انْتَهَى إِلَى الْحَجَرِ مَسَحَهُ بِيَدِهِ وَقَبَّلَهُ،  
وَإِذَا انْتَهَى إِلَى الرُّكْنِ الْيَمَانِيِّ التَّزَمَهُ.  
فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! تَمَسُّحُ الْحَجَرِ بِيَدِكَ وَتَلْتَزِمُ الْيَمَانِيَّ؟  
فَقَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَا أَتَيْتُ الرُّكْنَ الْيَمَانِيَّ إِلَّا وَجَدْتُ جَبْرَيْلَ قَدْ سَبَقَنِي  
إِلَيْهِ يَلْتَزِمُهُ.

۱۱- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ رَبِيعٍ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ الْمُقْعَدِ قَالَ:  
سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَكَّلَ بِالرُّكْنِ الْيَمَانِيِّ مَلَكًا  
هَجِيرًا يُؤْمِنُ عَلَى دُعَائِكُمْ.  
۱۲- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ الْمُقْعَدِ قَالَ سَمِعْتُ  
أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ:  
إِنَّ مَلَكًا مُوَكَّلًا بِالرُّكْنِ الْيَمَانِيِّ مُنْذُ خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ لَيْسَ لَهُ  
هَجِيرٌ إِلَّا التَّأْمِينَ عَلَى دُعَائِكُمْ، فَلْيَنْظُرْ عَبْدٌ بِمَا يَدْعُو.

با امام صادق علیه السلام طواف می کردم، چون به حجر الاسود می رسید دست به آن می مالید  
و آن را می بوسید و چون به رکن یمانی می رسید آن را به آغوش می گرفت.  
گفتم: فدایت گردم! حجر الاسود را دست می مالی و رکن یمانی را به آغوش می گیری؟  
فرمود: رسول خدا ﷺ فرمود: هرگز به رکن یمانی نرفتم مگر آن جا جبرئیل را زودتر از  
خود یافتم که آن را به آغوش گرفته بود.

۱۱- علاء بن مقعد گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود:  
خداوند عزوجل به رکن یمانی فرشته ای را گماشته که کاری و عادت او این است که بر  
دعای شما آمین می گوید.

۱۲- علاء بن مقعد گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود:  
از نخستین زمانی که خداوند آسمان ها و زمین ها را آفرید فرشته ای بر رکن یمانی گماشت که  
عادتش جز آمین بر دعای شما (شیعیان) ندارد. پس بنده توجه کند که چه دعا می کند.



فَقُلْتُ لَهُ: مَا الْهَجِيرُ؟

فَقَالَ: كَلَامٌ مِنْ كَلَامِ الْعَرَبِ أَيُّ: لَيْسَ لَهُ عَمَلٌ.

وَ فِي رِوَايَةٍ أُخْرَى: لَيْسَ لَهُ عَمَلٌ غَيْرُ ذَلِكَ.

۱۳ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

الرُّكْنُ الْيَمَانِيُّ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ لَمْ يُغْلَقْهُ اللَّهُ مُنْذُ فَتَحَهُ.

وَ فِي رِوَايَةٍ أُخْرَى: بَابُنَا إِلَى الْجَنَّةِ الَّذِي مِنْهُ نَدْخُلُ.

۱۴ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ

إِبْرَاهِيمَ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي مَرْيَمَ قَالَ:

كُنْتُ مَعَ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَطُوفُ فَكَانَ لَا يَمُرُّ فِي طَوَافٍ مِنْ طَوَافِهِ بِالرُّكْنِ الْيَمَانِيِّ إِلَّا اسْتَلَمَهُ، ثُمَّ يَقُولُ:

«اللَّهُمَّ ثُبِّ عَلَيَّ حَتَّى أَتُوبَ وَ اغْصِبْنِي حَتَّى لَا أَعُودَ».

به حضرت گفتم: هجیر چیست؟

فرمود: کلامی از کلام عرب است؛ یعنی: او کاری ندارد.

و در روایت دیگری آمده است: جز آن کار دیگری دارد.

۱۳ - معاویة بن عمار گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

رکن یمانی دربی از درب‌های بهشت است که خداوند از زمانی که آن را باز نموده نبسته است.

و در روایت دیگری آمده است: حضرت فرمود: درب ما به سوی بهشت است که ما از

آن وارد بهشت می‌شویم.

۱۴ - ابو مریم گوید: با امام صادق علیه السلام مشغول طواف بودم که حضرتش در طوافش از

رکن یمانی نمی‌گذشت مگر آن را استلام می‌کرد، سپس فرمود:

«اللَّهُمَّ ثُبِّ عَلَيَّ حَتَّى أَتُوبَ وَ اغْصِبْنِي حَتَّى لَا أَعُودَ».

۱۵ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ أَبِي الْفَرَجِ السَّنْدِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: كُنْتُ أَطُوفُ مَعَهُ بِالْبَيْتِ فَقَالَ: أَيُّ هَذَا أَعْظَمُ حُرْمَةً؟ فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! أَنْتَ أَعْلَمُ بِهَذَا مِنِّي. فَأَعَادَ عَلَيَّ. فَقُلْتُ لَهُ: دَاخِلُ الْبَيْتِ.

فَقَالَ: الرُّكْنُ الْيَمَانِيُّ عَلَى بَابٍ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ مَفْتُوحٌ لِشِيعَةِ آلِ مُحَمَّدٍ عليه السلام مَسْدُودٌ عَنْ غَيْرِهِمْ، وَمَا مِنْ مُؤْمِنٍ يَدْعُو دُعَاءَ عِنْدَهُ إِلَّا صَعِدَ دُعَاؤُهُ حَتَّى يَلْصُقَ بِالْعَرْشِ مَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ اللَّهِ حِجَابٌ.

۱۶ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَفْصِ بْنِ الْبَخْتَرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِنَّ فِي هَذَا الْمَوْضِعِ يَغْنِي حِينَ يَجُوزُ الرُّكْنُ الْيَمَانِيُّ مَلَكًا أُعْطِيَ سَمَاعَ أَهْلِ الْأَرْضِ، فَمَنْ صَلَّى عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله حِينَ يَبْلُغُهُ أَبْلَغُهُ إِيَّاهُ.

۱۵ - ابوفرج سندی گوید: با امام صادق عليه السلام مشغول طواف بیت بودم حضرت فرمود: کدام یک از اینها حرمتش بیشتر است؟  
گفتم: فدایت گردم! شما از من به این مسأله داناتری.  
حضرت سؤال خود را تکرار فرمود.  
گفتم: داخل بیت.

فرمود: رکن یمانی دربی است از دربهای بهشت که بر شیعیان آل محمد عليه السلام گشوده شده و بر غیر آنها بسته است و هر مؤمنی که نزد آن دعا می کند دعای او بالا رفته و به عرش می رسد و میان او و خدا حجابی نخواهد بود.

۱۶ - حفص بن بختری گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:  
در این موضع - یعنی محل عبور از رکن یمانی - فرشته ای است به او گوش فرا دادن به سخنان مردم روی زمین عطاء شده است. پس هر که در موقع گذر از آن جا به رسول خدا صلى الله عليه وآله درود بفرستد، او آن درود را به [ پیامبر صلى الله عليه وآله ] می رساند.

۱۷ - الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ أَوْ غَيْرِهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ قَالَ:

كَانَ بِمَكَّةَ رَجُلٌ مَوْلَى لِبَنِي أُمَيَّةَ يُقَالُ لَهُ: ابْنُ أَبِي عَوَانَةَ، لَهُ عِنَادَةٌ، وَكَانَ إِذَا دَخَلَ إِلَى مَكَّةَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَوْ أَحَدٌ مِنْ أَشْيَاحِ آلِ مُحَمَّدٍ عليه السلام يَعْثُبُ بِهِ، وَإِنَّهُ أَتَى أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام وَهُوَ فِي الطَّوَافِ فَقَالَ: يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ! مَا تَقُولُ فِي اسْتِلامِ الْحَجَرِ؟ فَقَالَ: اسْتَلَمَهُ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله.

فَقَالَ لَهُ: مَا أَرَاكَ اسْتَلَمْتَهُ.

قَالَ: أَكْرَهُ أَنْ أُؤْذِيَ ضَعِيفًا أَوْ أَتَادَى.

قَالَ: فَقَالَ قَدْ زَعَمْتَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله اسْتَلَمَهُ.

قَالَ: نَعَمْ، وَلَكِنْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله إِذَا رَأَوْهُ عَرَفُوا لَهُ حَقَّهُ وَأَنَا فَلَا يَعْرِفُونَ لِي حَقِّي.

۱۷ - حماد بن عثمان گوید: در مکه مردی از پیروان بنی امیه بود که او را ابن ابی عوانه می گفتند. وی با اهل بیت علیهم السلام دشمنی داشت. چون امام صادق علیه السلام یا یکی از بزرگان آل محمد علیهم السلام وارد مکه می شد آن حضرت را اذیت می نمود. او در طواف نزد امام صادق علیه السلام آمد و گفت: ای ابوعبدالله! نظر شما در مورد استلام حجر الاسود چیست؟

فرمود: رسول خدا صلى الله عليه وآله آن را استلام می نمود.

گفت: نمی بینم که تو آن را استلام کنی.

فرمود: خوش ندارم که ناتوانی را آزار نموده یا خودم آزار شوم.

باز گفت: تو گمان می کنی که رسول خدا صلى الله عليه وآله آن را استلام می نمود.

فرمود: آری، ولی هرگاه مردم رسول خدا صلى الله عليه وآله را می دیدند برای او احترامی قائل می شدند، ولی برای من احترامی قائل نیستند.

۱۸ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ جَعْفَرٍ عَنْ آبَائِهِ عليهم السلام:  
أَنَّ عَلِيًّا صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ سُئِلَ كَيْفَ يَسْتَلِمُ الْأَقْطَعُ الْحَجَرَ؟  
قَالَ: يَسْتَلِمُ الْحَجَرَ مِنْ حَيْثُ الْقَطْعُ، فَإِنْ كَانَتْ مَقْطُوعَةً مِنَ الْمِرْفَقِ اسْتَلَمَ  
الْحَجَرَ بِشِمَالِهِ.

۱۹ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرٍ النَّوْفَلِيِّ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ  
عِيسَى عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام:  
أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله طَافَ بِالْكَعْبَةِ حَتَّى إِذَا بَلَغَ الرُّكْنَ الْيَمَانِي رَفَعَ رَأْسَهُ إِلَى  
الْكَعْبَةِ.

ثُمَّ قَالَ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي شَرَّفَكَ وَعَظَّمَكَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَعَثَنِي نَبِيًّا وَ  
جَعَلَ عَلَيَّ إِمَامًا. اللَّهُمَّ أَهْدِ لَهُ خِيَارَ خَلْقِكَ وَجَنِّبْهُ شَرَّارَ خَلْقِكَ».

۱۸ - سکونی گوید: امام صادق عليه السلام از پدران بزرگوارش عليهم السلام نقل می کند که از حضرت  
علی عليه السلام سؤال شد: دست بریده چگونه استلام حجر الاسود نماید؟  
فرمود: حجر را از جای بریده استلام می کند و اگر از آرنج بریده باشد با دست چپ  
استلام کند.

۱۹ - عیسی گوید: امام کاظم عليه السلام فرمود: رسول خدا صلى الله عليه وآله طواف کعبه نمود، هنگامی که  
به رکن یمانی رسید سرش را به سوی کعبه بلند نمود، آن گاه فرمود:  
«حمد خدای راست که تو را با شرافت و با عظمت نمود و حمد خدای راست که مرا به  
پیامبری برانگیخت و علی را امام قرار داد.  
خدایا! بهترین های خلقت را به او راهنمایی کن و از او بدترین های خلقت را دور دار.

(۱۲۴)

## بَابُ الْمُلتَزِمِ وَالدُّعَاءِ عِنْدَهُ

- ۱ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَضْرٍ عَنْ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينَ عَنْ مُحَمَّدٍ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: قُلْتُ لَهُ: مِنْ أَيْنَ أُسْتَلِمُ الْكَعْبَةَ إِذَا فَرَعْتُ مِنْ طَوَافِي؟ قَالَ: مِنْ دُبْرَهَا.
- ۲ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدٍ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ الْكِنَانِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ اسْتِلَامِ الْكَعْبَةِ. فَقَالَ: مِنْ دُبْرَهَا.
- ۳ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

## بخش صدو بیست چهارم

## ملتزم (پشت کعبه نزدیک رکن یمانی) و دعا در کنار آن

- ۱ - مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ گوید: به امام باقر عليه السلام گفتم: از کجا کعبه را استلام کنم و خود را به دیوار کعبه بچسبانم چون از طواف فارغ شدم؟ فرمود: از پشت آن.
- ۲ - ابی صباح کنانی نظیر این روایت را از امام صادق عليه السلام نقل می کند.
- ۳ - عبدالله بن سنان گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

إِذَا كُنْتَ فِي الطَّوَافِ السَّابِعِ فَانْتِ الْمُتَعَوِّذَ وَهُوَ إِذَا قُمْتَ فِي دُبْرِ الْكَعْبَةِ حِذَاءَ  
الْبَابِ فَقُلْ:

«اللَّهُمَّ الْبَيْتُ بَيْتُكَ وَالْعَبْدُ عَبْدُكَ وَهَذَا مَقَامُ الْعَائِذِ بِكَ مِنَ النَّارِ، اللَّهُمَّ مِنْ قَبْلِكَ الرُّوحُ وَالْفَرْجُ».

ثُمَّ اسْتَلِمَ الرُّكْنَ الْيَمَانِيَّ ثُمَّ انْتِ الْحَجَرَ فَاخْتِمَ بِهِ.

۴ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ  
اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ كَانَ إِذَا انْتَهَى إِلَى الْمُلتَزِمِ قَالَ لِمَوَالِيهِ:  
أَمِيطُوا عَنِّي حَتَّى أَقِرَّ لِرَبِّي بِذُنُوبِي فِي هَذَا الْمَكَانِ، فَإِنَّ هَذَا مَكَانٌ لَمْ يُتَرَّ عَبْدٌ  
لِرَبِّهِ بِذُنُوبِهِ، ثُمَّ اسْتَغْفَرَ اللَّهَ إِلَّا غَفَرَ اللَّهُ لَهُ.

۵ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ  
بْنِ شاذَانَ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قَالَ أَبُو  
عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

هرگاه در شوط هفتم بودی برو به متعوذ و آن - چون پشت کعبه بایستی - رو به روی درب  
است، پس بگو:

«اللَّهُمَّ الْبَيْتُ بَيْتُكَ وَالْعَبْدُ عَبْدُكَ وَهَذَا مَقَامُ الْعَائِذِ بِكَ مِنَ النَّارِ، اللَّهُمَّ مِنْ قَبْلِكَ الرُّوحُ وَالْفَرْجُ».

سپس رکن یمانی را استلام کن. بعد به حجر الاسود برو و آن جا به پایان برسان.

۴ - معاویة بن عمار گوید: هرگاه امام صادق علیه السلام به ملتزم می رسید به غلامانش  
می فرمود:

از من دور شوید تا در این جا گناهان خود را به پروردگارم اقرار کنم، زیرا این جا جایی  
است که هر بنده ای گناهان خود را به پروردگارش اقرار نمی کند، سپس از خدا طلب آمرزش  
کند مگر خدا او را می آمرزد.

۵ - معاویة بن عمار گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

إِذَا فَرَعْتَ مِنْ طَوَافِكَ وَبَلَغْتَ مُوْخَرَ الْكَعْبَةِ وَهُوَ بِحِذَاءِ الْمُسْتَجَارِ دُونَ الرُّكْنِ  
 الْيَمَانِيِّ بِقَلِيلٍ فَابْسُطْ يَدَيْكَ عَلَى الْبَيْتِ وَالْأَصْقُ بَطْنُكَ وَخَدَّكَ بِالْبَيْتِ وَقُلْ:  
 «اللَّهُمَّ الْبَيْتُ بَيْنُكَ وَالْعَبْدُ عَبْدُكَ وَهَذَا مَكَانُ الْعَائِذِ بِكَ مِنَ النَّارِ».  
 ثُمَّ أَقِرَّ لِرَبِّكَ بِمَا عَمِلْتَ، فَإِنَّهُ لَيْسَ مِنْ عَبْدٍ مُؤْمِنٍ يُقِرُّ لِرَبِّهِ بِذُنُوبِهِ فِي هَذَا  
 الْمَكَانِ إِلَّا غَفَرَ اللَّهُ لَهُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ وَتَقُولُ:  
 «اللَّهُمَّ مِنْ قَبْلِكَ الرُّوحُ وَالْفَرْجُ وَالْعَافِيَةُ. اللَّهُمَّ إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَضَاعِفُهُ لِي  
 وَاعْفُ لِي مَا أَطْلَعْتَ عَلَيْهِ مِنِّي وَخَفِيَ عَلَيَّ خَلْقِكَ».  
 ثُمَّ تَسْتَجِيرُ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ وَتُخَيِّرُ لِنَفْسِكَ مِنَ الدُّعَاءِ، ثُمَّ اسْتَلِمَ الرُّكْنَ الْيَمَانِيَّ  
 ثُمَّ أَنْتِ الْحَجَرَ الْأَسْوَدَ.

هرگاه طواف را به پایان رساندی و به پشت کعبه رسیدی - و آن رو به روی مستجار به  
 فاصله اندکی از رکن یمانی است - پس دست‌هایت را به کعبه نهاده و آن‌ها را باز کن و شکم  
 و گونه‌ات را به آن چسبانیده و بگو: «اللَّهُمَّ الْبَيْتُ بَيْنُكَ وَالْعَبْدُ عَبْدُكَ وَهَذَا مَكَانُ الْعَائِذِ بِكَ مِنَ  
 النَّارِ».

سپس برای پروردگارت به آن چه کردی اقرار کن، زیرا هیچ بنده مؤمنی نیست گناه خود  
 را برای پروردگارش در این مکان اقرار نماید مگر خدا او را بیامرزد - ان شاء الله - و می‌گویی:  
 «اللَّهُمَّ مِنْ قَبْلِكَ الرُّوحُ وَالْفَرْجُ وَالْعَافِيَةُ. اللَّهُمَّ إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَضَاعِفُهُ لِي وَاعْفُ لِي مَا أَطْلَعْتَ  
 عَلَيْهِ مِنِّي وَخَفِيَ عَلَيَّ خَلْقِكَ».

سپس به خدا پناه ببر از آتش و بر خود دعا انتخاب کن، آن‌گاه رکن یمانی را استلام  
 نموده، سپس به نزد حجر الاسود برو.

(۱۲۵)

**بَابُ فَضْلِ الطَّوَافِ**

۱- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ الْحَسَنِ بْنِ يُوسُفَ عَنْ زَكْرِيَّا الْمُؤْمِنِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَيْمُونٍ الصَّائِغِ قَالَ:  
 قَدِمَ رَجُلٌ عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليهما السلام فَقَالَ: قَدِمْتَ حَاجًّا؟  
 فَقَالَ: نَعَمْ.  
 فَقَالَ: أَتَدْرِي مَا لِلْحَاجِّ؟  
 قَالَ: لَا.

قَالَ: مَنْ قَدِمَ حَاجًّا وَ طَافَ بِالْبَيْتِ وَ صَلَّى رَكْعَتَيْنِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ سَبْعِينَ أَلْفَ حَسَنَةٍ وَ مَحَا عَنْهُ سَبْعِينَ أَلْفَ سَيِّئَةٍ وَ رَفَعَ لَهُ سَبْعِينَ أَلْفَ دَرَجَةٍ وَ شَفَّعَهُ فِي سَبْعِينَ أَلْفَ حَاجَةٍ وَ كَتَبَ لَهُ عِتَقَ سَبْعِينَ أَلْفَ رَقَبَةٍ قِيَمَةُ كُلِّ رَقَبَةٍ عَشْرَةُ أَلْفِ دِرْهَمٍ.

**بخش صدو بیست و پنجم****فضیلت طواف**

۱- علی بن میمون صائغ گوید: مردی به خدمت امام سجّاد علیه السلام شرف یاب شد.  
 حضرت فرمود: آمدی حج بگزاری؟  
 گفت: آری.  
 حضرت فرمود: آیا می دانی چه ثوابی برای حاجی است؟  
 گفت: نه.

فرمود: هر که برای انجام حج بیاید و طواف بیت نماید و دو رکعت نماز گزارد خداوند بر او هفتاد هزار حسنه می نویسد، هفتاد هزار گناه از او محو می کند، هفتاد هزار درجه او را بالا می برد، هفتاد هزار حاجت او را می پذیرد و ثواب هفتاد هزار آزاد کردن بنده را برای او می نویسد که ارزش هر بنده ده هزار درهم است.



۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عُمَرَ الْيَمَانِيِّ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

كَانَ أَبِي يَقُولُ: مَنْ طَافَ بِهَذَا الْبَيْتِ أُسْبُوعاً وَصَلَّى رَكْعَتَيْنِ فِي أَيِّ جَوَانِبِ الْمَسْجِدِ شَاءَ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ سِتَّةَ آلَافِ حَسَنَةٍ وَمَحَا عَنْهُ سِتَّةَ آلَافِ سَيِّئَةٍ وَرَفَعَ لَهُ سِتَّةَ آلَافِ دَرَجَةٍ وَقَضَى لَهُ سِتَّةَ آلَافِ حَاجَةٍ فَمَا عَجَلَ مِنْهَا فَبِرَحْمَةِ اللَّهِ وَ مَا آخَرَ مِنْهَا فَشَوْقاً إِلَى دُعَائِهِ.

۳ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَمَّنْ أَخْبَرَهُ عَنِ الْعَبْدِ الصَّالِحِ عليه السلام قَالَ:

دَخَلْتُ عَلَيْهِ وَ أَنَا أُرِيدُ أَنْ أَسْأَلَهُ عَنْ مَسَائِلَ كَثِيرَةٍ، فَلَمَّا رَأَيْتُهُ عَظُمَ عَلَيَّ كَلَامُهُ فَقُلْتُ لَهُ: نَاوِلْنِي يَدَكَ أَوْ رَجُلَكَ أَقْبَلُهَا. فَنَاوِلْنِي يَدَهُ، فَقَبَّلْتُهَا فَذَكَرْتُ قَوْلَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ، فَدَمَعَتْ عَيْنَايَ.

۲ - اسحاق بن عمار گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: پدرم می فرمود:

هر که این خانه را هفت شوط طواف نماید و دو رکعت در هر جانب از مسجد که خواست نماز بخواند خداوند شش هزار حسنه بر او می نویسد، شش هزار گناه از او محو می کند، شش هزار درجه بر او بالا می برد و شش هزار حاجت او را برآورده می کند و هر چه از آن حاجت ها را زود عطا کند به رحمت خداست و هر چه را به تأخیر اندازد برای شوق به دعای اوست.

۳ - حماد بن عیسی از راوی خود نقل می کند که گوید: خدمت امام کاظم عليه السلام شرف یاب شدم و می خواستم مسایل زیادی از آن حضرت بپرسم. هنگامی که آن بزرگوار را دیدم سخن او بر من ارزشمند آمد. پس به حضرتش گفتم: دست یا پای مبارکت را دهید تا ببوسم. پس حضرتش دست مبارکش را داد و من بوسیدم و به یاد سخن رسول خدا ﷺ افتادم و از چشمانم اشک جاری شد.

فَلَمَّا رَأَى مُطَاطِئًا رَأْسِي قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَا مِنْ طَائِفٍ يَطُوفُ بِهَذَا الْبَيْتِ حِينَ تَزُولُ الشَّمْسُ حَاسِرًا عَنْ رَأْسِهِ حَافِيًا يَقَارِبُ بَيْنَ خُطَاهُ وَيَعْصُ بِصَرِّهِ وَيَسْتَلِمُ الْحَجَرَ فِي كُلِّ طَوَافٍ مِنْ غَيْرِ أَنْ يُؤْذِيَ أَحَدًا وَلَا يَقْطَعَ ذِكْرَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَنْ لِسَانِهِ إِلَّا كَتَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ سَبْعِينَ أَلْفَ حَسَنَةٍ وَمَحَا عَنْهُ سَبْعِينَ أَلْفَ سَيِّئَةٍ وَرَفَعَ لَهُ سَبْعِينَ أَلْفَ دَرَجَةٍ وَأَعْتَقَ عَنْهُ سَبْعِينَ أَلْفَ رَقَبَةٍ ثَمَّنُ كُلِّ رَقَبَةٍ عَشْرَةُ آلَافٍ دِرْهَمٍ وَشَفَّعَ فِي سَبْعِينَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ وَقُضِيََتْ لَهُ سَبْعُونَ أَلْفَ حَاجَةٍ إِنْ شَاءَ فَعَاجِلُهُ وَإِنْ شَاءَ فَأَجَلُهُ.

(۱۲۶)

### بَابُ أَنَّ الصَّلَاةَ وَالطَّوَّافَ أَيُّهُمَا أَفْضَلُ؟

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

چون دید سرم پایین است فرمود: رسول خدا ﷺ فرمود: طواف کننده‌ای نیست که موقع زوال آفتاب این خانه را طواف نماید که سر برهنه و پابرهنه باشد و قدم‌ها را نزدیک هم بردارد و چشمان خود را ببندد و در هر شوطی حجرالاسود را بدون آزار نمودن کسی استلام نماید و ذکر خدا را هم از زبان نبرد مگر آن که خداوند برای هر گام او هفتاد هزار حسنه می‌نویسد، هفتاد هزار بدی از او پاک می‌کند، هفتاد هزار مرتبه بر او بالا می‌برد و از جانب او هفتاد هزار بنده آزاد می‌کند که قیمت هر بنده ده هزار درهم می‌باشد و شفاعت او را در هفتاد نفر از خاندانش می‌پذیرد و هفتاد هزار حاجت او را برآورده می‌کند اگر خواهد در دنیا و اگر خواهد در جهان آخرت.

### بخش صد و بیست و ششم نماز بهتر است یا طواف خانه خدا؟

۱ - هشام بن حکم گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

مَنْ أَقَامَ بِمَكَّةَ سَنَةً فَالطَّوَّافُ أَفْضَلُ لَهُ مِنَ الصَّلَاةِ وَ مَنْ أَقَامَ سَتَيْنِ خَلَطَ مِنْ ذَا وَ مِنْ ذَا وَ مَنْ أَقَامَ ثَلَاثَ سِنِينَ كَانَتْ الصَّلَاةُ أَفْضَلَ لَهُ مِنَ الطَّوَّافِ.

۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

الطَّوَّافُ لِغَيْرِ أَهْلِ مَكَّةَ أَفْضَلُ مِنَ الصَّلَاةِ وَ الصَّلَاةُ لِأَهْلِ مَكَّةَ أَفْضَلُ.

۳ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ ابْنِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

طَوَّافٌ قَبْلَ الْحَجِّ أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ طَوَّافٍ بَعْدَ الْحَجِّ.

(۱۲۷)

### بَابُ حَدِّ مَوْضِعِ الطَّوَّافِ

۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى وَ غَيْرُهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يَاسِينَ الصَّرِيرِ عَنْ حَرِيزِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ حَدِّ الطَّوَّافِ بِالْبَيْتِ الَّذِي مَنْ خَرَجَ مِنْهُ لَمْ يَكُنْ طَائِفًا بِالْبَيْتِ.

هر که یکسال در مکه اقامت کند طواف برای او بهتر از نماز است و هر که دوسال اقامت نماید از هر دو انجام دهد و هر که سه سال اقامت کند نماز برای او بهتر از طواف است.

۲ - حریر بن عبدالله گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

طواف برای غیر اهل مکه بهتر از نماز است و نماز برای اهل مکه بهتر است.

۳ - ابن قداح گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

یک طواف پیش از مراسم حج، بهتر از هفتاد طواف بعد از مراسم حج است.

### بخش صدو بیست و هفتم

#### حدود محل طواف

۱ - محمد بن مسلم (که از راویان امام باقر و امام صادق علیه السلام است) گوید: از امام علیه السلام

پرسیدم: حد طواف که هر که از آن بیرون رود طواف بیت ننموده است چیست؟

قَالَ: كَانَ النَّاسُ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ يَطُوفُونَ بِالْبَيْتِ وَالْمَقَامِ وَأَنْتُمْ الْيَوْمَ تَطُوفُونَ مَا بَيْنَ الْمَقَامِ وَبَيْنَ الْبَيْتِ فَكَانَ الْحَدُّ مَوْضِعَ الْمَقَامِ الْيَوْمَ، فَمَنْ جَاَزَهُ فَلَيْسَ بِطَائِفٍ وَ الْحَدُّ قَبْلَ الْيَوْمِ وَالْيَوْمَ وَاحِدٌ قَدَرًا مَا بَيْنَ الْمَقَامِ وَبَيْنَ الْبَيْتِ مِنْ نَوَاحِي الْبَيْتِ كُلِّهَا فَمَنْ طَافَ فَتَبَاعَدَ مِنْ نَوَاحِيهِ أَبْعَدَ مِنْ مَقْدَارِ ذَلِكَ كَانَ طَائِفًا بغيرِ الْبَيْتِ بِمَنْزِلَةٍ مَنْ طَافَ بِالْمَسْجِدِ، لِأَنَّهُ طَافَ فِي غَيْرِ حَدٍّ وَلَا طَوَافَ لَهُ.

(۱۲۸)

### بَابُ حَدِّ الْمَشْيِ فِي الطَّوَّافِ

۱ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنِ الْبَرْقِيِّ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ سَيَابَةَ قَالَ:  
سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الطَّوَّافِ فَقُلْتُ: أَسْرِعُ وَأَكْثِرُ أَوْ أُبْطِئُ؟  
قَالَ: مَشْيٌ بَيْنَ الْمَشْيَيْنِ.

فرمود: مردم در زمان رسول خدا ﷺ به بیت و مقام با هم طواف می نمودند و شما امروز بین مقام و بیت طواف می کنید. پس حد امروز محل مقام است و هر که از آن تجاوز کند طواف کننده نیست و حد پیش از امروز و امروز یکی است؛ اندازه بین مقام و بین بیت از همه اطراف بیت است و هر که دورتر از آن نواحی طواف نماید غیر بیت را طواف نموده است؛ به منزله کسی است که به مسجدالحرام طواف نموده است؛ زیرا در غیر حد طواف نموده و طوافی برای او نیست.

### بخش صد و بیست و هشتم

### چگونگی طواف نمودن

۱ - عبدالرحمان بن سیابه گوید: از امام صادق ع در مورد طواف پرسیدم که می توانم تند رفته تا زیاد طواف نمایم یا کند روم؟  
فرمود: متوسط راه برو.

(۱۲۹)

**بَابُ الرَّجُلِ يَطُوفُ فَتَعْرِضُ لَهُ الْحَاجَّةُ أَوْ الْعِلَّةُ**

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلٍ عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

فِي رَجُلٍ طَافَ شَوْطاً أَوْ شَوَاطِينَ ثُمَّ خَرَجَ مَعَ رَجُلٍ فِي حَاجَةٍ. فَقَالَ: إِنْ كَانَ طَوَافٌ نَافِلَةٍ بَنَى عَلَيْهِ وَإِنْ كَانَ طَوَافٌ فَرِيضَةٍ لَمْ يَبْنِ عَلَيْهِ. ۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحَدِهِمَا عليه السلام:

فِي الرَّجُلِ يُحَدِّثُ فِي طَوَافِ الْفَرِيضَةِ وَقَدْ طَافَ بَعْضُهُ. قَالَ: يَخْرُجُ فَيَتَوَضَّأُ، فَإِنْ كَانَ جَازَ النُّصْفَ بَنَى عَلَى طَوَافِهِ وَإِنْ كَانَ أَقَلَّ مِنَ النُّصْفِ أَعَادَ الطَّوَافَ.

**بخش صد و بیست و نهم****حکم کسی که در اثنای طواف کاری برایش پیش می آید یا بیمار می شود**

۱ - ابان بن تغلب گوید: امام صادق عليه السلام در مورد کسی که یک شوط یا دو شوط طواف نمود سپس با مردی پی کاری رفت فرمود:

اگر طواف نافله است بنا را بر آن می گذارد و اگر طواف واجب باشد نمی تواند چنین کند (باید از ابتدا دوباره شروع کند).

۲ - یکی از اصحاب ما گوید: امام (باقر و یا امام صادق عليه السلام) درباره مردی که در طواف وضوی او از بین رفت در حالی که مقداری از طواف را انجام داده بود فرمود: بیرون رفته وضو می سازد و اگر از نصف گذشته بود بنا را بر آن می گذارد و اگر کمتر از نصف بود دوباره طواف می کند.

۳- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ عِمْرَانَ الْحَلَبِيِّ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ رَجُلٍ طَافَ بِالْبَيْتِ ثَلَاثَةَ أَشْوَاطٍ مِنَ الْفَرِيضَةِ ثُمَّ وَجَدَ خَلْوَةً مِنَ الْبَيْتِ فَدَخَلَهُ كَيْفَ يَصْنَعُ؟  
فَقَالَ: يَفْضِي طَوَافَهُ وَ قَدْ خَالَفَ السُّنَّةَ فَلْيَعِدْ طَوَافَهُ.

۴- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

إِذَا طَافَ الرَّجُلُ بِالْبَيْتِ أَشْوَاطًا ثُمَّ اشْتَكَى أَعَادَ الطَّوْفَ يَغْنِي الْفَرِيضَةَ.  
۵- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ رَبَّابٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

فِي رَجُلٍ طَافَ طَوَافَ الْفَرِيضَةِ ثُمَّ اعْتَلَّ عِلَّةً لَا يَقْدِرُ مَعَهَا عَلَى تِمَامِ الطَّوْفِ.

۳- عمران حلبی گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: مردی سه شوط از طواف فريضة را انجام داده بود پس جای خالی در داخل کعبه می بیند و وارد آن جا می شود، چه وظیفه ای دارد؟

فرمود: طواف خود را از بین برده و مخالف سنت نموده است باید طوافش را اعاده نماید.

۴- حلبی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

هرگاه مردی چند شوط طواف نمود و دردی عارضش شد طواف - واجب - را اعاده می کند.

۵- اسحاق بن عمار گوید: امام کاظم علیه السلام درباره مردی که طواف واجب می نمود پس در این اثنا بیمار شد که نتوانست طواف را تمام نماید فرمود:

فَقَالَ: إِنْ كَانَ طَافَ أَرْبَعَةَ أَشْوَاطٍ أَمَرَ مَنْ يَطُوفُ عَنْهُ ثَلَاثَةَ أَشْوَاطٍ فَقَدْ تَمَّ طَوَافُهُ، وَإِنْ كَانَ طَافَ ثَلَاثَةَ أَشْوَاطٍ وَ لَا يَقْدِرُ عَلَى الطَّوَافِ، فَإِنَّ هَذَا مِمَّا غَلَبَ اللَّهُ عَلَيْهِ فَلَا بَأْسَ بِأَنْ يُؤَخِّرَ الطَّوَافَ يَوْمًا وَ يَوْمَيْنِ، فَإِنْ خَلَّتْهُ الْعِلَّةُ عَادَ فَطَافَ أُسْبُوعًا، وَإِنْ طَالَتْ عِلَّتُهُ أَمَرَ مَنْ يَطُوفُ عَنْهُ أُسْبُوعًا، وَ يُصَلِّي هُوَ رَكَعَتَيْنِ وَ يَسْعَى عَنْهُ وَ قَدْ خَرَجَ مِنْ إِحْرَامِهِ وَ كَذَلِكَ يَفْعَلُ فِي السَّعْيِ وَ فِي رَمِي الْجِمَارِ.

۶- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ عَنْ أَبِي عَزَّةَ قَالَ:

مَرَّ بِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام وَ أَنَا فِي الشَّوْطِ الْخَامِسِ مِنَ الطَّوَافِ، فَقَالَ لِي: انْطَلِقْ حَتَّى تَعُودَ هَاهُنَا رَجُلًا.

فَقُلْتُ لَهُ: إِنَّمَا أَنَا فِي خَمْسَةِ أَشْوَاطٍ فَأَتِمُّ أُسْبُوعِي؟! قَالَ: اقْطَعُهُ وَ احْفَظْهُ مِنْ حَيْثُ تَقْطَعُ حَتَّى تَعُودَ إِلَى الْمَوْضِعِ الَّذِي قَطَعْتَ مِنْهُ فَتَبْنِي عَلَيْهِ.

اگر چهار شوط طواف کرده به کسی که از جانب او طواف می کند دستور دهد سه شوط طواف نماید که طواف او کامل است و اگر سه شوط طواف نموده بود و نتوانست طواف را ادامه دهد، راستی این از چیزی است که خدا بر او چیره کرده و ایرادی ندارد که طوافش را یک روز و دو روز تأخیر اندازد. پس اگر بهبودی یافت هفت شوط طواف می کند و اگر مرضش طولانی شد پس بگوید یک کسی که از جانب او هفت شوط طواف نماید و دو رکعت نماز خوانده و سعی نماید در این صورت از احرامش خارج شده است و در سعی و رمی جمره ها نیز چنین نماید.

۶- ابی عزّه گوید: امام صادق عليه السلام از کنار من گذشت که در شوط پنج از طواف بودم به من فرمود: بیا تا آن جا برای عیادت مردی برویم.

گفتم: من در شوط پنجم هستم، پس شوط هفتم را تمام نمایم؟! فرمود: طواف را قطع کن و به یاد داشته باش که کجا قطع نموده ای تا هنگامی که برای ادامه طواف برگردی به آن جایی که قطع کرده بودی پس بنا را بر آن (پنج) بگذاری.

۷- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيعٍ عَنْ أَبِي إِسْمَاعِيلَ السَّرَّاجِ عَنْ سُكَيْنِ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ رَجُلٍ مِنْ أَصْحَابِنَا يُكْنَى أَبَا أَحْمَدَ قَالَ: كُنْتُ مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي الطَّوَّافِ يَدُهُ فِي يَدِي إِذْ عَرَضَ لِي رَجُلٌ لَهُ إِلَيَّ حَاجَةٌ، فَأَوْمَأْتُ إِلَيْهِ بِيَدِي فَقُلْتُ لَهُ: كَمَا أَنْتَ حَتَّى أَفْرُغَ مِنْ طَوَافِي. فَقَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: مَا هَذَا؟ قُلْتُ: أَصْلَحَكَ اللَّهُ! رَجُلٌ جَاءَنِي فِي حَاجَةٍ. فَقَالَ لِي: مُسْلِمٌ هُوَ؟ قُلْتُ: نَعَمْ. فَقَالَ لِي: اذْهَبْ مَعَهُ فِي حَاجَتِهِ. فَقُلْتُ لَهُ: أَصْلَحَكَ اللَّهُ! فَأَقْطَعَ الطَّوَّافَ؟ فَقَالَ: نَعَمْ. قُلْتُ: وَإِنْ كُنْتُ فِي الْمَقْرُوضِ.

۷- ابا احمد گوید: با امام صادق عليه السلام مشغول طواف بودم که دست آن حضرت در دستم بود مردی که با من کاری داشت آمد. من با دستم به او اشاره نمودم و گفتم: همان جا باش تا از طواف خود فارغ شوم. امام صادق عليه السلام به من فرمود: این کیست؟ گفتم: خدا کارهای شما را اصلاح کند! مردی است برای حاجتی نزد من آمده است. فرمود: مسلمان است؟ گفتم: آری. به من فرمود: همراه او پی حاجتش برو. گفتم: خدا کارهای شما را اصلاح فرماید! طوافم را قطع کنم؟ فرمود: آری. گفتم: اگر چه در طواف واجب بودم؟



قَالَ: نَعَمْ وَإِنْ كُنْتَ فِي الْمَفْرُوضِ.  
 قَالَ: وَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ مَشَى مَعَ أَخِيهِ الْمُسْلِمِ فِي حَاجَتِهِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ  
 أَلْفَ أَلْفِ حَسَنَةٍ وَمَحَا عَنْهُ أَلْفَ أَلْفِ سَيِّئَةٍ وَرَفَعَ لَهُ أَلْفَ أَلْفِ دَرَجَةٍ.

(۱۳۰)

### بَابُ الرَّجُلِ يَطُوفُ فَيُعْيِي أَوْ تَقَامُ الصَّلَاةُ أَوْ يَدْخُلُ عَلَيْهِ وَقْتُ الصَّلَاةِ

- ۱- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ شِهَابٍ عَنْ  
 هِشَامٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:  
 أَنَّهُ قَالَ فِي رَجُلٍ كَانَ فِي طَوَافٍ فَرِيضَةٍ فَأَذْرَكَتَهُ صَلَاةُ فَرِيضَةٍ.  
 قَالَ: يَقْطَعُ طَوَافَهُ وَيُصَلِّي الْفَرِيضَةَ ثُمَّ يَعُودُ وَيَتِمُّ مَا بَقِيَ عَلَيْهِ مِنْ طَوَافِهِ.
- ۲- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ  
 الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْ أَبِي إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

فرمود: آری، اگر چه در طواف واجب بودی.  
 راوی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: هر که با برادر دینی خود پی حاجت او رود خداوند  
 یک میلیون حسنه برایش می نویسد، یک میلیون گناه از او پاک می کند و یک میلیون مرتبه  
 او را بالا می برد.

### بخش صد و سیام

**مردی که از طواف باز می ماند، یا نماز برپا می شود و یا وقت  
 نماز فرا می رسد**

- ۱- هشام گوید: امام صادق علیه السلام درباره کسی که در طواف واجب بوده که وقت نماز  
 واجب فرا می رسد فرمود:  
 طوافش را قطع نموده نماز واجب را به جا آورد سپس برگشته مابقی طوافش را به پایان  
 برساند.
- ۲- عبدالرحمان بن حجّاج گوید:

سَأَلَتْهُ عَنِ الرَّجُلِ يَكُونُ فِي الطَّوَافِ قَدْ طَافَ بَعْضَهُ وَبَقِيَ عَلَيْهِ بَعْضُهُ فَيَطْلُعُ الْفَجْرُ فَيَخْرُجُ مِنَ الطَّوَافِ إِلَى الْحَجَرِ أَوْ إِلَى بَعْضِ الْمَسْجِدِ إِذَا كَانَ لَمْ يُوتِرْ فَيُوتِرُ ثُمَّ يَرْجِعُ إِلَى مَكَانِهِ فَيَتِمُّ طَوَافَهُ أَفْتَرَى ذَلِكَ أَفْضَلَ أَمْ يُتِمُّ الطَّوَافَ ثُمَّ يُوتِرُ وَ إِنْ أَسْفَرَ بَعْضَ الْإِسْفَارِ.

قَالَ: ابْدَأْ بِالْوُتْرِ وَ اقْطَعْ الطَّوَافَ إِذَا خِفْتَ ذَلِكَ، ثُمَّ أَتِمَّ الطَّوَافَ بَعْدُ.

۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ كَانَ فِي طَوَافِ الْفَرِيضَةِ فَأُقِيمَتِ الصَّلَاةُ.

قَالَ: يُصَلِّي مَعَهُمُ الْفَرِيضَةَ فَإِذَا فَرَغَ بَنَى مِنْ حَيْثُ قَطَعَ.

۴- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ رِثَابٍ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: الرَّجُلُ يُعْيِي فِي الطَّوَافِ أَلَهُ أَنْ يَسْتَرِيحَ؟

از امام کاظم عليه السلام پرسیدم: مردی در طواف بوده که مقداری انجام داده و مقداری از آن باقی مانده بود که فجر طلوع می‌کند می‌تواند از طواف بیرون آمده به سوی حجر اسماعیل یا قسمتی از مسجد برود که اگر نماز وتر به جا نیاورده باشد آن را به جا آورد سپس به جای خود برگشته طوافش را به پایان برساند؟ به نظر شما این بهتر است یا طوافش را به اتمام برساند، سپس وتر بخواند گرچه مقداری هوا روشن شده باشد؟  
فرمود: با نماز وتر شروع کن و طواف را قطع نما اگر از روشن شدن هوا ترسیدی سپس طواف را تمام نما.

۳- عبدالله بن سنان گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: مردی در طواف واجب بوده پس نماز برپا می‌شود چه وظیفه‌ای دارد؟

فرمود: با آنها نماز واجب را بخواند، چون تمام کرد از جایی که طواف را قطع کرده، بنا گذارد و مانده طواف را ادامه دهد.

۴- علی بن رثاب گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: کسی که از انجام طواف باز می‌ماند آیا می‌تواند استراحت کند؟

قَالَ، نَعَمْ، يَسْتَرِيحُ ثُمَّ يَقُومُ فَيَنْبِي عَلَى طَوَافِهِ فِي فَرِيضَةٍ أَوْ غَيْرِهَا وَ يَفْعَلُ ذَلِكَ فِي سَعْيِهِ وَ جَمِيعِ مَنَاسِكَهِ.

۵- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوُشَاءِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ ابْنِ أَبِي يَعْفُورٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ الرَّجُلِ يَسْتَرِيحُ فِي طَوَافِهِ. فَقَالَ: نَعَمْ، أَنَا قَدْ كَانَتْ تُوَضَّعُ لِي مِرْفَقَةٌ فَأَجْلِسُ عَلَيْهَا.

(۱۳۱)

### بَابُ السَّهْوِ فِي الطَّوَافِ

۱- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ قَالَ:

فرمود: آری، استراحت نموده سپس برمی خیزد و از جایی که طواف واجب یا غیر آن را قطع نموده بنا گذارد و این کار را در سعی و هم چنین در تمامی مناسک می تواند انجام دهد.

۵- ابن ابی یعفور گوید: از امام صادق عليه السلام سؤال شد: انسان می تواند در طوافش استراحت نماید؟

فرمود: آری، چه بسا برای من هم بالشی گذاشته می شد که بر آن می نشستم.

### بخش صد و سی و یکم

#### شک در طواف

۱- منصور بن حازم گوید:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ طَافَ طَوَافَ الْفَرِيضَةِ فَلَمْ يَدْرِ سِتَّةَ طَافَ أَمْ سَبْعَةً.

قَالَ: فَلْيَعِدْ طَوَافَهُ.

قُلْتُ: فَفَاتَهُ.

قَالَ: مَا أَرَى عَلَيْهِ شَيْئًا وَ الْإِعَادَةُ أَحَبُّ إِلَيَّ وَأَفْضَلُ.

۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي رَجُلٍ لَمْ يَدْرِ سِتَّةَ طَافَ أَوْ سَبْعَةً.

قَالَ: يَسْتَقْبَلُ.

۳ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ جَمِيعاً عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَمَّنْ طَافَ بِالْبَيْتِ طَوَافَ الْفَرِيضَةِ فَلَمْ يَدْرِ سِتَّةَ طَافَ أَوْ سَبْعَةً.

قَالَ: يَسْتَقْبَلُ.

از امام صادق عليه السلام درباره کسی که در طواف فريضة شك نمود و ندانست که شش شوط طواف کرده و یا هفت شوط پرسیدم.

فرمود: طوافش را اعاده می‌کند.

گفتم: از او (زمان عمل) فوت شد؟

فرمود: اشکالی بر او نمی‌بینم و اعاده نزد من دوست داشتنی‌تر و بهتر است.

۲ - نظیر این روایت را حلبی از حضرتش نقل می‌کند.

۳ - معاوية بن عمار گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: کسی که طواف واجب نمود و

ندانست که شش شوط طواف کرده یا هفت شوط. چه حکمی دارد؟

فرمود: از نو شروع می‌کند.

قُلْتُ: فَفَاتَهُ ذَلِكَ.

قَالَ: لَيْسَ عَلَيْهِ شَيْءٌ.

۴ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ شَكَّ فِي طَوَافِ الْفَرِيضَةِ.

قَالَ: يُعِيدُ كُلَّمَا شَكَّ.

قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! شَكَّ فِي طَوَافِ نَافِلَةٍ.

قَالَ: يَبْنِي عَلَى الْأَقْلِّ.

۵ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ

سُوَيْدٍ عَنْ يَحْيَى الْحَلَبِيِّ عَنْ هَارُونَ بْنِ خَارِجَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ طَافَ بِالْبَيْتِ ثَمَانِيَةَ أَشْوَاطٍ الْمَفْرُوضِ.

قَالَ: يُعِيدُ حَتَّى يُثَبِّتَهُ.

عرض کردم: زمان عمل از او فوت شد؟

فرمود: چیزی بر عهده او نیست.

۴ - ابوبصیر گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: مردی در طواف فریضه شک نمود چه

وظیفه‌ای دارد؟

فرمود: هر چه شک کند اعاده می‌نماید.

گفتم: قربانت گردم! در طواف نافله شک کرد؟

فرمود: بنا را بر کمتر می‌گذارد.

۵ - ابوبصیر گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: کسی که هشت بار طواف فریضه بیت را

نمود.

فرمود: اعاده می‌کند تا یقین کند.

- ۶ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَرَّارٍ عَنْ يُونُسَ عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ:  
قُلْتُ: رَجُلٌ طَافَ بِالْبَيْتِ طَوَافَ الْفَرِيضَةِ فَلَمْ يَدْرِ سِتَّةَ طَافَ أَمْ سَبْعَةَ أَمْ ثَمَانِيَةً.  
قَالَ: يُعِيدُ طَوَافَهُ حَتَّى يَحْفَظَ.  
قُلْتُ: فَإِنَّهُ طَافَ وَهُوَ مُتَطَوِّعٌ ثَمَانِي مَرَّاتٍ وَهُوَ نَاسٍ.  
قَالَ: فَلْتَيْمَمَهُ طَوَافَيْنِ ثُمَّ يُصَلِّيْ أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ، فَأَمَّا الْفَرِيضَةُ فَلْيُعِيدْ حَتَّى يُتِمَّ سَبْعَةَ أَشْوَاطٍ.
- ۷ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ حَنَانِ بْنِ سَدِيرٍ قَالَ:  
قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: مَا تَقُولُ فِي رَجُلٍ طَافَ فَأَوْهَمَ، فَقَالَ: طُفْتُ أَرْبَعَةً أَوْ طُفْتُ ثَلَاثَةً؟  
فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: أَيُّ الطَّوَافَيْنِ كَانَ؟ طَوَافَ نَافِلَةٍ أَمْ طَوَافَ فَرِيضَةٍ؟

- ۶ - ابوبصیر گوید: به امام عليه السلام گفتم: کسی که طواف واجب نمود و ندانست که شش یا هفت و یا هشت شوط طواف نموده است؟  
فرمود: طوافش را اعاده می کند تا حفظ نماید.  
گفتم: اگر در طواف مستحبی فراموش نمود و هشت شوط طواف نمود؟  
فرمود: آن را به پایان برساند تا دو طواف باشد آن گاه چهار رکعت نماز طواف می خواند و اما در طواف واجب اعاده می کند تا هفت شوط را کامل نماید.
- ۷ - حنان بن سدير گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: نظر شما درباره کسی که طواف نموده و شک کرده و گفته: در طواف چهارم بودم یا طواف سوم، چیست؟  
امام صادق عليه السلام فرمود: کدام نوع طواف است؟ فريضه یا نافله؟

قَالَ: إِنْ كَانَ طَوَافٌ فَرِيضَةٍ فَلْيُلْقِ مَا فِي يَدِهِ وَ لِيَسْتَأْنِفْ، وَإِنْ كَانَ طَوَافٌ نَافِلَةً فَاسْتَيْقِنَ ثَلَاثَةً وَ هُوَ فِي شَكٍّ مِنَ الرَّابِعِ أَنَّهُ طَافَ فَلْيَبْنِ عَلَى الثَّلَاثَةِ فَإِنَّهُ يَجُوزُ لَهُ.

۸- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: رَجُلٌ طَافَ بِالْبَيْتِ ثُمَّ خَرَجَ إِلَى الصَّفا فَطَافَ بَيْنَ الصَّفا وَ الْمَرْوَةِ فَبَيْنَا هُوَ يَطُوفُ إِذْ ذَكَرَ أَنَّهُ قَدْ تَرَكَ بَعْضَ طَوَافِهِ بِالْبَيْتِ.

قَالَ: يَرْجِعُ إِلَى الْبَيْتِ فَيَتِمُّ طَوَافَهُ ثُمَّ يَرْجِعُ إِلَى الصَّفا وَ الْمَرْوَةِ فَيَتِمُّ مَا بَقِيَ.

۹- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَطِيَّةٍ قَالَ: سَأَلَهُ سُلَيْمَانُ بْنُ خَالِدٍ وَ أَنَا مَعَهُ عَنْ رَجُلٍ طَافَ بِالْبَيْتِ سِتَّةَ أَشْوَاطٍ.

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: وَ كَيْفَ يَطُوفُ سِتَّةَ أَشْوَاطٍ؟

قَالَ: اسْتَقْبَلَ الْحَجَرَ وَ قَالَ: اللَّهُ أَكْبَرُ وَ عَقَدَ وَاحِدًا.

فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: يَطُوفُ شَوَاطٍ.

فرمود: اگر طواف واجب باشد آن چه انجام داده رها می کند و از سر می گیرد و اگر طواف مستحبی بود به سه شوط یقین دارد و در شوط چهارم شک نماید که طواف نموده پس بنا را بر سه بگذارد، زیرا این کار بر او جایز است.

۸- اسحاق بن عمار گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: کسی که بیت را طواف نمود سپس به سوی صفا رفته و بین صفا و مروه سعی نمود در آن هنگام که سعی می نمود به یاد آورد که قسمتی از طوافش را ترک نموده است؟

فرمود: به بیت برمی گردد و طواف خود را تمام نموده سپس به صفا و مروه برمی گردد باقی مانده را تمام می کند.

۹- حسن بن عطیه گوید: من در حضور امام صادق عليه السلام بودم که سلیمان بن خالد پرسید کسی که بیت را شش شوط طواف نمود (چه وظیفه ای دارد؟)

فرمود: چگونه شش شوط طواف نموده؟

گفت: مقابل حجر الاسود ایستاد «الله اکبر» گفته یک دور زد.

امام صادق عليه السلام فرمود: یک شوط طواف نماید.

قَالَ سُلَيْمَانُ: فَإِنَّهُ فَاتَهُ ذَلِكَ حَتَّى أَتَى أَهْلَهُ.  
قَالَ: يَأْمُرُ مَنْ يَطُوفُ عَنْهُ.

۱۰ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ فَضَالٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ أَبِي كَهْمَسٍ قَالَ:  
سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ نَسِيَ فَطَافَ ثَمَانِيَةَ أَشْوَاطٍ.  
قَالَ: إِنْ ذَكَرَ قَبْلَ أَنْ يَبْلُغَ الرُّكْنَ فَلْيَقْطَعْهُ.

(۱۳۲)

### بَابُ الْإِقْرَانِ بَيْنَ الْأَسَابِيعِ

۱ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

سليمان گفت: زمان انجام از او فوت شد تا این که نزد خانواده اش رفت.

فرمود: به کسی دستور دهد که از طرف او طواف نماید.

۱۰ - ابو کهمس گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: مردی فراموش کرده و هشت شوط طواف نمود؟

فرمود: اگر پیش از رسیدن به رکن باشد آن را قطع نماید.

بخش صد و سی و دوم  
جمع میان چند طواف هفتگانه

۱ - زراره گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:



إِنَّمَا يُكْرَهُ أَنْ يَجْمَعَ الرَّجُلُ بَيْنَ الْأُسْبُوعَيْنِ وَ الطَّوَافَيْنِ فِي الْفَرِيضَةِ، فَأَمَّا فِي النَّافِلَةِ فَلَا بَأْسَ.

۲ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ يَطُوفُ يَقْرَأُ بَيْنَ أُسْبُوعَيْنِ. فَقَالَ: إِنْ شِئْتَ رَوَيْتُ لَكَ عَنْ أَهْلِ مَكَّةَ.

قَالَ: فَقُلْتُ: لَا وَاللَّهِ، مَا لِي فِي ذَلِكَ مِنْ حَاجَةٍ جُعِلَتْ فِدَاكَ! وَلَكِنْ أُرْوِي مَا أَدِينُ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ بِهِ.

فَقَالَ: لَا تَقْرَأُ بَيْنَ أُسْبُوعَيْنِ كَلِّمَا طُفْتُ أُسْبُوعًا فَصَلِّ رَكْعَتَيْنِ، وَ أَمَّا أَنَا فَرَبَّمَا قَرَنْتُ الثَّلَاثَةَ وَ الْأَرْبَعَةَ، فَنَظَرْتُ إِلَيْهِ. فَقَالَ: إِنِّي مَعَ هَؤُلَاءِ.

۳ - أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ النَّهْدِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ وَلِيدٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ:

إِنَّمَا يُكْرَهُ الْقِرَاءُ فِي الْفَرِيضَةِ، فَأَمَّا النَّافِلَةُ فَلَا وَاللَّهِ مَا بِهِ بَأْسٌ.

جمع بین دو هفت شوط در دو طواف واجب مکروه است، ولی در طواف نافله ایراد ندارد.

۲ - علی بن ابی حمزه گوید: از امام کاظم عليه السلام پرسیدم: مردی طواف کرده و بین دو هفت شوط را جمع می‌کند؟

فرمود: اگر می‌خواهی تو را از نظر مردم مکه آگاه سازم.

گفتم: نه، به خدا سوگند! مرا به نظر آنان نیازی نیست فدایت گردم! ولی به من چیزی بگویند که با آن خداوند تعالی را دینداری نمایم.

آن‌گاه فرمود: میان دو هفت شوط را جمع مکن. هر وقت هفت شوط طواف نمودی دو رکعت نماز بخوان و اما من ای بسا که سه و چهار طواف را با هم جمع می‌کنم.

پس به حضرت نظر کردم، فرمود: من با اینها (طواف‌کنندگان) هستم.

۳ - عمر بن یزید گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: جمع بین دو هفت شوط در دو طواف واجب مکروه است، ولی در طواف نافله ایراد ندارد.

(۱۳۳)

**بَابُ مَنْ طَافَ وَ اخْتَصَرَ فِي الْحَجْرِ**

- ۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَفْصِ بْنِ الْبَخْتَرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي الرَّجُلِ يَطُوفُ بِالْبَيْتِ فَاخْتَصَرَ قَالَ: يَفْضِي مَا اخْتَصَرَ مِنْ طَوَافِهِ.
- ۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: مَنْ اخْتَصَرَ فِي الْحَجْرِ فِي الطَّوَافِ فَلْيُعِدْ طَوَافَهُ مِنَ الْحَجَرِ الْأَسْوَدِ إِلَى الْحَجَرِ الْأَسْوَدِ.

**بخش صد و سی و سوم****حکم کسی که طواف کرد و راه را از حجر اسماعیل کوتاه نمود**

- ۱ - حفص بن بختری گوید: امام صادق عليه السلام درباره مردی که طواف نمود و راه را (از حجر اسماعیل) کوتاه کرد فرمود: بایستی آن چه از طوافش کوتاه کرده، قضا نماید.
- ۲ - معاویه بن عمار گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: هر که طواف را از - حجر اسماعیل - کوتاه کرد باید طوافش را از حجر الاسود تا حجر الاسود اعاده کند.

(۱۳۴)

## بَابُ مَنْ طَافَ عَلَى غَيْرِ وُضُوءٍ

۱- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُثَنَّى عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ الرَّجُلِ يَطُوفُ عَلَى غَيْرِ وُضُوءٍ أَيْعْتَدُ بِذَلِكَ الطَّوْفَ؟ قَالَ: لَا.

۲- سَهْلُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي حَمَزَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام أَنَّهُ سُئِلَ أَيْنَسُكَ الْمَنَاسِكُ وَهُوَ عَلَى غَيْرِ وُضُوءٍ؟ فَقَالَ: نَعَمْ، إِلَّا الطَّوْفَ بِالْبَيْتِ، فَإِنَّ فِيهِ صَلَاةً. عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مِثْلَهُ.

۳- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَحَدَهُمَا عليه السلام عَنْ رَجُلٍ طَافَ طَوَافَ الْفَرِيضَةِ وَهُوَ عَلَى غَيْرِ طَهْوَرٍ.

## بخش صدوسی و چهارم

## حکم طواف بی وضو

- ۱- زراره گوید: از امام باقر عليه السلام پرسیدم: کسی که بدون وضو طواف نمود آیا می تواند به آن اکتفا کند؟  
فرمود: نه.
- ۲- ابو حمزه گوید: از امام باقر عليه السلام سؤال شد: آیا می توان مناسک را بدون وضو انجام داد؟  
فرمود: آری، جز طواف بیت، زیرا آن نماز دارد.
- ۳- محمد بن مسلم گوید: از امام (باقر یا امام صادق عليه السلام) پرسیدم: کسی که بدون وضو طواف فریضه نمود (چه وظیفه ای دارد؟)

قَالَ: يَتَوَضَّأُ وَ يُعِيدُ طَوَافَهُ، وَإِنْ كَانَ تَطَوُّعاً تَوَضَّأَ وَ صَلَّى رَكْعَتَيْنِ.  
 ۴ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ الْعَمْرِيِّ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَخِيهِ  
 أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:  
 سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ طَافَ بِالْبَيْتِ وَ هُوَ جُنُبٌ فَذَكَرَ وَ هُوَ فِي الطَّوَافِ.  
 قَالَ: يَقْطَعُ طَوَافَهُ وَ لَا يَعْتَدُ بِشَيْءٍ مِمَّا طَافَ.  
 وَ سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ طَافَ ثُمَّ ذَكَرَ أَنَّهُ عَلَى غَيْرِ وُضُوءٍ.  
 قَالَ: يَقْطَعُ طَوَافَهُ وَ لَا يَعْتَدُ بِهِ.

(۱۳۵)

### بَابُ مَنْ بَدَأَ بِالسَّعْيِ قَبْلَ الطَّوَافِ أَوْ طَافَ وَ آخَرَ السَّعْيِ

۱ - أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ  
 إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ:

فرمود: وضو بگیرد و طواف خود را اعاده کند و اگر طواف نافله بود وضو می گیرد و دو رکعت نماز می خواند.  
 ۴ - علی بن جعفر گوید: از برادرم امام کاظم علیه السلام پرسیدم: مردی در حال جنب طواف بیت نمود پس در حال طواف به یاد آورد (چه وظیفه ای دارد؟)  
 فرمود: طوافش را قطع نموده و به طوافی که انجام داده اعتنایی نمی کند.  
 باز از حضرتش پرسیدم: کسی که طواف می کند پس به یاد می آورد که بدون وضو است (چه وظیفه ای دارد؟)  
 فرمود: طواف را قطع می کند و به آن اعتنا نمی نماید.

### بخش صد و سی و پنجم

حکم کسی که پیش از طواف سعی بین صفا و مروه نماید یا  
 طواف را انجام دهد و سعی را به تأخیر اندازد  
 ۱ - اسحاق بن عمار گوید:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: رَجُلٌ طَافَ بِالْكَعْبَةِ ثُمَّ خَرَجَ فَطَافَ بَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ فَيَنْمَ هُوَ يَطُوفُ إِذْ ذَكَرَ أَنَّهُ قَدْ تَرَكَ مِنْ طَوَافِهِ بِالْبَيْتِ.  
 قَالَ: يَرْجِعُ إِلَى الْبَيْتِ فَيَتِمُّ طَوَافَهُ ثُمَّ يَرْجِعُ إِلَى الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ فَيَتِمُّ مَا بَقِيَ.  
 قُلْتُ: فَإِنَّهُ بَدَأَ بِالصَّفَا وَالْمَرْوَةِ قَبْلَ أَنْ يَبْدَأَ بِالْبَيْتِ.  
 فَقَالَ: يَأْتِي الْبَيْتَ فَيَطُوفُ بِهِ ثُمَّ يَسْتَأْنِفُ طَوَافَهُ بَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ.  
 قُلْتُ: فَمَا فَرْقُ بَيْنَ هَذَيْنِ؟  
 قَالَ: لِأَنَّ هَذَا قَدْ دَخَلَ فِي شَيْءٍ مِنَ الطَّوَافِ وَهَذَا لَمْ يَدْخُلْ فِي شَيْءٍ مِنْهُ.  
 ۲ - مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ قَالَ:  
 سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ طَافَ بَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ قَبْلَ أَنْ يَطُوفَ بِالْبَيْتِ.  
 فَقَالَ: يَطُوفُ بِالْبَيْتِ ثُمَّ يَعُودُ إِلَى الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ فَيَطُوفُ بَيْنَهُمَا.

به امام صادق عليه السلام گفتم: فردی طواف کعبه نمود آن‌گاه سعی بین صفا و مروه را انجام می‌داد در آن بین که سعی می‌نمود ناگاه به یاد آورد که چند شوط از طواف بیت را انجام نداده است. فرمود: به طرف بیت برمی‌گردد و طوافش را تمام می‌کند، سپس به صفا و مروه رود و مابقی آن را تمام می‌نماید.

باز گفتم: اگر شروع به سعی صفا و مروه نماید پیش از این که از طواف بیت شروع نماید؟ فرمود: به طرف بیت برود و طواف نماید سپس برمی‌گردد سعی صفا و مروه را از سر شروع می‌کند.

گفتم: این دو حکم چه فرقی دارند؟ فرمود: زیرا آن فرد وارد مقداری از طواف شده بود و این فرد دیگری وارد هیچ مقداری از آن نشده بود.

۲ - منصور بن حازم گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: مردی پیش از طواف بیت سعی صفا و مروه نمود (چه وظیفه‌ای دارد؟) فرمود: بیت را طواف می‌کند، آن‌گاه به صفا و مروه برمی‌گردد و بین آن دو سعی می‌نماید.

- ۳- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ:  
سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ يَقْدُمُ حَاجًّا وَ قَدْ اشْتَدَّ عَلَيْهِ الْحَرُّ فَيَطُوفُ بِالْكَعْبَةِ وَيُؤَخِّرُ السَّعْيَ إِلَى أَنْ يَبْرُدَ.  
فَقَالَ: لَا بَأْسَ بِهِ وَ رُبَّمَا فَعَلْتُهُ.
- ۴- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ رِفَاعَةَ قَالَ:  
سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ يَطُوفُ بِالْبَيْتِ فَيَدْخُلُ وَقْتُ الْعَصْرِ أَوْ يَسْعَى قَبْلَ أَنْ يُصَلِّيَ أَوْ يُصَلِّيَ قَبْلَ أَنْ يَسْعَى؟  
قَالَ: لَا، بَلْ يُصَلِّي ثُمَّ يَسْعَى.
- ۵- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ قَالَ:  
سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ طَافَ بِالْبَيْتِ فَأَعْيَا أَوْ أَخَّرَ الطَّوْفَ بَيْنَ الصَّغَا وَ الْمَرْوَةِ إِلَى غَدٍ؟  
قَالَ: لَا.

- ۳- عبدالله بن سنان گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: مردی برای انجام حج وارد مکه می شود در حالی که گرما بر او سخت شده، پس طواف کعبه نمود و سعی را به تأخیر انداخت تا خنک شود؟  
فرمود: ایرادی ندارد، گاهی من نیز چنین می کنم.
- ۴- رفاعه گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: مردی که طواف بیت می نماید، پس وقت نماز عصر رسید آیا پیش از نماز سعی کند و یا پیش از سعی نماز بخواند؟  
فرمود: نه، بلکه نماز بخواند سپس سعی کند.
- ۵- علاء بن رزین گوید: از امام عليه السلام پرسیدم: مردی طواف کعبه نمود و خسته شد آیا می تواند سعی بین صفا و مروه را تا فردا به تأخیر اندازد؟  
فرمود: نه.

(۱۳۶)

**بَابُ طَوَافِ الْمَرِيضِ وَ مَنْ يُطَافُ بِهِ مَحْمُولًا مِنْ غَيْرِ عِلَّةٍ**

۱- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ عَنِ الرَّبِيعِ بْنِ خُثَيْمٍ قَالَ:

شَهِدْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام وَهُوَ يُطَافُ بِهِ حَوْلَ الْكَعْبَةِ فِي مَحْمِلٍ وَهُوَ شَدِيدُ الْمَرَضِ، فَكَانَ كُلَّمَا بَلَغَ الرُّكْنَ الْيَمَانِي أَمَرَهُمْ فَوَضَعُوهُ بِالْأَرْضِ فَأَخْرَجَ يَدَهُ مِنْ كَوَّةِ الْمَحْمِلِ حَتَّى يَجْرَهَا عَلَى الْأَرْضِ ثُمَّ يَقُولُ: ارْفَعُونِي. فَلَمَّا فَعَلَ ذَلِكَ مِرَارًا فِي كُلِّ شَوَاطِئِ قُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ! إِنَّ هَذَا يَشُقُّ عَلَيْكَ.

فَقَالَ: إِنِّي سَمِعْتُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ: «لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ». فَقُلْتُ: مَنَافِعَ الدُّنْيَا أَوْ مَنَافِعَ الْآخِرَةِ؟ فَقَالَ: الْكُلُّ.

**بخش صد و سی و ششم****حکم طواف بیمار و کسی که بدون علت به صورت حمل شده طوافش دهند**

۱- ربیع بن خثیم گوید: امام صادق علیه السلام را دیدم که در کجاوه دور کعبه طواف می دادند در حالی که حضرت سخت بیمار بود و هر وقت که به رکن یمانی می رسید می فرمود تا او را به زمین بنهند و دستش را از روزنه کجاوه بیرون می آورد و بر زمین می زد، بعد می فرمود: مرا بلند کنید چون چند بار در طواف این کار را انجام داد به حضرتش گفتم: قربانت گردم! ای فرزند رسول خدا! به راستی این برای شما سخت است.

فرمود: من از خداوند تعالی شنیدم که می فرماید: «تا در آن جا منافع خود را ببینند». گفتم: منافع دنیا و یا منافع آخرت است؟ فرمود: همه است.

- ۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ وَ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: الْمَبْطُونُ وَ الْكَسِيرُ يُطَافُ عَنْهُمَا وَ يُرْمَى عَنْهُمَا الْجِمَارُ.
- ۳ - أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي إِبْرَاهِيمَ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْمَرِيضِ الْمَغْلُوبِ يُطَافُ عَنْهُ بِالْكَعْبَةِ؟ قَالَ: لَا، وَ لَكِنْ يُطَافُ بِهِ.
- ۴ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: الصَّبِيَانُ يُطَافُ بِهِمْ وَ يُرْمَى عَنْهُمْ.
- قَالَ: وَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِذَا كَانَتِ الْمَرْأَةُ مَرِيضَةً لَا تَعْقِلُ يُطَافُ بِهَا أَوْ يُطَافُ عَنْهَا.
- ۵ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عُمَرَ الْيَمَانِيِّ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ عَبْدِ الْخَالِقِ قَالَ:

- ۲ - عبدالرحمان بن حجّاج و معاوية بن عمّار گویند: امام صادق عليه السلام فرمود: کسی را که دل درد و اسهال دارد و کسی را که عضوی از او شکسته طواف می دهند و از جانب او سنگ به جمره ها می زنند.
- ۳ - اسحاق بن عمّار گوید: از امام کاظم عليه السلام پرسیدم: بیماری که در اثر شدت بیماری هذیان می گوید می توانند از طرف او طواف کنند؟ فرمود: نه، ولی او را طواف می دهند.
- ۴ - معاوية بن عمّار گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: کودکان را طواف می دهند و از جانب آنها سنگ می اندازند.
- راوی گوید: هم چنین امام صادق عليه السلام فرمود: چون زن بیمار باشد و هذیان گوید می توانند طوافش دهند یا از جانب او طواف کنند.
- ۵ - اسماعیل بن عبدالخالق گوید:



كُنْتُ إِلَى جَنْبِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَعِنْدَهُ ابْنُهُ عَبْدُ اللَّهِ وَابْنُهُ الَّذِي يَلِيهِ.  
فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ: أَصْلَحَكَ اللَّهُ! يَطُوفُ الرَّجُلُ عَنِ الرَّجُلِ وَهُوَ مُقِيمٌ بِمَكَّةَ لَيْسَ  
بِهِ عِلَّةٌ.  
فَقَالَ: لَا، لَوْ كَانَ ذَلِكَ يَجُوزُ لَأَمَرْتُ ابْنِي فُلَانًا، فَطَافَ عَنِّي، سَمَّى الْأَصْغَرَ  
وَهُمَا يَسْمَعَانِ.

(۱۳۷)

### بَابُ رَكَعَتِي الطَّوَافِ وَوَقْتَهُمَا وَالْقِرَاءَةَ فِيهِمَا وَالدُّعَاءَ

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ  
بْنِ شاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى وَ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قَالَ أَبُو  
عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

در کنار امام صادق علیه السلام حضور داشتم و نزد او فرزندش عبدالله و فرزند او - که با او بود -  
حضور داشتند. مردی به حضرتش گفت: خدا کار شما را اصلاح نماید! مردی از جانب  
مردی - که مقیم مکه است و بیمار هم نیست - می تواند طواف نماید؟  
فرمود: نه، اگر آن جایز بود به فرزندم - فلانی - می گفتم که از جانب من طواف نماید. که  
حضرتش فرزند کوچک را نام برد در حالی که هر دو می شنیدند.

### بخش صد و سی و هفتم

### دو رکعت نماز طواف و وقت آنها و قرائت در آنها و دعای آنها

۱ - معاویه بن عمار گوید:

إِذَا فَرَعْتَ مِنْ طَوَافِكَ فَأَنْتَ مَقَامَ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَصَلِّ رَكْعَتَيْنِ وَاجْعَلْهُ أَمَاماً وَاقْرَأْ فِي الْأُولَى مِنْهُمَا سُورَةَ التَّوْحِيدِ ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ وَفِي الثَّانِيَةِ ﴿قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ﴾ ثُمَّ تَشْهَدُ وَاحْمَدِ اللَّهَ وَاتَّنِ عَلَيْهِ وَصَلِّ عَلَى النَّبِيِّ ﷺ وَاسْأَلْهُ أَنْ يَقْبَلَ مِنْكَ وَهَاتَانِ الرُّكْعَتَانِ، هُمَا الْفَرِيضَةُ لَيْسَ يُكْرَهُ لَكَ أَنْ تُصَلِّيَهُمَا فِي أَيِّ السَّاعَاتِ شِئْتَ عِنْدَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَعِنْدَ غُرُوبِهَا، وَلَا تُؤَخِّرُهُمَا سَاعَةً تَطُوفُ وَتَفْرُغُ فَصَلَّيْهُمَا.

۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عُثْمَانَ قَالَ: رَأَيْتُ أَبَا الْحَسَنِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ يُصَلِّي رَكْعَتَي طَوَافِ الْفَرِيضَةِ بِحِجَالِ الْمَقَامِ قَرِيباً مِنْ ظِلَالِ الْمَسْجِدِ.

۳ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ رَجُلٍ طَافَ طَوَافَ الْفَرِيضَةِ وَفَرَّغَ مِنْ طَوَافِهِ حِينَ غَرَبَتِ الشَّمْسُ.

امام صادق علیه السلام فرمود: هرگاه طواف را به پایان رساندی بیا به مقام ابراهیم علیه السلام و پشت آن دو رکعت نماز گزار که در رکعت اول سوره توحید و در رکعت دوم سوره کافرون را بخوان. بعد از آن تشهد را بخوان و خدا را سپاس کن و ثنایش گو و بر پیامبر ﷺ درود فرست و از او بخواه که از تو قبول نماید و این دو رکعت واجب است می توانی آن دو رکعت را در هر ساعتی خواستی - به هنگام طلوع خورشید و غروبش - بخوانی و کراهتی ندارد، ولی آن ها را به ساعتی که طواف می کنی و آن را به پایان می رسانی به تأخیر نینداز.

۲ - حسین بن عثمان گوید: امام کاظم علیه السلام را دیدم که دو رکعت طواف واجب را در برابر مقام ابراهیم علیه السلام نزدیک سایه مسجد می گزارد.

۳ - محمد بن مسلم گوید: از امام باقر علیه السلام پرسیدم: کسی طواف واجب نمود و در موقع غروب آفتاب از طواف فارغ شد.

قَالَ: وَجَبَتْ عَلَيْهِ تِلْكَ السَّاعَةُ الرَّكْعَتَانِ فَلْيَصْلِهْمَا قَبْلَ الْمَغْرِبِ.

۴- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي مُحَمَّدٍ قَالَ: قُلْتُ لِلرَّضَا عليه السلام: أَصَلِّي رَكْعَتَي طَوَافِ الْفَرِيضَةِ خَلْفَ الْمَقَامِ حَيْثُ هُوَ السَّاعَةُ أَوْ حَيْثُ كَانَ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله? قَالَ: حَيْثُ هُوَ السَّاعَةُ.

۵- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ: مَا رَأَيْتُ النَّاسَ أَخَذُوا عَنِ الْحَسَنِ وَالحُسَيْنِ عليهما السلام إِلَّا الصَّلَاةَ بَعْدَ الْعَصْرِ، وَبَعْدَ الْغَدَاةِ فِي طَوَافِ الْفَرِيضَةِ.

۶- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا قَالَ: قَالَ أَحَدُهُمَا عليه السلام:

فرمود: در همان ساعت آن دو رکعت براو واجب شد، پس پیش از مغرب آن دو رکعت نماز را بخواند.

۴- ابراهیم بن ابی محمود گوید: به امام رضا عليه السلام گفتم: می توانم دو رکعت نماز طواف واجب را پشت مقام ابراهیم عليه السلام - که در همان جای کنونی است یا جایی که در زمان رسول خدا صلى الله عليه وآله بود - بخوانم؟

فرمود: در جای کنونی بخوان.

۵- اسحاق بن عمار گوید: امام کاظم عليه السلام فرمود:

ندیدم مردم حکمی را از امام حسن و امام حسین عليهما السلام الگو بردارند جز نماز طواف فريضة بعد از عصر و بعد از صبح را.

۶- یکی از اصحاب ما گوید: امام (باقر عليه السلام یا امام صادق عليه السلام) فرمود:

يُصَلِّي الرَّجُلُ رَكْعَتَيِ الطَّوَافِ طَوَافِ الْفَرِيضَةِ وَ النَّافِلَةِ بِ «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» وَ «قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ».

- ۷- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ رِفَاعَةَ قَالَ:  
سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ يَطُوفُ الطَّوَافَ الْوَاجِبَ بَعْدَ الْعَصْرِ أَوْ يُصَلِّي  
الرَّكْعَتَيْنِ حِينَ يَفْرُغُ مِنْ طَوَافِهِ؟  
قَالَ: نَعَمْ أَمَا بَلَغَكَ قَوْلُ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: «يَا بَنِي عَبْدِ الْمُطَّلِبِ! لَا تَمْنَعُوا النَّاسَ  
مِنَ الصَّلَاةِ بَعْدَ الْعَصْرِ فَتَمْنَعُوهُمْ مِنَ الطَّوَافِ».
- ۸- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ  
عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَحَدِهِمَا عليه السلام قَالَ:  
لَا يَنْبَغِي أَنْ تُصَلِّيَ رَكْعَتَيِ طَوَافِ الْفَرِيضَةِ إِلَّا عِنْدَ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ عليه السلام، فَأَمَّا  
التَّطَوُّعُ فَحَيْثُ شِئْتَ مِنَ الْمَسْجِدِ.
- ۹- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ  
عَنْ يَحْيَى الْأَزْرَقِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ:

انسان می تواند دو رکعت نماز طواف واجب و نافله را با «قل هو الله احد» و «قل يا ايها الكافرون» بخواند.

- ۷- رفاعه گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: کسی که طواف واجب را بعد عصر انجام  
می دهد آیا می تواند دو رکعت نماز را بعد از طواف بخواند؟  
فرمود: آری، آیا فرمایش رسول خدا صلى الله عليه وآله به تو نرسیده که فرمود: «ای فرزندان  
عبدالمطلب! مردم را از نماز بعد از عصر باز ندارید آن گونه که آنها را از طواف باز می دارید»  
۸- زراره گوید: (امام باقر یا امام صادق عليه السلام) فرمود:  
شایسته نیست که دو رکعت نماز طواف واجب را بجز در مقام ابراهیم عليه السلام بخوانی. اما  
نماز طواف مستحبی را در هر جای مسجد خواستی می توانی بخوانی.
- ۹- یحیی ازرق گوید:

قُلْتُ لَهُ: إِنِّي طُفْتُ أَرْبَعَةَ أَسابِيعَ فَأَعْيَيْتُ أَفَأُصَلِّي رَكَعَاتِهَا وَأَنَا جَالِسٌ؟  
قَالَ: لَا.

قُلْتُ: فَكَيْفَ يُصَلِّي الرَّجُلُ إِذَا اعْتَلَّ وَ وَجَدَ فِتْرَةَ صَلَاةِ اللَّيْلِ جَالِسًا وَ هَذَا لَا يُصَلِّي؟

قَالَ: فَقَالَ: يَسْتَقِيمُ أَنْ تَطُوفَ وَأَنْتَ جَالِسٌ؟

قُلْتُ: لَا.

قَالَ: فَصَلِّ وَأَنْتَ قَائِمٌ.

(۱۳۸)

### بَابُ السَّهْوِ فِي رَكَعَتَيِ الطَّوَافِ

۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ  
الْفُضَيْلِ عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ الْكِنَانِيِّ قَالَ:

از امام کاظم علیه السلام پرسیدم: من چهار بار طواف هفت شوطی نمودم و ناتوان شدم آیا  
می توانم نماز آنها را نشسته بخوانم؟  
فرمود: نه.

گفتم: پس چگونه کسی که از خواندن نماز شب ناتوان شد می تواند نشسته بخواند، ولی  
نماز طواف را نمی تواند؟  
فرمود: درست است که طواف را نشسته انجام دهی؟  
گفتم: نه.

فرمود: پس ایستاده نماز بخوان.

### بخش صد و سی و هشتم

### شک در دو رکعت نماز طواف

۱ - ابو صباح کنانی گوید:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ رَجُلٍ نَسِيَ أَنْ يُصَلِّيَ الرَّكْعَتَيْنِ عِنْدَ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي طَوَافِ الْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ.

فَقَالَ: إِنْ كَانَ بِالْبَلَدِ صَلَّى رَكْعَتَيْنِ عِنْدَ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ: «وَاتَّخِذُوا مِنْ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى»، وَإِنْ كَانَ قَدْ ارْتَحَلَ فَلَا أَمْرُ أَنْ يَرْجِعَ.

۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: رَجُلٌ نَسِيَ الرَّكْعَتَيْنِ خَلَفَ مَقَامَ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَلَمْ يَذْكُرْ حَتَّى ارْتَحَلَ مِنْ مَكَّةَ.

قَالَ: فَلْيَصِلْهُمَا حَيْثُ ذَكَرَ، وَإِذَا ذَكَرَهُمَا وَهُوَ فِي الْبَلَدِ فَلَا يَبْرَحْ حَتَّى يَقْضِيَهُمَا.

۳ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ فَضَالٍ عَنْ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ عُبيدِ بْنِ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

از امام صادق علیه السلام پرسیدم: کسی فراموش کرد که دو رکعت نماز را نزد مقام ابراهیم علیه السلام در طواف حج و عمره بخواند؟

فرمود: اگر در شهر مکه است (دوباره باز گردد و) دو رکعت را نزد مقام ابراهیم علیه السلام بخواند، زیرا خداوند تعالی می فرماید: «مقام ابراهیم را جایگاه نماز قرار دهید» و اگر از مکه رفته است دستور نمی دهم که به مکه باز گردد.

۲ - معاویه بن عمار گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: مردی دو رکعت نماز در پشت مقام ابراهیم علیه السلام را فراموش کرد و به یاد نیاورد تا از آن جا کوچ کرد.

امام علیه السلام فرمود: هر جا به یاد آورد آن دو رکعت نماز را به جا آورد و چون آن را در زمانی به یاد آورد که در مکه بود از آن جا نرود تا آن را به جا آورد.

۳ - زراره گوید:

فِي رَجُلٍ طَافَ طَوَافَ الْفَرِيضَةِ وَلَمْ يُصَلِّ الرُّكْعَتَيْنِ حَتَّى طَافَ بَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ ثُمَّ طَافَ طَوَافَ النِّسَاءِ وَلَمْ يُصَلِّ الرُّكْعَتَيْنِ حَتَّى ذَكَرَ بِالْأَبْطَحِ فَصَلَّى أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ.

قَالَ: يَرْجِعُ فَيُصَلِّي عِنْدَ الْمَقَامِ أَرْبَعًا.

۴- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْمُثَنَّى قَالَ: نَسِيتُ رُكْعَتِي الطَّوَافِ خَلَفَ مَقَامَ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَتَّى انْتَهَيْتُ إِلَى مِنًى فَرَجَعْتُ إِلَى مَكَّةَ فَصَلَّيْتُهُمَا، فذَكَرْنَا ذَلِكَ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ: أَلَا صَلَّاهُمَا حَيْثُ ذَكَرْنَا؟

۵- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: فِي رَجُلٍ طَافَ طَوَافَ الْفَرِيضَةِ وَنَسِيَ الرُّكْعَتَيْنِ حَتَّى طَافَ بَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ.

امام صادق علیه السلام درباره کسی که طواف واجب را به جا آورده، ولی هنوز دو رکعت نماز طواف را نخواند تا سعی بین صفا و مروه سپس طواف نساء را انجام داد باز دو رکعت طواف نساء را به جا نیاورد تا در ابطح به یادش آمد پس چهار رکعت خواند (چه حکمی دارد؟) فرمود: بایستی برگردد و نزد مقام ابراهیم چهار رکعت نماز بخواند.

۴- هشام بن مثنی گوید: نماز طواف در پشت مقام ابراهیم علیه السلام را فراموش کردم تا این که به منا رسیدم سپس به مکه برگشتم و آن دو رکعت را خواندم این موضوع را به امام صادق علیه السلام گفتم.

فرمود: چرا دو رکعت را آن جا که به یاد آورد نخواند؟!

۵- راوی گوید: امام صادق علیه السلام درباره مردی که طواف واجب را انجام داد و دو رکعت را فراموش نمود تا سعی بین صفا و مروه نمود فرمود:

قَالَ: يُعَلِّمُ ذَلِكَ الْمَوْضِعَ ثُمَّ يَعُودُ فَيُصَلِّي الرُّكْعَتَيْنِ ثُمَّ يَعُودُ إِلَى مَكَانِهِ.  
 ۶- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ  
 رَزِينٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عليه السلام قَالَ:  
 سُئِلَ عَنْ رَجُلٍ طَافَ طَوَافَ الْفَرِيضَةِ وَلَمْ يُصَلِّ الرُّكْعَتَيْنِ حَتَّى طَافَ بَيْنَ الصَّفَا  
 وَ الْمَرْوَةِ وَ طَافَ بَعْدَ ذَلِكَ طَوَافَ النِّسَاءِ وَلَمْ يُصَلِّ أَيْضاً لِدَلِكِ الطَّوَافِ حَتَّى ذَكَرَ  
 بِالْأَبْطَحِ.

قَالَ: يَرْجِعُ إِلَى مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ عليه السلام فَيُصَلِّي.  
 ۷- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ  
 أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي إِبْرَاهِيمَ عليه السلام قَالَ:  
 سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ دَخَلَ مَكَّةَ بَعْدَ الْعَصْرِ فَطَافَ بِالْبَيْتِ وَ قَدْ عَلَّمَنَاهُ كَيْفَ يُصَلِّي  
 فَنَسِيَ فَقَعَدَ حَتَّى غَابَتِ الشَّمْسُ ثُمَّ رَأَى النَّاسَ يَطُوفُونَ فَقَامَ فَطَافَ طَوَافاً آخَرَ  
 قَبْلَ أَنْ يُصَلِّي الرُّكْعَتَيْنِ لَطَوَافِ الْفَرِيضَةِ.

آن مکان (در سعی بین صفا و مروه) را نشان می‌گذارد و برمی‌گردد دو رکعت را می‌خواند، سپس به مکانش برمی‌گردد.

۶- محمد بن مسلم گوید: از امام (باقر عليه السلام یا امام صادق عليه السلام) درباره کسی که طواف واجب را به جا آورده، ولی هنوز دو رکعت نماز طواف را نخواند تا سعی بین صفا و مروه سپس طواف نساء را انجام داد باز دو رکعت طواف نساء را به جا نیاورد تا در ابطح به یادش آمد پس چهار رکعت خواند پرسیدند.

فرمود: بایستی به مقام ابراهیم عليه السلام برگردد و نماز را بخواند.

۷- علی بن ابو حمزه گوید: از امام کاظم عليه السلام پرسیدم: کسی که بعد از عصر وارد مکه شد آن گاه بیت را طواف نمود البته چگونگی نماز طواف را گفته بودیم پس فراموش نمود و در آن جا نشست تا آفتاب غروب کرد، سپس مردم را دید که طواف می‌کنند، او نیز برخاست و طواف دیگر نمود پیش از این که نماز طواف واجب بخواند.



فَقَالَ: جَاهِلٌ؟

قُلْتُ: نَعَمْ.

قَالَ: لَيْسَ عَلَيْهِ شَيْءٌ.

۸- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ زَعْلَانَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ بَشَّارٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْمُثَنَّى وَحَنَانٍ قَالَا:

طُفْنَا بِالْبَيْتِ طَوَافَ النِّسَاءِ وَنَسِينَا الرِّكَعَيْنِ فَلَمَّا صِرْنَا بِمِنَى ذَكَرْنَاهُمَا فَأَتَيْنَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَسَأَلْنَاهُ.

فَقَالَ: صَلَّيَاهُمَا بِمِنَى.

(۱۳۹)

### بَابُ نَوَافِرِ الطَّوَافِ

۱- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى وَغَيْرُهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ هِلَالٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

فرمود: آیا ناآگاه بود؟

گفتم: آری.

فرمود: چیزی بر او نیست.

۸- هشام بن مثنی و حنان گویند: ما طواف نساء را انجام دادیم و دو رکعت نماز را فراموش کردیم، چون به منا رفتیم به یاد آوردیم آن گاه خدمت امام صادق عليه السلام شرف یاب شدیم و در این مورد از حضرتش پرسیدیم  
فرمود: دو رکعت نماز را در منا بخوانید.

بخش صد و سی و نهم

چند حدیث نکته دار

۱- راوی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

أَوَّلُ مَا يُظْهَرُ الْقَائِمُ عَلَيْهِ مِنَ الْعَدْلِ أَنْ يُنَادِيَ مُنَادِيَهُ أَنْ يُسَلِّمْ صَاحِبُ النَّافِلَةِ لِصَاحِبِ الْفَرِيضَةِ الْحَجَرَ الْأَسْوَدَ وَ الطَّوْفَ.

۲- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ سَعِيدِ الْأَعْرَجِ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الطَّوْفِ أَيْ كَتَفِي الرَّجُلُ بِإِخْصَاءِ صَاحِبِهِ؟  
فَقَالَ: نَعَمْ.

۳- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ الْكَرِيمِ بْنِ عَمْرٍو عَنْ أَيُّوبَ أَخِي أَدِيمَ قَالَ:  
قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْقِرَاءَةُ وَ أَنَا أَطُوفُ أَفْضَلُ أَوْ أَذْكُرُ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى؟  
قَالَ: الْقِرَاءَةُ.

قُلْتُ: فَإِنْ مَرَّ بِسُجْدَةٍ وَ هُوَ يَطُوفُ؟  
قَالَ: يُومِئُ بِرَأْسِهِ إِلَى الْكَعْبَةِ.

نخستین موضوعی که قائم علیه از عدل آشکار می کند این است که منادی او این گونه ندا  
سرمی دهد: صاحب طواف نافله، حجر الاسود و طواف را به صاحب طواف واجب  
واگذار.

۲- سعید اعرج گوید: امام صادق علیه السلام پرسیدم: آیا انسان می تواند در (شمارش  
شوط های) طواف به شمردن رفیق خود اکتفا کند؟  
فرمود: آری.

۳- ایوب برادر ادیم گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: به هنگام طواف قرائت قرآن بهتر  
است یا ذکر خدای تبارک و تعالی؟  
فرمود: قرائت قرآن.

گفتم: اگر در حال طواف به آیه سجده دار برسد (چه وظیفه ای دارد؟)  
فرمود: با سرش به سمت کعبه اشاره می کند.

۴- سَهْلُ بْنُ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُثَنَّى عَنْ زِيَادِ بْنِ يَحْيَى الْحَنْظَلِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

لَا تَطُوفَنَّ بِالْبَيْتِ وَ عَلَيْكَ بُرْطَلَّةٌ.

۵- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي الْفَرَجِ قَالَ:

سَأَلَ أَبَانُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَكَانَ لِرَسُولِ اللَّهِ طَوَافٌ يُعْرَفُ بِهِ؟

فَقَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَطُوفُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ عَشْرَةَ أَسابِيعَ ثَلَاثَةَ أَوَّلِ اللَّيْلِ وَ ثَلَاثَةَ آخِرِ اللَّيْلِ وَ اثْنَيْنِ إِذَا أَصْبَحَ وَ اثْنَيْنِ بَعْدَ الظُّهْرِ وَ كَانَ فِيمَا بَيْنَ ذَلِكَ رَاحَتُهُ.

۶- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ

النُّعْمَانِ عَنْ دَاوُدَ بْنِ فَرْقِدٍ عَنْ عَبْدِ الْأَعْلَى قَالَ:

رَأَيْتُ أُمَّ فَرْوَةَ تَطُوفُ بِالْكَعْبَةِ عَلَيْهَا كِسَاءٌ مُتَنَكِّرَةٌ فَاسْتَلَمَتِ الْحَجَرَ بِيَدِهَا الْيُسْرَى.

فَقَالَ لَهَا رَجُلٌ مِمَّنْ يَطُوفُ: يَا أُمَّةَ اللَّهِ! أَخْطَأْتَ السُّنَّةَ.

فَقَالَتْ: إِنَّا لَا أَغْنِيَاءُ عَنْ عِلْمِكَ.

۴- زیاد بن یحیی حنظلی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: به طور حتم در حالی که بر سرت

کلاه دراز باشد طواف به کعبه را انجام نده.

۵- ابو فرج گوید: ابان از امام صادق علیه السلام پرسید: آیا برای رسول خدا ﷺ طواف معروفی

بوده؟

فرمود: رسول خدا ﷺ شبانه روز ده طواف هفتگانه می نمود، سه تا اول شب و سه تا

آخر شب و دو تا چون صبح می نمود و دو تا بعد از ظهر و در میان آن استراحت می نمود.

۶- عبدالاعلی گوید: ام فروه (مادر امام صادق علیه السلام) را دیدم که با چادر به صورت ناشناس

طواف کعبه می نمود، پس با دست چپش استلام حجر نمود. مردی که طواف می نمود به او

گفت: ای کنیز خدا! در سنت خطا کردی.

فرمود: ما از علم تو بی نیاز هستیم.

۷ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ قَالَ:  
قَالَ أَبُو الْحَسَنِ عليه السلام: أَتَدْرِي لِمَ سُمِّيَتْ الطَّائِفُ؟  
قُلْتُ: لَا.

قَالَ: إِنَّ إِبْرَاهِيمَ عليه السلام لَمَّا دَعَا رَبَّهُ أَنْ يَرْزُقَ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ قَطَعَ لَهُمْ قِطْعَةً مِنَ  
الْأُرْدَنِ فَأَقْبَلَتْ حَتَّى طَافَتْ بِالْبَيْتِ سَبْعًا، ثُمَّ أَقْرَهَا اللَّهُ فِي مَوْضِعِهَا، وَإِنَّمَا  
سُمِّيَتْ الطَّائِفُ لِلطَّوَّافِ بِالْبَيْتِ.

۸ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ زِيَادٍ الْقَنْدِيِّ قَالَ:  
قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ عليه السلام: جُعِلْتُ فِدَاكَ! إِنِّي أَكُونُ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَأَنْظُرُ إِلَى  
النَّاسِ يَطُوفُونَ بِالْبَيْتِ وَأَنَا قَاعِدٌ فَأَعْتَمُ لِدَلِكِ.

فَقَالَ: يَا زِيَادُ! لَا عَلَيْكَ، فَإِنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا خَرَجَ مِنْ بَيْتِهِ يَوْمَ الْحَجِّ لَا يَزَالُ فِي  
طَوَافٍ وَ سَعْيٍ حَتَّى يَرْجِعَ.

۹ - أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ هَيْثَمِ  
التَّمِيمِيِّ قَالَ:

۷ - احمد بن محمد گوید: امام هادی عليه السلام فرمود: آیا می دانی چرا (منطقه طائف) طائف  
نامیده شد؟  
گفتم: نه.

فرمود: هنگامی که ابراهیم عليه السلام از پروردگارش خواست که از میوه‌ها روزی خانواده‌اش  
کند قطعه‌ای از اردن <sup>(۱)</sup> برایشان جدا کرد. پس آن قطعه آمد و هفت شوط طواف کعبه نمود بعد  
خداوند آن را در جایگاهش قرار داد پس به جهت طواف به بیت آن مکان طائف نامیده شد.

۸ - زیاد قندی گوید: به امام کاظم عليه السلام گفتم: قربانت گردم! من در مسجد الحرام به مردم  
نگاه می‌کنم که خانه کعبه را طواف می‌کنند و من در جای نشسته‌ام اندوهناک می‌شوم.

فرمود: ای زیاد! ایرادی بر تو نیست، زیرا هر گاه مؤمن از خانه‌اش به قصد حج بیرون  
آید، همواره در طواف و سعی است تا به خانه‌اش باز گردد.

۹ - هیثم تمیمی گوید:

۱ - نام کوهی در منطقه شام است.

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: رَجُلٌ كَانَتْ مَعَهُ صَاحِبَةٌ لَا تَسْتَطِيعُ الْقِيَامَ عَلَى رِجْلِهَا فَحَمَلَهَا زَوْجُهَا فِي مَحْمِلٍ فَطَافَ بِهَا طَوَافَ الْفَرِيضَةِ بِالْبَيْتِ وَبِالصَّفَا وَالْمَرْوَةِ أَوْ يُجْزئُهُ ذَلِكَ الطَّوَافُ عَنْ نَفْسِهِ طَوَافُهُ بِهَا؟  
فَقَالَ: إِيَّاهُ اللَّهُ إِذَا.

۱۰ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:  
دَعِ الطَّوَافَ وَأَنْتَ تَشْتَهِيهِ.

۱۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى وَغَيْرُهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ عَنْ مُوسَى بْنِ عِيسَى الْيَعْقُوبِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُيَسَّرٍ عَنْ أَبِي الْجَهْمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيِّ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ فِي امْرَأَةٍ نَذَرَتْ أَنْ تَطُوفَ عَلَى أَرْبَعٍ قَالَ:  
تَطُوفُ أُسْبُوعًا لِيَدَيْهَا وَأُسْبُوعًا لِرِجْلَيْهَا.  
۱۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ صَفْوَانَ قَالَ:

به امام صادق عليه السلام عرض کردم: مردی به همراه زنش در مسجدالحرام است زنش توانایی ایستادن روی پا ندارد. همسرش او را در کجاوه برداشته و طواف واجب را انجام می‌دهد و سعی صفا و مروه را انجام می‌دهد آیا این طواف دادن از جانب خود او نیز کفایت می‌کند؟

فرمود: آری به خدا سوگند!

۱۰ - یکی از اصحاب ما گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

تا خسته نشده‌ای و دلت می‌خواهد طواف را واگذار.

۱۱ - ابوجهم گوید: امام صادق از پدران بزرگوارش از حضرت علی عليه السلام نقل می‌کند که حضرتش درباره زنی که نذر نموده که بر چهار دست و پا طواف نماید، فرمود:  
او هفت شوط برای دست‌هایش و هفت شوط برای پاهایش طواف می‌کند.  
۱۲ - صفوان گوید:

سَأَلَتْهُ عَنْ ثَلَاثَةٍ دَخَلُوا فِي الطَّوَافِ فَقَالَ وَاحِدٌ مِنْهُمْ لِصَاحِبِهِ: تَحَفَّظُوا الطَّوَافَ، فَلَمَّا ظَنُّوا أَنَّهُمْ قَدْ فَرَّغُوا قَالَ وَاحِدٌ: مَعِيَ سِتَّةُ أَشْوَاطٍ.  
قَالَ: إِنْ شَكُّوا كُلُّهُمْ فَلْيَسْتَأْنِفُوا، وَإِنْ لَمْ يَشْكُوا وَ عَلِمَ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ مَا فِي يَدِهِ فَلْيَبْنُوا.

۱۳ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَفْصِ بْنِ الْبَخْتَرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

فِي الْمَرْأَةِ تَطُوفُ بِالصَّبِيِّ وَ تَسْعَى بِهِ هَلْ يُجْزَى ذَلِكَ عَنْهَا وَ عَنِ الصَّبِيِّ؟  
فَقَالَ: نَعَمْ.

۱۴ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

يُسْتَحَبُّ أَنْ تَطُوفَ ثَلَاثِمِائَةٍ وَ سِتِّينَ أُسْبُوعاً عَدَدَ أَيَّامِ السَّنَةِ، فَإِنْ لَمْ تَسْتَطِعْ فَثَلَاثِمِائَةٍ وَ سِتِّينَ شَوْطاً، فَإِنْ لَمْ تَسْتَطِعْ فَمَا قَدَرْتَ عَلَيْهِ مِنَ الطَّوَافِ.

از امام علیه السلام پرسیدم: سه نفر وارد طواف می شوند، یکی از آنها به رفیقش می گوید: تعداد شوط های طواف را به یاد دار!

وقتی طواف به پایان می رسد یکی می گوید: به نظر من شش شوط شده.

فرمود: اگر همگی در تعداد شوط ها شک نمودند بایستی طواف را از نو شروع کنند و اگر همه شک نکردند و هر کدام از آنها می داند چند شوط انجام داده بنا را بر آن می گذارند.

۱۳ - حفص بن بختری گوید: از امام صادق علیه السلام (پرسیدم): زنی با کودک خود طواف و سعی می نماید آیا از جانب خود و کودکش کفایت می کند؟  
فرمود: آری.

۱۴ - معاویه بن عمار گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

مستحب است که سیصد و شصت طواف هفت شوطی به تعداد روزهای سال انجام دهی و اگر نتوانستی سیصد و شصت شوط و اگر نتوانستی هر چه می توانی انجام ده.

۱۵ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ فَضَالٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: هَلْ نَشْرَبُ وَ نَحْنُ فِي الطَّوَافِ؟

قَالَ: نَعَمْ.

۱۶ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ يَحْيَى الْكَاهِلِيِّ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ:

طَافَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله عَلَى نَاقَتِهِ الْعُضْبَاءِ، وَ جَعَلَ يَسْتَلِمُ الْأَرْكَانَ بِمَحْجَنِهِ وَيَقْبَلُ الْمَحْجَنَ.

۱۷ - أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

طَوَافٌ فِي الْعَشْرِ أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ طَوَافًا فِي الْحَجِّ.

۱۵ - یونس بن یعقوب گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: آیا می‌توانیم در حال طواف چیزی بنوشیم؟

فرمود: آری.

۱۶ - عبدالله بن یحیی کاهلی گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می‌فرمود:

رسول خدا صلى الله عليه وآله بر بالای شتر عضباء طواف می‌کرد و با چوب سرکج خود ارکان کعبه را استلام می‌نمود و آن چوب را می‌بوسید.

۱۷ - راوی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: انجام یک طواف در دهه نخست ذی‌حجه بهتر از هفتاد طواف در حج است.

۱۸ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي امْرَأَةٍ نَذَرَتْ أَنْ تَطُوفَ عَلَى أَرْبَعٍ، فَقَالَ: تَطُوفُ أَسْبُوعاً لِيَدَيَّهَا وَأَسْبُوعاً لِرِجْلَيْهَا.

(۱۴۰)

### بَابُ اسْتِلَامِ الْحَجَرِ بَعْدَ الرَّكْعَتَيْنِ وَ شُرْبِ مَاءِ زَمْزَمَ قَبْلَ الْخُرُوجِ إِلَى الصَّافَا وَالْمَرْوَةِ

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى وَ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِذَا فَرَعْتَ مِنَ الرَّكْعَتَيْنِ فَانْتِ الْحَجَرَ الْأَسْوَدَ وَ قَبْلَهُ وَ اسْتَلِمَهُ أَوْ أَشْرَ إِلَيْهِ، فَإِنَّهُ لَا بُدَّ مِنْ ذَلِكَ.

۱۸ - سکونی گوید: امام صادق علیه السلام از حضرت علی علیه السلام نقل می کند که حضرتش درباره زنی که نذر نموده که بر چهار دست و پا طواف نماید، فرمود: او هفت شوط برای دست هایش و هفت شوط برای پاهایش طواف می کند.

### بخش صد و چهلیم

### استلام حجر الاسود بعد از دو رکعت و آشامیدن آب زمزم

### پیش از رفتن به صفا و مروه

۱ - معاویه بن عمار گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

هر گاه دو رکعت نماز طواف را خواندی کنار حجر الاسود برو و آن را ببوس و آن را استلام کن یا به سوی آن اشاره کن؛ چرا که این عمل لازم است.



وَ قَالَ: إِنْ قَدَرْتَ أَنْ تَشْرَبَ مِنْ مَاءِ زَمْزَمَ قَبْلَ أَنْ تَخْرُجَ إِلَى الصَّفَا فَافْعَلْ وَ تَقُولُ حِينَ تَشْرَبُ:

«اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عِلْمًا نَافِعًا وَ رِزْقًا وَاسِعًا وَ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَ سُقْمٍ».

قَالَ: وَ بَلَّغَنَا أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ حِينَ نَظَرَ إِلَى زَمْزَمَ: لَوْ لَا أَنِّي أَشَقُّ عَلَى أُمَّتِي لَأَخَذْتُ مِنْهُ ذَنْبًا أَوْ ذَنْبَيْنِ.

۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ:

إِذَا فَرَّغَ الرَّجُلُ مِنْ طَوَافِهِ وَ صَلَّى رَكْعَتَيْنِ فَلْيَأْتِ زَمْزَمَ وَ لِيَسْتَقِ مِنْهُ ذَنْبًا أَوْ ذَنْبَيْنِ وَ لِيَشْرَبَ مِنْهُ وَ لِيَصُبَّ عَلَى رَأْسِهِ وَ ظَهْرِهِ وَ بَطْنِهِ وَ يَقُولُ:

«اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عِلْمًا نَافِعًا وَ رِزْقًا وَاسِعًا وَ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَ سُقْمٍ» ثُمَّ يَعُودُ إِلَى الْحَجَرِ الْأَسْوَدِ.

۳ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ قَالَ:

و فرمود: اگر توانستی پیش از رفتن به صفا و مروه از آب زمزم بیاشامی، این کار را بکن و در موقع آشامیدن بگو: «اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عِلْمًا نَافِعًا وَ رِزْقًا وَاسِعًا وَ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَ سُقْمٍ».

حضرتش فرمود: از رسول خدا ﷺ به ما روایت شده که هر گاه به زمزم نگاه می‌کرد می‌فرمود: اگر در امت من سخت نمی‌شد از آن آب یک یا دو سطل برمی‌داشتم.

۲ - حلبی گوید: امام صادق ع فرمود:

هر گاه انسان طوافش را به پایان رسانید و دو رکعت نماز طواف را خواند به زمزم بیاید و از آن یک یا دو سطل آب بکشد، مقداری از آن را بیاشامد و بر سر و پشت و شکمش بریزد و بگوید: «اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عِلْمًا نَافِعًا وَ رِزْقًا وَاسِعًا وَ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَ سُقْمٍ» سپس به کنار حجر الاسود باز گردد.

۳ - علی بن مهزیار گوید:

رَأَيْتُ أَبَا جَعْفَرٍ الثَّانِي عليه السلام لَيْلَةَ الزِّيَارَةِ طَافَ طَوَافَ النِّسَاءِ وَ صَلَّى خَلْفَ الْمَقَامِ  
ثُمَّ دَخَلَ زَمْزَمَ فَاسْتَقَى مِنْهَا بِيَدِهِ بِالْذَّلْوِ الَّذِي يَلِي الْحَجَرَ وَ شَرِبَ مِنْهُ وَ صَبَّ  
عَلَى بَعْضِ جَسَدِهِ ثُمَّ اطَّلَعَ فِي زَمْزَمَ مَرَّتَيْنِ.  
وَ أَخْبَرَنِي بَعْضُ أَصْحَابِنَا: أَنَّهُ رَأَاهُ بَعْدَ ذَلِكَ بِسَنَةِ فَعَلَ مِثْلَ ذَلِكَ.

(۱۴۱)

### بَابُ الْوُقُوفِ عَلَى الصَّفَا وَ الدُّعَاءِ

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ  
بْنِ شاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي  
عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:  
أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله حِينَ فَرَغَ مِنْ طَوَافِهِ وَ رَكَعَتَيْهِ قَالَ: أَبْدَأُ بِمَا بَدَأَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ  
بِهِ مِنْ إِيثَانِ الصَّفَا، إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ:

امام جواد عليه السلام را شب زیارت در حال طواف دیدم. حضرتش طواف نساء را انجام داد و  
پشت مقام ابراهیم عليه السلام نماز خواند آن گاه داخل چاه زمزم رفت و با دست مبارک خود یک  
سطل که نزدیک چاه بود آب کشید و از آن آشامید و بر قسمت‌هایی از بدنش ریخت و  
دوبار بر چاه نگاه کرد. و یکی از یاران ما نیز آن حضرت را بعد از یک سال دیده که چنین  
عمل می‌نموده است.

### بخش صد و چهل و یکم

### ایستادن در بالای صفا و دعا کردن

۱ - معاویه بن عمار گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:  
هنگامی که رسول خدا صلى الله عليه وآله طواف را به پایان رساند و دو رکعت نماز خواند فرمود: از  
صفا آغاز می‌کنم که خداوند متعال از آن آغاز نمود که خدای عزوجل می‌فرماید:

«إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ».

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ثُمَّ اخْرُجْ إِلَى الصَّفَا مِنَ الْبَابِ الَّذِي خَرَجَ مِنْهُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ، وَهُوَ الْبَابُ الَّذِي يُقَابِلُ الْحَجَرَ الْأَسْوَدَ حَتَّى تَقْطَعَ الْوَادِيَّ وَعَلَيْكَ السَّكِينَةَ وَالْوَقَارَ فَاصْعِدْ عَلَى الصَّفَا حَتَّى تَنْظُرَ إِلَى الْبَيْتِ وَتَسْتَقْبِلَ الرُّكْنَ الَّذِي فِيهِ الْحَجَرُ الْأَسْوَدُ وَاحْمَدِ اللَّهَ وَأَنْتَ عَلَيْهِ ثُمَّ اذْكُرْ مِنْ آيَاتِهِ وَبَلَائِهِ وَحُسْنِ مَا صَنَعَ إِلَيْكَ مَا قَدَرْتَ عَلَى ذِكْرِهِ، ثُمَّ كَبِّرِ اللَّهَ سَبْعًا وَاحْمَدْهُ سَبْعًا وَهَلِّلْهُ سَبْعًا وَقُلْ:

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُخَيِّي وَيُمِيتُ وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» ثَلَاثَ مَرَّاتٍ.

ثُمَّ صَلِّ عَلَى النَّبِيِّ ﷺ وَقُلْ:

«اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أَوْلَانَا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الْحَيِّ الْقَيُّومِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الْحَيِّ الدَّائِمِ» ثَلَاثَ مَرَّاتٍ.

«همانا صفا و مروه از شعائر خداوند است».

امام صادق علیه السلام فرمود: سپس برو به صفا از دربی که پیامبر خدا ﷺ از آن خارج شد - و آن دری است که مقابل حجر الاسود است - تا وادی را بپیمایی و بر تو باد به آرامش و وقار! سپس بالای صفا برو تا به کعبه بنگری و با رکنی که در آن حجر الاسود است رو به رو شوی و سپاس و ستایش خدا را کن سپس از نعمت های خداوند و بلای او و نیکی هایی که در حق تو کرده، هرچه که می توانی به یاد آور. سپس هفت مرتبه تکبیر و «الحمد لله» بگو و هفت مرتبه «لا اله الا الله» بگو و سه مرتبه بگو: «لا اله الا الله وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُخَيِّي وَيُمِيتُ وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

سپس بر پیامبر ﷺ صلوات بفرست و سه مرتبه بگو: «اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أَوْلَانَا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الْحَيِّ الْقَيُّومِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الدَّائِمِ».

وَقُلْ: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ لَا نَعْبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» ثَلَاثَ مَرَّاتٍ.

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ وَالْيَقِينَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ» ثَلَاثَ مَرَّاتٍ.  
 «اللَّهُمَّ آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ» ثَلَاثَ مَرَّاتٍ. ثُمَّ كَبَّرَ  
 اللَّهُ مِائَةَ مَرَّةٍ وَهَلَّلَ مِائَةَ مَرَّةٍ وَاحْمَدَ مِائَةَ مَرَّةٍ وَسَبَّحَ مِائَةَ مَرَّةٍ وَتَقُولُ:  
 «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ أَنْجَزَ وَعْدَهُ وَنَصَرَ عَبْدَهُ وَغَلَبَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ فَلَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ  
 وَحْدَهُ وَحْدَهُ».

اللَّهُمَّ بَارِكْ لِي فِي الْمَوْتِ وَفِي مَا بَعْدَ الْمَوْتِ.  
 اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ ظُلْمَةِ الْقَبْرِ وَخَشْتِهِ.  
 اللَّهُمَّ أَظْلِمْنِي فِي ظِلِّ عَرْشِكَ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّكَ وَ أَكْثِرْ مِنْ أَنْ تَسْتَوْدِعَ رَبِّكَ دِينَكَ وَ نَفْسَكَ وَ  
 أَهْلَكَ».

ثُمَّ تَقُولُ: «أَسْتَوْدِعُ اللَّهَ الرَّحْمَنَ الرَّحِيمَ الَّذِي لَا يَضِيْعُ وَدَائِعُهُ نَفْسِي وَ دِينِي وَ أَهْلِي».

و سه مرتبه بگو: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ لَا نَعْبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ».

و سه مرتبه بگو: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ وَالْيَقِينَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ» .  
 و سه مرتبه بگو: «اللَّهُمَّ آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ» .  
 آن گاه صد مرتبه بگو: «الله اكبر» و صد مرتبه «لااله الاالله» و صد مرتبه «الحمدلله» و صد  
 مرتبه «سبحان الله». و می گویی: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ أَنْجَزَ وَعْدَهُ وَنَصَرَ عَبْدَهُ وَغَلَبَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ  
 فَلَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ».

اللَّهُمَّ بَارِكْ لِي فِي الْمَوْتِ وَفِي مَا بَعْدَ الْمَوْتِ.  
 اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ ظُلْمَةِ الْقَبْرِ وَخَشْتِهِ.  
 اللَّهُمَّ أَظْلِمْنِي فِي ظِلِّ عَرْشِكَ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّكَ وَ أَكْثِرْ مِنْ أَنْ تَسْتَوْدِعَ رَبِّكَ دِينَكَ وَ نَفْسَكَ وَ أَهْلَكَ».  
 سپس می گویی: «أَسْتَوْدِعُ اللَّهَ الرَّحْمَنَ الرَّحِيمَ الَّذِي لَا يَضِيْعُ وَدَائِعُهُ نَفْسِي وَ دِينِي وَ أَهْلِي».

اللَّهُمَّ اسْتَغْمِلْنِي عَلَى كِتَابِكَ وَ سُنَّةِ نَبِيِّكَ وَ تَوَقَّنِي عَلَى مِلَّتِهِ وَ أَعِزَّنِي مِنَ الْفِتْنَةِ». ثُمَّ تَكَبَّرَ ثَلَاثًا ثُمَّ تَعِيدُهَا مَرَّتَيْنِ ثُمَّ تَكَبَّرُ وَاحِدَةً ثُمَّ تَعِيدُهَا فَإِنْ لَمْ تَسْتَطِعْ هَذَا فَبَعْضُهُ.

وَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ يَقِفُ عَلَى الصَّافَا بِقَدْرِ مَا يُقْرَأُ سُورَةُ الْبَقَرَةِ مُتَرْتِلًا.

۲- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ شُعَيْبٍ قَالَ حَدَّثَنِي جَمِيلٌ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: هَلْ مِنْ دُعَاءٍ مُوقَّتٍ أَقُولُهُ عَلَى الصَّافَا وَ الْمَرْوَةِ؟ فَقَالَ: تَقُولُ إِذَا وَقَفْتَ عَلَى الصَّافَا: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ يُخَيِّي وَ يُمَيِّتُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» ثَلَاثَ مَرَّاتٍ.

۳- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ:

اللَّهُمَّ اسْتَغْمِلْنِي عَلَى كِتَابِكَ وَ سُنَّةِ نَبِيِّكَ وَ تَوَقَّنِي عَلَى مِلَّتِهِ وَ أَعِزَّنِي مِنَ الْفِتْنَةِ».

سپس سه مرتبه تکبیر گفته بار دیگر این دعا را دو مرتبه تکرار می‌کنی، بعد یک مرتبه تکبیر گفته یک بار دیگر تکرار می‌کنی و اگر همه را نتوانستی قسمتی از آن را بگو.

و امام صادق علیه السلام فرمود:

رسول خدا ﷺ در صفا و مروه به اندازه خواندن سورة بقره به صورت ترتیل با آرامش و شمرده توقف می‌نمود.

۲- جمیل گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: آیا صفا و مروه دعای مخصوص دارد که بگویم؟

فرمود: هرگاه در صفا ایستادی سه بار می‌گویی: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ يُخَيِّي وَ يُمَيِّتُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

۳- نظیر این روایت را زراره از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند.

سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام كَيْفَ يَقُولُ الرَّجُلُ عَلَى الصَّفا وَ الْمَرْوَةِ؟  
قَالَ: يَقُولُ: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَ يُمِيتُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» ثَلَاثَ مَرَّاتٍ.

۴ - أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ  
الْحَمِيدِ بْنِ سَعِيدٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا إِبْرَاهِيمَ عليه السلام عَنْ بَابِ الصَّفا قُلْتُ: إِنَّ أَصْحَابَنَا قَدْ اخْتَلَفُوا فِيهِ، بَعْضُهُمْ  
يَقُولُ: الَّذِي يَلِي السَّقَايَةَ وَ بَعْضُهُمْ يَقُولُ: الَّذِي يَلِي الْحَجَرَ.  
فَقَالَ: هُوَ الَّذِي يَلِي السَّقَايَةَ مُحَدَّثٌ، صَنَعَهُ دَاوُدُ وَ فَتَحَهُ دَاوُدُ.

۵ - أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَدِيدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ يَرْفَعُهُ قَالَ:  
كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام إِذَا صَعِدَ الصَّفا اسْتَقْبَلَ الْكَعْبَةَ ثُمَّ رَفَعَ يَدَيْهِ ثُمَّ يَقُولُ:  
«اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ قَطُّ فَإِنْ عُدْتُ فَعُدْتُ عَلَيَّ بِالْمَغْفِرَةِ فَإِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ.  
اللَّهُمَّ افْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ فَإِنَّكَ إِنْ تَفْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ تَرْحَمْنِي وَ إِنْ تُعَذِّبْنِي فَأَنْتَ غَنِيٌّ  
عَنْ عَذَابِي وَ أَنَا مُحْتَاجٌ إِلَى رَحْمَتِكَ فَيَا مَنْ أَنَا مُحْتَاجٌ إِلَى رَحْمَتِهِ ارْحَمْنِي»

۴ - عبدالحمید بن سعید گوید: از امام کاظم عليه السلام در مورد درب صفا پرسیدم که اصحاب  
ما در این مورد اختلاف نظر دارند؛ عده‌ای از آنها می‌گویند: همان دربی است که برابر زمزم  
است و بعضی از آنها می‌گویند: آن چه برابر حجر الاسود است؟  
فرمود: دربی که برابر زمزم است جدید الاحداث است که داوود <sup>(۱)</sup> آن را ساخته و باز  
نموده است.

۵ - علی بن نعمان در روایت مرفوعه‌ای گوید:  
امیرمؤمنان علی عليه السلام همواره بالای صفا می‌رفت و برابر کعبه می‌ایستاد و دست‌ها را  
بلند می‌نمود و می‌فرمود:

«اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ قَطُّ فَإِنْ عُدْتُ فَعُدْتُ عَلَيَّ بِالْمَغْفِرَةِ فَإِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ.  
اللَّهُمَّ افْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ فَإِنَّكَ إِنْ تَفْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ تَرْحَمْنِي وَ إِنْ تُعَذِّبْنِي فَأَنْتَ غَنِيٌّ عَنْ عَذَابِي  
وَ أَنَا مُحْتَاجٌ إِلَى رَحْمَتِكَ فَيَا مَنْ أَنَا مُحْتَاجٌ إِلَى رَحْمَتِهِ ارْحَمْنِي»

۱ - او همان داوود بن علی بن عبدالله بن عباس عموی سفاح است، هو معلی بن خنیس را به قتل رساند و اموال امام  
صادق عليه السلام را گرفت، حضرتش در نماز بر او نفرین کرد و او به هلاکت رسید.

اللَّهُمَّ لَا تَفْعَلْ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ فَإِنَّكَ إِن تَفْعَلْ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ تُعَذِّبْنِي وَلَمْ تَظْلِمْنِي أَصْبَحْتُ أَتَقِي عَذْلَكَ وَلَا أَخَافُ جُورَكَ فَيَا مَنْ هُوَ عَذْلٌ لَا يَجُورُ ارْحَمْنِي».

۶- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ حَمْدَانَ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْوَلِيدِ رَفَعَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

مَنْ أَرَادَ أَنْ يَكْثُرَ مَالُهُ فَلْيُطِلِ الْوُقُوفَ عَلَى الصِّفَا وَ الْمَرْوَةِ.

۷- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ الْحَسَنِ بْنِ أَبِي الْحَسَنِ عَنْ صَالِحِ بْنِ أَبِي الْأَسْوَدِ عَنْ أَبِي الْجَارُودِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

لَيْسَ عَلَى الصِّفَا شَيْءٌ مُوقَّتٌ.

۸- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَصْبَاطٍ عَنْ مَوْلَى لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ قَالَ:

رَأَيْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام صَعِدَ الْمَرْوَةَ فَأَلْقَى نَفْسَهُ عَلَى الْحَجَرِ الَّذِي فِي أَعْلَاهَا فِي مَيْسَرَتِهَا وَ اسْتَقْبَلَ الْكَعْبَةَ.

اللَّهُمَّ لَا تَفْعَلْ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ فَإِنَّكَ إِن تَفْعَلْ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ تُعَذِّبْنِي وَلَمْ تَظْلِمْنِي أَصْبَحْتُ أَتَقِي عَذْلَكَ وَلَا أَخَافُ جُورَكَ فَيَا مَنْ هُوَ عَذْلٌ لَا يَجُورُ ارْحَمْنِي».

۶- حسن بن علی بن ولید در روایت مرفوعه ای گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هر که بخواهد که ثروتش زیاد شود به توقف خود در صفا و مروه طول دهد.

۷- ابوالجارود گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:

دعای ویژه و مخصوصی برای صفا نیست.

۸- یکی از موالیان امام صادق عليه السلام از مردم مدینه گوید: امام کاظم عليه السلام را دیدم که بالای

مروه رفته و خود را بر روی سنگی که در بلندی آن در سمت چپ است افکند و رو به کعبه نمود.

۹ - عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ صَالِحِ بْنِ أَبِي حَمَّادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْجَهْمِ الْخَزَّازِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ قَالَ:  
 كُنْتُ وَرَاءَ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى عليه السلام عَلَى الصَّفَا أَوْ عَلَى الْمَرْوَةِ وَهُوَ لَا يَزِيدُ عَلَى حَرْفَيْنِ: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ حُسْنَ الظَّنِّ بِكَ فِي كُلِّ حَالٍ وَصِدْقَ النِّيَّةِ فِي التَّوَكُّلِ عَلَيْكَ».

(۱۴۲)

### بَابُ السَّعْيِ بَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ وَمَا يُقَالُ فِيهِ

۱ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْحَسَنِ عَنْ زُرْعَةَ عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ:  
 سَأَلْتُهُ عَنِ السَّعْيِ بَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ.

۹ - عمر بن یزید از یکی از اصحابش این گونه نقل می کند: پشت سر امام کاظم علیه السلام در صفا - و یا مروه - بودم، آن حضرت دو کلمه بیشتر نمی فرمود:  
 «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ حُسْنَ الظَّنِّ بِكَ فِي كُلِّ حَالٍ وَصِدْقَ النِّيَّةِ فِي التَّوَكُّلِ عَلَيْكَ».  
 «خدایا! در هر چیزی حسن ظن به تو و راستی نیت و توکل به تو را می خواهم»

### بخش صد و چهل و دوم

سعی بین صفا و مروه و آن چه در آن گفته می شود

۱ - سماعه گوید: از امام علیه السلام در مورد سعی بین صفا و مروه پرسیدم؟



قَالَ: إِذَا انْتَهَيْتَ إِلَى الدَّارِ الَّتِي عَلَى يَمِينِكَ عِنْدَ أَوَّلِ الْوَادِي فَاسْعَ حَتَّى تَنْتَهِيَ إِلَى أَوَّلِ زُقَاقٍ عَنْ يَمِينِكَ بَعْدَ مَا تُجَاوِزُ الْوَادِي إِلَى الْمَرْوَةِ، فَإِذَا انْتَهَيْتَ إِلَيْهِ فَكُفَّ عَنِ السَّعْيِ وَامْشِ مَشْيًا وَإِذَا جِئْتَ مِنْ عِنْدِ الْمَرْوَةِ فَأَبْدَأْ مِنْ عِنْدِ الزُّقَاقِ الَّذِي وَصَفْتُ لَكَ فَإِذَا انْتَهَيْتَ إِلَى الْبَابِ الَّذِي مِنْ قَبْلِ الصَّفَا بَعْدَ مَا تُجَاوِزُ الْوَادِي فَامْكُفَّ عَنِ السَّعْيِ وَامْشِ مَشْيًا، فَإِنَّمَا السَّعْيُ عَلَى الرِّجَالِ وَ لَيْسَ عَلَى النِّسَاءِ سَعْيٌ.

۲- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ غِيَاثِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عليه السلام قَالَ:

كَانَ أَبِي يَسْعَى بَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ مَا بَيْنَ بَابِ ابْنِ عَبَّادٍ إِلَى أَنْ يَرْفَعَ قَدَمَيْهِ مِنَ الْمَسِيلِ لَا يَبْلُغُ زُقَاقَ آلِ أَبِي حُسَيْنٍ.

۳- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَسْلَمَ عَنْ يُوسُفَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ:

فرمود: هنگامی که از سمت راست به خانه‌ای که اول وادی است رسیدی در سعی شتاب کن (وهروله کن) تا به اول کوچه از سمت راست برسی بعد از آن که از وادی به مروه بگذری. چون به آن جا رسیدی از سعی خودداری کن و معمولی راه برو و چون از مروه آمدی سعی وهروله را از کوچه‌ای که توصیف کردم شروع نما تا درب قبل از صفا بعد از آن چه از وادی گذشتی از سعی با شتاب خودداری کن و معمولی راه برو. همانا سعی با شتاب (وهروله) بر مردان است و بر زنان نیست.

۲- غیاث بن ابراهیم گوید: امام صادق عليه السلام از پدر بزرگوارش عليه السلام نقل می‌کند که حضرتش فرمود:

پدرم همواره بین صفا و مروه را از درب ابن عبّاد آغاز می‌کند و تا پایش را از مسیل بردارد ادامه می‌داد و از راه آل ابوحسین تجاوز نمی‌کرد.

۳- ابوبصیر گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می‌فرمود:

- مَا مِنْ بُقْعَةٍ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ مِنَ الْمَسْعَى، لِأَنَّهُ يُذِلُّ فِيهَا كُلَّ جَبَّارٍ.  
وَرُوِيَ: أَنَّهُ سُئِلَ لِمَ جُعِلَ السَّعْيُ، فَقَالَ: مَذَلَّةٌ لِلْجَبَّارِينَ.
- ۴ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ رَفَعَهُ قَالَ:  
لَيْسَ لِلَّهِ مَنْسَكٌ أَحَبُّ إِلَيْهِ مِنَ السَّعْيِ، وَذَلِكَ أَنَّهُ يُذِلُّ فِيهِ الْجَبَّارِينَ.
- ۵ - أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الثِّمَلِيِّ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَحْمَدَ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ  
رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:  
جُعِلَ السَّعْيُ بَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ مَذَلَّةً لِلْجَبَّارِينَ.
- ۶ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي  
عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:  
أُنْحَذُ مِنَ الصَّفَا مَا شِئْتُ إِلَى الْمَرْوَةِ وَ عَلَيْكَ السَّكِينَةُ وَالْوَقَارُ حَتَّى تَأْتِيَ الْمَنَارَةَ  
وَهِيَ عَلَى طَرَفِ الْمَسْعَى فَاسْعَ مِلًّا فَرُوجَكَ وَ قُلْ:

هیچ بقعه‌ای نزد خداوند دوست داشتنی از محل سعی نیست، زیرا در آن سرکشان  
خوار می‌شوند.

در روایت دیگر از حضرتش سؤال شد: چرا قرار داده شد سعی؟  
فرمود: برای خواری سرکشان.

۴ - سهل بن زیاد در روایت مرفوعه‌ای گوید: حضرتش فرمود:  
برای خداوند عبادتی محبوبتر از سعی بین صفا و مروه نیست، چرا که در این عبادت  
سرکشان خوار می‌گردند.

۵ - راوی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: سعی بین صفا و مروه برای خواری سرکشان  
ایجاد شده است.

۶ - معاویه بن عمار گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:  
با آرامش و وقار به صورت پیاده از صفا به سوی مروه روان شو تا به مناره‌ای کنار راه  
محل سعی است برسی. پس با شتاب گام بردار و بگو:

«بِسْمِ اللَّهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ وَ ارْحَمْ وَ تَجَاوَزْ عَمَّا تَعْلَمُ وَ أَنْتَ الْأَعَزُّ الْأَكْرَمُ».

حَتَّى تَبْلُغَ الْمَنَارَةَ الْأُخْرَى فَإِذَا جَاوَزْتَهَا فَقُلْ:

«يَا ذَا الْمَنِّ وَ الْفَضْلِ وَ الْكَرَمِ وَ النِّعْمَاءِ وَ الْجُودِ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ». ثُمَّ امْشِ وَ عَلَيْكَ السَّكِينَةُ وَ الْوَقَارُ حَتَّى تَأْتِيَ الْمَرْوَةَ فَاصْعِدْ عَلَيْهَا حَتَّى يَبْدُوَ لَكَ الْبَيْتُ وَ اصْنَعْ عَلَيْهَا كَمَا صَنَعْتَ عَلَى الصَّفَا، وَ طُفْ بَيْنَهُمَا سَبْعَةَ أَشْوَاطٍ تَبْدَأُ بِالصَّفَا وَ تَخْتِمُ بِالْمَرْوَةِ.

۷ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أُسْبَاطٍ عَنْ مُوَلَّى لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ قَالَ:

رَأَيْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام يَبْتَدِئُ بِالسَّعْيِ مِنْ دَارِ الْقَاضِي الْمَخْزُومِيِّ قَالَ: وَ يَمْضِي كَمَا هُوَ إِلَى زُقَاقِ الْعَطَّارِينَ.

«بِسْمِ اللَّهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ وَ ارْحَمْ وَ تَجَاوَزْ عَمَّا تَعْلَمُ وَ أَنْتَ الْأَعَزُّ الْأَكْرَمُ».

تا به مناره بعدی برسی، چون از آن گذشتی پس بگو: «يَا ذَا الْمَنِّ وَ الْفَضْلِ وَ الْكَرَمِ وَ النِّعْمَاءِ وَ الْجُودِ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ».

آنگاه با آرامش و وقار گام بردار تا به مروه برسی، پس به بالای آن برو تا کعبه دیده شود و همان اعمال و دعاها را که در صفا انجام دادی در همان جا انجام بده و هفت شوط بین صفا و مروه حرکت کن که از صفا شروع کرده و به مروه خاتمه دهی.

۷ - یکی از موالیان امام صادق عليه السلام از اهل مدینه گوید:

امام کاظم عليه السلام را دیدم که سعی با شتاب را از خانه قاضی مخزومی آغاز می کرد. وی گفت: همین تا کوچه عطاران ادامه می داد.

۸- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ حُكَيْمٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الصَّيْرَفِيِّ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا قَالَ: سُئِلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ السَّعْيِ بَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ فَرِيضَةً أَمْ سُنَّةٌ؟ فَقَالَ: فَرِيضَةٌ.

قُلْتُ: أَوْ لَيْسَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا﴾؟ قَالَ: كَانَ ذَلِكَ فِي عُمْرَةِ الْقَضَاءِ، إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی اللہ علیہ وسلم شَرَطَ عَلَيْهِمْ أَنْ يَرْفَعُوا الْأَصْنَامَ مِنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ، فَتَشَاغَلَ رَجُلٌ وَتَرَكَ السَّعْيَ حَتَّى انْقَضَتِ الْأَيَّامُ وَأُعِيدَتِ الْأَصْنَامُ. فَجَاءُوا إِلَيْهِ فَقَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ! إِنَّ فُلَانًا لَمْ يَسْعَ بَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ وَ قَدْ أُعِيدَتِ الْأَصْنَامُ.

فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا﴾ أَيْ: وَ عَلَيْهِمَا الْأَصْنَامُ.

۹- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مَالِكِ بْنِ عَطِيَّةَ عَنْ سَعِيدِ الْأَعْرَجِ قَالَ:

۸- یکی از اصحاب ما گوید: از امام صادق عليه السلام در مورد سعی بین صفا و مروه سؤال شد که آیا واجب است و یا مستحب؟ فرمود: واجب است.

گفتم: مگر نه این است که خداوند تعالی فرمود: «بر او (حج و یا عمره گزار) گناهی نیست که بین صفا و مروه سعی کند»؟

فرمود: این حکم در عمره قضاء بود، زیرا رسول خدا صلی اللہ علیہ وسلم با مشرکان قریش شرط نمود که بت‌ها را از صفا و مروه بردارند. مردی مشغول شد و سعی را ترک نمود تا ایام مقرر گذشت و بت‌ها باز گردانده شدند. مردم خدمت آن حضرت آمدند و گفتند: ای رسول خدا! به راستی که فلانی سعی بین صفا و مروه نکرده و بت‌ها برگردانیده شده‌اند. در این هنگام خدای عزوجل نازل فرمود: «بر او (حج و یا عمره گزار) گناهی نیست که بین صفا و مروه (با وجود بت‌ها) سعی کند».

۹- سعید اعرج گوید:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ تَرَكَ شَيْئًا مِنَ الرَّمْلِ فِي سَعْيِهِ بَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ.

قَالَ: لَا شَيْءَ عَلَيْهِ.

وَرُوي: أَنَّ الْمَسْعَى كَانَ أَوْسَعَ مِمَّا هُوَ الْيَوْمَ، وَلَكِنَّ النَّاسَ ضَيَّقُوهُ.

۱۰ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

فِي رَجُلٍ تَرَكَ السَّعْيَ مُتَعَمِّدًا؟

قَالَ: عَلَيْهِ الْحَجُّ مِنْ قَابِلٍ.

(۱۴۳)

بَابُ مَنْ بَدَأَ بِالْمَرْوَةِ قَبْلَ الصَّفَا أَوْ سَهَا فِي السَّعْيِ بَيْنَهُمَا

۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ قَالَ:

از امام صادق عليه السلام پرسیدم: کسی که بخشی از سعی با شتاب را در سعی بین صفا و مروه ترک نمود (چه وظیفه‌ای دارد؟)

فرمود: چیزی بر او نیست.

و روایت شده: محل سعی وسیع‌تر از آن چه امروز است بوده، ولی مردم آن را تنگ نمودند.

۱۰ - معاویه بن عمار گوید: امام صادق عليه السلام درباره کسی که از روی عمد سعی را ترک کرده بود فرمود:

بر اوست که در سال آینده یک حج انجام دهد.

بخش صد و چهل و سوم

حکم کسی که سعی را پیش از صفا از مروه شروع نماید یا بین صفا و مروه شک نماید

۱ - علی بن ابی حمزه گوید:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ بَدَأَ بِالْمَرْوَةِ قَبْلَ الصَّفَا. قَالَ: يُعِيدُ، أَلَا تَرَى أَنَّهُ لَوْ بَدَأَ بِشِمَالِهِ قَبْلَ يَمِينِهِ فِي الْوُضُوءِ أَرَادَ أَنْ يُعِيدَ الْوُضُوءَ؟!

۲- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْ أَبِي إِبْرَاهِيمَ عليه السلام:

فِي رَجُلٍ سَعَى بَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ ثَمَانِيَةَ أَشْوَاطٍ مَا عَلَيْهِ. فَقَالَ: إِنْ كَانَ خَطَأً اطَّرَحَ وَاحِدًا وَاعْتَدَّ بِسَبْعَةٍ.

۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ.

قَالَ: حَجَجْنَا وَنَحْنُ صَرُورَةٌ فَسَعَيْنَا بَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ أَرْبَعَةَ عَشَرَ شَوْطًا. فَسَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ ذَلِكَ. فَقَالَ: لَا بَأْسَ سَبْعَةً لَكَ وَ سَبْعَةً تُطْرَحُ.

از امام صادق عليه السلام پرسیدم: کسی که سعی را پیش از صفا از مروه شروع نمود (چه وظیفه‌ای دارد؟)

فرمود: بایستی دوباره انجام دهد، مگر نمی‌بینی اگر او در وضو پیش از دست راست از دست چپ شروع کند باید دوباره وضو بگیرد؟!

۲- معاویه بن عمار گوید: امام کاظم عليه السلام (پرسیدم): کسی که بین صفا و مروه هشت شوط سعی نموده چه چیزی بر عهده اوست؟

فرمود: اگر از روی خطا بوده یکی را رها نموده هفت بار را حساب می‌کند.

۳- جمیل بن درّاج گوید: برای نخستین بار سفر حج نمودیم، پس چهارده شوط بین صفا و مروه سعی نمودیم و در این مورد از امام صادق عليه السلام پرسیدیم. فرمود: ایراد ندارد، هفت بار برای توست و بقیه کنار گذاشته می‌شود.

۴ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَرَّارٍ عَنْ يُونُسَ عَنْ عَلِيِّ الصَّائِغِ قَالَ:

سُئِلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام وَأَنَا حَاضِرٌ عَنْ رَجُلٍ بَدَأَ بِالْمَرْوَةِ قَبْلَ الصَّافَا. قَالَ: يُعِيدُ، أَلَا تَرَى أَنَّهُ لَوْ بَدَأَ بِشِمَالِهِ قَبْلَ يَمِينِهِ كَانَ عَلَيْهِ أَنْ يَبْدَأَ بِيَمِينِهِ ثُمَّ يُعِيدَ عَلَى شِمَالِهِ؟!

۵ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَصَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ:

مَنْ طَافَ بَيْنَ الصَّافَا وَالْمَرْوَةِ خَمْسَةَ عَشَرَ شَوْطاً طَرَحَ ثَمَانِيَةً، وَاعْتَدَّ سَبْعَةً وَإِنْ بَدَأَ بِالْمَرْوَةِ فَلْيَطْرَحْ وَلْيَبْدَأْ بِالصَّافَا.

۴ - علی صائغ گوید: من در حضور امام صادق عليه السلام بودم که از حضرتش پرسیده شد: کسی که سعی را پیش از صفا از مروه شروع نماید (چه وظیفه‌ای دارد؟) فرمود: بایستی دوباره انجام دهد، مگر نمی‌بینی اگر او در وضو پیش از دست راست از دست چپ شروع کند باید دوباره از دست راست شروع کند آن گاه به دست چپ بازگردد؟

۵ - معاویه بن عمار گوید: امام عليه السلام فرمود: هر که بین صفا و مروه پانزده شوط سعی نماید هفت شوط آن را گرفته و هشت شوط آن را رها می‌کند و اگر از مروه شروع نموده باشد آن را رها نموده و از صفا آغاز می‌کند.

(۱۴۴)

## بَابُ الْإِسْتِرَاحَةِ فِي السَّعْيِ وَ الرُّكُوبِ فِيهِ

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنِ السَّعْيِ بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ عَلَى الدَّابَّةِ؟  
قَالَ: نَعَمْ وَ عَلَى الْمَحْمَلِ.

۲ - مُعَاوِيَةُ بْنُ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:  
سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَسْعَى بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ رَاكِبًا.  
قَالَ: لَا بَأْسَ وَ الْمَشْيُ أَفْضَلُ.

۳ - ابْنُ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ قَالَ:  
سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الرَّجُلِ يَطُوفُ بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ أَيْسَرِيحٌ؟

## بخش صد و چهل و چهارم

## استراحت در سعی و انجام آن به صورت سواری

۱ - حلبی گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: آیا سعی بین صفا و مروه را می توان به صورت سواری انجام داد؟

فرمود: آری، و بر کجاوه هم می توان انجام داد.

۲ - معاویه بن عمار نظیر این روایت را از امام صادق علیه السلام نقل می کند و در آخر می افزاید:  
انجام آن به صورت پیاده بهتر است.

۳ - حلبی گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: کسی که بین صفا و مروه سعی می کند آیا می تواند استراحت کند؟



- قَالَ: نَعَمْ إِنْ شَاءَ جَلَسَ عَلَى الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ وَ بَيْنَهُمَا فَيَجْلِسُ.
- ۴- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبَانٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَا يُجْلِسُ بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ إِلَّا مِنْ جَهْدٍ.
- ۵- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ النِّسَاءِ يَطْفَنَ عَلَى الْإِبِلِ وَ الدَّوَابِّ أَيْجُزُّهُنَّ أَنْ يَقْفَنَ تَحْتَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ؟ قَالَ: نَعَمْ بِحَيْثُ يَرَيْنَ الْبَيْتَ.
- ۶- وَ عَنْهُ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَيْسَ عَلَى الرََّاكِبِ سَعْيٌ وَ لَكِنْ لِيُسْرَعُ شَيْئاً.

- فرمود: آری، اگر خواست در صفا و مروه و مابین آنها می نشیند.
- ۴- عبدالرحمان گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: فقط کسی بین صفا و مروه می نشیند که به زحمت و سختی افتد.
- ۵- عبدالرحمان بن حجّاج گوید: از امام کاظم علیه السلام پرسیدم: زنانی که بر شتر و چهارپا سعی می کنند آیا از آنها کفایت می کند که پایین صفا و مروه توقف نمایند؟ فرمود: آری در جایی که بیت را ببینند.
- ۶- معاویه بن عمّار گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: انجام سعی با شتاب برای کسی که سوار بر مرکب است، لازم نیست، ولی مقداری تند حرکت کند.

(۱۴۵)

بَابُ مَنْ قَطَعَ السَّعْيَ لِلصَّلَاةِ أَوْ غَيْرَهَا وَ السَّعْيِ بِغَيْرِ وُضُوءٍ

- ۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: الرَّجُلُ يَدْخُلُ فِي السَّعْيِ بَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ فَيَدْخُلُ وَقْتُ الصَّلَاةِ أَيُخَفَّفُ أَوْ يَقْطَعُ وَيُصَلِّي وَيَعُودُ أَوْ يَنْتَبُتُ كَمَا هُوَ عَلَى حَالِهِ حَتَّى يَفْرُغَ؟ قَالَ: أَوْ لَيْسَ عَلَيْهِمَا مَسْجِدٌ؟ لَا بَلَّ يُصَلِّي ثُمَّ يَعُودُ. قُلْتُ: يَجْلِسُ عَلَيْهِمَا. قَالَ: أَوْ لَيْسَ هُوَ ذَا يَسْعَى عَلَى الدَّوَابِّ؟
- ۲- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ يَحْيَى الْأَزْرَقِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ: قُلْتُ لَهُ: الرَّجُلُ يَسْعَى بَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ ثَلَاثَةَ أَشْوَاطٍ أَوْ أَرْبَعَةً ثُمَّ يَبُولُ أَوْ يَتِمُّ سَعْيَهُ بِغَيْرِ وُضُوءٍ؟

#### بخش صد و چهل و پنجم

قطع نمودن سعی به جهت نماز یا غیر آن و سعی نمودن بدون وضو

- ۱- معاویة بن عمار گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: انسان مشغول سعی بین و صفا و مروه است و وقت نماز فرا می رسد آیا می تواند سعی را کوتاه یا آن را قطع کند و نماز بخواند و برگردد یا همان گونه که انجام دهد تا به پایان رسد؟ فرمود: مگر در آن جا برای سعی کننده مسجدی نیست؟!، نه؛ بلکه نماز خواند سپس برگردد.

گفتم: می تواند در آن جا بنشیند؟

فرمود: بلی، آیا چنین نیست که او بر سواری سعی می کند؟

- ۲- یحیی ازرق گوید: به امام کاظم عليه السلام گفتم: کسی که بین صفا و مروه سه شوط یا چهار شوط سعی نمود بعد به جهت بول وضویش باطل شد آیا سعی خود را بدون وضو به پایان برساند؟

قَالَ: لَا بَأْسَ وَ لَوْ أَتَمَّ نُسُكَهُ بِوُضُوءٍ كَانَ أَحَبَّ إِلَيَّ.  
 ۳- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ فَضَالٍ قَالَ: قَالَ أَبُو الْحَسَنِ عليه السلام:  
 لَا تَطُوفُ وَلَا تَسْعَى إِلَّا عَلَى وَضُوءٍ.

(۱۴۶)

### بَابُ تَقْصِيرِ الْمُتَمَتِّعِ وَإِحْلَالِهِ

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ  
 بْنِ شاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى وَ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ  
 مُحَمَّدٍ عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ وَ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى جَمِيعاً عَنْ  
 مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:  
 إِذَا فَرَّغْتَ مِنْ سَعْيِكَ وَأَنْتَ مُتَمَتِّعٌ فَقَصِّرْ مِنْ شَعْرِكَ مِنْ جَوَانِبِهِ وَ لِحْيَتِكَ وَ خُذْ  
 مِنْ شَارِبِكَ وَ قَلَمَ أَظْفَارِكَ وَ أَبْقِ مِنْهَا لِحْجَكَ، وَإِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ فَقَدْ أَحْلَلْتَ مِنْ كُلِّ  
 شَيْءٍ يُحِلُّ مِنْهُ الْمُحْرِمُ وَ أَحْرَمْتَ مِنْهُ فَطْفٌ بِالنِّيتِ تَطَوُّعاً مَا شِئْتَ.

فرمود: ایرادی ندارد و اگر عبادتش را با وضو تمام کند نزد من محبوبتر است.

۳- ابن فضال گوید: امام کاظم عليه السلام فرمود: سعی و طواف فقط با وضو انجام می شود.

### بخش صد و چهل و ششم

### کوتاه کردن مو برای متمتع و بیرون آمدن او از احرام

۱- معاویه بن عمار گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هنگامی که تو در عمره متمتع سعی را به پایان رساندی از موهای اطراف و ریش و سبیل  
 خود کوتاه کن و از ناخن های خود بچین و از آنها چیزی برای حج خود باقی بگذار و چون  
 چنین کردی آن چه که بر محرم از آن خارج می شود و بر تو حرام بود، بر تو حلال شد پس  
 آن چه خواستی به صورت مستحب خانه کعبه را طواف کن.

۲ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ قَالَ:  
رَأَيْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام أَحَلَّ مِنْ عُمْرَتِهِ وَأَخَذَ مِنْ أَطْرَافِ شَعْرِهِ كُلِّهِ عَلَى الْمُشْطِ،  
ثُمَّ أَشَارَ إِلَى شَارِبِهِ فَأَخَذَ مِنْهُ الْحَجَّامُ، ثُمَّ أَشَارَ إِلَى أَطْرَافِ لِحْيَتِهِ فَأَخَذَ مِنْهُ ثُمَّ قَامَ.  
۳ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ  
رِفَاعَةَ بْنِ مُوسَى قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ يَطُوفُ بِالْبَيْتِ وَ يَسْعَى أَيْتَطَوُّعُ بِالطَّوَافِ قَبْلَ  
أَنْ يُقَصِّرَ؟  
قَالَ: مَا يُعْجِبُنِي.

۴ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ وَ حَفْصِ بْنِ  
الْبُخْتَرِيِّ وَ غَيْرِهِمَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي مُحْرِمٍ يُقَصِّرُ مِنْ بَعْضٍ وَ لَا يُقَصِّرُ مِنْ  
بَعْضٍ.  
قَالَ: يُجْزِئُهُ.

۲ - مُحَمَّد بن اسماعیل گوید: امام کاظم عليه السلام را دیدم که از انجام عمره بیرون آمد و با  
شانه موهای دور سرش را کوتاه کرد. آن‌گاه به حجّام اشاره فرمود که از سبیل و اطراف  
ریشش کوتاه نمود، سپس برخاست .

۳ - رفاعه ابن موسی گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: کسی که پیش از تقصیر کعبه را  
طواف نمود و سعی بین صفا و مروه را انجام داد می‌تواند طواف مستحبی انجام دهد؟  
فرمود: طواف این گونه را دوست ندارم.

۴ - جمیل بن درّاج، حفص بن بختری و دیگران گویند: امام صادق عليه السلام دربارهٔ مُحْرِمِی  
که از برخی از قسمت موهایش کوتاه کرد و از بعضی دیگر کوتاه نکرد فرمود:  
برای او کفایت می‌کند.

- ۵- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَسْلَمَ قَالَ:  
لَمَّا أَرَادَ أَبُو جَعْفَرٍ - يَعْنِي ابْنَ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ - أَنْ يُقَصِّرَ مِنْ شَعْرِهِ لِلْعُمْرَةِ أَرَادَ  
الْحَجَّامُ أَنْ يَأْخُذَ مِنْ جَوَانِبِ الرَّأْسِ.  
فَقَالَ لَهُ: ابْدَأْ بِالنَّاصِيَةِ فَبَدَأَ بِهَا.
- ۶- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَصَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ  
عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:  
سَأَلْتُهُ عَنْ مُتَمَتِّعٍ قَرَضَ أَظْفَارَهُ وَأَخَذَ مِنْ شَعْرِ رَأْسِهِ بِمَشَقِّصٍ.  
قَالَ: لَا بَأْسَ لَيْسَ كُلُّ أَحَدٍ يَجِدُ جَلَمًا.

- ۵- حسین بن اسلم گوید: هنگامی که امام جواد علیه السلام خواست که از مویش کوتاه کند  
حجام را خواست تا از دور سرش بچیند و به او فرمود: از پیشانی شروع کن.  
حجام نیز از پیشانی شروع کرد.
- ۶- معاویه بن عمار گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: کسی که عمره تمتع انجام می‌دهد،  
می‌تواند ناخن‌هایش را بچیند و از موی سرش با پیکان پهن می‌زند؟  
فرمود: ایرادی ندارد هر کس نمی‌تواند وسیله چیدن پیدا کند.

(۱۴۷)

بَابُ الْمُتَمَتِّعِ يَنْسَى أَنْ يُقَصِّرَ حَتَّى يَهْلَ بِالْحَجِّ أَوْ يَخْلُقَ رَأْسَهُ  
أَوْ يَقَعَ أَهْلُهُ قَبْلَ أَنْ يُقَصِّرَ

۱ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ  
سُوَيْدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ مُتَمَتِّعٍ نَسِيَ أَنْ يُقَصِّرَ  
حَتَّى أَحْرَمَ بِالْحَجِّ.  
قَالَ: يَسْتَغْفِرُ اللَّهَ.

۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي  
عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ أَهَلَ بِالْعُمْرَةِ وَنَسِيَ أَنْ يُقَصِّرَ حَتَّى دَخَلَ فِي الْحَجِّ.  
قَالَ: يَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَلَا شَيْءَ عَلَيْهِ وَتَمَّتْ عُمْرَتُهُ.

#### بخش صد و چهل و هفتم

حکم کسی که عمره تمتع انجام می دهد و فراموش می کند که تقصیر نماید  
تا به حج احرام می بندد یا پیش از تقصیر سرش می تراشد یا با همسرش نزدیکی  
می نماید

۱ - عبدالله بن سنان گوید: امام صادق عليه السلام درباره مردی که عمره تمتع انجام می دهد و  
فراموش می کند که تقصیر نماید تا به حج می بندد فرمود:  
از خدا طلب آمرزش می کند.

۲ - معاویه بن عمار گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: کسی که از احرام عمره تمتع خارج  
شد و فراموش کرد که تقصیر کند تا وارد عمل حج شد.

فرمود: از خدا طلب آمرزش می خواهد و چیزی برعهده او نیست و عمره او کامل شده است.

۳- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانَ بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا إِبْرَاهِيمَ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فَدَخَلَ مَكَّةَ وَطَافَ وَسَعَى وَلَبَسَ ثِيَابَهُ وَأَحَلَّ وَنَسِيَ أَنْ يُقَصِّرَ حَتَّى خَرَجَ إِلَى عَرَفَاتٍ. قَالَ: لَا بَأْسَ بِهِ يَنْبِي عَلَى الْعُمْرَةِ وَطَوَافِهَا وَطَوَافِ الْحَجِّ عَلَى أَثَرِهِ.

۴- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ طَافَ بِالْبَيْتِ ثُمَّ بِالْصَّفَا وَالْمَرْوَةِ وَكَانَ تَمَتَّعَ ثُمَّ عَجَلَ فَقَبِلَ امْرَأَتَهُ قَبْلَ أَنْ يُقَصِّرَ مِنْ رَأْسِهِ.

فَقَالَ: عَلَيْهِ دَمٌ يُهْرِيْقُهُ، وَإِنْ جَامَعَ فَعَلَيْهِ جَزُورٌ أَوْ بَقَرَةٌ.

۵- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ مُتَمَتِّعٍ وَقَعَ عَلَى امْرَأَتِهِ وَلَمْ يُقَصِّرْ.

۳- عبدالرحمان بن حجاج گوید: از امام کاظم عليه السلام پرسیدم: کسی که برای انجام عمره تمتع وارد مکه شد، طواف و سعی نمود و لباس‌های خود را پوشید و فراموش کرد که تقصیر کند تا این که به عرفات رفت (چه وظیفه‌ای دارد؟) فرمود: ایرادی ندارد بنا را بر عمره می‌گذارد و طواف آن را انجام می‌دهد آن‌گاه به طواف حج می‌پردازد.

۴- حلبی گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: کسی که کعبه را طواف نمود و آن‌گاه سعی بین صفا و مروه را انجام داد که عمره تمتع را به جا آورده و پیش از تقصیر تعجیل نموده زنش را بوسید (چه حکمی دارد؟)

فرمود: بر او لازم است که قربانی بنماید و اگر بازنش همبستر شده بایستی یک شتر یا گاو قربانی کند.

۵- معاویه بن عمار گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: کسی که به عمره تمتع احرام بسته پیش از تقصیر بازنش همبستر شده است (چه حکمی دارد؟)

فَقَالَ: يَنْحَرُ جَزُورًا وَ قَدْ خِفْتُ أَنْ يَكُونَ قَدْ تُلِمَ حَجُّهُ إِنْ كَانَ عَالِمًا، وَإِنْ كَانَ جَاهِلًا فَلَا شَيْءَ عَلَيْهِ.

۶- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: جُعِلْتُ فِدَاكَ! إِنِّي لَمَّا قَضَيْتُ نُسُكِي لِلْعُمْرَةِ أَتَيْتُ أَهْلِي وَ لَمْ أَقْصِرْ. قَالَ: عَلَيْكَ بَدَنَةٌ!

قَالَ: قُلْتُ: إِنِّي لَمَّا أَرَدْتُ ذَلِكَ مِنْهَا وَ لَمْ تَكُنْ قَصَّرْتَ امْتَنَعْتُ، فَلَمَّا غَلَبَتْهَا قَرَضْتُ بَعْضَ شَعْرَهَا بِأَسْنَانِهَا.

فَقَالَ: رَحِمَهَا اللَّهُ كَأَنْتَ أَفْقَهُ مِنْكَ، عَلَيْكَ بَدَنَةٌ وَ لَيْسَ عَلَيْهَا شَيْءٌ.

۷- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَدِيدٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ مُتَمَتِّعٍ حَلَقَ رَأْسَهُ بِمَكَّةَ.

فرمود: او بایستی یک شتر قربانی کند و بیم آن دارم که اگر از روی آگاهی بود حج او باطل شود و اگر آگاهی نداشت هیچ ایرادی بر او نیست.

۶- حلبی گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: قربانت گردم! من مناسک حج را برای عمره به جا آوردم و هنوز تقصیر ننموده نزد زعم رفتم (چه حکمی دارد؟) فرمود: بایستی یک شتر قربانی کنی.

گوید: گفتم: وقتی از زعم درخواست نمودم چون تقصیر نکرده بود، امتناع ورزید هنگامی که بر او چیره شدم با دندانهایش مقداری از مویش را برید؟ فرمود: خدا او را رحمت کند، او از تو فقیه تر و فهمیده تر بود. تو بایستی یک شتر قربانی کنی و چیزی بر عهده او نیست.

۷- جمیل بن درّاج گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: کسی که به عمره تمتع احرام بسته در مکه سر خود را تراشید (چه حکمی دارد؟)



قَالَ: إِنْ كَانَ جَاهِلًا فَلَيْسَ عَلَيْهِ شَيْءٌ وَإِنْ تَعَمَّدَ ذَلِكَ فِي أَوَّلِ أَشْهُرِ الْحَجِّ بِثَلَاثِينَ يَوْمًا مِنْهَا فَلَيْسَ عَلَيْهِ شَيْءٌ، وَإِنْ تَعَمَّدَ بَعْدَ الثَّلَاثِينَ الَّتِي يُؤَفَّرُ فِيهَا الشَّعْرُ لِلْحَجِّ فَإِنَّ عَلَيْهِ دَمًا يُهْرِيْقُهُ.

و فِي رِوَايَةٍ أُخْرَى: فَإِذَا كَانَ يَوْمُ النَّحْرِ أَمَرَ الْمُوسَى عَلَى رَأْسِهِ.  
 ۸- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَفْصِ بْنِ الْبَخْتَرِيِّ عَنْ غَيْرِ وَاحِدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: يَنْبَغِي لِلْمُتَمَتِّعِ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ إِذَا أَحَلَّ أَنْ لَا يَلْبَسَ قَمِيصًا وَ لَيْتَشَبَّهُ بِالْمُحْرَمِينَ.

(۱۴۸)

#### بَابُ الْمُتَمَتِّعِ تَعْرِضُ لَهُ الْحَاجَّةُ خَارِجًا مِنْ مَكَّةَ بَعْدَ إِحْلَالِهِ

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

فرمود: اگر از مسأله ناآگاه بود چیزی بر عهده او نیست و اگر از روی عمد انجام داده پیش از سی روز از ماه‌های حج، چیزی بر او نیست و اگر بعد از سی روزی که باید در آن موهایش را بلند کند از روی عمد موهایش را تراشید بر او قربانی لازم است.  
 در روایت دیگری آمده است: اگر در روز قربانی بود با تیغ سرش را بتراشد.  
 ۸- عده‌ای از راویان گویند: امام صادق علیه السلام فرمود: برای کسی که عمره تمتع انجام می‌دهد شایسته است که موهایش را کوتاه کند، پیراهن نپوشد تا شبیه مُحْرَم‌ها باشد.

#### بخش صد و چهل هشتم

حکم کسی که به عمره تمتع احرام بسته پس از احرام با پیشامدی  
 از مکه بیرون می‌رود

۱- حَمَّادُ بْنُ عِيسَى گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

مَنْ دَخَلَ مَكَّةَ مُتَمَتِّعًا فِي أَشْهُرِ الْحَجِّ لَمْ يَكُنْ لَهُ أَنْ يَخْرُجَ حَتَّى يَقْضِيَ الْحَجَّ فَإِنْ عَرَضَتْ لَهُ حَاجَةٌ إِلَى عُسْفَانَ أَوْ إِلَى الطَّائِفِ أَوْ إِلَى ذَاتِ عِزٍّ خَرَجَ مُحْرِمًا وَدَخَلَ مُكَلِّبًا بِالْحَجِّ فَلَا يَزَالُ عَلَى إِحْرَامِهِ، فَإِنْ رَجَعَ إِلَى مَكَّةَ رَجَعَ مُحْرِمًا وَلَمْ يَقْرَبِ الْبَيْتَ حَتَّى يَخْرُجَ مَعَ النَّاسِ إِلَى مَنَى عَلَى إِحْرَامِهِ، وَإِنْ شَاءَ كَانَ وَجْهُهُ ذَلِكَ إِلَى مَنَى.

قُلْتُ: فَإِنْ جَهِلَ وَخَرَجَ إِلَى الْمَدِينَةِ أَوْ إِلَى نَحْوِهَا بِغَيْرِ إِحْرَامٍ ثُمَّ رَجَعَ فِي إِبَانِ الْحَجِّ فِي أَشْهُرِ الْحَجِّ يُرِيدُ الْحَجَّ أَيْدُ خُلُوعِهَا مُحْرِمًا أَوْ بِغَيْرِ إِحْرَامٍ. فَقَالَ: إِنْ رَجَعَ فِي شَهْرِهِ دَخَلَ بِغَيْرِ إِحْرَامٍ وَإِنْ دَخَلَ فِي غَيْرِ الشَّهْرِ دَخَلَ مُحْرِمًا.

قُلْتُ: فَأَيُّ الْإِحْرَامَيْنِ وَالْمُتَمَتِّعَيْنِ: مُتَمَتِّعِ الْأُولَى أَوِ الْأَخِيرَةِ؟ قَالَ: الْأَخِيرَةُ وَهِيَ عُمْرَتُهُ وَهِيَ الْمُحْتَبَسُ بِهَا الَّتِي وَصَلْتُ بِحَجِّهِ. قُلْتُ: فَمَا فَرْقُ بَيْنَ الْمُفْرَدَةِ وَبَيْنَ عُمْرَةِ الْمُتَمَتِّعِ إِذَا دَخَلَ فِي أَشْهُرِ الْحَجِّ؟

هر که در ماههای حج با عمره تمتع وارد مکه شد نباید از آن جا بیرون رود تا حج را به جا آورد و اگر برای او کاری در عسفان یا طائف یا ذات عرق پیش آمد و با احرام بیرون رفته او با لبیک گفتن وارد مکه می شود، پیوسته بر احرام خود باشد پس اگر به مکه برمی گردد باید محرم باشد و کنار کعبه نمی رود تا با حاجیان با احرام به منا برود و اگر خواست موقع برگشتن به منا می رود و وارد مکه نمی شود.

گفتم: اگر از مسأله آگاه نبود و بدون احرام به مدینه یا شهر دیگری رفت، آن گاه در ایام حج و در ماههای آن با اراده حج کرد آیا با احرام وارد شود و یا بدون آن؟ فرمود: اگر در همان ماه برمی گردد بدون احرام برمی گردد و اگر در غیر آن ماه شد محرم وارد می شود.

گفتم: کدام دو احرام و کدام دو عمره؟ عمره تمتع یا عمره مفرده؟ فرمود: آخرین احرام که عمره اوست که به آن نگهداشته شده که به حج او وصل شود. گفتم: فرق بین عمره مفرده یا عمره تمتع چیست؟ هرگاه در ماههای حج وارد شود؟

قَالَ: أَحْرَمَ بِالْعُمْرَةِ وَهُوَ يَنْوِي الْعُمْرَةَ، ثُمَّ أَحَلَّ مِنْهَا وَلَمْ يَكُنْ عَلَيْهِ دَمٌ وَلَمْ يَكُنْ مُحْتَبَساً بِهَا، لِأَنَّهُ لَا يَكُونُ يَنْوِي الْحَجَّ.

۲- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام عَنِ الْمُتَمَتِّعِ يَجِيءُ فَيَقْضِي مُتَعَتَهُ ثُمَّ تَبْدُو لَهُ الْحَاجَةُ فَيَخْرُجُ إِلَى الْمَدِينَةِ أَوْ إِلَى ذَاتِ عِرْقٍ أَوْ إِلَى بَعْضِ الْمَعَادِنِ.

قَالَ يَرْجِعُ إِلَى مَكَّةَ بِعُمْرَةٍ إِنْ كَانَ فِي غَيْرِ الشَّهْرِ الَّذِي يَتَمَتَّعُ فِيهِ، لِأَنَّ لِكُلِّ شَهْرٍ عُمْرَةً وَهُوَ مُرْتَهَنٌ بِالْحَجِّ.

قُلْتُ: فَإِنْ دَخَلَ فِي الشَّهْرِ الَّذِي خَرَجَ فِيهِ.

قَالَ: كَانَ أَبِي مُجَاوِراً هَاهُنَا فَخَرَجَ مُتَلَقِّياً بَعْضَ هَؤُلَاءِ فَلَمَّا رَجَعَ بَلَغَ ذَاتَ عِرْقٍ أَحْرَمَ مِنْ ذَاتِ عِرْقٍ بِالْحَجِّ وَدَخَلَ وَهُوَ مُحْرِمٌ بِالْحَجِّ.

فرمود: او با تبت محرم به عمره‌ای شده، سپس از احرام بیرون آمد در حالی که بر او قربانی نیست و چیزی او نگاه نداشته است، چون قصد حج ننموده بود.

۲- اسحاق بن عمار گوید: از امام کاظم عليه السلام پرسیدم: کسی که با عمره تمتع مکه می‌آید و آن را به پایان می‌رساند، سپس بر او کاری پیش می‌آید و به مدینه یا ذات عرق یا به بعضی از معادن می‌رود (چه حکمی دارد؟)

فرمود: اگر در غیر آن ماه باشد به عمره به مکه برمی‌گردد؛ زیرا برای هر ماه عمره‌ای است و آن درگرو به حج است

گفتم: اگر در آن ماه که بیرون رفته برگردد چه؟

فرمود: پدر بزرگوارم عليه السلام همین جا مجاور بود، روزی برای ملاقات یکی از آنان (ظالمان بنی عباس) از این شهر خارج شد و چون برگشت و به ذات عرق رسید و از همان جا محرم به حج شد و وارد شد.

- ۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ يَتَمَتَّعُ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ يُرِيدُ الْخُرُوجَ إِلَى الطَّائِفِ. قَالَ: يُهْلُ بِالْحَجِّ مِنْ مَكَّةَ وَ مَا أُحِبُّ لَهُ أَنْ يَخْرُجَ مِنْهَا إِلَّا مُحْرِمًا وَ لَا يَتَجَاوَزُ الطَّائِفَ إِنَّهَا قَرِيبَةٌ مِنْ مَكَّةَ.
- ۴- ابْنُ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَفْصِ بْنِ الْبَخْتَرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي رَجُلٍ قَضَى مُتَعَتَهُ ثُمَّ عَرَضَتْ لَهُ حَاجَةٌ أَرَادَ أَنْ يَخْرُجَ إِلَيْهَا. قَالَ: فَقَالَ: فَلْيَغْتَسِلْ لِلْأَحْرَامِ وَ لِيُهْلَ بِالْحَجِّ وَ لِيَمْضِ فِي حَاجَتِهِ، وَ إِنْ لَمْ يَقْدِرْ عَلَى الرُّجُوعِ إِلَى مَكَّةَ مَضَى إِلَى عَرَافَاتِ.
- ۵- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبَانَ عَنْ أَخْبَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

- ۳- حلبی گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: کسی که یک حج تمتع انجام می‌دهد و می‌خواهد به طائف برود (چه حکمی دارد؟)
- فرمود: برای انجام حج احرام می‌بندد و از مکه تبلیه می‌گوید، دوست نمی‌دارم که از آن جا بیرون رود مگر محرم باشد و از طائف نگذرد، زیرا آن نزدیک مکه است.
- ۴- حفص بن بختری گوید: امام صادق عليه السلام در مورد کسی که عمره تمتع خود را به پایان رسانید سپس کاری بر او پیش آمد که خواست به جای دیگری برود، فرمود:
- برای احرام غسل می‌کند و محرم به حج می‌شود و لبیک می‌گوید و در پی کار خود می‌رود و اگر نتوانست به مکه برگردد به عرفات می‌رود.
- ۵- راوی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

الْمُتَمَتِّعُ هُوَ مُحْتَبَسٌ لَا يَخْرُجُ مِنْ مَكَّةَ حَتَّى يَخْرُجَ إِلَى الْحَجِّ إِلَّا أَنْ يَأْبُقَ  
غَلَامُهُ أَوْ تَضِلَّ رَا حِلَّتُهُ فَيَخْرُجَ مُحْرَمًا وَلَا يُجَاوِزُ إِلَّا عَلَى قَدَرٍ مَا لَا تَقُوُّهُ عَرَفَةُ.

(۱۴۹)

### بَابُ الْوَقْتِ الَّذِي يَفُوتُ فِيهِ الْمُتَمَتُّعُ

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ وَ مُرَازِمٍ وَ  
شُعَيْبٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:  
عَنِ الرَّجُلِ الْمُتَمَتِّعِ يَدْخُلُ لَيْلَةَ عَرَفَةَ فَيَطُوفُ وَ يَسْعَى ثُمَّ يَحِلُّ ثُمَّ يُحْرِمُ وَ  
يَأْتِي مَنًى.  
قَالَ: لَا بَأْسَ.

۲ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ  
عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَيْمُونٍ قَالَ:

کسی که عمره تمتع انجام داد نمی تواند از مکه بیرون رود تا این برای انجام حج خارج  
شود، مگر این که غلام او فرار کند یا شتر سواری او کم گردد، در این صورت با احرام بیرون  
می رود و بیشتر از عرفه خارج نمی شود.

### بخش صد و چهل و نهم

#### حکم کسی که حج تمتع او فوت شود

۱ - هشام بن سالم، مرآزم و شعیب گویند: امام صادق عليه السلام در مورد کسی که به عمره  
تمتع محرم شده و در شب عرفه وارد مکه می شود سپس طواف و سعی را انجام می دهد و  
از احرام بیرون می آید دوباره محرم شده و به منا می رود فرمود:  
ایرادی ندارد.

۲ - محمد بن میمون گوید:

قَدِمَ أَبُو الْحَسَنِ عليه السلام مُتَمَتِّعًا لَيْلَةَ عَرَفَةَ فَطَافَ وَ أَحَلَّ وَ أَتَى بَعْضَ جَوَارِيهِ، ثُمَّ أَهَلَ بِالْحَجِّ وَ خَرَجَ.

۳- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا:

أَنَّهُ سَأَلَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الْمُتَمَتِّعِ مَتَى تَكُونُ؟

قَالَ: يَتَمَتَّعُ مَا ظَنَّ أَنَّهُ يُدْرِكُ النَّاسَ بِمَنَى.

۴- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَرَّارٍ عَنْ يُونُسَ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ

شُعَيْبٍ الْمِثْمِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ:

لَا بَأْسَ لِلْمُتَمَتِّعِ إِنْ لَمْ يُحْرَمْ مِنْ لَيْلَةِ التَّرْوِيَةِ مَتَى مَا تَيَسَّرَ لَهُ مَا لَمْ يَخَفْ فَوْتَ الْمَوْقِفَيْنِ.

۵- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ رَفَعَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي مُتَمَتِّعٍ

دَخَلَ يَوْمَ عَرَفَةَ.

فَقَالَ: مُتَعَتُهُ تَامَةً إِلَى أَنْ تُقْطَعَ التَّلْبِيَةُ.

امام کاظم عليه السلام در شب عرفه محرم به عمره تمتع شد آن گاه به مکه آمد طواف نمود و از

احرام بیرون آمد و نزدن کنیزانش رفت، سپس محرم شد و بیرون رفت.

۳- یکی از اصحاب ما گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: حج تمتع را کی می توان انجام

داد؟

فرمود: کسی که گمان کند مردم را در منا درمی یابد.

۴- یعقوب بن شعیب میثمی گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می فرمود: ایرادی برای

کسی که حج تمتع انجام می دهد نیست که در شب ترویہ محرم به حج شود هر وقت که به

او امکان شده باشد مادامی که از رسیدن به وقوف عرفه و مشعر بیم نداشته باشد.

۵- سهل بن زیاد در روایت مرفوعه ای گوید: امام صادق عليه السلام در مورد کسی که حج تمتع

انجام می دهد و در روز عرفه وارد مکه می شود فرمود:

حج تمتع او کامل می شود تا آن که تلبیه را قطع کند.

(۱۵۰)

## بَابُ إِحْرَامِ الْحَائِضِ وَ الْمُسْتَحَاضَةِ

۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الْحَائِضِ تُرِيدُ الْإِحْرَامَ.  
 قَالَ: تَغْتَسِلُ وَ تَسْتَنْفِرُ وَ تَحْتَشِي بِالْكَرْسُفِ وَ تَلْبَسُ ثَوْباً دُونَ ثِيَابِ إِحْرَامِهَا  
 وَ تَسْتَقْبِلُ الْقِبْلَةَ، وَ لَا تَدْخُلُ الْمَسْجِدَ وَ تُهْلُ بِالْحَجِّ بغيرِ صَلَاةٍ.  
 ۲ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ  
 أَيُّوبَ عَنْ عُمَرَ بْنِ أَبَانَ الْكَلْبِيِّ قَالَ:  
 ذَكَرْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام الْمُسْتَحَاضَةَ فَذَكَرَ أَسْمَاءَ بِنْتَ عُمَيْسٍ.

## بخش صدور پنجاهم

## احرام زن حائض و مستحاضه

۱ - یونس بن یعقوب گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: زن حائض می تواند محرم شود؟  
 فرمود: غسل نماید و بر خود پنبه گذارد و آن را با پارچه ای ببندد و لباسی غیر از لباس  
 احرام می پوشد و رو به قبله می شود، ولی داخل مسجد الحرام نمی شود و لبیک حج  
 می گوید بدون آن که نماز احرام را بخواند.

۲ - عمر بن ابان کلبی گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: زن مستحاضه چگونه اعمال حج را  
 انجام می دهد؟

آن حضرت اسماء بنت عمیس را به یاد آورد و فرمود:

فَقَالَ: إِنَّ أَسْمَاءَ وَلَدَتْ مُحَمَّدَ بْنَ أَبِي بَكْرٍ بِالْبَيْدَاءِ، وَكَانَ فِي وَلادَتِهَا الْبَرَكَةُ لِلنِّسَاءِ لِمَنْ وَلَدَتْ مِنْهُنَّ أَوْ طَمِثَتْ، فَأَمَرَهَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فَاسْتَنْفَرَتْ وَتَنَطَّقَتْ بِمِنْطَقَةٍ وَأَحْرَمَتْ.

۳- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْمَرْأَةُ الْحَائِضُ تُحْرِمُ وَهِيَ لَا تُصَلِّي؟ قَالَ: نَعَمْ إِذَا بَلَغَتِ الْوَقْتَ فَلَتُحْرِمَ.

۴- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ سَلَمَةَ بْنِ الْخَطَّابِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ زَيْدِ الشَّحَّامِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سُئِلَ عَنْ امْرَأَةٍ حَاضَتْ وَهِيَ تُرِيدُ الْإِحْرَامَ فَتَطْمِثُ. قَالَ: تَغْتَسِلُ وَتَحْتَشِي بِكُرْسُفٍ وَتَلْبَسُ ثِيَابَ الْإِحْرَامِ وَتُحْرِمُ، فَإِذَا كَانَ اللَّيْلُ حَلَعَتْهَا وَلَبَسَتْ ثِيَابَهَا الْأُخْرَى حَتَّى تَطْهَرَ.

اسماء در بیداء محمد بن ابی بکر را زایید و زایمان او برای زنان زائو و یا حائض برکت شد، چرا که رسول خدا ﷺ دستور فرمود که پنبه استعمال نموده و آن را با پارچه ای بسته و محرم شود.

۳- منصور بن حازم گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: آیا حائض می تواند محرم شود در حالی که نماز نمی خواند؟

فرمود: آری، هرگاه به میقات رسید باید محرم شود.

۴- زید شحام گوید: از امام صادق علیه السلام سؤال شد: زنی که حائض شده در حالی که محرم است مستحاضه شد (چه وظیفه ای دارد؟)

فرمود: غسل می کند و بر خود پنبه می گذارد و لباس احرام می پوشد و محرم می شود، چون شب فرا رسید آن لباس ها را کنده لباس های دیگری را می پوشد تا پاک شود.



(۱۵۱)

## بَابُ مَا يَجِبُ عَلَى الْحَائِضِ فِي آدَاءِ الْمَنَاسِكِ

۱- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَفْصِ بْنِ الْبُخْتَرِيِّ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ صَبِيحٍ وَ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ وَ عَلِيِّ بْنِ رِثَابٍ وَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ صَالِحٍ كُلُّهُمْ يَرْوُونَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: الْمَرْأَةُ الْمُتَمَتِّعَةُ إِذَا قَدِمَتْ مَكَّةَ ثُمَّ حَاضَتْ تُقِيمُ مَا بَيْنَهَا وَ بَيْنَ التَّرْوِيَةِ، فَإِنْ طَهَّرَتْ طَافَتْ بِالْبَيْتِ وَ سَعَتْ بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ، وَإِنْ لَمْ تَطْهَرْ إِلَى يَوْمِ التَّرْوِيَةِ اغْتَسَلَتْ وَ اخْتَشَتْ ثُمَّ سَعَتْ بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ ثُمَّ خَرَجَتْ إِلَى مِنًى، فَإِذَا قَضَتْ الْمَنَاسِكَ وَ زَارَتْ الْبَيْتَ طَافَتْ بِالْبَيْتِ طَوَافًا لِعُمْرَتِهَا ثُمَّ طَافَتْ طَوَافًا لِلْحَجِّ ثُمَّ خَرَجَتْ فَسَعَتْ، فَإِذَا فَعَلَتْ ذَلِكَ فَقَدْ أَحَلَّتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ يُحِلُّ مِنْهُ الْمُحْرِمُ إِلَّا فِرَاشَ زَوْجِهَا، فَإِذَا طَافَتْ أُسْبُوعًا آخَرَ حَلَّ لَهَا فِرَاشُ زَوْجِهَا.

## بخش صد و پنجاه و یکم

## آن چه بر حائض از ادای مناسک واجب است

۱- علاء بن صبیح، عبدالرحمان بن حجّاج، علی بن رثاب و عبدالله بن صالح گویند: امام صادق عليه السلام فرمود:

زنی که حج تمتّع انجام می دهد وقتی به مکه رسید سپس حائض شد بایستی تا روز هشتم ذی حجه درنگ نماید. پس اگر پاک شد طواف بیت و سعی صفا و مروه می کند و اگر تا روز هشتم پاک نشد غسل نموده و بر خود پنبه می گذارد سپس سعی صفا و مروه نموده به منا می رود. وقتی مناسک حج تمام شد و کعبه را زیارت کرد و برای عمره تمتّع خود کعبه را طواف می کند بعد از آن طواف دیگری جهت حج انجام می دهد، سپس سعی بین صفا و مروه را انجام می دهد، چون آن را انجام داد در واقع از احرام بیرون می آید همانند محرم که از احرام بیرون می آید، فقط همبستر شدن با شوهرش باقی می ماند، وقتی طواف هفتگانه دیگر (طواف نساء) را نمود پس بستر شوهرش بر او حلال می شود.

۲- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ دُرُسْتِ الْوَاسِطِيِّ عَنْ عَجَلَانَ أَبِي صَالِحٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ امْرَأَةٍ مُتَمَتِّعَةٍ قَدِمَتْ مَكَّةَ فَرَأَتْ الدَّمَ. قَالَ: تَطُوفُ بَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ ثُمَّ تَجْلِسُ فِي بَيْتِهَا فَإِنْ طَهَّرْتَ طَافْتَ بِالْبَيْتِ، وَإِنْ لَمْ تَطْهَرْ فَإِذَا كَانَ يَوْمُ التَّرْوِيَةِ أَفَاضَتْ عَلَيْهَا الْمَاءَ وَأَهَلَّتْ بِالْحَجِّ مِنْ بَيْتِهَا وَخَرَجَتْ إِلَى مَنَى وَقَضَتِ الْمَنَاسِكَ كُلَّهَا، فَإِذَا قَدِمَتْ مَكَّةَ طَافْتَ بِالْبَيْتِ طَوَافَيْنِ ثُمَّ سَعَتْ بَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ، فَإِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ فَقَدْ حَلَّ لَهَا كُلُّ شَيْءٍ مَا خَلَا فِرَاشَ زَوْجِهَا.

۳- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ سَلَمَةَ بْنِ الْخَطَّابِ عَنِ ابْنِ رِبَاطٍ عَنْ دُرُسْتِ بْنِ أَبِي مَنْصُورٍ عَنْ عَجَلَانَ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: مُتَمَتِّعَةٌ قَدِمَتْ فَرَأَتْ الدَّمَ كَيْفَ تَصْنَعُ؟

۲- عجلان ابی صالح گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: زنی که برای حج تمتع به مکه آید هرگاه حائض شود چه حکمی دارد؟

فرمود: مراسم صفا و مروه را انجام می‌دهد و در منزل می‌نشیند، پس اگر پاک شد طواف بیت می‌کند و اگر پاک نشد پس چون روز هشتم ذی‌حجه شد پس غسل نموده از منزلش محرم به حج می‌شود و به منا رفته و تمامی مناسک را به جا می‌آورد. پس چون به مکه بازگشت دو طواف بر بیت می‌کند، سپس سعی بین صفا و مروه را انجام می‌دهد. پس چون چنین کرد - جز همبستری با شوهرش - همه چیز بر او حلال می‌گردد.

۳- نظیر همین روایت را عجلان از امام صادق عليه السلام نقل می‌کند.

قَالَ: تَسْعَى بَيْنَ الصَّفا وَ الْمَرْوَةِ وَ تَجْلِسُ فِي بَيْتِهَا فَإِنْ طَهَّرْتَ طَافْتَ بِالْبَيْتِ وَ  
 إِنْ لَمْ تَطْهَرْ، فَإِذَا كَانَ يَوْمُ التَّرْوِيَةِ أَفَاضَتْ عَلَيْهَا الْمَاءَ وَ أَهَلَّتْ بِالْحَجِّ وَ خَرَجَتْ  
 إِلَى مِنًى فَقَضَتِ الْمَنَاسِكَ كُلَّهَا، فَإِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ فَقَدْ حَلَّ لَهَا كُلُّ شَيْءٍ مَا عَدَا  
 فِرَاشَ زَوْجِهَا.

قَالَ: وَ كُنْتُ أَنَا وَ عُبَيْدُ اللَّهِ بْنُ صَالِحٍ سَمِعْنَا هَذَا الْحَدِيثَ فِي الْمَسْجِدِ، فَدَخَلَ  
 عُبَيْدُ اللَّهِ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام  
 فَخَرَجَ إِلَيَّ فَقَالَ: قَدْ سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام عَنْ رِوَايَةِ عَجَلَانَ فَحَدَّثَنِي بِنَحْوِ مَا  
 سَمِعْنَا مِنْ عَجَلَانَ.

۴ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ سَلَمَةَ بْنِ الْخَطَّابِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ رَبَاطٍ  
 عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ:  
 قُلْتُ لَهُ: امْرَأَةٌ مُتَمَتِّعَةٌ تَطُوفُ ثُمَّ طَمِثَتْ.  
 قَالَ: تَسْعَى بَيْنَ الصَّفا وَ الْمَرْوَةِ وَ تَقْضِي مُتَعَتَهَا.

راوی در ادامه گوید: این حدیث را من و عیدالله بن صالح در مسجد از حضرتش  
 شنیدیم. آن‌گاه عیدالله حضور امام کاظم عليه السلام شرف‌یاب شد، سپس بیرون آمد و گفت:  
 روایت عجلان را از حضرتش پرسیدم، آن حضرت مانند شنیدار ما از عجلان سخن فرمود.  
 ۴ - عیدالله بن صالح گوید: به امام کاظم عليه السلام گفتم: زنی که حج تمتع انجام دهد پس از  
 طواف حائض می‌شود (چه وظیفه‌ای دارد؟)

فرمود: سعی بین صفا و مروه نموده و عمره تمتع خود را تمام می‌کند.

- ۵- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ مُشْنَى الْحَنَاطِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ فِي الْمَرْأَةِ الْمُتَمَتِّعَةِ: إِذَا أَحْرَمَتْ وَهِيَ طَاهِرَةٌ ثُمَّ حَاضَتْ قَبْلَ أَنْ تَقْضِيَ مُنْعَتَهَا سَعَتْ وَ لَمْ تَطْفُ حَتَّى تَطْهَرُ ثُمَّ تَقْضِيَ طَوَافَهَا وَ قَدْ قَضَتْ عُمرَتَهَا، وَإِنْ هِيَ أَحْرَمَتْ وَهِيَ حَائِضٌ لَمْ تَسَعْ وَ لَمْ تَطْفُ حَتَّى تَطْهَرَ.
- ۶- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ دُرُسْتٍ عَنْ عَجَلَانَ أَبِي صَالِحٍ أَنَّهُ سَمِعَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: إِذَا اعْتَمَرَتِ الْمَرْأَةُ ثُمَّ اعْتَلَّتْ قَبْلَ أَنْ تَطُوفَ قَدَّمَتِ السَّعْيَ وَ شَهِدَتِ الْمَنَاسِكَ، فَإِذَا طَهَّرَتْ وَ انْصَرَفَتْ مِنَ الْحَجِّ قَضَتْ طَوَافَ الْعُمْرَةِ وَ طَوَافَ الْحَجِّ وَ طَوَافَ النِّسَاءِ ثُمَّ أَحَلَّتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ.
- ۷- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ رَجُلٍ أَنَّهُ سَمِعَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ:

- ۵- ابوبصیر گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می فرمود: زنی که حج تمتع انجام می دهد در موقع محرم شدن پاک بوده پس حائض می شود پیش از آن که عمره تمتع خود را تمام کند سعی نماید و طواف نمی کند تا پاک شود، سپس طوافش را قضاء می نماید در واقع عمره خود را انجام داده است و اگر در حال احرام حائض بوده پس سعی و طواف نمی کند تا پاک گردد.
- ۶- عجلان ابی صالح گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می فرمود: زنی که عمره تمتع انجام می دهد وقتی پیش از انجام طواف حائض شد بایستی اول سعی بین صفا و مروه کند و غسل نموده و بر خود پنبه می گذارد سپس سعی صفا و مروه نموده به منا می رود مناسک دیگر را انجام دهد. پس هرگاه پاک شد و اعمال حج پایان یافت، طواف عمره، طواف حج و طواف نسا را قضا نماید، آن گاه از احرام بیرون می آید و همه چیز بر او حلال می شود.
- ۷- راوی گوید:

و سِئِلَ عَنِ امْرَأَةٍ مُمْتَنِّعَةٍ طَمِثَتْ قَبْلَ أَنْ تَطُوفَ فَخَرَجَتْ مَعَ النَّاسِ إِلَى مِنًى.  
فَقَالَ: أَوْ لَيْسَ هِيَ عَلَى عُمْرَتِهَا وَ حَجَّتِهَا؟ فَلَتَطُفَ طَوَافاً لِلْعُمْرَةِ وَ طَوَافاً  
لِلْحَجِّ.

۸- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ  
سُوَيْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ:  
قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: الْمَرْأَةُ تَجِيءُ مُتَمَتِّعَةً فَطَمِثَتْ قَبْلَ أَنْ تَطُوفَ بِالْبَيْتِ  
فَيَكُونُ طَهْرُهَا يَوْمَ عَرَفَةَ.  
فَقَالَ: إِنْ كَانَتْ تَعْلَمُ أَنَّهَا تَطْهَرُ وَ تَطُوفُ بِالْبَيْتِ وَ تَحِلُّ مِنْ إِحْرَامِهَا وَ تَلْحَقُ  
بِالنَّاسِ فَلْتَفْعَلْ.

۹- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ  
أَيُّوبَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ:

از امام صادق عليه السلام سؤال شد: زنی که حج تمتع می کند پیش از طواف حیض دید و با  
مردم به منا رفت (چه حکمی دارد؟)  
فرمود: آیا عمره و حج او باقی نیست؟ پس طوافی برای عمره و طوافی برای حج انجام  
دهد.

۸- ابوبصیر گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: زنی که برای حج تمتع می آید پیش از طواف  
بیت حائض می شود و روز عرفه پاک می شود (چه وظیفه ای دارد؟)

فرمود: اگر بداند که پاک شده، کعبه را طواف نماید و از احرام بیرون آید و به مردم ملحق  
می شود، پس چنین نماید.

۹- معاویه بن عمار گوید:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ امْرَأَةٍ طَافَتْ بِالْبَيْتِ ثُمَّ حَاضَتْ قَبْلَ أَنْ تَسْعَى.  
قَالَ: تَسْعَى.

قَالَ: وَ سَأَلْتُهُ عَنْ امْرَأَةٍ سَعَتْ بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ فَحَاضَتْ بَيْنَهُمَا.  
قَالَ: تُتِمُّ سَعِيَهَا.

۱۰- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ مُثَنَّى الْحَنَاطِ عَنْ  
أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ فِي الْمَرْأَةِ الْمُتَمَتِّعَةِ إِذَا أَحْرَمَتْ وَ هِيَ  
طَاهِرَةٌ ثُمَّ حَاضَتْ قَبْلَ أَنْ تَقْضِيَ مُتَعَتَهَا.

سَعَتْ وَ لَمْ تَطْفُ حَتَّى تَطْهَرَ ثُمَّ تَقْضِيَ طَوَافَهَا وَ قَدْ تَمَّتْ مُتَعَتُهَا وَ إِنْ هِيَ  
أَحْرَمَتْ وَ هِيَ حَائِضٌ لَمْ تَسَعْ وَ لَمْ تَطْفُ حَتَّى تَطْهَرَ.

از امام صادق عليه السلام پرسیدم: زنی که طواف بیت نمود آن‌گاه پیش از انجام سعی حائض شد  
(چه وظیفه‌ای دارد؟)

فرمود: سعی بین صفا و مروه را انجام دهد.

از حضرتش پرسیدم: زنی که بین صفا و مروه حائض شد چه وظیفه‌ای دارد؟

فرمود: سعی خود را تمام می‌کند.

۱۰- ابوبصیر گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می‌فرمود:

زنی که عمره تمتع انجام می‌دهد در موقع احرام پاک بوده، سپس پیش از به جا آوردن  
باقی عمره تمتع حائض شد، باید سعی بین صفا و مروه کند و طواف انجام نمی‌دهد تا پاک  
شود، سپس طوافش را قضا می‌کند و عمره تمتع او کامل می‌شود و اگر در حال احرام  
حائض باشد سعی و طواف نمی‌کند تا پاک گردد.

(۱۵۲)

**بَابُ الْمَرْأَةِ تَحِيضُ بَعْدَ مَا دَخَلَتْ فِي الطَّوَافِ**

- ۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ الْكِنَانِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ امْرَأَةٍ طَافَتْ بِالْبَيْتِ فِي حَجٍّ أَوْ عُمْرَةٍ ثُمَّ حَاضَتْ قَبْلَ أَنْ تُصَلِّيَ الرَّكْعَتَيْنِ. قَالَ: إِذَا طَهَّرَتْ فَلْتُصَلِّ رَكْعَتَيْنِ عِنْدَ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ عليه السلام وَ قَدْ قَضَتْ طَوَافَهَا.
- ۲ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ سَلَمَةَ بْنِ الْخَطَّابِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْرَةَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِذَا حَاضَتِ الْمَرْأَةُ وَ هِيَ فِي الطَّوَافِ بِالْبَيْتِ أَوْ بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ فَجَازَتْ النُّصْفَ فَعَلِمَتْ ذَلِكَ الْمَوْضِعَ.

**بخش صد و پنجاه و دوم****حکم زنی که در حین طواف حائض شود**

- ۱ - ابو صباح کنانی گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: زنی در حج و عمره طواف بیت را انجام داد، سپس پیش از خواندن دو رکعت نماز طواف حائض شد (چه وظیفه‌ای دارد؟) فرمود: هرگاه پاک شد نزد مقام ابراهیم عليه السلام دو رکعت نماز می‌خواند که طوافش انجام یافته است.
- ۲ - ابوبصیر گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: هرگاه زن به هنگام انجام طواف یا سعی بین صفا و مروه حائض شد و عملش از نیمی بگذرد در آن مکان نشانه می‌گذارد.

- فَإِذَا طَهَرْتُ رَجَعْتُ فَأَتَمَمْتُ بَقِيَّةَ طَوَافِهَا مِنَ الْمَوْضِعِ الَّذِي عَلَّمْتُهُ، فَإِنْ هِيَ قَطَعَتْ طَوَافَهَا فِي أَقَلِّ مِنَ النِّصْفِ فَعَلَيْهَا أَنْ تَسْتَأْنِفَ الطَّوَّافَ مِنْ أَوَّلِهِ.
- ۳- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عُمَرَ الْحَلَّالِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ امْرَأَةٍ طَافَتْ خَمْسَةَ أَشْوَاطٍ ثُمَّ اعْتَلَّتْ. قَالَ: إِذَا حَاضَتِ الْمَرْأَةُ وَهِيَ فِي الطَّوَّافِ بِالْبَيْتِ أَوْ بِالصِّفَا وَ الْمَرْوَةِ وَ جَاوَزَتِ النِّصْفَ عَلِمَتْ ذَلِكَ الْمَوْضِعَ الَّذِي بَلَغَتْ، فَإِذَا هِيَ قَطَعَتْ طَوَافَهَا فِي أَقَلِّ مِنَ النِّصْفِ فَعَلَيْهَا أَنْ تَسْتَأْنِفَ الطَّوَّافَ مِنْ أَوَّلِهِ.
- ۴- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ لُؤْلُؤٍ قَالَ: أَخْبَرَنِي مَنْ سَمِعَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: الْمَرْأَةُ الْمُتَمَتِّعَةُ إِذَا طَافَتْ بِالْبَيْتِ أَرْبَعَةَ أَشْوَاطٍ ثُمَّ رَأَتْ الدَّمَ فَمُتَّعْتُهَا تَامَةً.

وقتی پاک شد به آن مکان برمی گردد بقیة طواف را انجام می دهد و اگر از نصف کمتر باشد آن را قطع نمود و از اول شروع می کند.

۳- نظیر این روایت را احمد بن عمر حلال از امام کاظم عليه السلام را نقل می کند.

۴- اسحاق بن یزید لؤلؤ گوید: یکی از راویانی از امام صادق عليه السلام شنیده بود به من گفت: آن حضرت فرمود:

زنی که عمره تمتع انجام می دهد هرگاه چهار شوط طواف نمود، سپس حائض شد عمره تمتع او کامل است.



(۱۵۳)

## بَابُ أَنَّ الْمُسْتَحَاضَةَ تَطُوفُ بِالْبَيْتِ

- ۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام:  
 أَنَّ أَسْمَاءَ بِنْتَ عُمَيْسٍ تُفَسِّتُ بِمُحَمَّدِ بْنِ أَبِي بَكْرٍ فَأَمَرَهَا رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله حِينَ  
 أَرَادَتْ الْإِحْرَامَ مِنْ ذِي الْحُلَيْفَةِ أَنْ تَحْتَشِي بِالْكَرْسُفِ وَالْخِرْقِ وَتُهْلَ بِالْحَجِّ،  
 فَلَمَّا قَدِمُوا مَكَّةَ وَ قَدْ نَسَكُوا الْمَنَاسِكَ وَ قَدْ أَتَى لَهَا ثَمَانِيَةَ عَشَرَ يَوْمًا، فَأَمَرَهَا  
 رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله أَنْ تَطُوفَ بِالْبَيْتِ وَ تُصَلِّيَ وَ لَمْ يَنْقَطِعْ عَنْهَا الدَّمُ فَفَعَلَتْ ذَلِكَ.
- ۲ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَسْلَمَ عَنْ يُونُسَ بْنِ  
 يَعْقُوبَ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:  
 الْمُسْتَحَاضَةُ تَطُوفُ بِالْبَيْتِ وَ تُصَلِّيَ وَ لَا تَدْخُلُ الْكَعْبَةَ.

## بخش صد و پنجاه و سوم

## زن مستحاضه می تواند بیت را طواف نماید

- ۱ - زراره گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:  
 آن گاه که اسماء بنت عمیس محمد بن ابی بکر را زایید در هنگام احرام از مسجد شجره  
 رسول خدا صلی الله علیه و آله به او دستور فرمود که خود را با پنبه و پارچه بپوشاند و محرم به حج شود و  
 چون به مکه رسید، مردم مناسک را انجام داده بودند و هیجده روز از زایمان او گذشته بود  
 پیامبر خدا صلی الله علیه و آله دستور داد که بیت را طواف نماید و نماز بخواند در حالی که هنوز خون او  
 قطع نشده بود. پس او نیز چنین کرد.
- ۲ - راوی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:  
 زن مستحاضه می تواند طواف نماید و نماز بخواند، ولی داخل کعبه نمی شود.

(۱۵۴)

## بَابُ نَادِرٍ

- ۱ - أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ:
- سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام عَنْ جَارِيَةٍ لَمْ تَحْضُ خَرَجَتْ مَعَ زَوْجِهَا وَأَهْلِهَا فَحَاضَتْ فَاسْتَحَيْتُ أَنْ تُعْلِمَ أَهْلُهَا وَزَوْجُهَا حَتَّى قَضَتِ الْمَنَاسِكَ وَهِيَ عَلَى تِلْكَ الْحَالِ فَوَاقَعَهَا زَوْجُهَا ثُمَّ رَجَعَتْ إِلَى الْكُوفَةِ.
- فَقَالَتْ لِأَهْلِهَا: كَانَ مِنَ الْأَمْرِ كَذَا وَكَذَا.
- قَالَ: عَلَيْهَا سَوْقٌ بَدَنَةٍ وَعَلَيْهَا الْحَجُّ مِنْ قَابِلٍ، وَلَيْسَ عَلَى زَوْجِهَا شَيْءٌ.
- ۲ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ سَلَمَةَ بْنِ الْخَطَّابِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ رَجُلٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ:

## بخش صد و پنجاه و چهارم

## چند روایت نکته دار

- ۱ - اسحاق بن عمار گوید: از امام کاظم عليه السلام پرسیدم: دختری که هنوز عادت ماهانه ندارد به همراه شوهر و خانواده‌اش به سفر حج رفته است. او در این هنگام حائض شد و شرم نمود که خانواده‌اش را آگاه نماید تا این مناسک حج را به جا آورد، شوهرش با او همبستر شد و به کوفه بازگشت در آن جا قصه را بر خانواده‌اش گفت، اکنون چه وظیفه‌ای دارد؟
- فرمود: بر عهده اوست که یک شتر فربه قربانی کند و سال آینده حج به جا آورد و چیزی بر عهده شوهرش نیست.
- ۲ - راوی گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می‌فرمود:

إِذَا طَافَتِ الْمَرْأَةُ الْحَائِضُ ثُمَّ أَرَادَتْ أَنْ تُودِعَ الْبَيْتَ فَلْتَقِفْ عَلَى أَدْنَى بَابٍ مِنْ أَبْوَابِ الْمَسْجِدِ وَتُودِعَ الْبَيْتَ.

۳- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ: أُرْسِلْتُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: أَنَّ بَعْضَ مَنْ مَعَنَا مِنْ صَرُورَةِ النِّسَاءِ قَدْ اعْتَلَلْنَ فَكَيْفَ تَصْنَعُ؟

فَقَالَ: تَنْتَظِرُ مَا بَيْنَهَا وَبَيْنَ التَّرْوِيَةِ فَإِنْ طَهَّرْتَ فَلْتَهَلِّ وَإِلَّا فَلَا تَدْخُلَنَّ عَلَيْهَا التَّرْوِيَةُ إِلَّا وَهِيَ مُحْرَمَةٌ.

۴- حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنْ ابْنِ سَمَاعَةَ عَنْ غَيْرِ وَاحِدٍ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ فَضِيلِ بْنِ يَسَارٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: إِذَا طَافَتِ الْمَرْأَةُ طَوَافَ النِّسَاءِ وَطَافَتْ أَكْثَرَ مِنَ النُّصْفِ فَحَاضَتْ نَفَرَتْ إِنْ شَاءَتْ.

هرگاه زن حائض طواف نمود و خواست که بیت را وداع کند در نزدیک‌ترین درب مسجد بایستد و بیت را وداع کند.

۳- عبدالرحمان بن حجاج گوید: حضور امام صادق عليه السلام پیغام فرستادم که بعضی از همراهان ما در سفر حج بانوان هستند، گاهی اینان عادت می‌شوند چه کار کنند؟ فرمود: از هنگام عادت تا روز هشتم درنگ می‌کند، اگر پاک شد مُحْرَم می‌شود و گرنه نباید به عرفات بروند مگر با احرام.

۴- فضیل بن یسار گوید: امام باقر عليه السلام فرمود: هرگاه زنی به هنگام طواف نساء که بیش از نیمی از آن را انجام داده حائض شد اگر خواست می‌تواند به وطنش برود.

۵- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْخَزَّازِ قَالَ:  
 كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَدَخَلَ عَلَيْهِ رَجُلٌ لَيْلًا.  
 فَقَالَ: أَصْلَحَكَ اللَّهُ! امْرَأَةٌ مَعَنَا حَاضَتْ وَلَمْ تَطُفْ طَوَافَ النِّسَاءِ.  
 فَقَالَ: لَقَدْ سُئِلْتُ عَنْ هَذِهِ الْمَسْأَلَةِ الْيَوْمَ.  
 فَقَالَ: أَصْلَحَكَ اللَّهُ! أَنَا زَوْجُهَا وَ قَدْ أَحْبَبْتُ أَنْ أَسْمَعَ ذَلِكَ مِنْكَ. فَأُطْرَقَ كَأَنَّهُ  
 يُنَاجِي نَفْسَهُ وَ هُوَ يَقُولُ: لَا يُقِيمُ عَلَيْهَا جَمَالَهَا وَ لَا تَسْتَطِيعُ أَنْ تَتَخَلَّفَ عَنْ  
 أَصْحَابِهَا تَمْضِي وَ قَدْ تَمَّ حَجُّهَا.

(۱۵۵)

### بَابُ عِلَاجِ الْحَائِضِ

۱- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ أَوْ غَيْرِهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ يَقُطِينٍ  
 عَنْ أَخِيهِ الْحُسَيْنِ قَالَ:

۵- ابو ایوب خزّاز گوید: در مکه در خدمت امام صادق عليه السلام حضور داشتم که شب  
 هنگام مردی به حضورش شرفیاب شد و گفت: خداوند کارهای شما را اصلاح کند! زنی  
 همراه ماست، او هنوز طواف نساء را انجام نداده حائض شد (چه وظیفه‌ای دارد؟)  
 فرمود: امروز این مسأله از من سؤال شد.  
 آن مرد گفت: خدا کارهای شما را اصلاح کند! من شوهر او هستم که دوست دارم از  
 خود شما بشنوم.  
 حضرتش سر پایین آورد گویی با خود نجوا می‌کند و می‌فرمود: به خاطر او شتریان  
 توقّف نمی‌کند، او نمی‌تواند از همراهانش عقب بماند، حج او تمام است.

### بخش صد و پنجاه و پنجم

#### معالجه زن حایض

۱- حسین بن علی بن یقطین گوید:

حَجَّجْتُ مَعَ أَبِي وَ مَعِيَ أُخْتُ لِي فَلَمَّا قَدِمْنَا مَكَّةَ حَاضَتْ فَجَزَعَتْ جَزَعًا شَدِيدًا خَوْفًا أَنْ يَفُوتَهَا الْحَجُّ.

فَقَالَ لِي أَبِي: أَنْتِ أُمُّ الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ قُلْ لَهُ: إِنَّ أَبِي يُقَرِّئُكَ السَّلَامَ وَ يَقُولُ لَكَ: إِنَّ فَتَاةً لِي قَدْ حَجَّجْتُ بِهَا وَ قَدْ حَاضَتْ وَ جَزَعَتْ جَزَعًا شَدِيدًا مَخَافَةَ أَنْ يَفُوتَهَا الْحَجُّ فَمَا تَأْمُرُهَا.

قَالَ: فَأَتَيْتُ أُمَّ الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ كَانَ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ فَوَقَفْتُ بِجِذَاهُ فَلَمَّا نَظَرَ إِلَيَّ أَشَارَ إِلَيَّ فَأَتَيْتُهُ.

وَ قُلْتُ لَهُ: إِنَّ أَبِي يُقَرِّئُكَ السَّلَامَ وَ أَدَّيْتُ إِلَيْهِ مَا أَمَرَنِي بِهِ أَبِي. فَقَالَ: أَبْلِغْهُ السَّلَامَ وَ قُلْ لَهُ: فَلْيَأْمُرْهَا أَنْ تَأْخُذَ قُطْنَةً بِمَاءِ اللَّبَنِ فَلْتَسْتَدْخِلَهَا، فَإِنَّ الدَّمَ سَيَنْقَطِعُ عَنْهَا وَ تَقْضِي مَنَاسِكَهَا كُلَّهَا.

قَالَ: فَأَنْصَرَفْتُ إِلَى أَبِي فَأَدَّيْتُ إِلَيْهِ.

قَالَ: فَأَمَرَهَا بِذَلِكَ فَفَعَلَتْهُ فَانْقَطَعَ عَنْهَا الدَّمُ وَ شَهِدَتْ الْمَنَاسِكَ كُلَّهَا، فَلَمَّا أَنْ ازْتَحَلْتُ مِنْ مَكَّةَ بَعْدَ الْحَجِّ وَ صَارَتْ فِي الْمَحْمِلِ عَادَ إِلَيْهَا الدَّمُ.

با پدرم در سفر حج بودیم که خواهرم نیز با ما بود، وقتی به مکه رسیدیم خواهرم حائض شد، او از بیم این که حجش باطل شود بی تابی سختی می نمود. پدرم به من گفت: خدمت امام کاظم علیه السلام شرف یاب شو و به حضرتش بگو: پدرم به شما سلام رسانید و گفت: دخترم در سفر حج همراه ماست، اینک او حائض شده و بی تابی سختی می کند از ترس این که حج او از بین برود چه دستور می فرمایید.

گفت: خدمت امام کاظم علیه السلام رفتم، آن حضرت در مسجدالحرام بود، مقابلش ایستادم، وقتی مرا دید اشاره فرمود، من نزدش رفتم و به او گفتم: پدرم به شما سلام رسانید و پیغام را رسانیدم. فرمود: به او سلام برسان و بگو: به دخترش بگوید که پنبه را به شیر آغشته کند و داخل رحم نماید که خون از او به زودی قطع خواهد شد و مناسکش را اتمام خواهد کرد.

گفت: نزد پدرم رفتم و پیغام حضرتش رسانیدم، پدرم به خواهرم باز گفت و پس از انجام دادن خون قطع شد و تمامی مناسک خود را انجام داد، هنگامی که بعد از حج از مکه رفتیم و خواهرم در کجاوه قرار گرفت حائض شد.

(۱۵۶)

## بَابُ دُعَاءِ الدَّمِ

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى وَ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِذَا أَشْرَفَتِ الْمَرْأَةُ عَلَى مَنْاسِكِهَا وَ هِيَ حَائِضٌ فَلْتَغْتَسِلْ وَ لْتَحْتَشِ بِالْكَرْسَفِ وَ لْتَقِفْ هِيَ وَ نِسْوَةٌ خَلْفَهَا فَيُؤَمِّنَنَّ عَلَى دُعَائِهَا وَ تَقُولُ:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ أَوْ تَسَمَّيْتَ بِهِ لِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ أَوْ اسْتَأْثَرْتَ بِهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ وَ بِكُلِّ حَرْفٍ أَنْزَلْتَهُ عَلَى مُوسَى وَ بِكُلِّ حَرْفٍ أَنْزَلْتَهُ عَلَى عِيسَى وَ بِكُلِّ حَرْفٍ أَنْزَلْتَهُ عَلَى مُحَمَّدٍ صلوات الله عليه إِلَّا أَذْهَبْتَ عَنِّي هَذَا الدَّمَ».

وَ إِذَا أَرَادَتْ أَنْ تَدْخُلَ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ أَوْ مَسْجِدَ الرَّسُولِ صلوات الله عليه فَعَلَتْ مِثْلَ ذَلِكَ.

قَالَ: وَ تَأْتِي مَقَامَ جَبْرِئِيلَ عليه السلام وَ هُوَ تَحْتَ الْمِيزَابِ، فَإِنَّهُ كَانَ مَكَانَهُ إِذَا اسْتَأْذَنَ عَلَى نَبِيِّ اللَّهِ صلوات الله عليه.

بخش صد و پنجاه و ششم  
دعا برای برطرف شدن خون حیض

۱ - معاویة بن عمار گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هرگاه زن در حال حیض برای انجام مناسک حج اقدام نماید بایستی غسل نموده و پنبه بر خود بردارد، او بایستد و زنان پشت سر او به دعایش آمین بگویند و این دعا را بخواند.

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ أَوْ تَسَمَّيْتَ بِهِ لِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ أَوْ اسْتَأْثَرْتَ بِهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ وَ بِكُلِّ حَرْفٍ أَنْزَلْتَهُ عَلَى مُوسَى وَ بِكُلِّ حَرْفٍ أَنْزَلْتَهُ عَلَى عِيسَى وَ بِكُلِّ حَرْفٍ أَنْزَلْتَهُ عَلَى مُحَمَّدٍ صلوات الله عليه إِلَّا أَذْهَبْتَ عَنِّي هَذَا الدَّمَ».

هرگاه خواست وارد مسجدالحرام و مسجدالرسول صلوات الله عليه شود، همان دعا را بخواند.

فرمود: و به مقام جبرئیل عليه السلام که زیر ناودان است بیاید، چون آن مکان او بود آن‌گاه که از رسول خدا صلوات الله علیه اجازه می‌گرفت.

قَالَ: فَذَلِكَ مَقَامٌ لَا تَدْعُو اللَّهَ فِيهِ حَائِضٌ تَسْتَقْبِلُ الْقِبْلَةَ وَتَدْعُو بِدُعَاءِ الدَّمِ إِلَّا رَأَتْ الطُّهْرَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ.

۲ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ قَالَ:

حَاضَتْ صَاحِبَتِي وَ أَنَا بِالْمَدِينَةِ وَ كَانَ مِيعَادُ جَمَالِنَا وَ إِبَّانُ مَقَامِنَا وَ خُرُوجُنَا قَبْلَ أَنْ تَطْهَرَ وَ لَمْ تَقْرَبِ الْمَسْجِدَ وَ لَا الْقَبْرَ وَ لَا الْمِنْبَرَ فَذَكَرْتُ ذَلِكَ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

فَقَالَ: مُرْهَا فَلْتَعْتَسِلْ وَ لَتَأْتِ مَقَامَ جَبْرِئِيلَ، فَإِنَّ جَبْرِئِيلَ كَانَ يَجِيءُ فَيَسْتَأْذِنُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ إِنْ كَانَ عَلَى حَالٍ لَا يَنْبَغِي أَنْ يَأْذَنَ لَهُ قَامَ فِي مَكَانِهِ حَتَّى يَخْرُجَ إِلَيْهِ وَ إِنْ أَذِنَ لَهُ دَخَلَ عَلَيْهِ.

فَقُلْتُ: وَ أَيْنَ الْمَكَانُ؟

فرمود: آن جا مقامی است که هر زن حائضی که رو به قبله باشد و خدا را به دعای خون فراخواند پاکی ببیند، ان شاء الله.

۲ - عمر بن یزید گوید: با همسرم در مدینه بودم که حائض شد و روز بیرون رفتن از مدینه و قرارمان با شتریان فرا رسید، ولی هنوز همسرم پاک نشده بود و به مسجد، قبر پیامبر ﷺ و منبر نزدیک نشده بود. این قضیه را به امام صادق علیه السلام گفتم.

فرمود: به او دستور بده که غسل نمود و مقام جبرئیل علیه السلام برود که جبرئیل علیه السلام آن جا به خدمت رسول خدا ﷺ می آمد و از رسول خدا ﷺ اجازه می گرفت که اگر بر حالی بود که مناسب نبود که او را اجازه دهد در همان جا می ایستاد و تا پیامبر می آمد و اگر اجازه می فرمود، وارد می شد.

گفتم: آن جا کجاست؟

فَقَالَ: حِيَالِ الْمِيزَابِ الَّذِي إِذَا خَرَجْتَ مِنَ الْبَابِ الَّذِي يُقَالُ لَهُ: بَابُ فَاطِمَةَ عليها السلام بِحِذَاءِ الْقَبْرِ إِذَا رَفَعْتَ رَأْسَكَ بِحِذَاءِ الْمِيزَابِ وَ الْمِيزَابُ فَوْقَ رَأْسِكَ وَ الْبَابُ مِنْ وَرَاءِ ظَهْرِكَ وَ تَجْلِسُ فِي ذَلِكَ الْمَوْضِعِ وَ تَجْلِسُ مَعَهَا نِسَاءً وَ لَتَدْعُ رَبَّهَا وَ يُؤْمِنُ عَلَى دُعَائِهَا.

قَالَ: فَقُلْتُ: وَ أَيَّ شَيْءٍ تَقُولُ؟

قَالَ: تَقُولُ: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَيْسَ كَمِثْلِكَ شَيْءٌ أَنْ تَفْعَلَ لِي كَذَا وَ كَذَا».

قَالَ: فَصَنَعْتُ صَاحِبَتِي الَّذِي أَمَرَنِي فَطَهَّرْتُ وَ دَخَلْتُ الْمَسْجِدَ.  
قَالَ: وَ كَانَ لَنَا خَادِمٌ أَيْضاً فَحَاضَتْ فَقَالَتْ: يَا سَيِّدِي! أَلَا أَذْهَبُ أَنَا زَادَةً فَأُصْنَعَ كَمَا صَنَعْتَ سَيِّدَتِي.

فَقُلْتُ: بَلَى، فَذَهَبْتُ فَصَنَعْتُ مِثْلَ مَا صَنَعَتْ مَوْلَاتُهَا فَطَهَّرْتُ وَ دَخَلْتُ الْمَسْجِدَ.

فرمود: مقابل ناودان که چون از دربی که به آن درب فاطمه عليها السلام بیرون روی مقابل قبر است، هرگاه مقابل ناودان سرت را بلند کنی ناودان بالای سر توست و درب پشت سرتو قرار دارد، همسرت در آن جا می نشیند و زنها هم با او می نشینند و او دعا می خواند و آنها آمین می گویند.

گفتم: چه دعایی بخواند؟

فرمود: می گوید: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَيْسَ كَمِثْلِكَ شَيْءٌ أَنْ تَفْعَلَ لِي كَذَا وَ كَذَا».

گوید: زَنَمِ دستور حضرتش را اجرا کرد پس پاک گشت و وارد مسجد شد.

گوید: خدمتکاری داشتیم که او نیز حائض شد و گفت: مولایم! من نیز حائض شدم، هرچه به خانم انجام دادم من نیز انجام می دهم.

گفتم: آری، او نیز همان جا رفت و آن عمل را مثل خانمش انجام داد و پاک گشت و وارد

مسجد شد.



۳- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ سَلَمَةَ بْنِ الْخَطَّابِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنْ بَكْرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَزْدِيِّ شَرِيكَ أَبِي حَمْزَةَ الثَّمَالِيِّ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: جُعِلْتُ فِدَاكَ! إِنَّ امْرَأَةً مُسْلِمَةً صَحِبْتَنِي حَتَّى انْتَهَيْتُ إِلَى بُسْتَانِ بَنِي عَامِرٍ فَحَرَمْتُ عَلَيْهَا الصَّلَاةَ فَدَخَلَهَا مِنْ ذَاكَ أَمْرٌ عَظِيمٌ فَخَافَتْ أَنْ تَذْهَبَ مُتَعَتُّهَا فَأَمَرْتَنِي أَنْ أَذْكَرَ ذَلِكَ لَكَ وَأَسْأَلَكَ كَيْفَ تَصْنَعُ؟

فَقَالَ: قُلْ لَهَا: فَلْتَعْتَسِلْ نِصْفَ النَّهَارِ وَتَلْبَسُ ثِيَابًا نِظَافًا وَتَجْلِسُ فِي مَكَانٍ نَظِيفٍ وَتَجْلِسَ حَوْلَهَا نِسَاءٌ يُؤْمِنْنَ إِذَا دَعَتْ وَتَعَاهِدَ لَهَا زَوَالَ الشَّمْسِ فَإِذَا زَالَتْ فَمُرْهَا فَلْتَدْعُ بِهَذَا الدُّعَاءِ وَلْيُؤْمِنَنَّ النِّسَاءُ عَلَى دُعَائِهَا حَوْلَهَا كُلَّمَا دَعَتْ تَقُولُ:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ وَبِكُلِّ اسْمٍ تَسَمَّيْتَ بِهِ لِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ وَهُوَ مَرْفُوعٌ مَخْرُوجٌ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ الَّذِي إِذَا سُئِلْتَ بِهِ كَانَ حَقًّا عَلَيْكَ أَنْ تُجِيبَ أَنْ تَقْطَعَ عَنِّي هَذَا الدَّمَّ»

۳- بکر بن عبدالله ازدی گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: قربانت گردم! با زن مسلمانی برای انجام حج همسفر شدم، وقتی به بستان بنی عامر رسیدم نماز بر او حرام شد و حائض شد. او از این عمل خیلی ناراحت شد. پس ترسید که نتواند عمره تمتع را انجام دهد و به من گفت که آن را به شما بگویم و از حضرت شما بپرسم که چه کند؟

فرمود: به او بگو: وسط روز غسل کرده و لباسی تمیز پوشیده و در جای پاکی بنشیند و زنان دیگر دور او بنشینند هر چه او دعا نمود آمین گویند و این کار را در هنگام زوال آفتاب باشد که وقتی ظهر شد دعا کند و زنان آمین گویند و این دعا را بخواند: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ وَبِكُلِّ اسْمٍ تَسَمَّيْتَ بِهِ لِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ وَهُوَ مَرْفُوعٌ مَخْرُوجٌ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ الَّذِي إِذَا سُئِلْتَ بِهِ كَانَ حَقًّا عَلَيْكَ أَنْ تُجِيبَ أَنْ تَقْطَعَ عَنِّي هَذَا الدَّمَّ»

فَإِنْ انْقَطَعَ الدَّمُ وَإِلَّا دَعَتْ بِهَذَا الدُّعَاءِ الثَّانِي فَقُلْ لَهَا فَلْتَقُلْ:  
 «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِكُلِّ حَرْفٍ أَنْزَلْتَهُ عَلَى مُحَمَّدٍ ﷺ وَ بِكُلِّ حَرْفٍ أَنْزَلْتَهُ عَلَى مُوسَى ﷺ وَ  
 بِكُلِّ حَرْفٍ أَنْزَلْتَهُ عَلَى عِيسَى ﷺ وَ بِكُلِّ حَرْفٍ أَنْزَلْتَهُ فِي كِتَابٍ مِنْ كُتُبِكَ وَ بِكُلِّ دَعْوَةٍ دَعَاكَ بِهَا  
 مَلَكٌ مِنْ مَلَائِكَتِكَ أَنْ تَقْطَعَ عَنِّي هَذَا الدَّمُ».

فَإِنْ انْقَطَعَ فَلَمْ تَرِ يَوْمَهَا ذَلِكَ شَيْئاً وَإِلَّا فَلْتَغْتَسِلْ مِنَ الْعَدِ فِي مِثْلِ تِلْكَ السَّاعَةِ  
 الَّتِي اغْتَسَلَتْ فِيهَا بِالْأَمْسِ فَإِذَا زَالَتِ الشَّمْسُ فَلْتَصِلْ وَ لَتَدْعُ بِالدُّعَاءِ وَ لِيَوْمٍ  
 النُّسُوءُ إِذَا دَعَتْ.

فَفَعَلَتْ ذَلِكَ الْمَرْأَةُ فَارْتَفَعَ عَنْهَا الدَّمُ حَتَّى قَضَتْ مُتَعَتَهَا وَ حَجَّهَا وَ انْصَرَفْنَا  
 رَاجِعِينَ، فَلَمَّا انْتَهَيْنَا إِلَى بُسْتَانِ بَنِي عَامِرٍ عَاوَدَهَا الدَّمُ.

فَقُلْتُ لَهُ: أَذْعُو بِهِذَيْنِ الدُّعَائَيْنِ فِي دُبُرِ صَلَاتِي؟

فَقَالَ: اذْعُ بِالْأَوَّلِ إِنْ أَحْبَبْتَ، وَ أَمَّا الْآخَرُ فَلَا تَدْعُ بِهِ إِلَّا فِي الْأَمْرِ الْفَطِيحِ يَنْزِلُ  
 بِكَ.

اگر خون قطع شد وگرنه این دعای دوم را بخواند. بگو این گونه بگوید: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ  
 بِكُلِّ حَرْفٍ أَنْزَلْتَهُ عَلَى مُحَمَّدٍ ﷺ وَ بِكُلِّ حَرْفٍ أَنْزَلْتَهُ عَلَى مُوسَى ﷺ وَ بِكُلِّ حَرْفٍ أَنْزَلْتَهُ عَلَى  
 عِيسَى ﷺ وَ بِكُلِّ حَرْفٍ أَنْزَلْتَهُ فِي كِتَابٍ مِنْ كُتُبِكَ وَ بِكُلِّ دَعْوَةٍ دَعَاكَ بِهَا مَلَكٌ مِنْ مَلَائِكَتِكَ أَنْ تَقْطَعَ عَنِّي  
 هَذَا الدَّمُ».

اگر خون قطع شد و در آن روز چیزی ندید وگرنه فردا در آن ساعت که دیروز غسل  
 نموده غسل نماید چون ظهر شد نماز خواند و آن دعا را تکرار نماید و زنان آمین گویند.  
 وقتی آن زن چنین نمود و خون از او برطرف شد و عمره تمتع و حج خود را به جا آورده  
 وقتی به آن بستان رسیدیم حائض شد.

به آن حضرت عرض نمودم: می توانم این دعا را در تعقیب نماز بخوانم؟  
 فرمود: اگر خواستی دعای اولی را بخوان، ولی دعای دومی را مخوان مگر در کار  
 ناجوری که بر تو وارد شود.

(۱۵۷)

## بَابُ الْإِحْرَامِ يَوْمَ التَّرْوِيَةِ

- ۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ صَفْوَانَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِذَا كَانَ يَوْمُ التَّرْوِيَةِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ فَاغْتَسِلْ وَ الْبَسْ ثَوْبَيْكَ وَ ادْخُلِ الْمَسْجِدَ حَافِيًا وَ عَلَيْكَ السَّكِينَةُ وَ الْوَقَارُ ثُمَّ صَلِّ رَكَعَتَيْنِ عِنْدَ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ عليه السلام أَوْ فِي الْحِجْرِ ثُمَّ اقْعُدْ حَتَّى تَزُولَ الشَّمْسُ فَصَلِّ الْمَكْتُوبَةَ.
- ثُمَّ قُلْ فِي دُبُرِ صَلَاتِكَ كَمَا قُلْتَ حِينَ أَحْرَمْتَ مِنَ الشَّجَرَةِ وَ أَحْرَمَ بِالْحَجِّ، ثُمَّ امْضِ وَ عَلَيْكَ السَّكِينَةُ وَ الْوَقَارُ فَإِذَا انْتَهَيْتَ إِلَى الرَّفْضَاءِ دُونَ الرَّدْمِ فَلَبِّ فَإِذَا انْتَهَيْتَ إِلَى الرَّدْمِ وَ أَشْرَفْتَ عَلَى الْأَبْطَحِ فَارْفَعْ صَوْتَكَ بِالتَّلْبِيَةِ حَتَّى تَأْتِيَ مِنًى.
- ۲ - وَ فِي رِوَايَةِ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

## بخش صد و پنجاه هفتم

## احرام روز هشتم ذی حجه

- ۱ - معاوية بن عمار گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:
- هرگاه روز هشتم ذی حجه فرا رسید ان شاء الله غسل کن و لباست را بپوش و با پای برهنه وارد مسجد شو. بر تو باد آرامش و وقار، سپس دو رکعت نماز نزد مقام ابراهیم عليه السلام یا در حجر اسماعیل عليه السلام بگزار، آن گاه بنشین تا ظهر شود و نماز فريضة را بخوان، پس از نماز همانند آن چه را که در موقع احرام در مسجد شجره گفتی بگو و به حج احرام ببندد، سپس با آرامش و وقار به سوی عرفات برو و چون به محل «رفضا» پايين تراز «ردم» رسیدی ليک بگو و چون نزد آن رسیدی و مشرف بر ابطح شدی پس صدايت را به ليک بلندکن تا به منا برسی.

- ۲ - ابو بصير گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تُحْرِمَ يَوْمَ التَّرْوِيَةِ فَاصْنَعْ كَمَا صَنَعْتَ حِينَ أَرَدْتَ أَنْ تُحْرِمَ وَ خُذْ مِنْ شَارِبِكَ وَ مِنْ أَظْفَارِكَ وَ أَطْلِ عَانَتَكَ إِنْ كَانَ لَكَ شَعْرٌ وَ انْتِفِ إِبْطِيكَ وَ اغْتَسِلْ وَ البَسْ ثَوْبَيْكَ. ثُمَّ انْتَ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ فَصَلِّ فِيهِ سِتَّ رَكَعَاتٍ قَبْلَ أَنْ تُحْرِمَ وَ تَدْعُو اللَّهَ وَ تَسْأَلُهُ الْعَوْنَ وَ تَقُولُ:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أُرِيدُ الْحَجَّ فَيَسِّرْهُ لِي وَ خُلِّنِي حَيْثُ حَبَسْتَنِي لِقَدْرِكَ الَّذِي قَدَّرْتَ عَلَيَّ».

وَ تَقُولُ: «أَحْرَمَ لَكَ شَعْرِي وَ بَشْرِي وَ لَحْمِي وَ دَمِي مِنَ النَّسَاءِ وَ الطَّيِّبِ وَ الثِّيَابِ أُرِيدُ بِذَلِكَ وَجْهَكَ وَ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَ خُلِّنِي حَيْثُ حَبَسْتَنِي لِقَدْرِكَ الَّذِي قَدَّرْتَ عَلَيَّ».

ثُمَّ تَلْبَسُ مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَا لَبَّيْتَ حِينَ أَحْرَمْتَ وَ تَقُولُ: «لَبَّيْكَ بِحَجَّةٍ تَمَامُهَا وَ بِلَاغُهَا عَلَيْكَ» وَ إِنْ قَدَّرْتَ أَنْ يَكُونَ فِي رَوَاحِكَ إِلَى مَنَى زَوَالِ الشَّمْسِ وَ إِلَّا فَمَتَى مَا تَيَسَّرَ لَكَ مِنْ يَوْمِ التَّرْوِيَةِ.

۳ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ قَالَ:

هرگاه روز هشتم خواستی مُحْرَم شوی پس آن چه را که در احرام در میقات انجام دادی، انجام بده و از شاربیت بزن و از ناخت بچینی و برعانه خود نوره بکش. اگر مو داشتی و موی زیر بغلت را بزن و غسل کن و لباس احرامت را بپوش، پس به مسجدالحرام بیا و پیش از احرام در آن جا شش رکعت نماز بگزار و خدا را فراخوان و از او یاری طلب کن و بگو: «اللَّهُمَّ إِنِّي أُرِيدُ الْحَجَّ فَيَسِّرْهُ لِي وَ خُلِّنِي حَيْثُ حَبَسْتَنِي لِقَدْرِكَ الَّذِي قَدَّرْتَ عَلَيَّ».

و باز بگو: «أَحْرَمَ لَكَ شَعْرِي وَ بَشْرِي وَ لَحْمِي وَ دَمِي مِنَ النَّسَاءِ وَ الطَّيِّبِ وَ الثِّيَابِ أُرِيدُ بِذَلِكَ وَجْهَكَ وَ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَ خُلِّنِي حَيْثُ حَبَسْتَنِي لِقَدْرِكَ الَّذِي قَدَّرْتَ عَلَيَّ».

سپس از مسجدالحرام تلبیه می‌گویی چنانچه در موقع احرام لیبیک گفتی و می‌گویی «لَبَّيْكَ بِحَجَّةٍ تَمَامُهَا وَ بِلَاغُهَا عَلَيْكَ».

و اگر توانستی که رفتن تو موقع ظهر به منا باشد بهتر است، وگرنه از روز هشتم هر وقت به تو امکان داشت حرکت کن.

۳ - حلبی گوید:

سَأَلَتْهُ عَنْ رَجُلٍ أَتَى الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ وَ قَدْ أَزْمَعَ بِالْحَجِّ يَطُوفُ بِالْبَيْتِ؟  
قَالَ: نَعَمْ مَا لَمْ يُحْرِمَ.

۴- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ  
أَبِي أَحْمَدَ عَمْرٍو بْنِ حُرَيْثٍ الصَّيْرَفِيِّ قَالَ:  
قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: مِنْ أَيْنَ أَهْلُ بِالْحَجِّ؟

فَقَالَ: إِنَّ شِئْتَ مِنْ رَحْلِكَ وَإِنْ شِئْتَ مِنَ الْكَعْبَةِ، وَإِنْ شِئْتَ مِنَ الطَّرِيقِ.  
۵- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ  
قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مِنْ أَيِّ الْمَسْجِدِ أُحْرِمُ يَوْمَ التَّرْوِيَةِ؟  
فَقَالَ: مِنْ أَيِّ الْمَسْجِدِ شِئْتَ.

۶- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ  
زُرَّارَةَ قَالَ:

از امام عليه السلام پرسیدم: کسی به مسجدالحرام می آید و قصد حج نموده می تواند بیت را  
طواف می نماید؟

فرمود: آری، مادامی که مُحْرَم نشده است اشکال ندارد.

۴- عمرو بن حرث صیرفی گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: از کجا به حج لیبیک بگویم؟  
فرمود: اگر خواستی از خانه یا در کعبه و یا از راه .

۵- یونس بن یعقوب گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: روز هشتم از کجای مسجد مُحْرَم  
شوم؟

فرمود: از هر جای مسجد که خواستی.

۶- زراره گوید:

قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام: مَتَى الْبَيِّ بِالْحَجِّ؟  
فَقَالَ: إِذَا خَرَجْتَ إِلَى مَنَى.  
ثُمَّ قَالَ: إِذَا جَعَلْتَ شَعْبَ دُبٍّ عَلَى يَمِينِكَ وَ الْعَقَبَةَ عَنْ يَسَارِكَ فَلَبَّ بِالْحَجِّ.

(۱۵۸)

### بَابُ الْحَجِّ مَاشِيًا وَ انْقِطَاعِ مَشْيِ الْمَاشِي

۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ فَضَالٍ عَنْ ابْنِ بُكَيْرٍ قَالَ:  
قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِنَّا نُرِيدُ أَنْ نَخْرُجَ إِلَى مَكَّةَ مُشَاهًا.  
فَقَالَ لَنَا: لَا تَمْشُوا وَ اخْرُجُوا رُكْبَانًا.  
قُلْتُ: أَصْلَحَكَ اللَّهُ! إِنَّهُ بَلَّغَنَا عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام أَنَّهُ كَانَ يَحُجُّ مَاشِيًا.  
فَقَالَ: كَانَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ عليه السلام يَحُجُّ مَاشِيًا وَ تُسَاقُ مَعَهُ الْمَحَامِلُ وَ الرَّحَالُ.

به امام باقر عليه السلام گفتم: کی به حج لبیک گویم؟

فرمود: هرگاه به سوی منا می روی.

سپس فرمود: چون شکاف راه را بر سمت راست خود و عقبه را بر دست چپ خود

قرار دادی، به حج لبیک بگو.

### بخش صد و پنجاه هشتم

#### حج پیاده و نهایت پیاده روی در حج

۱ - ابن بکیر گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: ما می خواهیم پیاده به مکه برویم؟

فرمود: پیاده نروید سواری بروید.

گفتم: خدا کارهای شما را اصلاح کند! بر ما روایت شده است که حسن بن علی عليه السلام

پیاده حج می کردند.

فرمود: حسن بن علی عليه السلام پیاده حج می نمود با او کجاوه و شتران برده می شد.

۲- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ سَيْفِ التَّمَارِ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِنَّا كُنَّا نَحُجُّ مُشَاةً فَبَلَّغْنَا عَنْكَ شَيْءٌ فَمَا تَرَى؟  
قَالَ: إِنَّ النَّاسَ لَيُحُجُّونَ مُشَاةً وَ يَرْكَبُونَ.  
قُلْتُ: لَيْسَ عَنْ ذَلِكَ أَسْأَلُكَ.

قَالَ: فَعَنْ أَيِّ شَيْءٍ سَأَلْتَ؟

قُلْتُ: أَيُّهُمَا أَحَبُّ إِلَيْكَ أَنْ نَصْنَعَ؟

قَالَ: تَرْكَبُونَ أَحَبُّ إِلَيَّ، فَإِنَّ ذَلِكَ أَقْوَى لَكُمْ عَلَى الدُّعَاءِ وَالْعِبَادَةِ.

۳- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمَزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الْمَشْيِ أَفْضَلُ أَوْ الرُّكُوبُ.

فَقَالَ: إِذَا كَانَ الرَّجُلُ مُوسِرًا فَمَشَى لِيَكُونَ أَقْلًا لِنَفَقَتِهِ فَالرُّكُوبُ أَفْضَلُ.

۲- سيف تمار گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: ما پیاده حج می نمودیم، از شما چیزی به ما رسید چه می فرمایید؟

فرمود: مردم پیاده و سواره حج می نمایند.

گفتم: از شما در آن مورد نمی پرسم.

فرمود: پس از چه چیزی می پرسی؟

گفتم: کدام یک نزد شما بهتر است که انجام دهیم؟

فرمود: سواره به مکه بروید نزد من بهتر است، زیرا آن شما را برای دعا و عبادت توانا می کند.

۳- ابوبصیر گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: انجام حج، پیاده افضل است و یا سواره؟

فرمود: هرگاه انسان تنگ دست باشد پیاده سفر نماید تا هزینه اش کم باشد، اما سواره بهتر است.

- ۴ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ رِفَاعَةَ وَابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ الْحَجِّ مَاشِيًا أَوْ رَاكِبًا؟  
قَالَ: بَلَّ رَاكِبًا، فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ حَجَّ رَاكِبًا.
- ۵ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ رِفَاعَةَ قَالَ:  
سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ مَشْيِ الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ مَكَّةَ أَوْ مِنَ الْمَدِينَةِ؟  
قَالَ: مِنْ مَكَّةَ.  
وَسَأَلْتُهُ إِذَا زُرْتُ الْبَيْتَ أَرَكَبُ أَوْ أَمْشِي؟  
فَقَالَ: كَانَ الْحَسَنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَزُورُ رَاكِبًا.  
وَسَأَلْتُهُ عَنِ الرُّكُوبِ أَفْضَلُ أَوِ الْمَشْيِ؟  
فَقَالَ: الرُّكُوبُ.  
قُلْتُ: الرُّكُوبُ أَفْضَلُ مِنَ الْمَشْيِ؟  
فَقَالَ: نَعَمْ، لِأَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ رَكِبَ.

- ۴ - رفاعه و ابن بکیر گویند: از امام صادق علیه السلام سؤال شد: حج پیاده بهتر است یا سواره؟  
فرمود: بلکه سواره بهتر است، زیرا رسول خدا ﷺ سواره حج نمود.
- ۵ - رفاعه گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد پیاده رفتن امام حسن علیه السلام پرسیدم که از مکه بود و یا از مدینه؟  
فرمود: از مکه.  
از حضرتش پرسیدم: به هنگام طواف بیت سواره باشم و یا پیاده؟  
فرمود: امام حسن علیه السلام سواره زیارت می فرمود.  
پرسیدم: سواره بهتر است یا پیاده؟  
فرمود: سواره.  
گفتم: سواره بهتر از پیاده است؟  
فرمود: آری، چون رسول خدا ﷺ سواره حج می نمود.



- ۶ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَأَلْتُهُ مَتَى يَنْقَطِعُ مَشْيُ الْمَاشِي. قَالَ: إِذَا رَمَى جَمْرَةَ الْعَقَبَةِ وَحَلَقَ رَأْسَهُ فَقَدْ انْقَطَعَ مَشْيُهُ فَلْيَزُرْ رَاكِبًا.
- ۷ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ هَمَّامٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الَّذِي عَلَيْهِ الْمَشْيُ فِي الْحَجِّ: إِذَا رَمَى الْجِمَارَ زَارَ الْبَيْتَ رَاكِبًا وَ لَيْسَ عَلَيْهِ شَيْءٌ.

(۱۵۹)

### بَابُ تَقْدِيمِ طَوَافِ الْحَجِّ لِلْمُتَمَتِّعِ قَبْلَ الْخُرُوجِ إِلَى مِنَى

- ۱ - أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ:

۶ - علی بن ابی حمزه گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: کی پیاده رفتن پیاده تمام می شود؟

فرمود: هرگاه جمره عقبه را انداخت و سرش را تراشید پس پیاده روی تمام شده سواره برود.

۷ - اسماعیل بن همام گوید: امام رضا علیه السلام می فرماید: امام صادق علیه السلام در مورد کسی که حج پیاده بر عهده اوست فرمود: چون رمی جمره را انجام داد می تواند بیت را به صورت سواره زیارت نماید و چیزی بر او نیست.

### بخش صد و پنجاه و نهم

### انجام طواف حج تمتع پیش از رفتن به منا

- ۱ - اسحاق بن عمار گوید:

سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام عَنِ الْمُتَمَتِّعِ إِذَا كَانَ شَيْخًا كَبِيرًا أَوْ امْرَأَةً تَخَافُ الْحَيْضَ  
تُعَجِّلُ طَوَافَ الْحَجِّ قَبْلَ أَنْ تَأْتِيَ مِنِّي؟  
فَقَالَ: نَعَمْ مَنْ كَانَ هَكَذَا يُعَجِّلُ.  
قَالَ: وَ سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يُحْرِمُ بِالْحَجِّ مِنْ مَكَّةَ ثُمَّ يَرَى الْبَيْتَ خَالِيًا فَيَطُوفُ بِهِ  
قَبْلَ أَنْ يَخْرُجَ عَلَيْهِ شَيْءٌ.  
فَقَالَ: لَا.

قُلْتُ: الْمُفْرِدُ بِالْحَجِّ إِذَا طَافَ بِالْبَيْتِ وَ بِالصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ يُعَجِّلُ طَوَافَ النِّسَاءِ.  
فَقَالَ: لَا، إِنَّمَا طَوَافُ النِّسَاءِ بَعْدَ مَا يَأْتِي مِنِّي.  
۲ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ  
أَبِي حَمْزَةَ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ يَدْخُلُ مَكَّةَ وَ مَعَهُ نِسَاءٌ قَدْ أَمْرَهُنَّ فَتَمَتَّعْنَ قَبْلَ  
التَّزْوِيَةِ بِيَوْمٍ أَوْ يَوْمَيْنِ أَوْ ثَلَاثَةٍ فَخَشِيَ عَلَى بَعْضِهِنَّ الْحَيْضَ.

از امام کاظم عليه السلام پرسیدم: کسی که حج تمتع می کند، هرگاه پیرمرد باشد و یا زنی که بیم  
دارد حائض شود می تواند در طواف حج پیش از منا تعجیل کند؟  
فرمود: آری، هر که چنین باشد می تواند تعجیل نماید.  
گوید: از حضرتش پرسیدم: کسی که از مکه مُحَرَّم به حج می شود سپس بیت را خلوت  
می بیند و آن را پیش از بیرون رفتن طواف می کند آیا بر او ایرادی است؟  
فرمود: نه

گفتم: کسی که حج مفرد انجام می دهد چون طواف بیت و سعی صفا و مروه نمود  
می تواند بر طواف نساء تعجیل کند؟

فرمود: نه، چون طواف نساء بعد از آمدن از منا است.

۲ - علی بن ابی حمزه گوید: از امام کاظم عليه السلام پرسیدم: کسی با عده ای از زنان وارد مکه  
می شود، به آنان دستور می دهد که پیش از روز هشتم یک، دو و یا سه روز عمره تمتع انجام  
دهند چون بیم آن داشت که بعضی از آنها حائض شوند (چه حکمی دارد؟)

فَقَالَ: إِذَا فَرَعْنَ مِنْ مُتَعَتِهِنَّ وَأَحْلَلْنَ فَلْيَنْظُرِي إِلَى الَّتِي يَخَافُ عَلَيْهَا الْحَيْضَ  
 فَيَأْمُرَهَا تَغْتَسِلُ وَتُهْلُ بِالْحَجِّ مِنْ مَكَانِهَا ثُمَّ تَطُوفُ بِالْبَيْتِ وَبِالصَّفا وَ الْمَرْوَةِ، فَإِنْ  
 حَدَثَ بِهَا شَيْءٌ قَضَتْ بَقِيَّةَ الْمَنَاسِكِ وَ هِيَ طَامِثٌ.  
 فَقُلْتُ: أَلَيْسَ قَدْ بَقِيَ طَوَافُ النِّسَاءِ؟  
 قَالَ: بَلَى.  
 قُلْتُ: فَهِيَ مُرْتَهَنَةٌ حَتَّى تَفْرُغَ مِنْهُ.  
 قَالَ: نَعَمْ.  
 قُلْتُ: فَلِمَ لَا تَتْرُكُهَا حَتَّى تَقْضِيَ مَنَاسِكَهَا.  
 قَالَ: يَبْقَى عَلَيْهَا مَنَسْكَ وَاحِدٌ أَهْوَنُ عَلَيْهَا مِنْ أَنْ تَبْقَى عَلَيْهَا الْمَنَاسِكُ كُلُّهَا  
 مَخَافَةَ الْحَدَثَانِ.  
 قُلْتُ: أَبِي الْجَمَالُ أَنْ يُقِيمَ عَلَيْهَا وَ الرِّقَّةَ.

فرمود: هرگاه از عمره تمتع فارغ شدند و از احرام بیرون آمدند پس بنگرد ببیند کدام  
 یک از آنها حیض می شود و به او دستور دهد که غسل نموده و از آن جا به حج محرم شده  
 سپس بیت را طواف نموده و سعی صفا و مروه نماید و اگر مورد به او پیش آمد بقیه  
 مناسک را در حال حیض به جای می آورد.

گفتم: آیا طواف نساء باقی نمی ماند؟

فرمود: آری، او بر عهده اوست تا پاک شود.

گفتم: پس چرا او همه مناسک را ترک نمی کند و انجام می دهد؟

فرمود: اگر یکی از مناسک بماند آسان تر است بر او که از بیم مشکلی همه مناسک بماند

و انجام ندهد.

گفتم: شتردار و همراهان می توانند از ماندن او ممانعت کنند؟

قَالَ: لَيْسَ لَهُمْ ذَلِكَ تَسْتَعْدِي عَلَيْهِمْ حَتَّى يُقِيمَ عَلَيْهَا حَتَّى تَطْهَرَ وَتَقْضِيَ مَذَاسِكَهَا.  
 ۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَفْصِ بْنِ الْبُخْتَرِيِّ وَمُعَاوِيَةَ  
 بْنِ عَمَّارٍ وَحَمَادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ جَمِيعاً عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:  
 لَا بَأْسَ بِتَعْجِيلِ الطَّوَافِ لِلشَّيْخِ الْكَبِيرِ، وَالْمَرْأَةِ تَخَافُ الْحَيْضَ قَبْلَ أَنْ تَخْرُجَ  
 إِلَى مَنًى.

۴- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَرَّارٍ عَنْ يُونُسَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ  
 أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:  
 قُلْتُ: رَجُلٌ كَانَ مُتَمَتِّعاً وَأَهْلٌ بِالْحَجِّ.  
 قَالَ: لَا يَطُوفُ بِالْبَيْتِ حَتَّى يَأْتِيَ عَرَفَاتٍ، فَإِذَا هُوَ طَافَ قَبْلَ أَنْ يَأْتِيَ مَنًى مِنْ  
 غَيْرِ عِلَّةٍ فَلَا يَعْتَدُ بِذَلِكَ الطَّوَافِ.  
 ۵- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَرَّارٍ عَنْ يُونُسَ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ  
 عَبْدِ الْخَالِقِ قَالَ:  
 سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ:

فرمود: آنها نمی‌توانند چنین کاری را انجام دهند. او می‌تواند از حاکم بر آنها  
 دادخواست کند تا با آنان بمانند و او پاک شده و مناسکش را به جا آورد.

۳- حلبی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

ایرادی ندارد که پیرمرد و زنی که از حیض بیم دارد پیش از رفتن به منا طواف را انجام دهد.

۴- ابوبصیر گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: مردی حج تمتع انجام می‌دهد و بعد از پایان  
 عمره، به حج احرام می‌بندد (چگونه است؟)

فرمود: کعبه را طواف نمی‌کند تا به عرفات برود و چون او پیش از منا بدون علت طواف  
 نمود به طواف خود اعتنا نمی‌کند.

۵- عبدالحق گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می‌فرمود:

لَا بَأْسَ أَنْ يُعَجَّلَ الشَّيْخُ الْكَبِيرُ وَ الْمَرِيضُ وَ الْمَرْأَةُ وَ الْمَعْلُولُ طَوَافَ الْحَجِّ قَبْلَ أَنْ يَخْرُجَ إِلَى مِنًى.

(۱۶۰)

### بَابُ تَقْدِيمِ الطَّوَافِ لِلْمُفْرِدِ

۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ فَضَالٍ عَنْ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام عَنِ الْمُفْرِدِ لِلْحَجِّ يَدْخُلُ مَكَّةَ يُقَدِّمُ طَوَافَهُ أَوْ يُؤَخِّرُهُ. فَقَالَ: سَوَاءٌ.

۲ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ قَالَ:

ایرادی ندارد که پیرمرد بیمار، زن و معلول پیش از رفتن به منا طواف را انجام دهد.

### بخش صد و شصتم

#### حکم انجام طواف حج بر کسی که حج افراد انجام می دهد

۱ - زراره گوید: از امام باقر عليه السلام پرسیدم: کسی برای انجام حج افراد وارد مکه می شود، می تواند طواف خود را پیشتر انجام دهد و یا تأخیر نماید؟

فرمود: انجام هر دو برابر است.

۲ - حماد بن عثمان نیز نظیر این روایت را از امام صادق عليه السلام نقل می کند.

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ مُفْرِدِ الْحَجِّ يُقَدِّمُ طَوَافَهُ أَوْ يُؤَخِّرُهُ؟  
فَقَالَ: هُوَ وَاللَّهِ سَوَاءٌ عَجَلَهُ أَوْ أَخَّرَهُ.

۳- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ  
زُرَّارَةَ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَنِ مُفْرِدِ الْحَجِّ يُقَدِّمُ طَوَافَهُ أَوْ يُؤَخِّرُهُ؟  
قَالَ: يُقَدِّمُهُ.

فَقَالَ رَجُلٌ إِلَى جَنْبِهِ: لَكِنَّ شَيْخِي لَمْ يَفْعَلْ ذَلِكَ كَانَ إِذَا قَدِمَ أَقَامَ بِفَخٍّ حَتَّى إِذَا  
رَجَعَ النَّاسُ إِلَى مِنَى رَاحَ مَعَهُمْ.

فَقُلْتُ لَهُ: مَنْ شَيْخُكَ؟

قَالَ: عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ع.

فَسَأَلْتُ عَنِ الرَّجُلِ فَإِذَا هُوَ أَخُو عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ ع لِأُمِّهِ.

۳- زراره گوید: از امام باقر ع پرسیدم: کسی که حج مفرد انجام می دهد می تواند طواف

خود را پیش و پس کند؟

فرمود: پیشتر انجام دهد.

مردی که در کنار حضرت بود گفت: ولی شیخ من این گونه انجام نمی داد، چون می آمد

در فسخ توقف می کرد آن گاه که مردم به منا بازمی گشتند با آنها می رفت.

به او گفتم: شیخ تو کیست؟

گفت: علی بن حسین ع.

در مورد آن مرد پرسیدم، پس او برادر رضاعی مادری علی بن الحسین ع بود.

(۱۶۱)

**بَابُ الْخُرُوجِ إِلَى مِنَى**

۱ - أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ الرَّجُلِ يَكُونُ شَيْخًا كَبِيرًا أَوْ مَرِيضًا يَخَافُ ضِعَاطَ النَّاسِ وَزِحَامَتَهُمْ يُحْرِمُ بِالْحَجِّ وَ يَخْرُجُ إِلَى مِنَى قَبْلَ يَوْمِ التَّوْبَةِ؟ قَالَ: نَعَمْ.

قُلْتُ: يَخْرُجُ الرَّجُلُ الصَّحِيحُ يَلْتَمِسُ مَكَانًا وَ يَتَرَوَّحُ بِذَلِكَ الْمَكَانِ؟ قَالَ: لَا.

قُلْتُ: يُعَجَّلُ بِيَوْمٍ؟ قَالَ: نَعَمْ.

**بخش صدور شصت و یکم****حرکت به سوی منا**

۱ - اسحاق بن عمار گوید: از امام کاظم عليه السلام پرسیدم: کسی که پیر و یا بیمار است و از تنگی و فشار مردم می ترسد می تواند پیش از روز هشتم مُحَرَّم شود و به سوی منا برود؟ فرمود: آری.

گفتم: فرد سالم نیز برای جایی که در آن راحت باشد می تواند زودتر به منا برود؟ فرمود: نه.

گفتم: کسی که صاحب علّت باشد می تواند یک روز تعجیل نماید؟ فرمود: آری.

قُلْتُ: يَوْمَيْنِ؟

قَالَ: نَعَمْ.

قُلْتُ: ثَلَاثَةٍ؟

قَالَ: نَعَمْ.

قُلْتُ: أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ؟

قَالَ: لَا.

۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

عَلَى الْإِمَامِ أَنْ يُصَلِّيَ الظُّهْرَ بِمَنْى ثُمَّ يَبِيتُ بِهَا وَ يُصْبِحُ حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ ثُمَّ يَخْرُجُ إِلَى عَرَفَاتٍ.

۳ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ رِفَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

گفتم: دو روز چه طور؟

فرمود: آری.

گفتم: سه روز چه طور؟

فرمود: آری.

گفتم: بیش از آن؟

فرمود: نه.

۲ - جمیل بن درّاج گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

بر امام است که نماز ظهر را در روز هشتم در منا بخواند و آن جا بماند و صبح نماید تا خورشید طلوع کند، آن گاه به سوی عرفات برود.

۳ - رفاعه گوید:



سَأَلْتُهُ هَلْ يَخْرُجُ النَّاسُ إِلَى مِنَى عُدْوَةً؟

قَالَ: نَعَمْ إِلَى غُرُوبِ الشَّمْسِ.

۴ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

إِذَا تَوَجَّهْتَ إِلَى مِنَى فَقُلْ: «اللَّهُمَّ إِنَّاكَ أَرْجُو وَإِيَّاكَ أَدْعُو فَبَلِّغْنِي أَمَلِي وَاصْلِحْ لِي عَمَلِي».

(۱۶۲)

### بَابُ نَزُولِ مِنَى وَحُدُودِهَا

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى وَ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِذَا انْتَهَيْتَ إِلَى مِنَى فَقُلْ:

از امام صادق علیه السلام پرسیدم: آیا مردم می توانند صبح هنگام به منا بروند؟  
فرمود: آری، تا غروب آفتاب.

۴ - معاویه بن عمار گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:  
هرگاه خواستی سوی منا بروی بگو:  
«اللَّهُمَّ إِنَّاكَ أَرْجُو وَ إِيَّاكَ أَدْعُو فَبَلِّغْنِي أَمَلِي وَ اصْلِحْ لِي عَمَلِي».

### بخش صد ■ شصت و دوم

### فرود آمدن به منا و حدود آن

۱ - معاویه بن عمار گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: هرگاه به منا رسیدی بگو:

«اللَّهُمَّ هَذِهِ مِنِّي وَ هِيَ مِمَّا مَنَنْتَ بِهَا عَلَيْنَا مِنَ الْمَنَاسِكِ فَأَسْأَلُكَ أَنْ تَمُنَّ عَلَيْنَا بِمَا مَنَنْتَ بِهِ عَلَى أَنْبِيَائِكَ فَإِنَّمَا أَنَا عَبْدُكَ وَ فِي قَبْضَتِكَ».

ثُمَّ تُصَلِّي بِهَا الظُّهْرَ وَ الْعَصْرَ وَ الْمَغْرِبَ وَ الْعِشَاءَ الْآخِرَةَ وَ الْفَجْرَ وَ الْإِمَامُ يُصَلِّي بِهَا الظُّهْرَ لَا يَسْعُهُ إِلَّا ذَلِكَ وَ مُوسَعٌ عَلَيْكَ أَنْ تُصَلِّيَ بغيرِهَا إِنْ لَمْ تَقْدِرْ ثُمَّ تُدْرِكُهُمْ بِعَرَفَاتٍ.

قَالَ: وَ حَدُّ مِنِّي مِنَ الْعَقَبَةِ إِلَى وَادِي مُحَسَّرٍ.

(۱۶۳)

### بَابُ الْغُدُوِّ إِلَى عَرَفَاتٍ وَ حُدُودِهَا

۱ - حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنْ ابْنِ سَمَاعَةَ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبَانَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: مِنْ السُّنَّةِ أَلَّا يَخْرُجَ الْإِمَامُ مِنْ مِنِّي إِلَى عَرَفَةَ حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ.

«اللَّهُمَّ هَذِهِ مِنِّي وَ هِيَ مِمَّا مَنَنْتَ بِهَا عَلَيْنَا مِنَ الْمَنَاسِكِ فَأَسْأَلُكَ أَنْ تَمُنَّ عَلَيْنَا بِمَا مَنَنْتَ بِهِ عَلَى أَنْبِيَائِكَ فَإِنَّمَا أَنَا عَبْدُكَ وَ فِي قَبْضَتِكَ».

سپس در آن جا نماز ظهر، عصر، مغرب و عشاء و فجر را بخوان و امام باید فقط نماز ظهر را در آن جا بخواند و بیش از آن وسعت ندارد و تو در وسعت هستی که اگر نتوانستی در غیر آن جا بخوانی سپس در عرفات به آنها برسی.

فرمود: حدود منا از جمره عقبه تا وادی محسّر است.

### بخش صد و شصت و سوم

### حرکت به سوی عرفات و حدود آن

۱ - اسحاق بن عمار گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

از سنت است که امام از منا به سوی عرفات نرود تا آفتاب طلوع کند.

۲ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنْ يَحْيَى بْنِ عِمْرَانَ الْحَلَبِيِّ عَنْ عَبْدِ الْحَمِيدِ الطَّائِي قَالَ:  
 قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّا مُشَاهَةٌ فَكَيْفَ نَصْنَعُ؟  
 قَالَ: أَمَّا أَصْحَابُ الرَّحَالِ فَكَانُوا يُصَلُّونَ الْعِدَّةَ بِمَنْى، وَأَمَّا أَنْتُمْ فَاْمُضُوا حَتَّى تُصَلُّوا فِي الطَّرِيقِ.

۳ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:  
 إِذَا غَدَوْتَ إِلَى عَرَفَةَ فَقُلْ وَأَنْتَ مُتَوَجِّهٌ إِلَيْهَا:  
 «اللَّهُمَّ إِلَيْكَ صَمَدْتُ وَإِيَّاكَ اعْتَمَدْتُ وَ وَجْهَكَ أَرَدْتُ فَأَسْأَلُكَ أَنْ تُبَارِكَ لِي فِي رِحْلَتِي وَأَنْ تَقْضِيَ لِي حَاجَتِي وَأَنْ تَجْعَلَ لِي الْيَوْمَ مِمَّنْ تُبَاهِي بِهِ مَنْ هُوَ أَفْضَلُ مِنِّي».

۲ - عبدالحمید طائی گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: ما پیاده‌ایم چگونه به طرف عرفات برویم؟

فرمود: سواره‌ها نماز صبح را در منا می‌خوانند و شما بروید تا در راه بخوانید.

۳ - معاویه بن عمار گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

هرگاه در آغاز روز نهم از منا به سوی عرفات بروی در حالی که متوجه عرفات هستی بگو:

«اللَّهُمَّ إِلَيْكَ صَمَدْتُ وَإِيَّاكَ اعْتَمَدْتُ وَ وَجْهَكَ أَرَدْتُ فَأَسْأَلُكَ أَنْ تُبَارِكَ لِي فِي رِحْلَتِي وَأَنْ تَقْضِيَ لِي حَاجَتِي وَأَنْ تَجْعَلَ لِي الْيَوْمَ مِمَّنْ تُبَاهِي بِهِ مَنْ هُوَ أَفْضَلُ مِنِّي».

ثُمَّ تَلَبَّ وَأَنْتَ عَادٍ إِلَى عَرَفَاتٍ فَإِذَا انْتَهَيْتَ إِلَى عَرَفَاتٍ فَاضْرِبْ حِجَاءَكَ بِنَمْرَةٍ، وَ نَمْرَةٌ هِيَ بَطْنُ عُرْنَةٍ دُونَ الْمَوْقِفِ وَ دُونَ عَرَفَةٍ، فَإِذَا زَالَتِ الشَّمْسُ يَوْمَ عَرَفَةٍ فَاغْتَسِلْ وَ صَلِّ الظُّهْرَ وَ الْعَصْرَ بِأَذَانٍ وَاحِدٍ وَ إِقَامَتَيْنِ، وَ إِنَّمَا تُعَجِّلُ الْعَصْرَ وَ تَجْمَعُ بَيْنَهُمَا لِتُفَرِّغَ نَفْسَكَ لِلدُّعَاءِ، فَإِنَّهُ يَوْمٌ دُعَاءٍ وَ مَسْأَلَةٍ. قَالَ: وَ حَدُّ عَرَفَةٍ مِنْ بَطْنِ عُرْنَةٍ وَ ثَوِيَّةٍ وَ نَمْرَةٍ إِلَى ذِي الْمَجَازِ وَ خَلْفَ الْجَبَلِ مَوْقِفٌ.

۴- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:  
الْعُسْلُ يَوْمَ عَرَفَةٍ إِذَا زَالَتِ الشَّمْسُ وَ تَجْمَعُ بَيْنَ الظُّهْرِ وَ الْعَصْرِ بِأَذَانٍ وَ إِقَامَتَيْنِ.

۵- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَفْصِ بْنِ الْبَخْتَرِيِّ وَ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ قِيلَ لَهُ: أَيُّمَا أَفْضَلُ الْحَرَمُ أَوْ عَرَفَةُ؟

آن‌گاه لیبک می‌گویی در حالی که به سوی عرفات روانی، پس چون به عرفات رسیدی خیمه خود را در «نهر» بزن که آن وسط عرنه پایین‌تر موقوف و عرفه است. پس چون ظهر شد غسل نما و نماز ظهر و عصر را به یک اذان و دو اقامه به جا آور و می‌توان با شتاب هر دو نماز را خواند و نماز عصر را با شتاب خواند تا برای دعا فراغت یابی، چرا که آن روز، روز دعا و خواستن است.

و فرمود: حدود عرفه از وسط عرنه، ثویه و نمره است تا ذی‌المجاز و پشت کوه موقوف.  
۴- حلبی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

غسل روز عرفه به هنگام ظهر است و نماز ظهر و عصر را در آن روز جمع کرده و با یک اذان و دو اقامه انجام می‌دهی.

۵- حفص بن بختری و هشام بن حکم گویند: به امام صادق عليه السلام گفته شد: کدام یک از عرفه و یا حرم بهتر است؟

فَقَالَ: الْحَرَمُ.

فَقِيلَ: وَكَيْفَ لَمْ تَكُنْ عَرَفَاتُ فِي الْحَرَمِ؟

فَقَالَ: هَكَذَا جَعَلَهَا اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ.

۶- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ

النُّعْمَانِ عَنْ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

حَدُّ عَرَفَاتٍ مِنَ الْمَازِمِينَ إِلَى أَقْصَى الْمَوْقِفِ.

(۱۶۴)

### بَابُ قَطْعِ تَلْبِيَةِ الْحَاجِّ

۱- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينَ

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ:

الْحَاجُّ يَقْطَعُ التَّلْبِيَةَ يَوْمَ عَرَفَةَ زَوَالَ الشَّمْسِ.

فرمود: حرم.

گفته شد: چرا عرفات از حرم نشد؟

فرمود: خداوند تعالی آن را چنین قرار داد.

۶- ابو بصیر گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

حدود عرفات از مازمین تا انتهای موقف است.

### بخش صد و شصت و چهارم

### حکم پایان لبیک گفتن حاجی

۱- محمد بن مسلم گوید: امام باقر علیه السلام فرمود:

حاجی ظهر روز عرفه لبیک گفتن را قطع و به پایان می‌رساند.

۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

قَطَعَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ التَّلْبِيَةَ حِينَ زَاغَتِ الشَّمْسُ يَوْمَ عَرَفَةَ، وَكَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ يَقْطَعُ التَّلْبِيَةَ إِذَا زَاغَتِ الشَّمْسُ يَوْمَ عَرَفَةَ.

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَإِذَا قَطَعْتَ التَّلْبِيَةَ فَعَلَيْكَ بِالتَّهْلِيلِ وَالتَّحْمِيدِ وَالتَّعْجِيدِ وَالثَّنَاءِ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ.

(۱۶۵)

### بَابُ الْوُقُوفِ بِعَرَفَةَ وَحَدِّ الْمَوْقِفِ

۱ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ ابْنِ رِثَابٍ عَنْ مِسْمَعٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

عَرَفَاتُ كُلُّهَا مَوْقِفٌ وَأَفْضَلُ الْمَوْقِفِ سَفْحُ الْجَبَلِ.

۲ - معاوية بن عمار گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا ﷺ تلبیه را در روز عرفه موقع ظهر قطع نمود.

و علی بن الحسین علیه السلام نیز همواره این گونه انجام می داد.

امام صادق علیه السلام فرمود: چون تلبیه را قطع نمودی بر تو باد به گفتن «لا اله الا الله» و الحمد لله و تمجید و ثناء خدای تعالی.

### بخش صد و شصت و پنجم

### وقوف در عرفه و حدود موقف

۱ - مسمع گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

تمامی عرفه موقف است و بهترین موقف، دامنه کوه است.

۲ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

إِذَا وَقَفْتَ بِعَرَفَاتٍ فَأَدُّ عَنْ الْهَضَابِ وَ الْهَضَابُ هِيَ الْجِبَالُ، فَإِنَّ النَّبِيَّ ﷺ قَالَ: إِنَّ أَصْحَابَ الْأَرَاكِ لَا حَجَّ لَهُمْ، يَعْنِي الَّذِينَ يَقْفُونَ عِنْدَ الْأَرَاكِ.

۳ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فِي الْمَوْقِفِ اذْ تَفْعُوا عَنْ بَطْنِ عُرْنَةٍ.

وَقَالَ: أَصْحَابُ الْأَرَاكِ لَا حَجَّ لَهُمْ.

۴ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

قِفْ فِي مَيْسَرَةِ الْجَبَلِ، فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ وَقَفَ بِعَرَفَاتٍ فِي مَيْسَرَةِ الْجَبَلِ، فَلَمَّا وَقَفَ جَعَلَ النَّاسُ يَتَدَرُونَ أَخْفَافَ نَاقَتِهِ فَيَقْفُونَ إِلَى جَانِبِهِ فَنَحَّاهَا فَفَعَلُوا مِثْلَ ذَلِكَ.

۲ - ابوبصیر گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

هرگاه در عرفات توقف نمودی، پس به کوهها (تپه‌های پهن در حوالی عرفات) نزدیک شو همانا رسول خدا ﷺ فرمود: اهل اراک (در سمت نمره بیرون از عرفات) که نزد اراک وقوف می‌کنند، حج صحیحی ندارند.

۳ - حلبی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

رسول خدا ﷺ می‌فرمود: از پایین عرنه بالاتر روید و فرمود: اصحاب اراک حج صحیحی ندارند.

۴ - معاویه بن عمار گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: در سمت چپ کوه عرفات وقوف کن، زیرا رسول خدا ﷺ در سمت چپ کوه وقوف نمود، در این هنگام مردم به جای پای شتر حضرتش پیشی می‌گرفتند و کنار آن توقف می‌نمودند. آن حضرت آن را به جای دیگر برد آنها نیز چنان نمودند.

فَقَالَ: أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّهُ لَيْسَ مَوْضِعٌ أَحْفَافٍ نَاقَتِي الْمَوْقِفَ، وَ لَكِنْ هَذَا كُلُّهُ مَوْقِفٌ، وَ أَشَارَ بِيَدِهِ إِلَى الْمَوْقِفِ وَ فَعَلَ مِثْلَ ذَلِكَ فِي الْمَزْدَلِفَةِ، فَإِذَا رَأَيْتَ خَلَاءً فَسَدَّهُ بِنَفْسِكَ وَ رَاحِلَتِكَ، فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يُحِبُّ أَنْ تُسَدَّ تِلْكَ الْخِلَالُ وَ انْتَقِلَ عَنِ الْهَضَابِ وَ اتَّقِ الْأَرَاكَ، فَإِذَا وَقَفْتَ بِعَرَفَاتٍ فَاحْمَدِ اللَّهَ وَ هَلِّلْهُ وَ مَجِّدْهُ وَ أَثْنِ عَلَيْهِ وَ كَبِّرْهُ مِائَةَ تَكْبِيرَةٍ وَ أَقْرَأْ «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» مِائَةَ مَرَّةٍ وَ تَخَيَّرْ لِنَفْسِكَ مِنَ الدُّعَاءِ مَا أَحَبَّبْتَ وَ اجْتَهَدْ، فَإِنَّهُ يَوْمَ دُعَاءٍ وَ مَسْأَلَةٍ وَ تَعَوَّذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ، فَإِنَّ الشَّيْطَانَ لَنْ يُذْهِلَكَ فِي مَوْضِعٍ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ أَنْ يُذْهِلَكَ فِي ذَلِكَ الْمَوْضِعِ، وَ إِيَّاكَ أَنْ تَشْتَغَلَ بِالنَّظَرِ إِلَى النَّاسِ وَ أَقْبِلْ قَبْلَ نَفْسِكَ وَ لِيَكُنْ فِيمَا تَقُولُ:

«اللَّهُمَّ رَبِّ الْمَشَاعِرِ كُلِّهَا فَكُ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنَ الرِّزْقِ الْحَلَالِ وَ انْزِرْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجَنِّ وَ الْإِنْسِ.

اللَّهُمَّ لَا تَمَكِّرْ بِي وَ لَا تَحْدَعْني وَ لَا تَسْتَدْرِجْنِي يَا أَسْمَعَ السَّامِعِينَ وَ يَا أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ وَ يَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ وَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَ كَذَا وَ لِيَكُنْ فِيمَا تَقُولُ وَ أَنْتَ رَافِعٌ يَدَيْكَ إِلَى السَّمَاءِ.

فرمود: ای مردم! موقف فقط جای پای شتر من نیست، بلکه همه اینها موقف است و با دستش به سوی موقف اشاره فرمود و همانند آن را در مزدلفه انجام داد، پس چون جای خالی دیدی با خود و سواریت آن را پر کن، زیرا خداوند عز و جل دوست دارد که جاهای خالی پر باشد و به دامنه کوهها برو و بهره‌یز از اراک. پس چون در عرفات توقف نمودی خدا را حمد کن و «لا اله الا الله» گو و او را تمجید نما و ثنایش و صد مرتبه «الله اکبر» بگو و «قل هو الله احد» را صد بار بخوان و برای خود هر چه خواستی دعا کن و کوشش نما؛ زیرا آن روز، روز دعا و خواستن است و از شیطان به خدا پناه ببر؛ زیرا برای شیطان دوست داشتنی‌تر از این نیست که تو را در این مکان غافل کند و بهره‌یز از این که خود را با نگاه به مردم مشغول کنی به خود متوجه شو و این گونه دعا بخوان:

«اللَّهُمَّ رَبِّ الْمَشَاعِرِ كُلِّهَا فَكُ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنَ الرِّزْقِ الْحَلَالِ وَ انْزِرْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجَنِّ وَ الْإِنْسِ. اللَّهُمَّ لَا تَمَكِّرْ بِي وَ لَا تَحْدَعْني وَ لَا تَسْتَدْرِجْنِي يَا أَسْمَعَ السَّامِعِينَ وَ يَا أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ وَ يَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ وَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَ كَذَا وَ لِيَكُنْ فِيمَا تَقُولُ وَ أَنْتَ رَافِعٌ يَدَيْكَ إِلَى السَّمَاءِ.



اللَّهُمَّ حَاجَتِي الَّتِي إِنِ اعْطَيْتَهَا لَمْ يَضُرَّنِي مَا مَنَعْتَنِي وَإِنْ مَنَعْتَنِيهَا لَمْ يَنْفَعْنِي مَا أُعْطَيْتَنِي  
أَسْأَلُكَ خَلَاصَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ.

اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَ مَلِكُ يَدِكَ وَ نَاصِيَتِي بِيَدِكَ وَ أَجْلِي بِعِلْمِكَ أَسْأَلُكَ أَنْ تُوقِّفَنِي لِمَا يُرْضِيكَ  
عَنِّي وَ أَنْ تُسَلِّمَ مِنِّي مَنَاسِكِي الَّتِي أَرِيتَهَا إِبْرَاهِيمَ خَلِيلَكَ وَ دَلَلْتَ عَلَيْهَا حَبِيبَكَ مُحَمَّدًا ﷺ.  
وَ لِيَكُنْ فِيمَا تَقُولُ: «اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِمَّنْ رَضِيتَ عَمَلَهُ وَ أَطَلْتَ عُمُرَهُ وَ أَحْيَيْتَهُ بَعْدَ الْمَوْتِ  
حَيَاةً طَيِّبَةً».

۵- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ  
عِيسَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَيْمُونٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ:  
إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ وَقَفَ بِعِرْفَاتٍ فَلَمَّا هَمَّتِ الشَّمْسُ أَنْ تَغِيبَ قَبْلَ أَنْ تَنْدَفِعَ  
قَالَ:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ وَ مِنْ تَشْتَتِ الْأُمْرِ وَ مِنْ شَرِّ مَا يَحْدُثُ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ أُمْسَى  
ظُلُمِي مُسْتَجِيرًا بِغَفْوِكَ وَ أُمْسَى خَوْفِي مُسْتَجِيرًا بِأَمَانِكَ وَ أُمْسَى ذُلِّي مُسْتَجِيرًا بِعِزِّكَ.

اللَّهُمَّ حَاجَتِي الَّتِي إِنِ اعْطَيْتَهَا لَمْ يَضُرَّنِي مَا مَنَعْتَنِي وَإِنْ مَنَعْتَنِيهَا لَمْ يَنْفَعْنِي مَا أُعْطَيْتَنِي أَسْأَلُكَ  
خَلَاصَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ.

اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَ مَلِكُ يَدِكَ وَ نَاصِيَتِي بِيَدِكَ وَ أَجْلِي بِعِلْمِكَ أَسْأَلُكَ أَنْ تُوقِّفَنِي لِمَا يُرْضِيكَ عَنِّي وَ أَنْ  
تُسَلِّمَ مِنِّي مَنَاسِكِي الَّتِي أَرِيتَهَا إِبْرَاهِيمَ خَلِيلَكَ وَ دَلَلْتَ عَلَيْهَا حَبِيبَكَ مُحَمَّدًا ﷺ.  
در ادامه دعا می گوئی: «اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِمَّنْ رَضِيتَ عَمَلَهُ وَ أَطَلْتَ عُمُرَهُ وَ أَحْيَيْتَهُ بَعْدَ الْمَوْتِ حَيَاةً  
طَيِّبَةً».

۵- عبدالله بن میمون گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود:  
رسول خدا ﷺ در عرفات توقف نمود، هنگامی آفتاب می خواست غروب کند پیش از  
آن که به سرعت پنهان شود این گونه دعا فرمود:  
«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ وَ مِنْ تَشْتَتِ الْأُمْرِ وَ مِنْ شَرِّ مَا يَحْدُثُ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ أُمْسَى ظُلُمِي  
مُسْتَجِيرًا بِغَفْوِكَ وَ أُمْسَى خَوْفِي مُسْتَجِيرًا بِأَمَانِكَ وَ أُمْسَى ذُلِّي مُسْتَجِيرًا بِعِزِّكَ.

وَأَمْسَى وَجْهِي الْفَاقِي مُسْتَجِيرًا بِوَجْهِكَ الْبَاقِي، يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ وَيَا أَجْوَدَ مَنْ أُعْطِيَ جَلَّلَنِي بِرَحْمَتِكَ وَالْبِسْنِي عَافِيَتَكَ وَاصْرِفْ عَنِّي شَرَّ جَمِيعِ خَلْقِكَ».

قَالَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مَيْمُونٍ وَ سَمِعْتُ أَبِي يَقُولُ: «يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ وَيَا أَوْسَعَ مَنْ أُعْطِيَ وَيَا أَرْحَمَ مَنْ اسْتَرْجَمَ» ثُمَّ سَلَ حَاجَتَكَ.

۶- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ صَالِحِ بْنِ أَبِي الْأَسْوَدِ عَنْ أَبِي الْجَارُودِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: لَيْسَ فِي شَيْءٍ مِنَ الدُّعَاءِ عَشِيَّةَ عَرَفَةَ شَيْءٌ مُوقَّتٌ.

۷- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: رَأَيْتُ عَبْدَ اللَّهِ بْنَ جُنْدَبٍ بِالْمَوْقِفِ فَلَمْ أَرْ مَوْقِفًا كَانَ أَحْسَنَ مِنْ مَوْقِفِهِ مَا زَالَ مَاذَا يَدَّيْهِ إِلَى السَّمَاءِ وَ دُمُوعُهُ تَسِيلُ عَلَى خَدَّيْهِ حَتَّى تَبْلُغَ الْأَرْضَ. فَلَمَّا انْصَرَفَ النَّاسُ قُلْتُ لَهُ: يَا أَبَا مُحَمَّدٍ! مَا رَأَيْتُ مَوْقِفًا قَطُّ أَحْسَنَ مِنْ مَوْقِفِكَ؟

وَأَمْسَى وَجْهِي الْفَاقِي مُسْتَجِيرًا بِوَجْهِكَ الْبَاقِي، يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ وَيَا أَجْوَدَ مَنْ أُعْطِيَ جَلَّلَنِي بِرَحْمَتِكَ وَالْبِسْنِي عَافِيَتَكَ وَاصْرِفْ عَنِّي شَرَّ جَمِيعِ خَلْقِكَ».

عبدالله بن ميمون گوید: از پدرم شنیدم که می گفت: «یا خیرِ مَنْ سُئِلَ ویا اَوْسَعَ مَنْ أُعْطِيَ ویا اَرْحَمَ مَنْ اسْتَرْجَمَ»

سپس حاجت خود را بخواه.

۶- ابوالجارود گوید: امام باقر عليه السلام فرمود: برای غروب عرفه دعای مخصوصی نیست.

۷- علی بن ابراهیم از پدرش این گونه نقل می کند:

عبدالله بن جندب را در موقف عرفه دیدم که هیچ وقوفی را بهتر از وقوف او ندیده بودم، او پیوسته دست هایش را به سوی آسمان بلند نموده بود و اشک هایش بر گونه اش جاری می شد تا به زمین می ریخت.

چون مردم رفتند به او گفتم: ای ابو محمد! هرگز موقفی بهتر از موقف تو ندیده ام.

قَالَ: وَاللَّهِ، مَا دَعَوْتُ إِلَّا لِإِخْوَانِي وَ ذَلِكَ أَنَّ أَبَا الْحَسَنِ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ عليه السلام أَخْبَرَنِي أَنَّهُ مَنْ دَعَا لِأَخِيهِ بَطْهَرِ الْعَيْبِ تُودِي مِنَ الْعَرْشِ: وَ لَكَ مِائَةُ أَلْفِ ضِعْفٍ مِثْلِهِ، فَكَرِهْتُ أَنْ أَدَعَ مِائَةَ أَلْفِ ضِعْفٍ مَضْمُونَةً لِوَاحِدٍ لَا أَذْرِي يُسْتَجَابُ أَمْ لَا.

۸- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى بْنِ عُبَيْدٍ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ قَالَ:

كَانَ عِيْسَى بْنُ أَعْيَنَ إِذَا حَجَّ فَصَارَ إِلَى الْمَوْقِفِ أَقْبَلَ عَلَى الدُّعَاءِ لِإِخْوَانِهِ حَتَّى يُفِيضَ النَّاسُ.

قَالَ: فَقُلْتُ لَهُ: تُنْفِقُ مَالَكَ وَ تُتْعِبُ بَدَنَكَ حَتَّى إِذَا صِرْتَ إِلَى الْمَوْضِعِ الَّذِي تُبْتُ فِيهِ الْحَوَائِجُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَقْبَلْتَ عَلَى الدُّعَاءِ لِإِخْوَانِكَ وَ تَرَكْتَ نَفْسَكَ.

قَالَ: إِنِّي عَلَى ثِقَةٍ مِنْ دَعْوَةِ الْمَلِكِ لِي وَ فِي شَكٍّ مِنَ الدُّعَاءِ لِنَفْسِي.

۹- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْعَاصِمِيُّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ السُّلَمِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَصْبَاطٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي الْبَلَادِ أَوْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جُنْدَبٍ قَالَ:

گفت: به خدا سوگند! به جز برای برادرانم دعا نکردم، چرا که امام کاظم عليه السلام به من خبر داد که هر کس برای برادر خود در نبودنش دعا کند از عرش ندا شود: «بر تو باد صد هزار برابر مانند آن». پس اکراه داشتم که صد هزار برابر تضمین شده را در مقابل یک دعایی که نمی دانم قبول شده یا نه، رها کنم.

۸- ابن ابی عمیر گوید: هرگاه عیسی بن اعین به حج مشرف می شد و به موقف می رسید به دعا رو می آورد و به برادران خود دعا می کرد تا مردم از آن جا کوچ می کردند. گوید: به او گفتم: مالت را می دهی و بدنت را به زحمت می اندازی تا به این جا می رسی که دعا به درگاه خداوند جل جلاله در آن اظهار می شود و به برادرانت دعا می کنی و خود را رها می نمایی؟

گفت: من به دعای فرشته اعتماد دارم، ولی نسبت به دعا بر خودم در شک و تردیدم.

۹- ابراهیم بن ابی بلاد - یا عبدالله بن جندب - گوید:

كُنْتُ فِي الْمَوْقِفِ فَلَمَّا أَفْضْتُ لَقِيتُ إِبْرَاهِيمَ بْنَ شُعَيْبٍ فَسَلَّمْتُ عَلَيْهِ وَكَانَ مُصَابًا بِإِحْدَى عَيْنَيْهِ وَإِذَا عَيْنُهُ الصَّحِيحَةُ حَمْرَاءُ كَأَنَّهَا عَلَقَةُ دَمٍ. فَقُلْتُ لَهُ: قَدْ أَصِبتُ بِإِحْدَى عَيْنَيْكَ وَأَنَا وَاللَّهِ مُشْفِقٌ عَلَى الْآخَرَى فَلَوْ قَصَرْتَ مِنَ الْبُكَاءِ قَلِيلًا.

فَقَالَ: وَاللَّهِ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ! مَا دَعَوْتُ لِنَفْسِي الْيَوْمَ بِدَعْوَةٍ. فَقُلْتُ: فَلِمَنْ دَعَوْتَ؟

قَالَ: دَعَوْتُ لِإِخْوَانِي، لِأَنِّي سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: «مَنْ دَعَا لِأَخِيهِ بِظَهْرِ الْغَيْبِ وَكَلَّ اللَّهُ بِهِ مَلَكًا يَقُولُ وَ لَكَ مِثْلَهُ» فَأَرَدْتُ أَنْ أَكُونَ إِنَّمَا أَدْعُو لِإِخْوَانِي وَ يَكُونُ الْمَلَكُ يَدْعُو لِي، لِأَنِّي فِي شَكٍّ مِنْ دُعَائِي لِنَفْسِي، وَ لَسْتُ فِي شَكٍّ مِنْ دُعَاءِ الْمَلَكِ لِي.

۱۰ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ أَبِي الْمِقْدَامِ قَالَ:

در موقف عرفات بودم، چون برگشتم ابراهیم بن شعیب را ملاقات نمودم بر او سلام کردم، یکی از چشمان او معیوب بود و چشم سالم او هم همانند لخته خونی سرخ بود. به او گفتم: یکی از چشمانت معیوب است به خدا سوگند! من به چشم دیگری می ترسم، ای کاش کمتر گریه می کردی.

گفت: به خدا قسم ای ابومحمد! من امروز برای خودم چیزی نخواستم.

گفتم: پس برای چه کسی خواستی؟

گفت: برای برادرانم، زیرا از امام صادق عليه السلام شنیدم که می فرمود: «هر که به برادرش در نبود او دعا کند، خداوند فرشته ای به او بگمارد می گوید: بر تو باد دو برابر آن». پس خواستم که به برادرانم دعا کنم و فرشته به من دعا کند، زیرا که در دعا بر خود در شک و تردید هستم و در دعای فرشته بر خود شک و تردید ندارم.

۱۰ - عمرو بن ابی مقدم گوید:

رَأَيْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمَ عَرَفَةَ بِالْمَوْقِفِ وَهُوَ يُنَادِي بِأَعْلَى صَوْتِهِ:  
 أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ الْإِمَامَ ثُمَّ كَانَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ثُمَّ الْحَسَنُ  
 ثُمَّ الْحُسَيْنُ ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ثُمَّ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ ثُمَّ هَهُ.  
 فَيُنَادِي ثَلَاثَ مَرَّاتٍ لِمَنْ بَيْنَ يَدَيْهِ وَ عَنْ يَمِينِهِ وَ عَنْ يَسَارِهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ اثْنِي  
 عَشَرَ صَوْتًا.

وَ قَالَ عَمْرُو: فَلَمَّا أَتَيْتُ مِنْى سَأَلْتُ أَصْحَابَ الْعَرَبِيَّةِ عَنْ تَفْسِيرِ هَهُ.  
 فَقَالُوا: هَهُ لُغَةُ بَنِي فُلَانٍ أَنَا فَاسْأَلُونِي.  
 قَالَ: ثُمَّ سَأَلْتُ غَيْرَهُمْ أَيْضًا مِنْ أَصْحَابِ الْعَرَبِيَّةِ، فَقَالُوا مِثْلَ ذَلِكَ.  
 ۱۱ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ:  
 قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا ضَاقَتْ عَرَفَةُ كَيْفَ يَصْنَعُونَ؟  
 قَالَ: يَزْتَفِعُونَ إِلَى الْجَبَلِ.

امام صادق علیه السلام را در روز عرفه در موقف دیدم. آن حضرت به آواز بلند ندا می داد: ای  
 مردم! به راستی رسول خدا ﷺ امام بود، بعد علی بن ابی طالب بود، بعد حسن بعد  
 حسین بعد علی بن الحسین بعد محمد بن علی علیه السلام آن گاه من، پس از من پرسید.  
 حضرتش سه مرتبه برای کسانی که پیش رو، دست راست، دست چپ و پشت سرش  
 بودند دوازده ندا داد.

عمرو گوید: هنگامی که به منا رفتم از اهل لغت عرب در مورد تفسیر واژه «هه» پرسیدم.  
 گفتند: «هه» در لغت بنی فلان: به این معناست: «منم. پس از من پرسید».  
 گوید: آن گاه از اهل لغت عرب دیگر پرسیدم همان معنا را گفتند.

۱۱ - سماعه گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: هرگاه جایگاه عرفه نسبت به جمعیت تنگ  
 شود چه وظیفه دارند؟  
 فرمود: بر بالای کوه بروند.

(۱۶۶)

**بَابُ الْإِفَاضَةِ مِنْ عَرَفَاتٍ**

۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ فَضَالٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: مَتَى الْإِفَاضَةُ مِنْ عَرَفَاتٍ؟

قَالَ: إِذَا ذَهَبَ الْحُمْرَةُ، يَعْنِي مِنَ الْجَانِبِ الشَّرْقِيِّ.

۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنْ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:  
إِنَّ الْمُشْرِكِينَ كَانُوا يُفَيْضُونَ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَغِيبَ الشَّمْسُ، فَخَالَفَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ صلی اللہ علیہ وسلم فَأَفَاضَ بَعْدَ غُرُوبِ الشَّمْسِ.

**بخش صد و شصت و ششم****کوچ کردن از عرفات**

۱ - یونس بن یعقوب گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: کی می توان از عرفات کوچ کرد؟

فرمود: هرگاه سرخی از جانب شرقی برود.

۲ - معاویه بن عمار گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: شرک ورزان پیش از غروب آفتاب کوچ

می کردند، رسول خدا صلی اللہ علیہ وسلم با آنها مخالفت نموده بعد از غروب آفتاب کوچ نمود.

قَالَ: وَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِذَا غَرَبَتِ الشَّمْسُ فَأَفِضْ مَعَ النَّاسِ وَ عَلَيْكَ السَّكِينَةُ وَ الْوَقَارَ وَ أَفِضْ بِالِاسْتِغْفَارِ، فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ: ﴿تُمْ أَفِضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ وَ اسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ فَإِذَا انْتَهَيْتَ إِلَى الْكَثِيبِ الْأَحْمَرِ عَنْ يَمِينِ الطَّرِيقِ فَقُلْ:

«اللَّهُمَّ ارْحَمْ مَوْقِفِي وَ زِدْ فِي عِلْمِي وَ سَلِّمْ لِي دِينِي وَ تَقَبَّلْ مَنَاسِكِي».

وَ إِيَّاكَ وَ الْوَجِيفَ الَّذِي يَصْنَعُهُ النَّاسُ، فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: «أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّ الْحَجَّ لَيْسَ بِوَجِيفِ الْخَيْلِ وَ لَا بِإِضَاعِ الْإِبِلِ، وَ لَكِنْ اتَّقُوا اللَّهَ وَ سِيرُوا سَيْرًا جَمِيلًا، لَا تُوطِئُوا ضَعِيفًا وَ لَا تُوطِئُوا مُسْلِمًا، وَ تَوَادُّوا وَ اقْتَصِدُوا فِي السَّيْرِ». فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ يَكُفُّ نَاقَتَهُ حَتَّى يُصِيبَ رَأْسَهَا مُقَدَّمَ الْيَجَلِ وَ يَقُولُ: «أَيُّهَا النَّاسُ! عَلَيْكُمْ بِالذَّعَةِ». فَسَنَّهُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ تُتَّبَعُ.

قَالَ مُعَاوِيَةُ: وَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ:

«اللَّهُمَّ أَعْتِقْنِي مِنَ النَّارِ» وَ كَرَّرَهَا حَتَّى أَفَاضَ.

گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: هرگاه آفتاب غروب کرد پس با مردم رهسپار شو و بر تو باد آرامش و وقار و کوچ کن با استغفار کردن، زیرا خداوند ﷻ می فرماید: «آنگاه از همان جا که مردم کوچ می کنند (به سرزمین من) کوچ کنید؛ و از خدا آمرزش خواهید که خدا آمرزنده مهربان است». پس چون به تل سرخ که در سمت راست جاده است رسیدی بگو:

«اللَّهُمَّ ارْحَمْ مَوْقِفِي وَ زِدْ فِي عِلْمِي وَ سَلِّمْ لِي دِينِي وَ تَقَبَّلْ مَنَاسِكِي».

و از تندراندن شتران و اسبان پرهیز، چنانچه مردم می کنند، زیرا رسول خدا ﷺ فرمود: «ای مردم! حج به تندر روی اسبان و شتران نیست، ولی از خدا بترسید و بروید و نیک برانید، هیچ ناتوان و مسلمانی را زیر پای نگیرید. با آرامش و میانه روی حرکت کنید».

زیرا رسول خدا ﷺ شتر خود را باز می داشت تا سرش به بالای پا می رسید و می فرمود: «ای مردم! بر شما باد به سواری». پس سنت رسول خدا ﷺ قابل پیروی است.

معاویه بن عمار گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: «اللَّهُمَّ أَعْتِقْنِي مِنَ النَّارِ» و آن را تکرار می نمود تا کوچ می کرد.

فَقُلْتُ: أَلَا تُفِيضُ فَقَدْ أَفَاضَ النَّاسُ؟  
 فَقَالَ: إِنِّي أَخَافُ الزَّحَامَ وَ أَخَافُ أَنْ أَشْرَكَ فِي عَنَتِ إِنْسَانٍ.  
 ۳- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ  
 عِيسَى عَنْ هَارُونَ بْنِ خَارِجَةَ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ فِي آخِرِ كَلَامِهِ  
 حِينَ أَفَاضَ:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَظْلِمَ أَوْ أُظْلَمَ أَوْ أَقْطَعَ رَحِمًا أَوْ أُؤْذِيَ جَارًا».

۴- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ  
 مَحْبُوبٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ رَبَّابٍ عَنْ ضُرَيْسٍ الْكُنَاسِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:  
 سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ أَفَاضَ مِنْ عَرَفَاتٍ قَبْلَ أَنْ تَغِيبَ الشَّمْسُ.  
 قَالَ: عَلَيْهِ بَدَنَةٌ يَنْحَرُهَا يَوْمَ النَّحْرِ، فَإِنْ لَمْ يَقْدِرْ صَامَ ثَمَانِيَةَ عَشَرَ يَوْمًا بِمَكَّةَ أَوْ  
 فِي الطَّرِيقِ أَوْ فِي أَهْلِهِ.

گفتم: آیا کوچ نمی‌کنید که مردم کوچ کردند؟

فرمود: من از ازدحام بیم دارم، می‌ترسم در آزار و سختی انسانی انسانی شریک شوم.  
 ۳- هارون بن خارجه گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که در زمان کوچ در پایان کلامش  
 می‌فرمود: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَظْلِمَ أَوْ أُظْلَمَ أَوْ أَقْطَعَ رَحِمًا أَوْ أُؤْذِيَ جَارًا».

۴- ضریس کناسی گوید: از امام باقر عليه السلام پرسیدم: کسی که پیش از غروب آفتاب کوچ  
 کرده چه وظیفه‌ای دارد؟

فرمود: شتر فربه بر عهده اوست که روز قربانی نحر کند و اگر نتوانست هیجده روز در  
 مکه یا در راه یا در وطنش روزه بگیرد.



- ۵- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُؤَيْدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:
- يُوكِّلُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مَلَكََيْنِ بِمَا زَمِي عَرَفَةَ فَيَقُولَانِ: سَلِّمْ سَلِّمْ.
- ۶- وَ عَنْهُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ سَعِيدِ الْأَعْرَجِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:
- مَلَكَانِ يُفَرِّجَانِ لِلنَّاسِ لَيْلَةَ مُزْدَلِفَةَ عِنْدَ الْمَازِمِينَ الضَّيِّقِينَ.

(۱۶۷)

### بَابُ لَيْلَةِ الْمُزْدَلِفَةِ وَالْوُقُوفِ بِالْمَشْعَرِ وَالْإِفَاضَةِ مِنْهُ وَحُدُودِهِ

- ۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ وَحَمَّادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

۵- عبدالله بن سنان گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

خداوند دو فرشته را در تنگنای دو کوه عرفه می‌گمارد، پس می‌گویند: بی‌آزار باش! بی‌آزار باش!

۶- سعید اعرج گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

دو فرشته در شب مزدلفه نزد تنگنای دو کوه بر مردم راه باز می‌کنند.

### بخش صد و شصت و هفتم

رفتن به مزدلفه شب هنگام، ایستادن در دامنه کوه مشعر و  
فرود آمدن از آن و حدود آن

۱- حلبی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

لَا تُصَلِّ الْمَغْرِبَ حَتَّى تَأْتِيَ جَمْعًا فَتُصَلِّيَ بِهَا الْمَغْرِبَ وَالْعِشَاءَ الْآخِرَةَ بِأَذَانٍ  
وَاحِدٍ وَإِقَامَتَيْنِ، وَانْزِلْ بِبَطْنِ الْوَادِي عَنْ يَمِينِ الطَّرِيقِ قَرِيبًا مِنَ الْمَشْعَرِ.  
وَ يُسْتَحَبُّ لِلصُّرُورَةِ أَنْ يَقِفَ عَلَى الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ وَيَطَّأَهُ بِرِجْلِهِ وَلَا يُجَاوِزَ  
الْحِيَاضَ لَيْلَةَ الْمُرْدَلِفَةِ وَيَقُولُ:

«اللَّهُمَّ هَذِهِ جَمْعُ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْمَعَ لِي فِيهَا جَوَامِعَ الْخَيْرِ. اللَّهُمَّ لَا تُؤَيِّسْنِي مِنَ  
الْخَيْرِ الَّذِي سَأَلْتُكَ أَنْ تَجْمَعَهُ لِي فِي قَلْبِي وَأَطْلُبُ إِلَيْكَ أَنْ تُعَرِّفَنِي مَا عَرَفْتَ أَوْلِيَاءَكَ فِي مَنْزِلِي  
هَذَا وَأَنْ تُقَيِّنِي جَوَامِعَ الشَّرِّ».

وَإِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ تُحْيِيَ تِلْكَ اللَّيْلَةَ فَافْعَلْ، فَإِنَّهُ بَلَعْنَا أَنْ أَبْوَابَ السَّمَاءِ لَا تُغْلَقُ  
تِلْكَ اللَّيْلَةَ لِأَصْوَاتِ الْمُؤْمِنِينَ، لَهُمْ دَوِيٌّ كَدَوِيٍّ النَّحْلِ، يَقُولُ اللَّهُ جَلَّ ثَنَاؤُهُ: «أَنَا  
رَبُّكُمْ وَأَنْتُمْ عِبَادِي أَذِيتُمْ حَقِّي وَحَقَّ عَلَيَّ أَنْ أُسْتَجِيبَ لَكُمْ» فَيَحُطُّ اللَّهُ تِلْكَ اللَّيْلَةَ عَمَّنْ  
أَرَادَ أَنْ يَحُطَّ عَنْهُ ذُنُوبُهُ وَيَغْفِرَ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يَغْفِرَ لَهُ.

نماز مغرب را مگزار تا به گروه بیبوندی و نماز مغرب و عشا را به یک اذان و دو اقامه در  
مزدلفه بخوانی و به هنگام فرود در وسط وادی از دست راست نزدیک مشعر فرود آی. و  
مستحب است برای کسی که نخستین بار حج انجام می دهد در مشعرالحرام توقف کند و بر  
آن پا بگذارد و در شب مزدلفه از حوض ها نگذرد و بگوید:

«اللَّهُمَّ هَذِهِ جَمْعُ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْمَعَ لِي فِيهَا جَوَامِعَ الْخَيْرِ. اللَّهُمَّ لَا تُؤَيِّسْنِي مِنَ الْخَيْرِ الَّذِي  
سَأَلْتُكَ أَنْ تَجْمَعَهُ لِي فِي قَلْبِي وَأَطْلُبُ إِلَيْكَ أَنْ تُعَرِّفَنِي مَا عَرَفْتَ أَوْلِيَاءَكَ فِي مَنْزِلِي هَذَا وَأَنْ تُقَيِّنِي  
جَوَامِعَ الشَّرِّ».

و اگر توانستی آن شب را احیاء داری، انجام بده، زیرا به ما روایت شده است که  
درب های آسمان در آن شب بر صوت های مؤمنان بسته نمی شود، آنان صدایی همانند  
صدای زنبور دارند، خداوندی که ثنای او بزرگ است می فرماید: «أَنَا رَبُّكُمْ وَأَنْتُمْ عِبَادِي أَذِيتُمْ  
حَقِّي وَحَقَّ عَلَيَّ أَنْ أُسْتَجِيبَ لَكُمْ».

خداوند در آن شب گناه آن که را خواهد می ریزد و آن که را بخواهد او را می بخشد.

۲- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ عَنَبَسَةَ بْنِ مُضْعَبٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الرُّكْعَاتِ الَّتِي بَعْدَ الْمَغْرِبِ لَيْلَةَ الْمَزْدَلِفَةِ. فَقَالَ: صَلَّهَا بَعْدَ الْعِشَاءِ أَرْبَعَ رُكْعَاتٍ.

۳- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

يُسْتَحَبُّ لِلصَّرُورَةِ أَنْ يَطَّأَ الْمَشْعَرَ الْحَرَامَ وَأَنْ يَدْخُلَ الْبَيْتَ.

۴- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى وَ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

أَصْبَحَ عَلَى طَهْرٍ بَعْدَ مَا تُصَلِّي الْفَجْرَ فَقِفْ إِنْ شِئْتَ قَرِيباً مِنَ الْجَبَلِ، وَإِنْ شِئْتَ حَيْثُ شِئْتَ، فَإِذَا وَقَفْتَ فَاحْمَدِ اللَّهَ وَ أَثْنِ عَلَيْهِ وَ اذْكُرْ مِنْ آيَاتِهِ وَ بَلَايِهِ مَا قَدَرْتَ عَلَيْهِ وَ صَلِّ عَلَى النَّبِيِّ صلوات الله عليه وَ لِيَكُنْ مِنْ قَوْلِكَ:

۲- عنبسة بن مصعب گوید: از امام صادق عليه السلام در مورد نمازهای بعد از نماز مغرب در مزدلفه پرسیدم؟

فرمود: بعد از عشاء چهار رکعت نماز بخوان.

۳- راوی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

مستحب است برای کسی که نخستین بار حج انجام می دهد گام بر مشعرالحرام بنهد و داخل کعبه شود.

۴- معاویه بن عمار گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

در مشعر بعد از نماز صبح با وضو صبح را آغاز کن. پس اگر خواستی نزدیک کوه مشعر بایست و یا هر جا که خواستی، آن گاه که ایستادی خدا را حمد کن و ثنایش نما و هر چه توانستی از نعمت ها و بلاهای او یاد کن و بر پیامبر صلوات الله علیه درود فرست و این دعا را بخوان:

«اللَّهُمَّ رَبَّ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ فَكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ وَادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجَنِّ وَالْإِنْسِ، اللَّهُمَّ أَنْتَ خَيْرُ مَطْلُوبٍ إِلَيْهِ وَخَيْرُ مَدْعُوٍّ وَخَيْرُ مُسْتَوْوَلٍ وَلِكُلِّ وَافِدٍ جَائِزَةٌ فَاجْعَلْ جَائِزَتِي فِي مَوْطِنِي هَذَا أَنْ تُقِيلَنِي عَثْرَتِي وَتَقْبَلَ مَغْدِرَتِي وَأَنْ تَجَاوِزَ عَنْ خَطِيئَتِي، ثُمَّ اجْعَلِ التَّقْوَى مِنَ الدُّنْيَا زَادِي» ثُمَّ أَفِضَ حِينَ يُشْرِقُ لَكَ ثَبِيرٌ وَتَرَى الْإِبِلَ مَوْضِعَ أَخْفَافِهَا.

۵- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا إِبْرَاهِيمَ عليه السلام أَيُّ سَاعَةٍ أَحَبُّ إِلَيْكَ أَنْ أَفِضَ مِنْ جَمْعٍ؟ فَقَالَ: قَبْلَ أَنْ تَطْلُعَ الشَّمْسُ بِقَلِيلٍ فَهِيَ أَحَبُّ السَّاعَاتِ إِلَيَّ. قُلْتُ: فَإِنْ مَكُنَّا حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ. قَالَ: لَيْسَ بِهِ بَأْسٌ.

۶- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

«اللَّهُمَّ رَبَّ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ فَكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ وَادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجَنِّ وَالْإِنْسِ، اللَّهُمَّ أَنْتَ خَيْرُ مَطْلُوبٍ إِلَيْهِ وَخَيْرُ مَدْعُوٍّ وَخَيْرُ مُسْتَوْوَلٍ وَلِكُلِّ وَافِدٍ جَائِزَةٌ فَاجْعَلْ جَائِزَتِي فِي مَوْطِنِي هَذَا أَنْ تُقِيلَنِي عَثْرَتِي وَتَقْبَلَ مَغْدِرَتِي وَأَنْ تَجَاوِزَ عَنْ خَطِيئَتِي، ثُمَّ اجْعَلِ التَّقْوَى مِنَ الدُّنْيَا زَادِي».

سپس روان شو تا برای تو کوه ثبیر نمایان شود و شتران جای پای خود را ببینند.

۵- اسحاق بن عمار گوید: از امام کاظم عليه السلام پرسیدم: کدام ساعت نزد شما بهتر است برای کوچ کردن از جمع؟

فرمود: کمی پیش از طلوع آفتاب. آن بهترین ساعات نزد من است.

گفتم: اگر درنگ نمودیم تا آفتاب طلوع کرد؟

فرمود: ایرادی ندارد.

۶- هشام بن سالم گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

لَا تُجَاوِزُ وَادِي مُحَسَّرٍ حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ.

(۱۶۸)

### بَابُ السَّغْيِ فِي وَادِي مُحَسَّرٍ

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَفْصِ بْنِ الْبَخْتَرِيِّ وَغَيْرِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

أَنَّهُ قَالَ لِبَعْضِ وَلَدِهِ: هَلْ سَعَيْتَ فِي وَادِي مُحَسَّرٍ؟  
فَقَالَ: لَا.

قَالَ: فَأَمْرُهُ أَنْ يَرْجِعَ حَتَّى يَسْعَى.

قَالَ: فَقَالَ لَهُ ابْنُهُ: لَا أَعْرِفُهُ.

فَقَالَ لَهُ: سَلِ النَّاسَ.

از وادی محسّر نگذريد تا آفتاب طلوع نمايد.

### بخش صد و شصت و هشتم

### هروله و تند روی در وادی محسّر

۱- حفص بن بختري و راوی دیگری گویند: امام صادق عليه السلام به یکی از فرزنداناش فرمود:

آیا در وادی محسّر تندروی کردی؟

گفت: نه.

پس به او دستور فرمود که برگردد و هروله نماید.

فرزندش به حضرتش گفت: آن جا را نمی شناسم.

فرمود: از مردم بپرس.

۲ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَجَّالِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا قَالَ: مَرَّ رَجُلٌ بِوَادِي مُحَسَّرٍ فَأَمَرَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَعْدَ الْإِنْصِرَافِ إِلَى مَكَّةَ أَنْ يَرْجِعَ فَيَسْعَى.

۳ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِذَا مَرَرْتَ بِوَادِي مُحَسَّرٍ وَ هُوَ وَادٍ عَظِيمٌ بَيْنَ جَمْعٍ وَ مَنًى وَ هُوَ إِلَى مَنًى أَقْرَبُ فَاسْعَ فِيهِ حَتَّى تُجَاوِزَهُ، فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ حَرَّكَ نَاقَتَهُ وَ قَالَ: «اللَّهُمَّ سَلِّمْ لِي عَهْدِي وَ أَقْبَلْ تَوْبَتِي وَ أَجِبْ دَعْوَتِي وَ اخْلُفْنِي فِيمَنْ تَرَكْتُ بَعْدِي».

۴ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: الْحَرَكَةُ فِي وَادِي مُحَسَّرٍ مِائَةُ خُطْوَةٍ.

۵ - أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

۲ - یکی از اصحاب ما گوید: مردی از وادی محسّر گذشت. امام صادق علیه السلام دستور فرمود که بعد از رفتن به مکه برگشته و هروله نماید.

۳ - معاویه بن عمار گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

چون از وادی محسّر گذشتی - که آن وادی بزرگی است ما بین جمع و منا است و آن به منا نزدیکتر است - پس در آن سعی و هروله کن تا آن جا را بگذری؛ زیرا رسول خدا ﷺ شتر خود را به حرکت و تندروی واداشت و فرمود: «اللَّهُمَّ سَلِّمْ لِي عَهْدِي وَ أَقْبَلْ تَوْبَتِي وَ أَجِبْ دَعْوَتِي وَ اخْلُفْنِي فِيمَنْ تَرَكْتُ بَعْدِي».

۴ - محمد بن اسماعیل گوید: امام ابوالحسن علیه السلام فرمود:

تند روی در وادی محسّر به اندازه صد گام است.

۵ - اسحاق بن عمار گوید:

سَأَلْتُهُ عَنْ حَدِّ جَمْعٍ.

قَالَ: مَا بَيْنَ الْمَازَمِينِ إِلَى وَادِي مُحَسَّرٍ.

۶ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى وَ غَيْرُهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: حَدُّ الْمَزْدَلِفَةِ مِنْ مُحَسَّرٍ إِلَى الْمَازَمِينِ.

۷ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ وَ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ جَمِيعاً عَنْ ابْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِذَا كَثُرَ النَّاسُ بِجَمْعٍ وَ ضَاقَتْ عَلَيْهِمْ كَيْفَ يَصْنَعُونَ؟ قَالَ: يَرْتَفِعُونَ إِلَى الْمَازَمِينِ.

۸ - أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْعَاصِمِيُّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ التَّيْمَلِيُّ عَنْ عَمْرِو بْنِ عُثْمَانَ الْأَزْدِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عُدَّافٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ قَالَ: الرَّمْلُ فِي وَادِي مُحَسَّرٍ قَدْرُ مِائَةِ ذِرَاعٍ.

از امام کاظم عليه السلام در مورد حدود جمع پرسیدم.

فرمود: ما بین مازمین تا وادی محسّر است.

۶ - ابوبصیر گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

حدود مزدلفه از وادی محسّر تا مازمین است.

۷ - سماعه گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: چون مردم در جمع زیاد شدند و جا بر آنها

تنگ شد، چه وظیفه‌ای دارند؟

فرمود: به طرف مازمین بالا روند.

۸ - عمر بن یزید گوید:

تند روی و هروله در وادی محسّر به اندازه صد گام است.

(۱۶۹)

**بَابُ مَنْ جَهِلَ أَنْ يَقِفَ بِالْمَشْعَرِ**

۱ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَكِيمٍ قَالَ:  
 قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: الرَّجُلُ الْأَعْجَمِيُّ وَالْمَرْأَةُ الضَّعِيفَةُ يَكُونَانِ مَعَ الْجَمَّالِ  
 الْأَعْرَابِيِّ فَإِذَا أَفَاضَ بِهِمْ مِنْ عَرَفَاتٍ مَرَّ بِهِمْ كَمَا مَرَّ بِهِمْ إِلَى مِنًى وَلَمْ يَنْزِلْ بِهِمْ  
 جَمْعًا.

فَقَالَ: أَلَيْسَ قَدْ صَلَّوْا بِهَا فَقَدْ أَجَزَّاهُمْ؟  
 قُلْتُ: وَإِنْ لَمْ يُصَلُّوا بِهَا؟  
 قَالَ: ذَكَرُوا اللَّهَ فِيهَا، فَإِنْ كَانُوا ذَكَرُوا اللَّهَ فِيهَا فَقَدْ أَجَزَّاهُمْ.

**بخش صد و شصت و نهم****حکم کسی که از وقوف در مشعر آگاهی نداشت**

۱ - محمد بن حکیم گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: مرد ناآگاهی به همراه زن ناتوانی با  
 شتربان صحرائشین همسفرند، هنگامی که آنها را از عرفات کوچ می‌داد همانند کوچ دادن  
 از منا بود و آنها را در جمع پیاده نکرد (چه وظیفه‌ای دارند؟)  
 فرمود: آیا در آن جا نماز نخواندند؟ همان کفایت می‌کند.  
 گفتم: اگر آن جا نماز نخوانده باشند چه؟  
 فرمود: خدا را یاد نمودند، پس اگر در آن جا به یاد خدا بودند آنها را کفایت می‌کند.



۲ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ ابْنِ مُسْكَانٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: جُعِلْتُ فِدَاكَ! إِنَّ صَاحِبِي هَذَيْنِ جَهْلَانِ يَقِفَا بِالْمُزْدَلِفَةِ. فَقَالَ: يَرْجِعَانِ مَكَانَهُمَا فَيَقِفَانِ بِالْمَشْعَرِ سَاعَةً.

قُلْتُ: فَإِنَّهُ لَمْ يُخْبِرْهُمَا أَحَدٌ حَتَّى كَانَ الْيَوْمُ وَ قَدْ نَفَرَ النَّاسُ.

قَالَ: فَتَكْسِرُ رَأْسَهُ سَاعَةً، ثُمَّ قَالَ: أَلَيْسَا قَدْ صَلَّيَا الْعَدَاةَ بِالْمُزْدَلِفَةِ؟

قُلْتُ: بَلَى.

فَقَالَ: أَلَيْسَا قَدْ قَتْنَا فِي صَلَاتِهِمَا؟

قُلْتُ: بَلَى.

فَقَالَ: تَمَّ حُجُّهُمَا.

ثُمَّ قَالَ: الْمَشْعَرُ مِنَ الْمُزْدَلِفَةِ وَ الْمُزْدَلِفَةُ مِنَ الْمَشْعَرِ وَإِنَّمَا يَكْفِيهِمَا الْيَسِيرُ مِنَ الدُّعَاءِ.

۲ - ابوبصیر گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: قربانت گردم! این دو نفر همراهانم متوجه نبودند که باید در مزدلفه وقوف کنند؟

فرمود: به مشعر برگردند و ساعتی در آن جا توقف نمایند.

گفتم: کسی که به آنها تا به امروز خبر نداده بود و مردم هم رفته‌اند؟

حضرت لحظاتی سرش را پایین انداخت، آن گاه فرمود: آیا نماز صبح را در مزدلفه نخوانده‌اند؟

گفتم: آری.

فرمود: آیا در نمازشان قنوت نکرده‌اند؟

گفتم: چرا.

فرمود: حجشان تمام است.

سپس فرمود: مشعر از مزدلفه و مزدلفه از مشعر است، همانا کمترین دعا در آنها کفایت می‌کند.

۳- مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: مَا تَقُولُ فِي رَجُلٍ أَفَاضَ مِنْ عَرَفَاتٍ فَأَتَى مِنِّي؟  
قَالَ: فَلْيَرْجِعْ فَيَأْتِي جَمْعًا فَيَقِفُ بِهَا، وَإِنْ كَانَ النَّاسُ قَدْ أَفَاضُوا مِنْ جَمْعٍ.  
۴- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: رَجُلٌ أَفَاضَ مِنْ عَرَفَاتٍ فَمَرَّ بِالْمَشْعَرِ فَلَمْ يَقِفْ حَتَّى  
انْتَهَى إِلَى مِنًى وَرَمَى الْجَمْرَةَ وَلَمْ يَعْلَمْ حَتَّى ارْتَفَعَ النَّهَارُ.  
قَالَ: يَرْجِعُ إِلَى الْمَشْعَرِ فَيَقِفُ بِهِ ثُمَّ يَرْجِعُ فَيَرْمِي الْجَمْرَةَ.  
۵- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْخَثْعَمِيِّ عَنْ  
أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:  
أَنَّهُ قَالَ فِي رَجُلٍ لَمْ يَقِفْ بِالْمُزْدَلِفَةِ وَلَمْ يَبْتَ بِهَا حَتَّى أَتَى مِنًى

۳- معاویہ بن عمار گوید: بہ امام صادق علیہ السلام گفتم: نظر شما درباره مردی کہ از عرفات  
کوچ کردہ (بدون توقف در مشعر) بہ منا آمدہ است چیست؟

فرمود: بہ جمع مزدلفہ برگردد، و در آن جا وقوف کند، گرچہ مردم از جمع رفتہ باشند.  
۴- یونس بن یعقوب گوید: بہ امام صادق علیہ السلام گفتم: مردی کہ از عرفات کوچ کردہ و از  
مشعر ہم گذشتہ و توقف نکرده تا بہ منا رسیدہ و سنگ جمرہ عقبہ را ہم انداختہ و باز  
ندانستہ تا روز بلند شدہ است (چہ وظیفہ ای دارد؟)

فرمود: بہ مشعر برمی گردد و آن جا توقف می کند، سپس برمی گردد و بہ جمرہ عقبہ  
سنگ می اندازد.

۵- محمد بن یحیی خثعمی گوید: امام صادق علیہ السلام در مورد کسی کہ در مزدلفہ توقف و  
بیتوہ نکرده تا بہ منا آمدہ فرمود:

فَقَالَ:

أَلَمْ يَرَ النَّاسَ وَلَمْ يُنْكِرْ مِنِّي حِينَ دَخَلَهَا؟

قُلْتُ: فَإِنْ جَهِلَ ذَلِكَ.

قَالَ: يَرْجِعُ.

قُلْتُ: إِنَّ ذَلِكَ قَدْ فَاتَهُ.

فَقَالَ: لَا بَأْسَ.

۶- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ رِثَابٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: مَنْ أَفَاضَ مِنْ عَرَفَاتٍ مَعَ النَّاسِ، وَلَمْ يَلْبُثْ مَعَهُمْ بِجَمْعٍ، وَ مَضَى إِلَى مِنًى مُتَعَمِّدًا أَوْ مُسْتَخِفًّا فَعَلَيْهِ بَدَنَةٌ.

آیا مردم را ندیده و در منا هم چون داخل شد به یاد نیاورده است؟

گفتم: اگر به آن هم آگاه نبود چه؟

فرمود: برمی گردد.

گفتم: وقت آن گذشته است؟

فرمود: ایرادی ندارد.

۶- حرّیز گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هر که از عرفات با مردم کوچ کند و با آنها در جمع مزدلفه توقف نکند و از روی عمد و یا

بی اعتنائی به منا برود بر اوست که یک شتر قربانی کند.

(۱۷۰)

**بَابُ مَنْ تَعَجَّلَ مِنَ الْمُزْدَلِفَةِ قَبْلَ الْفَجْرِ**

- ۱ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ رَبَاطٍ عَنْ مِسْمَعٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:  
 فِي رَجُلٍ وَقَفَ مَعَ النَّاسِ بِجَمْعٍ ثُمَّ أَفَاضَ قَبْلَ أَنْ يُفِيضَ النَّاسُ.  
 قَالَ: إِنْ كَانَ جَاهِلًا فَلَا شَيْءَ عَلَيْهِ، وَإِنْ كَانَ أَفَاضَ قَبْلَ طُلُوعِ الْفَجْرِ فَعَلَيْهِ دَمٌ شَاةٌ.
- ۲ - الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوُشَّاءِ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ سَعِيدِ السَّمَّانِ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ:  
 إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله عَجَّلَ النِّسَاءَ لَيْلًا مِنَ الْمُزْدَلِفَةِ إِلَى مِنًى وَأَمَرَ مَنْ كَانَ مِنْهُمْ عَلَيْهَا هَدْيً أَنْ تَرْمِي وَلَا تَبْرَحَ حَتَّى تَذْبَحَ، وَمَنْ لَمْ يَكُنْ عَلَيْهَا مِنْهُمْ هَدْيً أَنْ تَمْضِيَ إِلَى مَكَّةَ حَتَّى تَزُورَ.

**بخش صد وهفتادم****حکم کسی که پیش از طلوع فجر با شتاب از مزدلفه کوچ کند**

- ۱ - مسمع گوید: امام صادق عليه السلام در مورد کسی که با مردم در مزدلفه توقف نموده بود، آن‌گاه پیش از مردم از آن جا کوچ کرد فرمود:  
 اگر نمی‌دانست چیزی بر او نیست، و اگر پیش از طلوع فجر کوچ کرده بر اوست که یک گوسفند قربانی کند.
- ۲ - سعید سمّان گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می‌فرمود:  
 رسول خدا صلى الله عليه وآله برای زنان در شب تعجیل می‌فرمود که از مزدلفه به منا بروند و دستور فرمود که هر کس از آنها قربانی بر ذمه دارد سنگ جمره را انداخته و بلافاصله قربانی نماید، و آن‌که برگردنش قربانی نیست به مکه برود و زیارت نماید.

۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحَدِهِمَا عليه السلام قَالَ:

لَا بَأْسَ بِأَنْ يُفِيضَ الرَّجُلُ بِلَيْلٍ إِذَا كَانَ خَائِفًا.

۴- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَحَدِهِمَا عليه السلام قَالَ:

أَيُّمَا امْرَأَةٍ أَوْ رَجُلٍ خَائِفٍ أَفَاضَ مِنَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ لَيْلًا فَلَا بَأْسَ فَلْيَزِمِ الْجَمْرَةَ ثُمَّ لِيَمْضِ وَلْيَأْمُرْ مَنْ يَذْبَحُ عَنْهُ وَتُقَصِّرُ الْمَرْأَةُ وَيَحْلِقُ الرَّجُلُ ثُمَّ لِيُطْفِئَ بِالْبَيْتِ وَبِالصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ ثُمَّ لِيَرْجِعْ إِلَى مَنْى، فَإِنْ أَتَى مَنْى وَلَمْ يَذْبَحْ عَنْهُ فَلَا بَأْسَ أَنْ يَذْبَحَ هُوَ وَلِيَحْمِلَ الشَّعْرَ إِذَا حَلَقَ بِمَكَّةَ إِلَى مَنْى، وَإِنْ شَاءَ قَصَرَ إِنْ كَانَ قَدْ حَجَّ قَبْلَ ذَلِكَ.

۵- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ أَبِي الْمَغْرَاءِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

۳- یکی از اصحاب ما گوید: امام (باقر علیه السلام و یا امام صادق علیه السلام) فرمود:

ایرادی ندارد کسی که بترسد شبانه از مزدلفه کوچ کند.

۴- علی بن ابی حمزه گوید: امام (باقر یا امام صادق علیه السلام) فرمود:

هر زن یا مردی که شب هنگام بترسد و از مشعرالحرام برود ایرادی ندارد که به جمره عقبه سنگ زده بعد برود و به یکی بگوید که از جانب او قربانی کند. زن می تواند مو کوتاه کند و مرد سر بتراشد، سپس طواف بیت و سعی صفا و مروه نماید، آن گاه به منا برگردد و اگر به منا آمد که از جانب او قربانی نشده؛ ایرادی ندارد که خود قربانی کند و هرگاه در مکه سرش را بتراشد موهایش را به منا بیاورد و اگر پیشتر حج نموده باشد می تواند تقصیر نماید.

۵- ابو بصیر گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

رَخَّصَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لِلنِّسَاءِ وَ الصَّبِيَّانِ أَنْ يُفِيضُوا بِلَيْلٍ وَ يَرْمُوا الْجِمَارَ بِلَيْلٍ، وَ أَنْ يُصَلُّوا الْعِدَاةَ فِي مَنَازِلِهِمْ، فَإِنْ خَفْنَ الْحَيْضَ مَضَيْنَ إِلَى مَكَّةَ، وَ وَكَّلْنَ مَنْ يُضَحِّي عَنْهُنَّ.

۶- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ:

لَا بَأْسَ بِأَنْ تُقَدَّمَ النِّسَاءُ إِذَا زَالَ اللَّيْلُ فَيَقِفْنَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ سَاعَةً، ثُمَّ يُنْطَلِقْنَ بِهِنَّ إِلَى مَنَى فَيَرْمِينَ الْجَمْرَةَ ثُمَّ يَصْبِرُونَ سَاعَةً ثُمَّ يَقْصِرُونَ وَ يُنْطَلِقْنَ إِلَى مَكَّةَ فَيَطْفِئْنَ إِلَّا أَنْ يَكُنَّ يُرِدْنَ أَنْ يَذْبَحَ عَنْهُنَّ، فَإِنَّهُنَّ يُوَكَّلْنَ مَنْ يَذْبَحُ عَنْهُنَّ.

۷- وَ عَنْهُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ سَعِيدِ الْأَعْرَجِ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ: جُعِلَتْ فِدَاكَ! مَعَنَا نِسَاءٌ فَأُفِيضُ بِهِنَّ بِلَيْلٍ؟

قَالَ: نَعَمْ، تُرِيدُ أَنْ تَصْنَعَ كَمَا صَنَعَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ؟

قَالَ: قُلْتُ: نَعَمْ.

رسول خدا ﷺ به زنان و کودکان رخصت داد که شب هنگام از مزدلفه کوچ کنند و سنگ‌ها را شب بپندازند و نماز صبح را در خانه‌هایشان بخوانند و اگر زن‌ها از حیض شدن بترسند به مکه بروند و یکی را برای قربانی وکیل کنند.

۶- ابوبصیر گوید: از امام صادق ﷺ شنیدم که می‌فرمود:

ایرادی بر زنان نیست که چون نصف شب شود ساعتی نزد مشعرالحرام توقف نموده بعد آن‌ها را به مناروانه کنند که به جمره عقبه سنگ بزنند، بعد ساعتی درنگ کنند آن‌گاه مو کوتاه نموده و به سوی مکه بروند و طواف نمایند، مگر این که بخواهند از جانب خود وکیل گرفته و قربانی کنند که چنین نمایند.

۷- سعد اعرج گوید: به امام صادق ﷺ گفتم: قربانت گردم! همراه ما زنانی آمده‌اند،

می‌توانیم شبانه آن‌ها را از مزدلفه کوچ دهیم؟

فرمود: آری، می‌خواهی همانند رسول خدا ﷺ انجام دهی؟

گوید: گفتم: آری.

فَقَالَ: أَفْضُ بِهِنَّ بَلِيلٌ وَلَا تُفِضُ بِهِنَّ حَتَّى تَقِفَ بِهِنَّ بِجَمْعٍ، ثُمَّ أَفْضُ بِهِنَّ حَتَّى تَأْتِيَ بِهِنَّ الْجَمْرَةَ الْعُظْمَى فَيَرْمِينَ الْجَمْرَةَ، فَإِنْ لَمْ يَكُنْ عَلَيْهِنَّ ذَبْحٌ فَلْيَأْخُذْنَ مِنْ شُعُورِهِنَّ وَيَقْصُرْنَ مِنْ أَظْفَارِهِنَّ وَيَمْضِينَ إِلَى مَكَّةَ فِي وُجُوهِهِنَّ وَيَطْفُنَ بِالْبَيْتِ وَيَسْعَيْنَ بَيْنَ الصَّفا وَالمَرْوَةِ ثُمَّ يَرْجِعْنَ إِلَى الْبَيْتِ وَيَطْفُنَ أُسْبُوعاً ثُمَّ يَرْجِعْنَ إِلَى مِنًى وَقَدْ فَرَّغْنَ مِنْ حَجَّهِنَّ.

وَقَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ أَرْسَلَ مَعَهُنَّ أَسَامَةَ.

۸- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَفْصِ بْنِ الْبَخْتَرِيِّ وَغَيْرِهِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

رَخَّصَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لِلنِّسَاءِ وَالصُّعَفَاءِ أَنْ يُفِضُوا مِنْ جَمْعِ بَلِيلٍ، وَأَنْ يَرْمُوا الْجَمْرَةَ بَلِيلٍ، فَإِنْ أَرَادُوا أَنْ يَزُورُوا الْبَيْتَ وَكُلُّوا مِنْ يَذْبَحُ عَنْهُنَّ.

فرمود: آنها را شبانه کوچ بده تا در مزدلفه وقوف کنند، سپس آنها را نزد جمره عقبه بزرگتر ببر تا سنگ به جمره زنند و اگر قربانی ندارند بایستی از مو و ناخن خود کوتاه کنند و به مکه بروند و بیت را طواف نموده سعی صفا و مروه کنند، سپس به بیت برگشته هفت شوط طواف کنند آن‌گاه به منا برگردند که در این صورت از حج فارغ شده‌اند.

و فرمود: رسول خدا ﷺ به همراه زنان اسامه را فرستاد.

۸- ابوبصیر گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

رسول خدا ﷺ به زنان و ناتوانان اجازه فرمود که شب هنگام از مزدلفه کوچ کنند و شب رمی جمره نمایند. پس اگر خواستند که بیت را زیارت نمایند، از جانب خود برای قربانی وکیل بگیرند.

(۱۷۱)

## بَابُ مَنْ فَاتَهُ الْحَجُّ

۱ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ دَاوُدَ الرَّقِّيِّ قَالَ:

كُنْتُ مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذْ جَاءَ رَجُلٌ فَقَالَ: إِنَّ قَوْمًا قَدِمُوا يَوْمَ النَّحْرِ وَقَدْ فَاتَهُمُ الْحَجُّ.

فَقَالَ: نَسَأَلُ اللَّهَ الْعَافِيَةَ وَ أَرَى أَنْ يُهَرِّقَ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ دَمَ شَاةٍ وَ يَحِلُّونَ وَ عَلَيْهِمُ الْحَجُّ مِنْ قَابِلٍ إِنْ أَنْصَرَفُوا إِلَى بِلَادِهِمْ وَ إِنْ أَقَامُوا حَتَّى تَمْضِيَ أَيَّامُ التَّشْرِيقِ بِمَكَّةَ ثُمَّ يَخْرُجُوا إِلَى وَقْتِ أَهْلِ مَكَّةَ وَ أَحْرَمُوا مِنْهُ وَ اعْتَمَرُوا فَلَيْسَ عَلَيْهِمُ الْحَجُّ مِنْ قَابِلٍ.

۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى وَ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

## بخش صد و هفتاد و یکم

## کسی که حج از او فوت شده است

۱ - داوود رقی گوید: در منا خدمت امام صادق علیه السلام بودم که مردی آمد و گفت: گروهی در روز قربان وارد مکه شدند و حج آنان فوت شده است.

امام علیه السلام فرمود: از خدا عافیت می طلبم، به نظر من هر یک از آنان گوسفندی ذبح کند و از احرام بیرون آیند و اگر به شهرهای خود باز گشتند در سال آینده حج به جا آورند و اگر در مکه بمانند منتظر شوند تا ایام تشریق (روزهای یازدهم، دوازدهم و سیزدهم) سپری شود و پس از آن به میقات اهل مکه بروند و از آن جا مُحْرَم شوند و عمره به جای آورند. از این رو حج سال آینده بر عهده آنها نیست.

۲ - معاویه بن عمار گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:



مَنْ أَدْرَكَ جَمْعًا فَقَدْ أَدْرَكَ الْحَجَّ.  
وَقَالَ: أَيُّمَا قَارِنٍ أَوْ مُفْرِدٍ أَوْ مُتَمَتِّعٍ قَدِمَ وَ قَدْ فَاتَهُ الْحَجُّ فَلْيَحِلَّ بِعُمْرَةٍ وَ عَلَيْهِ  
الْحَجُّ مِنْ قَابِلٍ.

قَالَ: وَ قَالَ فِي رَجُلٍ أَدْرَكَ الْإِمَامَ وَ هُوَ بِجَمْعٍ.  
فَقَالَ: إِنْ ظَنَّ أَنَّهُ يَأْتِي عَرَفَاتٍ فَيَقِفُ بِهَا قَلِيلًا ثُمَّ يُدْرِكُ جَمْعًا قَبْلَ طُلُوعِ  
الشَّمْسِ فَلْيَأْتِهَا، وَ إِنْ ظَنَّ أَنَّهُ لَا يَأْتِهَا حَتَّى يُفِضُوا فَلَا يَأْتِهَا وَ لِيَقِمَ بِجَمْعٍ فَقَدْ تَمَّ  
حَجُّهُ.

۳ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ أَبِي  
عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

مَنْ أَدْرَكَ الْمَشْعَرَ الْحَرَامَ يَوْمَ النَّحْرِ مِنْ قَبْلِ زَوَالِ الشَّمْسِ فَقَدْ أَدْرَكَ الْحَجَّ.  
۴ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى عَنْ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ  
بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

هر که مشعر را درک کند در واقع حج را درک کرده است.  
و فرمود: هر حاجی که به عنوان حج قرآن یا افراد یا تمتع وارد مکه شود و حج از او  
فوت گردد، بایستی به عمره از احرام بیرون آید و بایستی در سال آینده حجی انجام دهد.  
راوی گفت: امام عليه السلام در مورد فردی که امام را در مشعر درک کند فرمود:  
هر که امام را در مشعر درک نماید و گمان کند که می تواند به عرفات برود و مقداری  
توقف کند سپس بتواند پیش از طلوع فجر به مشعر رود پس آن جا برود و اگر گمانش چنین  
باشد که نمی تواند برود تا مردم کوچ کنند پس آن جا نرود و در مشعر بماند پس حجش  
کامل شده است.

۳ - جمیل بن درّاج گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هر که روز قربان پیش از ظهر به مشعر الحرام رود، در واقع حج را درک نموده است.

۴ - اسحاق بن عمار گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

مَنْ أَدْرَكَ الْمَشْعَرَ الْحَرَامَ وَ عَلَيْهِ خُمْسُهُ مِنَ النَّاسِ قَبْلَ أَنْ تَزُولَ الشَّمْسُ فَقَدْ  
أَدْرَكَ الْحَجَّ.

۵- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام  
قَالَ:

مَنْ أَدْرَكَ الْمَشْعَرَ الْحَرَامَ وَ عَلَيْهِ خُمْسُهُ مِنَ النَّاسِ فَقَدْ أَدْرَكَ الْحَجَّ.  
۶- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي  
عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

قَالَ: تَذَرِي لِمَ جُعِلَ ثَلَاثُ هُنَا؟

قَالَ: قُلْتُ: لَا.

قَالَ: فَمَنْ أَدْرَكَ شَيْئًا مِنْهَا فَقَدْ أَدْرَكَ الْحَجَّ.

هرکس مشعر الحرام را پیش از ظهر با پنج نفر درک کند، در واقع حجش را درک نموده  
است.

۵- نظیر این روایت را هشام بن حکم از امام صادق عليه السلام نقل می‌کند.

۶- یکی از اصحاب ابن عمیر گوید:

امام صادق عليه السلام فرمود:

آیا می‌دانی چرا آن جا (مشعر الحرام) سه مرتبه وقوف قرار داده شد؟

راوی گوید: گفتم: نه.

فرمود: هر که به چیزی از آن رسید و آن را درک کرد، پس در واقع به حج رسیده است.

(۱۷۲)

## بَابُ حَصَى الْجِمَارِ مِنْ أَيْنَ تُؤْخَذُ وَمِقْدَارُهَا

- ۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: خَذُ حَصَى الْجِمَارِ مِنْ جَمْعٍ، وَإِنْ أَخَذْتَهُ مِنْ رَحْلِكَ بِمَنَى أَجْزَأُكَ.
- ۲ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُثَنَّى الْحَنَاطِ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ الْحَصَى الَّتِي يُرْمَى بِهَا الْجِمَارُ. فَقَالَ: تُؤْخَذُ مِنْ جَمْعٍ وَتُؤْخَذُ بَعْدَ ذَلِكَ مِنْ مَنَى.
- ۳ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ رَبِيعٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: خَذُ حَصَى الْجِمَارِ مِنْ جَمْعٍ، وَإِنْ أَخَذْتَهُ مِنْ رَحْلِكَ بِمَنَى أَجْزَأُكَ.
- ۴ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ:

## بخش صد و هفتاد و دوم

## سنگریزه از کجا برداشته می شود؟ و تعداد آنها چقدر است؟

- ۱ - معاویه بن عمار گوید: حضرتش عليه السلام فرمود: سنگریزه جمره ها را باید از مشعر الحرام بردار و اگر آن را از منزل خودت در منا برداری کافی است.
- ۲ - زراره گوید: از امام صادق عليه السلام در مورد سنگریزه هایی که رمی جمره می شوند، پرسیدم. فرمود: از مشعر الحرام برداشته می شود و بعد از آن از منا نیز می توان برداشت.
- ۳ - نظیر روایت پیشین را ربیع نیز از امام صادق عليه السلام نقل می کند.
- ۴ - ابوبصیر گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می فرمود:

التَّقِطِ الْحَصَى وَلَا تَكْسِرَنَّ مِنْهُنَّ شَيْئًا.

۵- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

حَصَى الْجِمَارِ إِنْ أَخَذْتَهُ مِنَ الْحَرَمِ أَجْزَأَكَ، وَإِنْ أَخَذْتَهُ مِنْ غَيْرِ الْحَرَمِ لَمْ يُجْزِئَكَ.

قَالَ: وَقَالَ: لَا تَرْمِي الْجِمَارَ إِلَّا بِالْحَصَى.

۶- ابْنُ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي حَصَى الْجِمَارِ. قَالَ: كُرْهَ الصُّمِّ مِنْهَا. وَقَالَ: خُذِ الْبُرْشَ.

۷- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

سنگریزه‌ها را جداگانه برچین و چیزی از آنها را مشکن.

۵- زراره گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

سنگریزه‌های جمره‌ها را اگر از حرم برداشتی برای تو کافی است و اگر از غیر حرم برداشتی کافی نیست.

گفت: و فرمود: به جمره‌ها جز با سنگریزه سنگ انداخته نمی‌شود.

۶- هشام بن حکم گوید: امام صادق علیه السلام در مورد سنگریزه جمره‌ها فرمود:

مکروه است انسان سنگریزه‌های سفت بردارد.

و فرمود: سنگریزه خال‌دار بردار.

۷- احمد بن محمد بن ابی نصر گوید: امام رضا علیه السلام فرمود:

حَصَى الْجِمَارَ تَكُونُ مِثْلَ الْأَنْثَمَةِ وَ لَا تَأْخُذُهَا سَوْدَاءَ وَ لَا بَيْضَاءَ وَ لَا حَمْرَاءَ  
خُذَهَا كُحْلِيَّةً مُنْقَطَةً تَخَذِفُوهُنَّ خَذْفًا وَ تَضَعُوهَا عَلَى الْإِبْهَامِ وَ تَدْفَعُهَا بِظُفْرِ السَّبَابَةِ  
وَ اِزِمَّهَا مِنْ بَطْنِ الْوَادِي وَ اجْعَلُوهُنَّ عَنْ يَمِينِكَ كُلُّهُنَّ وَ لَا تَزِمِ عَلَى الْجَمْرَةِ وَ تَقِفْ  
عِنْدَ الْجَمْرَتَيْنِ الْأُولَيَيْنِ وَ لَا تَقِفْ عِنْدَ جَمْرَةِ الْعَقَبَةِ.

۸- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ حَنَانٍ عَنْ  
أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

يُجُوزُ أَخْذُ حَصَى الْجِمَارِ مِنْ جَمِيعِ الْحَرَمِ إِلَّا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ مَسْجِدِ الْخَيْفِ.  
۹- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يَاسِينَ  
الضَّرِيرِ عَنْ حَرِيزِ عَمَّنْ أَخْبَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ مِنْ أَيْنَ يَنْبَغِي أَخْذُ حَصَى الْجِمَارِ؟  
قَالَ: لَا تَأْخُذْهُ مِنْ مَوْضِعَيْنِ: مِنْ خَارِجِ الْحَرَمِ وَ مِنْ حَصَى الْجِمَارِ وَ لَا بَأْسَ  
بِأَخْذِهِ مِنْ سَائِرِ الْحَرَمِ.

سنگریزه‌های جمرها به اندازه بند سر انگشت می‌باشد و سنگ سیاه برن دار و نه از سفید و  
نه از قرمز از رنگی و خال دار آن بردار و موقع انداختن آن را بر انگشت ابهام می‌گذاری و با ناخن  
انگشت سبابه می‌اندازی و از وسط وادی که رو به قبله ایستی ستون‌ها در سمت راست تو قرار  
گیرد و بر بالای ستون نینداز و نزد دو ستون می‌ایستی و نزد جمره عقبه نیست.

۸- حنان گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

جایز است که سنگریزه جمرات را از همه جای حرم برداری مگر از مسجد الحرام و  
مسجد خیف.

۹- راوی گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: سزاوار است از کجا سنگریزه جمرات  
برداشته شود؟

فرمود: از دو جا برن دار: از بیرون حرم و از سنگریزه‌های جمرات و ایرادی ندارد که از  
سایر جاهای حرم برداری.

(۱۷۳)

**بَابُ يَوْمِ النَّحْرِ وَ مُبْتَدِ الرَّمْيِ وَ فَضْلِهِ**

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

خُذْ حَصَى الْجِمَارِ ثُمَّ اثْنِ الْجَمْرَةَ الْقُصْوَى الَّتِي عِنْدَ الْعَقَبَةِ فَارْزُمِهَا مِنْ قَبْلِ وَجْهِهَا وَلَا تَرْزُمِهَا مِنْ أَعْلَاهَا وَ تَقُولُ وَ الْحَصَى فِي يَدِكَ:

«اللَّهُمَّ هَؤُلَاءِ حَصَيَاتِي فَأَخْصِنِّي لِي وَ ارْزُقْنِي فِي عَمَلِي».

ثُمَّ تَرْمِي وَ تَقُولُ مَعَ كُلِّ حَصَاةٍ:

«اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُمَّ ادْحَرْ عَنِّي الشَّيْطَانَ اللَّهُمَّ تَصَدِّقًا بِكِتَابِكَ وَ عَلَى سُنَّةِ نَبِيِّكَ ﷺ اللَّهُمَّ

اجْعَلْهُ حَجًّا مَبْرُورًا وَ عَمَلًا مَقْبُولًا وَ سَعْيًا مَشْكُورًا وَ ذَنْبًا مَغْفُورًا».

**بخش صد و هفتاد و سوم****روز قربانی و محل شروع انداختن سنگریزه و فضیلت آن**

۱ - معاویه بن عمار گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

سنگریزه‌های جمرات را بردار و به جمره آخر - که نزد جمره عقبه است - بیا و از مقابل آن بینداز و بر بالای آن نینداز و در حالی که سنگریزه‌ها در دست توست می‌گویی: «اللَّهُمَّ هَؤُلَاءِ حَصَيَاتِي فَأَخْصِنِّي لِي وَ ارْزُقْنِي فِي عَمَلِي».

آن گاه سنگریزه را بینداز و با هر سنگریزه می‌گویی: «اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُمَّ ادْحَرْ عَنِّي الشَّيْطَانَ اللَّهُمَّ تَصَدِّقًا بِكِتَابِكَ وَ عَلَى سُنَّةِ نَبِيِّكَ ﷺ اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ حَجًّا مَبْرُورًا وَ عَمَلًا مَقْبُولًا وَ سَعْيًا مَشْكُورًا وَ ذَنْبًا مَغْفُورًا».

وَلْيَكُنْ فِيمَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الْجُمَرَةِ قَدْرَ عَشْرَةٍ أَوْ خَمْسَةٍ عَشَرَ ذِرَاعًا، فَإِذَا أَتَيْتَ رَحْلَكَ وَرَجَعْتَ مِنَ الرَّمْيِ فَقُلْ:

«اللَّهُمَّ بِكَ وَثِقْتُ وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ فَنِعْمَ الرَّبُّ وَنِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ».

قَالَ: وَ يُسْتَحَبُّ أَنْ يُرْمَى الْجِمَارُ عَلَى طَهْرٍ.

۲- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَدِيدٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَحَدِهِمَا عليه السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ رَمِي الْجُمَرَةِ يَوْمَ النَّحْرِ مَا لَهَا تُرْمَى وَحَدَهَا وَ لَا تُرْمَى مِنَ الْجِمَارِ غَيْرُهَا يَوْمَ النَّحْرِ؟

فَقَالَ: قَدْ كُنَّ يُرْمَيْنَ كُلُّهُنَّ، وَ لَكِنَّهُنَّ تَرَكُوا ذَلِكَ.

فَقُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! فَأَرْمِيهِنَّ؟

قَالَ: لَا تُرْمِيهِنَّ أَمَا تَرْضَى أَنْ تَصْنَعَ مِثْلَ مَا نَصْنَعُ؟

بایستی فاصله تو با جمره ده زراع و یا پنج زراع باشد، و چون از رمی به منزلت برگشتی

بگو: «اللَّهُمَّ بِكَ وَثِقْتُ وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ فَنِعْمَ الرَّبُّ وَنِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ».

حضرتش فرمود: مستحب است که انسان به هنگام رمی جمرات با وضو باشد.

۲- زرارہ گوید: از امام (باقریا امام صادق علیه السلام) پرسیدم: چرا در روز قربانی فقط یک

رمی جمره می شود و جز آن انجام نمی پذیرد؟

فرمود: پیشتر همه سنگریزه ها را در آن روز می انداختند، ولی این امر را ترک نمودند.

گفتم: قربانت کردم! همه سنگریزه ها را در آن بیندازم؟

فرمود: چنین نکن! آیا دوست نداری همانند ما رفتار کنی؟

۳- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ حُمْرَانَ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام عَنْ رَمِي الْجِمَارِ.

فَقَالَ: كُنْ يُرْمَيْنِ جَمِيعاً يَوْمَ النَّحْرِ. فَرَمَيْتُهَا جَمِيعاً بَعْدَ ذَلِكَ ثُمَّ حَدَّثْتُهُ.

فَقَالَ لِي: أَمَا تَرْضَى أَنْ تَصْنَعَ كَمَا كَانَ عَلِيُّ عليه السلام يَصْنَعُ؟ فَتَرَكْتُهُ.

۴- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَحَدِهِمَا عليه السلام وَ عَنْ ابْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ ابْنِ بُكَيْرٍ قَالَ:

كَانَتِ الْجِمَارُ تُرْمَى جَمِيعاً.

قُلْتُ: فَأَرْمِيهَا.

فَقَالَ: لَا، أَمَا تَرْضَى أَنْ تَصْنَعَ كَمَا أَصْنَعُ؟

۵- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ ابْنِ مُسْكَانَ

عَنْ سَعِيدِ الرُّومِيِّ قَالَ:

۳- حمران گوید: از امام باقر عليه السلام در مورد رمی جمره ها پرسیدم.

فرمود: پیشتر همه جمره ها را در روز قربانی رمی می کردند. من بعد از آن همه را رمی

نمودم، آن گاه به حضرتش باز گفتم.

فرمود: آیا خوشنود نیستی که همانند حضرت علی عليه السلام انجام دهی؟!

من دیگر آن کار را ترک کردم.

۴- نظیر این روایت را ابن بکیر نیز از امام (باقر یا امام صادق عليه السلام) نقل می کند.

۵- سعید رومی گوید:



رَمَى أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ۑ الْجَمْرَةَ الْعُظْمَى فَرَأَى النَّاسَ وَقُوفًا فَقَامَ وَسَطَهُمْ ثُمَّ نَادَى بِأَعْلَى صَوْتِهِ: «أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّ هَذَا لَيْسَ بِمَوْقِفٍ» ثَلَاثَ مَرَّاتٍ فَفَعَلْتُ.

۶- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ رَبَاطٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ قَيْسٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ۑ قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ۑ لِرَجُلٍ مِنَ الْأَنْصَارِ: إِذَا رَمَيْتَ الْجِمَارَ كَانَ لَكَ بِكُلِّ حَصَاةٍ عَشْرُ حَسَنَاتٍ تُكْتَبُ لَكَ لِمَا تَسْتَقْبِلُ مِنْ عُمْرِكَ.

۷- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ۑ فِي رَمَى الْجِمَارِ قَالَ لَهُ: بِكُلِّ حَصَاةٍ يَرْمِي بِهَا تُحِطُ عَنْهُ كَبِيرَةٌ مُوبِقَةٌ.

امام صادق ۑ جمره بزرگ را رمی نمود، دید مردم ایستاده‌اند، حضرتش در میان جمعیت ایستاد و سه مرتبه با صدای بلند فرمود: ای مردم! این جا، جای ایستادن نیست. من نیز همانند حضرتش رفتار کردم.

۶- محمد بن قیس گوید: امام باقر ۑ فرمود:

پیامبر خدا ۑ به مرد انصاری فرمود: هرگاه رمی جمره نمایی برای هر سنگ‌ریزه پاداش ده حسنه در آینده عمرت به تو نوشته شود.

۷- حریز گوید: امام صادق ۑ در مورد رمی جمره به من فرمود:

در ازای هر سنگ‌ریزه‌ای که می‌اندازی یک گناه کبیره هلاک‌کننده از تو ریخته می‌شود.

(۱۷۴)

**بَابُ رَمِي الْجِمَارِ فِي أَيَّامِ التَّشْرِيقِ**

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى وَ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

ارْمِ فِي كُلِّ يَوْمٍ عِنْدَ زَوَالِ الشَّمْسِ وَ قُلْ كَمَا قُلْتَ حِينَ رَمَيْتَ جَمْرَةَ الْعَقَبَةِ فَأَبْدَأْ بِالْجَمْرَةِ الْأُولَى فَارْمِهَا عَنْ يَسَارِهَا فِي بَطْنِ الْمَسِيلِ وَ قُلْ كَمَا قُلْتَ يَوْمَ النَّحْرِ، قُمْ عَنْ يَسَارِ الطَّرِيقِ فَاسْتَقْبِلِ الْقِبْلَةَ فَاْحْمِدِ اللَّهَ وَ أَتْنِ عَلَيْهِ وَ صَلِّ عَلَى النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله ثُمَّ تَقَدَّمْ قَلِيلًا فَتَدْعُو وَ تَسْأَلُهُ أَنْ يَتَقَبَّلَ مِنْكَ، ثُمَّ تَقَدَّمْ أَيْضًا ثُمَّ افْعَلْ ذَلِكَ عِنْدَ الثَّانِيَةِ وَ اصْنَعْ كَمَا صَنَعْتَ بِالْأُولَى وَ تَقِفْ وَ تَدْعُو اللَّهَ كَمَا دَعَوْتَ ثُمَّ تَمْضِي إِلَى الثَّالِثَةِ وَ عَلَيْكَ السَّكِينَةُ وَ الْوَقَارُ فَارْمِ وَ لَا تَقِفْ عِنْدَهَا.

**بخش صد و هفتاد و چهارم****حکم رمی جمرات در روزهای دهم، یازدهم و دوازدهم**

۱ - معاویه بن عمار گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هر روز موقع ظهر سنگ بزن و همان را بگو که در موقع رمی جمره عقبه گفتی. پس با جمره اولی آغاز کن، از سمت چپ آن از وسط سیلگاه بینداز و بگو چنانچه روز قربان گفتی، در سمت چپ راه رو به قبله بایست، حمد و ثنای خدا کن و بر محمد صلى الله عليه وآله صلوات بفرست، بعد مقداری پیش برو و دعا کن و از او بخواه که از تو بپرهیزد. بعد باز مقداری پیش برو و در جمره دومی هم مانند جمره اولی انجام بده که بایست و دعا کن چنانچه در آن جا دعا نمودی. بعد برو به طرف ستون سوم و بر تو باد به آرامش و وقار پس سنگ بزن و نزد آن نایست.

۲- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ شُعَيْبٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الْجِمَارِ.  
فَقَالَ: قُمْ عِنْدَ الْجَمْرَتَيْنِ وَلَا تَقُمْ عِنْدَ جَمْرَةِ الْعَقَبَةِ.  
قُلْتُ: هَذَا مِنَ السُّنَّةِ؟

قَالَ: نَعَمْ.  
قُلْتُ: مَا أَقُولُ إِذَا رَمَيْتُ؟  
فَقَالَ: كَبِّرْ مَعَ كُلِّ حَصَاةٍ.

۳- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:  
خُذْ حَصَى الْجِمَارِ بِيَدِكَ الْيُسْرَى وَارْمِ بِالْيَمْنَى.

۲- یعقوب بن شعیب گوید: از امام صادق عليه السلام در مورد جمرات پرسیدم؟  
فرمود: در کنار دو ستون بایست و در کنار ستون جمره عقبه نایست.  
گفتم: این از سنت است؟  
فرمود: آری.

گفتم: هنگام رمی نمودن چه بگویم؟  
فرمود: با هر سنگریزه «الله اکبر» بگو.

۳- ابوبصیر گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:  
سنگریزه‌های جمرات را در دست چپ بگیر و با دست راست بینداز.

۴ - أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ وَ صَفْوَانَ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ جَمِيعاً عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

رَمَى الْجِمَارِ مِنْ طُلُوعِ الشَّمْسِ إِلَى غُرُوبِهَا.

۵ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أَدِينَةَ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

أَنَّهُ قَالَ لِلْحَكَمِ بْنِ عُتَيْبَةَ: مَا حَدَّثَ رَمَى الْجِمَارِ؟

فَقَالَ الْحَكَمُ: عِنْدَ زَوَالِ الشَّمْسِ.

فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَرَأَيْتَ لَوْ أَنَّهُمَا كَانَا رَجُلَيْنِ فَقَالَ أَحَدُهُمَا لِصَاحِبِهِ: اخْفِظْ عَلَيْنَا مَتَاعَنَا حَتَّى أَرْجِعَ أَكَانَ يَفُوتُهُ الرَّمْيُ؟! هُوَ وَاللَّهِ مَا بَيْنَ طُلُوعِ الشَّمْسِ إِلَى غُرُوبِهَا.

۶ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

۴ - ابوبصیر، صفوان و منصور بن حازم گویند: امام صادق علیه السلام فرمود:

وقت رمی جمرات از طلوع خورشید تا غروب آن است.

۵- زراره گوید: امام باقر علیه السلام به حکم بن عتیبه فرمود:

وقت رمی جمرات چقدر است؟

حکم گفت: هنگام ظهر.

حضرت فرمود: اگر دو نفر باشند یکی به رفیق خود بگوید: اساس ما را نگهدار تا برگردم، آیا رمی از او فوت می شود؟ به خدا سوگند! وقت آن از طلوع آفتاب تا غروب آن است.

۶- ابوبصیر گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

رَخَّصَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لِرُعَاةِ الْإِبِلِ إِذَا جَاءُوا بِاللَّيْلِ أَنْ يَرْمُوا.  
 ۷- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ هَمَّامٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرُّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ:

لَا تَرْمِي الْجَمْرَةَ يَوْمَ النَّحْرِ حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ.  
 وَ قَالَ: تَرْمِي الْجِمَارَ مِنْ بَطْنِ الْوَادِي وَ تَجْعَلُ كُلَّ جَمْرَةٍ عَنْ يَمِينِكَ، ثُمَّ تَنْفِتِلُ فِي الشَّقِّ الْأَخْرَ إِذَا رَمَيْتَ جَمْرَةَ الْعَقَبَةِ.  
 ۸- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ أَبَانَ عَنْ مُحَمَّدٍ الْحَلَبِيِّ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ﷺ عَنِ الْغُسْلِ إِذَا أَرَادَ أَنْ يَرْمِيَ.  
 فَقَالَ: رُبَّمَا اغْتَسَلْتُ فَأَمَّا مِنَ السُّنَّةِ فَلَا.  
 ۹- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ:

رسول خدا ﷺ بر شتر چرانان رخصت داده که هرگاه شب هنگام بیایند رمی کنند.  
 ۷- اسماعیل بن همّام گوید: از امام رضا علیه السلام شنیدم که می فرمود: روز قربان رمی جمره عقبه نکن تا آفتاب بزند؛ و فرمود: سنگریزه به جمرات از وسط وادی انداخته می شود و هر جمره را در سمت راست خود قرار می دهی، بعد می پیچی در جانب دیگر چون جمره عقبه را رمی کردی.  
 ۸- محمد حلبی گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: اگر کسی خواست رمی کند غسل نماید؟

فرمود: ای بسا من غسل نمودم، ولی غسل از سنت نیست.  
 ۹- حلبی گوید:

سَأَلَتْهُ عَنِ الْغُسْلِ إِذَا رَمَى الْجِمَارَ.  
 فَقَالَ: رَبَّمَا فَعَلْتُ وَأَمَّا مِنَ السُّنَّةِ فَلَا، وَلَكِنْ مِنَ الْحَرِّ وَالْعَرَقِ.  
 ۱۰ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ  
 رَزِينٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ:  
 سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام عَنِ الْجِمَارِ.  
 فَقَالَ: لَا تَرْمِ الْجِمَارَ إِلَّا وَأَنْتَ عَلَى طَهْرٍ.

(۱۷۵)

### بَابُ مَنْ خَالَفَ الرَّمْيَ أَوْ زَادَ أَوْ نَقَصَ

۱ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ  
 مَحْبُوبٍ عَنِ ابْنِ رِثَابٍ عَنْ مِسْمَعٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:  
 فِي رَجُلٍ نَسِيَ رَمِيَ الْجِمَارِ يَوْمَ الثَّانِي فَبَدَأَ بِجَمْرَةِ الْعَقَبَةِ ثُمَّ الْوُسْطَى ثُمَّ  
 الْأُولَى: يُؤَخِّرُ مَا رَمَى بِمَا رَمَى وَ يَزِمِي الْجَمْرَةَ الْوُسْطَى ثُمَّ جَمْرَةَ الْعَقَبَةِ.

از امام صادق عليه السلام در مورد غسل کردن به هنگام رمی جمرات پرسیدم.  
 فرمود: من گاهی غسل می‌کردم، ولی غسل از سنت نیست. بلکه به جهت گرما و عرق  
 می‌توان غسل انجام داد.

۱۰ - محمد بن مسلم گوید: از امام باقر عليه السلام در مورد جمرات پرسیدم؟  
 فرمود: رمی جمرات نکن مگر این‌که با وضو باشی.

### بخش صد و هفتاد و پنجم

#### حکم کسی که در رمی جمرات پس و پیش یا زیاد و کم نماید

۱ - مسمع گوید: امام صادق عليه السلام درباره مردی که رمی جمرات روز دوم را فراموش نمود  
 پس شروع نمود به جمره عقبی، بعد وسطی بعد اولی فرمود:  
 آن‌چه رمی کرده به کنار می‌گذارد و جمره وسطی و آن‌گاه عقبی را رمی می‌کند.

- ۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ وَ حَمَّادٍ عَنْ الْحَلْبِيِّ جَمِيعاً عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي رَجُلٍ يَرْمِي الْجِمَارَ مِنْكُوسَةً.  
قَالَ: يُعِيدُ عَلَى الْوُسْطَى وَ جَمْرَةَ الْعَقَبَةِ.
- ۳ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ الْكَرِيمِ بْنِ عَمْرٍو عَنْ عَبْدِ الْأَعْلَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:  
قُلْتُ لَهُ: رَجُلٌ رَمَى الْجَمْرَةَ بِسِتِّ حَصِيَّاتٍ وَ وَقَعَتْ وَاحِدَةً فِي الْحَصَى.  
قَالَ: يُعِيدُهَا إِنْ شَاءَ مِنْ سَاعَتِهِ، وَإِنْ شَاءَ مِنَ الْعَدِ إِذَا أَرَادَ الرَّمْيَ وَ لَا يَأْخُذُ مِنْ حَصَى الْجِمَارِ.
- قَالَ: وَ سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ رَمَى جَمْرَةَ الْعَقَبَةِ بِسِتِّ حَصِيَّاتٍ وَ وَقَعَتْ وَاحِدَةً فِي الْمَحْمِلِ.  
قَالَ: يُعِيدُهَا.

- ۲ - معاویة بن عمار، حمّاد و حلبی گویند: امام صادق عليه السلام درباره مردی که رمی جمرات را وارونه می‌کند فرمود:  
دوباره رمی وسطی بعد جمره عقبی را انجام می‌دهد.
- ۳ - عبدالاعلی گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: کسی با شش سنگریزه رمی جمره نمود و یک سنگریزه افتاد (چه حکمی دارد؟)  
فرمود: اگر خواست در آن ساعت اعاده می‌کند و اگر خواست فردا رمی می‌کند، ولی از سنگریزه‌های جمرات بر نمی‌دارد.
- گوید: از حضرتش پرسیدم: کسی که با شش سنگریزه جمره عقبی را انداخت و یک سنگریزه در کجاوه افتاد؟  
فرمود: اعاده می‌کند.

- ۴ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ:  
قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: ذَهَبْتُ أَرْمِي فَإِذَا فِي يَدِي سِتُّ حَصَيَاتٍ.  
فَقَالَ: خُذْ وَاحِدَةً مِنْ تَحْتِ رِجْلِكَ.
- ۵ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:  
أَنَّهُ قَالَ فِي رَجُلٍ أَخَذَ إِحْدَى وَ عَشْرِينَ حَصَاةً فَرَمَى بِهَا فَزَادَ وَاحِدَةً فَلَمْ يَذَرِ مِنْ أَيْتُهُنَّ نَقْصَةً.  
قَالَ: فَلْيَزَجِعْ فَلْيَرْمِ كُلَّ وَاحِدَةٍ بِحَصَاةٍ  
فَإِنْ سَقَطَتْ مِنْ رَجُلٍ حَصَاةٌ فَلَمْ يَذَرِ أَيْتُهُنَّ هِيَ.  
قَالَ: يَأْخُذُ مِنْ تَحْتِ قَدَمَيْهِ حَصَاةً فَيَرْمِي بِهَا.

- ۴ - ابوبصیر گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: وقتی برای رمی جمره رفتم ناگاه دیدم در دستم شش سنگریزه است (چه وظیفه‌ای دارم؟)  
فرمود: یک سنگریزه از زیر پایت بردار.
- ۵ - معاویه بن عمار گوید: امام صادق عليه السلام درباره مردی که بیست و یک سنگریزه گرفته و آنها را انداخت پس یکی اضافه آمد و ندانست که در کدام کم شده، فرمود:  
باید برگردد و به هر کدام از جمره‌ها یک سنگ بزند.  
و در مورد مردی که یک سنگریزه از او افتاد و ندانست کدام است؟ فرمود:  
از زیر پایش سنگریزه برمی‌دارد و آن را می‌اندازد.



قَالَ: وَإِنْ رَمَيْتَ بِحَصَاةٍ فَوَقَعَتْ فِي مَحْمِلٍ فَأَعِدْ مَكَانَهَا، فَإِنْ هِيَ أَصَابَتْ  
 إِنْسَانًا أَوْ جَمَلًا ثُمَّ وَقَعَتْ عَلَى الْجِمَارِ أَجْزَأُكَ.  
 وَقَالَ فِي رَجُلٍ رَمَى الْجِمَارَ فَرَمَى الْأُولَى بِأَرْبَعٍ وَالْآخِرَتَيْنِ بِسَبْعٍ سَبْعٍ.  
 قَالَ: يَعُودُ فَيَرْمِي الْأُولَى بِثَلَاثٍ وَقَدْ فَرَّغَ، وَإِنْ كَانَ رَمَى الْأُولَى بِثَلَاثٍ وَرَمَى  
 الْآخِرَتَيْنِ بِسَبْعٍ سَبْعٍ فَلْيُعِدْ وَلْيَرْمِهِنَّ جَمِيعًا بِسَبْعٍ سَبْعٍ، وَإِنْ كَانَ رَمَى الْوُسْطَى  
 بِثَلَاثٍ ثُمَّ رَمَى الْآخَرَى فَلْيَرْمِ الْوُسْطَى بِسَبْعٍ، وَإِنْ كَانَ رَمَى الْوُسْطَى بِأَرْبَعٍ رَجَعَ  
 فَرَمَى بِثَلَاثٍ.  
 قَالَ: قُلْتُ: الرَّجُلُ يَنْكُسُ فِي رَمَى الْجِمَارِ فَيَبْدَأُ بِجَمْرَةِ الْعَقَبَةِ ثُمَّ الْوُسْطَى ثُمَّ  
 الْعُظْمَى.  
 قَالَ: يَعُودُ فَيَرْمِي الْوُسْطَى ثُمَّ يَرْمِي جَمْرَةَ الْعَقَبَةِ وَإِنْ كَانَ مِنَ الْغَدِ.

فرمود: اگر سنگریزه‌ها را انداختی و چیزی از آن‌ها در کجاوه مانده بود پس به جای آن  
 اعاده کن و اگر آن سنگریزه به انسان یا شتری برخوردیده بعد به جمره رسید کفایت می‌کند؟  
 و باز حضرتش درباره مردی که به جمره اولی چهار سنگریزه و به دو جمره بعدی  
 هفت هفت سنگریزه زد. فرمود:

به جمره نخستین باز می‌گردد و سه سنگریزه می‌زند و فارغ می‌شود و اگر به جمره  
 اولی سه تا بزند و آخری‌ها را هفت هفت سنگریزه پس برگردد همه را به هفت هفت  
 می‌زند و اگر به جمره وسطی سه تا بزند بعد آخری را پس به جمره وسطی هفت سنگریزه  
 می‌زند و اگر به وسطی چهار تا بزند برمی‌گردد و پس سه تا می‌زند.

راوی گوید: گفتم: مردی رمی را وارونه می‌زند پس از جمره عقبی شروع می‌کند بعد  
 وسطی بعد بزرگتر را؟

فرمود: به جمره وسطی بر می‌گردد و آن را رمی می‌کند، سپس به جمره عقبی رمی  
 می‌کند اگر چه فردای آن روز باشد.

(۱۷۶)

**بَابُ مَنْ نَسِيَ رَمِيَ الْجِمَارِ أَوْ جَهَلَ**

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

قُلْتُ لَهُ: رَجُلٌ نَسِيَ أَنْ يَرْمِيَ الْجِمَارَ حَتَّى أَتَى مَكَّةَ.

قَالَ: يَرْجِعُ فَيَرْمِيهَا يَفْصِلُ بَيْنَ كُلِّ رَمِيَّتَيْنِ بِسَاعَةٍ.

قُلْتُ: فَاتَهُ ذَلِكَ وَ خَرَجَ.

قَالَ: لَيْسَ عَلَيْهِ شَيْءٌ.

قَالَ: قُلْتُ: فَارْجُلُ نَسِيَ السَّعْيَ بَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ.

فَقَالَ: يُعِيدُ السَّعْيَ.

قُلْتُ: فَاتَهُ ذَلِكَ حَتَّى خَرَجَ؟

**بخش صد و هفتاد و ششم**

**حکم کسی که رمی جمرات را فراموش کند و یا از مسأله آگاهی نداشته‌اند**

۱ - معاویة بن عمار گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: کسی که رمی جمرات را فراموش

کند تا به مکه آمد چه وظیفه‌ای دارد؟

فرمود: به جمرات بر می‌گردد و رمی می‌کند و میانه هر دو رمی ساعتی فاصله می‌دهد.

گفتم: اگر وقت رمی فوت شده و او از آن جا رفته باشد چه؟

فرمود: براو چیزی نیست؟

گوید: گفتم: مردی سعی بین صفا و مروه فراموش کرده (چه وظیفه‌ای دارد؟)

فرمود: سعی را اعاده می‌کند.

گفتم: اگر وقت از او فوت شود و رفته باشد؟

قَالَ: يَرْجِعُ فَيُعِيدُ السَّعْيَ إِنَّ هَذَا لَيْسَ كَرَمِي الْجِمَارِ إِنَّ الرَّمْيَ سُنَّةٌ وَ السَّعْيُ بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ فَرِيضَةٌ.

۲- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُؤَيْدٍ وَ غَيْرِهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: فِي رَجُلٍ أَفَاضَ مِنْ جَمْعٍ حَتَّى انْتَهَى إِلَى مِنًى فَعَرَضَ لَهُ عَارِضٌ فَلَمْ يَزِمِ الْجَمْرَةَ حَتَّى غَابَتِ الشَّمْسُ.

قَالَ: يَزِمِي إِذَا أَصْبَحَ مَرَّتَيْنِ: إِحْدَاهُمَا بُكْرَةً. وَ هِيَ لِلْأُمْسِ وَ الْآخَرَى عِنْدَ زَوَالِ الشَّمْسِ وَ هِيَ لَيُومِهِ.

۳- وَ عَنْهُ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مَا تَقُولُ فِي امْرَأَةٍ جَهِلَتْ أَنْ تَزِمِيَ الْجِمَارَ حَتَّى تَفْرُتَ إِلَى مَكَّةَ.

قَالَ: فَلْتَرْجِعْ وَ لْتَزِمِ الْجِمَارَ كَمَا كَانَتْ تَزِمِي وَ الرَّجُلُ كَذَلِكَ.

فرمود: بر می‌گردد و سعی را اعاده می‌کند، زیرا این مانند رمی جمره نیست، چون رمی سنت و سعی بین صفا و مروه فریضه است.

۲- عبدالله بن سنان گوید: امام صادق عليه السلام درباره مردی که از مزدلفه آمد تا به منا رسید و کاری بر او پیش آمد رمی جمره نکرد تا آفتاب غروب کرد. فرمود: وقتی صبح فرا رسید دوبار رمی جمره می‌کند: یکی به هنگام صبح برای دیروز و دیگری در ظهر برای همان روز.

۳- معاویه بن عمار گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: نظر شما درباره زنی که ناآگاهانه رمی کند آن گاه به مکه کوچ کرده چیست؟ فرمود: بایستی به جمرات برگردد و طبق معمول رمی کند. حکم مرد نیز چنین است.

- ۴ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلٍ عَنْ زُرَّارَةَ وَ مُحَمَّدٍ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ فِي الْخَائِفِ:
- لَا بَأْسَ بِأَنْ يَرْمِيَ الْجِمَارَ بِاللَّيْلِ، وَ يُضْحِيَ بِاللَّيْلِ وَ يُفِيضَ بِاللَّيْلِ.
- ۵ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ أَخِيهِ الْحَسَنِ عَنْ زُرْعَةَ عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:
- أَنَّهُ كَرِهَ رَمْيَ الْجِمَارِ بِاللَّيْلِ وَ رَخَّصَ لِلْعَبْدِ وَ الرَّاعِي فِي رَمْيِ الْجِمَارِ لَيْلًا.

(۱۷۷)

### بَابُ الرَّمْيِ عَنِ الْعَلِيلِ وَ الصَّبْيَانِ وَ الرَّمْيِ رَاكِبًا

- ۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ وَ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:
- الْكَسِيرُ وَ الْمَبْطُونُ يُرْمَى عَنْهُمَا.

۴- زراره و محمد بن مسلم گویند: امام صادق علیه السلام در مورد کسی که از رمی می ترسد فرمود: ایرادی ندارد که انسان شب هنگام رمی کند، شب هنگام قربانی نماید و شب هنگام کوچ کند.

۵- سماعه گوید:

امام صادق علیه السلام رمی جمرات را شب هنگام مکروه می دانست و رخصت می داد که بنده و شترچران رمی جمرات را در شب انجام دهد.

### بخش صد و هفتاد و هفتم

### حکم انجام رمی از جانب بیماران و کودکان

### و حکم انجام رمی به صورت سواری

- ۱ - معاویه بن عمار و عبدالرحمان بن حجاج گویند: امام صادق علیه السلام فرمود:
- کسی که عضوی از او شکسته است و کسی که گرفتار بیماری اسهال است از جانب آنها رمی انجام می شود.

قَالَ: وَ الصَّبِيَّانُ يُرْمَى عَنْهُمَا.

۲- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا إِبْرَاهِيمَ عليه السلام عَنِ الْمَرِيضِ يُرْمَى عَنْهُ الْجِمَارُ.

قَالَ: نَعَمْ يُحْمَلُ إِلَى الْجَمْرَةِ وَ يُرْمَى عَنْهُ.

۳- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُؤَيْدٍ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ عَنْ عُبَيْسَةَ بْنِ مُضْعَبٍ قَالَ:

رَأَيْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام بِمَنْى يَمْشِي وَ يَرْكَبُ فَحَدَّثْتُ نَفْسِي أَنْ أَسْأَلَهُ حِينَ أَدْخَلَ عَلَيْهِ.

فَابْتَدَأَنِي هُوَ بِالْحَدِيثِ. فَقَالَ: إِنَّ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ عليه السلام كَانَ يَخْرُجُ مِنْ مَنْزِلِهِ مَاشِياً إِذَا رَمَى الْجِمَارَ وَ مَنْزِلِي الْيَوْمَ أَنْفُسُ مِنْ مَنْزِلِهِ فَأَرْكَبُ حَتَّى آتِيَ مَنْزِلَهُ، فَإِذَا انْتَهَيْتُ إِلَى مَنْزِلِهِ مَشَيْتُ حَتَّى أُرْمِيَ الْجَمْرَةَ.

حضرتش فرمود: از جانب کودکان نیز رمی انجام می شود.

۲- اسحاق بن عمار گوید: از امام کاظم عليه السلام پرسیدم: آیا می توان که از جانب بیمار رمی نمود؟

فرمود: آری، او را به جمره برده و از جانب او رمی می شود.

۳- عبسۀ بن مصعب گوید: امام صادق عليه السلام را در منا دیدم که پیاده و سواره می رفت در دلم گفتم: چون به خدمتش برسم در این مورد از آن حضرت بپرسم.

حضرت از من پیشی گرفت و فرمود: هرگاه علی بن الحسین عليه السلام می خواست رمی جمرات کند، پیاده می رفت. خانه من امروز دورتر از منزل اوست، پس سوار مرکب می شوم تا به منزل او برسم. وقتی به منزل او رسیدم پیاده می روم تا رمی جمرات نمایم.

۴- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَّاءِ عَنْ مُثَنَّى عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عليه السلام:  
 أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله كَانَ يَرْمِي الْجِمَارَ مَاشِيًا.  
 ۵- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ قَالَ:  
 رَأَيْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام يَمْشِي بَعْدَ يَوْمِ النَّحْرِ حَتَّى يَرْمِيَ الْجَمْرَةَ ثُمَّ يَنْصَرِفُ رَاكِبًا وَكُنْتُ أَرَاهُ مَاشِيًا بَعْدَ مَا يُحَاذِي الْمَسْجِدَ بِمَنْى.  
 قَالَ: وَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ سُلَيْمَانَ النَّوْفَلِيُّ عَنْ الْحَسَنِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ قَالَ: نَزَلَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام فَوْقَ الْمَسْجِدِ بِمَنْى قَلِيلًا عَنْ دَابَّتِهِ حَتَّى تَوَجَّهَ لِيَرْمِيَ الْجَمْرَةَ عِنْدَ مَضْرِبِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليه السلام.  
 فَقُلْتُ لَهُ: جُعِلَتْ فِدَاكَ! لِمَ نَزَلْتَ هَاهُنَا؟  
 فَقَالَ: إِنَّ هَاهُنَا مَضْرِبَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليه السلام وَ مَضْرِبَ بَنِي هَاشِمٍ وَ أَنَا أَحَبُّ أَنْ أَمْشِيَ فِي مَنَازِلِ بَنِي هَاشِمٍ.

۴- راوی گوید: امام صادق از پدر بزرگوارش عليه السلام نقل می کرد که حضرتش فرمود:  
 رسول خدا صلى الله عليه وآله رمی جمرات را پیاده انجام می داد.  
 ۵- علی بن مهزیار گوید: امام جواد عليه السلام را بعد از روز قربانی دیدم که پیاده می رفت تا رمی جمرات نماید، سپس سواره برمی گشت و بعد از مقابل مسجد در منا حضرتش را پیاده دیدم.  
 ۶- یکی از اصحاب حسن بن صالح گوید: امام باقر عليه السلام را دیدم که مقداری بالاتر از مسجد منا از مرکب خود پیاده شد تا روی آورد که در جای خیمه گاه علی بن الحسین عليه السلام رمی جمره کند به حضرتش گفتم: قربانت گردم! چرا اینجا پیاده شدی؟  
 فرمود: به راستی این جا خیمه گاه علی بن الحسین عليه السلام و خیمه گاه بنی هاشم است و دوست دارم که در منازل آنها پیاده روم.

(۱۷۸)

## بَابُ أَيَّامِ النَّحْرِ

- ۱ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ كُتَيْبِ الْأَسَدِيِّ قَالَ:
- سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ النَّحْرِ.
- فَقَالَ: أَمَّا بِمَنْىَ فَثَلَاثَةُ أَيَّامٍ وَأَمَّا فِي الْبُلْدَانِ فَيَوْمٌ وَاحِدٌ.
- ۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:
- الْأَضْحَى يَوْمَانِ بَعْدَ يَوْمِ النَّحْرِ وَ يَوْمٌ وَاحِدٌ بِالْأَمْصَارِ.

## بخش صد و هفتاد و هشتم

## روزهای قربانی

- ۱ - کلب اسدی گوید: از امام صادق عليه السلام در مورد روزهای قربانی پرسیدم.
- فرمود: روزهای قربانی در منا سه روز و در شهرهای دیگر یک روز است.
- ۲ - محمد بن مسلم گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:
- روز قربانی دو روز بعد از روز قربانی (درمنا) و در سایر شهرها یک روز است.

(۱۷۹)

**بَابُ أَذْنَىٰ مَا يُجْزَىٰ مِنَ الْهَدْيِ**

۱ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ ابْنِ رِثَابٍ عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: ﴿فَنُتَمِّعْ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ﴾. قَالَ: شَاءَ.

۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنْ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى وَ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: يُجْزَىٰ فِي الْمُتَمَّةِ شَاءَ.

**بخش صد و هفتاد و نهم****کمترین حدّ قربانی**

۱ - ابو عبیده گوید: امام صادق عليه السلام درباره گفتار خداوند متعال که می فرماید: «پس هر که با پایان یافتن عمره حج را آغاز کند، آن چه از قربانی برای او میسر است ذبح کند» فرمود: منظور یک گوسفند است.

۲ - معاویه بن عمار گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: در عمره تمتع قربانی یک گوسفند کافی است.



(۱۸۰)

**بَابُ مَنْ يَجِبُ عَلَيْهِ الْهَدْْيُ وَ أَيْنَ يَذْبَحُهُ**

- ۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ ابْنِ مُسْكَانٍ عَنْ سَعِيدِ الْأَعْرَجِ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: مَنْ تَمَتَّعَ فِي أَشْهُرِ الْحَجِّ ثُمَّ أَقَامَ بِمَكَّةَ حَتَّى يَحْضُرَ الْحَجُّ مِنْ قَابِلٍ فَعَلَيْهِ شَاءٌ وَمَنْ تَمَتَّعَ فِي غَيْرِ أَشْهُرِ الْحَجِّ ثُمَّ جَاوَرَ حَتَّى يَحْضُرَ الْحَجُّ فَلَيْسَ عَلَيْهِ دَمٌ، إِنَّمَا هِيَ حَجَّةٌ مُفْرَدَةٌ، وَإِنَّمَا الْأَضْحَى عَلَى أَهْلِ الْأَمْصَارِ.
- ۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

سُئِلَ عَنِ الْأَضْحَى أَوْاجِبٌ عَلَى مَنْ وَجَدَ لِنَفْسِهِ وَ عِيَالِهِ؟  
فَقَالَ: أَمَّا لِنَفْسِهِ فَلَا يَدَعُهُ، وَ أَمَّا لِعِيَالِهِ إِنْ شَاءَ تَرَكَهُ.

**بخش صد و هشتادم****حکم وجوب قربانی و محل ذبح آن**

- ۱ - سعید اعرج گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:  
هر که حج تمتع را در ماههای حج (شوال، ذی القعدة و ذی الحجه) انجام دهد، آن گاه در مکه درنگ کند تا حج سال آینده فرا رسد بر ذمه او یک گوسفند است و هر که حج تمتع را در غیر ماههای حج انجام دهد بعد بماند تا موقع حج فرا رسد بر او قربانی نیست، زیرا آن حج افراد است. قربانی فقط برای مردم شهرهای دیگر است.
- ۲ - عبدالله بن سنان گوید: از امام صادق عليه السلام درباره قربانی پرسیدند که برای کسی که امکان دارد بر خود و نانخورانش واجب است؟  
فرمود: از جانب خود قربانی کند و اگر خواست قربانی نانخورانش را رها کند.

۳ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ الْكَرْخِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي رَجُلٍ قَدِمَ بِهَدْيِهِ مَكَّةَ فِي الْعَشْرِ.

فَقَالَ: إِنْ كَانَ هَدْيًا وَاجِبًا فَلَا يَنْحَرُهُ إِلَّا بِمَنَى، وَإِنْ كَانَ لَيْسَ بِوَاجِبٍ فَلْيَنْحَرُهُ بِمَكَّةَ إِنْ شَاءَ، وَإِنْ كَانَ قَدْ أَشْعَرَهُ وَ قَلَّدَهُ فَلَا يَنْحَرُهُ إِلَّا يَوْمَ الْأَضْحَى.

۴ - أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

قُلْتُ لَهُ: الرَّجُلُ يَخْرُجُ مِنْ حَجَّتِهِ شَيْئًا يُلْزِمُهُ مِنْهُ دَمٌ يُجْزئُهُ أَنْ يَذْبَحَهُ إِذَا رَجَعَ إِلَى أَهْلِهِ؟

فَقَالَ: نَعَمْ.

وَ قَالَ فِيمَا أَعْلَمُ: يَتَصَدَّقُ بِهِ.

۳ - ابراهیم کرخی گوید: امام صادق عليه السلام درباره کسی که در دهه ذی حجه با قربانی خود به مکه آمده فرمود:

اگر قربانی او واجب است آن را جز در منا قربانی نکند و اگر واجب نیست اگر خواست در مکه قربانی کند و اگر آن را نشان کرده و چیزی از گردنش آویخته فقط در روز عید قربان، قربانی کند.

۴ - اسحاق بن عمار گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: کسی که در مراسم حج خود کاری می کند که قربانی بر او لازم می شود، آیا او را کفایت می کند آن گاه که نزد خانواده اش برگردد قربانی نماید؟

فرمود: آری.

راوی گوید: به نظرم می رسد حضرتش چنین فرمود: از عوض آن صدقه می دهد.

قَالَ إِسْحَاقُ: وَ قُلْتُ لِأَبِي إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الرَّجُلُ يَخْرُجُ مِنْ حَجَّتِهِ مَا يَجِبُ عَلَيْهِ الدَّمُ وَلَا يُهْرِيقُهُ حَتَّى يَرْجِعَ إِلَى أَهْلِهِ.  
فَقَالَ: يُهْرِيقُهُ فِي أَهْلِهِ وَ يَأْكُلُ مِنْهُ الشَّيْءَ.

۵- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَالٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ شُعَيْبِ الْعَقْرُقُوفِيِّ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: سَقْتُ فِي الْعُمَرَةِ بَدَنَةً أَيْنَ أَنْحَرُهَا؟  
قَالَ: بِمَكَّةَ.

قُلْتُ: أَيَّ شَيْءٍ أُعْطِي مِنْهَا؟

قَالَ: كُلُّ ثُلْثًا وَ أَهْدِ ثُلْثًا وَ تَصَدَّقْ بِثُلْثٍ.

۶- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَارٍ قَالَ:  
قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ أَهْلَ مَكَّةَ أَنْكَرُوا عَلَيْكَ أَنَّكَ ذَبَحْتَ هَذِيكَ فِي مَنْزِلِكَ بِمَكَّةَ.  
فَقَالَ: إِنَّ مَكَّةَ كُلَّهَا مَنْحَرٌ.

اسحاق گوید: به امام کاظم علیه السلام گفتم: کسی که در مراسم حج خود کاری از او صادر می‌شود که قربانی بر او واجب می‌شود و قربانی نمی‌کند تا این که نزد خانواده‌اش بر می‌گردد؟  
فرمود: در نزد خانواده‌اش قربانی نموده و می‌تواند بخشی از آن را بخورد.  
۵- شعیب عقرقوفی گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: برای مراسم عمره با خود شتری بردم، آن را در کجا قربانی کنم؟  
فرمود: در مکه.

گفتم: چه چیزی از آن را صدقه بدهم؟

فرمود: یک سوم آن را بخور، یک سوم را هدیه بده و یک سوم را صدقه کن.

۶- معاویه بن عمار گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: مردم مکه از این که قربانی خود را در منزل خود انجام دادی از تو ناخرسند هستند.  
فرمود: به راستی که همه جای مکه قربانگاه است.

(۱۸۱)

بَابُ مَا يُسْتَحَبُّ مِنَ الْهَدْيِ وَ مَا يَجُوزُ مِنْهُ وَ مَا لَا يَجُوزُ

۱ - الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ أَذْنَى مَا يُجْزَى مِنْ أَسْنَانِ الْغَنَمِ فِي الْهَدْيِ. فَقَالَ: الْجَذَعُ مِنَ الضَّانِ.

قُلْتُ: فَالْمَعَزُ.

قَالَ: لَا يُجْزَى الْجَذَعُ مِنَ الْمَعَزِ.

قُلْتُ: وَلِمَ؟

قَالَ: لِأَنَّ الْجَذَعُ مِنَ الضَّانِ يَلْقَحُ وَ الْجَذَعُ مِنَ الْمَعَزِ لَا يَلْقَحُ.

۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الْإِبِلِ وَ الْبَقَرِ أَيُّهُمَا أَفْضَلُ أَنْ يُضْحَى بِهِمَا؟

### بخش صد و هشتاد و یکم

#### مستحبات قربانی و موارد مجاز و غیر مجاز آن

۱ - حمّاد بن عثمان گوید: از امام صادق عليه السلام از کمترین سال گوسفند قربانی پرسیدم که

چند هفته کفایت می کند؟

فرمود: شش ماهه از گوسفند.

گفتم: پس از بز چطور؟

فرمود: شش ماهه از بز کفایت نمی کند.

گفتم: چرا؟

فرمود: چون گوسفند شش ماهه آبستن می شود و شش ماهه بز آبستن نمی شود.

۲ - حلبی گوید: از امام صادق عليه السلام در مورد شتر و گاو پرسیدم که کدام یک برای قربانی

بهتر است؟

قَالَ: ذَوَاتُ الْأَرْحَامِ.

فَسَأَلْتُهُ عَنْ أَسْنَانِهَا.

فَقَالَ: أَمَّا الْبَقَرُ فَلَا يَضْرُكُ بِأَيِّ أَسْنَانِهَا ضَحَّيَتْ وَأَمَّا الْإِبِلُ فَلَا يَصْلُحُ إِلَّا الشَّيْئُ  
فَمَا فَوْقُ.

۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حُمْرَانَ عَنْ أَبِي  
عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

أَسْنَانُ الْبَقَرِ تَبِيعُهَا وَ مُسْنُهَا فِي الذَّبْحِ سَوَاءٌ.

۴- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ قَالَ حَدَّثَنِي  
مَنْ سَمِعَهُ يَقُولُ:

صَحَّ بِكَبْشٍ أَسْوَدَ أَقْرَنَ فَحُلٍ فَإِنْ لَمْ تَجِدْ أَسْوَدَ فَأَقْرَنَ فَحُلٌ يَأْكُلُ فِي سَوَادٍ  
وَيَشْرَبُ فِي سَوَادٍ وَ يَنْظُرُ فِي سَوَادٍ.

۵- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي  
حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ:

فرمود: آنها که ماده‌اند.

پس از سال آنها پرسیدم.

فرمود: در مورد گاو سالش هرچه باشد ایرادی بر تو نیست که قربانی کنی و اما در مورد  
شتر فقط دو بار و یا بیشتر زائیده کفایت می‌کند.

۳- محمد بن حمران گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

در قربانی گاو دو ساله و سه ساله مساوی است.

۴- حلبی گوید: کسی که از امام صادق علیه السلام شنیده بود، گفت: آن حضرت فرمود:

قوچ سیاه شاخ سالم اخته نشده را قربانی کن، و اگر قوچ سیاه رنگ نیافتی، پس قوچ  
شاخ سالم اخته شده‌ای که دور دهان و دور چشمانش سیاه باشد، کافی است.

۵- ابو بصیر گوید:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ النَّعْجَةِ أَحَبُّ إِلَيْكَ أَمْ الْمَاعِزُ؟  
قَالَ: إِنْ كَانَ الْمَاعِزُ ذَكَرًا فَهُوَ أَحَبُّ إِلَيَّ وَإِنْ كَانَ الْمَاعِزُ أُنْثَىٰ فَالنَّعْجَةُ أَحَبُّ  
إِلَيَّ.

قَالَ: قُلْتُ: فَالْخَصِيُّ يُضَحَّى بِهِ؟

قَالَ: لَا، إِلَّا أَنْ لَا يَكُونَ غَيْرُهُ.

وَقَالَ: يَصْلُحُ الْجَذَعُ مِنَ الضَّانِّ فَأَمَّا الْمَاعِزُ فَلَا يَصْلُحُ.

قُلْتُ: الْخَصِيُّ أَحَبُّ إِلَيْكَ أَمْ النَّعْجَةُ؟

قَالَ: الْمَرْضُوضُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنَ النَّعْجَةِ، وَإِنْ كَانَ خَصِيًّا فَالنَّعْجَةُ.

۶ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي  
عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ:

إِذَا اشْتَرَى الرَّجُلُ الْبَدَنَةَ مَهْزُولَةً فَوَجَدَهَا سَمِينَةً فَقَدْ أَجْزَأَتْ عَنْهُ، وَإِنْ  
اشْتَرَاهَا مَهْزُولَةً فَوَجَدَهَا مَهْزُولَةً، فَإِنَّهَا لَا تُجْزَى عَنْهُ.

از امام صادق ع پرسیدم: به نظر شما قربانی بزغاله بهتر است یا بز.

فرمود: اگر بز نر باشد نزد من بهتر است و اگر بز ماده باشد بزغاله بهتر است.

عرض کردم: آیا حیوان اخته شده را می‌توان قربانی کرد؟

فرمود: نه، مگر این که جز آن یافت نشود.

و فرمود: می‌توان گوسفند شش ماهه را قربانی کرد ولی بز را نه.

عرض کردم: به نظر شما حیوان اخته شده برای قربانی بهتر است یا بزغاله؟

فرمود: قوچی که خصیه‌هایش کوبیده شد، بهتر از بزغاله است.

۶ - حلبی گوید: امام صادق ع فرمود:

هرگاه کسی شتر لاغری بخرد و فربه از آب در آید، همان برای قربانی کافی است و اگر

شتر لاغر بخرد و لاغر از آب در بیاید برای قربانی کفایت نمی‌کند.

۷- حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ سَمَاعَةَ عَنْ غَيْرٍ وَاحِدٍ عَنْ أَبَانِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ سَلَمَةَ أَبِي حَفْصٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عليه السلام قَالَ:

كَانَ عَلَيَّ عليه السلام يَكْرَهُ التَّشْرِيمَ فِي الْأَذَانِ وَالْحَزْمَ وَلَا يَرَى بِهِ بَأْسًا إِنْ كَانَ ثَقْبٌ فِي مَوْضِعِ الْوَسْمِ وَكَانَ يَقُولُ: يُجْزَى مِنَ الْبُذْنِ الثَّنِيَّ وَ مِنَ الْمَعْرِ الثَّنِيَّ وَ مِنَ الضَّانِّ الْجَذْعُ.

۸- أَبَانُ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ:

الْكَبْشُ فِي أَرْضِكُمْ أَفْضَلُ مِنَ الْجَزُورِ.

۹- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي رَجُلٍ يَشْتَرِي هَدْيًا وَكَانَ بِهِ عَيْبٌ عَوْرًا أَوْ غَيْرُهُ. فَقَالَ: إِنْ كَانَ نَقْدَ ثَمَنِهِ فَقَدْ أَجْزَأَ عَنْهُ وَإِنْ لَمْ يَكُنْ نَقْدَ ثَمَنِهِ رَدَّهُ وَ اشْتَرَى غَيْرَهُ.

۷- سلمة ابی حفص گوید: امام صادق عليه السلام از پدرش بزرگوارش عليه السلام نقل می کند که حضرتش فرمود:

علی عليه السلام شکاف گردن گوش ها و بینی قربانی را ناخوش می شمرد و بر سوراخ کردن جای علامت ایراد نمی کرد.

و می فرمود: در قربانی شتر، دو ساله که پا به سال بگذارد و در بز، دو ساله که پا به سال بگذارد و در میش شش ماهه کفایت می کند.

۸- عبدالرحمان گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

گوچ در سرزمین شما بهتر از شتر است.

۹- معاویه بن عمار گوید: امام صادق عليه السلام در مورد کسی که قربانی خریده بود که بر او

عیبی بود - یک چشمی بود و یا غیر آن - فرمود:

اگر مبلغ آن را داده است پس از او کفایت می کند و اگر مبلغ آن را نداده آن را برمی گرداند و قربانی دیگری می خرد.

قَالَ: وَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: اشْتَرِ فَحْلاً سَمِيناً لِلْمُتَعَةِ، فَإِنْ لَمْ تَجِدْ فَمَوْجُوءاً فَإِنْ لَمْ تَجِدْ فَمِنْ فُحُولَةِ الْمَعَزِ، فَإِنْ لَمْ تَجِدْ فَتَعَجَةً، فَإِنْ لَمْ تَجِدْ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ.

قَالَ: وَ يُجْزَى فِي الْمُتَعَةِ الْجَذْعُ مِنَ الضَّأْنِ وَ لَا يُجْزَى جَذْعُ الْمَعَزِ.  
قَالَ: وَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: فِي رَجُلٍ اشْتَرَى شَاةً ثُمَّ أَرَادَ أَنْ يَشْتَرِيَ أَسْمَنَ مِنْهَا.  
قَالَ: يَشْتَرِيهَا فَإِذَا اشْتَرَاهَا بَاعَ الْأُولَى.  
قَالَ: وَ لَا أَذْرِي شَاةً. قَالَ أَوْ بَقَرَةً.

۱۰ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عليهم السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی اللہ علیہ وسلم:

صَدَقَةٌ رَغِيفٍ خَيْرٌ مِنْ تُسْلِكٍ مَهْزُولَةٍ.

۱۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الصَّحِيَّةِ تَكُونُ الْأُذُنُ مَشْقُوقَةً.

گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: برای قربانی حج تمتع قوچ اخته نشده خریداری کن و اگر نیافتی می توانی اخته شده بخری و اگر نیافتی پس می توانی بز اخته شده بخری و اگر نیافتی می توانی بزغاله تهیه کنی و اگر نیافتی هر چه امکان شد می توانی برای قربانی بخری.

و فرمود: برای قربانی حج در تمتع گوسفند شش ماهه و بز شش ماهه کفایت نمی کند. حضرتش در مورد کسی که گوسفندی خرید خواست با گوسفند فربهی عوض کند فرمود: آن را می خرد پس چون آن را خرید اولی را می فروشد.

راوی گوید: نمی دانم منظور حضرتش گوسفند بود یا گاو.

۱۰ - سکونی گوید: امام صادق عليه السلام از پدرش از پدرانش عليهم السلام نقل می کند که حضرتش فرمود:

رسول خدا صلی اللہ علیہ وسلم فرمود:

یک قرص نان صدقه دادن بهتر از یک قربانی لاغر است.

۱۱ - حلبی گوید: از امام صادق عليه السلام در مورد قربانی که گوش آن پاره باشد، پرسیدم.



فَقَالَ: إِنْ كَانَ شَقَّهَا وَسَمًا فَلَا بَأْسَ، وَإِنْ كَانَ شَقًّا فَلَا يَصْلُحُ.

۱۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ ﷺ:

لَا تُضَحَّى بِالْعَرْجَاءِ بَيْنَ عَرَجُهَا، وَلَا بِالْعَجْفَاءِ وَلَا بِالْجَرْبَاءِ وَلَا بِالْخَرْقَاءِ وَلَا بِالْحَذَاءِ وَلَا بِالْعَضْبَاءِ.

۱۳ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْأُضْحِيَّةِ يُكْسَرُ قَرْنُهَا قَالَ:

إِذَا كَانَ الْقَرْنُ الدَّاخِلُ صَحِيحًا فَهُوَ يُجْزَى.

۱۴ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

فرمود: اگر پارگی به خاطر علامت باشد ایرادی ندارد وگرنه کافی نیست.

۱۲ - سکونی گوید: امام صادق علیه السلام از پدرش از پدرانش علیه السلام نقل می‌کند که حضرتش فرمود:

پیامبر خدا ﷺ فرمود: نباید حیوان لنگ، لاغر، جرب گرفته، گوش و لب شکافته، موی دم کوتاه، گوش شکافته و دست کوتاه قربانی شود.

۱۳ - جمیل گوید: امام صادق علیه السلام در مورد گوسفند شاخ شکسته‌ای که به عنوان قربانی باشد فرمود:

اگر داخل شاخ سالم باشد کفایت می‌کند.

۱۴ - معاویه بن عمار گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

إِذَا رَمَيْتَ الْجَمْرَةَ فَاشْتَرِ هَدْيَكَ إِنْ كَانَ مِنَ الْبَدَنِ أَوْ مِنَ الْبَقَرِ وَإِلَّا فَاَجْعَلْ كَبْشًا سَمِينًا فَحَلًّا، فَإِنْ لَمْ تَجِدْ فَمَوْجُوءًا مِنَ الضَّانِ فَإِنْ لَمْ تَجِدْ فَتَيْسًا فَحَلًّا فَإِنْ لَمْ تَجِدْ فَمَا اسْتَيْسَرَ عَلَيْكَ وَعَظُمَ شَعَائِرُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ ذَبَحَ عَنْ أُمَّهَاتِ الْمُؤْمِنِينَ بَقْرَةً بَقْرَةً وَنَحَرَ بَدَنَةً.

۱۵- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عِيصِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

فِي الْهَرَمِ الَّذِي وَقَعْتَ ثَنَائِيَهُ أَنَّهُ لَا بَأْسَ بِهِ فِي الْأَضَاحِيِّ، وَإِنْ اشْتَرَيْتَهُ مَهْزُولًا فَوَجَدْتَهُ سَمِينًا أَجْزَأَكَ، وَإِنْ اشْتَرَيْتَ مَهْزُولًا فَوَجَدْتَهُ مَهْزُولًا فَلَا يُجْزَى.

وَفِي رِوَايَةٍ أُخْرَى: إِنْ حَدَّ الْهَزَالِ إِذَا لَمْ يَكُنْ عَلَى كُلِّتَيْهِ شَيْءٌ مِنَ الشَّحْمِ.

۱۶- رَوَاهُ مُحَمَّدُ بْنُ عِيْسَى عَنْ يَاسِينَ الضَّرِيرِ عَنْ حَرِيزِ بْنِ الْفَضِيلِ قَالَ:

حَجَجْتُ بِأَهْلِي سَنَةَ فَعَزَّتِ الْأَضَاحِيُّ فَأَنْطَلَقْتُ فَاشْتَرَيْتُ شَاتَيْنِ بَغْلَاءٍ فَلَمَّا أَلْقَيْتُ إِهَابَهُمَا نَدِمْتُ نَدَامَةً شَدِيدَةً لِمَا رَأَيْتُ بِهِمَا مِنَ الْهَزَالِ فَأَتَيْتُهُ فَأَخْبَرْتُهُ ذَلِكَ. فَقَالَ: إِنْ كَانَ عَلَى كُلِّتَيْهِمَا شَيْءٌ مِنَ الشَّحْمِ أَجْزَأَتَا.

هرگاه رمی جمره را انجام دادی قربانی خود را از شتر یا گاو خریداری کن و اگر نتوانستی قوچی فربه اخته نشده بخر و اگر نیافتی پس قوچی فربه اخته شده بخر و اگر نیافتی بز اخته نشده بخر و اگر نیافتی آن چه امکان پذیر باشد و شعائر خداوند ﷻ را بزرگ بشمار، زیرا رسول خدا ﷺ از جانب مادران مؤمنین یک گاو ذبح می نمود و یک شتر فربه نحر می کرد.

۱۵- عیص بن قاسم گوید: امام صادق علیه السلام در مورد گوسفند پیر که چهار دندان پیش آن افتاده باشد فرمود: در قربانی آن ایرادی نیست و اگر گوسفند لاغری خریدی و فربه در آمد همان برای قربانی کفایت می کند و اگر لاغر خریدی و لاغر در آمد از قربانی کفایت نمی کند.

و در روایت دیگری آمده است: اندازه لاغری آن است که در دو پهلوی آن پیه نباشد. ۱۶- فضیل گوید: سالی با هم سرم به حج رفتم، به هنگام قربانی با کمبود گوسفند رو به رو شدم و دو گوسفند به قیمت گران خریدم، وقتی ذبح کردم و پوست آنها را کندم سخت پشیمان شدم، چرا که آنها لاغر بودند. این موضوع را به خدمت امام صادق علیه السلام رساندم. فرمود: اگر در دو پهلوی آنها چیزی از پیه باشد برای قربانی شما کفایت می کند.

۱۷ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ السُّلَمِيِّ عَنْ دَاوُدَ الرَّقِّيِّ قَالَ: سَأَلَنِي بَعْضُ الْخَوَارِجِ عَنْ هَذِهِ الْآيَةِ: «مِنَ الضَّأْنِ اثْنَيْنِ وَمِنَ الْمَعْزِ اثْنَيْنِ قُلْ آلَذْكَرَيْنِ حَرَّمَ أَمِ الْأُنثَيَيْنِ، وَمِنَ الْإِبِلِ اثْنَيْنِ وَمِنَ الْبَقَرِ اثْنَيْنِ» مَا الَّذِي أَحَلَّ اللَّهُ مِنْ ذَلِكَ وَمَا الَّذِي حَرَّمَ؟

فَلَمْ يَكُنْ عِنْدِي شَيْءٌ. فَدَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَأَنَا حَاجٌّ فَأَخْبَرْتُهُ بِمَا كَانَ. فَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَحَلَّ فِي الْأُضْحِيَّةِ بَيْنَى الضَّأْنِ وَالْمَعْزِ الْأَهْلِيَّةَ وَحَرَّمَ أَنْ يُضْحَى بِالْجَبَلِيَّةِ.

وَأَمَّا قَوْلُهُ: «وَمِنَ الْإِبِلِ اثْنَيْنِ وَمِنَ الْبَقَرِ اثْنَيْنِ» فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَحَلَّ فِي الْأُضْحِيَّةِ الْإِبِلَ الْعِرَابَ وَحَرَّمَ فِيهَا الْبَحَاتِيَّ وَأَحَلَّ الْبَقَرَ الْأَهْلِيَّةَ أَنْ يُضْحَى بِهَا وَحَرَّمَ الْجَبَلِيَّةَ.

فَأَنْصَرَفْتُ إِلَى الرَّجُلِ فَأَخْبَرْتُهُ بِهَذَا الْجَوَابِ.  
فَقَالَ: هَذَا شَيْءٌ حَمَلْتَهُ الْإِبِلُ مِنَ الْحِجَازِ.

۱۷ - داوود رقی گوید: یکی از خوارج در مورد این آیه از من سؤال کرد که خداوند می‌فرماید: «از میش یک جفت و از بز یک جفت بگو: (ای محمد! خدا) نرهای آنها را حرام کرده یا ماده‌ها؟» (و از شتر یک جفت و از گاو یک جفت) چه چیزی را خدا از آنها حلال و چه چه چیزی را حرام کرده است؟

من پاسخی نداشتم از این رو در موسم حج به خدمت امام صادق علیه السلام شرفیاب شدم در حالی که این موضوع را بازگو کردم.  
فرمود: به راستی که خداوند ﷻ برای قربانی در منا میش و بز اهلی را حلال کرد و میش و بز کوهی را حرام فرمود.

و اما آیه دیگر که می‌فرماید: «از شتر یک جفت و از گاو یک جفت» منظور این است که خدای تعالی در قربانی شترهای عربی را حلال کرده و شترهای خراسانی را حرام و گاو اهلی را حلال کرد و گاو وحشی را حرام.

وقتی از مراسم حج برگشتم نزد آن مرد خارجی رفتم و این جواب را به او گفتم.  
گفت: این پاسخ به وسیله شتر از حجاز (یعنی از امام صادق علیه السلام) آمده است.

(۱۸۲)

## بَابُ الْهَدْيِ يُنْتَجُ أَوْ يُحْلَبُ أَوْ يُرْكَبُ

۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ الْكِنَانِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: «لَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى».

قَالَ: إِنْ احتَاجَ إِلَى ظَهْرِهَا رَكَبَهَا مِنْ غَيْرِ أَنْ يَعْتَفَ عَلَيْهَا، وَإِنْ كَانَ لَهَا لَبَنٌ حَلَبَهَا حَلَابًا لَا يَنْهَكُهَا.

۲ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِنْ تُتَجَّتْ بَدَنَتُكَ فَاخْلُبْهَا مَا لَا يُضِرُّ بَوْلِدَهَا ثُمَّ انْحَرْهُمَا جَمِيعًا. قُلْتُ: أَشْرَبُ مِنْ لَبَنِهَا وَأَسْقَى؟ قَالَ: نَعَمْ.

## بخش صد هشتاد و دوم

## حکم قربانی زائو، شیرده یا بارکش

۱ - ابوصباح کنانی گوید: از امام صادق عليه السلام در مورد گفتار خداوند تعالی که می فرماید: «برای شما در شتران هدی منفعت هایی تا وقت معین است» پرسیدم؟ فرمود: اگر نیاز داشت سوار می شود بی آن که آزارش دهد و اگر شیر داشت چندان می دوشد که آن را لاغر نکند.

۲ - سلیمان بن خالد گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: هرگاه شتر قربانی زاید شیر آن را بدوش به گونه ای که به بچه اش ضرر نرسد، آن گاه هر دو را نحر کن.

گفتم: می توانم از شیر آن بخورم و به دیگران بخورانم؟ فرمود: آری.

وَقَالَ: إِنَّ عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ إِذَا رَأَى أَنْاسًا يَمْشُونَ قَدْ جَهَدَهُمُ الْمَشْيُ حَمَلَهُمْ عَلَى بُدْنِهِ.

وَقَالَ: إِنَّ ضَلَّتْ رَاحِلَةُ الرَّجُلِ أَوْ هَلَكَتْ وَ مَعَهُ هَدْيٌ فَلْيَرْكَبْ عَلَى هَدْيِهِ.

۳ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنِ الْعَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنِ الْبَدَنَةِ تُتَبَّجُ أَمْ تُحْلَبُهَا؟

قَالَ: احْلُبُهَا حَلْبًا غَيْرَ مُضِرٍّ بِالْوَلَدِ ثُمَّ أَنْحَرْهُمَا جَمِيعًا.

قُلْتُ: يَشْرَبُ مِنْ لَبَنِهَا؟

قَالَ: نَعَمْ وَ يَسْقِي إِنْ شَاءَ.

فرمود: به راستی هرگاه امیرمؤمنان علی علیه السلام می دید که مردمان پیاده راه می روند و خسته شده اند، آنها را بر شتر سوار می کرد.

فرمود: هرگاه شتر سواری مردی گم شد یا از بین رفت و با او شتر قربانی است می تواند بر آن سوار شود.

۳ - مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ گوید: از امام باقر علیه السلام پرسیدم آیا می توان شتر قربانی را دوشید؟

فرمود: آن را به گونه ای بدوش که به بچه اش ضرر نرسد، آن هر دو را نحر کن.

عرض کردم: می توانم از شیرش بخورم؟

فرمود: آری، اگر خواستی می توانی به دیگران هم بدهی.

(۱۸۳)

**بَابُ الْهَدْيِ يَعْطَبُ أَوْ يَهْلِكُ قَبْلَ أَنْ يَبْلُغَ مَحَلَّهُ وَالْأَكْلُ مِنْهُ**

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَمَّنْ أَخْبَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

كُلُّ مَنْ سَاقَ هَدِيًّا تَطَوُّعًا فَعَطِبَ هَدْيُهُ فَلَا شَيْءَ عَلَيْهِ يَنْحَرُهُ وَ يَأْخُذُ نَعْلَ التَّقْلِيدِ فَيَغْمِسُهَا فِي الدَّمِ وَ يَضْرِبُ بِهِ صَفْحَةَ سَنَامِهِ وَ لَا بَدَلَ عَلَيْهِ وَ مَا كَانَ مِنْ جَزَاءِ صَنِيدٍ أَوْ نَذْرٍ فَعَطِبَ فَعَلَّ مِثْلَ ذَلِكَ، وَ عَلَيْهِ الْبَدَلُ وَ كُلُّ شَيْءٍ إِذَا دَخَلَ الْحَرَمَ فَعَطِبَ فَلَا بَدَلَ عَلَى صَاحِبِهِ تَطَوُّعًا أَوْ غَيْرَهُ.

۲- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى جَمِيعًا عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ:

**بخش صد و هشتاد و سوم**

**حکم شتر قربانی که از راه رفتن باز ماند ، یا پیش از رسیدن به قربانگاه  
و نحر آن بمیرد**

۱- راوی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هر که به عنوان مستحبی شتر قربانی آورد و از راه باز ماند می تواند آن را نحر کند و نعل گردن او را گرفته و خون آلود کرده و به پهلوی کوهان آن می زند (که علامت قربانی باشد) و نیازی به عوض ندارد و اگر قربانی باز مانده به عنوان کفاره شکار و یا نذر باشد بایستی همان گونه انجام دهد و همانند آن را نحر کند و اگر قربانی که به حرم رسید و از بقیه راه باز ماند عوض بر عهده صاحبش نیست، خواه به عنوان مستحبی باشد یا موارد دیگر.

۲- معاویه بن عمار گوید:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ اشْتَرَى أَضْحِيَّةً فَمَاتَتْ أَوْ سُرِقَتْ قَبْلَ أَنْ يَذْبَحَهَا.

فَقَالَ: لَا بَأْسَ وَإِنْ أَبْدَلَهَا فَهُوَ أَفْضَلُ وَإِنْ لَمْ يَشْتَرِ فَلَيْسَ عَلَيْهِ شَيْءٌ.

۳ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ رَجُلٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الْبَدَنَةِ يُهْدِيهَا الرَّجُلُ فَتَكْسَرُ أَوْ تَهْلِكُ.

فَقَالَ: إِنْ كَانَ هَدِيًّا مَضْمُونًا، فَإِنَّ عَلَيْهِ مَكَانَهُ وَإِنْ لَمْ يَكُنْ مَضْمُونًا فَلَيْسَ عَلَيْهِ

شَيْءٌ؟

قُلْتُ: أَوْ يَأْكُلُ مِنْهُ؟

قَالَ: نَعَمْ.

۴ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي

عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

از امام صادق عليه السلام پرسیدم: کسی که قربانی خریده و پیش از آن که قربانی نماید مُرد یا به سرقت رفت (چه حکمی دارد؟)

فرمود: ایرادی ندارد و اگر عوض آن را به جا بیاورد، بهتر است و اگر نخرید چیزی بر عهده او نیست.

۳- راوی گوید:

از امام صادق عليه السلام در مورد شتر قربانی که شکستگی پیدا می کند و یا می میرد پرسیدم؟ فرمود: اگر قربانی ضمانت آور باشد عوض آن بر ذمه اوست و اگر ضمانت آور نباشد، چیزی بر ذمه او نیست.

گفتم: آیا می توان از گوشت آن خورد؟

فرمود: آری.

۴ - حلبی گوید:

سَأَلَتْهُ عَنِ الْهَدْيِ الْوَاجِبِ إِذَا أَصَابَهُ كَسْرٌ أَوْ عَطَبٌ أَيْبَعُهُ صَاحِبُهُ وَ يَسْتَعِينُ بِثَمَنِهِ عَلَى هَدْيٍ آخَرَ؟

قَالَ: يَبِيعُهُ وَ يَتَصَدَّقُ بِثَمَنِهِ وَ يُهْدِي هَدْيًا آخَرَ.

۵- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عليه السلام قَالَ:

إِذَا وَجَدَ الرَّجُلُ هَدْيًا ضَالًّا فَلْيَعْرِفْهُ يَوْمَ النَّحْرِ وَ الْيَوْمَ الثَّانِي وَ الْيَوْمَ الثَّلَاثَ، ثُمَّ يَذْبَحْهُ عَنْ صَاحِبِهِ عَشِيَّةَ يَوْمِ الثَّلَاثِ.

وَ قَالَ فِي الرَّجُلِ يَبْعَثُ بِالْهَدْيِ الْوَاجِبِ فِيهِلِكَ الْهَدْيُ فِي الطَّرِيقِ قَبْلَ أَنْ يَبْلُغَ وَ لَيْسَ لَهُ سَعَةٌ أَنْ يُهْدِيَ.

فَقَالَ: اللَّهُ سُبْحَانَهُ أَوْلَى بِالْعُذْرِ إِلَّا أَنْ يَكُونَ يَعْلَمُ أَنَّهُ إِذَا سَأَلَ أُعْطِيَ.

۶- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ:

از امام صادق عليه السلام درباره قربانی واجبی که پایش شکسته و یا از راه رفتن در ماند پرسیدم، آیا صاحبش می تواند آن را فروخته و با مبلغ آن قربانی دیگری بخرد؟

فرمود: آن را بفروشد و مبلغ آن را صدقه دهد و قربانی دیگری بخرد.

۵- محمد بن مسلم گوید: امام (باقر و یا امام صادق عليه السلام) فرمود:

هرگاه کسی قربانی گم شده ای را یافت باید روز دهم، یازدهم و دوازدهم فریاد زند. سپس غروب روز سوم آن را از جانب صاحبش ذبح کند.

حضرتش در مورد کسی که به وسیله او قربانی واجب فرستاده می شود پس در راه پیش از رسیدن از بین می رود و او را امکان عوض قربانی نیست فرمود:

خدای سبحان به پذیرش عذر او شایسته تر است مگر که بداند به هنگام درخواست بر می گرداند.

۶- عبدالرحمان بن حجاج گوید:



سَأَلْتُ أَبَا إِبْرَاهِيمَ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ اشْتَرَى هَدْيًا لِمُتَعَتِهِ فَأَتَى بِهِ أَهْلَهُ وَرَبَطَهُ ثُمَّ  
 انْحَلَّ وَهَلَكَ هَلْ يُجْزِئُهُ أَوْ يُعِيدُ؟  
 قَالَ: لَا يُجْزِئُهُ إِلَّا أَنْ يَكُونَ لَا قُوَّةَ بِهِ عَلَيْهِ.  
 ۷- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ ابْنِ مُسْكَانٍ  
 عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:  
 سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ اشْتَرَى كَبْشًا فَهَلَكَ مِنْهُ.  
 قَالَ: يَشْتَرِي مَكَانَهُ آخَرَ.  
 قُلْتُ: فَإِنْ اشْتَرَى مَكَانَهُ آخَرَ ثُمَّ وَجَدَ الْأَوَّلَ.  
 قَالَ: إِنْ كَانَا جَمِيعًا قَائِمَيْنِ فَلْيَذْبَحِ الْأَوَّلَ وَلْيَبِيعِ الْآخَرَ وَإِنْ شَاءَ ذَبَحَهُ، وَإِنْ كَانَ  
 قَدْ ذَبَحَ الْآخَرَ فَلْيَذْبَحِ الْأَوَّلَ مَعَهُ.  
 ۸- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَفْصِ بْنِ الْبَخْتَرِيِّ عَنْ مَنْصُورِ  
 بْنِ حَازِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

از امام کاظم عليه السلام پرسیدم: کسی برای حج تمتع قربانی خرید و آن را به خانه‌اش آورد و  
 نزد خانواده‌اش (آشناهایش) برد و پایش را بست، ولی حیوان رها شد و از بین رفت، آیا از  
 او کفایت می‌کند یا دوباره بخرد؟

فرمود: او را کفایت نمی‌کند مگر این که تهیه قربانی امکان نداشته باشد.

۷- ابوبصیر گوید: از امام صادق عليه السلام در مورد کسی که قوچی را خرید و از بین رفت پرسیدم؟  
 فرمود: به جای آن باید قوچ دیگری را بخرد.

گفتم: اگر به جای آن، قربانی دیگری خرید سپس قربانی اولی پیدا شد چه؟

فرمود: اگر هر دو موجود شدند، اولی را ذبح نموده و دومی را می‌فروشد و اگر  
 خواست ذبح می‌کند و اگر خواست دومی را ذبح نماید پس اولی را هم با آن ذبح کند.  
 ۸- منصور بن حازم گوید:

فِي الرَّجُلِ يَضِلُّ هَدْيُهُ فَيَجِدُهُ رَجُلٌ آخَرُ فَيَنْحَرُهُ.  
 فَقَالَ: إِنْ كَانَ نَحَرُهُ بِمَنِي فَقَدْ أَجْزَأَ عَنِ صَاحِبِهِ الَّذِي ضَلَّ مِنْهُ وَإِنْ كَانَ نَحَرُهُ  
 فِي غَيْرِ مَنِي لَمْ يُجْزَ عَنِ صَاحِبِهِ.  
 ۹- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَدِيدٍ عَنْ جَمِيلٍ عَنْ  
 بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحَدِهِمَا عليه السلام:  
 فِي رَجُلٍ اشْتَرَى هَدْيًا فَانْحَرَهُ.  
 فَمَرَّ بِهِ رَجُلٌ فَعَرَفَهُ فَقَالَ: هَذِهِ بَدَنَتِي ضَلَّتْ مِنِّي بِالْأَمْسِ.  
 وَ شَهِدَ لَهُ رَجُلَانِ بِذَلِكَ.  
 فَقَالَ لَهُ: لَحْمُهَا وَ لَا يُجْزَى عَنْ وَاحِدٍ مِنْهُمَا.  
 ثُمَّ قَالَ: وَ لِذَلِكَ جَرَتْ السُّنَّةُ بِإِشْعَارِهَا وَ تَقْلِيدِهَا إِذَا عُرِفَتْ.

امام صادق عليه السلام درباره کسی که قربانی او گم شده و مرد دیگری آن را پیدا نموده و  
 قربانی نموده فرمود:

اگر در منا قربانی نموده باشد از صاحبش که کم کرده است کفایت می‌کند و اگر در غیر  
 منا قربانی نموده باشد از جانب صاحبش کفایت نمی‌کند.

۹- یکی از اصحاب می‌گوید: امام (باقر و یا صادق عليه السلام) در مورد مردی که شتر قربانی  
 خرید و نحر نمود، پس مردی گذر نمود او را شناخته و گفت: این شتر قربانی من است که  
 دیروز گم گشته است و دو نفر بر آن شهادت داد فرمود:

گوشت آن مال اوست و از هیچ کدام جهت قربانی کفایت نمی‌کند.

سپس فرمود: و به همین سنت جاری شده که قربانی علامت‌گذاری شود تا شناخته شود.

(۱۸۴)

## بَابُ الْبَدَنَةِ وَالْبَقَرَةِ عَنْ كَمْ تُجْزَى؟

- ۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَذْبَحُ يَوْمَ الْأَضْحَى كَبْشَيْنِ: أَحَدَهُمَا عَنْ نَفْسِهِ وَالْآخَرَ عَمَّنْ لَمْ يَجِدْ مِنْ أُمَّتِهِ. وَكَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ ﷺ يَذْبَحُ كَبْشَيْنِ أَحَدَهُمَا عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَالْآخَرَ عَنْ نَفْسِهِ.
- ۲- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا إِبْرَاهِيمَ ﷺ عَنْ قَوْمٍ غَلَتْ عَلَيْهِمُ الْأَضَاحِيُّ وَهُمْ مُتَمَتِّعُونَ وَهُمْ مُتَرَفِقُونَ وَكُنُسُوا بِأَهْلِ بَيْتٍ وَاحِدٍ وَقَدْ اجْتَمَعُوا فِي مَسِيرِهِمْ وَمَضْرِبُهُمْ وَاحِدٌ أَلْهَمُ أَنْ يَذْبَحُوا بَقَرَةً؟ فَقَالَ: لَا أَحِبُّ ذَلِكَ إِلَّا مِنْ ضَرُورَةٍ.

## بخش صد و هشتاد و چهارم

## شتر و گاو از قربانی چند نفر کفایت می‌کند؟

- ۱- عبدالله بن سنان گوید: رسول خدا ﷺ در روز قربان دو قوچ ذبح می‌نمود. یکی از جانب خود و دیگر از جانب اُمت خود که قربانی نمی‌یابند و امیر المؤمنین ﷺ همواره در روز قربانی دو قوچ قربانی می‌نمود: یکی از جانب رسول خدا ﷺ و دیگری از جانب خودش.
- ۲- عبدالرحمان بن حجّاج گوید: از امام کاظم ﷺ پرسیدم: جمعی که با هم رفیقند حج تمتّع می‌کنند و از یک خانواده نیستند، بلکه در راه با هم شده‌اند و خیمه ایشان هم یکی است، قربانی بر آنان گران شده است آیا می‌توانند همگی یک گاو قربانی نمایند؟ فرمود: آنرا دوست ندارم مگر ناچار باشند.

۳- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ رَجُلٍ يُسَمَّى  
سَوَادَةَ قَالَ:

كُنَّا جَمَاعَةً بِمَنْى فَعَزَّتِ الْأَصَاحِي فَنَظَرْنَا فَإِذَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام وَاقِفٌ عَلَى  
قَطِيعٍ يُسَاوِمُ بَغَنَمٍ وَيُمَاكِسُهُمْ مِكَاساً شَدِيداً،  
فَوَقَفْنَا نَنْتَظِرُ فَلَمَّا فَرَغَ أَقْبَلَ عَلَيْنَا فَقَالَ: أَظُنُّكُمْ قَدْ تَعَجَّبْتُمْ مِنْ مِكَاسِي؟  
فَقُلْنَا: نَعَمْ.

فَقَالَ: إِنَّ الْمَغْبُونَ لَا مَحْمُودَ وَلَا مَأْجُورَ، أَلَكُمُ حَاجَةٌ؟  
فَقُلْنَا: نَعَمْ أَصْلَحَكَ اللَّهُ! إِنَّ الْأَصَاحِي قَدْ عَزَّتْ عَلَيْنَا.  
قَالَ: فَاجْتَمِعُوا فَاشْتَرُوا جَزُوراً فِيمَا بَيْنَكُمْ.  
قُلْنَا: وَ لَا تَبْلُغْ نَفَقَتَنَا.

۳- سواده گوید: با جمعی در منا بودیم که قربانی کمیاب و گران شد و نگاه می کردیم که  
ناگاه امام صادق عليه السلام را دیدیم که بر سر گله ای ایستاده و گفت و گو می کرد و چانه زیادی  
می زد. ما درنگ کرده و منتظر شدیم. پس چون حضرتش فارغ شد رو به ما کرده و فرمود:  
گمان می کنم که شما از چانه زدن من تعجب می کنید؟  
گفتیم: آری.

فرمود: شخص مغبون نه ستایش شده و نه اجری دارد. آیا کاری دارید؟  
گفتیم: آری خدا کارهای تو را اصلاح نماید! همانا قربانی بر ما گران شده است.  
فرمود: جمع شوید و یک شتر مابین خودتان بخرید.  
گفتیم: هزینه مان نمی رسد.

قَالَ: فَاَجْتَمِعُوا وَ اشْتَرُوا بَقْرَةً فِيمَا بَيْنَكُمْ فَادْبَحُوهَا.

قُلْنَا: وَ لَا تَبْلُغْ نَفَقَتَنَا.

قَالَ: فَاَجْتَمِعُوا فَاَشْتَرُوا فِيمَا بَيْنَكُمْ شَاةً فَادْبَحُوهَا فِيمَا بَيْنَكُمْ.

قُلْنَا: تُجْزَى عَنْ سَبْعَةٍ؟

قَالَ: نَعَمْ وَ عَنْ سَبْعِينَ.

۴- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أَدِيْنَةَ عَنْ حُمْرَانَ قَالَ:

عَزَّتِ الْبُدْنُ سَنَةً بِمَنَى حَتَّى بَلَغَتِ الْبُدْنَةُ مِائَةَ دِينَارٍ فَسُئِلَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام عَنْ ذَلِكَ.

فَقَالَ: اشْتَرِكُوا فِيهَا.

قَالَ: قُلْتُ: كَمْ؟

قَالَ: مَا خَفَّ هُوَ أَفْضَلُ.

فرمود: جمع شوید گاو بخريد.

گفتيم: هزينه مان نمي رسد.

فرمود: جمع شوید و يك گوسفند بخريد و از طرف خودتان ذبح نماييد.

گفتيم: از هفت نفر كفایت مي کند؟

فرمود: آری، از هفتاد نفر هم كفایت مي کند.

۴- حمران گوید: سالی در منا شتران قربانی گران شد به گونه ای که هر شتر به صد دینار

رسید. از امام باقر عليه السلام در این مورد سؤال شد.

فرمود: در آن شریک شوید.

گفتم: چند نفر؟

فرمود: هر چه کمتر باشد آن بهتر است.

قُلْتُ: عَنْ كَمْ تُجْزِي؟

قَالَ: عَنْ سَبْعِينَ.

۵- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَفْصِ بْنِ قَرَعَةَ عَنْ زَيْدِ بْنِ جَهْمٍ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: مُتَمَتِّعٌ لَمْ يَجِدْ هَدْيًا.

فَقَالَ: أَمَا كَانَ مَعَهُ دِرْهَمٌ يَأْتِي بِهِ قَوْمُهُ فَيَقُولُ: أَشْرِكُونِي بِهَذَا الدِّرْهَمِ.

(۱۸۵)

### بَابُ الذَّبْحِ

۱- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: «فَاذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا صَوَافَّ».

گفتم: از چند نفر کفایت می‌کند؟

فرمود: از هفتاد نفر.

۵- زید بن جهم گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: حج تمتع گزار که نتوانست تنها قربانی کند (چه وظیفه‌ای دارد؟)

فرمود: آیا با او درهمی نبود که به نزد آشنایان خود بیاید و بگوید: مرا با این درهم شریک نمایید.

### بخش صد و هشتاد و پنجم

#### چگونگی ذبح قربانی

۱- عبدالله بن سنان گوید: از امام صادق عليه السلام در مورد گفتار خدای تعالی که می‌فرماید: «نام خدا را در حالی که به صف ایستاده‌اند بر آنها ببرید».

قَالَ: ذَلِكَ حِينَ تَصُفُّ لِلنَّحْرِ تَرْبِطُ يَدَيْهَا مَا بَيْنَ الْخُفِّ إِلَى الرُّكْبَةِ وَ وُجُوبُ جُنُوبِهَا إِذَا وَقَعَتْ عَلَى الْأَرْضِ.

۲- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ الْكِنَانِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام كَيْفَ تُنَحِّرُ الْبَدَنَةَ؟ فَقَالَ: تُنَحِّرُ وَ هِيَ قَائِمَةٌ مِنْ قِبَلِ الْيَمِينِ.

۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: النَّحْرُ فِي اللَّبَّةِ وَ الذَّبْحُ فِي الْحَلْقِ.

۴- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ قَالَ: لَا يَذْبَحُ لَكَ الْيَهُودِيُّ وَ لَا النَّصْرَانِيُّ أَضْحِيَّتَكَ، فَإِنْ كَانَتْ امْرَأَةٌ فَلْتَذْبَحْ لِنَفْسِهَا وَ تَسْتَقْبِلُ الْقِبْلَةَ وَ تَقُولُ: «وَجَّهْتُ وَجْهِي لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ خَنيفًا اللَّهُمَّ مِنْكَ وَلَكَ».

فرمود: آن هنگام که برای قربانی صف می‌کشند در دو دست آن را میان سر دست تا زانو می‌بندند و افتادن پهلوهایشان آن‌گاه خود بعد از نحر بر زمین می‌افتند.

۲- ابوصباح کنانی گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: چگونه شتر نحر می‌شود؟

فرمود: در حالی که ایستاده است از طرف راست نحر می‌شود.

۳- معاویه بن عمار گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

نحر از بالای سینه و ذبح از حلق است.

۴- حلبی گوید: نباید یهودی و مسیحی قربانی تو را ذبح کند و اگر زن باشد بر خود ذبح

کند و قربانی را رو به قبله نموده و می‌گویی: «وَجَّهْتُ وَجْهِي لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ خَنيفًا اللَّهُمَّ مِنْكَ وَلَكَ».

- ۵- وَ عَنْهُ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليه السلام يَجْعَلُ السَّكِينِ فِي يَدِ الصَّبِيِّ، ثُمَّ يَقْبِضُ الرَّجُلُ عَلَى يَدِ الصَّبِيِّ فَيَذْبَحُ.
- ۶- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ وَ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِذَا اشْتَرَيْتَ هَدِيكَ فَاسْتَقْبِلْ بِهِ الْقِبْلَةَ وَ انْحَرْهُ أَوْ اذْبَحْهُ وَ قُلْ: «وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ حَنِيفًا وَ مَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ إِنَّ صَلَاتِي وَ نُسُكِي وَ مَخْيَايَ وَ مَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ بِذَلِكَ أُمِرْتُ وَ أَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ. اللَّهُمَّ مِنْكَ وَ لَكَ بِسْمِ اللَّهِ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ. اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي».
- ثُمَّ أَمَرَ السَّكِينِ وَ لَا تَنْحَعْهَا حَتَّى تَمُوتَ.
- ۷- مُحَمَّدُ بْنُ يُحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ الْبَغْدَادِيِّ عَنْ جَمِيلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

- ۵- معاویہ بن عمار گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: علی بن الحسین عليه السلام همواره چاقورا در دست کودک قرار می داد سپس شخصی دست بچه را گرفته و حیوان را ذبح می نمود.
- ۶- صفوان و ابن عمیر گویند: امام صادق عليه السلام فرمود:
- چون قربانی خود را خریدی آن را رو به قبله کن و نحر و یا ذبح کن و بگو:
- «وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ حَنِيفًا وَ مَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ إِنَّ صَلَاتِي وَ نُسُكِي وَ مَخْيَايَ وَ مَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ بِذَلِكَ أُمِرْتُ ۖ أَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ. اللَّهُمَّ مِنْكَ وَ لَكَ بِسْمِ اللَّهِ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ. اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي».

سپس چاقورا بکش و نخاع آن را پیش از رگ نبر تا بمیرد.

۷- جمیل گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:



تَبَدُّأُ بِمَنَى بِالذَّبْحِ قَبْلَ الْحَلْقِ، وَ فِي الْعَقِيقَةِ بِالْحَلْقِ قَبْلَ الذَّبْحِ.  
 ۸- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي هَاشِمٍ  
 الْبَجَلِيِّ عَنْ أَبِي خَدِيجَةَ قَالَ:  
 رَأَيْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام وَهُوَ يَنْحَرُ بَدَنَتَهُ مَعْقُولَةً يَدُهَا الْيُسْرَى ثُمَّ يَقُومُ مِنْ جَانِبِ  
 يَدِهَا الْيُمْنَى وَ يَقُولُ:

«بِسْمِ اللَّهِ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ. اللَّهُمَّ هَذَا مِنْكَ وَ لَكَ. اللَّهُمَّ تَقَبَّلْهُ مِنِّي»  
 ثُمَّ يَطْعُنُ فِي لَبَّتِهَا. ثُمَّ يُخْرِجُ السَّكِينَ بِيَدِهِ، فَإِذَا وَجَبَتْ قَطَعَ مَوْضِعَ الذَّبْحِ بِيَدِهِ.

(۱۸۶)

### بَابُ الْأَكْلِ مِنَ الْهَدْيِ الْوَاجِبِ وَ الصَّدَقَةِ مِنْهَا وَ إِخْرَاجِهِ مِنْ مَنَى

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ  
 بْنِ شَاذَانَ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ  
 اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

اعمال منا را با ذبح پیش از تراشیدن سر، آغاز می‌کنی و در عقیقه تراشیدن سر کودک را  
 پیش از ذبح انجام می‌دهی.  
 ۸- ابو خدیجه گوید: امام صادق عليه السلام را دیدم که شتر قربانی خود را نحر می‌کند که  
 دست چپ او را بسته و در سمت راست آن ایستاده و می‌فرمود:  
 «بِسْمِ اللَّهِ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ. اللَّهُمَّ هَذَا مِنْكَ وَ لَكَ. اللَّهُمَّ تَقَبَّلْهُ مِنِّي»  
 بعد با دست خود بر بالای سینه آن ضربه می‌زد و چون بر زمین افتاد با دست خود او را  
 ذبح نمود.

### بخش صد و هشتاد و ششم

### خوردن از قربانی واجب و صدقه دادن آن و بیرون بردن آن از منا

۱- معاویه بن عمار گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

أَمَرَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ حِينَ نَحَرَ أَنْ تُؤْخَذَ مِنْ كُلِّ بَدَنَةٍ حُدُوءٌ مِنْ لَحْمِهَا، ثُمَّ تُطْرَحَ فِي بُرْمَةٍ ثُمَّ تُطْبَخَ وَ أَكَلَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْهَا وَ حَسَوْا مِنْ مَرَقِهَا.

۲ - حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنْ ابْنِ سَمَاعَةَ عَنْ غَيْرِ وَاحِدٍ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى: ﴿فَإِذَا وَجَبَتْ جُنُوبُهَا﴾.

قَالَ: إِذَا وَقَعَتْ عَلَى الْأَرْضِ فَكُلُوا مِنْهَا وَ أَطْعِمُوا الْقَانِعَ وَ الْمُعْتَرَّ.

قَالَ: الْقَانِعُ الَّذِي يَرْضَى بِمَا أُعْطِيَتْهُ وَ لَا يَسْخَطُ، وَ لَا يَكَلِّحُ وَ لَا يَلُوي شِدْقَهُ غَضَبًا، وَ الْمُعْتَرُّ الْمَارُ بِكَ لِتُطْعِمَهُ.

۳ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ الْكِنَانِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ لُحُومِ الْأَضَاحِيِّ.

فَقَالَ: كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَتَصَدَّقَانِ بِثُلْثٍ عَلَى جِيرَانِهِمْ وَ ثُلْثٍ عَلَى السُّوَالِ، وَ ثُلْثٌ يُمَسْكُونَهُ لِأَهْلِ الْبَيْتِ.

هنگامی که رسول خدا ﷺ قربانی خود را نحر نمود امر فرمود که تکه ای از گوشت هر شتر قربانی در ظرف سنگی قرار گرفت آن گاه که پخته شد رسول خدا ﷺ و علی علیه السلام از آن خوردند و از آب گوشت آشامیدند.

۲ - عبدالرحمان بن ابی عبدالله گوید: امام صادق علیه السلام در مورد گفتار خدای متعال که می فرماید: «پس چون گوشت پهلوهای شتر قربانی بر زمین افتاد» فرمود: هرگاه بر زمین افتاد، پس از آن بخورید و بر قانع و آزرده بخورانید.

فرمود: قانع کسی است که هر چه دادی راضی می شود و خشمگین نمی شود و روی در هم نمی کشد و دهن کجی نمی کند و معتز کسی است که از کنار بر تو می گذرد تا اطعامش نمایی.

۳ - ابوصباح کنانی گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد گوشت قربانی پرسیدم.

فرمود: همواره علی بن الحسین علیه السلام و امام باقر علیه السلام یک سوم آن را بر همسایگان خود صدقه می دادند، یک سوم آن را بر سؤال کنندگان و یک سوم آن را بر اهل خانه نگه می داشتند.

۴- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَ حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنْ ابْنِ سَمَاعَةَ عَنْ غَيْرٍ وَاحِدٍ جَمِيعاً عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الْهَدْيِ مَا يَأْكُلُ مِنْهُ الَّذِي يُهْدِيهِ فِي مُتَعَنِهِ وَ غَيْرِ ذَلِكَ.

فَقَالَ: كَمَا يَأْكُلُ مِنْ هَدْيِهِ.

۵- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ فِدَاءِ الصَّيْدِ يَأْكُلُ صَاحِبُهُ مِنْ لَحْمِهِ.

فَقَالَ: يَأْكُلُ مِنْ أَضْحِيَّتِهِ وَ يَتَصَدَّقُ بِالْفِدَاءِ.

۶- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ

صَفْوَانَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: «فَإِذَا وَجَبَتْ جُنُوبُهَا فَكُلُوا مِنْهَا وَ أَطْعَمُوا الْقَانِعَ وَ الْمُغْتَرَّ».

۴- عبدالرحمان بن ابی عبدالله گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: چه مقدار از قربانی که

در حج تمتع و یا غیر آن ذبح می شود می توان خورند؟

فرمود: آن مقدار که از قربانی او می خورند.

۵- حلبی گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: کسی که کفاره شکار بر عهده دارد می تواند

از گوشت آن بخورد؟

فرمود: از گوشت قربانی می خورد و کفاره را صدقه می دهد.

۶- عبدالرحمان بن ابی عبدالله گوید: امام صادق عليه السلام در مورد گفتار خدای متعال که

می فرماید: «پس چون پهلوهای آنها بر زمین افتد به قانع و عبورکننده بخورانید».

قَالَ: الْقَانِعُ الَّذِي يَقْنَعُ بِمَا أُعْطِيَتْهُ، وَ الْمُعْتَرُ الَّذِي يَعْتَرِيكَ، وَ السَّائِلُ الَّذِي يَسْأَلُكَ فِي يَدَيْهِ وَ الْبَائِسُ هُوَ الْفَقِيرُ.

۷- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ إِخْرَاجِ لُحُومِ الْأَصْحَابِيِّ مِنْ مَنَى. فَقَالَ: كُنَّا نَقُولُ: لَا يُخْرَجُ مِنْهَا شَيْءٌ لِحَاجَةِ النَّاسِ إِلَيْهِ، فَأَمَّا الْيَوْمَ فَقَدْ كَثُرَ النَّاسُ فَلَا بَأْسَ بِإِخْرَاجِهِ.

۸- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَرَّارٍ عَنْ يُونُسَ عَنْ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ أَهْدَى هَدِيًّا فَأَنْكَسَرَ. فَقَالَ: إِنْ كَانَ مَضمُونًا - وَ الْمَضمُونُ مَا كَانَ فِي يَمِينٍ يَعْنِي نَذْرًا أَوْ جَزَاءً - فَعَلَيْهِ فِدَاؤُهُ.

فرمود: قانع کسی است که هر چه دادی راضی و قانع می‌شود و معتّر کسی است که از کنار تو می‌گذرد تا اطعامش نمایی و سائل کسی است که با دست از تو درخواست می‌کند و بائس همان فقیر است.

۷- محمد بن مسلم گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد بیرون بردن گوشت قربانی از منا پرسیدم.

فرمود: ما پیشتر می‌گفتیم: چیزی از آن جا بیرون نرود، چرا که مردم به آن احتیاج دارند و اما امروز مردم زیاد شده‌اند بیرون بردنش ایرادی ندارد.

۸- ابوبصیر گوید: از امام علیه السلام پرسیدم: کسی که قربانی به کعبه داد پس پای او شکست. فرمود: اگر مضمون بود - و مضمون آن است که برای قسم و یا کفاره باشد - بر اوست که عوض آن را بدهد.

قُلْتُ: أَيْ كُلُّ مَنْهُ؟

فَقَالَ: لَا، إِنَّمَا هُوَ لِلْمَسَاكِينِ، فَإِنْ لَمْ يَكُنْ مَضْمُونًا فَلَيْسَ عَلَيْهِ شَيْءٌ.

قُلْتُ: أَيْ كُلُّ مَنْهُ؟

قَالَ: يَأْكُلُ مِنْهُ.

وَرُويَ أَيْضًا: أَنَّهُ يَأْكُلُ مِنْهُ مَضْمُونًا كَانَ أَوْ غَيْرَ مَضْمُونٍ.

۹ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَصْبَاطٍ عَنْ مَوْلَى لِأَبِي عَبْدِ

اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

رَأَيْتُ أَبَا الْحَسَنِ الْأَوَّلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ دَعَا بِيَدَنِي فَنَحَرَهَا، فَلَمَّا ضَرَبَ الْجَزَأُونَ عَرَاقِيهَا

فَوَقَعَتْ إِلَى الْأَرْضِ وَ كَشَفُوا شَيْئًا عَنْ سَنَامِهَا.

قَالَ: اقْطَعُوا وَ كُلُّوا مِنْهَا وَ أَطْعَمُوا، فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ: ﴿فَإِذَا وَجَبَتْ جُنُوبُهَا

فَكُلُّوا مِنْهَا وَ أَطْعَمُوا﴾.

گفتم: آیا می‌تواند از آن بخورد؟

فرمود: نه، زیرا آن مال مساکین است و اگر مضمون نباشد چیزی بر ذمه او نیست.

گفتم: آیا می‌تواند از آن بخورد؟

فرمود: می‌تواند از آن بخورد.

هم چنین روایت شده: خواه مضمون و یا غیر مضمون باشد می‌تواند از آن بخورد.

۹ - غلام امام صادق علیه السلام گوید: امام کاظم علیه السلام را دیدم که شتر قربانی خود را خواست

پس نحر نمود و هنگامی که سلاخان پاهای آن را زدند و بر زمین افتاد و مقداری از پهلوی

او را کردند.

فرمود: ببرید و از آن بخورید و اطعام کنید، زیرا خداوند تعالی می‌فرماید: «چون

پهلوهایشان بر زمین افتاد پس از آن بخورید و اطعام کنید».

۱۰ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ حَنَانِ بْنِ سَدِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام وَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَا: نَهَانَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَنْ لُحُومِ الْأَصَاغِيِّ بَعْدَ ثَلَاثٍ، ثُمَّ أَذِنَ فِيهَا وَقَالَ: كُلُوا مِنْ لُحُومِ الْأَصَاغِيِّ بَعْدَ ثَلَاثٍ وَادَّخِرُوا.

(۱۸۷)

### بَابُ جُلُودِ الْهَدْيِ

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَفْصِ بْنِ الْبَخْتَرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: نَهَى رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَنْ يُعْطَى الْجَزَارُ مِنْ جُلُودِ الْهَدْيِ وَ أَجْلَالِهَا شَيْئًا.

۲ - وَ فِي رِوَايَةِ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

۱۰ - حنان بن سدير از امام باقر عليه السلام و ابوصباح از امام صادق عليه السلام نقل می کنند که آن بزرگواران فرمودند:

رسول خدا ﷺ بیرون بردن گوشت قربانی را (از منا) بعد از سه روز نهی فرمودند، سپس در آن اجازه داد و فرمود: بعد از سه روز از گوشت قربانی بخورید و ذخیره نمایید.

### بخش صد و هشتاد و هفتم

#### پوست قربانی

۱ - حفص بن بختری گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: رسول خدا ﷺ نهی کرد که پوست و روانداز قربانی به سلاخ داده شود.

۲ - معاویه بن عمار گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

يُتَنَفَّعُ بِجِلْدِ الْأُضْحِيَّةِ وَيُشْتَرَى بِهِ الْمَتَاعُ وَإِنْ تُصَدَّقَ بِهِ فَهُوَ أَفْضَلُ.  
وَقَالَ: نَحَرَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ بَدَنَهُ وَلَمْ يُعْطِ الْجَزَارَيْنِ جُلُودَهَا وَلَا قَلَانِدَهَا وَلَا  
جِلَالَهَا، وَلَكِنْ تَصَدَّقَ بِهِ وَلَا تُعْطِ السَّلَاحَ مِنْهَا شَيْئًا، وَلَكِنْ أَعْطِهِ مِنْ غَيْرِ ذَلِكَ.

(۱۸۸)

### بَابُ الْخَلْقِ وَالتَّقْصِيرِ

- ۱ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي شَيْبَلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:  
إِنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا حَلَقَ رَأْسَهُ بِمَنَى ثُمَّ دَفَنَهُ جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَكُلُّ شَعْرَةٍ لَهَا لِسَانٌ  
طَلَّقَ تُكَلِّمُ بِاسْمِ صَاحِبِهَا.
- ۲ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ  
مُفَضَّلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبٍ قَالَ:

می‌توان از پوست قربانی استفاده کرد و با آن کالایی خرید و اگر آن صدقه داده شود،  
بهتر است.

و فرمود: رسول خدا ﷺ شتری را قربانی کرد و پوست و قلاده و روانداز آن را به  
سلاخ‌ها نداد، ولی آن را صدقه نمود و چیزی از آن بر سلاخ نده، چیز دیگری به او بده.

### بخش صد و هشتاد و هشتم

#### تراشیدن سر و کوتاه نمودن مو و ناخن

- ۱ - ابی شبل گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: هرگاه مؤمن سرش را در منا بتراند سپس  
آن را دفن کند روز قیامت در حالی می‌آید که هر موی او به زبان گویایی به نام او لبیک گوید.
- ۲ - ابان بن تغلب گوید:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لِلرَّجُلِ أَنْ يَغْسِلَ رَأْسَهُ بِالْخَطْمِيِّ قَبْلَ أَنْ يَخْلِفَهُ؟  
قَالَ: يُقَصِّرُ وَ يَغْسِلُهُ.

۳ - حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنْ ابْنِ سَمَاعَةَ عَنْ غَيْرِ وَاحِدٍ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ  
عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:  
كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَوْمَ النَّحْرِ يَخْلِقُ رَأْسَهُ وَ يَقْلِمُ أَظْفَارَهُ وَ يَأْخُذُ مِنْ شَارِبِهِ  
وَمِنْ أَطْرَافِ لِحْيَتِهِ.

۴ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ  
أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:  
إِذَا اشْتَرَيْتَ أَضْحِيَّتَكَ وَ وَزَنْتَ ثَمَنَهَا وَ صَارَتْ فِي رَحْلِكَ فَقَدْ بَلَغَ الْهَدْيُ  
مَحِلَّهُ، فَإِنْ أَحْبَبْتَ أَنْ تَخْلِقَ فَاخْلُقْ.  
۵ - وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ:

به امام صادق علیه السلام گفتم: مرد می تواند پیش از تراشیدن، سر خود را با خطمی بشوید؟  
فرمود: تفصیر نموده و بشوید.

۳ - عبدالرحمان ابی عبدالله گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا ﷺ در روز قربان  
سرش را می تراشید، ناخن می گرفت و از سبیل ها و اطراف محاسنش را کوتاه می کرد.

۴ - علی بن ابی حمزه گوید: امام کاظم علیه السلام فرمود:  
چون قربانی خود را خریدی و مبلغ آن را دادی و در وسایل سفر قرار گرفت پس  
قربانی به محل خود رسیده است. پس اگر دوست داشتی سر بتراشی پس بتراش.  
۵ - ابوبصیر گوید:



سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ جَهْلٍ أَنْ يُقَصِّرَ مِنْ رَأْسِهِ أَوْ يَخْلُقَ حَتَّى ارْتَحَلَ مِنْ مَنَى.  
قَالَ: فَلْيَرْجِعْ إِلَى مَنَى حَتَّى يَخْلُقَ بِهَا شَعْرَهُ أَوْ يُقَصِّرَ وَ عَلَى الصَّرُورَةِ أَنْ  
يَخْلُقَ.

۶- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي  
عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

يَنْبَغِي لِلصَّرُورَةِ أَنْ يَخْلُقَ وَإِنْ كَانَ قَدْ حَجَّ فَإِنْ شَاءَ قَصَرَ وَإِنْ شَاءَ حَلَقَ.  
قَالَ: وَإِذَا لَبَدَ شَعْرَهُ أَوْ عَقَصَهُ، فَإِنْ عَلَيْهِ الْحَلْقُ وَ لَيْسَ لَهُ التَّقْصِيرُ.  
۷- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي  
حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:  
عَلَى الصَّرُورَةِ أَنْ يَخْلُقَ رَأْسَهُ وَ لَا يُقَصِّرَ، وَإِنَّمَا التَّقْصِيرُ لِمَنْ حَجَّ حَجَّةَ الْإِسْلَامِ.  
۸- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ  
الْفُضَيْلِ عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ الْكِنَانِيِّ قَالَ:

از امام علیه السلام پرسیدم: مردی از روی ناآگاهی سرش را کوتاه نکرد یا تراشید تا از منا کوچ  
کرد (چه وظیفه‌ای دارد؟)

فرمود: باید به منا برگردد تا آن جا مویش را بتراشد و یا کوتاه کند و کسی که برای اولین  
بار به حج آمده باید سرش را بتراشد.

۶- معاویه بن عمار گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که برای اولین بار به حج آمده  
بهتر است سرش را بتراشد و اگر پیشتر حج انجام داده اگر بخواهد کوتاه می‌کند و بخواهد  
سرش را می‌تراشد.

فرمود: و اگر موهایش بهم پیوسته و یا بافته باشند باید سرش را بتراشید و نباید تقصیر نماید.

۷- نظیر این روایت را ابو بصیر از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند.

۸- ابوصباح کنانی گوید:

- سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ نَسِيَ أَنْ يُقَصِّرَ مِنْ شَعْرِهِ وَهُوَ حَاجٌّ حَتَّى ارْتَحَلَ مِنْ مَنَى.
- قَالَ: مَا يُعْجِبُنِي أَنْ يُلْقِيَ شَعْرَهُ إِلَّا بِمَنَى.
- وَقَالَ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿ثُمَّ لِيَقْضُوا تَفَثَهُمْ﴾ قَالَ: هُوَ الْحَلْقُ وَ مَا فِي جِلْدِ الْإِنْسَانِ.
- ۹- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَفْصِ بْنِ الْبَخْتَرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي رَجُلٍ يَخْلُقُ رَأْسَهُ بِمَكَّةَ.
- قَالَ: يَرُدُّ الشَّعْرَ إِلَى مَنَى.
- ۱۰- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ غِيَاثِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ جَعْفَرٍ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيِّ عليه السلام قَالَ: السُّنَّةُ فِي الْحَلْقِ أَنْ يَبْلُغَ الْعَظْمَيْنِ.
- ۱۱- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

از امام صادق عليه السلام پرسیدم: مردی فراموش کرد که از مویش کوتاه کند تا از منا کوچ کرد (چه وظیفه‌ای دارد؟)

فرمود: خوش ندارم که مویش را در غیر منا بریزد.

حضرتش در مورد گفتار خدای تعالی که می‌فرماید: «سپس آلودگی خودشان بریزند» فرمود: منظور از آن تراشیدن و از بین بردن آن چه در بدن انسان (از آلودگی بدن چرک و مو) است.

۹- حفص بن بختری گوید: امام صادق عليه السلام درباره مردی که سرش را در مکه تراشیده بود فرمود: باید مورا به منا برگرداند.

۱۰- غیاث بن ابراهیم گوید: امام صادق از پدران بزرگوارش از حضرت علی عليه السلام نقل می‌کند که حضرتش فرمود:

سنت در سر تراشیدن سر این است که تراشیدن تا پشت استخوان گوش برسد.

۱۱- یکی از اصحاب ما گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

تَقَصَّرُ الْمَرْأَةُ مِنْ شَعْرِهَا لِعُمَرَتِهَا قَدْرَ أَنْمَلَةٍ.

۱۲- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي نَصْرِ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عليه السلام: إِنَّا حِينَ نَعْرُزُ مِنْ مَنَى أَقْمَنَّا أَيَّامًا ثُمَّ حَلَقْتُ رَأْسِي طَلَبَ التَّلَذُّذِ فَدَخَلَنِي مِنْ ذَلِكَ شَيْءٌ.

فَقَالَ: كَانَ أَبُو الْحَسَنِ عليه السلام إِذَا خَرَجَ مِنْ مَكَّةَ فَأَتَى بِشْيَابِهِ حَلَقَ رَأْسَهُ.

قَالَ: وَقَالَ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿ثُمَّ لْيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَلْيُوفُوا نُذُورَهُمْ﴾.

قَالَ: التَّفَثُ: تَقْلِيمُ الْأَظْفَارِ، وَطَرْحُ الْوَسَخِ وَطَرْحُ الْإِحْرَامِ.

۱۳- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يَاسِينَ

الضَّرِيرِ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَّارَةَ:

أَنَّ رَجُلًا مِنْ أَهْلِ خُرَّاسَانَ قَدِمَ حَاجًّا وَكَانَ أَقْرَعَ الرَّأْسِ لَا يُحْسِنُ أَنْ يُلَبِّيَ فَاسْتَفْتَى لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَأَمَرَ أَنْ يُلَبِّيَ عَنْهُ وَيُمَرَّ الْمُوسَى عَلَى رَأْسِهِ، فَإِنَّ ذَلِكَ يُجْزَى عَنْهُ.

زن برای بیرون آمدن از عمره به اندازه بند انگشت از موی خود کوتاه می‌کند.

۱۲- ابن ابونصر گوید: به امام رضا عليه السلام گفتم: هنگامی که از منا کوچ کردیم مدتی (در مکه) ماندیم، سپس برای خوش آمد سرم را تراشیدم، ولی از دلم چیزی (پشیمانی) خطور کرد؟

فرمود: امام کاظم عليه السلام همواره هرگاه از مکه بیرون می‌رفت لباس‌هایش را می‌آوردند سرش را می‌تراشید.

راوی گوید: امام عليه السلام در مورد گفتار خدای عزوجل که می‌فرماید: «آن‌گاه آلودگی‌های خود را فرو ریزند و به نذرهایشان وفا کنند» فرمود:

منظور از آلودگی چیدن ناخن و برطرف کردن کثافت و بیرون رفتن از احرام است.

۱۳- زراره گوید: مردی از مردم خراسان به حج آمده بود، او کچل بود و خوب نمی‌توانست لبیک بگوید. در این مورد از امام صادق عليه السلام استفتا نمودند.

حضرتش امر فرمود که از عوض او لبیک گویند و تیغ را بر سر او بکشند، چرا که همان برای او کفایت می‌کند.

(۱۸۹)

**بَابُ مَنْ قَدَّمَ شَيْئًا أَوْ أَخَّرَهُ مِنْ مَنَاسِكِهِ**

- ۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ يَزُورُ الْبَيْتَ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ. قَالَ: لَا يَنْبَغِي إِلَّا أَنْ يَكُونَ نَاسِيًا. ثُمَّ قَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله أَتَاهُ أَنَاسٌ يَوْمَ النَّحْرِ. فَقَالَ: بَعْضُهُمْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! إِنِّي حَلَقْتُ قَبْلَ أَنْ أَذْبَحَ. وَ قَالَ بَعْضُهُمْ: حَلَقْتُ قَبْلَ أَنْ أَرْمِيَ فَلَمْ يَتَرَكُوا شَيْئًا كَانَ يَنْبَغِي لَهُمْ أَنْ يُؤَخِّرُوهُ إِلَّا قَدَمُوهُ. فَقَالَ: لَا حَرَجَ.
- ۲ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَصْرِ قَالَ:

**بخش صد و هشتاد و نهم****حکم کسی که در انجام مناسک بخشی را تقدیم و تأخر نماید**

- ۱ - جمیل بن درّاج گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: کسی که پیش از تراشیدن سرش بیت را زیارت نماید (چه حکمی دارد؟) فرمود: چنین عملی جایز نیست، مگر این که فراموش کند. آن گاه فرمود: گروهی در روز قربان خدمت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شرفیاب شدند، یکی گفت: ای رسول خدا! من پیش از این که قربانی کنم سرم را تراشیدم. دیگری گفت: من پیش از رمی سرم را تراشیدم و چیزی را که بر آنها سزاوار بود فروگذار نکردند مگر این که پس و پیش انداختند. فرمود: ایرادی نیست.
- ۲ - احمد بن محمد بن ابی نصر گوید:

قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ الثَّانِي عليه السلام: جُعِلْتُ فِدَاكَ! إِنَّ رَجُلًا مِنْ أَصْحَابِنَا رَمَى الْجَمْرَةَ يَوْمَ النَّحْرِ وَحَلَقَ قَبْلَ أَنْ يَذْبَحَ.

فَقَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله لَمَّا كَانَ يَوْمَ النَّحْرِ أَتَاهُ طَوَائِفُ مِنَ الْمُسْلِمِينَ. فَقَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ! ذَبَحْنَا مِنْ قَبْلِ أَنْ نَرْمِيَ وَحَلَقْنَا مِنْ قَبْلِ أَنْ نَذْبَحَ وَ لَمْ يَبْقَ شَيْءٌ مِمَّا يَنْبَغِي لَهُمْ أَنْ يُقَدِّمُوهُ إِلَّا أَخْرَوْهُ وَ لَا شَيْءٌ مِمَّا يَنْبَغِي لَهُمْ أَنْ يُؤَخِّرُوهُ إِلَّا قَدَّمُوهُ.

فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: لَا حَرَجَ لَا حَرَجَ.

۳ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ جَمِيعاً عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْخَزَّازِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام فِي رَجُلٍ زَارَ الْبَيْتَ قَبْلَ أَنْ يَحْلِقَ:

فَقَالَ: إِنْ كَانَ زَارَ الْبَيْتَ قَبْلَ أَنْ يَحْلِقَ وَ هُوَ عَالِمٌ أَنَّ ذَلِكَ لَا يَنْبَغِي لَهُ فَإِنَّ عَلَيْهِ دَمَ شَاةٍ.

به امام جواد عليه السلام گفتم: قربانت کردم! مردی از رفیقانمان در روز قربان رمی جمره نمود و پیش از قربانی سر خود تراشید.

حضرتش در پاسخ نظیر روایت پیشین را بیان فرمود.

۳ - محمد بن مسلم گوید: از امام باقر عليه السلام درباره مردی که پیش از تراشیدن سر، کعبه را زیارت نماید، پرسیدم.

فرمود: اگر آگاهانه چنین نموده بر او سزاوار نیست. پس بر ذمه او قربانی گوسفند است.

۴- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:  
فِي رَجُلٍ نَسِيَ أَنْ يَذْبَحَ بِمَنْى حَتَّى زَارَ الْبَيْتَ فَاشْتَرَى بِمَكَّةَ ثُمَّ ذَبَحَ.  
قَالَ: لَا بَأْسَ قَدْ أَجْزَأَ عَنْهُ.

(۱۹۰)

### بَابُ مَا يَحِلُّ لِلرَّجُلِ مِنَ اللَّبَاسِ وَ الطَّيِّبِ إِذَا حَلَقَ قَبْلَ أَنْ يَزُورَ

۱- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ سَعِيدِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ:  
سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الْمُتَمَتِّعِ إِذَا حَلَقَ رَأْسَهُ قَبْلَ أَنْ يَزُورَ الْبَيْتَ يَطْلِيهِ بِالْحِنَاءِ.  
قَالَ: نَعَمْ الْحِنَاءُ وَ الثِّيَابُ وَ الطَّيِّبُ وَ كُلُّ شَيْءٍ إِلَّا النِّسَاءَ. رَدَّدَهَا عَلَيَّ مَرَّتَيْنِ أَوْ ثَلَاثَةً.

۴- معاویة بن عمار گوید: امام صادق عليه السلام درباره مردی که فراموش نمود که در منا قربانی ذبح کند، تا این که وارد مسجد شد و بیت را زیارت نموده و در مکه قربانی خرید و آن را ذبح نمود. فرمود:  
ایرادی ندارد او را کفایت می کند.

### بخش صد و نودم

مواردی که برای مرد پس از تراشیدن سر پیش از زیارت بیت  
از لباس و عطر حلال می شود

۱- سعید بن یسار گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: کسی که حج تمتع انجام می دهد هرگاه سرش را تراشید پیش از این که بیت را زیارت نماید، می تواند حنا بمالد؟  
فرمود: آری می تواند از حنا، لباس و عطر استفاده کند، جز ارتباط با زنان.  
حضرتش این سخن را دوبار و یا سه بار برای من تکرار فرمود.

قَالَ: وَ سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْهَا.

فَقَالَ: نَعَمْ الْحِنَاءُ وَ الثِّيَابُ وَ الطِّيبُ وَ كُلُّ شَيْءٍ إِلَّا النَّسَاءَ.

۲ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ فَضَالٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقُلْتُ: الْمُتَمَتِّعُ يُعْطَى رَأْسُهُ إِذَا حَلَقَ؟

فَقَالَ: يَا بُنَيَّ! حَلَقُ رَأْسِهِ أَعْظَمُ مِنْ تَعْطِيَتِهِ إِيَّاهُ.

۳ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ يَفْطِينٍ عَنْ

يُونُسَ مَوْلَى عَلِيٍّ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْخَزَّازِ قَالَ:

رَأَيْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَعْدَ مَا ذَبَحَ حَلَقَ ثُمَّ ضَمَدَ رَأْسَهُ بِمِسْكِ وَ زَارَ الْبَيْتَ وَ عَلَيْهِ

قَمِيصٌ وَ كَانَ مُتَمَتِّعًا.

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَرَّارٍ عَنْ يُونُسَ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ نَحْوَهُ.

۴ - أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ

الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ:

راوی گوید: از امام کاظم علیه السلام در این مورد پرسیدم، حضرتش همان گونه پاسخ فرمود.

۲ - یونس بن یعقوب گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: کسی که حج تمتع انجام

می دهد وقتی که سرش را تراشید سرش را می پوشاند؟

فرمود: ای فرزندم! تراشیدن سر مهم تر از پوشانیدن آن است.

۳ - ابو ایوب خزّاز گوید:

امام کاظم علیه السلام را دیدم که بعد آن که قربانی نمود و سرش را تراشید. آن گاه سر خود را با

مشک ضماد نمود (و با پارچه ای بست) و بیت را زیارت نمود. حضرتش پیراهن بر تن

داشت و در حال انجام حج تمتع بود.

۴ - عبدالرحمان بن حجّاج گوید:

وُلِدَ لِأَبِي الْحَسَنِ عليه السلام مَوْلُودٌ بِمَنَى فَأَرْسَلَ إِلَيْنَا يَوْمَ النَّحْرِ بِخَبِيصٍ فِيهِ زَعْفَرَانٌ وَكُنَّا قَدْ حَلَقْنَا.

قَالَ عَبْدُ الرَّحْمَنِ: فَأَكَلْتُ أَنَا وَأَبَى الْكَاهِلِيُّ وَ مُرَازِمٌ أَنْ يَأْكُلَا وَقَالَا: لَمْ نَزُرِ الْبَيْتَ. فَسَمِعَ أَبُو الْحَسَنِ عليه السلام كَلَامَنَا، فَقَالَ لِمُصَادِفٍ - وَكَانَ هُوَ الرَّسُولُ الَّذِي جَاءَنَا بِهِ -: فِي أَيِّ شَيْءٍ كَانُوا يَتَكَلَّمُونَ؟

قَالَ: أَكَلَ عَبْدُ الرَّحْمَنِ وَأَبَى الْآخِرَانِ وَقَالَا: لَمْ نَزُرْ بَعْدُ.

فَقَالَ: أَصَابَ عَبْدُ الرَّحْمَنِ.

ثُمَّ قَالَ: أَمَا يَذْكُرُ حِينَ أُوتِينَا بِهِ فِي مِثْلِ هَذَا الْيَوْمِ، فَأَكَلْتُ أَنَا مِنْهُ وَأَبَى عَبْدُ اللَّهِ أَخِي أَنْ يَأْكُلَ مِنْهُ، فَلَمَّا جَاءَ أَبِي حَرَّشُهُ عَلَيَّ فَقَالَ: يَا أَبَهْ! إِنَّ مُوسَى أَكَلَ خَبِيصًا فِيهِ زَعْفَرَانٌ وَ لَمْ يَزُرْ بَعْدُ.

فَقَالَ أَبِي: هُوَ أَفْقَهُ مِنْكَ، أَلَيْسَ قَدْ حَلَقْتُمْ رُءُوسَكُمْ؟

۵ - صَفْوَانٌ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ:

برای امام کاظم عليه السلام در منا فرزندی به دنیا آمد. آن حضرت در روز قربان برای ما حلوی زعفرانی فرستاد، ما سرمان را تراشیده بودیم.

عبدالرحمان گوید: من از آن حلوا خوردم، ولی کاهلی و مرازم نخوردند و گفتند که هنوز بیت را زیارت ننموده ایم.

گفت و گوی ما به گوش مبارک امام کاظم عليه السلام رسید، به مصادف - که حلوا را توسط او فرستاده بود - فرمود: در چه چیز سخن می گویند؟

گفت: عبدالرحمان از حلوا خورد و آن دو امتناع کردند و گفتند: هنوز زیارت نکرده ایم. فرمود: عبدالرحمان درست عمل نمود.

سپس فرمود: آیا به یاد نمی آوری که در همچون روزی برای ما حلوی زعفرانی آوردند، پس من از آن حلوا خوردم و برادرم عبدالله خودداری کرد که از آن بخورد. وقتی پدرم آمد آن حضرت را بر من به خشم آورد و گفت: ای پدر! موسی از حلوی زعفرانی میل کرد و هنوز بیت را زیارت ننموده بود.

پدرم فرمود: او از تو داناتر و فقیه تر است، مگر سرتان را نتراشیده اید؟!

۵ - اسحاق بن عمار گوید:



سَأَلْتُ أَبَا إِبْرَاهِيمَ عليه السلام عَنِ الْمُتَمَتِّعِ إِذَا حَلَقَ رَأْسَهُ مَا يَحِلُّ لَهُ؟  
فَقَالَ: كُلُّ شَيْءٍ إِلَّا النَّسَاءَ.

(۱۹۱)

### بَابُ صَوْمِ الْمُتَمَتِّعِ إِذَا لَمْ يَجِدِ الْهَدْيَ

۱- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ جَمِيعاً عَنْ رِفَاعَةَ بْنِ مُوسَى قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الْمُتَمَتِّعِ لَا يَجِدُ الْهَدْيَ.  
قَالَ: يَصُومُ قَبْلَ التَّرْوِيَةِ بَيَّوْمٍ وَ يَوْمَ التَّرْوِيَةِ وَ يَوْمَ عَرَفَةَ.  
قُلْتُ: فَإِنَّهُ قَدِمَ يَوْمَ التَّرْوِيَةِ؟  
قَالَ: يَصُومُ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ بَعْدَ التَّشْرِيقِ.  
قُلْتُ: لَمْ يُقِمِ عَلَيْهِ جَمَالُهُ.

از امام کاظم عليه السلام پرسیدم: کسی که حج تمتع انجام می دهد وقتی سرش را تراشید چه چیزی براو حلال است؟  
فرمود: همه چیزهایی که به جهت احرام حرام بود، برای او حلال است مگر نزدیکی با زنان.

### بخش صد و نود و یکم

#### حکم روزه کسی که حج تمتع انجام می دهد در ازای نبود قربانی

۱- رِفَاعَةُ بْنُ مُوسَى گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: کسی که حج تمتع انجام می دهد اگر قربانی نیافت (چه وظیفه ای دارد؟)

فرمود: یک روز پیش از ترویة (روز هشتم ذی حجه)، روز ترویة و روز عرفة روزه می گیرد.  
گفتم: او روز ترویة وارد (منا) شد؟  
فرمود: سه روز بعد از تشریق (ایام بودن در منا) روزه بگیرد.  
گفتم: مسؤول کاروان برای او درنگ نکرد.

قَالَ: يَصُومُ يَوْمَ الْحَضْبَةِ وَبَعْدَهُ يَوْمَيْنِ.

قَالَ: قُلْتُ: وَمَا الْحَضْبَةُ؟

قَالَ: يَوْمُ نَفَرِهِ.

قُلْتُ: يَصُومُ وَهُوَ مُسَافِرٌ؟

قَالَ: نَعَمْ، أَلَيْسَ هُوَ يَوْمَ عَرَفَةَ مُسَافِرًا؟ إِنَّا أَهْلُ بَيْتٍ نَقُولُ: ذَلِكَ لِقَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ

جَلَّ «فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ» يَقُولُ: فِي ذِي الْحِجَّةِ.

۲- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ عَبْدِ الْكَرِيمِ بْنِ عَمْرٍو عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَحَدِهِمَا عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ:

مَنْ لَمْ يَجِدْ هَدْيًا وَ أَحَبَّ أَنْ يُقَدَّمَ الثَّلَاثَةُ الْأَيَّامِ فِي أَوَّلِ الْعَشْرِ فَلَا بَأْسَ.

۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ

صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى وَ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ مُتَمَتِّعٍ لَمْ يَجِدْ هَدْيًا.

فرمود: روز حصبه روزه و دو روز بعد از آن، روزه می گیرد.

گفتم: حصبه چیست؟

فرمود: روز کوچ کردن (از منا).

گفتم: در حال سفر روز می گیرد؟

فرمود: آری، مگر او در روز عرفه مسافر نیست؟! ما اهل بیت آن را از گفتار خداوند ﷻ

می گوئیم: «سه روز روزه در ایام حج» که در ذی حجه قرار دارد.

۲- زراره گوید: امام (باقر و یا امام صادق علیه السلام) فرمود:

هر که قربانی نیافت و خواست سه روز روزه را پیشتر در اول دهه ذی حجه بگیرد

ایرادی ندارد.

۳- معاویه بن عمار گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: کسی که برای حج تمتع آمده، اگر

قربانی نیابد (چه وظیفه ای دارد؟)

- قَالَ: يَصُومُ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ يَوْمًا قَبْلَ التَّزْوِيَةِ وَ يَوْمَ التَّزْوِيَةِ وَ يَوْمَ عَرَفَةَ.  
 قَالَ: قُلْتُ: فَإِنْ فَاتَهُ ذَلِكَ؟  
 قَالَ: يَتَسَحَّرُ لَيْلَةَ الْحَضْبَةِ وَ يَصُومُ ذَلِكَ الْيَوْمَ وَ يَوْمَيْنِ بَعْدَهُ.  
 قُلْتُ: فَإِنْ لَمْ يُقِمَّ عَلَيْهِ جَمَالُهُ أَوْ يَصُومُهَا فِي الطَّرِيقِ؟  
 قَالَ: إِنْ شَاءَ صَامَهَا فِي الطَّرِيقِ وَ إِنْ شَاءَ إِذَا رَجَعَ إِلَى أَهْلِهِ.  
 ۴- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عِيصِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:  
 سَأَلْتُهُ عَنْ مُتَمَتِّعٍ يَدْخُلُ يَوْمَ التَّزْوِيَةِ وَ لَيْسَ مَعَهُ هَدْيٌ.  
 قَالَ: فَلَا يَصُومُ ذَلِكَ الْيَوْمَ وَ لَا يَوْمَ عَرَفَةَ وَ يَتَسَحَّرُ لَيْلَةَ الْحَضْبَةِ فَيُصْبِحُ صَائِمًا  
 وَ هُوَ يَوْمُ النَّفَرِ وَ يَصُومُ يَوْمَيْنِ بَعْدَهُ.  
 ۵- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

- فرمود: سه روز در ایام حج - که روز هفتم، روز هشتم و روز عرفه است - روزه می‌گیرد.  
 گوید: گفتم: اگر روزه آن سه روز از او فوت شد؟  
 فرمود: شب حصبه (کوچ از منا) سحرس خورده آن روز و دو روز بعد از آن را روزه می‌گیرد.  
 گفتم: اگر مسئول کاروان درنگ نکرد آیا در راه روزه بگیرد؟  
 فرمود: اگر خواست در راه روز می‌گیرد و اگر خواست هنگامی که به نزد خانواده‌اش رسید روزه می‌گیرد.  
 ۴- عیص بن قاسم گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: کسی که حج تمتع انجام می‌دهد  
 که روز هشتم ذی‌حجه وارد شد و امکان قربانی نداشت؟  
 فرمود: آن روز و روز عرفه را روزه نمی‌گیرد و شب حصبه - که روز کوچ از منا است -  
 سحری خورده و روزه می‌گیرد و دو روز بعد از آن را نیز روزه می‌گیرد.  
 ۵- یکی از اصحاب ما گوید:

قُلْتُ لَهُ: رَجُلٌ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فِي عَيْبَتِهِ ثِيَابٌ لَهُ يَبِيعُ مِنْ ثِيَابِهِ وَيَشْتَرِي هَدِيَّةً.

قَالَ: لَا، هَذَا يَتَرَيَّنُ بِهِ الْمُؤْمِنُ، يَصُومُ وَلَا يَأْخُذُ شَيْئاً مِنْ ثِيَابِهِ.

۶- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي مَتَمَتِّعٍ يَجِدُ الثَّمَنَ وَلَا يَجِدُ الْغَنَمَ.

قَالَ: يُخَلَّفُ الثَّمَنُ عِنْدَ بَعْضِ أَهْلِ مَكَّةَ وَيَأْمُرُ مَنْ يَشْتَرِي لَهُ وَيَذْبَحُ عَنْهُ وَهُوَ يُجْزَى عَنْهُ، فَإِنْ مَضَى ذُو الْحِجَّةِ آخَرَ ذَلِكَ إِلَى قَابِلٍ مِنْ ذِي الْحِجَّةِ.

۷- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ يَحْيَى الْأَزْرَقِ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام عَنْ مَتَمَتِّعٍ كَانَ مَعَهُ ثَمَنٌ هَدْيٍ وَهُوَ يَجِدُ بِمِثْلِ ذَلِكَ الَّذِي مَعَهُ هَدِياً فَلَمْ يَزَلْ يَتَوَانَى وَيُؤَخِّرُ ذَلِكَ حَتَّى إِذَا كَانَ آخِرُ النَّهَارِ غَلَّتِ الْغَنَمُ فَلَمْ يَقْدِرْ أَنْ يَشْتَرِيَ بِالَّذِي مَعَهُ هَدِياً.

به امام رضا عليه السلام گفتم: مردی عمره تمتع حج انجام می دهد و در چمدانش لباس دارد، (می تواند) از لباسش بفروشد و قربانی بخرد؟

فرمود: نه، مؤمن با این لباس آراسته می شود. روزه می گیرد و چیزی از لباسش بر نمی دارد.

۶- حریر گوید: امام صادق عليه السلام در مورد کسی که حج تمتع انجام می دهد که پول دارد، ولی گوسفند پیدا نمی کند فرمود:

پول را در نزد یکی از اهل مکه می گذارد و به او دستور می دهد که از جانب وی گوسفند بخرد و از عوض او ذبح شود و همان از او کفایت می کند و اگر ماه ذی حجه گذشت آن را تا ذی حجه سال آینده به تأخیر می اندازد.

۷- یحیی ارزق گوید: از امام کاظم عليه السلام پرسیدم: کسی که حج تمتع انجام می دهد، او مبلغ قربانی را دارد، و او به اندازه آن که دارد، قربانی می یابد ولی سستی می کند و آن را به تأخیر می اندازد تا آن که آخر روز، گوسفند گران می شود و با آن مبلغی که دارد نمی تواند قربانی بخرد (چه وظیفه ای دارد؟)

قَالَ: يَصُومُ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ بَعْدَ أَيَّامِ التَّشْرِيقِ.

۸- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ عَبْدِ الْكَرِيمِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ تَمَتَّعَ فَلَمْ يَجِدْ هَذَا فَصَامَ الثَّلَاثَةَ الْأَيَّامَ فَلَمَّا قَضَى نُسُكَهُ بَدَأَ لَهُ أَنْ يُقِيمَ بِمَكَّةَ.

قَالَ: يَنْتَظِرُ مَقْدَمَ أَهْلِ بِلَادِهِ فَإِذَا ظَنَّ أَنَّهُمْ قَدْ دَخَلُوا فَلْيَصُمْ السَّبْعَةَ الْأَيَّامَ. ۹- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ عَبْدِ الْكَرِيمِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ تَمَتَّعَ فَلَمْ يَجِدْ مَا يُهْدِي بِهِ حَتَّى إِذَا كَانَ يَوْمُ النَّفَرِ وَجَدَ ثَمَنَ شَاةٍ أَوْ يَذْبَحُ أَوْ يَصُومُ؟

قَالَ: بَلَى يَصُومُ، فَإِنَّ أَيَّامَ الذَّبْحِ قَدْ مَضَتْ. ۱۰- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَفْصِ بْنِ الْبَخْتَرِيِّ عَنْ مَنْصُورٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

فرمود: روز بعد از ایام تشریق (ایام بودن در منا) را روزه می‌گیرد. ۸- ابوبصیر گوید: از امام (باقرو یا امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ) پرسیدم: مردی که حج تمتع انجام می‌دهد و امکان قربانی ندارد، پس سه روز، روزه می‌گیرد چون مناسکی تمام شد کاری پیش می‌آید که در مکه می‌ماند؟ فرمود: منتظر می‌شود تا رسید اهل شهرش پس چون گمان نمود که رسیدند پس هفت روز روزه می‌گیرد.

۹- ابو بصیر گوید: از امام باقرو یا امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ پرسیدم از مردی که حج تمتع می‌کند و امکان قربانی نداشت تا روز رفتن شد مبلغ گوسفند را به دست آورد آیا قربان کند یا روزه بگیرد؟

فرمود: بلکه روزه بگیرد زیرا ایام قربانی گوسفند است.

۱۰- منصور گوید: امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

مَنْ لَمْ يَصُمْ فِي ذِي الْحِجَّةِ حَتَّى يُهْلَ هِلَالُ الْمُحَرَّمِ فَعَلَيْهِ دَمٌ شَاةٍ وَ لَيْسَ لَهُ صَوْمٌ وَ يَذْبَحُهُ بِمَنًى.

۱۱ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بَحْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ مُتَمَتِّعٍ صَامَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ ثُمَّ أَصَابَ هَذَا يَوْمَ خَرَجَ مِنْ مَنًى. قَالَ: أَجْزَأُهُ صِيَامُهُ.

۱۲ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَّالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ هَذَا يَوْمٌ لِمُتَعَتِهِ فَلْيَصُمْ عَنْهُ وَلِيُّهُ.

۱۳ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

هر که در ذی حجه روزه نگرفت تا هلال محرم نمودار شد، پس بر ذمه او قربانی است که (سال آینده) در منا انجام دهد و بر او روزه نیست.

۱۱ - حماد بن عثمان گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: کسی که حج تمتع انجام می دهد که سه روز ایام حج روزه گرفت، پس روز خروج از منا قربانی به دست آورد. فرمود: روزه اش کفایت می کند.

۱۲ - معاویه بن عمار (که از راویان امام صادق عليه السلام است) گوید: حضرتش فرمود: هر که بمیرد و برای قربانی حج تمتع قربانی نداشته باشد، پس ولی او از جانب وی روزه بگیرد.

۱۳ - حلبی گوید:

أَنَّهُ سُئِلَ عَنْ رَجُلٍ يَتَمَتَّعُ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ هَدْيٌ فَصَامَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ ثُمَّ مَاتَ بَعْدَ مَا رَجَعَ إِلَى أَهْلِهِ قَبْلَ أَنْ يَصُومَ السَّبْعَةَ الْأَيَّامَ أَعْلَى وَلِيِّهِ أَنْ يَفْضِي عَنْهُ؟

قَالَ: مَا أَرَى عَلَيْهِ قَضَاءً.

۱۴ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ هِلَالٍ عَنْ عُقْبَةَ بْنِ خَالِدٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ تَمَتَّعَ وَ لَيْسَ مَعَهُ مَا يَشْتَرِي بِهِ هَدْيًا فَلَمَّا أَنْ صَامَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ أَيْسَرَ، أَيْ شَتَرِي هَدْيًا، فَيَنْحَرُهُ أَوْ يَدْعُ ذَلِكَ وَ يَصُومُ سَبْعَةَ أَيَّامٍ إِذَا رَجَعَ إِلَى أَهْلِهِ؟

قَالَ: يَشْتَرِي هَدْيًا فَيَنْحَرُهُ وَ يَكُونُ صِيَامُهُ الَّذِي صَامَهُ نَافِلَةً لَهُ.

۱۵ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ رَفَعَهُ فِي قَوْلِهِ عَزَّ وَ جَلَّ: «فَنَ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ وَ سَبْعَةَ إِذَا رَجَعْتُمْ تِلْكَ عَشْرَةٌ كَامِلَةٌ».

از امام صادق عليه السلام سؤال شد: کسی که حج و عمره تمتع انجام می‌دهد و قربانی ندارد، در ایام حج، سه روز روزه گرفت و بعد از این که نزد خانواده‌اش رسید و پیش از این که هفت روز، روزه بگیرد از دنیا رفت، آیا بر ذمه ولی اوست که از جانب او قضا کند؟ فرمود: به نظر من انجام هیچ قضائی برا او نیست.

۱۴ - عقبه بن خالد گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: مردی که حج تمتع انجام می‌دهد و با او چیزی نیست که قربانی بخرد، پس چون سه روز روزه می‌گیرد امکان پیدا می‌کند، آیا قربانی بخرد و نحر کند یا آن را رها کرده چون به وطنش برگشت هفت روز روزه بگیرد؟ فرمود: قربانی می‌خرد و نحر می‌کند و روزه‌ای که گرفته برای او به عنوان نافله محسوب می‌شود.

۱۵ - علی بن ابراهیم از پدرش در روایت مرفوعه‌ای نقل می‌کند که حضرتش در مورد گفتار خداوند تبارک و تعالی که می‌فرماید: «پس هر که قربانی نیافت پس سه روز، روزه در ایام حج و هفت روز چون برگشتید، روزه بگیرد که آن ده روز کامل است».

قَالَ: كَمَالُهَا كَمَالُ الْأُضْحِيَّةِ.

۱۶ - بَعْضُ أَصْحَابِنَا عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْكَرْخِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِلرَّضَا عليه السلام: أَلَمْ تَمْتَعْ بِقَدَمٍ وَ لَيْسَ مَعَهُ هَدْيٌ أَوْ يَصُومُ مَا لَمْ يَجِبْ عَلَيْهِ؟ قَالَ: يَصْبِرُ إِلَى يَوْمِ النَّحْرِ، فَإِنْ لَمْ يُصِبْ فَهُوَ مِمَّنْ لَمْ يَجِدْ.

(۱۹۲)

### بَابُ الزِّيَارَةِ وَالْغُسْلِ فِيهَا

۱ - الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ الْوُشَّاءِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَائِدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْعَلَاءِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الْغُسْلِ إِذَا زَارَ الْبَيْتَ مِنْ مَنَى. فَقَالَ: أَنَا أَعْتَسِلُ مِنْ مَنَى ثُمَّ أَزُورُ الْبَيْتَ.

فرمود: کامل بودن آن، کامل بودن قربانی است.

۱۶ - احمد بن عبدالله کرخی گوید: به امام رضا عليه السلام گفتم: کسی که حج تمتع انجام می‌دهد و با او قربانی نیست، آیا روزه بگیرد که بر او واجب نیست؟ فرمود: تا روز قربانی درنگ می‌کند، اگر نتوانست پس او کسی است که قربانی نیافته است.

### بخش صد و نود و دوم

### زیارت بیت و غسل آن

۱ - حسین بن ابی اعلا گوید: از امام صادق عليه السلام در مورد غسل زیارت کعبه پرسیدم که چون از منا روانه زیارت بیت شود انجام دهد؟ فرمود: من در منا غسل می‌کنم آن‌گاه بیت را زیارت می‌کنم.



۲- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام: عَنْ غُسْلِ الزِّيَارَةِ يَغْتَسِلُ الرَّجُلُ بِاللَّيْلِ وَ يَزُورُ فِي اللَّيْلِ بِغُسْلٍ وَاحِدٍ أ يُجْزِئُهُ ذَلِكَ؟

قَالَ: يُجْزِئُهُ مَا لَمْ يُحْدِثْ مَا يُوجِبُ وَضُوءًا، فَإِنْ أَحْدَثَ فَلْيُعِدْ غُسْلَهُ بِاللَّيْلِ.

۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

يَنْبَغِي لِلْمُتَمَتِّعِ أَنْ يَزُورَ الْبَيْتَ يَوْمَ النَّحْرِ، أَوْ مِنْ لَيْلَتِهِ وَ لَا يُؤَخَّرَ ذَلِكَ.

۴- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي زِيَارَةِ الْبَيْتِ يَوْمَ النَّحْرِ.

۲- اسحاق بن عمار گوید: از امام کاظم عليه السلام در مورد غسل زیارت پرسیدم که انسان

شب هنگام یک غسل می کند و هنگام شب زیارت می کند آیا کفایت می کند؟

فرمود: از او کفایت می کند مادامی که کاری از او صادر نشود که موجب وضو شود و اگر

کاری حادث شد پس شب هنگام غسلش را اعاده نماید.

۳- حلبی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

برای کسی که حج تمتع انجام می دهد شایسته است که بیت را روز قربان یا در شب آن

زیارت کند و آن را به تأخیر نیندازد.

۴- معاویه بن عمار گوید: امام صادق عليه السلام در مورد زیارت بیت در روز قربان فرمود:

قَالَ: زُرْهُ فَإِنْ شِغِلْتَ فَلَا يَصْرُكَ أَنْ تَزُورَ الْبَيْتَ مِنَ الْعَدِ وَلَا تُؤْخِرْهُ أَنْ تَزُورَ مِنْ يَوْمِكَ، فَإِنَّهُ يُكْرَهُ لِلْمُتَمَتِّعِ أَنْ يُؤْخِرْهُ وَمَوْسَعٍ لِلْمُفْرِدِ أَنْ يُؤْخِرْهُ فَإِذَا أَتَيْتَ الْبَيْتَ يَوْمَ النَّحْرِ، فَقُمْتَ عَلَى بَابِ الْمَسْجِدِ قُلْتَ:

«اللَّهُمَّ أَعِنِّي عَلَى نُسُكِكَ وَ سَلِّمْنِي لَهُ وَ سَلِّمْنِي لِي أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْعَلِيلِ الدَّلِيلِ الْمُعْتَرِفِ بِذَنْبِهِ أَنْ تَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي وَأَنْ تَرْجِعَنِي بِحَاجَتِي.

اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَ الْبَلَدُ بَلَدُكَ وَ الْبَيْتُ بَيْتُكَ جِئْتُ أَطْلُبُ رَحْمَتَكَ وَ أَوْمُ طَاعَتِكَ مُتَّبِعاً لِأَمْرِكَ رَاضِياً بِقُدْرِكَ أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْمُضْطَرِّ إِلَيْكَ الْمُطِيعِ لِأَمْرِكَ الْمُشْفِقِ مِنْ عَذَابِكَ الْخَائِفِ لِعُقُوبَتِكَ أَنْ تُبَلِّغَنِي عَفْوَكَ وَ تُجِيرَنِي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ».

ثُمَّ تَأْتِي الْحَجَرَ الْأَسْوَدَ فَتَسْتَلِمُهُ وَ تُقَبِّلُهُ فَإِنْ لَمْ تَسْتَطِعْ فَاسْتَلِمَهُ بِيَدِكَ وَ قَبَّلْ يَدَكَ فَإِنْ لَمْ تَسْتَطِعْ فَاسْتَقْبِلْهُ وَ كَبِّرْ، وَ قُلْ كَمَا قُلْتَ حِينَ طُفْتَ بِالْبَيْتِ يَوْمَ قَدِمْتَ مَكَّةَ ثُمَّ طُفَّ بِالْبَيْتِ سَبْعَةَ أَشْوَاطٍ كَمَا وَصَفْتُ لَكَ يَوْمَ قَدِمْتَ مَكَّةَ ثُمَّ صَلِّ عِنْدَ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَكَعَتَيْنِ تَقْرَأُ فِيهِمَا بِـ«قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» وَ «قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ».

بیت را (در روز قربان) زیارت کن و اگر کار داشتی به تو ضرر نمی رساند که فردا بیت را زیارت کنی و آن را از همان روز به تأخیر مینداز، زیرا برای کسی که حج تمتع انجام می دهد مکروه است که آن را به تأخیر بیندازد و بر حج مفرد گذار اجازه داده شد که آن را به تأخیر بیندازد. پس هرگاه در روز قربان نزد بیت آمدی، درب مسجد می ایستی و می گویی: «اللَّهُمَّ أَعِنِّي عَلَى نُسُكِكَ وَ سَلِّمْنِي لَهُ وَ سَلِّمْنِي لِي أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْعَلِيلِ الدَّلِيلِ الْمُعْتَرِفِ بِذَنْبِهِ أَنْ تَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي وَأَنْ تَرْجِعَنِي بِحَاجَتِي.

اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَ الْبَلَدُ بَلَدُكَ وَ الْبَيْتُ بَيْتُكَ جِئْتُ أَطْلُبُ رَحْمَتَكَ وَ أَوْمُ طَاعَتِكَ مُتَّبِعاً لِأَمْرِكَ رَاضِياً بِقُدْرِكَ أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْمُضْطَرِّ إِلَيْكَ الْمُطِيعِ لِأَمْرِكَ الْمُشْفِقِ مِنْ عَذَابِكَ الْخَائِفِ لِعُقُوبَتِكَ أَنْ تُبَلِّغَنِي عَفْوَكَ وَ تُجِيرَنِي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ».

سپس کنار حجر الاسود می آیی و آن را استلام نموده و می بوسی و اگر نتوانستی با دست استلام کن و آن را ببوس و اگر نتوانستی رو به روی آن بایست و «الله اکبر» بگو و دعایی را که موقع طواف در روزی که به کعبه آمدی بخوان و هفت شوط طواف بیت انجام بده، چنانچه روز آمدن به مکه بر تو توصیف نمودم، سپس دو رکعت نماز در پشت مقام ابراهیم علیه السلام بگزار که در رکعت اول سورة توحید و در رکعت دوم سورة کافرون را می خوانی.

ثُمَّ ارْجِعْ إِلَى الْحَجَرِ الْأَسْوَدِ، فَقَبِّلْهُ إِنْ اسْتَطَعْتَ وَاسْتَقْبِلْهُ وَكَبِّرْ ثُمَّ أَخْرِجْ إِلَى الصَّافَا فَاصْعُدْ عَلَيْهِ وَاصْنَعْ كَمَا صَنَعْتَ يَوْمَ دَخَلْتَ مَكَّةَ.

ثُمَّ انْبِ الْمَرْوَةَ فَاصْعُدْ عَلَيْهَا وَطُفْ بَيْنَهُمَا سَبْعَةَ أَشْوَاطٍ تَبْدَأُ بِالصَّافَا وَتَخْتِمُ بِالْمَرْوَةِ، فَإِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ فَقَدْ أَحَلَلْتَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ أَحْرَمْتَ مِنْهُ إِلَّا النِّسَاءَ. ثُمَّ ارْجِعْ إِلَى الْبَيْتِ وَطُفْ بِهِ أُسْبُوعًا آخَرَ ثُمَّ صَلِّ رَكْعَتَيْنِ عِنْدَ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ ثُمَّ أَحَلَلْتَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَفَرَعْتَ مِنْ حَجَّكَ كُلِّهِ وَكُلِّ شَيْءٍ أَحْرَمْتَ مِنْهُ.

۵- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ زَكَرِيَّا قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! مُتَمَتِّعٌ زَارَ الْبَيْتَ فَطَافَ طَوَافَ الْحَجِّ ثُمَّ طَافَ طَوَافَ النِّسَاءِ ثُمَّ سَعَى.

فَقَالَ: لَا يَكُونُ السَّعْيُ إِلَّا قَبْلَ طَوَافِ النِّسَاءِ.

فَقُلْتُ: عَلَيْهِ شَيْءٌ؟

فَقَالَ: لَا يَكُونُ السَّعْيُ إِلَّا قَبْلَ طَوَافِ النِّسَاءِ.

آن‌گاه به کنار حجر الاسود برگرد، اگر توانستی آن را ببوس و رو به روی آن بایست و «الله اکبر» بگو، سپس بالای صفا برو و اعمالی را که روز آمدن به مکه انجام دادی، انجام بده. سپس به طرف مروه برو و بالای صعود کن و هفت بار مابین آنها سعی کن که از صفا شروع نموده و در مروه تمام نمایی. چون این اعمال را انجام دادی همه چیزی که بر تو حرام بود، بر خود حلال نمودی جز زنان.

سپس به طرف بیت برو و هفت شوط آن را طواف کن، سپس دو رکعت نزد مقام ابراهیم علیه السلام نماز گزار. با انجام این اعمال همه چیز - که بر تو حرام بوده - بر تو حلال شده و از کل حج فارغ گشته‌ای.

۵- راوی گوید: به امام هادی علیه السلام گفتم: قربانت گردم! حج تمتع گزار بیت را زیارت نمود و طواف حج کرد آن‌گاه طواف نساء نمود سپس سعی نمود.

فرمود: سعی جز قبل از طواف نمی‌شود.

گفتم: بر ذمه او چیزی است؟

فرمود: سعی صورت نمی‌گیرد مگر پیش از طواف نساء.

(۱۹۳)

## بَابُ طَوَافِ النِّسَاءِ

۱ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ قَالَ قَالَ أَبُو الْحَسَنِ عليه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: «وَلْيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ». قَالَ: طَوَافُ الْفَرِيضَةِ طَوَافُ النِّسَاءِ.

۲ - الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَثْمَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: «وَلْيُؤْفُوا نُورَهُمْ وَلْيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ». قَالَ: طَوَافُ النِّسَاءِ.

۳ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَّاءِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

## بخش صد و نود و سوم

## طواف نساء

۱ - احمد بن محمد گوید: امام کاظم عليه السلام در مورد تفسیر گفتار خداوند تعالی که می فرماید: «باید بر گرد بیت عتیق طواف کنند». فرمود:

منظور طواف واجب و طواف نساء است.

۲ - حماد بن عثمان گوید: امام صادق عليه السلام در مورد گفتار خداوند تعالی که می فرماید: «باید به نذرهایشان وفا نموده و بر گرد بیت عتیق طواف کنند». فرمود:

منظور طواف نساء است.

۳ - اسحاق بن عمار گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

لَوْ لَا مَا مَنَّ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَى النَّاسِ مِنْ طَوَافِ النِّسَاءِ لَرَجَعَ الرَّجُلُ إِلَى أَهْلِهِ وَ لَيْسَ يَحِلُّ لَهُ أَهْلُهُ.

۴- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ يَقْطِينٍ عَنْ أَخِيهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ يَقْطِينٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام عَنِ الْخِصْيَانِ وَ الْمَرْأَةِ الْكَبِيرَةِ أَعَلَيْهِمْ طَوَافُ النِّسَاءِ؟ قَالَ: نَعَمْ، عَلَيْهِمُ الطَّوَافُ كُلُّهُمْ.

۵- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: رَجُلٌ نَسِيَ طَوَافَ النِّسَاءِ حَتَّى دَخَلَ أَهْلَهُ.

قَالَ: لَا تَحِلُّ لَهُ النِّسَاءُ حَتَّى يَزُورَ الْبَيْتَ.

وَ قَالَ: يَا مُرْءَانُ يُقْضَى عَنْهُ إِنْ لَمْ يَحُجَّ، فَإِنْ تَوَفَّى قَبْلَ أَنْ يُطَافَ عَنْهُ فَلْيُقْضَ عَنْهُ وَلِيُّهُ أَوْ غَيْرُهُ.

اگر نبود که خداوند تعالی به مردم (شیعیان) به انجام طواف نساء منت نهاد، مرد در حالی به طرف همسرش برمی گشت که بر او حلال نبود.

۴- حسین بن علی بن یقطین گوید: از امام رضا عليه السلام پرسیدم: آیا طواف نساء به فرد اخته شده و پیرزن واجب است؟

فرمود: آری، بر همه آنها طواف نساء است.

۵- معاویه بن عمار گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: مردی طواف نساء را فراموش کرد و نزد خانواده خود رفت، (چه حکمی دارد؟)

فرمود: زنان بر او حلال نیستند تا بیت را زیارت کند.

و فرمود: اگر خود به حج نرود دستور می دهد که از جانب او طواف را به جا می آورند و اگر پیش از طواف بمیرد ولی او یا دیگری از جانب او طواف را به جا می آورند.

۶- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ ابْنِ مُسْكَانٍ عَنْ الْحَلْبِيِّ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الْمَرْأَةِ الْمُتَمَتِّعَةِ تَطُوفُ بِالْبَيْتِ وَبِالصَّفا وَ الْمَرْوَةِ لِلْحَجِّ ثُمَّ تَرْجِعُ إِلَى مَنْى قَبْلَ أَنْ تَطُوفَ بِالْبَيْتِ.

فَقَالَ: أَلَيْسَ تَزُورُ الْبَيْتَ؟

قُلْتُ: بَلَى.

قَالَ: فَلْتَطُفْ.

۷- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي إِبْرَاهِيمَ عليه السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ طَافَ طَوَافَ الْحَجِّ وَ طَوَافَ النِّسَاءِ قَبْلَ أَنْ يَسْعَى بَيْنَ الصَّفا وَ الْمَرْوَةِ.

فَقَالَ: لَا يَضُرُّهُ يَطُوفُ بَيْنَ الصَّفا وَ الْمَرْوَةِ وَ قَدْ فَرَّغَ مِنْ حَجِّهِ.

۶- حلبی گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: زن حج تمتع گزاری بیت را طواف نمود و

سعی صفا و مروه را انجام داد، آن‌گاه پیش از طواف بیت به منا برگشت.

فرمود: آیا بیت را (بعد از منا) زیارت نمی‌کند؟

گفتم: آری.

فرمود: پس باید طواف نساء کند.

۷- سماعة گوید: از امام کاظم عليه السلام پرسیدم: مردی طواف حج و طواف نساء را پیش از

سعی صفا و مروه انجام داد؟

فرمود: به او ضرر نمی‌رساند، سعی صفا و مروه نماید که از حج فارغ شود.

(۱۹۴)

**بَابُ مَنْ بَاتَ عَنْ مَنَى فِي لَيْالِيهَا**

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ وَ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: لَا تَبْتَ لَيْالِيَ التَّشْرِيقِ إِلَّا بِمَنَى فَإِنْ بَتَّ فِي غَيْرِهَا فَعَلَيْكَ دَمٌ وَإِنْ خَرَجْتَ أَوَّلَ اللَّيْلِ فَلَا يَنْتَصِفُ لَكَ اللَّيْلُ إِلَّا وَأَنْتَ بِمَنَى إِلَّا أَنْ يَكُونَ شُغْلُكَ بِنُسُكِكَ أَوْ قَدْ خَرَجْتَ مِنْ مَكَّةَ، وَإِنْ خَرَجْتَ نِصْفَ اللَّيْلِ فَلَا يَضُرُّكَ أَنْ تُصْبِحَ بِغَيْرِهَا. قَالَ: وَ سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ زَارَ عِشَاءً فَلَمْ يَزَلْ فِي طَوَافِهِ وَ دُعَائِهِ وَ فِي السَّعْيِ بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ حَتَّى يَطْلُعَ الْفَجْرُ. قَالَ: لَيْسَ عَلَيْهِ شَيْءٌ كَانَ فِي طَاعَةِ اللَّهِ.

**بخش صد و نود و چهارم****حکم کسی که شب هنگام در منا بیتوته کند**

۱ - معاویة بن عمار گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: شب‌های تشریق (یازدهم، دوازدهم و سیزدهم) جز در منا نمان و اگر در غیر آن ماندی بر ذمه تو قربانی است و اگر شب اول بیرون رفتی تا نصف شب نشده برگرد مگر این که کار تو در مورد مناسکت باشد که از مکه بیرون رفته باشی و اگر نصف شب بیرون رفته باشی ایراد ندارد که در غیر آن جا صبح کنی. گوید: از حضرتش پرسیدم: مردی شب هنگام وقت خفتن بیت را زیارت نمود و پیوسته در طواف و دعا و سعی بین صفا و مروه بود تا صبح شد. فرمود: بر او ایرادی نیست. او در اطاعت خداوند بود.

۲- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عِيصِ بْنِ الْقَاسِمِ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الزِّيَارَةِ مِنْ مَنِيَّ.

قَالَ: إِنْ زَارَ بِالنَّهَارِ أَوْ عِشَاءً فَلَا يَنْفَجِرُ الْفَجْرُ إِلَّا وَهُوَ بِمَنِيٍّ وَإِنْ زَارَ بَعْدَ نِصْفِ اللَّيْلِ وَاسْتَحَرَ فَلَا بَأْسَ أَنْ يَنْفَجِرَ الْفَجْرُ وَهُوَ بِمَكَّةَ.

۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا فِي رَجُلٍ زَارَ الْبَيْتَ فَنَامَ فِي الطَّرِيقِ.

قَالَ: إِنْ بَاتَ بِمَكَّةَ فَعَلَيْهِ دَمٌ وَإِنْ كَانَ قَدْ خَرَجَ مِنْهَا فَلَيْسَ عَلَيْهِ شَيْءٌ وَلَوْ أَصْبَحَ دُونَ مَنِيَّ.

وَفِي رِوَايَةٍ أُخْرَى: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي الرَّجُلِ يَزُورُ فَيَنَامُ دُونَ مَنِيَّ.

قَالَ: إِذَا جَازَ عَقَبَةَ الْمَدِينِ فَلَا بَأْسَ أَنْ يَنَامَ.

۲- عیص بن قاسم گوید: از امام صادق عليه السلام در مورد رفتن برای طواف زیارت از منا پرسیدم.

فرمود: اگر فردی روز و یا موقع خفتن به زیارت برود تا طلوع فجر نشده باید در منا باشد و اگر بعد از نصف شب به زیارت رفت و سحر شد، ایرادی ندارد که در طلوع فجر در مکه باشد.

۳- یکی از اصحاب ما گوید: حضرتش در مورد مردی که در راه (مکه به منا) خوابید فرمود: اگر شب در مکه ماند (شب یازدهم ذی حجه) بر ذمه او قربانی است و اگر از مکه (به طرف منا) بیرون رفته چیزی بر ذمه او نیست، گرچه در غیر منا صبح کند.

در روایت دیگری آمده است: امام صادق عليه السلام در مورد کسی که خانه کعبه را زیارت می‌کند و در غیر منا می‌خوابد فرمود:

اگر از عقبه مدنی‌ها بگذرد ایرادی برای خوابیدنش نیست.



۴ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

إِذَا زَارَ الْحَاجُّ مِنْ مَنَى فَخَرَجَ مِنْ مَكَّةَ فَجَاوَزَ بَيْتَ مَكَّةَ فَنَامَ ثُمَّ أَصْبَحَ قَبْلَ أَنْ يَأْتِيَ مَنَى فَلَا شَيْءَ عَلَيْهِ.

۵ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ ابْنِ بُكَيْرٍ عَمَّنْ أَخْبَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ:

لَا تَدْخُلُوا مَنَازِلَكُمْ بِمَكَّةَ إِذَا زُرْتُمْ يَعْنِي أَهْلَ مَكَّةَ.

(۱۹۵)

### بَابُ اثْنَانِ مَكَّةَ بَعْدَ الزِّيَارَةِ لِلطَّوَافِ

۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ فَضَالٍ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ لَيْثِ الْمُرَادِيِّ قَالَ:

۴ - هشام بن حکم گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: حاجی که از منا بیرون رفت و بیت را زیارت نمود و از خانه‌های مکه بیرون رفت و خوابید آن‌گاه پیش از آمدن به منا صبح شد، چیزی بر عهده او نیست.

۵ - راوی گوید: امام صادق علیه السلام برای مردم مکه فرمود: آن‌گاه که کعبه را زیارت نمودید به خانه‌هایتان نروید.

### بخش صد و نود و پنجم

### آمدن (از منا) به مکه بعد از زیارت طواف

۱ - لیث مرادی گوید:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ يَأْتِي مَكَّةَ أَيَّامَ مِنِّي بَعْدَ فَرَاحِهِ مِنْ زِيَارَةِ الْبَيْتِ  
فَيَطُوفُ بِالْبَيْتِ تَطَوُّعًا.  
فَقَالَ: الْمَقَامُ بِمَنِي أَفْضَلُ وَ أَحَبُّ إِلَيَّ.  
۲- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عِيصِ  
بْنِ الْقَاسِمِ قَالَ:  
سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الزِّيَارَةِ بَعْدَ زِيَارَةِ الْحَجِّ فِي أَيَّامِ التَّشْرِيقِ.  
فَقَالَ: لَا.

(۱۹۶)

### بَابُ التَّكْبِيرِ أَيَّامَ التَّشْرِيقِ

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ  
قَالَ:

از امام صادق عليه السلام پرسیدم: انسان می تواند بعد از زیارت کعبه دوباره از منا به مکه بیاید  
و طواف مستحبی انجام دهد؟  
فرمود: به نظر من ماندن در منا بهتر و افضل است.  
۲- عیص بن قاسم گوید: از امام صادق عليه السلام در مورد زیارت دوباره بعد از زیارت حج در  
ایام تشریق (روز یازدهم، دوازدهم و سیزدهم) پرسیدم.  
فرمود: نه، (انجام ندهید).

بخش صد و نود و ششم

تکبیر در ایام تشریق

۱- محمد بن مسلم گوید:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: «وَاذْكُرُوا اللَّهَ فِي أَيَّامٍ مَعْدُودَاتٍ». قَالَ: التَّكْبِيرُ فِي أَيَّامِ التَّشْرِيقِ مِنْ صَلَاةِ الظُّهْرِ مِنْ يَوْمِ النَّحْرِ إِلَى صَلَاةِ الْفَجْرِ مِنْ يَوْمِ النَّالِثِ وَ فِي الْأَمْصَارِ عَشْرَ صَلَوَاتٍ، فَإِذَا نَفَرَ بَعْدَ الْأُولَى أَمْسَكَ أَهْلُ الْأَمْصَارِ وَ مَنْ أَقَامَ بِمَنَى فَصَلَّى بِهَا الظُّهْرَ وَ الْعَصْرَ فَلْيُكَبِّرْ.

۲ - حَمَّادُ بْنُ عِيسَى عَنْ حَرِيزِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ ع: التَّكْبِيرُ فِي أَيَّامِ التَّشْرِيقِ فِي دُبْرِ الصَّلَوَاتِ. فَقَالَ: التَّكْبِيرُ بِمَنَى فِي دُبْرِ خَمْسَةِ عَشْرَ صَلَاةً وَ فِي سَائِرِ الْأَمْصَارِ فِي دُبْرِ عَشْرِ صَلَوَاتٍ وَ أَوَّلُ التَّكْبِيرِ فِي دُبْرِ صَلَاةِ الظُّهْرِ يَوْمَ النَّحْرِ يَقُولُ فِيهِ: «اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ وَ لِلَّهِ الْحَمْدُ اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا رَزَقَنَا مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ».

وَ إِنَّمَا جُعِلَ فِي سَائِرِ الْأَمْصَارِ فِي دُبْرِ عَشْرِ صَلَوَاتٍ، لِأَنَّهُ إِذَا نَفَرَ النَّاسُ فِي النَّفْرِ الْأَوَّلِ أَمْسَكَ أَهْلُ الْأَمْصَارِ عَنِ التَّكْبِيرِ وَ كَبَّرَ أَهْلُ مَنَى مَا دَامُوا بِمَنَى إِلَى النَّفْرِ الْأَخِيرِ.

از امام صادق ع در مورد گفتار خداوند ع که می فرماید: «خدا را یاد کنید در روزهای چند شمرده شده» پرسیدم؟

فرمود: تکبیر در ایام تشریق از نماز ظهر روز قربان آغاز می شود و تا نماز صبح روز سوم سیزدهم پایان می یابد و در مناطق دیگر بعد از ده نماز است و چون بعد از نماز اولی (صبح روز دوازدهم) اهل شهرها بیرون روند تکبیر را قطع می کنند و هر که در منا ماند، نماز ظهر و عصر را آن جا خواند پس باید تکبیر گوید.

۲- زراره گوید: به امام باقر ع گفتم: تکبیر در ایام تشریق بعد از نمازهاست؟

فرمود: تکبیر در منا بعد از پانزده نماز است و در سایر شهرها بعد از ده نماز است، اولین تکبیر بعد از نماز ظهر روز قربان است که می گوید:

«اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، وَ لِلَّهِ الْحَمْدُ، اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا، اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا

رَزَقَنَا مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ».

همانا تکبیر در سایر شهرها بعد از ده نماز قرار داده شده، زیرا هنگامی که اولین گروه مردم در کوچ اول حرکت کردند مردم شهرها از تکبیر باز می ایستند و اهل منا مادامی که در منا هستند تکبیر می گویند تا آخرین گروه کوچ نمایند.

۳- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «وَادْكُرُوا اللَّهَ فِي أَيَّامٍ مَعْدُودَاتٍ».

قَالَ: هِيَ أَيَّامُ التَّشْرِيقِ، كَانُوا إِذَا أَقَامُوا بِمِنَى بَعْدَ النَّحْرِ تَفَاخَرُوا. فَقَالَ الرَّجُلُ مِنْهُمْ: كَانَ أَبِي يَفْعَلُ كَذَا وَكَذَا.

فَقَالَ اللَّهُ جَلَّ ثَنَاؤُهُ: «فَإِذَا أَقَضْتُمْ مِنْ عَرَفَاتٍ فَادْكُرُوا اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ آبَاءَكُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِكْرًا». قَالَ: وَ التَّكْبِيرُ: «اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ وَ لِلَّهِ الْحَمْدُ اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا رَزَقَنَا مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ».

۴- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى وَ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: التَّكْبِيرُ أَيَّامُ التَّشْرِيقِ مِنْ صَلَاةِ الظُّهْرِ يَوْمَ النَّحْرِ إِلَى صَلَاةِ الْعَصْرِ مِنْ آخِرِ أَيَّامِ التَّشْرِيقِ، إِنْ أَنْتَ أَقَمْتَ بِمِنَى، وَإِنْ أَنْتَ خَرَجْتَ فَلَيْسَ عَلَيْكَ التَّكْبِيرُ وَ التَّكْبِيرُ أَنْ تَقُولَ:

۳- منصور بن حازم گوید: امام صادق علیه السلام در مورد گفتار خداوند ﷻ که می فرماید: «خدا را یاد کنید در روزهای چند شمرده شد». فرمود:

منظور ایام تشریق است. مردم بعد از قربان در منا اقامت می کردند و به یکدیگر فخر می نمودند. یکی از آنها می گفت: پدرم چنین و چنان می کرد. پس خدای جل ثناؤه فرمود: «هرگاه از عرفات کوچ کردید خدا را یاد کنید همانند یاد نمودن پدرانتان یا بیشتر از آنان».

فرمود: تکبیر این گونه است: «اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ وَ لِلَّهِ الْحَمْدُ اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا رَزَقَنَا مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ».

۴- معاویه بن عمار گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: تکبیر در ایام تشریق از نماز ظهر روز قربان تا نماز عصر آخر روز تشریق است اگر در منا باشی و اگر بیرون رفتی بر تو تکبیر نیست و تکبیر این گونه است که بگویی:

«اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ وَ لِلَّهِ الْحَمْدُ اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا رَزَقَنَا مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أُنْأَلْنَا».

۵- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ فَاتَتْهُ رَكْعَةٌ مَعَ الْإِمَامِ مِنَ الصَّلَاةِ أَيَّامَ التَّشْرِيقِ. قَالَ: يُتِمُّ صَلَاتَهُ ثُمَّ يُكَبِّرُ. قَالَ: وَ سَأَلْتُهُ عَنِ التَّكْبِيرِ بَعْدَ كُلِّ صَلَاةٍ. فَقَالَ: كَمْ شِئْتَ إِنَّهُ لَيْسَ شَيْءٌ مُوقَّتٌ يَعْنِي فِي الْكَلَامِ.

(۱۹۷)

### بَابُ الصَّلَاةِ فِي مَسْجِدِ مَنَى وَ مَنْ يَجِبُ عَلَيْهِ التَّقْصِيرُ وَ التَّمَامُ بِمَنَى

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

«اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ وَ لِلَّهِ الْحَمْدُ اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا رَزَقَنَا مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أُنْأَلْنَا».

۵- مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ گويد: از امام (باقر و يا امام صادق عليه السلام) پرسيدم: كسى كه در روزهاى تشريق يك ركعت از نماز جماعت از او فوت شد (چه وظيفه‌اى دارد؟) فرمود: نماز را تمام مى‌كند سپس تكبير مى‌گويد. گويد: از امام عليه السلام در مورد عدد تكبير بعد از هر نماز پرسيدم. فرمود: هر چقدر خواستى بگو، عدد معينى ندارد.

### بخش صد و نود و هفتم

نماز در مسجد منا و حكم كسى كه در منا نماز قصر و تمام بر او واجب است

۱- معاوية بن عمار گويد: امام صادق عليه السلام فرمود:

إِنَّ أَهْلَ مَكَّةَ إِذَا زَارُوا الْبَيْتَ وَ دَخَلُوا مَنَازِلَهُمْ أَتَمُّوا وَإِذَا لَمْ يَدْخُلُوا مَنَازِلَهُمْ قَصَّروا.

۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

إِنَّ أَهْلَ مَكَّةَ إِذَا خَرَجُوا حُجَّاجًا قَصَّروا وَإِذَا زَارُوا وَ رَجَعُوا إِلَى مَنَازِلِهِمْ أَتَمُّوا.

۳ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

حَجَّ النَّبِيُّ ﷺ فَأَقَامَ بِمِنَى ثَلَاثًا يُصَلِّي رَكْعَتَيْنِ. ثُمَّ صَنَعَ ذَلِكَ أَبُو بَكْرٍ وَ صَنَعَ ذَلِكَ عُمَرُ، ثُمَّ صَنَعَ ذَلِكَ عُثْمَانُ سِتَّةَ سِنِينَ، ثُمَّ أَكْمَلَهَا عُثْمَانُ أَرْبَعًا، فَصَلَّى الظُّهْرَ أَرْبَعًا ثُمَّ تَمَارَضَ لِيَشُدَّ بِذَلِكَ بِدْعَتَهُ. فَقَالَ لِلْمُؤَدِّنِ: اذْهَبْ إِلَى عَلِيٍّ. فَقُلْ لَهُ: فَلْيُصَلِّ بِالنَّاسِ الْعَصْرَ.

هرگاه مردم مکه طواف زیارت کنند و داخل خانه‌هایشان شوند نماز را تمام می‌خوانند و چون داخل نشدند قصر می‌خوانند.

۲ - نظیر این روایت را حلبی از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند.

۳ - زراره گوید: امام باقر علیه السلام فرمود:

پیامبر ﷺ حج نمود و سه روز در منا ماند و نمازها را دو رکعتی خواند.

ابوبکر و عمر نیز چنین نمودند و عثمان هم شش سال چنین نمود سپس عثمان چهار رکعتی کامل خواند، پس نماز ظهر را چهار رکعت خواند و خود را به بیماری زد تا بدعتش محکم شود، آن گاه به مؤذن گفت: به سوی علی برو. و به او بگو که نماز عصر را با مردم بخواند.

فَأَتَى الْمُؤَذِّنُ عَلِيًّا عليه السلام. فَقَالَ لَهُ: إِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (!!) عُمَانَ يَأْمُرُكَ أَنْ تُصَلِّيَ  
بِالنَّاسِ الْعَصْرَ.

فَقَالَ: إِذَنْ لَا أَصَلِّي إِلَّا رَكَعَتَيْنِ كَمَا صَلَّى رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله.

فَذَهَبَ الْمُؤَذِّنُ فَأَخْبَرَ عُمَانَ بِمَا قَالَ عَلِيٌّ عليه السلام.

فَقَالَ: اذْهَبْ إِلَيْهِ، فَقُلْ لَهُ: إِنَّكَ لَسْتَ مِنْ هَذَا فِي شَيْءٍ اذْهَبْ فَصَلِّ كَمَا تُؤَمِّرُ.

قَالَ عَلِيٌّ عليه السلام: لَا وَاللَّهِ، لَا أَفْعَلُ.

فَخَرَجَ عُمَانُ فَصَلَّى بِهِمْ أَرْبَعًا، فَلَمَّا كَانَ فِي خِلَافَةِ مُعَاوِيَةَ وَاجْتَمَعَ النَّاسُ  
عَلَيْهِ وَ قُتِلَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام حَجَّ مُعَاوِيَةُ فَصَلَّى بِالنَّاسِ بِمَنْى رَكَعَتَيْنِ الظُّهْرَ ثُمَّ  
سَلَّمَ، فَنَظَرَتْ بَنُو أُمَيَّةَ بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ وَ ثَقِيفٌ وَ مَنْ كَانَ مِنْ شِيعَةِ عُمَانَ، ثُمَّ  
قَالُوا: قَدْ قَضَى عَلَى صَاحِبِكُمْ وَ خَالَفَ وَ أَشْمَتَ بِهِ عَدُوَّهُ.

فَقَامُوا فَدَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا: أَتَدْرِي مَا صَنَعْتَ؟ مَا زِدْتَ عَلَى أَنْ قَضَيْتَ عَلَى  
صَاحِبِنَا وَ أَشْمَتَ بِهِ عَدُوَّهُ وَ رَغِبْتَ عَنْ صَنِيعِهِ وَ سُنَّتِهِ.

مؤذن نزد علی عليه السلام آمد و گفت: امیرالمؤمنین (!!) عثمان به تو امر می کند که نماز عصر را  
با مردم بخوانی.

فرمود: من نمی خوانم مگر دو رکعت، چنانچه رسول خدا صلى الله عليه وآله خواند.

مؤذن برگشته و آن چه که علی عليه السلام فرموده بود به عثمان بازگو کرد.

عثمان گفت: برو نزد او و بگو: تو در این کار اختیار نداری، برو چنانچه امر شدی بخوان.

علی عليه السلام فرمود: نه، به خدا سوگند! انجام نمی دهم.

عثمان بیرون آمد و چهار رکعت نماز با مردم خواند، آن گاه که خلافت معاویه فرارسید  
و مردم برگرد او اجتماع نمودند و امیرالمؤمنین عليه السلام کشته شد معاویه به حج رفت و در منا  
با مردم دو رکعت نماز خواند و سلام داد.

بنو امیه، مردم ثقیف و پیروان عثمان بر همدیگر نگاه کردند و گفتند: علیه صاحب شما  
(عثمان) حکم نموده و مخالفت کرد و او را دشمن شاد نمود. آن گاه نزد معاویه رفتند و  
گفتند: دانستی چه کردی؟ علیه صاحب ما (عثمان) حکم نمودی، دشمنش را شاد کردی  
و از کرده و سنت او روگردان شدی.

فَقَالَ: وَيْلَكُمْ! أَمَا تَعْلَمُونَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ صَلَّى فِي هَذَا الْمَكَانِ رَكْعَتَيْنِ وَ  
 أَبُو بَكْرٍ وَ عُمَرُ وَ صَلَّى صَاحِبُكُمْ سِتَّ سِنِينَ كَذَلِكَ، فَتَأْمُرُونِي أَنْ أَدْعَ سُنَّةَ  
 رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ مَا صَنَعَ أَبُو بَكْرٍ وَ عُمَرُ وَ عُثْمَانُ قَبْلَ أَنْ يُحْدِثَ.  
 فَقَالُوا: لَا وَ اللَّهُ، مَا نَرْضَى عَنْكَ إِلَّا بِذَلِكَ.  
 قَالَ: فَأَقِيلُوا، فَإِنِّي مُشَفِّعُكُمْ وَ رَاجِعٌ إِلَى سُنَّةِ صَاحِبِكُمْ فَصَلَّى الْعَصْرَ أَرْبَعًا  
 فَلَمْ يَزَلِ الْخُلَفَاءُ وَ الْأُمَرَاءُ عَلَى ذَلِكَ إِلَى الْيَوْمِ.  
 ۴ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ  
 صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:  
 صَلَّ فِي مَسْجِدِ الْخَيْفِ وَ هُوَ مَسْجِدُ مِنِّي، وَ كَانَ مَسْجِدُ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ عَلَى  
 عَهْدِهِ عِنْدَ الْمَنَارَةِ الَّتِي فِي وَسْطِ الْمَسْجِدِ وَ فَوْقَهَا إِلَى الْقِبْلَةِ نَحْوًا مِنْ ثَلَاثِينَ  
 ذِرَاعًا وَ عَنْ يَمِينِهَا وَ عَنْ يَسَارِهَا وَ خَلْفَهَا نَحْوًا مِنْ ذَلِكَ.

گفت: وای بر شما! آیا نمی دانید که رسول خدا ﷺ، ابوبکر و عمر در این مکان دو  
 رکعت نماز خواندند و عمر و صاحب شما (عثمان) شش سال چنین نمود. به من دستور  
 می دهید که سنت رسول خدا ﷺ، ابوبکر، عمر و عثمان - پیش از بدعتش - را رها نمایم؟!  
 گفتند: نه، به خدا سوگند! از تو راضی نمی شویم مگر به همان (که عثمان خوانده است).  
 گفت: مرا ناکرده انگارید. من درخواست شما را قبول نمودم و به سنت صاحب شما بر  
 می گردم. پس هنگام عصر را چهار رکعت نماز خواند و پس از او پیوسته خلفا و امیران تا  
 امروز بر آن طریقت بودند.

۴ - معاوية بن عمار گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

در مسجد خیف - که مسجد منا است - نماز بخوان. همواره مسجد رسول خدا ﷺ در  
 زمان خود نزد مناره ای بود که در وسط مسجد قرار دارد که بالای آن نزدیک به سی ذراع از  
 هر سمت بود به سوی قبله می باشد.



فَقَالَ: فَتَحَرَّرَ ذَلِكَ، فَإِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ يَكُونَ مُصَلَّاتٍ فِيهِ فَاَفْعَلْ، فَإِنَّهُ قَدْ صَلَّى فِيهِ أَلْفَ نَبِيٍّ، وَإِنَّمَا سُمِّيَ الْخَيْفَ، لِأَنَّهُ مُرْتَفِعٌ عَنِ الْوَادِي وَمَا ارْتَفَعَ عَنْهُ يُسَمَّى خَيْفًا.

۵- مُعَاوِيَةُ بْنُ عَمَّارٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِنَّ أَهْلَ مَكَّةَ يَتِمُّونَ الصَّلَاةَ بِعَرَفَاتٍ. فَقَالَ: وَيْلَهُمْ - أَوْ وَيَحَهُمْ - وَآيُ سَفَرٍ أَشَدُّ مِنْهُ؟ لَا يَتِمُّ.

۶- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: صَلَّ سِتَّ رَكَعَاتٍ فِي مَسْجِدٍ مِنِّْي فِي أَصْلِ الصَّوْمَةِ.

(۱۹۸)

### بَابُ النَّفْرِ مِنْ مَنَى الْأَوَّلِ وَالْآخِرِ

۱- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ دَاوُدَ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ قَالَ:

فرمود: آن جا را برای نماز انتخاب کن و اگر توانستی که محل نمازت آن جا باشد انجام بده، چرا که هزار پیامبر در آن جا نمازگز کرده اند، و بدان علت خیف نامیده شد چون بلندتر از وادی است و هر چه بلندتر از آن باشد خیف نامیده می شود.

۵- معاویه بن عمار گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: مردم مکه نماز را در عرفات تمام می خوانند.

فرمود: وای بر آنها! کدام سفر مشکل تر از آن است؟ تمام خوانده نمی شود.

۶- علی بن ابی حمزه گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

شش رکعت نماز در مسجد منا در خود صومه (نزدیک مناره مسجد) بخوان.

### بخش صد و نود و هشتم

### حکم کوچ از منا؛ کوچ اول و کوچ دوم

۱- ابو ایوب گوید:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّا نُرِيدُ أَنْ نَتَعَجَّلَ السَّيْرَ وَكَانَتْ لَيْلَةُ النَّفْرِ حِينَ سَأَلْتُهُ فَأَيَّ سَاعَةٍ نَنْفِرُ؟

فَقَالَ لِي: أَمَّا الْيَوْمَ الثَّانِي فَلَا تَنْفِرْ حَتَّى تَزُولَ الشَّمْسُ وَكَانَتْ لَيْلَةُ النَّفْرِ. وَأَمَّا الْيَوْمَ الثَّلَاثُ فَإِذَا ابْيَضَّتِ الشَّمْسُ فَانْفِرْ عَلَى بَرَكََةِ اللَّهِ، فَإِنَّ اللَّهَ جَلَّ ثَنَاؤُهُ يَقُولُ: ﴿فَن تَعَجَّلَ فِي يَوْمَيْنِ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ وَمَنْ تَأَخَّرَ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ﴾ فَلَوْ سَكَتَ لَمْ يَبْقَ أَحَدٌ إِلَّا تَعَجَّلَ، وَ لَكِنَّهُ قَالَ: ﴿وَمَنْ تَأَخَّرَ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ﴾.

۲- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي الْفَرَجِ عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبٍ قَالَ: سَأَلْتُهُ أَيَقْدُمُ الرَّجُلُ رَحْلَهُ وَتَقْلَهُ قَبْلَ النَّفْرِ؟ فَقَالَ: لَا، أَمَا يَخَافُ الَّذِي يُقَدِّمُ تَقْلَهُ أَنْ يَحْبِسَهُ اللَّهُ تَعَالَى؟ قَالَ: وَ لَكِنْ يُخَلِّفُ مِنْهُ مَا شَاءَ لَا يَدْخُلُ مَكَّةَ. قُلْتُ: أَفَاتَعَجَّلُ مِنَ النَّسِيَانِ أَقْضِي مَنَاسِكِي وَأَنَا أَبَادِرُ بِهِ إِهْلَالًا وَإِحْلَالًا؟ قَالَ: فَقَالَ: لَا بَأْسَ.

به امام صادق علیه السلام در شب دوازدهم گفتیم: می خواهیم زودتر کوچ کنیم، در کدام ساعت کوچ کنیم؟

فرمود: روز دوم (دوازدهم) تا ظهر نشده کوچ نکن که شب کوچ بود و روز سوم (سیزدهم) چون آفتاب روشن شد، به برکت خدا کوچ کن، زیرا خداوند متعال می فرماید: «هر که در دو روز شتاب نمود گناهی بر او نیست و هر که تأخیر نمود بر او گناهی نیست». اگر قسمت دوم آیه را نمی فرمود کسی نمی ماند مگر این که باید عجله می نمود، ولی فرمود: «هر که تأخیر نمود بر او گناهی نیست».

۲- ابان بن تغلب گوید: از امام علیه السلام پرسیدم: آیا انسان می تواند بار و متاع خود را پیش از کوچ کردن از منا پیش بفرستد؟

فرمود: نه، آیا کسی که بارش را زود می فرستد نمی ترسد که خداوند او را باز دارد؟ فرمود: ولی آن چه خواست باقی می گذارد که مکه نبرد. گفتیم: آیا می توانم برخی از اعمال را - از جهت احرام را حلال - از روی ترس با شتاب به جا آورم؟ فرمود: ایرادی ندارد.

- ۳ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَنْفِرَ فِي يَوْمَيْنِ فَلَيْسَ لَكَ أَنْ تَنْفِرَ حَتَّى تَزُولَ الشَّمْسُ وَإِنْ تَأَخَّرْتَ إِلَى آخِرِ أَيَّامِ التَّشْرِيقِ وَهُوَ يَوْمُ النَّفَرِ الْآخِرِ، فَلَا عَلَيْكَ أَيُّ سَاعَةٍ نَفَرْتَ وَ رَمَيْتَ قَبْلَ الزَّوَالِ أَوْ بَعْدَهُ، فَإِذَا نَفَرْتَ وَ انْتَهَيْتَ إِلَى الْحَضْبَةِ وَ هِيَ الْبَطْحَاءُ فَشِئْتَ أَنْ تَنْزَلَ قَلِيلًا، فَإِنَّ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: كَانَ أَبِي عليه السلام يَنْزِلُهَا، ثُمَّ يَحْمِلُ فَيَدْخُلُ مَكَّةَ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَنَامَ بِهَا.
- ۴ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ وَ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: مَنْ تَعَجَّلَ فِي يَوْمَيْنِ فَلَا يَنْفِرَ حَتَّى تَزُولَ الشَّمْسُ، فَإِنْ أَدْرَكَهُ الْمَسَاءُ بَاتَ وَ لَمْ يَنْفِرْ.

۳ - معاویة بن عمار گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هرگاه خواستی روز دوازدهم از منا کوچ کنی نباید کوچ کنی تا ظهر شود، و اگر خواستی تا آخر روزهای تشریق (سیزدهم) که آن کوچ آخری است درنگ کنی بر تو چیزی نیست که هر ساعتی خواستی کوچ می کنی و پیش از ظهر و یا بعد از آن رمی می نمایی. و هرگاه به سرزمین سنگریزه که همان ابطح است رسیدی و خواستی کمی فرود آی، زیرا امام صادق عليه السلام فرمود: پدرم عليه السلام همواره در آن جا فرود می آمد. آن گاه وسایلش را بار می زد بدون این که بخوابد وارد مکه می شد.

۴ - حلبی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هر که در روز دوازدهم شتاب نماید پس تا ظهر نشده کوچ نکند و اگر شب فرا رسید بماند و کوچ نکند.

۵- عَلِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

يُصَلِّيُ الْإِمَامُ الظُّهْرَ يَوْمَ النَّفَرِ بِمَكَّةَ.

۶- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

لَا بَأْسَ أَنْ يَنْفِرَ الرَّجُلُ فِي النَّفَرِ الْأَوَّلِ ثُمَّ يُقِيمَ بِمَكَّةَ.

۷- مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

إِذَا نَفَرْتَ فِي النَّفَرِ الْأَوَّلِ فَإِنْ شِئْتَ أَنْ تُقِيمَ بِمَكَّةَ وَتَبِيتَ بِهَا فَلَا بَأْسَ بِذَلِكَ. قَالَ: وَقَالَ: إِذَا جَاءَ اللَّيْلُ بَعْدَ النَّفَرِ الْأَوَّلِ فَبِتْ بِمَنَى، وَكَأَنَّكَ أَنْ تَخْرُجَ مِنْهَا حَتَّى تُصْبِحَ.

۸- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَيُّوبَ بْنِ نُوحٍ قَالَ:

۵- حلبی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

امام نماز ظهر را در روز کوچ در مکه می خواند.

۶- جمیل بن درّاج گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

ایرادی ندارد که انسان در کوچ اول برود و در مکه بماند.

۷- معاویة بن عمار گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

چون در کوچ اول رفتی و خواستی در مکه بمانی و شب را سپری کنی ایرادی ندارد.

و گوید: حضرتش فرمود: چون بعد از کوچ اول شب فرا رسید و در منا ماندی

نمی توانی بیرون روی مگر صبح شود.

۸- ایوب بن نوح گوید:

كَتَبْتُ إِلَيْهِ: إِنَّ أَصْحَابَنَا قَدْ اخْتَلَفُوا عَلَيْنَا، فَقَالَ بَعْضُهُمْ: إِنَّ النَّفَرَ يَوْمَ الْآخِرِ  
بَعْدَ الزَّوَالِ أَفْضَلُ.

وَقَالَ بَعْضُهُمْ: قَبْلَ الزَّوَالِ.

فَكَتَبَ: أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ صَلَّى الظُّهْرَ وَ الْعَصْرَ بِمَكَّةَ وَ لَا يَكُونُ  
ذَلِكَ إِلَّا وَ قَدْ نَفَرَ قَبْلَ الزَّوَالِ.

۹- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ الْعَبَّاسِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَصْبَاطٍ  
عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ أَبِي زَيْنَبَةَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:  
كَانَ أَبِي عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: لَوْ كَانَ لِي طَرِيقٌ إِلَى مَنْزِلِي مِنْ مَنَى مَا دَخَلْتُ مَكَّةَ.

۱۰- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْقَاسَانِيِّ جَمِيعاً عَنْ الْقَاسِمِ بْنِ  
مُحَمَّدٍ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ الْمَنْقَرِيِّ عَنْ سُفْيَانَ بْنِ عُيَيْنَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:  
سَأَلَ رَجُلٌ أَبِي بَعْدَ مُنْصَرَفِهِ مِنَ الْمَوْقِفِ. فَقَالَ: أَتَرَى يُخَيِّبُ اللَّهُ هَذَا الْخَلْقَ  
كُلَّهُ؟

طی نامه‌ای به امام علی علیه السلام نوشتم: اصحابمان را در مسأله‌ای اختلاف نمودند؛ بعضی گوید:  
کوچ آخر بعد از ظهر بهتر است، و بعضی گوید: پیش از ظهر.  
حضرتش در پاسخ نوشت: آیا می‌دانی که رسول خدا ﷺ نماز ظهر و عصر را در مکه  
خواند و آن هم نمی‌شود مگر پیش از ظهر کوچ کرده باشد.  
۹- اسحاق بن عمار گوید:

امام صادق علیه السلام فرمود: پدرم علی علیه السلام می‌فرمود:

اگر از من راهی به خانه‌ام داشتم وارد مکه نمی‌شدم.

۱۰- سفیان بن عیینة گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

مردی بعد از بازگشت پدرم از موقف (عرفات) پرسید: آیا به نظر شما خداوند همه این  
مردم را ناامید خواهد کرد؟

فَقَالَ أَبِي مَا وَقَفَ بِهَذَا الْمَوْقِفِ أَحَدٌ إِلَّا غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مُؤْمِنًا كَانَ أَوْ كَافِرًا، إِلَّا أَنَّهُمْ فِي مَغْفِرَتِهِمْ عَلَى ثَلَاثِ مَنَازِلَ: مُؤْمِنٌ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ وَأَعْتَقَهُ مِنَ النَّارِ، وَ ذَلِكَ قَوْلُهُ عَزَّ وَ جَلَّ: «رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ أُولَئِكَ لَهُمْ نَصِيبٌ مِّمَّا كَسَبُوا وَ اللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ» وَ مِنْهُمْ مَنْ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ. وَ قِيلَ لَهُ: أَحْسِنُ فِيمَا بَقِيَ مِنْ عُمرِكَ، وَ ذَلِكَ قَوْلُهُ عَزَّ وَ جَلَّ: «فَمَنْ تَعَجَّلَ فِي يَوْمَيْنِ فَلَا إِيْمَ عَلَيْهِ وَ مَنْ تَأَخَّرَ فَلَا إِيْمَ عَلَيْهِ» يَعْنِي: مَنْ مَاتَ قَبْلَ أَنْ يَمْضِيَ فَلَا إِيْمَ عَلَيْهِ وَ مَنْ تَأَخَّرَ فَلَا إِيْمَ عَلَيْهِ لِمَنْ اتَّقَى الْكِبَائِرَ. وَ أَمَّا الْعَامَّةُ فَيَقُولُونَ: فَمَنْ تَعَجَّلَ فِي يَوْمَيْنِ فَلَا إِيْمَ عَلَيْهِ يَعْنِي فِي النَّفَرِ الْأَوَّلِ وَ مَنْ تَأَخَّرَ فَلَا إِيْمَ عَلَيْهِ يَعْنِي لِمَنْ اتَّقَى الصَّيْدَ أَفْتَرَى أَنَّ الصَّيْدَ يُحَرِّمُهُ اللَّهُ بَعْدَ مَا أَحَلَّهُ فِي قَوْلِهِ عَزَّ وَ جَلَّ: «وَ إِذَا حَلَلْتُمْ فَاصْطَادُوا».

پدرم فرمود: هر که در این موقف بایستد خداوند او را بیامرزد، مؤمن باشد یا کافر مگر این که آمرزش آنها بر سه قسم است:

مؤمنی است که خداوند گناهان گذشته و آینده او را می‌آمرزد و از آتش رهاش می‌کند که همان گفتار خداوند ﷻ است که می‌فرماید: «پروردگارا! به ما در دنیا نیکی عطا کن و در آخرت نیز نیکی عطا کن و ما را از عذاب آتش نگاه دار. آنها از کار خود بهره‌ای دارند و خداوند سریع الحساب است».

و کسی که خداوند گناهان گذشته‌اش را بیامرزد و به او گفته می‌شود: در باقی‌مانده عمرت نیکی کن و آن هم قول خداوند ﷻ است: «پس هر که در دو روز پیش از انجام مناسک شتاب کند گناهی ندارد و هر که در دو روز به تأخیر اندازد بر او گناهی نیست». یعنی کسی که پیش از انجام آن بمیرد گناهی بر او نیست و هر که از گناهان بزرگ بپرهیزد و عملش را به تأخیر بیندازد، گناهی بر او نیست. ولی اهل سنت می‌گویند: هر که در کوچ اول تعجیل کند، گناهی ندارد و هر که تأخیر بیندازد یعنی از شکار بپرهیزد گناهی ندارد. آیا چنین می‌پنداری که خداوند شکار را بعد از حلال کردنش حرام می‌کند، آن جا که می‌فرماید: «چون از احرام بیرون آمدید پس شکار کنید».

وَ فِي تَفْسِيرِ الْعَامَّةِ مَعْنَاهُ وَإِذَا حَلَلْتُمْ فَاتَّقُوا الصَّيْدَ.  
وَ كَافِرٌ وَقَفَ هَذَا الْمَوْقِفَ زِينَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَإِنْ تَابَ مِنَ الشَّرْكِ فِيمَا بَقِيَ مِنْ عُمُرِهِ، وَإِنْ لَمْ يَتُبْ وَقَاهُ أَجْرُهُ وَ لَمْ يَحْرِمْهُ أَجْرُ هَذَا الْمَوْقِفِ. وَ ذَلِكَ قَوْلُهُ عَزَّ وَ جَلَّ: «مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَ زِينَتَهَا نُوَفِّ إِلَيْهِمْ أَعْمَالَهُمْ فِيهَا وَ هُمْ فِيهَا لَا يُبْخَسُونَ \* أُولَئِكَ الَّذِينَ لَيْسَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ إِلَّا النَّارُ وَ حَبِطَ مَا صَنَعُوا فِيهَا وَ بَاطِلٌ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ».

- ۱۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْمُسْتَنِيرِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: مَنْ أَتَى النِّسَاءَ فِي إِحْرَامِهِ لَمْ يَكُنْ لَهُ أَنْ يَنْفِرَ فِي النَّفَرِ الْأَوَّلِ. وَ فِي رِوَايَةٍ أُخْرَى: الصَّيْدُ أَيْضًا.
- ۱۲ - حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ الْمِثْمِيِّ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهَبٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ نَجِيحٍ الرَّمَّاحِ قَالَ:

و در تفسیر اهل تسنن آمده است: چون از احرام بیرون آمدید از شکار بپرهیزید. و قسم سوم کافر است که در این موقف برای زینت دنیا پیش می‌ایستد که خداوند گناهان گذشته او را بیمارزد؛ اگر در باقی مانده عمرش از شرک توبه کند و اگر توبه نکرد خداوند پاداش او را وفا کرده و از پاداش این موقف او را محروم نمی‌سازد، بیان آن گفتار خداوند تعالی است: «کسانی که زندگی دنیا و زینت آن را می‌خواهند نتیجه اعمال آنها را در همین دنیا به طور کامل می‌دهیم و چیزی از آنها کم نخواهد شد. (ولی) اینان در جهان آخرت جز آتش سهمی ندارند و آنچه در دنیا انجام دادند باطل و بی‌اثر خواهد بود».

- ۱۱ - مُحَمَّدُ بْنُ مُسْتَنِيرٍ گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:  
هر که در حال احرام به نزد زنان رود نمی‌تواند در کوچ اول، کوچ کند.  
و در روایتی دیگر آمده است: صید نیز چنین است.
- ۱۲ - اسماعیل بن نجیح رمّاح گوید:

كُنَّا عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِمَنْى لَيْلَةً مِنَ اللَّيَالِي فَقَالَ: مَا يَقُولُ هَؤُلَاءِ فِي «فَن تَعَجَّلَ فِي يَوْمَيْنِ فَلَا إِيَّامَ عَلَيْهِ وَ مَنْ تَأَخَّرَ فَلَا إِيَّامَ عَلَيْهِ». قُلْنَا: مَا نَدْرِي.

قَالَ: بَلَى يَقُولُونَ: مَنْ تَعَجَّلَ مِنْ أَهْلِ الْبَادِيَةِ فَلَا إِيَّامَ عَلَيْهِ وَ مَنْ تَأَخَّرَ مِنْ أَهْلِ الْحَضَرِ فَلَا إِيَّامَ عَلَيْهِ، وَ لَيْسَ كَمَا يَقُولُونَ، قَالَ اللَّهُ جَلَّ ثَنَاؤُهُ: «فَن تَعَجَّلَ فِي يَوْمَيْنِ فَلَا إِيَّامَ عَلَيْهِ» أَلَا لَا إِيَّامَ عَلَيْهِ وَ مَنْ تَأَخَّرَ فَلَا إِيَّامَ عَلَيْهِ أَلَا لَا إِيَّامَ عَلَيْهِ لِمَنِ اتَّقَى، إِنَّمَا هِيَ لَكُمْ وَ النَّاسُ سَوَادٌ وَ أَنْتُمْ الْحَاجُّ.

(۱۹۹)

### بَابُ نُزُولِ الْحَصْبَةِ

۱ - الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبَانَ عَنْ أَبِي مَرْيَمَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ الْحَصْبَةِ.

شبی از شب‌ها در منا نزد امام صادق علیه السلام بودیم فرمود: اینها (اهل تسنن) در مورد آیه که می‌فرماید: «هر که در آن دو روز شتاب کند گناهی برای او نیست و هر که به تأخیر انداخت گناهی برای او نیست» چه می‌گویند؟ گفتیم: نمی‌دانیم.

فرمود: آری، می‌گویند: هر که از اهل بادیه در روز دوازدهم کوچ کرد گناهی بر او نیست و هر که از اهل مکه کوچ را به تأخیر انداخت گناهی بر او نیست. ولی چنانچه آنها می‌گویند نیست، خداوند متعال می‌فرماید: «هر که در آن دو روز شتاب کند گناهی بر او نیست» آگاه باشید که گناهی بر او نیست و هر که به تأخیر اندازد، هان که بر آن که تقوا پیشه کند، گناهی نیست همانا آن حکم مخصوص شما (شیعیان) است و مردم (اهل تسنن) سیاهی هستند و شما (شیعیان) حاجی هستید.

### بخش صد و نود و نهم

### فرود آمدن در زمین سنگریزه

۱ - ابی مریم گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد حصبه (زمین سنگریزه) سؤال شد.



فَقَالَ: كَانَ أَبِي ﷺ يَنْزِلُ الْأَبْطَحَ قَلِيلًا ثُمَّ يَجِيءُ وَيَدْخُلُ الْبُيُوتَ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَنَامَ بِالْأَبْطَحِ.  
فَقُلْتُ لَهُ: أَرَأَيْتَ إِنْ تَعَجَّلَ فِي يَوْمَيْنِ إِنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ الْيَمَنِ عَلَيْهِ أَنْ يُحْصَبَ؟  
قَالَ: لَا.

(۲۰۰)

### بَابُ إِتْمَامِ الصَّلَاةِ فِي الْحَرَمَيْنِ

۱ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ  
بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ شَيْبَةَ قَالَ:  
كَتَبْتُ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ ﷺ أَسْأَلُهُ عَنْ إِتْمَامِ الصَّلَاةِ فِي الْحَرَمَيْنِ.  
فَكَتَبَ إِلَيَّ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يُحِبُّ إِكْثَارَ الصَّلَاةِ فِي الْحَرَمَيْنِ فَأَكْثِرْ فِيهِمَا  
وَأَتِمَّ.

فرمود: پدرم ﷺ همواره در ابطح فرود می‌آمد، سپس می‌آمد و وارد خانه‌های مکه می‌شد بدون این که در ابطح بخوابد.  
گفتم: به نظر شما کسی که در روز دوازدهم برای رفتن عجله نماید اگر از اهل یمن باشد می‌تواند در سرزمین سنگریزه فرود آید؟  
فرمود: نه.

### بخش دویستم

### اتمام نماز در حرم مکه و مدینه

۱ - ابراهیم بن شیبه گوید: نامه‌ای خدمت امام جواد ﷺ نوشتم و در مورد اتمام نماز در حرمین پرسیدم؟  
آن حضرت در پاسخ نوشت: رسول خدا ﷺ دوست می‌داشت که در حرمین نماز بیشتر خوانده شود. پس در آنها نماز بسیار بگزار و به صورت تمام بخوان.

- ۲ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى قَالَ:  
سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام عَنْ إِيْتِمَامِ الصَّلَاةِ وَ الصَّيَامِ فِي الْحَرَمَيْنِ.  
فَقَالَ: أَتَمَّهَا وَ لَوْ صَلَاةً وَاحِدَةً.
- ۳ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَرَّارٍ عَنْ يُونُسَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ يَقْطِينٍ  
قَالَ:  
سَأَلْتُ أَبَا إِبْرَاهِيمَ عليه السلام عَنِ التَّقْصِيرِ بِمَكَّةَ.  
فَقَالَ: أَتَمَّ وَ لَيْسَ بِوَاجِبٍ إِلَّا أَنِّي أَحِبُّ لَكَ مَا أَحِبُّ لِنَفْسِي.  
۴ - يُونُسُ عَنْ زِيَادِ بْنِ مَرْوَانَ قَالَ:  
سَأَلْتُ أَبَا إِبْرَاهِيمَ عليه السلام عَنْ إِيْتِمَامِ الصَّلَاةِ فِي الْحَرَمَيْنِ.  
فَقَالَ: أَحِبُّ لَكَ مَا أَحِبُّ لِنَفْسِي أَتَمَّ الصَّلَاةَ.  
۵ - يُونُسُ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:  
أَنَّ مِنَ الْمَذْخُورِ الْإِيْتِمَامَ فِي الْحَرَمَيْنِ.

۲ - عثمان بن عیسی گوید: از امام کاظم عليه السلام در مورد تمام نماز و گرفتن روز در حرمین پرسیدم.

فرمود: نماز را تمام بخوان گرچه یک نماز باشد.

۳ - علی بن یقطین گوید: از امام کاظم عليه السلام در مورد نماز قصر در مکه پرسیدم.  
فرمود: نماز را تمام بخوان و این واجب نیست، مگر این که آن چه را که من برای خود دوست دارم برای تو نیز دوست می‌دارم.

۴ - نظیر این روایت را زیاد بن مروان نیز از امام کاظم عليه السلام نقل می‌کند.

۵ - معاویه بن عمار گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: از موارد ذخیره (برای روز قیامت) تمام خواندن نماز در حرمین است.

- ۶- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ الْمُخْتَارِ عَنْ أَبِي إِبْرَاهِيمَ عليه السلام قَالَ: قُلْتُ لَهُ: إِنَّا إِذَا دَخَلْنَا مَكَّةَ وَ الْمَدِينَةَ نُسَمُّ أَوْ نَقْصُرُ؟ قَالَ: إِنَّ قَصْرَتَ فَذَاكَ وَإِنْ أَتَمَمْتَ فَهُوَ خَيْرٌ يَزِدَادُ.
- ۷- حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنْ ابْنِ سَمَاعَةَ عَنْ غَيْرِ وَاحِدٍ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ مِسْمَعٍ عَنْ أَبِي إِبْرَاهِيمَ عليه السلام قَالَ: كَانَ أَبِي عليه السلام يَرَى لَهُذَيْنِ الْحَرَمَيْنِ مَا لَا يَرَاهُ لغيرِهِمَا وَيَقُولُ: إِنَّ الْإِثْمَامَ فِيهِمَا مِنَ الْأَمْرِ الْمَذْخُورِ.
- ۸- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ قَالَ:

- ۶- حسین بن مختار گوید: به امام کاظم عليه السلام گفتم: هنگامی که ما وارد مکه می شویم نماز را تمام بخوانیم یا قصر؟  
فرمود: می توانی قصر بخوانی و اگر تمام بخوانی خیری است که فزونی یافته است.
- ۷- مسمع گوید: امام کاظم عليه السلام فرمود:  
پدرم عليه السلام همواره به این دو حرم ارزشی قائل بود که به غیر آنها قائل نبود و می فرمود:  
تمام خواندن نماز در آنها از ثواب های ذخیره برای قیامت است.
- ۸- علی بن مهزیار گوید:

كَتَبْتُ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام: أَنَّ الرُّوَايَةَ قَدْ اخْتَلَفَتْ عَنْ آبَائِكَ عليهم السلام فِي الْإِتْمَامِ وَالتَّقْصِيرِ فِي الْحَرَمَيْنِ فَمِنْهَا بَأْنُ يَتِمُّ الصَّلَاةُ وَلَوْ صَلَاةً وَاحِدَةً، وَ مِنْهَا أَنْ يُقْصَرَ مَا لَمْ يَنْوِ مَقَامَ عَشْرَةِ أَيَّامٍ وَلَمْ أَزَلْ عَلَى الْإِتْمَامِ فِيهَا إِلَى أَنْ صَدَرْنَا فِي حَجَّنَا فِي عَامِنَا هَذَا، فَإِنَّ فُقَهَاءَ أَصْحَابِنَا أَشَارُوا عَلَيَّ بِالتَّقْصِيرِ إِذْ كُنْتُ لَا أَنْوِي مَقَامَ عَشْرَةِ أَيَّامٍ فَصَرْتُ إِلَى التَّقْصِيرِ وَ قَدْ ضَيِّقْتُ بِذَلِكَ حَتَّى أَعْرِفَ رَأْيَكَ.

فُكِّتَبَ إِلَيَّ بِخَطِّهِ: قَدْ عَلِمْتُ يَرْحَمُكَ اللَّهُ! فَضَلَّ الصَّلَاةَ فِي الْحَرَمَيْنِ عَلَى غَيْرِهِمَا، فَإِنِّي أَحِبُّ لَكَ إِذَا دَخَلْتُهُمَا أَنْ لَا تُقْصَرَ وَ تُكْثِرَ فِيهِمَا الصَّلَاةَ.

فَقُلْتُ لَهُ: بَعْدَ ذَلِكَ بَسْتَيْنِ مُشَافَهَةً إِنِّي كَتَبْتُ إِلَيْكَ بِكَذَا وَ أَجَبْتَنِي بِكَذَا.

فَقَالَ: نَعَمْ.

فَقُلْتُ: أَيُّ شَيْءٍ تَعْنِي بِالْحَرَمَيْنِ؟

فَقَالَ: مَكَّةَ وَ الْمَدِينَةَ.

به خدمت امام جواد عليه السلام طی نامه‌ای نوشتم که روایات از پدران شما عليهم السلام در اتمام و تقصیر نماز در حرمین گوناگون نقل شده است؛ برخی گوید. نماز تمام خوانده می‌شود، گرچه یک نماز باشد و برخی گوید: مادامی که ده روز قصد اقامه نکنی نماز قصر است و من همیشه نمازها را امسال در حج خود در تمام خوانده‌ام و فقهای اصحابمان به من اشاره نمودند که قصر بخوانم، چون قصد اقامه ده روز ننموده بودم پس قصر خواندم. من از این جهت دلتنگ هستم تا نظر شما را بدانم.

حضرتش با دستخط خود نوشت: خدا تو را رحمت کند! از فضیلت نماز در حرمین را نسبت به جاهای دیگر آگاهی داری و من دوست دارم تو آن‌گاه که وارد آن دو حرم شدی نماز را قصر نخوانی و در آن جاها نماز زیاد بخوانی.

دو سال بعد حضرتش را دیدم و به او گفتم: به شما نامه نوشتم و چنین جواب دادی. فرمود: آری.

گفتم: مراد شما از حرمین کجاست؟

فرمود: مکه و مدینه است.

(۲۰۱)

### بَابُ فَضْلِ الصَّلَاةِ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَأَفْضَلِ بُقْعَةٍ فِيهِ

۱ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ فَضَّالٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْجَهْمِ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرِّضَا عليه السلام عَنْ أَفْضَلِ مَوْضِعٍ فِي الْمَسْجِدِ يُصَلَّى فِيهِ.  
 قَالَ: الْحَطِيمُ مَا بَيْنَ الْحَجَرِ وَبَابِ الْبَيْتِ.  
 قُلْتُ: وَالَّذِي يَلِي ذَلِكَ فِي الْفَضْلِ؟  
 فَذَكَرَ أَنَّهُ عِنْدَ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ عليه السلام.  
 قُلْتُ: ثُمَّ الَّذِي يَلِيهِ فِي الْفَضْلِ؟  
 قَالَ: فِي الْحَجَرِ.  
 قُلْتُ: ثُمَّ الَّذِي يَلِي ذَلِكَ؟

### بخش دویست و یکم

### فضیلت نماز در مسجد الحرام و بهترین بقعه آن

۱ - حسن بن جهم گوید: از امام رضا عليه السلام پرسیدم: بهترین جای مسجد الحرام که در آن نماز خوانده می شود کجاست؟  
 فرمود: حطیم که میان حجر الاسود و در بیت است.  
 گفتم: بعد از آن کجا بهتر است؟  
 فرمود: نزد مقام ابراهیم عليه السلام.  
 گفتم: بعد از آن کجا بهتر است؟  
 فرمود: حجر (اسماعیل عليه السلام).  
 گفتم: بعد از آن کجاست؟

قَالَ: كُلَّمَا دَنَا مِنَ الْبَيْتِ.

۲- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْخَزَّازِ عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: الصَّلَاةُ فِي الْحَرَمِ كُلِّهِ سَوَاءٌ؟

فَقَالَ: يَا أَبَا عُبَيْدَةَ! مَا الصَّلَاةُ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كُلِّهِ سَوَاءٌ فَكَيْفَ يَكُونُ فِي الْحَرَمِ كُلِّهِ سَوَاءٌ؟

قُلْتُ: فَأَيُّ بَقَاعِهِ أَفْضَلُ.

قَالَ: مَا بَيْنَ الْبَابِ إِلَى الْحَجَرِ الْأَسْوَدِ.

۳- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ يُونُسَ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الْمُلتَزِمِ لِأَيِّ شَيْءٍ يُلتَزَمُ وَ أَيُّ شَيْءٍ يُذَكَّرُ فِيهِ؟  
فَقَالَ: عِنْدَهُ نَهْرٌ مِنْ أَنْهَارِ الْجَنَّةِ تُلْقَى فِيهِ أَعْمَالُ الْعِبَادِ عِنْدَ كُلِّ حَمِيسٍ.

فرمود: هر جا که نزدیک بیت باشد.

۲- ابو عبیده گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: نماز در همه جای مسجد مساوی است؟

فرمود: ای ابا عبیده! نماز در همه جای مسجد الحرام مساوی نیست. چگونه همه

جای حرم مساوی می شود؟

گفتم: پس کدام بقعه آن بهتر است؟

فرمود: میان در بیت تا حجر الاسود.

۳- یونس گوید: از امام صادق عليه السلام در مورد ملتزم (جایی در دیوار پشت کعبه نزدیک

رکن یمانی است) پرسیدم که برای چه به آغوش گرفته می شود؟ و چه چیز در آن گفته

می شود؟

فرمود: نزد آن چشمه ای از چشمه های بهشت است که در هر روز پنجشنبه اعمال

بندگان به آن ریخته می شود.

۴- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنِ الْكَاهِلِيِّ قَالَ: كُنَّا عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ:

أَكْثَرُوا مِنَ الصَّلَاةِ وَالدُّعَاءِ فِي هَذَا الْمَسْجِدِ، أَمَا إِنَّ لِكُلِّ عَبْدٍ رِزْقًا يُجَازُ إِلَيْهِ جَوْزًا.

۵- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي سَلَمَةَ عَنْ هَارُونَ بْنِ خَارِجَةَ عَنْ صَامِتٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

الصَّلَاةُ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ تَعْدِلُ مِائَةَ أَلْفِ صَلَاةٍ.

۶- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

الصَّلَاةُ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ تَعْدِلُ مِائَةَ أَلْفِ صَلَاةٍ.

۷- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَقُومُ أَصْلِي بِمَكَّةَ وَ الْمَرْأَةُ بَيْنَ يَدَيَّ جَالِسَةً أَوْ مَارَّةً.

۴- کاهلی گوید: در خدمت امام صادق علیه السلام (در مکه و یا مسجد الحرام) بودیم.

فرمود: در این مسجد نماز بسیار بخوانید و فراوان دعا کنید. آگاه باشید که برای هر بنده‌ای نصیبی است که داده می‌شود.

۵- صامت گوید: امام صادق علیه السلام از پدرانش علیه السلام نقل می‌کند که حضرتش فرمود:

نماز در مسجد الحرام برابر با صد هزار نماز است.

۶- نظیر این روایت را سکونی از امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش علیه السلام نقل می‌کند.

۷- معاویه بن عمار گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: در مسجد الحرام برمی‌خیزم و نماز

می‌خوانم در حالی که زن در مقابل من نشسته و یا تردد می‌کند (چه حکمی دارد؟)

- فَقَالَ: لَا بَأْسَ إِنَّمَا سُمِّيتَ بَكَّةَ، لِأَنَّهَا تَبُكُ فِيهَا الرِّجَالُ وَ النِّسَاءُ.
- ۸- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ قَالَ: قَالَ لَهُ الطَّيَّارُ- وَأَنَا حَاضِرٌ -: هَذَا الَّذِي زِيدَ هُوَ مِنَ الْمَسْجِدِ؟
- فَقَالَ: نَعَمْ، إِنَّهُمْ لَمْ يَبْلُغُوا بَعْدَ مَسْجِدِ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ.
- ۹- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ أَبَانَ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ:
- سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يُصَلِّي بِمَكَّةَ يَجْعَلُ الْمَقَامَ خَلْفَ ظَهْرِهِ وَ هُوَ مُسْتَقْبِلُ الْقِبْلَةِ.
- فَقَالَ: لَا بَأْسَ يُصَلِّي حَيْثُ شَاءَ مِنَ الْمَسْجِدِ بَيْنَ يَدَيِ الْمَقَامِ، أَوْ خَلْفَهُ وَ أَفْضَلُهُ الْحَاطِيمُ وَ الْحِجْرُ وَ عِنْدَ الْمَقَامِ وَ الْحَاطِيمُ حِذَاءَ الْبَابِ.
- ۱۰- فَضَالَةُ بْنُ أَيُّوبَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:
- كَانَ حَقُّ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِمَكَّةَ مَا بَيْنَ الْحَزْوَرَةِ إِلَى الْمَسْعَى، فَذَلِكَ الَّذِي كَانَ خَطُّهُ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَغْنِي الْمَسْجِدَ.

- فرمود: ایرادی ندارد، چرا که بدان جهت بکّه نامیده شد که در آن مردان و زنان ازدحام می نمایند.
- ۸- جمیل بن درّاج گوید: من حاضر بودم که طیار به حضرتش گفت: این همان بخشی از مسجد است (که در زمان بنی امیه) اضافه شد؟
- فرمود: آری، زیرا آنها هنوز به مسجد ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام نرسیده اند.
- ۹- زراره گوید: از امام علی علیه السلام پرسیدم: مردی که در مکه نماز می خواند و مقام ابراهیم علیهما السلام را پشت سر قرار می دهد که رو به قبله است (او چه حکمی دارد؟)
- فرمود: ایرادی ندارد، هر جای مسجد خواست پیش روی مقام یا پشت نماز بخواند، بهترین جای آن حطیم، حجر اسماعیل و نزد مقام ابراهیم است و حطیم روبه روی درب کعبه است.
- ۱۰- عبدالله بن سنان گوید: امام صادق علیهما السلام فرمود:
- حق ابراهیم علیهما السلام در مکه از حزوره تا مسعی بود. این همان علامت و خطی بوده که ابراهیم علیهما السلام برای مسجد کشیده بود.



۱۱ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ الرَّجُلِ يُصَلِّي فِي جَمَاعَةٍ فِي مَنْزِلِهِ بِمَكَّةَ أَفْضَلُ أَوْ وَحْدَهُ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ؟  
فَقَالَ: وَحْدَهُ.

۱۲ - أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدٍ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنِ ابْنِ فَضَالٍ عَنْ ثَعْلَبَةَ عَنْ مُعَاوِيَةَ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الْحَطِيمِ.  
فَقَالَ: هُوَ مَا بَيْنَ الْحَجَرِ الْأَسْوَدِ وَبَيْنَ الْبَابِ.  
وَسَأَلْتُهُ لِمَ سُمِّيَ الْحَطِيمُ؟  
فَقَالَ: لِأَنَّ النَّاسَ يَحْطِمُونَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا هُنَاكَ.

۱۱ - محمد بن ابی نصر گوید: از امام رضا عليه السلام پرسیدم: مردی در مکه در خانه خود با جماعت نماز بخواند بهتر است و یا تنها در مسجد الحرام؟  
فرمود: تنها (در مسجد الحرام).

۱۲ - معاویه بن عمار گوید: از امام صادق عليه السلام در مورد حطیم پرسیدم؟  
فرمود: میان حجر الاسود و در بیت است.  
پرسیدم: چرا حطیم نامیده شد؟  
فرمود: زیرا مردم در آن جا پهلوی به پهلوی می‌باشند.

(۲۰۲)

**بَابُ دُخُولِ الْكَعْبَةِ**

- ۱- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ عَمْرِو بْنِ عُثْمَانَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ خَالِدٍ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: كَانَ أَبِي عليه السلام يَقُولُ: الدَّاخِلُ الْكَعْبَةَ يَدْخُلُ وَاللَّهُ رَاضٍ عَنْهُ وَ يَخْرُجُ عَطْلًا مِنَ الذُّنُوبِ.
- ۲- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ ابْنِ فَضَالٍ عَنْ ابْنِ الْقَدَّاحِ عَنْ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ دُخُولِ الْكَعْبَةِ. قَالَ: الدُّخُولُ فِيهَا دُخُولٌ فِي رَحْمَةِ اللَّهِ، وَ الْخُرُوجُ مِنْهَا خُرُوجٌ مِنَ الذُّنُوبِ مَعْصُومٌ فِيمَا بَقِيَ مِنْ عُمُرِهِ مَغْفُورٌ لَهُ مَا سَلَفَ مِنْ ذُنُوبِهِ.

**بخش دویست و دوم****ورود به کعبه**

- ۱- راوی گوید: امام ابو جعفر عليه السلام فرمود: پدرم می فرمود: داخل شونده به کعبه داخل می شود در حالی که خدا از او راضی است و بیرون می آید در حالی که از گناه تهی است.
- ۲- ابن درّاج از امام صادق عليه السلام از پدر بزرگوارش عليه السلام نقل می کند که از حضرتش در مورد داخل شدن به کعبه پرسیدم. فرمود: داخل شدن در آن، دخول در رحمت خدا و خروج از آن، خارج شدن از گناهان است و در باقی مانده عمرش معصوم و از گناهان آینده اش آمرزیده شده است.

۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ وَ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِذَا أَرَدْتَ دُخُولَ الْكَعْبَةِ فَاغْتَسِلْ قَبْلَ أَنْ تَدْخُلَهَا وَ لَا تَدْخُلَهَا بِحِذَاءٍ وَ تَقُولُ: إِذَا دَخَلْتَ: «اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ وَ مَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا فَأَمِنِّي مِنْ عَذَابِ النَّارِ».

ثُمَّ تُصَلِّي رَكْعَتَيْنِ بَيْنَ الْأُسْطُوَانَتَيْنِ عَلَى الرُّخَامَةِ الْحَمْرَاءِ تَقْرَأُ فِي الرُّكْعَةِ الْأُولَى حَمَّ السَّجْدَةِ وَ فِي الثَّانِيَةِ عَدَدَ آيَاتِهَا مِنَ الْقُرْآنِ وَ تُصَلِّي فِي زَوَايَاهُ وَ تَقُولُ: «اللَّهُمَّ مَنْ تَهَيَّأَ أَوْ تَعَبَّأَ أَوْ أَعَدَّ أَوْ اسْتَعَدَّ لِرَفَادَةٍ إِلَى مَخْلُوقٍ رَجَاءَ رَفْدِهِ وَ جَائِزَتِهِ وَ نَوَافِلِهِ وَ فَوَاضِلِهِ، فَإِلَيْكَ يَا سَيِّدِي تَهَيَّبْتِي وَ تَعَبَّبْتِي وَ إِعْدَادِي وَ اسْتِعْدَادِي رَجَاءَ رَفْدِكَ وَ نَوَافِلِكَ وَ جَائِزَتِكَ فَلَا تُخَيِّبِ الْيَوْمَ رَجَائِي يَا مَنْ لَا يَخِيْبُ عَلَيْهِ سَائِلٌ وَ لَا يَنْقُصُهُ نَائِلٌ فَإِنِّي لَمْ آتِكَ الْيَوْمَ بِعَمَلٍ صَالِحٍ قَدَّمْتُهُ وَ لَا شَفَاعَةٍ مَخْلُوقٍ رَجَوْتُهُ، وَ لَكِنِّي أَتَيْتُكَ مُقَرَّاً بِالظُّلْمِ وَ الْإِسَاءَةِ عَلَى نَفْسِي، فَإِنَّهُ لَا حُجَّةَ لِي وَ لَا عُذْرَ، فَاسْأَلُكَ يَا مَنْ هُوَ كَذَلِكَ أَنْ تُعْطِيَنِي مَسْأَلَتِي وَ تُقِيلَنِي عَثْرَتِي وَ تُقَبِّلَنِي بِرَغَبَتِي وَ لَا تَرُدَّنِي مَجْبُوهًا مَمْنُوعًا وَ لَا خَائِبًا يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ أَنْ جُوكَ لِلْعَظِيمِ أَسْأَلُكَ يَا عَظِيمُ أَنْ تَغْفِرَ لِي الذَّنْبَ الْعَظِيمَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ».

۳- معاوية بن عمار گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هرگاه خواستی داخل کعبه شوی، غسل کن و با نعلین داخل مشو و چون داخل شدی می‌گویی: «اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ وَ مَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا فَأَمِنِّي مِنْ عَذَابِ النَّارِ».

سپس دو رکعت نماز بین دو ستون در کعبه و بر روی سنگ سرخ بخوان که در رکعت اول سوره حم سجده و در رکعت دوم به تعداد آیات آن از قرآن می‌خوانی و در گوشه‌های کعبه نماز می‌خوانی و می‌گویی:

«اللَّهُمَّ مَنْ تَهَيَّأَ أَوْ تَعَبَّأَ أَوْ أَعَدَّ أَوْ اسْتَعَدَّ لِرَفَادَةٍ إِلَى مَخْلُوقٍ رَجَاءَ رَفْدِهِ وَ جَائِزَتِهِ وَ نَوَافِلِهِ وَ فَوَاضِلِهِ، فَإِلَيْكَ يَا سَيِّدِي تَهَيَّبْتِي وَ تَعَبَّبْتِي وَ إِعْدَادِي وَ اسْتِعْدَادِي رَجَاءَ رَفْدِكَ وَ نَوَافِلِكَ وَ جَائِزَتِكَ فَلَا تُخَيِّبِ الْيَوْمَ رَجَائِي يَا مَنْ لَا يَخِيْبُ عَلَيْهِ سَائِلٌ وَ لَا يَنْقُصُهُ نَائِلٌ فَإِنِّي لَمْ آتِكَ الْيَوْمَ بِعَمَلٍ صَالِحٍ قَدَّمْتُهُ وَ لَا شَفَاعَةَ مَخْلُوقٍ رَجَوْتُهُ، وَ لَكِنِّي أَتَيْتُكَ مُقَرَّاً بِالظُّلْمِ وَ الْإِسَاءَةِ عَلَى نَفْسِي، فَإِنَّهُ لَا حُجَّةَ لِي وَ لَا عُذْرَ، فَاسْأَلُكَ يَا مَنْ هُوَ كَذَلِكَ أَنْ تُعْطِيَنِي مَسْأَلَتِي وَ تُقِيلَنِي عَثْرَتِي وَ تُقَبِّلَنِي بِرَغَبَتِي وَ لَا تَرُدَّنِي مَجْبُوهًا مَمْنُوعًا وَ لَا خَائِبًا يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ أَنْ جُوكَ لِلْعَظِيمِ أَسْأَلُكَ يَا عَظِيمُ أَنْ تَغْفِرَ لِي الذَّنْبَ الْعَظِيمَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ».

قَالَ: وَ لَا تَدْخُلُهَا بِحِذَاءٍ وَ لَا تَبْزُقُ فِيهَا وَ لَا تَمْتَحِطُ فِيهَا وَ لَمْ يَدْخُلُهَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِلَّا يَوْمَ فَتْحِ مَكَّةَ.

۴ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْعَلَاءِ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ﷺ وَ ذَكَرْتُ الصَّلَاةَ فِي الْكَعْبَةِ.

قَالَ: بَيْنَ الْعُمُودَيْنِ تَقُومُ عَلَى الْبَلَاطَةِ الْحُمْرَاءِ، فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ صَلَّى عَلَيْهَا ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَى أَزْكَانِ الْبَيْتِ وَ كَبَّرَ إِلَى كُلِّ رُكْنٍ مِنْهُ.

۵ - أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ:

رَأَيْتُ الْعَبْدَ الصَّالِحَ ﷺ دَخَلَ الْكَعْبَةَ فَصَلَّى رَكْعَتَيْنِ عَلَى الرُّخَامَةِ الْحُمْرَاءِ ثُمَّ قَامَ فَاسْتَقْبَلَ الْحَائِطَ بَيْنَ الرُّكْنِ الْيَمَانِيِّ وَ الْعَرَبِيِّ، فَوَقَعَ يَدُهُ عَلَيْهِ وَ لَزِقَ بِهِ وَ دَعَا، ثُمَّ تَحَوَّلَ إِلَى الرُّكْنِ الْيَمَانِيِّ فَلَصِقَ بِهِ وَ دَعَا ثُمَّ أَتَى الرُّكْنَ الْعَرَبِيَّ ثُمَّ خَرَجَ.

فرمود و با نعلین داخل کعبه مشو و آن جا آب دهان و بینی نینداز و رسول خدا ﷺ داخل کعبه نشد مگر در روز فتح مکه.

۴ - حسین بن ابی علاء گوید: از امام صادق ﷺ در مورد نماز در درون کعبه پرسیدم؟ فرمود: در میان دو ستون بر روی سنگ سرخ می ایستی، زیرا رسول خدا ﷺ بر روی آن نماز خواند. آن گاه به ارکان آن رو کرد و در هر رکنی تکبیر گفت.

۵ - معاویه بن عمار گوید: امام کاظم ﷺ را دیدم وارد کعبه شد و روی سنگ سرخ دو رکعت نماز گزارد، سپس برخاست و رو به دیوار میان رکن یمانی و رکن غربی کرد و دست بر آن نهاد و به آن چسبید و دعا نمود آن گاه به سوی رکن یمانی آمده و به آن چسبید و دعا کرد، سپس به رکن غربی آمد آن گاه بیرون رفت.

۶- وَ عَنْهُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ سَعِيدِ الْأَعْرَجِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: لَا بُدَّ لِلصَّوْرَةِ أَنْ يَدْخُلَ الْبَيْتَ قَبْلَ أَنْ يَرْجِعَ، فَإِذَا دَخَلَتْهُ فَادْخُلْهُ بِسَكِينَةٍ وَ وَقَارٍ ثُمَّ أَنْتَ كُلُّ زَاوِيَةٍ مِنْ زَوَايَاهُ ثُمَّ قُلِ:

«اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا فَأَمِنِّي مِنْ عَذَابِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ».

وَ صَلَّ بَيْنَ الْعُمُودَيْنِ اللَّذَيْنِ يَلِيَانِ عَلَى الرُّخَامَةِ الْحَمْرَاءِ، وَإِنْ كَثُرَ النَّاسُ فَاسْتَقْبِلْ كُلَّ زَاوِيَةٍ فِي مَقَامِكَ حَيْثُ صَلَّيْتَ وَ ادْعُ اللَّهَ وَ اسْأَلْهُ.

۷- وَ عَنْهُ عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُؤَيْدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام وَ هُوَ خَارِجٌ مِنَ الْكَعْبَةِ وَ هُوَ يَقُولُ: «اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ» حَتَّى قَالَهَا ثَلَاثًا.

ثُمَّ قَالَ: «اللَّهُمَّ لَا تُجْهِدْ بِلَاءَنَا رَبَّنَا وَ لَا تُشْمِتْ بِنَا أَعْدَاءَنَا فَإِنَّكَ أَنْتَ الضَّارُّ النَّافِعُ». ثُمَّ هَبَطَ فَصَلَّى إِلَى جَانِبِ الدَّرَجَةِ جَعَلَ الدَّرَجَةَ عَنْ يَسَارِهِ مُسْتَقْبِلَ الْكَعْبَةِ لَيْسَ بَيْنَهَا وَ بَيْنَهُ أَحَدٌ ثُمَّ خَرَجَ إِلَى مَنْزِلِهِ.

۶- سعید اعرج گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

ناگزیر بایستی حاجی در سفر اول پیش از مراجعت وارد بیت شود. هرگاه وارد بیت شدی با آرامش و وقار داخل شو و به گوشه‌های آن‌گاه بگو: «اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا فَأَمِنِّي مِنْ عَذَابِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ». و میان دو ستون که نزدیک سنگ سرخ است نماز گزار و اگر مردم بسیار شد از آن‌جا که ایستاده‌ای و نماز می‌خوانی رو به هر زاویه کن و خدا را بخوان و از او درخواست کن.

۷- عبدالله بن سنان گوید: از امام صادق عليه السلام به هنگام بیرون آمدن از کعبه شنیدم که سه مرتبه می‌فرمود: «الله اکبر الله اکبر».

سپس فرمود: «اللَّهُمَّ لَا تُجْهِدْ بِلَاءَنَا رَبَّنَا وَ لَا تُشْمِتْ بِنَا أَعْدَاءَنَا فَإِنَّكَ أَنْتَ الضَّارُّ النَّافِعُ». آن‌گاه پایین آمد و کناره پله ایستاد و آن‌را در سمت چپ خود قرار داد و رو به کعبه نماز خواند که در وسط کسی نبود، سپس به سوی خانه‌اش حرکت کرد.

- ۸- وَ عَنْهُ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ هَمَّامٍ قَالَ: قَالَ أَبُو الْحَسَنِ عليه السلام: دَخَلَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله الْكَعْبَةَ فَصَلَّى فِي زَوَايَاهَا الْأَرْبَعَ صَلَّيَ فِي كُلِّ زَاوِيَةٍ رَكَعَتَيْنِ.
- ۹- وَ عَنْهُ عَنْ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ قَالَ: رَأَيْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَدْ دَخَلَ الْكَعْبَةَ، ثُمَّ أَرَادَ بَيْنَ الْعُمُودَيْنِ فَلَمْ يَقْدِرْ عَلَيْهِ فَصَلَّى دُونَهُ ثُمَّ خَرَجَ فَمَضَى حَتَّى خَرَجَ مِنَ الْمَسْجِدِ.
- ۱۰- وَ عَنْهُ عَنْ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ يُونُسَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِذَا دَخَلْتُ الْكَعْبَةَ كَيْفَ أَصْنَعُ؟ قَالَ: خُذْ بِحُلْقَتِي الْبَابِ إِذَا دَخَلْتَ ثُمَّ امْضِ حَتَّى تَأْتِيَ الْعُمُودَيْنِ، فَصَلِّ عَلَى الرُّخَامَةِ الْحُمْرَاءِ، ثُمَّ إِذَا خَرَجْتَ مِنَ الْبَيْتِ فَانْزِلْ مِنَ الدَّرَجَةِ فَصَلِّ عَنْ يَمِينِكَ رَكَعَتَيْنِ.

- ۸- اسماعیل بن همّام گوید: امام رضا عليه السلام فرمود: پیامبر صلى الله عليه وآله وارد کعبه شد و در هر گوشه آن دو رکعت نماز گزارد.
- ۹- یونس بن یعقوب گوید: امام صادق عليه السلام را دیدم که داخل کعبه شد سپس خواست بین دو ستون نماز گزارد نتوانست از این رو نزدیک آن نماز گزارد، سپس خارج شد تا از مسجد الحرام بیرون رفت.
- ۱۰- یونس گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: وقتی داخل کعبه شدم چه کنم؟ فرمود: چون داخل کعبه شدی دو حلقه در را بگیر، بعد برو تا نزد دو ستون اول برسی، پس به روی سنگ سرخ نماز گزار. پس چون از بیت بیرون آمدی و از پله پایین آمدی پس در جانب دست راست خود دو رکعت نماز گزار.

۱۱- وَ عَنْهُ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ فِي دُعَاءِ الْوَلَدِ قَالَ:  
أَفِضْ عَلَيْكَ دَلْوًا مِنْ مَاءٍ زَمْزَمَ ثُمَّ ادْخُلِ الْبَيْتَ، فَإِذَا قُمْتَ عَلَى بَابِ الْبَيْتِ فَخُذْ  
بِحَلْقَةِ الْبَابِ ثُمَّ قُلْ:

«اللَّهُمَّ إِنَّ الْبَيْتَ بَيْتُكَ وَالْعَبْدَ عَبْدُكَ وَقَدْ قُلْتُ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا فَأَمِنِّي مِنْ عَذَابِكَ وَأَجِرْنِي  
مِنْ سَخَطِكَ».

ثُمَّ ادْخُلِ الْبَيْتَ فَصَلِّ عَلَى الرُّخَامَةِ الْحُمْرَاءِ رَكْعَتَيْنِ، ثُمَّ قُمْ إِلَى الْأُسْطُوَانَةِ  
الَّتِي بِجِذَاءِ الْحَجَرِ وَالْأَصِقُ بِهَا صَدْرَكَ ثُمَّ قُلْ:

«يَا وَاحِدُ يَا أَحَدُ يَا مَاجِدُ يَا قَرِيبُ يَا بَعِيدُ يَا عَزِيزُ يَا حَكِيمُ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ  
هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ».

ثُمَّ دُرِّبًا لِأُسْطُوَانَةِ فَالْأَصِقُ بِهَا ظَهْرَكَ وَبَطْنَكَ وَتَدْعُو بِهِذَا الدُّعَاءَ فَإِنْ يُرِدِ اللَّهُ  
شَيْئًا كَانَ.

۱۱- معاویة بن عمار گوید: حضرتش در مورد دعای فرزند خواستن فرمود:  
بر سر خود سطلی از آب زمزم بریز، پس داخل کعبه شو، چون کنار در کعبه ایستادی  
حلقه در را بگیر، سپس بگو: «اللَّهُمَّ إِنَّ الْبَيْتَ بَيْتُكَ وَالْعَبْدَ عَبْدُكَ وَقَدْ قُلْتُ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا  
فَأَمِنِّي مِنْ عَذَابِكَ وَأَجِرْنِي مِنْ سَخَطِكَ».

آن‌گاه داخل کعبه شو به روی سنگ سرخ دو رکعت نماز گزار.  
پس کنار ستونی که مقابل حجر اسماعیل است بایست و سینهات را به آن بچسبان،  
سپس بگو:

«يَا وَاحِدُ يَا أَحَدُ يَا مَاجِدُ يَا قَرِيبُ يَا بَعِيدُ يَا عَزِيزُ يَا حَكِيمُ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ  
هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ».

سپس به آن ستون دور زده و پشت و شکم خود را به آن بچسبان و همین دعا را بخوان،  
پس اگر خدا چیزی را خواست، می‌شود.

(۲۰۳)

## بَابُ وَدَاعِ الْبَيْتِ

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى وَ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَخْرُجَ مِنْ مَكَّةَ وَ تَأْتِيَ أَهْلَكَ فَوَدِّعِ الْبَيْتَ وَ طُفْ بِالْبَيْتِ أُسْبُوعاً وَ إِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَسْتَلِمَ الْحَجَرَ الْأَسْوَدَ وَ الرُّكْنَ الْيَمَانِيَّ فِي كُلِّ شَوْطٍ فَافْعَلْ وَ إِلَّا فَافْتَحْ بِهِ وَ اخْتِمْ بِهِ فَإِنْ لَمْ تَسْتَطِعْ ذَلِكَ فَمَوْسِعْ عَلَيْكَ. ثُمَّ تَأْتِي الْمُسْتَجَارَ فَتَضَعُ عِنْدَهُ كَمَا صَنَعْتَ يَوْمَ قَدِمْتَ مَكَّةَ وَ تَخِيرُ لِنَفْسِكَ مِنَ الدُّعَاءِ.

ثُمَّ اسْتَلِمَ الْحَجَرَ الْأَسْوَدَ ثُمَّ أَلْصَقَ بَطْنَكَ بِالْبَيْتِ تَضَعُ يَدَكَ عَلَى الْحَجَرِ وَ الْأُخْرَى مِمَّا يَلِي الْبَابَ وَ أَحْمَدِ اللَّهَ وَ أَثْنِ عَلَيْهِ وَ صَلِّ عَلَى النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله ثُمَّ قُلْ: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ وَ نَبِيِّكَ وَ أَمِينِكَ وَ حَبِيبِكَ وَ نَجِيِّكَ وَ خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ».

## بخش دویست و سوم

## وداع با کعبه

۱ - معاویة بن عمار گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: هرگاه خواستی از مکه به سوی وطن بروی، پس بیت را وداع کرده و هفت شوط به آن طواف کن و اگر توانستی در هر شوط به حجر الاسود و رکن یمانی دست بزنی این کار را انجام بده وگرنه از (حجر الاسود) شروع کن و به آن به پایان برسان و اگر آن را هم نتوانستی ایرادی ندارد. سپس کنار مستجار بیا و کنار آن همان اعمالی را که در روز ورود به مکه انجام دادی، انجام می دهی و برای خود دعا کن.

سپس حجر الاسود را استلام کن، آن گاه شکمت را به کعبه بچسبان که یک دست در حجر الاسود و دست دیگر در کعبه باشد و حمد و ثنای خدا کن و درود بر پیامبر صلی الله علیه و آله بفرست آن گاه بگو: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ وَ نَبِيِّكَ وَ أَمِينِكَ وَ حَبِيبِكَ وَ نَجِيِّكَ وَ خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ».



اللَّهُمَّ كَمَا بَلَغَ رِسَالَتَكَ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِكَ وَصَدَعَ بِأَمْرِكَ وَأُذِيَ فِي جَنْبِكَ وَعَبَدَكَ حَتَّى أَتَاهُ الْيَقِينُ.

اللَّهُمَّ اقْلِبْنِي مُفْلِحاً مُنْجِئاً مُسْتَجَاباً لِي بِأَفْضَلِ مَا يَرْجِعُ بِهِ أَحَدٌ مِنْ وَفْدِكَ مِنَ الْمَغْفِرَةِ وَ الْبَرَكَةِ وَ الرَّحْمَةِ وَ الرِّضْوَانِ وَ الْعَافِيَةِ.

اللَّهُمَّ إِنْ أَمَتْنِي فَاعْفُ لِي وَإِنْ أَحْيَيْتَنِي فَارْزُقْنِيهِ مِنْ قَابِلِ اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ بَيْتِكَ. اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ وَابْنُ أَمَتِكَ حَمَلْتَنِي عَلَى دَوَابِّكَ وَ سَيَّرْتَنِي فِي بِلَادِكَ حَتَّى أَقْدَمْتَنِي حَرَمَكَ وَ أَمْنَكَ وَ قَدْ كَانَ فِي حُسْنِ ظَنِّي بِكَ أَنْ تَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي فَإِنْ كُنْتُ قَدْ غَفَرْتَ لِي ذُنُوبِي فَارْزُدْ عَنِّي رِضًا وَ قَرِّبْنِي إِلَيْكَ زُلْفَى وَ لَا تُبَاعِدْنِي وَإِنْ كُنْتُ لَمْ تَغْفِرْ لِي فَمِنْ الْآنَ فَاعْفُ لِي قَبْلَ أَنْ تَتَأَيَّ عَنْ بَيْتِكَ دَارِي. فَهَذَا أَوَانُ انْصِرَافِي إِنْ كُنْتُ أَذِنْتُ لِي غَيْرَ رَاغِبٍ عَنْكَ وَ لَا عَنْ بَيْتِكَ وَ لَا مُسْتَبْدِلٍ بِكَ وَ لَا بِهِ.

اللَّهُمَّ احْفَظْنِي مِنْ بَيْنِ يَدَيَّ وَ مِنْ خَلْفِي وَ عَنْ يَمِينِي وَ عَنْ شِمَالِي حَتَّى تُبَلِّغَنِي أَهْلِي فَإِذَا بَلَغْتَنِي أَهْلِي فَاحْفَظْنِي مَنُونَةَ عِبَادِكَ وَ عِيَالِي فَإِنَّكَ وَلِيُّ ذَلِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَ مِنِّي.

اللَّهُمَّ كَمَا بَلَغَ رِسَالَتَكَ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِكَ وَصَدَعَ بِأَمْرِكَ وَأُذِيَ فِي جَنْبِكَ وَعَبَدَكَ حَتَّى أَتَاهُ الْيَقِينُ. اللَّهُمَّ اقْلِبْنِي مُفْلِحاً مُنْجِئاً مُسْتَجَاباً لِي بِأَفْضَلِ مَا يَرْجِعُ بِهِ أَحَدٌ مِنْ وَفْدِكَ مِنَ الْمَغْفِرَةِ وَ الْبَرَكَةِ وَ الرَّحْمَةِ وَ الرِّضْوَانِ وَ الْعَافِيَةِ.

اللَّهُمَّ إِنْ أَمَتْنِي فَاعْفُ لِي وَإِنْ أَحْيَيْتَنِي فَارْزُقْنِيهِ مِنْ قَابِلِ اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ بَيْتِكَ. اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ وَابْنُ أَمَتِكَ حَمَلْتَنِي عَلَى دَوَابِّكَ وَ سَيَّرْتَنِي فِي بِلَادِكَ حَتَّى أَقْدَمْتَنِي حَرَمَكَ وَ أَمْنَكَ وَ قَدْ كَانَ فِي حُسْنِ ظَنِّي بِكَ أَنْ تَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي فَإِنْ كُنْتُ قَدْ غَفَرْتَ لِي ذُنُوبِي فَارْزُدْ عَنِّي رِضًا وَ قَرِّبْنِي إِلَيْكَ زُلْفَى وَ لَا تُبَاعِدْنِي وَإِنْ كُنْتُ لَمْ تَغْفِرْ لِي فَمِنْ الْآنَ فَاعْفُ لِي قَبْلَ أَنْ تَتَأَيَّ عَنْ بَيْتِكَ دَارِي. فَهَذَا أَوَانُ انْصِرَافِي إِنْ كُنْتُ أَذِنْتُ لِي غَيْرَ رَاغِبٍ عَنْكَ وَ لَا عَنْ بَيْتِكَ وَ لَا مُسْتَبْدِلٍ بِكَ وَ لَا بِهِ. اللَّهُمَّ احْفَظْنِي مِنْ بَيْنِ يَدَيَّ وَ مِنْ خَلْفِي وَ عَنْ يَمِينِي وَ عَنْ شِمَالِي حَتَّى تُبَلِّغَنِي أَهْلِي فَإِذَا بَلَغْتَنِي أَهْلِي فَاحْفَظْنِي مَنُونَةَ عِبَادِكَ وَ عِيَالِي فَإِنَّكَ وَلِيُّ ذَلِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَ مِنِّي.

ثُمَّ أَنْتَ زَمَزَمَ فَاشْرَبَ مِنْ مَائِهَا ثُمَّ أَخْرَجَ وَ قُلَ: «أَتَبُونَ تَائِبُونَ عَابِدُونَ لِرَبِّنَا حَامِدُونَ إِلَى رَبِّنَا رَاغِبُونَ إِلَى اللَّهِ رَاغِعُونَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ».

قَالَ: وَإِنَّ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمَّا وَدَّعَهَا وَ أَرَادَ أَنْ يَخْرُجَ مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ خَرَّ سَاجِدًا عِنْدَ بَابِ الْمَسْجِدِ طَوِيلًا ثُمَّ قَامَ فَخَرَجَ.

۲- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي مَحْمُودٍ قَالَ: رَأَيْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَدَّعَ الْبَيْتَ فَلَمَّا أَرَادَ أَنْ يَخْرُجَ مِنْ بَابِ الْمَسْجِدِ خَرَّ سَاجِدًا ثُمَّ قَامَ فَاسْتَقْبَلَ الْكَعْبَةَ فَقَالَ: «اللَّهُمَّ إِنِّي أُنْقِلِبُ عَلَى إِلَّا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ».

۳- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ قَالَ: رَأَيْتُ أَبَا جَعْفَرٍ الثَّانِي عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي سَنَةِ خَمْسٍ وَ عَشْرِينَ وَ مِائَتَيْنِ وَدَّعَ الْبَيْتَ بَعْدَ ارْتِفَاعِ الشَّمْسِ وَ طَافَ بِالْبَيْتِ يَسْتَلِمُ الرُّكْنَ الْيَمَانِيَّ فِي كُلِّ شَوْطٍ، فَلَمَّا كَانَ فِي الشَّوْطِ السَّابِعِ اسْتَلَمَهُ وَ اسْتَلَمَ الْحَجَرَ وَ مَسَحَ بِيَدِهِ ثُمَّ مَسَحَ وَجْهَهُ بِيَدِهِ ثُمَّ أَتَى الْمَقَامَ فَصَلَّى خَلْفَهُ رَكَعَتَيْنِ ثُمَّ خَرَجَ إِلَى دُبْرِ الْكَعْبَةِ إِلَى الْمُلتَزِمِ فَالْتَزَمَ الْبَيْتَ وَ كَشَفَ الثُّوبَ عَنْ بَطْنِهِ.

سپس به کنار زمزم بیا و از آب آن بیاشام. آن‌گاه بیرون رو و بگو: «أَتَبُونَ تَائِبُونَ عَابِدُونَ لِرَبِّنَا حَامِدُونَ إِلَى رَبِّنَا رَاغِبُونَ إِلَى اللَّهِ رَاغِعُونَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ».

راوی گوید: هنگامی که امام صادق علیه السلام خواست بیت را وداع کند و از مسجد الحرام بیرون رود کنار در مسجد به سجده افتاد و سجده طولانی نمود، سپس برخاست و بیرون رفت. ۲- ابراهیم بن ابی محمود گوید: امام رضا علیه السلام را دیدم که بیت را وداع نمود. هنگامی که خواست از در مسجد الحرام بیرون رود به سجده افتاد. آن‌گاه برخاست و رو به کعبه نمود و عرضه داشت: «اللَّهُمَّ إِنِّي أُنْقِلِبُ عَلَى إِلَّا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ».

۳- علی بن مهزیار گوید:

در سال دویست و بیست و پنج امام جواد علیه السلام را دیدم که بعد از بلند شدن آفتاب بیت را این‌گونه وداع نمود که به طواف بیت مشغول شد و در هر شوط رکن یمانی را استلام کرد و چون شوط هفتم شد رکن یمانی و حجر الاسود را استلام نمود و به آن دست مالید و به صورت خود کشید، سپس به کنار مقام ابراهیم علیه السلام آمد و پشت آن دو رکعت نماز گزارد. آن‌گاه به پشت کعبه نزد ملتزم رفت و بیت را به آغوش کشید و لباسش را از شکمش کنار زد.

ثُمَّ وَقَفَ عَلَيْهِ طَوِيلًا يَدْعُو، ثُمَّ خَرَجَ مِنْ بَابِ الْحَنَاطِينِ وَتَوَجَّهَ.  
 قَالَ: فَرَأَيْتُهُ فِي سَنَةِ سَبْعَ عَشْرَةَ وَمِائَتَيْنِ وَدَعَّ الْبَيْتَ لَيْلًا يَسْتَلِمُ الرُّكْنَ الْيَمَانِيَّ  
 وَ الْحَجَرَ الْأَسْوَدَ فِي كُلِّ شَوْطٍ، فَلَمَّا كَانَ فِي الشَّوْطِ السَّابِعِ اَلْتَزَمَ الْبَيْتَ فِي دُبُرِ  
 الْكَعْبَةِ قَرِيبًا مِنَ الرُّكْنَ الْيَمَانِيَّ وَفَوْقَ الْحَجَرِ الْمُسْتَطِيلِ وَكَشَفَ الثُّوبَ عَنْ بَطْنِهِ.  
 ثُمَّ أَتَى الْحَجَرَ فَقَبَّلَهُ وَ مَسَحَهُ وَ خَرَجَ إِلَى الْمَقَامِ فَصَلَّى خَلْفَهُ، ثُمَّ مَضَى وَ لَمْ  
 يَعُدْ إِلَى الْبَيْتِ وَ كَانَ وَقُوفُهُ عَلَى الْمُلتَزِمِ بِقَدَرِ مَا طَافَ بَعْضُ أَصْحَابِنَا سَبْعَةَ  
 أَشْوَاطٍ وَ بَعْضُهُمْ ثَمَانِيَّةً.

۴ - الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبَانَ عَنْ  
 أَبِي إِسْمَاعِيلَ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: هُوَ ذَا أَخْرُجُ جُعِلْتُ فِدَاكَ! فَمِنْ أَيْنَ أُوَدِّعُ الْبَيْتَ؟  
 قَالَ: تَأْتِي الْمُسْتَجَارَ بَيْنَ الْحَجَرِ وَ الْبَابِ فَتَوَدِّعُهُ مِنْ ثَمَّ، ثُمَّ تَخْرُجُ فَتَشْرَبُ مِنْ  
 زَمْزَمَ ثُمَّ تَمْضِي.

آن‌گاه در آن جا مدت طولانی ایستاد و دعا نمود، سپس از در گندم فروشان بیرون رفت  
 و به مسیر خود رو آورد.

راوی گوید: حضرتش را در سال دویست و هفده نیز دیده بودم که شب‌هنگام بیت را  
 وداع نمود و در هر شوط طوافش رکن یمانی و حجرالاسود را استلام نمود. چون شوط  
 هفتم را نمود، بیت را از دیوار پشت نزد رکن یمانی و بالای سنگ مستطیل به آغوش گرفت  
 و لباسش را از شکمش کنار زد.

سپس به حجرالاسود آمد و آن را بوسید و به آن دست مالید و به مقام ابراهیم عليه السلام رفت  
 و پشت آن نماز گزارد سپس رفت و دیگر به بیت برنگشت. ماندن آن حضرت در ملتزم به  
 اندازه ماندن بعضی اصحابمان در هفت طواف و یا هشت طواف بود.

۴ - ابو اسماعیل گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: سؤال من این است که وقتی از مکه  
 بیرون می‌روم - قربانت گردم! - از کجا بیت را وداع کنم؟

فرمود: نزد مستجار - که میان حجرالاسود و در کعبه است - می‌آیی و از آن جا بیت را  
 وداع می‌کنی، سپس کنار چاه زمزم می‌روی و از آب آن می‌نوشی بعد می‌روی.

فَقُلْتُ: أَصُبُّ عَلَى رَأْسِي؟

فَقَالَ: لَا تَقْرَبِ الصَّبَّ.

۵- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ النَّهْدِيِّ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَبَلَةَ عَنْ قُتَمِ بْنِ كَعْبٍ قَالَ:  
قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِنَّكَ لَتُذَمِّنُ الْحَجَّ؟  
قُلْتُ: أَجَلْ.

قَالَ: فَلْيَكُنْ آخِرُ عَهْدِكَ بِالْبَيْتِ أَنْ تَضَعَ يَدَكَ عَلَى الْبَابِ وَ تَقُولَ: «الْمُسْكِينُ عَلَى بَابِكَ فَتَصَدَّقْ عَلَيْهِ بِالْجَنَّةِ».

(۲۰۴)

بَابُ مَا يُسْتَحَبُّ مِنَ الصَّدَقَةِ عِنْدَ الْخُرُوجِ مِنْ مَكَّةَ

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ وَ حَفْصِ بْنِ الْبَخْتَرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ:

گفتم: می توانم از آب آن به سرم بریزم؟

فرمود: نریز.

۵- قُتَمِ بْنِ كَعْبٍ گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: تو همه ساله به حج می روی؟

گفتم: آری.

فرمود: پس آخرین عهد تو با بیت این گونه باشد که دست خود را بر در بگذاری و

بگویی: «الْمُسْكِينُ عَلَى بَابِكَ فَتَصَدَّقْ عَلَيْهِ بِالْجَنَّةِ».

بخش دویست و چهارم

استحباب صدقه به هنگام خروج از مکه

۱- معاویه بن عمار و حفص بن بختری گویند: امام صادق عليه السلام فرمود:

يَنْبَغِي لِلْحَاجِّ إِذَا قَضَىٰ تُسْكُهُ وَ أَرَادَ أَنْ يَخْرُجَ أَنْ يَبْتَنَعَ بِدِرْهَمٍ تَمْراً يَتَصَدَّقُ بِهِ  
فَيَكُونُ كَفَّارَةً لِّمَا لَعَلَّهُ دَخَلَ عَلَيْهِ فِي حَجِّهِ مِنْ حَكٍّ أَوْ قَمَلَةٍ سَقَطَتْ أَوْ نَحْوِ ذَلِكَ.  
۲ - حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ سَمَاعَةَ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: قَالَ  
أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:  
إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَخْرُجَ مِنْ مَكَّةَ فَاشْتَرِ بِدِرْهَمٍ تَمْراً فَتَصَدَّقْ بِهِ قَبْضَةً قَبْضَةً فَيَكُونُ  
لِكُلِّ مَا كَانَ مِنْكَ فِي إِحْرَامِكَ وَ مَا كَانَ مِنْكَ بِمَكَّةَ.

(۲۰۵)

### بَابُ مَا يُجْزَىٰ مِنَ الْعُمْرَةِ الْمُفْرُوضَةِ

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ  
اللَّهِ عليه السلام قَالَ:  
إِذَا اسْتَمْتَعَ الرَّجُلُ بِالْعُمْرَةِ فَقَدْ قَضَىٰ مَا عَلَيْهِ مِنْ فَرِيضَةِ الْعُمْرَةِ.

برای حاجی شایسته است که هرگاه مناسکش را به آخر رسانید و خواست (به وطنش)  
برود یک درهم خرما بخرد و آن را صدقه دهد تا کفاره مواردی از قبیل خاراندن بدن یا  
انداختن شپش یا نظیر آن باشد شاید اشکالی در حج او نماید.  
۲ - ابوبصیر گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هرگاه خواستی از مکه خارج شوی یک درهم خرما بخر و مشت مشت آن را صدقه بده تا  
کفاره‌ای باشد بر آن چه از تو در حال احرام صادر شده و کارهایی که از تو در مکه سر زده است.

### بخش دویست و پنجم

#### آن چه از عمره فريضه کفایت می‌کند

۱ - حلبی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:  
هنگامی که انسان از عمره حج بهره‌مند شد در واقع عمره فريضه را به جا آورده است.

۲ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَصْرِ قَالَ:  
سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام عَنِ الْعُمْرَةِ أَوْاجِبَةٌ هِيَ؟  
قَالَ: نَعَمْ.  
قُلْتُ: فَمَنْ تَمَتَّعَ يُجْزَى عَنْهُ؟  
قَالَ: نَعَمْ.

(۲۰۶)

### بَابُ الْعُمْرَةِ الْمُبْتُولَةِ

۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ فَضَالٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ  
قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ:  
إِنَّ عَلِيًّا عليه السلام كَانَ يَقُولُ: فِي كُلِّ شَهْرِ عُمْرَةٌ.  
۲ - أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ وَ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ  
الْفَضْلِ بْنِ شاذَّانَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْ أَبِي  
عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:  
فِي كِتَابِ عَلِيٍّ عليه السلام: فِي كُلِّ شَهْرِ عُمْرَةٌ.

احمد بن محمد بن ابی نصر گوید: از امام رضا عليه السلام پرسیدم: آیا عمره واجب است؟  
فرمود: آری.  
۲ - گفتم: پس هر که عمره تمتع انجام داد از او کفایت می کند؟  
فرمود: آری.

### بخش دویست و ششم

#### انجام عمره مفرده

۱ - یونس بن یعقوب گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می فرمود:  
علی عليه السلام می فرمود: انجام عمره در هر ماه است.  
۲ - نظیر این روایت را عبدالرحمان بن حجّاج از امام صادق عليه السلام نقل می کند.

۳ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَرَّارٍ عَنْ يُونُسَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ قَالَ:  
 سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ يَدْخُلُ مَكَّةَ فِي السَّنَةِ الْمَرَّةَ أَوِ الْمَرَّتَيْنِ أَوْ الْأَرْبَعَةَ كَيْفَ يَصْنَعُ؟  
 قَالَ: إِذَا دَخَلَ فَلْيَدْخُلْ مُلَبِّياً وَإِذَا خَرَجَ فَلْيَخْرُجْ مُجَلَّاً.  
 قَالَ: وَ لِكُلِّ شَهْرٍ عُمْرَةٌ.  
 فَقُلْتُ: يَكُونُ أَقَلَّ.  
 قَالَ: لِكُلِّ عَشْرَةِ أَيَّامٍ عُمْرَةٌ.  
 ثُمَّ قَالَ: وَ حَقَّقْ لَقَدْ كَانَ فِي عَامِي هَذِهِ السَّنَةِ سِتُّ عُمْرٍ.  
 قُلْتُ: لِمَ ذَاكَ؟  
 فَقَالَ: كُنْتُ مَعَ مُحَمَّدِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بِالطَّائِفِ فَكَانَ كُلَّمَا دَخَلَ دَخَلْتُ مَعَهُ.

۳ - علی بن ابی حمزه گوید: از امام کاظم عليه السلام پرسیدم: کسی در سال یک، یا دو و یا چهار مرتبه وارد مکه می شود چه وظیفه ای دارد؟  
 فرمود: لیبیک گوید و به هنگام خروج، از احرام خارج شود.  
 فرمود: هر ماه یک عمره دارد.  
 گفتم: کمتر هم می شود؟  
 فرمود: برای هر ده روز، یک عمره ای است. آن گاه فرمود: به حقی که تو بر آن اعتقاد داری سوگند! من امسال شش عمره انجام دادم.  
 گفتم: برای چه؟  
 فرمود: در طائف با محمد بن ابراهیم بودم و هر وقت وارد مکه می شد، من هم با او وارد می شدم.

(۲۰۷)

**بَابُ الْعُمْرَةِ الْمُبْتَوَلَةِ فِي أَشْهُرِ الْحَجِّ**

- ۱ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: لَا بَأْسَ بِالْعُمْرَةِ الْمُبْتَدَةِ فِي أَشْهُرِ الْحَجِّ ثُمَّ يَرْجِعُ إِلَى أَهْلِهِ.
- ۲ - الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: لَا بَأْسَ بِالْعُمْرَةِ الْمُبْتَدَةِ فِي أَشْهُرِ الْحَجِّ ثُمَّ يَرْجِعُ إِلَى أَهْلِهِ إِنْ شَاءَ.
- ۳ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عُمَرَ الْيَمَانِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: أَنَّهُ سُئِلَ عَنْ رَجُلٍ خَرَجَ فِي أَشْهُرِ الْحَجِّ مُعْتَمِرًا ثُمَّ رَجَعَ إِلَى بِلَادِهِ.

**بخش دویست و هفتم****انجام عمره مفرده در ماههای حج (شوال ، ذی قعدة و ذی حجه )**

- ۱ - عبدالله بن سنان گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: ایرادی ندارد کسی عمره مفرده را در ماههای حج انجام دهد، آنگاه به سوی خانوادهاش برگردد.
- ۲ - نظیر همین روایت یک بار دیگر عبدالله بن سنان از امام صادق عليه السلام نقل می کند.
- ۳ - ابراهیم بن عمر یمانی گوید: از امام صادق عليه السلام سؤال شد: مردی در ماههای حج به عمره رفت سپس به شهر خود برگشت (چگونه است؟)



قَالَ: لَا بَأْسَ، وَإِنْ حَجَّ فِي عَامِهِ ذَلِكَ وَافْرَدَ الْحَجَّ فَلَيْسَ عَلَيْهِ دَمٌ. فَإِنَّ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ عليه السلام خَرَجَ قَبْلَ التَّزْوِيَةِ بِيَوْمٍ إِلَى الْعِرَاقِ وَ قَدْ كَانَ دَخَلَ مُعْتَمِرًا.

۴ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَرَّارٍ عَنْ يُونُسَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: مِنْ أَيْنَ افْتَرَقَ الْمُتَمَتِّعُ وَالْمُعْتَمِرُ؟

فَقَالَ: إِنَّ الْمُتَمَتِّعَ مُرْتَبِطٌ بِالْحَجِّ، وَالْمُعْتَمِرُ إِذَا فَرَّغَ مِنْهَا ذَهَبَ حَيْثُ شَاءَ.

وَ قَدْ اعْتَمَرَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عليه السلام فِي ذِي الْحِجَّةِ، ثُمَّ رَاحَ يَوْمَ التَّزْوِيَةِ إِلَى الْعِرَاقِ وَالنَّاسُ يَرُوحُونَ إِلَى مَنَى، وَ لَا بَأْسَ بِالْعُمْرَةِ فِي ذِي الْحِجَّةِ لِمَنْ لَا يُرِيدُ الْحَجَّ.

فرمود: ایرادی ندارد و اگر در آن سال حج انجام داد، حج مفرد انجام دهد بر او قربانی نیست، زیرا امام حسین بن علی عليه السلام یک روز پیش از ترویہ (روز هشتم) به سوی عراق حرکت کرد، در حالی که با عمره داخل مکه شده بود.

۴ - معاویة بن عمار گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: فرق کسی که حج تمتع انجام می‌دهد با کسی که عمره انجام می‌دهد چیست؟

فرمود: کسی که حج تمتع انجام می‌دهد متصل به حج است و کسی که عمره انجام می‌دهد چون از آن فارغ شد هر جا خواست می‌رود و امام حسین بن علی عليه السلام در ذی حجه عمره انجام داد و روز ترویہ به سوی عراق حرکت کرد که مردم به سوی منا می‌رفتند و ایرادی ندارد کسی که قصد انجام حج ندارد در ذی حجه عمره انجام دهد.

(۲۰۸)

بَابُ الشُّهُورِ الَّتِي تُسْتَحَبُّ فِيهَا الْعُمْرَةُ وَمَنْ أَحْرَمَ فِي شَهْرِ  
وَأَحَلَّ فِي آخَرِ

- ۱ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ  
عَنِ الْوَلِيدِ بْنِ صَبِيحٍ قَالَ:  
قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: بَلَّغْنَا أَنَّ عُمْرَةً فِي شَهْرِ رَمَضَانَ تَعْدِلُ حَجَّةً.  
فَقَالَ: إِنَّمَا كَانَ ذَلِكَ فِي امْرَأَةٍ وَعَدَهَا رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله.  
فَقَالَ لَهَا: اعْتَمِرِي فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فَهِيَ لَكَ حَجَّةٌ.  
۲ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنْ عَلِيِّ بْنِ  
مَهْزِيَّارٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَدِيدٍ قَالَ:

بخش دویست و هشتم

ماههایی که انجام عمره مفرده در آن مستحب است  
و حکم کسی که در ماهی به آن محرم شده و در ماه دیگر از احرام بیرون  
آمده است

- ۱ - ولید بن صبیح گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: به ما روایت شده که انجام عمره در  
ماه رمضان برابر حج است.  
فرمود: آن در مورد زنی بود که رسول خدا صلى الله عليه وآله به او وعده داد و فرمود: در ماه رمضان  
عمره به جا آور که آن برای تو حج محسوب می شود.  
۲ - علی بن حدید گوید:

كُنْتُ مُقِيمًا بِالْمَدِينَةِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ سَنَةَ ثَلَاثِ عَشْرَةٍ وَ مِائَتَيْنِ فَلَمَّا قَرُبَ الْفِطْرُ كَتَبْتُ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام أَسْأَلُهُ عَنِ الْخُرُوجِ فِي عُمْرَةِ شَهْرِ رَمَضَانَ أَفْضَلُ أَوْ أَقِيمُ حَتَّى يَنْقَضِيَ الشَّهْرُ وَأَتِمَّ صَوْمِي؟ فَكَتَبَ إِلَيَّ كِتَابًا قَرَأْتُهُ بِخَطِّهِ: سَأَلْتَ رَحِمَكَ اللَّهُ! عَنْ أَيِّ الْعُمْرَةِ أَفْضَلُ؟! عُمْرَةُ شَهْرِ رَمَضَانَ أَفْضَلُ يَرْحَمُكَ اللَّهُ.

۳- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ فَضَالٍ عَنْ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ عِيسَى الْفَرَّاءِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

إِذَا أَهَلَّ بِالْعُمْرَةِ فِي رَجَبٍ وَأَحَلَّ فِي غَيْرِهِ كَانَتْ عُمْرَتُهُ لِرَجَبٍ، وَإِذَا أَهَلَّ فِي غَيْرِ رَجَبٍ وَ طَافَ فِي رَجَبٍ فَعُمْرَتُهُ لِرَجَبٍ.

۴- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ قَالَ:

در سال دویست و سیزده در مدینه بودم، هنگامی که عید فطر نزدیک شد نامه‌ای به خدمت امام جواد عليه السلام نوشتم و پرسیدم که برای عمره ماه رمضان خارج شوم بهتر است یا بمانم تا ماه پایان یابد و روزه‌ام را به پایان برسانم؟ حضرتش در جواب، نامه‌ای نوشت که دست نوشت آن حضرت را خواندم: خداوند تو را رحمت کند! پرسیدی که کدام عمره بهتر است؟ عمره ماه رمضان بهتر است خداوند تو را رحمت کند.

۳- عیسی فرّاء گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هرگاه کسی در ماه رجب محرم به عمره شود و در ماه دیگر از احرام بیرون آید عمره ماه رجب محسوب می‌شود و چون در غیر ماه رجب محرم به عمره شود و در ماه رجب طواف عمره کند پس عمره او برای ماه رجب محسوب می‌شود.

۴- حمّاد بن عثمان گوید:

كَانَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام إِذَا أَرَادَ الْعُمْرَةَ انْتَضَرَ إِلَى صَبِيحَةِ ثَلَاثٍ وَ عَشْرِينَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ، ثُمَّ يَخْرُجُ مُهَلًّا فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ.

۵- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَفْصِ بْنِ الْبُخْتَرِيِّ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي رَجُلٍ أَحْرَمَ فِي شَهْرٍ وَ أَحَلَّ فِي آخَرٍ. فَقَالَ: يُكْتَبُ لَهُ فِي الَّذِي قَدْ نَوَى أَوْ يُكْتَبُ لَهُ فِي أَفْضَلِهِمَا.

۶- مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

الْمُعْتَمِرُ يَعْتَمِرُ فِي أَيِّ شُهُورِ السَّنَةِ شَاءَ وَ أَفْضَلُ الْعُمْرَةِ عُمْرَةُ رَجَبٍ.

۷- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَّاءِ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

قُلْتُ لَهُ: الْعُمْرَةُ بَعْدَ الْحَجِّ؟

قَالَ: إِذَا أُمْكَنَ الْمَوْسَى مِنَ الرَّأْسِ.

هرگاه امام صادق عليه السلام می خواست عمره انجام دهد تا صبح روز بیست و سوم ماه رمضان درنگ می کرد، سپس در آن روز با احرام از مدینه خارج می شد.

۵- عبدالرحمان بن حجّاج گوید: امام صادق عليه السلام درباره کسی در ماهی محرم شود و در ماه دیگر از احرام بیرون رود فرمود:

برای او آن چه قصد نموده نوشته می شود و یا بهترین آنها نوشته می شود.

۶- معاویه بن عمار گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

عمره کننده در هر ماه که خواست می تواند عمره به جا آورد و بهترین عمره، عمره رجب است.

۷- عبدالرحمان بن ابی عبدالله گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: عمره مفرد، بعد از حج چه وقتی انجام می گیرد؟

فرمود: آن گاه که انسان بتواند سرش را بتراشد.

(۲۰۹)

**بَابُ قَطْعِ تَلْبِيَةِ الْمُحْرَمِ وَمَا عَلَيْهِ مِنَ الْعَمَلِ**

- ۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُرَازِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: يَقْطَعُ صَاحِبُ الْعُمْرَةِ الْمُفْرَدَةِ التَّلْبِيَةَ إِذَا وَضَعَتِ الْإِبِلَ أَخْفَافَهَا فِي الْحَرَمِ.
- ۲- حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنْ ابْنِ سَمَاعَةَ عَنْ غَيْرِ وَاحِدٍ عَنْ أَبَانٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: يَقْطَعُ تَلْبِيَةَ الْمُعْتَمِرِ إِذَا دَخَلَ الْحَرَمَ.
- ۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: مَنْ اعْتَمَرَ مِنَ التَّنْعِيمِ فَلَا يَقْطَعُ التَّلْبِيَةَ حَتَّى يَنْظُرَ إِلَى الْمَسْجِدِ.
- ۴- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبَانِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام يَقُولُ:

**بخش دویست و نهم****حکم قطع لبیک گفتن محرم و اعمال واجب بر او**

- ۱- مرآزم گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: کسی که عمره مفرد انجام می دهد هرگاه شتر او پا به حرم گذاشت لبیک گفتن را قطع کند.
- ۲- زراره گوید: امام باقر عليه السلام فرمود: هنگامی که عمره کننده وارد حرم شد لبیک گفتن قطع می شود.
- ۳- معاویه بن عمار گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: کسی که عمره مفرد انجام می دهد چون از تنعیم گذشت لبیک گفتن را قطع نکند تا به مسجد نگاه کند.
- ۴- زراره گوید: از امام باقر عليه السلام شنیدم که می فرمود:

- إِذَا قَدِمَ الْمُعْتَمِرُ مَكَّةَ وَطَافَ وَسَعَى، فَإِنْ شَاءَ فَلْيَمُضِ عَلَى رَاحِلَتِهِ وَلْيَلْحَقْ بِأَهْلِهِ.
- ۵- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ ابْنِ مُسْكَانٍ عَنْ أَبِي بصيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: الْعُمْرَةُ الْمَبْتُولَةُ يَطُوفُ بِالْبَيْتِ وَبِالصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ، ثُمَّ يَحِلُّ فَإِنْ شَاءَ أَنْ يَزْتَحِلَ مِنْ سَاعَتِهِ ارْتَحَلَ.
- ۶- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: فِي الرَّجُلِ يَجِيءُ مُعْتَمِرًا عُمْرَةً مَبْتُولَةً. قَالَ: يُجْزئُهُ إِذَا طَافَ بِالْبَيْتِ وَ سَعَى بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ، وَ حَلَقَ أَنْ يَطُوفَ طَوَافًا وَاحِدًا بِالْبَيْتِ، وَ مَنْ شَاءَ أَنْ يَقْصِرَ قَصَرَ.
- ۷- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ عُمَرَ أَوْ غَيْرِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: الْمُعْتَمِرُ يَطُوفُ وَ يَسْعَى وَ يَحْلِقُ.

- هرگاه کسی که عمره مفرده انجام می دهد وارد مکه شد و طواف و سعی نمود، اگر خواست می تواند بر مرکبش سوار شود و به نزد اهلش برود.
- ۵- ابو بصیر گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: کسی که عمره مفرده انجام می دهد می تواند بیت را طواف کند و سعی صفا و مروه انجام دهد و اگر خواست می تواند در همان ساعت کوچ کند.
- ۶- عبدالله بن سنان گوید: امام صادق عليه السلام در مورد مردی که برای انجام عمره مفرده می آید فرمود:
- هنگامی که طواف بیت و سعی صفا و مروه نمود و سرش را تراشید از او کفایت می کند که یک طواف به بیت کند و اگر خواست می تواند تقصیر کند.
- ۷- عمر، یا راوی دیگری گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: کسی که عمره انجام می دهد می تواند طواف نماید، سعی کند و حلق نماید؟

قَالَ: وَ لَا بُدَّ لَهُ بَعْدَ الْحَلْقِ مِنْ طَوَافٍ آخَرَ.

۸- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ رِيَّاحٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ مُفْرَدِ الْعُمْرَةِ عَلَيْهِ طَوَافُ النِّسَاءِ؟ قَالَ: نَعَمْ.

۹- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى قَالَ: كَتَبَ أَبُو الْقَاسِمِ مُخَلَّدُ بْنُ مُوسَى الرَّازِيُّ إِلَى الرَّجُلِ عليه السلام يَسْأَلُهُ عَنِ الْعُمْرَةِ الْمَبْتُولَةِ هَلْ عَلَى صَاحِبِهَا طَوَافُ النِّسَاءِ وَ الْعُمْرَةُ الَّتِي يُتَمَتَّعُ بِهَا إِلَى الْحَجِّ؟ فَكَتَبَ: أَمَّا الْعُمْرَةُ الْمَبْتُولَةُ فَعَلَى صَاحِبِهَا طَوَافُ النِّسَاءِ، وَ أَمَّا الَّتِي يُتَمَتَّعُ بِهَا إِلَى الْحَجِّ فَلَيْسَ عَلَى صَاحِبِهَا طَوَافُ النِّسَاءِ.

فرمود: او باید پس از حلق طواف دیگری انجام دهد.

۸- اسماعیل بن ریاح گوید: از امام کاظم عليه السلام پرسیدم: کسی که از عمره مفرد انجام می‌دهد آیا طواف نساء نیز باید انجام دهد؟ فرمود: آری.

۹- محمد بن عیسی گوید: ابوالقاسم مخلد بن موسی رازی نامه‌ای به مردی (امام عليه السلام) نوشت و از حضرتش پرسید: آیا کسی که عمره مفرد انجام می‌دهد و کسی که عمره تمتع به حج انجام می‌دهد باید طواف نساء نماید؟

در جواب نوشت: در مورد کسی که عمره مفرد انجام می‌دهد انجام طواف نساء لازم است و اما کسی که عمره تمتع به حج انجام می‌دهد انجام طواف نساء لازم نیست.

(۲۱۰)

**بَابُ الْمُعْتَمِرِ يَطَأُ أَهْلَهُ وَهُوَ مُحْرِمٌ وَ الْكَفَّارَةُ فِي ذَلِكَ**

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَلِيٍّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام:

فِي رَجُلٍ اعْتَمَرَ عُمْرَةً مُفْرَدَةً فَوَطِئَ أَهْلَهُ وَهُوَ مُحْرِمٌ قَبْلَ أَنْ يَفْرُغَ مِنْ طَوَافِهِ وَ سَعْيِهِ.

قَالَ: عَلَيْهِ بَدَنَةٌ لِفَسَادِ عُمْرَتِهِ وَ عَلَيْهِ أَنْ يُقِيمَ بِمَكَّةَ حَتَّى يَدْخُلَ شَهْرُ آخَرُ، فَيَخْرُجَ إِلَى بَعْضِ الْمَوَاقِيتِ فَيُحْرِمَ مِنْهُ ثُمَّ يَعْتَمِرَ.

۲ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ رَبَائٍ عَنْ مِسْمَعٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي الرَّجُلِ يَعْتَمِرُ عُمْرَةً مُفْرَدَةً وَ يَطُوفُ بِالْبَيْتِ طَوَافَ الْفَرِيضَةِ ثُمَّ يَغْشَى أَهْلَهُ قَبْلَ أَنْ يَسْعَى بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ.

**بخش دویست و دهم****حکم کسی که در حال احرام به عمره با همسرش نزدیکی می کند و کفاره آن**

۱ - احمد بن ابو علی گوید: امام باقر عليه السلام در مورد کسی که محرم به احرام عمره مفرد است و در حال احرام پیش از این که طواف و سعی خود به پایان برساند با همسر خود نزدیکی می کند فرمود:

قربانی یک شتر بر ذمه اوست چرا که عمره او باطل شده است و بر او لازم است که تا ماه دیگر در مکه بماند و به یکی مواقیت برود و از آن جا محرم شود آن گاه عمره را انجام دهد.

۲ - مسمع گوید: امام صادق عليه السلام در مورد کسی که عمره مفرد به جا می آورد و طواف فريضة بيت را می نماید. آن گاه پیش از سعی بین صفا و مروه با همسرش نزدیکی می کند فرمود:



قَالَ: قَدْ أَفْسَدَ عُمْرَتَهُ وَ عَلَيْهِ بَدَنَةٌ وَ يُقِيمُ بِمَكَّةَ مُحِلًّا حَتَّى يَخْرُجَ الشَّهْرَ الَّذِي اعْتَمَرَ فِيهِ، ثُمَّ يَخْرُجُ إِلَى الْوَقْتِ الَّذِي وَقَّتَهُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لِأَهْلِ بِلَادِهِ فَيَحْرِمُ مِنْهُ وَ يَعْتَمِرُ.

- ۳- حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنْ ابْنِ سَمَاعَةَ عَنْ غَيْرِ وَاحِدٍ عَنْ أَبَانٍ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: قَالَ: مَنْ جَاءَ بِهِدْيٍ فِي عُمْرَةٍ فِي غَيْرِ حَجٍّ فَلْيَنْحَرْهُ قَبْلَ أَنْ يَحْلِقَ رَأْسَهُ.
- ۴- مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ: الْمُعْتَمِرُ إِذَا سَاقَ الْهَدْيَ يَحْلِقُ قَبْلَ أَنْ يَذْبَحَ.
- ۵- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَّارٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ﷺ: مَنْ سَاقَ هَدْيًا فِي عُمْرَةٍ فَلْيَنْحَرْهُ قَبْلَ أَنْ يَحْلِقَ وَ مَنْ سَاقَ هَدْيًا وَ هُوَ مُعْتَمِرٌ نَحَرَ هَدْيَهُ بِالْمَنْحَرِ وَ هُوَ بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ وَ هِيَ الْحَزْوَرَةُ.

عمره خود را باطل نموده است و بر ذمه او قربانی یک شتر است. او باید از احرام بیرون آید و در مکه بماند تا ماهی که در آن عمره به جا آورده تمام شود، سپس به یکی از میقات‌هایی که رسول خدا ﷺ برای اهل مکه تعیین نمود برود از آن جا محرم شود و عمره به جا می‌آورد.

۳- زراره گوید: امام ﷺ فرمود:

هر که شتر قربانی را در عمره غیر حج بیاورد بایستی پیش از تراشیدن سرش آن را نحر کند.

۴- نظیر این روایت را معاویه بن عمار از امام صادق ﷺ نقل می‌کند.

۵- معاویه بن عمار گوید: امام صادق ﷺ فرمود:

هر که در عمره خود شتر قربانی آورد، بایستی پیش از تراشیدن سر در حال احرام آن را نحر کند و هر که در حال انجام عمره قربانی بیاورد باید آن را در منحر - که میان صفا و مروه و همان حزوره است - نحر کند.

قَالَ: وَ سَأَلْتُهُ عَنْ كَفَّارَةِ الْعُمْرَةِ أَيْنَ تَكُونُ؟  
فَقَالَ: بِمَكَّةَ إِلَّا أَنْ يُؤَخَّرَهَا إِلَى الْحَجِّ فَيَكُونُ بِمِنًى وَ تَعْجِيلُهَا أَفْضَلُ وَ أَحَبُّ  
إِلَيَّ.

(۲۱۱)

### بَابُ الرَّجُلِ يَبْعَثُ بِالْهَدْيِ تَطَوُّعاً وَ يُقِيمُ فِي أَهْلِهِ

۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ  
الْفُضَيْلِ عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ الْكِنَانِيِّ قَالَ:  
سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ بَعَثَ بِهَدْيٍ مَعَ قَوْمٍ وَ وَاْعَدَهُمْ يَوْمَ يُقَلِّدُونَ فِيهِ  
هَدْيَهُمْ وَ يُحْرِمُونَ فِيهِ.  
فَقَالَ: يَحْرُمُ عَلَيْهِ مَا يَحْرُمُ عَلَى الْمُحْرِمِ فِي الْيَوْمِ الَّذِي وَاْعَدَهُمْ حَتَّى يَبْلُغَ  
الْهَدْيُ مَحِلَّهُ.

راوی گوید: از آن حضرت در مورد کفاره عمره پرسیدم که کجا انجام داده می شود؟  
فرمود: در مکه، مگر این که آن را به خاطر حج به تأخیر اندازد که در این صورت در منا  
خواهد بود و به نظر من تعجیل آن افضل و بهتر است.

### بخش دویست و یازدهم

حکم کسی که به عنوان مستحب شتر قربانی می فرستد

و خود نزد خانواده اش می ماند

۱ - ابی صَبَّاحِ کِنَانِی گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: کسی که با گروهی قربانی خود را  
فرستاد و با آنها وعده کرد که در جایی که محرم می شوند، آن را علامت گذاری کنند.  
فرمود: در آن روزی که وعده کرده آن چه بر محرم حرام می شود بر او حرام خواهد بود  
تا قربانی به جای خود (مکه یا منا) برسد.

فَقُلْتُ: أَرَأَيْتَ إِنْ أَخْلَفُوا فِي مِيعَادِهِمْ وَابْطَأُوا فِي السَّيْرِ عَلَيْهِ جُنَاحٌ فِي الْيَوْمِ الَّذِي وَعَدَهُمْ؟

قَالَ: لَا، وَيَحِلُّ فِي الْيَوْمِ الَّذِي وَعَدَهُمْ.

۲- حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ غَيْرِ وَاحِدٍ عَنْ أَبَانَ عَنْ سَلَمَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

أَنَّ عَلِيًّا عليه السلام كَانَ يَبْعَثُ بِهَدْيِهِ ثُمَّ يُمْسِكُ عَمَّا يُمْسِكُ عَنْهُ الْمُحْرِمُ غَيْرَ أَنَّهُ لَا يُلَبِّي وَ يُوَاعِدُهُمْ يَوْمَ يُنْحَرُ فِيهِ بَدَنَةً فَيَحِلُّ.

۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ يَبْعَثُ بِالْهَدْيِ تَطَوُّعًا لَيْسَ بِوَاجِبٍ.

قَالَ: يُوَاعِدُ أَصْحَابَهُ يَوْمًا فَيَقْلُدُونَهُ، فَإِذَا كَانَتْ تِلْكَ السَّاعَةُ اجْتَنَبَ عَمَّا يَجْتَنِبُ الْمُحْرِمُ إِلَى يَوْمِ النَّحْرِ، فَإِذَا كَانَ يَوْمُ النَّحْرِ أَجْزَأَ عَنْهُ.

پس گفتیم: به نظر شما اگر در وعده هایشان تخلف کردند و در رفتن درنگ نمودند بر کسی که آن روز را وعده کرده گناه است؟

فرمود: نه، در روزی که با آنها وعده نموده است از احرام بیرون می رود.

۲- سلمه گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

علی عليه السلام همواره قربانی خود را می فرستاد پس به اندازه ای که محرم درنگ می کند، درنگ می کرد مگر این که لبیک نمی گفت و روز قربانی را با آنها وعده گذاشت و از احرام بیرون می آمد.

۳- معاویه بن عمار گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: مردی با گروهی قربانی خود را به عنوان مستحبی فرستاد (چه وظیفه ای دارد؟)

فرمود: با یارانش روزی را که وعده می کند و آنها قربانی او را علامت گذاری می کنند. پس هرگاه آن روز موعود فرا رسید از تاروز قربان چیزهایی که بر محرم حرام است اجتناب می کند، چون روز قربانی فرا رسید از او کفایت می کند.

۴ - أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ هَارُونَ بْنِ خَارِجَةَ قَالَ:  
 إِنَّ مُرَادًا بَعَثَ بَدَنَةً وَ أَمَرَ أَنْ تُقْلَدَ وَ تُشْعَرَ فِي يَوْمٍ كَذَا وَ كَذَا. فَقُلْتُ لَهُ: إِنَّمَا يَنْبَغِي أَنْ لَا يَلْبَسَ الثِّيَابَ.  
 فَبَعَثَنِي إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِالْحِيرَةِ فَقُلْتُ لَهُ: إِنَّ مُرَادًا صَنَعَ كَذَا وَ كَذَا وَ إِنَّهُ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يَتْرِكَ الثِّيَابَ لِمَكَانٍ زِيَادٍ.  
 فَقَالَ: مُرَهُ أَنْ يَلْبَسَ الثِّيَابَ وَ لِيَذْبَحَ بَقَرَةً يَوْمَ الْأَضْحَى عَنْ نَفْسِهِ.

(۲۱۲)

### بَابُ النَّوَائِرِ

۱ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَصْرَمَ بْنِ حَوْشَبٍ عَنْ عِيسَى بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:  
أَوْدِيَةُ الْحَرَمِ تَسِيلُ فِي الْحِلِّ وَ أَدْوِيَةُ الْحِلِّ لَا تَسِيلُ فِي الْحَرَمِ.

۴ - هارون بن خارجه گوید: مراد شتری را برای قربانی فرستاد و دستور داد که در فلان روزی علامت‌گذاری شود. پس به او گفتم: شایسته است که لباس نپوشد.  
 او مرا خدمت امام صادق علیه السلام در حیره فرستاد، به آن حضرت گفتم که مراد چنین و چنان نمود در حالی که در بیشتر جاها نمی‌تواند لباس را رها نماید.  
 فرمود: به او بگو: لباس بپوشید و روز قربان یک گاو از جانب خود ذبح کند.

### بخش دویست و دوازدهم

#### چند روایت نکته دار

۱ - عیسی بن عبدالله گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: سیلاب‌های حرم مکه بیرون حرم ریخته می‌شود و سیلاب‌های غیر حرم در حرم ریخته نمی‌شود.

۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلٍ عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبٍ قَالَ: كُنْتُ مَعَ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام فِي نَاحِيَةٍ مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ قَوْمٌ يُلَبُّونَ حَوْلَ الْكَعْبَةِ.

فَقَالَ: أَتَرَى هَؤُلَاءِ الَّذِينَ يُلَبُّونَ؟ وَاللَّهِ، لَأَصَوَاتُهُمْ أَبْغَضُ إِلَيَّ مِنَ أَصْوَاتِ الْحَمِيرِ.

۳ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ لَبَّى بِحُجَّةٍ أَوْ عُمْرَةٍ وَ لَيْسَ يُرِيدُ الْحَجَّ. قَالَ: لَيْسَ بِشَيْءٍ وَ لَا يَنْبَغِي لَهُ أَنْ يَفْعَلَ.

۴ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أَدِينَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ فِي هَؤُلَاءِ الَّذِينَ يُفْرِدُونَ الْحَجَّ: إِذَا قَدِمُوا مَكَّةَ وَ طَافُوا بِالْبَيْتِ أَحَلُّوا وَ إِذَا لَبَّوْا أَحْرَمُوا فَلَا يَزَالُ يُحِلُّ وَ يَعْقِدُ حَتَّى يَخْرُجَ إِلَى مَنَى بِلا حَجٍّ وَ لَا عُمْرَةٍ.

۲ - ابان بن تغلب گوید: با امام باقر عليه السلام در مسجد الحرام بودم که مردم دور کعبه لَبَّیک می گفتند.

فرمود: آیا اینها (مخالفان) را که لَبَّیک می گویند می بینی؟! به خدا سوگند! صدای آنها نزد خداوند از صدای آلاغ بدتر است.

۳ - حلبی گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: کسی در حج و عمره لَبَّیک می گوید ولی قصد حج ننموده است.

فرمود: چیزی نیست و شایسته نیست که چنین کند.

۴ - عمر بن اَدینه گوید: امام صادق عليه السلام در مورد کسانی که حج افراد انجام می دهند فرمود: آن گاه که به مکه می رسند بیت را طواف نموده و از احرام بیرون شوند و چون لَبَّیک می گویند محرم شوند، آنان پیوسته محل و محرم می شوند تا بدون حج و عمره به منا می روند.

- ۵- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ الْعَبَّاسِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ يَفْطِينٍ عَنْ حَفْصِ الْمُؤَذِّنِ قَالَ:
- حَجَّ إِسْمَاعِيلُ بْنُ عَلِيٍّ بِالنَّاسِ سَنَةَ أَرْبَعِينَ وَ مِائَةٍ، فَسَقَطَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ بَعْثِهِ فَوَقَفَ عَلَيْهِ إِسْمَاعِيلُ.
- فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: سِرِّ فَإِنَّ الْإِمَامَ لَا يَقِفُ.
- ۶- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ سَرِيٍّ قَالَ:
- قُلْتُ لَهُ: مَا تَقُولُ فِي الْمَقَامِ بِمَنْىَ بَعْدَ مَا يَنْفِرُ النَّاسُ؟
- قَالَ: إِذَا قَضَى نُسُكَهُ فَلْيُتِمَّ مَا شَاءَ وَ لِيَذْهَبَ حَيْثُ شَاءَ.
- ۷- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:
- سَأَلَهُ رَجُلٌ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ مَنْ أَعْظَمُ النَّاسِ وَزَرًا؟

- ۵- حفص مؤذن گوید: در سال یکصد و چهلم اسماعیل بن علی مردم را به سفر حج برد. در این سفر امام صادق علیه السلام از استریش افتاد، اسماعیل نزد آن حضرت ماند.
- امام صادق علیه السلام به او فرمود: برو که امام (امیر کاروان) توقف نمی‌کند.
- ۶- حسن بن سری گوید: به امام علیه السلام گفتم: نظر شما در مورد ماندن در منا بعد از کوچ کردن مردم چیست؟
- فرمود: چون مناسک را انجام داد هر چه خواست می‌ماند و هر جا خواست می‌رود.
- ۷- یکی از اصحاب ما گوید: مردی در مسجد الحرام از امام صادق علیه السلام پرسید چه کسی گناهش از همه مردم بزرگتر است؟

فَقَالَ: مَنْ يَقِفُ بِهَذَيْنِ الْمُوقَفَيْنِ عَرَفَةَ وَ الْمُزْدَلِفَةَ وَ سَعَى بَيْنَ هَذَيْنِ الْجَبَلَيْنِ ثُمَّ طَافَ بِهَذَا الْبَيْتِ وَ صَلَّى خَلْفَ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ. ثُمَّ قَالَ فِي نَفْسِهِ أَوْ ظَنُّ أَنَّ اللَّهَ لَمْ يَغْفِرْ لَهُ فَهُوَ مِنْ أَعْظَمِ النَّاسِ وَزَرًا.

۸- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ صَالِحِ بْنِ السُّنْدِيِّ عَنْ بَعْضِ رِجَالِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

كُنَّا عِنْدَهُ فَذَكَّرُوا الْمَاءَ فِي طَرِيقِ مَكَّةَ وَ ثِقَلَهُ.

فَقَالَ: الْمَاءُ لَا يَثْقُلُ إِلَّا أَنْ يَنْفَرِدَ بِهِ الْجَمَلُ فَلَا يَكُونُ عَلَيْهِ إِلَّا الْمَاءُ.

۹- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنِ السُّنْدِيِّ بْنِ الرَّبِيعِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْقَاسِمِ بْنِ الْفَضِيلِ عَنْ فَضِيلِ بْنِ يَسَارٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

مَنْ حَجَّ ثَلَاثَ سِنِينَ مُتَوَالِيَةً ثُمَّ حَجَّ أَوْ لَمْ يَحُجَّ فَهُوَ بِمَنْزِلَةِ مُدْمِنِ الْحَجِّ. وَ رُوِيَ: أَنَّ مُدْمِنَ الْحَجِّ الَّذِي إِذَا وَجَدَ الْحَجَّ حَجَّ، كَمَا أَنَّ مُدْمِنَ الْخَمْرِ الَّذِي إِذَا وَجَدَهُ شَرِبَهُ.

فرمود: هر که در این دو موقف عرفه و مزدلفه توقف کند و بین این دو کوه صفا و مروه سعی نماید و این بیت را طواف کند و پشت مقام ابراهیم علیه السلام نمازگزارد سپس در دل خود گوید و یا گمان کند که خداوند او را نیامرزیده است. پس او بزرگترین مردم از نظر گناه است.

۸- صالح بن سندی از بعضی بزرگان نقل می کند که گوید: خدمت امام صادق علیه السلام بودیم که سخن از سنگینی آب راه مکه شد.

فرمود: آب سنگین نمی شود، مگر بار شتر تنها آب باشد.

۹- فضیل بن یسار گوید: امام (باقر و یا امام صادق علیه السلام) فرمود:

هر که سه سال پی در پی به حج رود سپس حج انجام دهد و یا انجام ندهد او به منزله دائم الحج است.

در روایت دیگری آمده است: دائم الحج کسی است که هرگاه امکان حج یافت، به حج رود چنانچه دائم الخمر کسی است که آن گاه که شراب یافت می آشامد.

۱۰- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ بَعْضِ رَجَالِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: مَنْ رَكِبَ رَاحِلَةً فَلْيُوصِ.

۱۱- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ رِزْقٍ الْغُسَّانِيِّ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْأَشْلِ بَيَّاعِ الْأَنْمَاطِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: كَانَتْ قُرَيْشٌ تُلَطِّخُ الْأَصْنَامَ الَّتِي كَانَتْ حَوْلَ الْكَعْبَةِ بِالْمِسْكِ وَالْعَنْبَرِ وَكَانَ يَغُوثُ قِبَالَ الْبَابِ وَكَانَ يَعُوقُ عَنْ يَمِينِ الْكَعْبَةِ، وَكَانَ نَسْرٌ عَنْ يَسَارِهَا وَكَانُوا إِذَا دَخَلُوا خَرُّوا سُجَّدًا لِيَغُوثَ وَ لَا يَنْحَنُّونَ ثُمَّ يَسْتَدِيرُونَ بِحِيَالِهِمْ إِلَى يَعُوقَ ثُمَّ يَسْتَدِيرُونَ بِحِيَالِهِمْ إِلَى نَسْرٍ، ثُمَّ يَلْبُونَ فَيَقُولُونَ: «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ إِلَّا شَرِيكَ هُوَ لَكَ تَمْلِكُهُ وَ مَا مَلَكَ».

قَالَ: فَبَعَثَ اللَّهُ ذُبَابًا أَخْضَرَ، لَهُ أَرْبَعَةُ أَجْنَحَةٍ فَلَمْ يَبْقَ مِنْ ذَلِكَ الْمِسْكِ وَالْعَنْبَرِ شَيْئًا إِلَّا أَكَلَهُ، وَ أَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ ضَرْبٌ مَثَلٌ فَاسْتَمِعُوا لَهُ إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَنْ يَخْلُقُوا ذُبَابًا وَلَوْ اجْتَمَعُوا لَهُ وَ إِنْ يَسْلُبْهُمُ الذُّبَابُ شَيْئًا لَا يَسْتَنْقِذُوهُ مِنْهُ ضَعُفَ الطَّالِبُ وَ الْمُطْلُوبُ».

۱۰- راوی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هر که سوار مرکب شد باید وصیت کند.

۱۱- عبدالرحمان بن اشل گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

قریش به بت‌هایی که دور کعبه بودند مسک و عنبر می‌مالیدند و بت یغوث برابر در (کعبه) بود و بت یعوق سمت راست کعبه بود و بت نسر سمت چپ آن بود. هنگامی که وارد مسجد می‌شدند برای یغوث به سجده می‌افتادند بدون این که خم شوند سپس به سوی یعوق دور می‌زدند آن‌گاه سوی نصر دور می‌زدند، سپس لبیک می‌گفتند: «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ إِلَّا شَرِيكَ هُوَ لَكَ تَمْلِكُهُ وَ مَا مَلَكَ».

حضرتش فرمود: در این هنگام خداوند مگس سبز رنگی را که چهار بال داشت فرستاد که همهٔ مشک‌ها و عنبرها را خورد و خداوند تعالی این آیه را نازل فرمود که:

«ای مردم مثلی زده شد، پس به آن گوش فرا دهید! به راستی کسانی که غیر خدا را می‌خوانند؛ توانایی آفرینش مگسی را ندارند گرچه همه دست به دست هم دهند و اگر مگس چیزی از آن‌ها را بگیرد نمی‌توانند از آن بستانند (چرا که) گیرنده و آن که دنبال می‌شود هر دو ناتوانند».



۱۲ - الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَاءِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَا يَلِي الْمَوْسِمَ مَكِّيٌّ.

۱۳ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُوسَى عَنْ غِيَاثِ بْنِ كُلُوبٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ جَعْفَرٍ عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنَّ عَلِيًّا صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ كَانَ يَكْرَهُ الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ عَلَى الْإِبِلِ الْجَلَّالَاتِ.

۱۴ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ شِيرَةَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ سُلَيْمَانَ قَالَ:

كَتَبْتُ إِلَيْهِ أَسْأَلُهُ عَنِ الْمَيِّتِ يَمُوتُ بِعَرَفَاتٍ يُدْفَنُ بِعَرَفَاتٍ أَوْ يُنْقَلُ إِلَى الْحَرَمِ فَأَيُّهُمَا أَفْضَلُ؟  
فَكَتَبَ: يُحْمَلُ إِلَى الْحَرَمِ وَ يُدْفَنُ فَهُوَ أَفْضَلُ.

۱۲ - عمر بن یزید گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

مردم مکه نباید در مراسم حج جایی از حجاج را اشغال کنند.

۱۳ - اسحاق بن عمار گوید: امام صادق علیه السلام از پدرانش علیه السلام روایت می‌کند که حضرتش فرمود:

علی علیه السلام مکروه می‌داشت که انسان با شتر نجاست خوار به سوی حج و عمره برود.

۱۴ - علی بن سلیمان گوید: طی نامه‌ای به خدمت امام علیه السلام نوشتم: کسی که در عرفات بمیرد آیا در عرفات دفن شود یا به حرم آورده شود، کدامیک بهتر است؟  
در جواب نوشت: او را به حرم آورده و آن جا دفن شود که آن بهتر است.

- ۱۵ - حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنْ ابْنِ سَمَاعَةَ عَنْ غَيْرِ وَاحِدٍ عَنْ أَبَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ جَلَّ ثَنَاهُ: ﴿ثُمَّ يُفْضَوْنَ تَعَثُّهُمْ﴾. قَالَ: هُوَ مَا يَكُونُ مِنَ الرَّجُلِ فِي إِحْرَامِهِ، فَإِذَا دَخَلَ مَكَّةَ فَتَكَلَّمَ بِكَلَامٍ طَيِّبٍ كَانَ ذَلِكَ كَفَّارَةً لِدَلِكِ الَّذِي كَانَ مِنْهُ.
- ۱۶ - أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ وَهَيْبِ بْنِ حَفْصٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِنَّ الْقَائِمَ عليه السلام إِذَا قَامَ رَدَّ الْبَيْتَ الْحَرَامَ إِلَى أَسَاسِهِ وَ مَسْجِدَ الرَّسُولِ إِلَى أَسَاسِهِ وَ مَسْجِدَ الْكُوفَةِ إِلَى أَسَاسِهِ. وَ قَالَ أَبُو بَصِيرٍ: إِلَى مَوْضِعِ التَّمَارِينَ مِنَ الْمَسْجِدِ.
- ۱۷ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ حَمَّادٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدٍ قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ: مَنْ خَرَجَ مِنَ الْحَرَمَيْنِ بَعْدَ ارْتِفَاعِ النَّهَارِ قَبْلَ أَنْ يُصَلِّيَ الظُّهْرَ وَالْعَصْرَ نُودِيَ مِنْ خَلْفِهِ: لَا صَحْبَكَ اللَّهُ.

۱۵ - ابوبصیر گوید: امام صادق عليه السلام در مورد گفتار خداوند عزوجل که می فرماید: «آن گاه باید آلودگی هایشان را برطرف سازند» فرمود: منظور مواردی است که در حال احرام از انسان سر می زند. پس چون وارد مکه شد سخن نیکو گوید که کفاره آن چیزی باشد که از او سر زده بود.

۱۶ - ابوبصیر گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: به راستی هنگامی که قائم عليه السلام قیام کند بیت الحرام، مسجد الرسول و مسجد کوفه را بر بنای اصلی خودشان باز می گرداند.

ابو بصیر گوید: تا بازار خرما فروشان جزو مسجد بود.

۱۷ - عبدالحمید گوید: از امام عليه السلام شنیدم که می فرمود:

هر که بعد از بالا آمدن آفتاب پیش از این که نماز ظهر و عصر را بخواند از حرمین (حرم مکه و مدینه) بیرون رود، از پشت سر او ندا می شود: خدا تو را همراهی نکند.

- ۱۸ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ بُنَانِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُوسَى بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ عليه السلام عَنْ أَخِيهِ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ:  
سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ جَعَلَ جَارِيَتَهُ هَدِيًّا لِلْكَعْبَةِ كَيْفَ يَصْنَعُ؟  
فَقَالَ: إِنَّ أَبِي أَتَاهُ رَجُلٌ قَدْ جَعَلَ جَارِيَتَهُ هَدِيًّا لِلْكَعْبَةِ.  
فَقَالَ لَهُ: قَوْمُ الْجَارِيَةِ - أَوْ بَعْهَا - ثُمَّ مَرُّ مُنَادِيًا يَقُومُ عَلَى الْحَجَرِ، فَيُنَادِي: أَلَا مَنْ قَصُرَتْ بِهِ نَفَقَتُهُ، أَوْ قُطِعَ بِهِ، أَوْ نَفِدَ طَعَامُهُ فَلْيَأْتِ فَلَانُ بْنُ فَلَانٍ، وَزَوْجُهُ أَنْ يُعْطِيَ أَوَّلًا فَأَوَّلًا حَتَّى يَنْفَدَ ثَمَنُ الْجَارِيَةِ.
- ۱۹ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ هِلَالٍ عَنْ عُقْبَةَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:  
فِي الْمَرْأَةِ تَلِدُ يَوْمَ عَرَفَةَ كَيْفَ تَصْنَعُ بَوْلِهَا؟ أَيْطَافُ عَنْهُ أَمْ كَيْفَ يُصْنَعُ بِهِ؟  
قَالَ: لَيْسَ عَلَيْهِ شَيْءٌ.

- ۱۸ - علی بن جعفر عليه السلام گوید: از برادرم امام کاظم عليه السلام پرسیدم: کسی که کنیز خود را به کعبه هدیه می‌کند چه وظیفه‌ای دارد؟  
فرمود: مردی پیش پدرم عليه السلام آمد، او کنیزش را به کعبه هدیه نموده بود، پدرم عليه السلام به او فرمود: کنیز را قیمت کن، یا او را بفروش سپس به جارچی بگو در حجر اسماعیل فریاد زند: آگاه باشید هر که مخارجش کم، یا تمام شده، یا طعامش تمام شده نزد فلانی فرزند فلانی بیاید. آن گاه به او دستور بده به هر کدام مبلغی بدهد تا آن مبلغ تمام شود.
- ۱۹ - عقبه بن خالد گوید: از امام صادق عليه السلام (پرسیدم) زنی در روز عرفه زاییده با فرزندش چه وظیفه‌ای دارد؟ آیا از جانب او طواف می‌کند؟  
فرمود: چیزی بر او نیست.

۲۰ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى وَ غَيْرُهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ يَحْيَى بْنِ الْمُبَارَكِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَبَلَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَضِيلِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ: قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! كَانَ عِنْدِي كَبْشٌ سَمِينٌ لِأَصْحَابِي بِهِ فَلَمَّا أَخَذْتُهُ وَأَضَجَعْتُهُ نَظَرَ إِلَيَّ فَرَحِمْتُهُ وَ رَفَقْتُ عَلَيْهِ ثُمَّ إِنِّي دَبَحْتُهُ.

قَالَ: فَقَالَ لِي: مَا كُنْتُ أَحَبُّ لَكَ أَنْ تَفْعَلَ لَا تُرَبِّينَ شَيْئاً مِنْ هَذَا ثُمَّ تَذْبَحُهُ.

۲۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ حَمْدَانَ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَلَامٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ بَكْرِ بْنِ عَصَامٍ عَنْ دَاوُدَ الرَّقِّيِّ قَالَ:

دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام وَ لِي عَلَى رَجُلٍ مَالٌ قَدْ خَفْتُ تَوَاهُ فَشَكَّوْتُ إِلَيْهِ ذَلِكَ. فَقَالَ لِي: إِذَا صِرْتَ بِمَكَّةَ فَطُفْ عَنْ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ طَوَافاً وَ صَلِّ رَكْعَتَيْنِ عَنْهُ وَ طُفْ عَنْ أَبِي طَالِبٍ طَوَافاً وَ صَلِّ عَنْهُ رَكْعَتَيْنِ وَ طُفْ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ طَوَافاً وَ صَلِّ عَنْهُ رَكْعَتَيْنِ وَ طُفْ عَنْ أَمِنَةَ طَوَافاً وَ صَلِّ عَنْهَا رَكْعَتَيْنِ وَ طُفْ عَنْ فَاطِمَةَ بِنْتِ أَسَدٍ طَوَافاً، وَ صَلِّ عَنْهَا رَكْعَتَيْنِ، ثُمَّ ادْعُ أَنْ يُرَدَّ عَلَيْكَ مَالُكَ.

۲۰ - مُحَمَّدُ بْنُ فَضِيلٍ گوید: به امام کاظم عليه السلام گفتم: قربانت کردم! نزد من قوچ فربه‌ای برای قربانی بود، هنگامی که او را گرفتم و برای ذبح خوابانیدم به من نگاه کرد و بر او دلم سوخت و اشکم جاری شد، سپس او را ذبح نمودم.

حضرتش به من فرمود: دوست نداشتم این کار را بکنی، چیزی که خود پرورش دادی او را ذبح کنی.

۲۱ - داوود رقی گوید: خدمت امام صادق عليه السلام وارد شدم که نزد مرد مالی داشتم که می‌ترسیدم از بین برود، پس از آن به حضرتش شکایت کردم.

به من فرمود: چون به مکه رفتی از جانب عبدالمطلب عليه السلام طواف کن و دو رکعت نماز گزار و از طرف ابو طالب عليه السلام طواف کن و دو رکعت نماز گزار و از طرف عبدالله عليه السلام طواف کن و دو رکعت نماز گزار و از طرف آمنه عليه السلام طواف کن و دو رکعت نماز گزار و از طرف فاطمه بنت اسد عليه السلام طواف کن و دو رکعت نماز گزار، سپس دعا کن که مالت برای تو برگردد.

قَالَ: فَفَعَلْتُ ذَلِكَ ثُمَّ خَرَجْتُ مِنْ بَابِ الصَّفَا، وَإِذَا غَرِيمِي وَاقِفٌ يَقُولُ: يَا دَاوُدُ! حَبَسْتَنِي تَعَالَ أَقْبِضْ مَالَكَ.

۲۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ قَالَ: كُنَّا بِمَكَّةَ فَأَصَابَنَا غَلَاءٌ مِنَ الْأَصْحَاحِيِّ فَاشْتَرَيْنَا بِدِينَارٍ ثُمَّ بِدِينَارَيْنِ ثُمَّ لَمْ نَجِدْ بِقَلِيلٍ وَلَا كَثِيرٍ، فَرَقَعَ هِشَامُ الْمُكَارِي رُقْعَةً إِلَى أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام وَأَخْبَرَهُ بِمَا اشْتَرَيْنَا ثُمَّ لَمْ نَجِدْ بِقَلِيلٍ وَلَا كَثِيرٍ.

فَوَقَعَ: انْظُرُوا الثَّمَنَ الْأَوَّلَ وَالثَّانِي وَالثَّلَاثَ ثُمَّ تَصَدَّقُوا بِمِثْلِ ثُلُثِهِ.

۲۳ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عُثْمَانَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: فِي الرَّجُلِ يَحُجُّ عَنْ آخَرٍ فَاجْتَرَحَ فِي حَجِّهِ شَيْئًا يُلْزِمُهُ فِيهِ الْحَجُّ مِنْ قَابِلٍ أَوْ كَفَّارَةٍ.

قَالَ: هِيَ لِلأَوَّلِ تَامَّةٌ وَعَلَى هَذَا مَا اجْتَرَحَ.

گوید: من این دستورالعمل را انجام دادم، آن گاه از در صفا بیرون رفتم، ناگاه دیدم بدهکارم ایستاده و می‌گوید: ای داوود! مرا در انتظار گذارده‌ای بیا مالت را بگیر.

۲۲ - عبدالله بن عمر گوید: در مکه بودیم که هنگام قربانی که نرخ قربانی از یک دینار به دو دینار افزایش یافت و قربانی به قیمت کمتر یافت نشد، هشام مکاری طی نامه‌ای این خبر را به خدمت امام کاظم عليه السلام نوشت.

حضرتش در جواب نوشت: قیمت اول، دوم و سوم را محاسبه کنید سپس به اندازه یک سوم آن صدقه دهد.

۲۳ - اسحاق بن عمار گوید: امام صادق عليه السلام در مورد کسی که از جانب دیگری حج انجام می‌دهد و چیزی خلاقی در حج می‌کند که بر او حج در سال آینده و یا کفاره لازم می‌شود فرمود:

آن حج برای شخص اول کامل است و بر ذمه کسی که خلاف نموده است می‌باشد.

۲۴ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ صَالِحِ بْنِ السَّنْدِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بِشِيرٍ عَنْ أَبَانَ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام فَقَالَ: إِنِّي أَهْدَيْتُ جَارِيَةً إِلَى الْكَعْبَةِ فَأُعْطِيتُ خَمْسَمِائَةَ دِينَارٍ فَمَا تَرَى؟ قَالَ: بِعَهَا ثُمَّ خُذْ ثَمَنَهَا ثُمَّ قُمْ عَلَى هَذَا الْحَائِطِ؛ حَائِطِ الْحَجَرِ ثُمَّ نَادِ وَأَعْطِ كُلَّ مُنْقَطِعٍ بِهِ وَكُلَّ مُحْتَاجٍ مِنَ الْحَاجِّ.

۲۵ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ فَضَالٍ وَ الْحَجَّالِ عَنْ ثَعْلَبَةَ عَنْ أَبِي خَالِدٍ الْقَمَّاطِ عَنْ عَبْدِ الْخَالِقِ الصَّقِلِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تعالى: «وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا». فَقَالَ: لَقَدْ سَأَلْتَنِي عَنْ شَيْءٍ مَا سَأَلَنِي أَحَدٌ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ. قَالَ: مَنْ أَمَّ هَذَا الْبَيْتَ وَهُوَ يَعْلَمُ أَنَّهُ الْبَيْتُ الَّذِي أَمَرَهُ اللَّهُ تعالى بِهِ وَ عَرَفْنَا أَهْلَ الْبَيْتِ حَقَّ مَعْرِفَتِنَا كَانَ آمِنًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.

۲۴ - ابان گوید: امام کاظم عليه السلام از امام صادق عليه السلام نقل می‌کند که حضرتش فرمود: مردی خدمت امام باقر عليه السلام آمد و گفت: من کنیزی را که پانصد دینار خریده‌ام به کعبه هدیه نمودم چگونه کنم؟ فرمود: آن را بفروش، مبلغ آن را بگیر و بر این دیوار حجر بایست، سپس نداده و به هر حاجی که مخارجش تمام شده و یا محتاج است بده.

۲۵ - عبد‌الخالق صیقل گوید: از امام صادق عليه السلام در مورد گفتار خداوند تعالى که می‌فرماید: «و هر که داخل آن (خانه خدا) شد در امان خواهد بود» پرسیدم. فرمود: از چیزی پرسیدی که کسی جز آن که خداست از آن نپرسیده است. هر که این بیت را قصد کرد و دانست که آن خانه‌ای است که خداوند تعالى به آن امر فرموده و ما اهل بیت را به حق شناخت در دنیا و جهان آخرت در ایمن خواهد بود.

۲۶ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ الْخَثْعَمِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِنَّا إِذَا قَدِمْنَا مَكَّةَ ذَهَبَ أَصْحَابُنَا يَطُوفُونَ وَ يَتْرَكُونِي أَحْفَظُ مَتَاعَهُمْ.

قَالَ: أَنْتَ أَعْظَمُهُمْ أَجْرًا.

۲۷ - بِإِسْنَادِهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُرَازِمِ بْنِ حَكِيمٍ قَالَ: زَامَلْتُ مُحَمَّدَ بْنَ مُصَافٍ فَلَمَّا دَخَلْنَا الْمَدِينَةَ اعْتَلَلْتُ فَكَانَ يَمْضِي إِلَى الْمَسْجِدِ وَ يَدْعُنِي وَ خَدِي، فَشَكَوْتُ ذَلِكَ إِلَى مُصَافٍ. فَأَخْبَرَ بِهِ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَأَرْسَلَ إِلَيْهِ قُعُودُكَ عِنْدَهُ أَفْضَلُ مِنْ صَلَاتِكَ فِي الْمَسْجِدِ.

۲۸ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ سُفْيَانَ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْجَرِيرِيِّ عَنِ الْحَارِثِ بْنِ الْحَصِيرَةِ الْأَسَدِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: كُنْتُ دَخَلْتُ مَعَ أَبِي عليه السلام الْكَعْبَةَ فَصَلَّى عَلَى الرُّخَامَةِ الْحُمْرَاءِ بَيْنَ الْعُمُودَيْنِ.

۲۶ - اسماعیل بن خثعمی گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: وقتی ما به مکه می‌آیم اصحابمان به طواف می‌روند و مرا برای محافظت کنار اساسشان می‌گذارند. فرمود: اجر تو بیش از آنهاست.

۲۷ - مرزوم بن حکیم گوید: با محمد بن مصادف هم کجاوه شدم، چون به مدینه وارد شدیم من مریض شدم، او به مسجد می‌رفت و مرا تنها می‌گذارد، من از این جهت به پدرش مصادف شکایت کردم و آن را به امام صادق عليه السلام خبر داد. پس حضرتش به پسر مصادف پیام فرستاد که نشستن تو نزد مرزوم بهتر از نماز تو در مسجد است.

۲۸ - حارث بن حصیره اسدی گوید: امام باقر عليه السلام فرمود: با پدرم عليه السلام داخل کعبه شدم، حضرتش بر روی سنگ سرخ میان دو ستون نماز گزارد.

فَقَالَ: فِي هَذَا الْمَوْضِعِ تَعَاقَدَ الْقَوْمُ إِنْ مَاتَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَوْ قُتِلَ إِلَّا يَرُدُّوْا هَذَا الْأَمْرَ فِي أَحَدٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ أَبَدًا.

قَالَ: قُلْتُ: وَمَنْ كَانَ؟

قَالَ: كَانَ الْأَوَّلُ وَالثَّانِي وَ أَبُو عُبَيْدَةَ بْنُ الْجَرَّاحِ وَ سَالِمُ بْنُ الْحَبِيبَةِ.

۲۹ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ:

سُئِلَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ عَنْ إِسَافٍ وَ نَائِلَةَ وَ عِبَادَةَ قُرَيْشٍ لَهُمَا.

فَقَالَ: نَعَمْ كَانَا شَائِئِينَ صَبِيحِينَ وَ كَانَ بَاحِدَهُمَا تَأْنِيْتُ وَ كَانَا يَطُوفَانِ بِالْبَيْتِ فَصَادَفَا مِنَ الْبَيْتِ خَلْوَةً، فَأَرَادَ أَحَدُهُمَا صَاحِبَهُ فَفَعَلَ فَمَسَحَهُمَا اللَّهُ.

فَقَالَتْ قُرَيْشٌ: لَوْ لَا أَنَّ اللَّهَ رَضِيَ أَنْ يُعْبَدَ هَذَانِ مَعَهُ مَا حَوَّلَهُمَا عَنْ حَالِهِمَا.

۳۰ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَصْبَاطٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ يَزِيدٍ قَالَ:

آن‌گاه فرمود: در اینجا آن منافقان با یکدیگر پیمان بستند که اگر رسول خدا ﷺ مرد و یا کشته شد هرگز این امر امامت را به هیچ یک از اهل بیت او بر نگردانند.  
گوید: گفتم: آنها چه کسانی بودند؟

فرمود: اولی (ابوبکر)، دومی (عمر) ابوعبیده بن جراح و سالم بن حبیبه.

۲۹ - مسعدة بن صدقه گوید: امام صادق ﷺ فرمود:

از امیر مؤمنان علی ﷺ در مورد اساف و نائله و پرستش قریش نسبت به آنها پرسیده شد.  
فرمود: آری، دو جوان خوشرو بودند که یکی آنها آلت زنانه داشت. آنها بیت را طواف می‌نمودند وقتی آن را خلوت دیدند و یکی به رفیقش قصد بد نمود و با او عمل بد کرد. خداوند هر دو را مسخ نمود. قریش گفتند: اگر خدا از اینها راضی نبود که این دو با او پرستش نشوند شکلشان را تغییر نمی‌داد (!!).

۳۰ - حسین بن یزید گوید: از امام صادق ﷺ شنیدم که می‌فرمود:



سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: وَقَدْ قَالَ لَهُ أَبُو حَنِيفَةَ: عَجِبَ النَّاسُ مِنْكَ أَمْسٍ وَأَنْتَ بِعَرَفَةَ تُمَاكِسُ بَدَنَكَ أَشَدَّ مِكَاسًا يَكُونُ.

قَالَ: فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَمَا لِلَّهِ مِنَ الرِّضَا أَنْ أُغْبَنَ فِي مَالِي؟  
قَالَ: فَقَالَ أَبُو حَنِيفَةَ: لَا وَاللَّهِ، مَا لِلَّهِ فِي هَذَا مِنَ الرِّضَا قَلِيلٌ وَلَا كَثِيرٌ وَمَا نَجِئُكَ بِشَيْءٍ إِلَّا جِئْتَنَا بِمَا لَا مَخْرَجَ لَنَا مِنْهُ.

۳۱- سَهْلٌ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَصْبَاطٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ أَنْ يَحْتَبِيَ قُبَالَهَ الْكَعْبَةِ.

۳۲- سَهْلٌ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ الْعَبَّاسِ عَنْ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ أَوْ غَيْرِهِ عَنْ حَنَانٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

شَكَتِ الْكَعْبَةُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مَا تَلْقَى مِنْ أَنْفَاسٍ مِنَ الْمُشْرِكِينَ، فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهَا: قَرِّي كَعْبَةً، فَإِنِّي مُبَدِّلُكَ بِهِمْ قَوْمًا يَتَنَظَّفُونَ بِقُضْبَانِ الشَّجَرِ.  
فَلَمَّا بَعَثَ اللَّهُ مُحَمَّدًا ﷺ أَوْحَى إِلَيْهِ مَعَ جَبْرِئِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِالسَّوَالِكِ وَالْخِلَالِ.

ابو حنیفه به او گفت: دیروز مردم از تو تعجب کردند که در عرفه جهت خرید قربانی شتر خود چانه سختی می‌زدی.

گوید: امام صادق علیه السلام به او فرمود: خداوند راضی نیست که در مالم مغبون باشم.  
ابو حنیفه گفت: نه، به خدا سوگند! خداوند راضی نیست نه در اندک و نه در بسیاری، ما نیز نزد تو نمی‌آیم مگر در مورد چیزی که راه جواب نداریم.

۳۱- عبدالله بن سنان گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

شایسته نیست انسان در مقابل کعبه روی دو پا بنشیند.

۳۲- پدر حنان گوید: امام باقر علیه السلام فرمود:

کعبه در مورد (بوی بد) نفس‌های مشرکین به خداوند متعال شکوه نمود.  
خداوند به او وحی فرستاد: ای کعبه! آرام باش، من عوض آنها جمعی را به نزد تو خواهم فرستاد که دهان‌های خود را با شاخه‌های درختان پاکیزه می‌کنند.  
هنگامی که خداوند حضرت محمد ﷺ را مبعوث فرمود با جبرئیل به او وحی نمود که مسواک کنند و خلل نمایند.

- ۳۳- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قُلْتُ: نَكُونُ بِمَكَّةَ أَوْ بِالْمَدِينَةِ أَوْ الْحِيرَةَ أَوْ الْمَوَاضِعَ الَّتِي يُرْجَى فِيهَا الْفَضْلُ فَرُبَّمَا خَرَجَ الرَّجُلُ يَتَوَضَّأُ فَيَجِيءُ آخِرُ فَيَصِيرُ مَكَانَهُ. قَالَ: مَنْ سَبَقَ إِلَى مَوْضِعٍ فَهُوَ أَحَقُّ بِهِ يَوْمَهُ وَلَيْلَتَهُ.
- ۳۴- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ يَحْيَى بْنِ الْمُبَارَكِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَبَلَةَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: مَنْ أَمَاطَ أَدَى عَنْ طَرِيقِ مَكَّةَ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ حَسَنَةً، وَ مَنْ كَتَبَ لَهُ حَسَنَةً لَمْ يُعَذِّبْهُ.
- ۳۵- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: لَا يَزَالُ الْعَبْدُ فِي حَدِّ الطَّوَافِ بِالكَعْبَةِ مَا دَامَ حَلَقُ الرَّأْسِ عَلَيْهِ.

- ۳۳- راوی گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: در مسجد مکه، مسجد مدینه، کربلا (حایر حسین عليه السلام) و یا جایی که امید ثواب دارد می‌باشیم، گاهی فردی برای وضو بیرون می‌رود و فرد دیگری می‌آید و جای او می‌نشیند؟
- فرمود: هر کس جایی را زودتر گرفت او به آن جا در همان شبانه روز شایسته‌تر است.
- ۳۴- اسحاق بن عمار گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:
- هر کس مانعی را از راه مکه بردارد، خداوند حسنه‌ای را بر او می‌نویسد و به هر کس که خدا حسنه نوشت عذابش نمی‌کند.
- ۳۵- راوی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:
- پیوسته بنده در حدِّ (و پاداش) کعبه طواف است مادامی که هنوز سرش را نتراشیده باشد.

۳۶- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ التَّمِيمِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ رَجُلٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِذَا كَانَ أَيَّامُ الْمَوْسِمِ بَعَثَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مَلَائِكَةً فِي صُورِ الْآدَمِيِّينَ يَشْتَرُونَ مَتَاعَ الْحَاجِّ وَالتُّجَّارِ. قُلْتُ: فَمَا يَصْنَعُونَ بِهِ؟ قَالَ: يُلْقَوْنَهُ فِي الْبَحْرِ.

۳۷- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: يَوْمُ الْأَضْحَى فِي الْيَوْمِ الَّذِي يُصَامُ فِيهِ وَ يَوْمُ الْعَاشُورَاءِ فِي الْيَوْمِ الَّذِي يُفْطَرُ فِيهِ.

---

۳۶- یکی از اصحاب ما گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: هنگامی که روزهای موسم حج شود خداوند تعالی فرشتگانی به شکل آدمیان می فرستد که اجناس حاجیان و تجار را می خرند. گفتم: آن ها را چه می کنند؟ فرمود: به دریا می ریزند.

۳۷- حسین بن مسلم گوید: امام کاظم علیه السلام فرمود: روز عید قربان موافق روزی است که در اول ماه رمضان روز گرفته می شود و روز عاشورا موافق روزی است که در آن افطار می شود.

## أَبْوَابُ الزِّيَارَاتِ

(۱)

### بَابُ زِيَارَةِ النَّبِيِّ ﷺ

- ۱ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنْ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام: جُعِلْتُ فِدَاكَ! مَا لِمَنْ زَارَ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ مُتَعَمِّدًا؟ فَقَالَ: لَهُ الْجَنَّةُ.
- ۲ - أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ فَضِيلِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ: إِنَّ زِيَارَةَ قَبْرِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ زِيَارَةَ قُبُورِ الشُّهَدَاءِ وَ زِيَارَةَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام تَعْدِلُ حَجَّةً مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ.
- ۳ - أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبَانَ عَنِ السَّدُوسِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

### بخش های مربوط به زیارت ها

#### بخش یکم

#### زیارت پیامبر گرامی ﷺ

- ۱ - ابن ابی نجران گوید: به امام باقر عليه السلام گفتم: قربانت گردم! کسی که از روی آگاهی به زیارت رسول خدا ﷺ مشرف شود چه پاداشی دارد؟ فرمود: بهشت برای اوست.
- ۲ - فضیل بن یسار گوید: حضرتش فرمود: هر که قبر رسول خدا ﷺ قبور شهدای احد و قبر امام حسین عليه السلام زیارت نماید پاداشی برابر حج با رسول خدا ﷺ دارد.
- ۳ - سدوسی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: پیامبر خدا ﷺ فرمود:

مَنْ أَتَانِي زَائِرًا كُنْتُ شَفِيعَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

۴ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ الْمُعَلَّى أَبِي شِهَابٍ قَالَ:

قَالَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ: يَا أَبَتَاهُ! مَا لِمَنْ زَارَكَ؟ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: يَا بُنَيَّ! مَنْ زَارَنِي حَيًّا أَوْ مَيِّتًا، أَوْ زَارَ أَبَاكَ، أَوْ زَارَ أَخَاكَ أَوْ زَارَكَ كَانَ حَقًّا عَلَيَّ أَنْ أَزُورَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَأُخَلِّصَهُ مِنْ ذُنُوبِهِ.

۵ - عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ بُنْدَارٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سُلَيْمَانَ الدَّيْلَمِيِّ عَنْ أَبِي حَجَرَ الْأَسْلَمِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ أَتَى مَكَّةَ حَاجًّا وَلَمْ يَزُرْنِي إِلَى الْمَدِينَةِ جَفَوْتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَمَنْ أَتَانِي زَائِرًا وَجَبَتْ لَهُ شَفَاعَتِي، وَمَنْ وَجَبَتْ لَهُ شَفَاعَتِي وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ، وَمَنْ مَاتَ فِي أَحَدِ الْحَرَمَيْنِ مَكَّةَ وَالْمَدِينَةَ لَمْ يُعْرَضْ وَلَمْ يُحَاسَبْ، وَمَنْ مَاتَ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ ﷻ حُشِرَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَعَ أَصْحَابِ بَدْرٍ.

هر کس برای زیارت من بیاید روز قیامت شفیع او خواهم شد.

۴ - معلى ابى شهاب گوید: امام حسين عليه السلام به رسول خدا ﷺ عرضه داشت: ای پدر! پاداش کسی که تو را زیارت نماید چیست؟

پیامبر خدا ﷺ فرمود: ای پسر من! هر کس مرا در دوران زندگیم یا پس از مرگم زیارت کند، یا پدرت یا برادرت یا تو را زیارت نماید بر عهده من است که او را در روز قیامت زیارت نموده و از گناهانش خلاص نمایم.

۵ - ابی حجر اسلمی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

رسول خدا ﷺ فرمود:

هر کس برای انجام حج به مکه برود و در مدینه مرا زیارت ننماید او را در روز قیامت رها خواهم نمود.

و هر کس به زیارت من بیاید شفاعت من بر او واجب می‌شود و به هر کسی که شفاعت من واجب شد بهشت بر او واجب می‌شود و هر کس در یکی از حرم‌های مکه و مدینه بمیرد بر او تعرض و حساب نمی‌شود و هر کس به هنگام مهاجرت به سوی خداوند متعال بمیرد خداوند روز قیامت او را با شهدای بدر محشور خواهد فرمود.

(۲)

**بَابُ إِتْبَاعِ الْحَجِّ بِالزِّيَارَةِ**

- ۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أَدِينَةَ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:
- إِنَّمَا أَمْرُ النَّاسِ أَنْ يَأْتُوا هَذِهِ الْأَحْجَارَ فَيَطُوفُوا بِهَا ثُمَّ يَأْتُونَا فَيُخْبِرُونَا بِوَلَايَتِهِمْ وَ يَعْرِضُوا عَلَيْنَا نَصْرَهُمْ.
- ۲- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ عَمَّارِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:
- تَمَامُ الْحَجِّ لِقَاءُ الْإِمَامِ.
- ۳- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ يَحْيَى بْنِ يَسَارٍ قَالَ: حَجَجْنَا فَمَرَرْنَا بِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام.

**بخش دوم****پیوست حج به زیارت**

- ۱- زراره گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:
- همانا مردم مأمور شدند که مکه بیایند و این سنگ‌ها را طواف کنند، آن‌گاه به سوی ما آیند و ولایتشان را بر ما گزارش نمایند و یاریشان را بر ما عرضه نمایند.
- ۲- جابر گوید: امام باقر عليه السلام فرمود:
- کامل شدن حج با ملاقات امام است.
- ۳- یحیی بن یسار گوید: پس از مراسم حج خدمت امام صادق عليه السلام شرف‌یاب شدیم.

فَقَالَ: حَاجُّ بَيْتِ اللَّهِ وَ زُورُ قَبْرِ نَبِيِّهِ ﷺ وَ شِيعَةِ آلِ مُحَمَّدٍ ﷺ هِنِيئًا لَكُمْ.

۴- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ زِيَادِ الْقَنْدِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ ذَرِيحِ الْمُحَارِبِيِّ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ: إِنَّ اللَّهَ أَمَرَنِي فِي كِتَابِهِ بِأَمْرِ فَأُحِبُّ أَنْ أَعْمَلَهُ.

قَالَ: وَمَا ذَاكَ؟

قُلْتُ: قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: ﴿ثُمَّ لْيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَلْيُوفُوا نُذُورَهُمْ﴾.

قَالَ: «لْيَقْضُوا تَفَثَهُمْ»: لِقَاءُ الْإِمَامِ «وَلْيُوفُوا نُذُورَهُمْ» تِلْكَ الْمَنَاسِكُ.

قَالَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ سِنَانٍ: فَأَتَيْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ﷺ فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! قَوْلُ اللَّهِ ﷻ:

﴿ثُمَّ لْيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَلْيُوفُوا نُذُورَهُمْ﴾.

قَالَ: أَخَذُ الشَّارِبِ، وَ قَصُّ الْأَظْفَارِ وَ مَا أَشَبَهُ ذَلِكَ.

قَالَ: قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! إِنَّ ذَرِيحَ الْمُحَارِبِيِّ حَدَّثَنِي عَنْكَ بِأَنَّكَ قُلْتَ لَهُ:

«لْيَقْضُوا تَفَثَهُمْ» لِقَاءُ الْإِمَامِ «وَلْيُوفُوا نُذُورَهُمْ» تِلْكَ الْمَنَاسِكُ.

فرمود: (ای) حاجیان بیت الله و زایران قبر پیامبرش ﷺ و ای شیعیان آل محمد ﷺ! بر شما گوارا باد!

۴- ذریح محاربى گوید: به امام صادق ﷺ گفتم: خداوند در کتابش به من امری فرموده من دوست دارم که آن را عمل نمایم.

فرمود: آن چیست؟

گفتم: گفتار خداوند ﷻ که می فرماید: «آن گاه آلودگی هایشان را برطرف سازند و به نذرهای خود وفا کنند».

فرمود: منظور از «برطرف سازی آلودگی ها» ملاقات با امام است و منظور از «وفای به نذر» انجام مناسک حج است.

عبدالله بن سنان گوید: پس از آن من به خدمت امام صادق ﷺ رفتم و گفتم: قربانت گردم! منظور از این آیه چیست؟

فرمود: منظور کوتاه کردن شارب، چیدن ناخن و همانند آن است.

گوید: گفتم: فدایت شوم! ذریح محاربى از شما به من حدیث نمود که به او فرمودید: منظور از «برطرف سازی آلودگی ها» ملاقات با امام است و منظور از «وفای به نذر» انجام مناسک حج است.

فَقَالَ: صَدَقَ ذَرِيحٌ وَ صَدَقَتْ، إِنَّ لِقُرْآنٍ ظَاهِرًا وَ بَاطِنًا، وَ مَنْ يَحْتَمِلُ مَا  
يَحْتَمِلُ ذَرِيحٌ.

(۳)

### بَابُ فَضْلِ الرُّجُوعِ إِلَى الْمَدِينَةِ

- ۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْمُثَنَّى عَنْ سَدِيرٍ عَنْ  
أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:  
ابْدَءُوا بِمَكَّةَ وَ اخْتِمُوا بِنَا.
- ۲ - عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ قَالَ:  
سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام أَبْدَأُ بِالْمَدِينَةِ أَوْ بِمَكَّةَ؟  
قَالَ: ابْدَأُ بِمَكَّةَ وَ اخْتِمِ بِالْمَدِينَةِ، فَإِنَّهُ أَفْضَلُ.

فرمود: ذریح راست گفته و تو هم راست گفتی، چرا که همانا برای قرآن ظاهر و باطنی  
است و چه کسی می تواند همانند ذریح آن را تحمل کند؟!

### بخش سوم

### فضیلت بازگشت به مدینه

- ۱ - سَدِيرٌ گوید: امام باقر عليه السلام فرمود: حج را با مکه آغاز کنید و با زیارت ما به پایان  
برسانید.
- ۲ - ابی عبدالله گوید: از امام باقر عليه السلام پرسیدم: سفر حج را با مدینه آغاز کنم یا مکه؟  
فرمود: با مکه آغاز کن و با مدینه به پایان برسان، چرا که این بهتر است.



(۴)

**بَابُ دُخُولِ الْمَدِينَةِ وَ زِيَارَةِ النَّبِيِّ ﷺ وَ الدُّعَاءِ عِنْدَ قَبْرِهِ**

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ وَ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ: إِذَا دَخَلْتَ الْمَدِينَةَ فَاغْتَسِلْ قَبْلَ أَنْ تَدْخُلَهَا أَوْ حِينَ تَدْخُلَهَا ثُمَّ تَأْتِي قَبْرَ النَّبِيِّ ﷺ ثُمَّ تَقُومُ فَتُسَلِّمُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ ثُمَّ تَقُومُ عِنْدَ الْأُسْطُوَانَةِ الْمُقَدَّمَةِ مِنْ جَانِبِ الْقَبْرِ الْأَيْمَنِ عِنْدَ رَأْسِ الْقَبْرِ عِنْدَ زَاوِيَةِ الْقَبْرِ وَأَنْتَ مُسْتَقْبِلُ الْقِبْلَةِ وَ مَنْكِبُكَ الْأَيْسَرُ إِلَى جَانِبِ الْقَبْرِ وَ مَنْكِبُكَ الْأَيْمَنُ مِمَّا يَلِي الْمِنْبَرَ، فَإِنَّهُ مَوْضِعُ رَأْسِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ تَقُولُ:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ، وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ رَسُولُ اللَّهِ، وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَغْتَ رِسَالَاتِ رَبِّكَ وَ نَصَحْتَ لِأُمَّتِكَ وَ

**بخش چهارم****ورود به مدینه ، زیارت پیامبر ﷺ و دعا نزد بارگاه آن حضرت**

۱ - معاویه بن عمار گوید: امام صادق ﷺ فرمود:

هنگامی که وارد مدینه شدی پیش از ورود و یا به هنگام ورود غسل کن آن گاه کنار قبر پیامبر ﷺ بیا، سپس بایست و بر رسول خدا ﷺ سلام کن، آن گاه نزد ستون اول که در سمت راست بخش بالای سر در گوشه آن رو به قبله که شانه چپت به طرف قبر باشد و شانه راستش به طرف منبر - که موضع سر مبارک رسول خدا ﷺ است، می ایستی و می گویی: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ، وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ رَسُولُ اللَّهِ، وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَغْتَ رِسَالَاتِ رَبِّكَ وَ نَصَحْتَ لِأُمَّتِكَ وَ

جَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَعَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصاً حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ  
أَدَّيْتَ الَّذِي عَلَيْكَ مِنَ الْحَقِّ وَأَنَّكَ قَدْ رُوِّفْتَ بِالْمُؤْمِنِينَ وَغُلِظْتَ عَلَى الْكَافِرِينَ، فَبَلَغَ اللَّهُ بِكَ  
أَفْضَلَ شَرَفٍ مَحَلِّ الْمُكْرَمِينَ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي اسْتَنْقَذَنَا بِكَ مِنَ الشُّرْكِ وَالضَّلَالَةِ.

اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ صَلَوَاتِكَ وَصَلَوَاتِ مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ وَعِبَادِكَ الصَّالِحِينَ وَأَنْبِيَائِكَ  
الْمُرْسَلِينَ وَأَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ وَمَنْ سَبَّحَ لَكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ  
عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ وَأَمِينِكَ وَنَجِيِّكَ وَحَبِيبِكَ وَصَفِيِّكَ وَخَاصَّتِكَ وَصَفْوَتِكَ وَ  
خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ.

اللَّهُمَّ أَعْطِهِ الدَّرَجَةَ وَالْوَسِيلَةَ مِنَ الْجَنَّةِ وَابْعَثْهُ مَقَاماً مَحْمُوداً يَعْطِيهِ بِهِ الْأَوَّلُونَ وَالْآخِرُونَ.

اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاؤُكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ  
لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّاباً رَحِيماً، وَإِنِّي أَتَيْتُ نَبِيَّكَ مُسْتَغْفِراً تَائِباً مِنْ ذُنُوبِي وَإِنِّي أَتَوَجَّهُ بِكَ إِلَى اللَّهِ  
رَبِّي وَرَبِّكَ لِيَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي.

جَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَعَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصاً حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَأَدَّيْتَ  
الَّذِي عَلَيْكَ مِنَ الْحَقِّ وَأَنَّكَ قَدْ رُوِّفْتَ بِالْمُؤْمِنِينَ وَغُلِظْتَ عَلَى الْكَافِرِينَ، فَبَلَغَ اللَّهُ بِكَ أَفْضَلَ شَرَفٍ مَحَلِّ  
الْمُكْرَمِينَ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي اسْتَنْقَذَنَا بِكَ مِنَ الشُّرْكِ وَالضَّلَالَةِ.

اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ صَلَوَاتِكَ وَصَلَوَاتِ مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ وَعِبَادِكَ الصَّالِحِينَ وَأَنْبِيَائِكَ الْمُرْسَلِينَ وَأَهْلِ  
السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ وَمَنْ سَبَّحَ لَكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَ  
نَبِيِّكَ وَأَمِينِكَ وَنَجِيِّكَ وَحَبِيبِكَ وَصَفِيِّكَ وَخَاصَّتِكَ وَصَفْوَتِكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ.

اللَّهُمَّ أَعْطِهِ الدَّرَجَةَ وَالْوَسِيلَةَ مِنَ الْجَنَّةِ وَابْعَثْهُ مَقَاماً مَحْمُوداً يَعْطِيهِ بِهِ الْأَوَّلُونَ وَالْآخِرُونَ.

اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاؤُكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ  
تَوَّاباً رَحِيماً، وَإِنِّي أَتَيْتُ نَبِيَّكَ مُسْتَغْفِراً تَائِباً مِنْ ذُنُوبِي وَإِنِّي أَتَوَجَّهُ بِكَ إِلَى اللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكَ لِيَغْفِرَ لِي  
ذُنُوبِي.

وَإِنْ كَانَتْ لَكَ حَاجَةٌ فَاجْعَلْ قَبْرَ النَّبِيِّ ﷺ خَلْفَ كَتِفِكَ وَاسْتَقْبِلِ الْقِبْلَةَ وَارْفَعْ يَدَيْكَ، وَاسْأَلْ حَاجَتَكَ، فَإِنَّكَ أُخْرَى أَنْ تُقْضَىٰ إِنْ شَاءَ اللَّهُ.

۲- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَّارٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ عُثْمَانَ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَنْ عَلِيٍّ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَخِيهِ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ ﷺ قَالَ:

كَانَ أَبِي عَلِيٍّ بْنُ الْحُسَيْنِ ﷺ يَقِفُ عَلَى قَبْرِ النَّبِيِّ ﷺ فَيَسْلُمُ عَلَيْهِ وَ يَشْهَدُ لَهُ بِالْبَلَاغِ وَ يَدْعُو بِمَا حَضَرَهُ ثُمَّ يُسِنِدُ ظَهْرَهُ إِلَى الْمَرْوَةِ الْخَضِرَاءِ الدَّقِيقَةِ الْعَرَضِ مِمَّا يَلِي الْقَبْرَ وَ يَلْتَرِقُ بِالْقَبْرِ وَ يُسِنِدُ ظَهْرَهُ إِلَى الْقَبْرِ وَ يَسْتَقْبِلُ الْقِبْلَةَ فَيَقُولُ:

«اللَّهُمَّ إِلَيْكَ أَلْجَأْتُ ظَهْرِي وَ إِلَى قَبْرِ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ أَسْنَدْتُ ظَهْرِي وَ الْقِبْلَةَ الَّتِي

رَضِيتَ لِمُحَمَّدٍ ﷺ اسْتَقْبَلْتُ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَصْبَحْتُ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي خَيْرَ مَا أَرْجُو وَ لَا أَدْفَعُ عَنْهَا شَرَّ مَا أَخْذَرُ عَلَيْهَا وَ أَصْبَحْتُ الْأُمُورَ بِيَدِكَ فَلَا فَقِيرَ أَفْقَرُ مِنِّي إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ.

و اگر حاجتی داری، قبر آن حضرت را پشت شانهایت قرار ده و رو به قبله شو و دست‌هایت را بلند کن و حاجت خود را بخواه که شایسته است که ان شاء الله حاجت تو برآورده شود.

۲- علی بن جعفر ﷺ گوید: امام کاظم ﷺ از پدرش از جدّ بزرگوارش ﷺ نقل می‌کند که حضرتش فرمود:

امام سجّاد ﷺ همواره کنار قبر پیامبر خدا ﷺ می‌ایستاد، بر او سلام می‌کرد و در مورد رساندن پیام‌های الهی توسط آن حضرت گواهی می‌داد و آنچه می‌خواست دعا می‌کرد. سپس بر سنگ سبز نازک پهنی که در پهلوی قبر بود تکیه می‌داد و خود را به قبر می‌چسبانید و رو به قبله می‌نمود و می‌فرمود: «اللَّهُمَّ إِلَيْكَ أَلْجَأْتُ ظَهْرِي وَ إِلَى قَبْرِ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ أَسْنَدْتُ ظَهْرِي وَ الْقِبْلَةَ الَّتِي رَضِيتَ لِمُحَمَّدٍ ﷺ اسْتَقْبَلْتُ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَصْبَحْتُ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي خَيْرَ مَا أَرْجُو وَ لَا أَدْفَعُ عَنْهَا شَرَّ مَا أَخْذَرُ عَلَيْهَا وَ أَصْبَحْتُ الْأُمُورَ بِيَدِكَ فَلَا فَقِيرَ أَفْقَرُ مِنِّي إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ.

اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي مِنْكَ بِخَيْرٍ فَإِنَّهُ لَا رَادَّ لِفَضْلِكَ.  
 اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ تُبَدِّلَ اسْمِي أَوْ تُغَيِّرَ جِسْمِي أَوْ تُزِيلَ نِعْمَتَكَ عَنِّي.  
 اللَّهُمَّ كَرِّمْنِي بِالتَّقْوَى وَجَمِّلْنِي بِالنِّعَمِ وَاعْمُرْنِي بِالْعَافِيَةِ وَارْزُقْنِي شُكْرَ الْعَافِيَةِ».

۳ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي نَصْرِ قَالَ:  
 قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ عليه السلام: كَيْفَ السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صلی اللہ علیہ وسلم عِنْدَ قَبْرِهِ؟  
 فَقَالَ: قُلْ:

«السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفْوَةَ اللَّهِ، السَّلَامُ  
 عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ نَصَحْتَ لِأُمَّتِكَ وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَعَبَدْتَهُ حَتَّى أَتَاكَ  
 الْيَقِينُ فَجَزَاكَ اللَّهُ أَفْضَلَ مَا جَزَى نَبِيًّا عَنْ أُمَّتِهِ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ  
 مَجِيدٌ».

۴ - أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ عَنْ  
 حَمَادِ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَسْعُودٍ قَالَ:

اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي مِنْكَ بِخَيْرٍ فَإِنَّهُ لَا رَادَّ لِفَضْلِكَ.  
 اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ تُبَدِّلَ اسْمِي أَوْ تُغَيِّرَ جِسْمِي أَوْ تُزِيلَ نِعْمَتَكَ عَنِّي.  
 اللَّهُمَّ كَرِّمْنِي بِالتَّقْوَى وَجَمِّلْنِي بِالنِّعَمِ وَاعْمُرْنِي بِالْعَافِيَةِ وَارْزُقْنِي شُكْرَ الْعَافِيَةِ».

۳ - احمد بن محمد بن ابی نصر گوید: به امام رضا عليه السلام گفتم: چگونه به رسول خدا صلی اللہ علیہ وسلم  
 کنار قبرش سلام دهیم؟

فرمود: بگو: «السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفْوَةَ اللَّهِ،  
 السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ نَصَحْتَ لِأُمَّتِكَ وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَعَبَدْتَهُ حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ  
 فَجَزَاكَ اللَّهُ أَفْضَلَ مَا جَزَى نَبِيًّا عَنْ أُمَّتِهِ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ».

۴ - محمد بن مسعود گوید:

رَأَيْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنْتَهَى إِلَى قَبْرِ النَّبِيِّ ﷺ فَوَضَعَ يَدَهُ عَلَيْهِ وَقَالَ:  
 «أَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي اجْتَبَاكَ وَاخْتَارَكَ وَهَدَى بِكَ أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيْكَ».  
 ثُمَّ قَالَ: «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا  
 تَسْلِيمًا».

۵- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ  
 عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ:  
 أَنَّ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لَهُمْ: مُرُّوا بِالْمَدِينَةِ فَسَلِّمُوا عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ مِنْ  
 قَرِيبٍ وَإِنْ كَانَتِ الصَّلَاةُ تَبْلُغُهُ مِنْ بَعِيدٍ.  
 ۶- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى قَالَ:  
 سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْمَمَرِّ فِي مُؤَخَّرِ مَسْجِدِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَلَا أُسَلِّمُ  
 عَلَى النَّبِيِّ ﷺ.  
 فَقَالَ: لَمْ يَكُنْ أَبُو الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَصْنَعُ ذَلِكَ.

امام صادق علیه السلام را دیدم آن گاه که به کنار قبر پیامبر ﷺ رسید، دست مبارک خود روی  
 آن نهاد و فرمود: «أَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي اجْتَبَاكَ وَاخْتَارَكَ وَهَدَى بِكَ أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيْكَ».  
 آن گاه این آیه را قرائت فرمود که: «به راستی خدا و فرشتگان بر پیامبر درود می فرستد  
 ای کسانی که ایمان آورده اید بر او درود و سلام کامل بفرستید».

۵- اسحاق بن عمار گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:  
 به شهر مدینه سفر نمایید و از نزدیک به رسول خدا ﷺ سلام کنید، اگر چه از دور هم  
 به آن حضرت سلام می رسد.

۶- صفوان بن یحیی گوید: از امام رضا علیه السلام پرسیدم: از بخش آخر مسجد رسول  
 خدا ﷺ عبور کردم و به حضرتش سلام نکردم.  
 فرمود: امام کاظم علیه السلام چنین نمی نمود.

قُلْتُ: فَيَدْخُلُ الْمَسْجِدَ فَيَسْلُمُ مِنْ بَعِيدٍ لَا يَدْنُو مِنَ الْقَبْرِ.  
فَقَالَ: لَا.

قَالَ: سَلِّمْ عَلَيْهِ حِينَ تَدْخُلُ وَ حِينَ تَخْرُجُ وَ مِنْ بَعِيدٍ.

۷- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَصَّالَةَ بْنِ  
أَيُّوبَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهَبٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

صَلُّوا إِلَى جَانِبِ قَبْرِ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله وَإِنْ كَانَتْ صَلَاةُ الْمُؤْمِنِينَ تَبْلُغُهُ أَيْنَمَا كَانُوا.

۸- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَسَّانَ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا قَالَ:

حَضَرْتُ أَبَا الْحَسَنِ الْأَوَّلَ عليه السلام وَ هَارُونَ الْخَلِيفَةَ وَ عِيسَى بْنَ جَعْفَرٍ وَ جَعْفَرَ بْنَ

يَحْيَى بِالْمَدِينَةِ، قَدْ جَاءُوا إِلَى قَبْرِ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله.

فَقَالَ هَارُونُ لِأَبِي الْحَسَنِ عليه السلام: تَقَدَّمْ.

فَأَبَى، فَتَقَدَّمَ هَارُونُ، فَسَلَّمَ وَ قَامَ نَاحِيَةً وَ قَالَ عِيسَى بْنُ جَعْفَرٍ لِأَبِي

الْحَسَنِ عليه السلام: تَقَدَّمْ.

گفتم: پس وارد مسجد می شوم و از دور سلام می دهم و نزدیک قبر نمی شوم.

فرمود: نه (چنین مکن) فرمود: در هنگام ورود و خروج و از دور به حضرتش سلام بده.

۷- معاویه بن وهب گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

کنار قبر پیامبر صلى الله عليه وآله به حضرتش درود بفرستید، گرچه درود مؤمنان از هر جا که باشند به

حضرتش می رسد.

۸- یکی از اصحاب ما گوید:

در حضور امام کاظم عليه السلام بودم که هارون خلیفه عباسی، عیسی بن جعفر و جعفر بن

یحیی نیز در مدینه بودند، آنها کنار قبر پیامبر صلى الله عليه وآله آمدند. هارون به امام کاظم عليه السلام گفت:

بفرمایید!

حضرتش جلو نرفت.

هارون جلو رفت و به پیامبر سلام داد و در گوشه ای ایستاد، عیسی به امام کاظم عليه السلام

گفت: بفرمایید!

فَأَبَىٰ فَتَقَدَّمَ عِيسَىٰ فَسَلَّمَ وَ وَقَفَ مَعَ هَارُونَ.  
 فَقَالَ جَعْفَرُ لِأَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: تَقَدَّمَ.  
 فَأَبَىٰ فَتَقَدَّمَ جَعْفَرُ: فَسَلَّمَ وَ وَقَفَ مَعَ هَارُونَ.  
 وَ تَقَدَّمَ أَبُو الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَنُ أَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي اصْطَفَاكَ وَ اجْتَبَاكَ وَ هَدَاكَ وَ هَدَىٰ بِكَ أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيْكَ».  
 فَقَالَ هَارُونَ لِعِيسَى: سَمِعْتَ مَا قَالَ؟  
 قَالَ: نَعَمْ.  
 فَقَالَ هَارُونَ: أَشْهَدُ أَنَّهُ أَبُوهُ حَقًّا.

(۵)

### بَابُ الْمُنْبَرِ وَ الرُّوضَةِ وَ مَقَامِ النَّبِيِّ ﷺ

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

حضرتش جلو نرفت.  
 عیسی جلو رفت و سلام داد و نزد هارون ایستاد.  
 جعفر به امام کاظم علیه السلام گفت: بفرمایید!  
 حضرتش جلو نرفت جعفر جلو رفت و سلام داد و با هارون ایستاد.  
 آن گاه امام کاظم علیه السلام جلو رفت و این گونه سلام داد: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَنُ أَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي اصْطَفَاكَ وَ اجْتَبَاكَ وَ هَدَاكَ وَ هَدَىٰ بِكَ أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيْكَ».  
 هارون به عیسی گفت: شنیدی چگونه سلام داد؟ گفت: آری.  
 هارون گفت: گواهی می‌دهم که او به راستی پدر اوست.

### بخش پنجم

#### منبر، روضه و جایگاه پیامبر ﷺ

۱- معاویه بن عمار گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

إِذَا فَرَعْتَ مِنَ الدُّعَاءِ عِنْدَ قَبْرِ النَّبِيِّ ﷺ فَانْتِ الْمَنْبَرِ فَاْمْسَحْهُ بِيَدِكَ وَ خُذْ بِرُمَاتِنَيْهِ وَ هُمَا السُّفْلَاوَانِ وَ اْمْسَحْ عَيْنَيْكَ وَ وَجْهَكَ بِهِ، فَإِنَّهُ يُقَالُ: إِنَّهُ شِفَاءُ الْعَيْنِ . وَ قُمْ عِنْدَهُ فَاَحْمَدِ اللَّهَ وَ أَثْنِ عَلَيْهِ وَ سَلْ حَاجَتَكَ، فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: «مَا بَيْنَ مَنْبَرِي وَ بَيْتِي رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ وَ مَنْبَرِي عَلَى تُرْعَةٍ مِنْ تُرْعِ الْجَنَّةِ» وَ التُّرْعَةُ هِيَ الْبَابُ الصَّغِيرُ. ثُمَّ تَأْتِي مَقَامَ النَّبِيِّ ﷺ فَتُصَلِّي فِيهِ مَا بَدَأَ لَكَ، فَإِذَا دَخَلْتَ الْمَسْجِدَ فَصَلِّ عَلَى النَّبِيِّ ﷺ وَ إِذَا خَرَجْتَ فَاصْنَعْ مِثْلَ ذَلِكَ وَ أَكْثِرْ مِنَ الصَّلَاةِ فِي مَسْجِدِ الرَّسُولِ ﷺ.

۲ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهَبٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ:

لَمَّا كَانَ سَنَةُ إِحْدَى وَ أَرْبَعِينَ أَرَادَ مُعَاوِيَةُ الْحَجَّ فَأَرْسَلَ نَجَّارًا وَ أَرْسَلَ بِالْأَلَةِ، وَ كَتَبَ إِلَى صَاحِبِ الْمَدِينَةِ أَنْ يَقْلَعَ مَنْبَرَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ يَجْعَلُوهُ عَلَى قَدْرِ مَنْبَرِهِ بِالسَّامِ، فَلَمَّا نَهَضُوا لِيَقْلَعُوهُ انْكَسَفَتِ الشَّمْسُ وَ زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ فَكَفُّوا وَ كَتَبُوا بِذَلِكَ إِلَى مُعَاوِيَةَ.

هرگاه کنار قبر پیامبر ﷺ دعایت پایان یافت به طرف منبر برو و دست خود را به آن بمال و دو گردی آن را - که مانند انار و در پایین است - بگیر و به چشمان و صورتت بمال، زیرا گفته می شود که آن شفای چشم است. آن گاه کنارش بایست و خدا را ستایش کن و او را ثنا گوی و حاجت خود را بخواه، زیرا که رسول خدا ﷺ فرمود:

«میان منبر و خانه من بوستانی از بوستان های بهشتی است و منبر من، دریچه ای از دریچه های بهشتی است».

سپس به جانب جایگاه پیامبر ﷺ برو و هر چه خواستی نماز گزار، چون داخل مسجد شدی بر پیامبر ﷺ درود بفرست و چون بیرون رفتی درود بر حضرتش بفرست و در مسجد رسول ﷺ نماز بسیار بخوان.

۲ - معاویه بن وهب گوید: از امام صادق ع شنیدم که می فرمود:

آن گاه که سال چهل و یک فرا رسید و معاویه تصمیم گرفت در مراسم حج شرکت کند، نجاری را با وسایل نجاری به مدینه فرستاد و به حاکم مدینه نوشت: منبر رسول خدا ﷺ را تخریب و همانند منبرش در شام قرار ده.

وقتی حاکم خواست این حکم را عملی کند آفتاب گرفت و زمین لرزید. آنها از این کار دست کشیدند و این قضیه را طی نامه ای به معاویه گزارش دادند.



فَكَتَبَ عَلَيْهِمْ يَغْزِمُ عَلَيْهِمْ لَمَّا فَعَلُوهُ، فَفَعَلُوا ذَلِكَ، فَمَنْبَرُ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ  
الْمَدْخَلُ الَّذِي رَأَيْتَ.

۳- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ جَمِيلٍ عَنْ أَبِي بَكْرٍ  
الْحَضْرَمِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

مَا بَيْنَ بَيْتِي وَ مَنْبَرِي رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ وَ مَنْبَرِي عَلَى تُرْعَةٍ مِنْ تُرْعِ الْجَنَّةِ  
وَ قَوَائِمُ مَنْبَرِي رُبَّتْ فِي الْجَنَّةِ.

قَالَ: قُلْتُ: هِيَ رَوْضَةُ الْيَوْمِ؟

قَالَ: نَعَمْ، إِنَّهُ لَوْ كُشِفَ الْغِطَاءُ لَرَأَيْتُمْ.

۴- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ  
رَزِينٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ حَدِّ مَسْجِدِ الرَّسُولِ ﷺ.

معاویه در پاسخ تأکید نمود که این حکم را انجام دهند.

آنان حکم او را اجرا کردند. اکنون منبر رسول خدا ﷺ در موضعی است که می بینی.

۳- ابی بکر حضرمی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا ﷺ می فرمود:

میان خانه و منبر من بوستانی از بوستان‌های بهشت است و منبر من بر دریچه‌ای از

دریچه‌های بهشت است و پایه‌های منبر من از بهشت نمو کرده است.

گوید: گفتم: آن جا امروزه هم بوستان است؟

فرمود: آری، اگر پرده برداشته شود، خواهید دید.

۴- محمد بن مسلم گوید: از امام (باقر و یا امام صادق علیه السلام) پرسیدم: مساحت مسجد

رسول ﷺ چقدر است؟

فَقَالَ: الْأُسْطُوَانَةُ الَّتِي عِنْدَ رَأْسِ الْقَبْرِ إِلَى الْأُسْطُوَانَتَيْنِ مِنْ وَرَاءِ الْمِنْبَرِ عَنْ يَمِينِ الْقِبْلَةِ وَكَانَ مِنْ وَرَاءِ الْمِنْبَرِ طَرِيقٌ تَمُرُّ فِيهِ الشَّاةُ وَ يَمُرُّ الرَّجُلُ مُنْحَرِفًا، وَ كَانَ سَاحَةُ الْمَسْجِدِ مِنَ الْبَلَاطِ إِلَى الصَّحْنِ.

۵- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَدِيدٍ عَنْ مُرَازِمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَمَّا يَقُولُ النَّاسُ فِي الرَّوْضَةِ.

فَقَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: «فِيمَا بَيْنَ بَيْتِي وَ مِنبَرِي رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ وَ مِنبَرِي عَلَى تُرْعَةٍ مِنْ تُرْعِ الْجَنَّةِ».

فَقُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! فَمَا حَدُّ الرَّوْضَةِ؟  
فَقَالَ: بُعْدُ أَرْبَعِ أَسَاطِينَ مِنَ الْمِنْبَرِ إِلَى الظَّلَالِ.  
فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! مِنَ الصَّحْنِ فِيهَا شَيْءٌ.  
قَالَ: لَا.

فرمود: از ستون نزد بالا سر قبر تا دو ستون از پشت منبر از سمت راست قبله و پشت منبر راه باریکی بود که فقط گوسفند می توانست عبور کند و انسان هم می توانست به صورت خمیده رد شود و فضای مسجد از محل سنگ فرش بلاط تا صحن بود.  
۵- مرزم گوید: از امام صادق عليه السلام در مورد سخنانی که مردم درباره روضه می گویند پرسیدم.

فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

میان خانه و منبر من بوستانی از بوستان های بهشت است، منبر من بر دریچه از دریچه های بهشت است.

گفتم: فدایت گردم! مساحت روضه چقدر است؟

فرمود: به اندازه چهار ستون از منبر تا سایه بان ها.

گفتم: قربانت گردم! آیا چیزی از صحن در روضه قرار گرفته است؟  
فرمود: نه.

- ۶- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي بصيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: حَدُّ الرُّوضَةِ فِي مَسْجِدِ الرَّسُولِ صلی الله علیه و آله إِلَى طَرَفِ الظَّلَالِ، وَ حَدُّ الْمَسْجِدِ إِلَى الْأُسْطُوَانَتَيْنِ عَنْ يَمِينِ الْمَنْبَرِ إِلَى الطَّرِيقِ مِمَّا يَلِي سُوقَ اللَّيْلِ.
- ۷- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَمْرٍو بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرِ عَنْ عَبْدِ الْأَعْلَى مَوْلَى آلِ سَامٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: كَمْ كَانَ مَسْجِدُ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله؟ قَالَ: كَانَ ثَلَاثَةَ آلَافٍ وَ سِتِّمِائَةَ ذِرَاعٍ مَكْسَرًا.
- ۸- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهَبٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: هَلْ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: «مَا بَيْنَ بَيْتِي وَ مِنبَرِي رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ»؟

- ۶- ابو بصیر گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: مساحت روضه در مسجد رسول صلی الله علیه و آله (از دیوار قبلی میان منبر و خانه) تا طرف سایه‌بان‌ها است و مساحت مسجد از خانه حضرت تا دو ستون از سمت راست منبر تا راهی که متصل به بازار اللیل است، می‌باشد.
- ۷- عبدالاعلی مولى آل سام گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: مساحت مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله چه اندازه بود؟ فرمود: سه هزار و ششصد ذراع مکسر بود.
- ۸- معاویه بن وهب گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: آیا رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که «میان خانه و منبر من بوستانی از بوستان‌های بهشت است»؟

فَقَالَ: نَعَمْ. وَقَالَ: بَيْتُ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ مَا بَيْنَ الْبَيْتِ الَّذِي فِيهِ النَّبِيُّ ﷺ إِلَى الْبَابِ الَّذِي يُحَاذِي الزُّقَاقَ إِلَى الْبَقِيعِ.  
 قَالَ: فَلَوْ دَخَلْتَ مِنْ ذَلِكَ الْبَابِ وَالْحَائِطُ مَكَانَهُ أَصَابَ مِنْكَ بَكَ الْأَيْسَرُ.  
 ثُمَّ سَمَى سَائِرَ الْبُيُوتِ وَقَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «الصَّلَاةُ فِي مَسْجِدِي تَعْدِلُ أَلْفَ صَلَاةٍ فِي غَيْرِهِ إِلَّا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ فَهُوَ أَفْضَلُ».

۹- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَّاءِ وَ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ الْقَاسِمِ بْنِ سَالِمٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ:  
 إِذَا دَخَلْتَ مِنْ بَابِ الْبَقِيعِ فَبَيْتُ عَلِيٍّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ عَلَى يَسَارِكَ قَدَرُ مَمَرٍ عَنْزٍ مِنَ الْبَابِ وَ هُوَ إِلَى جَانِبِ بَيْتِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ بَابَاهُمَا جَمِيعاً مَقْرُونَانِ.  
 ۱۰- سَهْلُ بْنُ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

فرمود: آری.

و فرمود: خانه علی و فاطمه علیهما السلام میان خانه‌ای که پیامبر ﷺ بود تا دری که مقابل کوچه بقیع است قرار داشت.

فرمود: اگر از آن در وارد شوی و دیوار جای خود باشد به شانه چپ تو اصابت خواهد کرد. آن‌گاه دیگر خانه‌ها را نام برد و فرمود: رسول خدا ﷺ فرمود: نماز در مسجد من برابر هزار نماز در غیر آن است جز مسجد الحرام. پس آن بهتر است.

۹- قاسم بن سالم گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمود:

هر گاه از در بقیع وارد شدی خانه علی صلوات الله علیه سمت چپ تو قرار می‌گیرد به اندازه‌ای که بز ماده‌ای رد شود و آن کنار خانه رسول خدا ﷺ است و درهای هر دو به هم نزدیکند.

۱۰- نظیر این روایت را جمیل بن درّاج نیز از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند.

«مَا بَيْنَ مَنبَرِي وَبُيُوتِي رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ وَ مَنبَرِي عَلَى تُرْعَةٍ مِنْ تُرْعِ الْجَنَّةِ وَ صَلَاةٌ فِي مَسْجِدِي تَعْدِلُ أَلْفَ صَلَاةٍ فِيمَا سِوَاهُ مِنَ الْمَسَاجِدِ إِلَّا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ».

قَالَ جَمِيلٌ: قُلْتُ لَهُ: بُيُوتُ النَّبِيِّ ﷺ وَبَيْتُ عَلِيِّ ﷺ مِنْهَا؟  
قَالَ: نَعَمْ وَ أَفْضَلُ.

۱۱- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي سَلَمَةَ عَنْ هَارُونَ بْنِ خَارِجَةَ قَالَ:

الصَّلَاةُ فِي مَسْجِدِ الرَّسُولِ ﷺ تَعْدِلُ عَشْرَةَ آلَافِ صَلَاةٍ.

۱۲- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ أَبِي إِسْمَاعِيلَ السَّرَّاجِ عَنْ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي الصَّامِتِ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ﷺ:

صَلَاةٌ فِي مَسْجِدِ النَّبِيِّ ﷺ تَعْدِلُ بَعْشَرَةَ آلَافِ صَلَاةٍ.

۱۳- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ قَالَ:

در پایان آن می‌افزاید: به حضرتش گفتم: خانه پیامبر ﷺ و خانه علی ﷺ از مسجد (و باغ بهشتی) است؟

فرمود: آری و برتر است.

۱۱- هارون بن خارجه گوید: حضرتش فرمود:

نماز در مسجد رسول خدا ﷺ برابر ده هزار نماز است.

۱۲- نظیر این روایت را ابی صامت نیز از امام صادق ﷺ نقل می‌کند.

۱۳- یونس بن یعقوب گوید:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الصَّلَاةُ فِي بَيْتِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ أَفْضَلُ أَوْ فِي الرُّوضَةِ؟  
قَالَ: فِي بَيْتِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ.

۱۴ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَيُّوبَ بْنِ نُوحٍ عَنْ صَفْوَانَ وَابْنِ أَبِي  
عُمَيْرٍ وَغَيْرِ وَاحِدٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ قَالَ:  
قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الصَّلَاةُ فِي بَيْتِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ مِثْلُ الصَّلَاةِ فِي الرُّوضَةِ؟  
قَالَ: وَأَفْضَلُ.

(۶)

### بَابُ مَقَامِ جَبْرِئِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنْ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ عَنْ  
صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ جَمِيعاً قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:  
أَنْتَ مَقَامَ جَبْرِئِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ هُوَ تَحْتَ الْمِيزَابِ، فَإِنَّهُ كَانَ مَقَامَهُ إِذَا اسْتَأْذَنَ عَلَى  
رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ قُلْ:

به امام صادق علیه السلام گفتم: نماز در خانه فاطمه علیه السلام بهتر است یا در روضه (مابین قبر و منبر)؟

فرمود: خانه فاطمه علیه السلام.

۱۴ - جمیل بن درّاج گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: نماز در خانه فاطمه علیه السلام مانند نماز در روضه است؟  
فرمود: و برتر از آن است.

### بخش ششم

### جایگاه جبرئیل علیه السلام

۱ - معاویه بن عمار گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

به مقام جبرئیل علیه السلام که زیر ناودان است برو، زیرا که آن جا جایگاه او بود، آن گاه که می خواست از رسول خدا ﷺ اجازه بگیرد و بگو:

«أَيُّ جَوَادٍ أَيْ كَرِيمٍ أَيْ قَرِيبٍ أَيْ بَعِيدٍ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ أَسْأَلُكَ أَنْ تَرُدَّ عَلَيَّ نِعْمَتَكَ».

قَالَ: وَ ذَلِكَ مَقَامٌ لَا تَدْعُو فِيهِ حَائِضٌ تَسْتَقْبِلُ الْقِبْلَةَ، ثُمَّ تَدْعُو بِدُعَاءِ الدَّمِ إِلَّا رَأَتْ الطُّهْرَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ.

## (۷)

## بَابُ فَضْلِ الْمَقَامِ بِالْمَدِينَةِ وَ الصَّوْمِ وَ الْإِعْتِكَافِ عِنْدَ الْأَسَاطِينِ

۱- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ فَضَالٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ جَهْمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام أَيُّمَا أَفْضَلُ الْمَقَامُ بِمَكَّةَ أَوْ بِالْمَدِينَةِ؟ فَقَالَ: أَيُّ شَيْءٍ تَقُولُ أَنْتَ؟ قَالَ: فَقُلْتُ: وَ مَا قَوْلِي مَعَ قَوْلِكَ. قَالَ: إِنْ قَوْلُكَ يَرُدُّكَ إِلَى قَوْلِي.

«أَيُّ جَوَادٍ أَيْ كَرِيمٍ أَيْ قَرِيبٍ أَيْ بَعِيدٍ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ أَسْأَلُكَ أَنْ تَرُدَّ عَلَيَّ نِعْمَتَكَ».

فرمود: و آن جایی است که اگر زن حائض رو به قبله دعای قطع خونریزی کند، دعایش مستجاب می‌شود و پاک می‌شود ان شاء الله.

## بخش هفتم

## فضیلت اقامت در مدینه ۱ روزه داری و اعتکاف نزد ستون‌ها

۱- حسن بن جهم گوید: از امام کاظم عليه السلام پرسیدم: کدام یک بهتر است اقامت در مکه یا در مدینه؟

فرمود: تو چه می‌گویی؟

گوید: گفتم: سخنی در برابر سخن شما ندارم.

فرمود: همانا سخن تو از سخن ماست.

قَالَ: فَقُلْتُ لَهُ: أَمَا أَنَا فَأَزْعُمُ أَنَّ الْمَقَامَ بِالْمَدِينَةِ أَفْضَلُ مِنَ الْمَقَامِ بِمَكَّةَ.  
قَالَ: فَقَالَ: أَمَا لَيْتَ قُلْتَ ذَلِكَ، لَقَدْ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ذَلِكَ يَوْمَ فِطْرٍ، وَجَاءَ إِلَى  
رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَسَلَّمَ عَلَيْهِ فِي الْمَسْجِدِ. ثُمَّ قَالَ: قَدْ فَضَّلْنَا النَّاسَ الْيَوْمَ بِسَلَامِنَا  
عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ.

۲- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَدِيدٍ عَنْ مُرَازِمٍ قَالَ:  
دَخَلْتُ أَنَا وَعَمَّارٌ وَجَمَاعَةٌ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِالْمَدِينَةِ، فَقَالَ: مَا مَقَامُكُمْ؟  
فَقَالَ: عَمَّارٌ قَدْ سَرَّحْنَا ظَهْرَنَا وَآمَرْنَا أَنْ نُؤْتَى بِهِ إِلَى خَمْسَةِ عَشَرَ يَوْمًا.  
فَقَالَ: أَصَبْتُمُ الْمَقَامَ فِي بَلَدِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ الصَّلَاةَ فِي مَسْجِدِهِ وَ اعْمَلُوا  
لَا خَيْرَ تَكُمُ وَ أَكْثَرُوا لِأَنْفُسِكُمْ، إِنَّ الرَّجُلَ قَدْ يَكُونُ كَيْسًا فِي الدُّنْيَا فَيَقَالُ: مَا أَكَيْسَ  
فُلَانًا، وَ إِنَّمَا الْكَيْسُ كَيْسُ الْآخِرَةِ.  
۳- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنْ  
مُحَمَّدِ بْنِ عَمْرٍو الزِّيَّاتِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

گوید: به حضرتش گفتم: من گمان می‌کنم که اقامت در مدینه بهتر از اقامت در مکه باشد.  
گوید: فرمود: آگاه باش! اگر تو چنین گفتی البته این سخن را امام صادق علیه السلام در روز فطر  
فرمود و به کنار قبر رسول خدا ﷺ آمد و در مسجد بر او سلام داد.

سپس فرمود: امروز ما به جهت سلام بر رسول خدا ﷺ نسبت به مردم برتری داده شده‌ایم.  
۲- مرّازم گوید: من، عمار و عده‌ای در مدینه به خدمت امام صادق علیه السلام شرف‌یاب شدیم.  
حضرتش فرمود: چقدر در مدینه می‌مانید؟

عمار گفت: مرکب خود را به چرا فرستادیم و گفتیم: تا پانزده روز دیگر بیاورند.  
فرمود: شما ماندن در شهر رسول خدا ﷺ و نماز در مسجدش را دریافتید، برای  
آخرت خود عمل نمایید و برای خودتان بسیار توشه بردارید، گاهی فردی از کارهای  
دنیا می‌کند گفته می‌شود: فلانی زیرک است، در حالی که زیرکی، فقط در  
کارهای جهان آخرت است.

۳- محمد بن عمرو زیّات گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:



مَنْ مَاتَ فِي الْمَدِينَةِ بَعَثَهُ اللَّهُ فِي الْأَمْنِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنْهُمْ يَحْيَى بْنُ حَبِيبٍ وَ أَبُو عُبَيْدَةَ الْحَذَاءُ وَ عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ الْحَجَّاجِ.

۴- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِذَا دَخَلْتَ الْمَسْجِدَ فَإِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ تُقِيمَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ الْأَرْبَعَاءَ وَ الْخَمِيسَ وَ الْجُمُعَةَ فَصَلِّ مَا بَيْنَ الْقَبْرِ وَ الْمِنْبَرِ يَوْمَ الْأَرْبَعَاءِ عِنْدَ الْأُسْطُوَانَةِ الَّتِي تَلِي الْقَبْرَ فَتَدْعُو اللَّهَ عِنْدَهَا، وَ تَسْأَلُهُ كُلَّ حَاجَةٍ تُرِيدُهَا فِي آخِرَةِ أَوْ دُنْيَا وَ الْيَوْمَ الثَّانِي عِنْدَ أُسْطُوَانَةِ التَّوْبَةِ، وَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ عِنْدَ مَقَامِ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله مُقَابِلَ الْأُسْطُوَانَةِ الْكَثِيرَةِ الْخُلُوقِ، فَتَدْعُو اللَّهَ عِنْدَهُنَّ لِكُلِّ حَاجَةٍ وَ تَصُومُ تِلْكَ الثَّلَاثَةَ الْأَيَّامَ.

۵- ابْنُ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: صُمُّ الْأَرْبَعَاءَ وَ الْخَمِيسَ وَ الْجُمُعَةَ، وَ صَلِّ لَيْلَةَ الْأَرْبَعَاءِ وَ يَوْمَ الْأَرْبَعَاءِ عِنْدَ الْأُسْطُوَانَةِ الَّتِي تَلِي رَأْسَ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله وَ لَيْلَةَ الْخَمِيسِ وَ يَوْمَ الْخَمِيسِ عِنْدَ أُسْطُوَانَةِ أَبِي لُبَابَةَ وَ لَيْلَةَ الْجُمُعَةِ وَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ عِنْدَ الْأُسْطُوَانَةِ الَّتِي تَلِي مَقَامَ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله وَادْعُ بِهَذَا الدُّعَاءِ لِحَاجَتِكَ وَ هُوَ:

هر کس در مدینه بمیرد خداوند او را در روز قیامت جزو ایمن شدگان بر می‌انگیزاند که یحیی بن حبیب، ابو عبید حذاء و عبدالرحمان بن حجاج از این گروهند.

۴- حلبی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هنگامی که وارد مسجد پیامبر شدی اگر توانستی سه روز؛ روزهای چهارشنبه، پنج‌شنبه و جمعه را بمان. پس در روز چهارشنبه میان قبر و منبر نزد ستونی که نزدیک قبر است نماز گزار و خدا را بخوان و هر حاجتی که برای جهان آخرت یا دنیا داری بخواه. و روز دوم کنار ستون توبه و روز جمعه کنار محراب که جایگاه پیامبر صلى الله عليه وآله برابر ستون «کثیره الخلق» خدا را می‌خوانی و حاجت خود را می‌خواهی و این سه روز را روزه می‌گیری.

۵- معاویه بن عمار گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

روزهای چهارشنبه، پنجشنبه و جمعه را روزه بگیر و شب چهارشنبه و روز چهارشنبه نزد ستونی که نزدیک بالای سر پیامبر صلى الله عليه وآله است نماز گزار و شب پنجشنبه و روز پنجشنبه نزد ستون ابو لبابه و شب جمعه و روز جمعه نزد ستونی که نزدیک مقام پیامبر صلى الله عليه وآله است و برای حاجت خود این دعا را بخوان:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعِزَّتِكَ وَقُوَّتِكَ وَقُدْرَتِكَ وَجَمِيعِ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا».

(۸)

### بَابُ زِيَارَةِ مَنْ بِالْبَقِيعِ عليه السلام

۱- إِذَا أَتَيْتَ الْقَبْرَ الَّذِي بِالْبَقِيعِ فَاجْعَلْهُ بَيْنَ يَدَيْكَ ثُمَّ تَقُولُ:  
«السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيْمَةَ الْهُدَى، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ التَّقْوَى، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ الْحُجَّةَ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ الْقَوَامَ فِي الْبَرِّيَّةِ بِالْقِسْطِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الصَّفْوَةِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ النَّجْوَى.  
أَشْهَدُ أَنَّكُمْ قَدْ بَلَّغْتُمْ وَنَصَحْتُمْ وَصَبَرْتُمْ فِي ذَاتِ اللَّهِ وَكُذِّبْتُمْ وَأُسِيءَ إِلَيْكُمْ فَعَفَوْتُمْ. وَ أَشْهَدُ أَنَّكُمْ الْأَيْمَةُ الرَّاشِدُونَ الْمُهْدِيُّونَ، وَأَنْ طَاعَتَكُمْ مَفْرُوضَةٌ، وَأَنْ قَوْلَكُمْ الصَّدَقُ.

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعِزَّتِكَ وَقُوَّتِكَ وَقُدْرَتِكَ وَجَمِيعِ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا». (به جای کذا و کذا حاجت خود را بخواه).

### بخش هشتم

### زیارت ائمه بقیع عليهم السلام

۱- هرگاه به قبرستان بقیع آمدی آن را مقابل خود قرار ده سپس بگو: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيْمَةَ الْهُدَى، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ التَّقْوَى، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ الْحُجَّةَ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ الْقَوَامَ فِي الْبَرِّيَّةِ بِالْقِسْطِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الصَّفْوَةِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ النَّجْوَى.  
أَشْهَدُ أَنَّكُمْ قَدْ بَلَّغْتُمْ وَنَصَحْتُمْ وَصَبَرْتُمْ فِي ذَاتِ اللَّهِ وَكُذِّبْتُمْ وَأُسِيءَ إِلَيْكُمْ فَعَفَوْتُمْ. وَ أَشْهَدُ أَنَّكُمْ الْأَيْمَةُ الرَّاشِدُونَ الْمُهْدِيُّونَ، وَأَنْ طَاعَتَكُمْ مَفْرُوضَةٌ، وَأَنْ قَوْلَكُمْ الصَّدَقُ.

وَأَنْتُمْ دَعَوْتُمْ فَلَمْ تَجَابُوا وَأَمَرْتُمْ فَلَمْ تَطَاعُوا وَأَنْتُمْ دَعَايُمُ الدِّينِ، وَارْكَانُ الْأَرْضِ، وَلَمْ تَرَالُوا بِعَيْنِ اللَّهِ يَنْسَخُكُمْ فِي أَصْلَابِ كُلِّ مُطَهَّرٍ وَيَنْقُلُكُمْ فِي أَرْحَامِ الْمُطَهَّرَاتِ لَمْ تُدْنَسْكُمْ الْجَاهِلِيَّةُ الْجَهْلَاءُ وَلَمْ تَشْرِكْ فِيكُمْ فَتَنُ الْأَهْوَاءِ طِبْتُمْ وَطَابَ مَنَبَتُكُمْ، مَنْ بِكُمْ عَلَيْنَا دِيَانُ الدِّينِ، فَجَعَلَكُمْ فِي بُيُوتِ أَدْنِ اللَّهِ أَنْ تَرْفَعَ وَيُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ وَجَعَلَ صَلَوَاتِنَا عَلَيْكُمْ رَحْمَةً لَنَا وَكَفَّارَةً لِدُنُوبِنَا إِذَا اخْتَارَكُمُ لَنَا وَطَيَّبَ خَلْقَنَا بِمَا مَنْ بِهِ عَلَيْنَا مِنْ وَلَايَتِكُمْ وَكُنَّا عِنْدَهُ مُسَمِّينَ بِفَضْلِكُمْ مُعْتَرِفِينَ بِتَصَدِيقِنَا إِيَّاكُمْ.

وَهَذَا مَقَامٌ مِنْ أَسْرَفٍ وَأَخْطَاً وَاسْتِكَانٍ وَأَقَرُّ بِمَا جَنَى وَرَجَا بِمَقَامِهِ الْخَالَصِ وَأَنْ يَسْتَنْقِذَهُ بِكُمْ مُسْتَنْقِذُ الْهَلَكَى مِنَ الرَّدَى فَكُونُوا لِي شُفَعَاءَ فَقَدْ وَدَدْتُ إِلَيْكُمْ إِذَا رَغِبَ عَنْكُمْ أَهْلُ الدُّنْيَا وَاتَّخَذُوا آيَاتِ اللَّهِ هُزُوًّا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا يَا مَنْ هُوَ قَائِمٌ لَا يَسْهُو وَدَائِمٌ لَا يَلْهُو وَ مُحِيطٌ بِكُلِّ شَيْءٍ لَكَ الْمَنْ بِيَّمَا وَقَفْتَنِي وَعَرَفْتَنِي مِمَّا انْتَمَيْتَنِي عَلَيْهِ إِذْ صَدَّ عَنْهُمْ عِبَادُكَ وَجَهَلُوا مَعْرِفَتَهُمْ وَاسْتَحْفُوا بِحَقِّهِمْ وَمَالُوا إِلَى سِوَاهُمْ فَكَانَتْ الْمِنَّةُ مِنْكَ عَلَيَّ مَعَ أَقْوَامٍ خَصَصْتَهُمْ بِمَا خَصَصْتَنِي بِهِ. فَلَكَ الْحَمْدُ إِذْ كُنْتُ عِنْدَكَ فِي مَقَامِي هَذَا مَذْكُورًا مَكْتُوبًا وَلَا تَحْرِمْ نِي مَا رَجَوْتُ وَلَا تُخَيِّبْنِي فِيمَا دَعَوْتُ». وَادْعُ لِنَفْسِكَ بِمَا أَحَبَبْتَ.

وَأَنْتُمْ دَعَوْتُمْ فَلَمْ تَجَابُوا وَأَمَرْتُمْ فَلَمْ تَطَاعُوا وَأَنْتُمْ دَعَايُمُ الدِّينِ، وَارْكَانُ الْأَرْضِ، وَلَمْ تَرَالُوا بِعَيْنِ اللَّهِ يَنْسَخُكُمْ فِي أَصْلَابِ كُلِّ مُطَهَّرٍ وَيَنْقُلُكُمْ فِي أَرْحَامِ الْمُطَهَّرَاتِ لَمْ تُدْنَسْكُمْ الْجَاهِلِيَّةُ الْجَهْلَاءُ وَلَمْ تَشْرِكْ فِيكُمْ فَتَنُ الْأَهْوَاءِ طِبْتُمْ وَطَابَ مَنَبَتُكُمْ، مَنْ بِكُمْ عَلَيْنَا دِيَانُ الدِّينِ، فَجَعَلَكُمْ فِي بُيُوتِ أَدْنِ اللَّهِ أَنْ تَرْفَعَ وَيُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ وَجَعَلَ صَلَوَاتِنَا عَلَيْكُمْ رَحْمَةً لَنَا وَكَفَّارَةً لِدُنُوبِنَا إِذَا اخْتَارَكُمُ لَنَا وَطَيَّبَ خَلْقَنَا بِمَا مَنْ بِهِ عَلَيْنَا مِنْ وَلَايَتِكُمْ وَكُنَّا عِنْدَهُ مُسَمِّينَ بِفَضْلِكُمْ مُعْتَرِفِينَ بِتَصَدِيقِنَا إِيَّاكُمْ.

وَهَذَا مَقَامٌ مِنْ أَسْرَفٍ وَأَخْطَاً وَاسْتِكَانٍ وَأَقَرُّ بِمَا جَنَى وَرَجَا بِمَقَامِهِ الْخَالَصِ وَأَنْ يَسْتَنْقِذَهُ بِكُمْ مُسْتَنْقِذُ الْهَلَكَى مِنَ الرَّدَى فَكُونُوا لِي شُفَعَاءَ فَقَدْ وَدَدْتُ إِلَيْكُمْ إِذَا رَغِبَ عَنْكُمْ أَهْلُ الدُّنْيَا وَاتَّخَذُوا آيَاتِ اللَّهِ هُزُوًّا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا يَا مَنْ هُوَ قَائِمٌ لَا يَسْهُو وَدَائِمٌ لَا يَلْهُو وَ مُحِيطٌ بِكُلِّ شَيْءٍ لَكَ الْمَنْ بِيَّمَا وَقَفْتَنِي وَعَرَفْتَنِي مِمَّا انْتَمَيْتَنِي عَلَيْهِ إِذْ صَدَّ عَنْهُمْ عِبَادُكَ وَجَهَلُوا مَعْرِفَتَهُمْ وَاسْتَحْفُوا بِحَقِّهِمْ وَمَالُوا إِلَى سِوَاهُمْ فَكَانَتْ الْمِنَّةُ مِنْكَ عَلَيَّ مَعَ أَقْوَامٍ خَصَصْتَهُمْ بِمَا خَصَصْتَنِي بِهِ.

فَلَكَ الْحَمْدُ إِذْ كُنْتُ عِنْدَكَ فِي مَقَامِي هَذَا مَذْكُورًا مَكْتُوبًا وَلَا تَحْرِمْ نِي مَا رَجَوْتُ وَلَا تُخَيِّبْنِي فِيمَا دَعَوْتُ». وَأَنْ چِه دوست داری برای خودت دعا بکن.

(۹)

## بَابُ اثْنَانِ الْمَشَاهِدِ وَقُبُورِ الشُّهَدَاءِ

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى وَ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ جَمِيعاً عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

لَا تَدْعُ اثْنَانِ الْمَشَاهِدِ كُلَّهُمَا؛ مَسْجِدَ قُبَاءَ، فَإِنَّهُ الْمَسْجِدُ الَّذِي أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ، وَ مَشْرِبَةَ أُمِّ إِبْرَاهِيمَ، وَ مَسْجِدَ الْفَضِيحِ، وَ قُبُورِ الشُّهَدَاءِ، وَ مَسْجِدَ الْأَحْزَابِ، وَ هُوَ مَسْجِدُ الْفَتْحِ.

قَالَ: وَ بَلَّغْنَا أَنَّ النَّبِيَّ صلى الله عليه وآله كَانَ إِذَا أَتَى قُبُورَ الشُّهَدَاءِ قَالَ:

«السَّلَامُ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ».

وَ لِيَكُنْ فِيمَا تَقُولُ عِنْدَ مَسْجِدِ الْفَتْحِ:

## بخش نهم

## زیارت مشاهد و قبور شهدا

۱ - معاویه بن عمار گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

برای زیارت همه مشاهد برو از جمله: مسجد قبا مسجدی که از آغاز برای تقوا بنا شده، غرفه ماریه مادر ابراهیم، مسجد فضیح، قبور شهدای احد، مسجد احزاب که همان مسجد فتح است.

فرمود: به ما روایت شده که هر گاه پیامبر صلى الله عليه وآله به کنار قبور شهدا می آمد می فرمود:

«السَّلَامُ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ».

و در مسجد فتح این گونه بگو:

«يَا صَرِيخَ الْمَكْرُوبِينَ يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ اكْثِفْ هَمِّي وَ غَمِّي وَ كَرْبِي كَمَا كَشَفْتَ عَنْ نَبِيِّكَ هَمَّهُ وَ غَمَّهُ وَ كَرْبَهُ وَ كَفَيْتَهُ هَؤُلَاءِ عَدُوَّهُ فِي هَذَا الْمَكَانِ».

۲- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ هِلَالٍ عَنْ عُقْبَةَ بْنِ خَالِدٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَا تَأْتِي الْمَسَاجِدَ الَّتِي حَوْلَ الْمَدِينَةِ فَبِأَيِّهَا أَبْدَأُ؟ فَقَالَ: ابْدَأْ بِقُبَاءِ فَصَلِّ فِيهِ وَ أَكْثِرْ، فَإِنَّهُ أَوَّلُ مَسْجِدٍ صَلَّى فِيهِ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله فِي هَذِهِ الْعَرَصَةِ، ثُمَّ أَنْتِ مَشْرَبَةُ أُمِّ إِبْرَاهِيمَ فَصَلِّ فِيهَا، وَ هِيَ مَسْكَنُ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وَ مُصَلَّاهُ، ثُمَّ تَأْتِي مَسْجِدَ الْفَضِيخِ فَتُصَلِّي فِيهِ فَقَدْ صَلَّى فِيهِ نَبِيُّكَ، فَإِذَا قَضَيْتَ هَذَا الْجَانِبَ أَتَيْتَ جَانِبَ أُحُدٍ فَبَدَأْتَ بِالْمَسْجِدِ الَّذِي دُونَ الْحَرَّةِ فَصَلَّيْتُ فِيهِ، ثُمَّ مَرَرْتُ بِقَبْرِ حَمْزَةَ بْنِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ فَسَلَّمْتُ عَلَيْهِ، ثُمَّ مَرَرْتُ بِقُبُورِ الشُّهَدَاءِ فَقُمْتُ عَنْدَهُمْ فَقُلْتُ:

«يَا صَرِيخَ الْمَكْرُوبِينَ يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ اكْثِفْ هَمِّي وَ غَمِّي وَ كَرْبِي كَمَا كَشَفْتَ عَنْ نَبِيِّكَ هَمَّهُ وَ غَمَّهُ وَ كَرْبَهُ وَ كَفَيْتَهُ هَؤُلَاءِ عَدُوَّهُ فِي هَذَا الْمَكَانِ».

۲- عقبه بن خالد گوید: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: ما برای دیدن به مساجد اطراف مدینه می‌رویم از کدام آنها شروع کنم؟

فرمود: از مسجد قبا شروع کن. در آن جا نماز بگزار، زیرا آن نخستین مسجدی است که رسول خدا صلى الله عليه وآله از این همه عرصه در آن نماز خواند.

سپس به غرفه مادر ابراهیم برو در آن نیز نماز بگزار و آن محل سکونت و نماز رسول خدا صلى الله عليه وآله بود.

آن گاه به مسجد فضیخ برو و در آن نماز بگزار که پیامبرت در آن نماز گزارد. وقتی این طرف را تمام نمودی به جانب اُحد می‌روی و از مسجدی که نزدیک سنگستان است در آن نماز می‌گزاری، سپس به قبر حمزه فرزند عبدالمطلب عليه السلام می‌روی، بر او سلام می‌نمایی، آن گاه به قبور شهدا می‌روی و نزد آنها ایستاده می‌گویی:

«السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ الدِّيَارِ أَنْتُمْ لَنَا فَرَطٌ وَإِنَّا بِكُمْ لَاجِقُونَ» ثُمَّ تَأْتِي الْمَسْجِدَ الَّذِي كَانَ فِي الْمَكَانِ الْوَاسِعِ إِلَى جَنْبِ الْجَبَلِ عَنْ يَمِينِكَ حِينَ تَدْخُلُ أَحَدًا فَتُصَلِّي فِيهِ فَعِنْدَهُ خَرَجَ النَّبِيُّ ﷺ إِلَى أَحَدٍ حِينَ لَقِيَ الْمُشْرِكِينَ فَلَمْ يَبْرَحُوا حَتَّى حَضَرَتِ الصَّلَاةُ فَصَلَّى فِيهِ.

ثُمَّ مَرَّ أَيْضًا حَتَّى تَرْجِعَ فَتُصَلِّي عِنْدَ قُبُورِ الشُّهَدَاءِ مَا كَتَبَ اللَّهُ لَكَ، ثُمَّ امْضِ عَلَى وَجْهِكَ حَتَّى تَأْتِيَ مَسْجِدَ الْأَحْزَابِ فَتُصَلِّي فِيهِ وَتَدْعُو اللَّهَ فِيهِ، فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ دَعَا فِيهِ يَوْمَ الْأَحْزَابِ وَقَالَ:

«يَا صَرِيخَ الْمَكْرُوبِينَ يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ يَا مُغِيثَ الْمُهْمُومِينَ اكْشِفْ هَمِّي وَكَرْبِي وَغَمِّي فَقَدْ تَرَى حَالِي وَحَالَ أَصْحَابِي».

۳- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُؤَيْدٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ:

«السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ الدِّيَارِ أَنْتُمْ لَنَا فَرَطٌ وَإِنَّا بِكُمْ لَاجِقُونَ».

سپس به مسجدی می‌آیی که به هنگام ورود تو به أحد در سمت راست تو در جای وسیع کنار کوه قرار گرفته است و در آن نماز می‌خوانی.

پیامبر ﷺ به هنگام رو در رو با مشرکان از همان جا به سوی احد خارج شد، پس درنگ نکردند تا وقت نماز فرا رسید پس در آن نماز خواند.

آن گاه بگذر تا به نزد قبور شهدا برگردی و نماز فریضه بخوانی. آن گاه به راه خود ادامه ده تا به مسجد احزاب بیایی و در آن نماز می‌گزاری و خدا را فرا می‌خوانی زیرا رسول خدا ﷺ در جنگ احزاب در آن مسجد دعا کرد و فرمود:

«يَا صَرِيخَ الْمَكْرُوبِينَ يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ يَا مُغِيثَ الْمُهْمُومِينَ اكْشِفْ هَمِّي وَكَرْبِي وَغَمِّي فَقَدْ تَرَى حَالِي وَحَالَ أَصْحَابِي».

۳- هشام بن سالم گوید: از امام صادق ﷺ شنیدم که می‌فرمود:

عَاشَتْ فَاطِمَةُ ٱلْعَظِيمَةُ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ خَمْسَةَ وَ سَبْعِينَ يَوْمًا، لَمْ تُرْكَاشِرَةً وَلَا ضَاحِكَةً، تَأْتِي قُبُورَ الشُّهَدَاءِ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ مَرَّتَيْنِ الْإِثْنَيْنِ وَالْخَمِيسَ فَتَقُولُ: هَاهُنَا كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَ هَاهُنَا كَانَ الْمُشْرِكُونَ.  
و فِي رِوَايَةٍ أُخْرَى: أَبَاؤُ عَمَّنْ أَخْبَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ٱلْعَظِيمِ: أَنَّهَا كَانَتْ تُصَلِّي هُنَاكَ وَ تَدْعُو حَتَّى مَاتَتْ ٱلْعَظِيمَةُ.

۴ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ فَضَّالٍ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ لَيْثِ الْمُرَادِيِّ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ٱلْعَظِيمَ عَنْ مَسْجِدِ الْفَضِيحِ لِمَ سُمِّيَ مَسْجِدَ الْفَضِيحِ؟  
فَقَالَ: لِتَحُلَّ يُسَمَّى الْفَضِيحَ، فَلِذَلِكَ سُمِّيَ مَسْجِدَ الْفَضِيحِ.

۵ - أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ ابْنِ مُسْكَانٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ قَالَ،

فاطمه ٱلْعَظِيمَةُ بعد از رسول خدا ﷺ هفتاد و پنج روز زندگی نمود و خوشحال و خندان دیده نشد. آن حضرت در هر هفته دو بار، روزهای دوشنبه و پنجشنبه به زیارت قبور شهدا می‌آمد و می‌فرمود: این جا، جایگاه رسول خدا ﷺ بود و این جا، جایگاه مشرکین.  
و در روایت دیگری آمده است: امام صادق ٱلْعَظِيمُ فرمود:

حضرت فاطمه ٱلْعَظِيمَةُ در آن جا نماز می‌خواند و دعا می‌کرد تا این‌که از دنیا رفت.

۴ - لیت مرادی گوید: از امام صادق ٱلْعَظِيمُ در مورد مسجد فضیح پرسیدم که چرا مسجد فضیح نامیده شده است؟

فرمود: به جهت درخت خرمایی به نام فضیح در آن جا بود که به آن سبب مسجد فضیح نامیده شد.

۵ - حلبی گوید:

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: هَلْ أَتَيْتُمْ مَسْجِدَ قُبَاءَ أَوْ مَسْجِدَ الْفَضِيحِ أَوْ مَشْرَبَةَ أُمِّ إِبْرَاهِيمَ؟

قُلْتُ: نَعَمْ.

قَالَ: أَمَا إِنَّهُ لَمْ يَبْقَ مِنْ آثَارِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله شَيْءٌ إِلَّا وَ قَدْ غُيِّرَ غَيْرَ هَذَا.

۶- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ عَمَّارِ بْنِ مُوسَى قَالَ: دَخَلْتُ أَنَا وَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مَسْجِدَ الْفَضِيحِ.

فَقَالَ: يَا عَمَّارُ! تَرَى هَذِهِ الْوَهْدَةَ؟

قُلْتُ: نَعَمْ.

قَالَ: كَانَتْ امْرَأَةً جَعْفَرِ النَّبِيِّ خَلَفَ عَلَيْهَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام قَاعِدَةً فِي هَذَا الْمَوْضِعِ وَ مَعَهَا ابْنَاهَا مِنْ جَعْفَرٍ، فَبَكَتْ فَقَالَ لَهَا ابْنَاهَا: مَا يُبْكِيكِ يَا أُمُّهُ؟ قَالَتْ: بِكَيْتُ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام.

امام صادق عليه السلام فرمود: آیا به مسجد قبا یا مسجد فضیح یا غرفه اُم ابراهیم رفته‌اید؟  
گفتم: آری.

فرمود: آگاه باشید! چیزی از آثار رسول خدا صلی الله علیه و آله نماند مگر این که تغییرها داده شد جز این اثر.

۷- عَمَّارِ بْنِ مُوسَى گوید: من و امام صادق عليه السلام وارد مسجد فضیح شدیم، فرمود: ای عَمَّار! آیا این زمین پست را می‌بینی؟  
گفتم: آری.

فرمود: زن جعفر طیار بعد از او همسر امیرالمؤمنین عليه السلام شد، در همین جا با دو پسر جعفر نشسته بودند، او گریه کرد، پسرهایش به وی گفتند: برای چه گریه می‌کنی ای مادر؟  
گفت: برای امیرالمؤمنین عليه السلام گریه می‌کنم.



فَقَالَا لَهَا: تَبْكِينَ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَلَا تَبْكِينَ لِأَيِّنَا؟  
 قَالَتْ: لَيْسَ هَذَا هَكَذَا، وَلَكِنْ ذَكَرْتُ حَدِيثًا حَدَّثَنِي بِهِ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي  
 هَذَا الْمَوْضِعِ فَأُبْكَاَنِي.  
 قَالَا: وَمَا هُوَ؟  
 قَالَتْ: كُنْتُ أَنَا وَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي هَذَا الْمَسْجِدِ، فَقَالَ لِي: تَرَيْنَ هَذِهِ  
 الْوَهْدَةَ؟  
 قُلْتُ: نَعَمْ.  
 قَالَ: كُنْتُ أَنَا وَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ قَاعِدَيْنِ فِيهَا إِذْ وَضَعَ رَأْسَهُ فِي حَجْرِي ثُمَّ خَفَقَ  
 حَتَّى غَطَّ وَ حَضَرَتْ صَلَاةُ الْعَصْرِ، فَكَرِهْتُ أَنْ أُحَرِّكَ رَأْسَهُ عَنْ فَخِذِي فَأَكُونُ قَدْ  
 آذَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ حَتَّى ذَهَبَ الْوَقْتُ وَ فَاتَتْ.  
 فَانْتَبَهَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فَقَالَ: يَا عَلِيُّ! صَلَّيْتَ؟  
 قُلْتُ: لَا.

به او گفتند: برای امیرالمؤمنین علیه السلام گریه می‌کنی و به پدر ما گریه نمی‌کنی؟  
 گفت: چنین نیست، ولی بیاد قصه‌ای افتادم که امیرالمؤمنین علیه السلام در این جا برای من  
 نقل فرمود.  
 گفتند: کدام قصه؟  
 گفت: من و امیرالمؤمنین علیه السلام در همین مسجد بودیم، آن حضرت به من فرمود: این  
 زمین پست را می‌بینی؟  
 گفتم: آری.  
 فرمود: من و رسول خدا ﷺ در همین جا نشسته بودیم که سرش را به دامن نهاد،  
 سپس خواب سنگینی نمود، وقتی نماز عصر فرا رسید، نخواستیم سر مبارکش را از دامن  
 خود بردارم که رسول خدا ﷺ را آزار نمایم وقت نماز گذشت و نماز فوت شد.  
 رسول خدا ﷺ بیدار شد. فرمود: ای علی! نماز گزاردی؟  
 گفتم: نه.

قَالَ: وَلِمَ ذَلِكَ؟  
 قُلْتُ: كَرِهْتُ أَنْ أُؤْذِيكَ.  
 قَالَ: فَقَامَ وَاسْتَقْبَلَ الْقِبْلَةَ وَ مَدَّ يَدَيْهِ كِلْتَاهِمَا وَ قَالَ: «اللَّهُمَّ رُدِّ الشَّمْسَ إِلَى وَقْتِهَا حَتَّى يُصَلِّيَ عَلَيَّ».  
 فَ رَجَعَتِ الشَّمْسُ إِلَى وَقْتِ الصَّلَاةِ حَتَّى صَلَّيْتُ الْعَصْرَ، ثُمَّ انْقَضَتْ انْقِضَاضَ الْكُوكَبِ.

(۱۰)

### بَابُ وَدَاعِ قَبْرِ النَّبِيِّ ﷺ

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

فرمود: چرا؟  
 گفتم: نخواستم شما را آزار نمایم.  
 پیامبر خدا ﷺ برخاست و رو به قبله نمود و هر دو دستش را به سوی آسمان بلند کرد و فرمود: خدایا! آفتاب را به وقت نماز عصر برگردان تا علی نماز گزارد.  
 در این هنگام آفتاب به وقت نماز عصر برگشت و من نماز خواندم، سپس با شتاب به سان فرو رفتن ستارگان فرو رفت.

### بخش دهم

### وداع با قبر پیامبر ﷺ

۱ - معاوية بن عمار گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَخْرُجَ مِنَ الْمَدِينَةِ فَاعْتَسِلْ ثُمَّ أَتِ قَبْرَ النَّبِيِّ ﷺ بَعْدَ مَا تَفَرُّغُ مِنْ حَوَائِجِكَ وَاصْنَعْ مِثْلَ مَا صَنَعْتَ عِنْدَ دُحُولِكَ وَقُلْ:

«اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَةِ قَبْرِ نَبِيِّكَ، فَإِنْ تَوَقَّيْتَنِي قَبْلَ ذَلِكَ فَإِنِّي أَشْهَدُ فِي مَمَاتِي عَلَى مَا شَهِدْتُ عَلَيْهِ فِي حَيَاتِي أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَأَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ».

۲ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ فَضَالٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ﷺ عَنْ وَدَاعِ قَبْرِ النَّبِيِّ ﷺ. قَالَ: تَقُولُ: «صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ السَّلَامَ عَلَيْكَ لَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ تَسْلِيمِي عَلَيْكَ».

(۱۱)

### بَابُ تَحْرِيمِ الْمَدِينَةِ

۱ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ حَسَّانَ بْنِ مِهْرَانَ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ:

هرگاه خواستی از مدینه خارج شوی، غسل کن و کنار قبر پیامبر ﷺ برو و اعمالی را که به هنگام ورود انجام دادی، انجام بده و بگو:

«اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَةِ قَبْرِ نَبِيِّكَ، فَإِنْ تَوَقَّيْتَنِي قَبْلَ ذَلِكَ فَإِنِّي أَشْهَدُ فِي مَمَاتِي عَلَى مَا شَهِدْتُ عَلَيْهِ فِي حَيَاتِي أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَأَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ».

۲ - یونس بن یعقوب گوید: از امام صادق ﷺ در مورد وداع قبر پیامبر ﷺ پرسیدم.

فرمود: بگو: «صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ السَّلَامَ عَلَيْكَ لَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ تَسْلِيمِي عَلَيْكَ».

### بخش یازدهم

#### حرمت مدینه

۱ - حَسَّانُ بْنُ مِهْرَانَ گوید: از امام صادق ﷺ شنیدم که می‌فرمود: امیرالمؤمنین ﷺ فرمود:

مَكَّةَ حَرَّمَ اللَّهُ، وَ الْمَدِينَةَ حَرَّمَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ، وَ الْكُوفَةَ حَرَّمَ لَا يُرِيدُهَا جَبَّارٌ بِحَادِثَةٍ إِلَّا قَصَمَهُ اللَّهُ.

۲- حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ غَيْرِ وَاحِدٍ عَنْ أَبَانَ عَنْ أَبِي الْعَبَّاسِ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: حَرَّمَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ الْمَدِينَةَ؟

قَالَ: نَعَمْ حَرَّمَ بَرِيداً فِي بَرِيدٍ غَضَاهَا.

قَالَ: قُلْتُ: صَيَدَهَا.

قَالَ: لَا، يَكْذِبُ النَّاسُ.

۳- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ ابْنِ مُسْكَانٍ عَنِ الْحَسَنِ الصَّقَلِيِّ قَالَ:

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كُنْتُ عِنْدَ زِيَادِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ وَ عِنْدَهُ رِبِيعَةُ الرَّأْيِ.

فَقَالَ زِيَادٌ: مَا الَّذِي حَرَّمَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مِنَ الْمَدِينَةِ؟

مَكَّةَ حَرَّمَ خدا، مدینه حرم رسول خدا ﷺ و کوفه حرم من است. هر ستمگری که قصد سوء به آن داشته باشد خداوند او را شکست می دهد.

۲- ابوالعباس گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: آیا رسول خدا ﷺ مدینه را حرم قرار داد؟

فرمود: آری، پیامبر ﷺ چهار فرسخ در چهار فرسخ درختان آن را حرم قرار داد.

گوید: گفتم: آیا شکار آن را نیز حرام قرار داد؟

فرمود: نه، مردم (مخالفان) دروغ می گویند.

۳- حسن صیقل گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

نزد زیاد بن عبدالله (حاکم مدینه) بودم که ربیعة الرأی نیز (که از اهل رأی است) نزد او

بود. زیاد پرسید: چه بخشی از مدینه را رسول خدا ﷺ حرم قرار داد؟

فَقَالَ لَهُ: بَرِيدٌ فِي بَرِيدٍ.  
 فَقَالَ لِرَبِيعَةَ: وَكَانَ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ أُمَيَّالٌ؟  
 فَسَكَتَ وَلَمْ يُجِبْهُ، فَأَقْبَلَ عَلَيَّ زِيَادٌ فَقَالَ: يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ! مَا تَقُولُ أَنْتَ؟  
 فَقُلْتُ: حَرَّمَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مِنَ الْمَدِينَةِ مَا بَيْنَ لَابَتَيْهَا.  
 قَالَ: وَمَا بَيْنَ لَابَتَيْهَا؟  
 قُلْتُ: مَا أَحَاطَتْ بِهِ الْحِرَارُ.  
 قَالَ: وَمَا حَرَّمَ مِنَ الشَّجَرِ؟  
 قُلْتُ: مِنْ غَيْرٍ إِلَى غَيْرٍ؟  
 قَالَ صَفْوَانُ: قَالَ ابْنُ مُسْكَانَ: قَالَ الْحَسَنُ: فَسَأَلَهُ إِنْسَانٌ وَأَنَا جَالِسٌ فَقَالَ لَهُ: وَمَا بَيْنَ لَابَتَيْهَا؟  
 فَقَالَ: مَا بَيْنَ الصَّوْرَيْنِ إِلَى الثَّنِيَّةِ.  
 ۴- وَ فِي رِوَايَةِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ:

ربيعه گفت: چهار فرسخ در چهار فرسخ.  
 زیاد به ربیعہ گفت: در زمان رسول خدا ﷺ میل بود (نه فرسخ).  
 ربیعہ ساکت شد و جواب نداد. زیاد رو به من کرد و گفت: ای ابو عبدالله! تو چه می‌گویی؟  
 گفتم: رسول خدا ﷺ از مدینه آن‌چه را که میان دو سنگستان است حرم قرار داد.  
 گفت: میان دو سنگستان کجاست؟  
 گفتم: مناطقی از سنگستان که حوالی مدینه در بر گرفته است.  
 گفت: از درختان چه بخشی را حرام نموده است؟  
 گفتم: از کوه غیر تا کوه و غیر.  
 صفوان گوید: ابن مسکان گفت: حسن گفت: من در حضور امام ﷺ بودم که شخصی پرسید: ما بین دو سنگستان کجاست؟  
 فرمود: آن‌چه میان دو صور از سمت چپ مدینه تا تنیه الوداع - که سمت جنوب است - می‌باشد.  
 ۴- ابوبصیر گوید: امام صادق ﷺ فرمود:

حَدَّثَنَا حَرَمَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مِنَ الْمَدِينَةِ مِنْ ذُبَابٍ إِلَى وَاقِمٍ وَالْعَرِيضِ وَ النَّقَبِ مِنْ قَبْلِ مَكَّةَ.

۵- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَّارٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِنَّ مَكَّةَ حَرَمُ اللَّهِ حَرَمُهَا إِبْرَاهِيمُ ﷺ وَإِنَّ الْمَدِينَةَ حَرَمِي مَا بَيْنَ لَا بَتْنَهَا حَرَمٌ لَا يُعْصَدُ شَجَرُهَا وَهُوَ مَا بَيْنَ ظِلِّ عَائِرٍ إِلَى ظِلِّ وَغَيْرٍ وَ لَيْسَ صَيْدُهَا كَصَيْدِ مَكَّةَ يُؤْكَلُ هَذَا وَ لَا يُؤْكَلُ ذَلِكَ وَ هُوَ بَرِيدٌ.

۶- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ أَحْدَثَ بِالْمَدِينَةِ حَدَّثًا أَوْ آوَى مُحَدِّثًا فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ. قُلْتُ: وَ مَا الْحَدَّثُ؟ قَالَ: الْقَتْلُ.

مساحت بخشی از مدینه که رسول خدا ﷺ حرم قرار داده از کوه ذباب تا واقم و بیابان عریض و نقیب از سمت مکه است.

۵- معاویة بن عمار گوید: امام صادق ﷺ فرمود:

رسول خدا ﷺ فرمود: مکه حرم خداست که ابراهیم ﷺ آن را حرم قرار داد. مدینه حرم من است که میان دو سنگستان آن حرم من است، درختان خودروی آن بریده نمی شود که در پایه کوه عائر تا کوه پایه کوه و غیر است. البته صید مدینه همانند صید مکه نیست که این خورده می شود و آن خورده نمی شود و این یک فرسخ است.

۶- جمیل بن درّاج گوید: از امام صادق ﷺ شنیدم که می فرمود:

رسول خدا ﷺ فرمود:

هرکس در مدینه حادثه ای انجام دهد و یا آن که حادثه گرا را پناه دهد پس لعنت خدا بر او باد.

گفتم: حادثه چیست؟

فرمود: کشتن فردی است.

(۱۲)

**بَابُ مُعْرِسِ النَّبِيِّ ﷺ**

- ۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى وَ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ﷺ: إِذَا انْصَرَفْتَ مِنْ مَكَّةَ إِلَى الْمَدِينَةِ وَ انْتَهَيْتَ إِلَى ذِي الْحُلَيْفَةِ وَ أَنْتَ رَاجِعٌ إِلَى الْمَدِينَةِ مِنْ مَكَّةَ فَائْتِ مُعْرِسَ النَّبِيِّ ﷺ فَإِنْ كُنْتَ فِي وَقْتِ صَلَاةٍ مَكْتُوبَةٍ، أَوْ نَافِلَةٍ فَصَلِّ فِيهِ، وَ إِنْ كَانَ فِي غَيْرِ وَقْتِ صَلَاةٍ مَكْتُوبَةٍ فَانْزِلْ فِيهِ قَلِيلًا، فَإِنْ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَدْ كَانَ يُعْرِسُ فِيهِ وَ يُصَلِّي.
- ۲ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَجَّالِ وَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا: أَنَّهُ لَمْ يُعْرِسْ فَأَمَرَهُ الرُّضَا ﷺ أَنْ يَنْصَرِفَ فَيُعْرِسَ.

**بخش دوازدهم****استراحتگاه پیامبر ﷺ**

- ۱ - معاویه بن عمار گوید: امام صادق ﷺ فرمود: هر گاه از مکه به مدینه برگشتی و در حال برگشت به مدینه از مکه به ذوالحلیفه رسیدی، به استراحتگاه پیامبر ﷺ برو. پس اگر در وقت نماز واجب یا نافله باشی نماز به جا آور و اگر وقت نماز نباشد اندکی در آن جا فرود آی، زیرا رسول خدا ﷺ آن جا استراحت نموده و نماز می‌گزارد.
- ۲ - علی بن اسباط گوید: یکی اصحاب ما در آن جا استراحت نکرد. امام رضا ﷺ به او امر فرمود که برگردد و در آن جا استراحت نماید.

۳- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْقَاسِمِ بْنِ الْفَضِيلِ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ عليه السلام: جُعِلْتُ فِدَاكَ! إِنَّ جَمَالَنا مَرَبِّنا وَ لَمْ يَنْزِلِ الْمُعْرَسَ. فَقَالَ: لَا بُدَّ أَنْ تَرْجِعُوا إِلَيْهِ، فَارْجِعْتُ إِلَيْهِ.

۴- وَ عَنْهُ عَنِ ابْنِ فَضَالٍ قَالَ:

قَالَ عَلِيُّ بْنُ أَسْبَاطٍ لِأَبِي الْحَسَنِ عليه السلام - وَ نَحْنُ نَسْمَعُ -: إِنَّا لَمْ نَكُنْ عَرَسْنَا فَأَخْبَرَنَا ابْنُ الْقَاسِمِ بْنِ الْفَضِيلِ أَنَّهُ لَمْ يَكُنْ عَرَسَ وَأَنَّهُ سَأَلَكَ فَأَمَرْتَهُ بِالْعُودِ إِلَى الْمُعْرَسِ فَيَعْرِسُ فِيهِ. فَقَالَ: نَعَمْ.

فَقَالَ لَهُ: فَإِنَّا أَنْصَرَفْنَا فَعَرَسْنَا فَأَيَّ شَيْءٍ نَصْنَعُ؟

قَالَ: تُصَلِّي فِيهِ وَ تَضْطَجِعُ، وَ كَانَ أَبُو الْحَسَنِ عليه السلام يُصَلِّي بَعْدَ الْعَتَمَةِ فِيهِ. فَقَالَ لَهُ مُحَمَّدٌ: فَإِنْ مَرَّ بِهِ فِي غَيْرِ وَقْتِ صَلَاةٍ مَكْتُوبَةٍ. قَالَ: بَعْدَ الْعَصْرِ.

۳- مُحَمَّدُ بْنُ قَاسِمِ بْنِ فَضِيلٍ گوید: به امام رضا عليه السلام گفتم: قربانت گردم! شتریان ما، ما را عبور داد و در معرّس فرود نیاورد. فرمود: ناچارید که به آن جا بازگردید. پس من به آن جا برگشتم.

۴- ابن فضال گوید: علی بن اسباط به امام رضا عليه السلام گفت: ما در آن جا استراحت نکردیم و محمد بن قاسم بن فضیل هم به ما خبر داده که او در آن جا استراحت نکرده بود و او از شما پرسید پس امر فرمودید که برگردد و در آن جا استراحت نماید. فرمود: آری.

پس به حضرتش گفتم: ما برمی گردیم و استراحت می کنیم چه وظیفه ای داریم؟ فرمود: در آن جا نماز می گزاری و می خوابی. امام کاظم عليه السلام همواره در آن جا بعد از نماز خفتن نماز می گزارد.

پس محمد (بن قاسم بن فضیل) به امام رضا عليه السلام گفت: اگر در غیر وقت نماز واجب - یعنی بعد از عصر - از آن جا عبور شود چه وظیفه داریم؟



قَالَ: سُئِلَ أَبُو الْحَسَنِ عليه السلام عَنْ ذَا.  
 فَقَالَ: مَا رُخِّصَ فِي هَذَا إِلَّا فِي رَكْعَتَيِ الطَّوَافِ، فَإِنَّ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ عليه السلام فَعَلَهُ.  
 وَ قَالَ: يُقِيمُ حَتَّى يَدْخُلَ وَقْتُ الصَّلَاةِ.  
 قَالَ: فَقُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! فَمَنْ مَرَّبَهُ بِلَيْلٍ أَوْ نَهَارٍ يُعْرِسُ فِيهِ أَوْ إِنَّمَا  
 التَّعْرِيسُ بِاللَّيْلِ.  
 فَقَالَ: إِنَّ مَرَّبَهُ بِلَيْلٍ أَوْ نَهَارٍ فَلْيُعْرِسْ فِيهِ.

(۱۳)

### بَابُ مَسْجِدِ غَدِيرِ خُمٍّ

۱- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ  
 الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ:

---

امام عليه السلام فرمود: از امام کاظم عليه السلام در این مورد پرسیده شد.  
 فرمود: چنین اجازه‌ای داده نشده مگر در دو رکعت طواف، زیرا امام حسن بن علی عليه السلام  
 آن را انجام داد.  
 و فرمود: صبر کنید تا وقت نماز فرا رسد.  
 گفتم: قربانت گردم! هر که شب و یا روز از آن عبور کند، باید استراحت کند یا  
 استراحت فقط در شب است؟  
 فرمود: اگر در شب یا روز از آن عبور کند باید استراحت کند.

### بخش سیزدهم

### مسجد غدیر خم

۱ - عبدالرحمان بن حجّاج گوید:

سَأَلْتُ أَبَا إِبْرَاهِيمَ عليه السلام عَنِ الصَّلَاةِ فِي مَسْجِدِ غَدِيرِ حُمٍّ بِالنَّهَارِ وَأَنَا مُسَافِرٌ.  
فَقَالَ: صَلِّ فِيهِ، فَإِنَّ فِيهِ فَضْلاً وَقَدْ كَانَ أَبِي عليه السلام يَأْمُرُ بِذَلِكَ.

۲ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنِ الْحَجَّالِ عَنْ عَبْدِ الصَّمَدِ بْنِ  
بَشِيرٍ عَنْ حَسَّانِ الْجَمَّالِ قَالَ:

حَمَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مِنَ الْمَدِينَةِ إِلَى مَكَّةَ، فَلَمَّا انْتَهَيْنَا إِلَى مَسْجِدِ الْغَدِيرِ  
نَظَرْنَا إِلَى مَيْسَرَةِ الْمَسْجِدِ فَقَالَ: ذَلِكَ مَوْضِعُ قَدَمِ رَسُولِ اللَّهِ صلی اللہ علیہ وسلم حَيْثُ قَالَ: «مَنْ  
كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيَ مَوْلَاهُ».

ثُمَّ نَظَرْنَا إِلَى الْجَانِبِ الْآخَرِ فَقَالَ ذَلِكَ مَوْضِعُ فُسْطَاطِ أَبِي فُلَانٍ وَفُلَانٍ وَ سَالِمِ  
مَوْلَى أَبِي حَذِيفَةَ وَ أَبِي عُبَيْدَةَ الْجَرَّاحِ، فَلَمَّا أَنْ رَأَوْهُ رَافِعاً يَدَيْهِ قَالَ بَعْضُهُمْ  
لِبَعْضٍ: انْظُرُوا إِلَى عَيْنَيْهِ تَدُورُ، كَأَنَّهُمَا عَيْنَا مَجْنُونٍ (!!)  
فَنَزَلَ جَبْرِئِيلُ عليه السلام بِهَذِهِ الْآيَةِ: «وَإِنْ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصَارِهِمْ لَمَّا سَعَوْا  
الذِّكْرَ وَ يَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ».

از امام کاظم عليه السلام در مورد نماز خواندن در مسجد غدیر خم در روز و در حال سفر پرسیدم.  
فرمود: در آن مسجد نماز بگزار، زیرا که دارای فضیلت است و پدر بزرگوارم به آن امر  
می فرمود.

۲ - حَسَّانُ جَمَّالٍ گوید: امام صادق عليه السلام را از مدینه به مکه بردم، چون به مسجد غدیر  
رسیدیم به سمت چپ مسجد نگاه کرد و فرمود: آن جا جای پای رسول خدا صلی اللہ علیہ وسلم است،  
موقعی که فرمود:

«هر که را من مولایم پس علی مولای اوست».

سپس به سمت دیگر مسجد نگاه کرد و فرمود: آن جا جای چادر ابا فلان و فلان (ابابکر و  
عمر)، سالم مولی ابی حذیفه و ابی عبیده جراح است. هنگامی دیدند پیامبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم دستانش  
را بلند کرده به یکدیگر گفتند: به چشمانش نگاه کنید! که همانند دیوانگان می چرخد (!!)  
در این هنگام جبرئیل عليه السلام با این آیه فرود آمد که «نزدیک است کافران هنگامی که آیات  
قرآن را می شنوند با چشم زخم تو را از بین ببرند و می گویند: او دیوانه است. در حالی که  
این (قرآن) جز مایه بیداری برای جهانیان نیست».

۳- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ أَبَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: يُسْتَحَبُّ الصَّلَاةُ فِي مَسْجِدِ الْغَدِيرِ، لِأَنَّ النَّبِيَّ صلى الله عليه وآله أَقَامَ فِيهِ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام وَهُوَ مَوْضِعُ أَظْهَرَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِيهِ الْحَقَّ.

(۱۴)

### بَابُ الْخَوَادِرِ

۱- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ زِيَادِ بْنِ أَبِي الْحَلَّالِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: مَا مِنْ نَبِيٍّ وَلَا وَصِيِّ نَبِيٍّ يَبْقَى فِي الْأَرْضِ أَكْثَرَ مِنْ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ حَتَّى تُرْفَعَ رُوحُهُ وَعَظْمُهُ وَلَحْمُهُ إِلَى السَّمَاءِ، وَإِنَّمَا تُؤْتَى مَوَاضِعُ آثَارِهِمْ وَ يُبَلِّغُونَهُمْ مِنْ بَعِيدِ السَّلَامِ وَ يَسْمَعُونَهُمْ فِي مَوَاضِعِ آثَارِهِمْ مِنْ قَرِيبٍ.

۳- ابان گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

خواندن نماز در مسجد غدیر خم مستحب است، زیرا پیامبر صلى الله عليه وآله در آن جا امیر مؤمنان عليه السلام را به خلافت نصب فرمود: آن جایی است که خدای عزوجل در آن حق را ظاهر فرمود.

### بخش چهاردهم

#### [ چند روایت نکته‌دار ]

۱- زیاد بن ابی حلال گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: هیچ پیامبر و وصی پیامبری نیست که پس از مرگ سه روز بیشتر در زمین بماند تا روح، استخوان و گوشت او را به آسمان بالا می‌برند و زائران به زیارت مواضع آثارشان می‌آیند و از دور برایشان سلام می‌رسانند و سلام را از نزدیک از مواضع آثارشان به ایشان می‌شنوند.

۲- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُوسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَاءِ قَالَ: سَمِعْتُ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ:

إِنَّ لِكُلِّ إِمَامٍ عَهْدًا فِي عُنُقِ أَوْلِيَائِهِ وَشِيعَتِهِ وَإِنْ مِنْ تَمَامِ الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ وَحُسْنِ الْأَدَاءِ زِيَارَةَ قُبُورِهِمْ فَمَنْ زَارَهُمْ رَغْبَةً فِي زِيَارَتِهِمْ وَتَصَدِيقًا بِمَا رَغِبُوا فِيهِ كَانَ أُنْمَتَهُمْ شَفَعَاءَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

۳- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَبِي هَاشِمٍ الْجَعْفَرِيِّ قَالَ: بَعَثَ إِلَيَّ أَبُو الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي مَرَضِهِ وَإِلَى مُحَمَّدِ بْنِ حَمْزَةَ فَسَبَقَنِي إِلَيْهِ مُحَمَّدُ بْنُ حَمْزَةَ وَأَخْبَرَنِي مُحَمَّدٌ مَا زَالَ يَقُولُ: ابْعَثُوا إِلَى الْحَيْرِ اِبْعَثُوا إِلَى الْحَيْرِ. فَقُلْتُ لِمُحَمَّدٍ: أَلَا قُلْتَ لَهُ: أَنَا أَذْهَبُ إِلَى الْحَيْرِ؟ ثُمَّ دَخَلْتُ عَلَيْهِ وَقُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! أَنَا أَذْهَبُ إِلَى الْحَيْرِ. فَقَالَ: انْظُرُوا فِي ذَاكَ.

ثُمَّ قَالَ لِي: إِنَّ مُحَمَّدًا لَيْسَ لَهُ سِرٌّ مِنْ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ، وَأَنَا أَكْرَهُ أَنْ يَسْمَعَ ذَلِكَ.

۲- حسن بن وشاء گوید: از امام رضا علیه السلام شنیدم که می فرمود:

برای هر امامی بر عهده اولیا و شیعیان پیمانی است و از تمام و کامل بودن وفای به عهد و بهتر ادا نمودن آن زیارت قبور آن بزرگواران است. پس هر کس با میل و رغبت آنها را زیارت نماید و مواردی را که آنها رغبت دارند قبول نماید ائمه ایشان در روز قیامت شفیعانشان خواهند بود.

۳- ابو هاشم جعفری گوید: امام هادی علیه السلام در بستر بیماری بود، فردی را به سوی من و محمد بن حمزه فرستاد که قاصد پیش از من محمد بن حمزه به خدمتش رسید وقتی بیرون آمد به من خبر داد که امام پیوسته می فرمود: کسی را به کربلا بفرستید و کسی را به کربلا بفرستید.

به محمد گفتم: آیا به آن حضرت نگفتی که من به کربلا می روم؟

پس خدمت حضرتش رفتم و گفتم: قربانت گردم! من به کربلا می روم.

فرمود: در این مورد فکر کنید.

آن گاه به من فرمود: محمد رازدار از زید بن علی نیست و من نمی خواهم که این مطلب را بشنود.

قَالَ: فَذَكَرْتُ ذَلِكَ لِعَلِيِّ بْنِ بِلَالٍ. فَقَالَ: مَا كَانَ يَصْنَعُ بِالْحَيْرِ وَهُوَ الْحَيْرُ.  
 فَقَدِمْتُ الْعُسْكَرَ فَدَخَلْتُ عَلَيْهِ، فَقَالَ لِي: اجْلِسْ حِينَ أَرَدْتُ الْقِيَامَ.  
 فَلَمَّا رَأَيْتُهُ أَنَسَ بِي ذَكَرْتُ لَهُ قَوْلَ عَلِيِّ بْنِ بِلَالٍ!؟  
 فَقَالَ لِي: أَلَا قُلْتَ لَهُ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ يَطُوفُ بِالْبَيْتِ وَ يَقْبُلُ الْحَجَرَ وَ  
 حُرْمَةَ النَّبِيِّ وَ الْمُؤْمِنِ أَعْظَمُ مِنْ حُرْمَةِ الْبَيْتِ، وَ أَمْرُهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ يَقِفَ بِعَرَفَةَ،  
 وَ إِنَّمَا هِيَ مَوَاطِنُ يُحِبُّ اللَّهُ أَنْ يُذَكَّرَ فِيهَا، فَأَنَا أَحِبُّ أَنْ يُدْعَى اللَّهُ لِي حَيْثُ يُحِبُّ  
 اللَّهُ أَنْ يُدْعَى فِيهَا.  
 وَ ذَكَرَ عَنْهُ أَنَّهُ قَالَ: وَ لَمْ أَحْفَظْ عَنْهُ.  
 قَالَ: إِنَّمَا هَذِهِ مَوَاضِعُ يُحِبُّ اللَّهُ أَنْ يُتَعَبَّدَ لَهُ فِيهَا، فَأَنَا أَحِبُّ أَنْ يُدْعَى لِي حَيْثُ  
 يُحِبُّ اللَّهُ أَنْ يُعْبَدَ هَلَّا قُلْتَ لَهُ: كَذَا [ وَ كَذَا ]؟  
 قَالَ: قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! لَوْ كُنْتُ أَحْسِنُ مِثْلَ هَذَا لَمْ أَرُدَّ الْأَمْرَ عَلَيْكَ. هَذِهِ  
 الْفَاطَةُ أَبِي هَاشِمٍ لَيْسَتْ أَلْفَاظُهُ.

راوی گوید: من این مطلب را به علی بن بلال گفتم.  
 گفت: او با حیره چه کار دارد؟ خود حیره است.  
 پس داخل لشکر سامرا شدم و خدمت حضرتش رسیدم، وقتی خواستم برخیزم  
 فرمود: بنشین.  
 چون انس آن حضرت را بر خود دیدم گفتار علی بن بلال را بیان نمودم.  
 فرمود: به او نگفتی که رسول خدا ﷺ بیت را طواف می‌نمود، حجر الاسود را  
 می‌بوسید. مگر نه این است که حرمت پیامبر و مؤمن بزرگتر از حرمت کعبه است و  
 خداوند ﷻ به او امر فرموده که در عرفه توقف نماید و همانا آنها جاهایی هستند که  
 خداوند دوست دارد که در آنها یاد شود. من دوست دارم که از خدا بر من در جایی دعا  
 کنند که خدا دوست دارد در آن جا خوانده شود.  
 حضرتش مطالبی فرمود که در یادم نماند. فرمود: این مواضع (قبر ائمه علیهم السلام) از جایگاه‌هایی  
 هستند که خدا دوست دارد که در آن جا عبادت شود. پس من هم دوست دارم که بر من در  
 جایی دعا شود که خدا دوست دارد در آن جا عبادت شود. آیا به او چنین و چنان نگفتی؟  
 گوید: گفتم: قربانت گردم! اگر مانند این مطالب خوب می‌دانستم جریان را به میان نمی‌آوردم.  
 این سخنان از زبان ابوهاشم است، سخنان آن حضرت نیست.

(۱۵)

بَابُ مَا يُقَالُ عِنْدَ قَبْرِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام

۱ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَوْرَمَةَ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ الصَّادِقِ أَبِي الْحَسَنِ الثَّالِثِ عليه السلام قَالَ: يَقُولُ:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ أَنْتَ أَوَّلُ مَظْلُومٍ وَأَوَّلُ مَنْ غُصِبَ حَقُّهُ، صَبَرْتَ وَاخْتَسَبْتَ حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ فَأَشْهَدُ أَنَّكَ لَقِيتَ اللَّهَ وَأَنْتَ شَهِيدٌ، عَذَّبَ اللَّهُ قَاتِلَكَ بِأَنْوَاعِ الْعَذَابِ، وَجَدَّ عَلَيْهِ الْعَذَابُ، جِئْتُكَ عَارِفًا بِحَقِّكَ مُسْتَبْصِرًا بِشَانِكَ مُعَادِيًا لِأَعْدَائِكَ، وَمَنْ ظَلَمَكَ أَلْقَى عَلَى ذَلِكَ رَبِّي إِنْ شَاءَ اللَّهُ.

يَا وَلِيَّ اللَّهِ إِنْ لِي ذُنُوبًا كَثِيرَةً فَاشْفَعْ لِي إِلَى رَبِّكَ، فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ مَقَامًا مَحْمُودًا مَعْلُومًا وَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ جَاهًا وَشَفَاعَةً وَقَدْ قَالَ تَعَالَى: ﴿وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنِ ارْتَضَى﴾».

مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ الرَّازِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى بْنِ عُبَيْدٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الثَّالِثِ عليه السلام مِثْلَهُ.

## بخش پانزدهم

اعمالی که در بارگاه امیرالمؤمنین عليه السلام انجام می شود

۱ - راوی گوید: امام هادی عليه السلام فرمود: آن گاه که کنار قبر امیرالمؤمنین عليه السلام قرار گرفتی این گونه می گویی: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ أَنْتَ أَوَّلُ مَظْلُومٍ وَأَوَّلُ مَنْ غُصِبَ حَقُّهُ، صَبَرْتَ وَاخْتَسَبْتَ حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ فَأَشْهَدُ أَنَّكَ لَقِيتَ اللَّهَ وَأَنْتَ شَهِيدٌ، عَذَّبَ اللَّهُ قَاتِلَكَ بِأَنْوَاعِ الْعَذَابِ، وَجَدَّ عَلَيْهِ الْعَذَابُ، جِئْتُكَ عَارِفًا بِحَقِّكَ مُسْتَبْصِرًا بِشَانِكَ مُعَادِيًا لِأَعْدَائِكَ، وَمَنْ ظَلَمَكَ أَلْقَى عَلَى ذَلِكَ رَبِّي إِنْ شَاءَ اللَّهُ.

يَا وَلِيَّ اللَّهِ إِنْ لِي ذُنُوبًا كَثِيرَةً فَاشْفَعْ لِي إِلَى رَبِّكَ، فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ مَقَامًا مَحْمُودًا مَعْلُومًا وَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ جَاهًا وَشَفَاعَةً وَقَدْ قَالَ تَعَالَى: ﴿وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنِ ارْتَضَى﴾».

(۱۶)

دُعَاءِ آخَرُ عِنْدَ قَبْرِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ

۱ - تَقُولُ:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَمُودَ الدِّينِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ النَّبِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا قَسِيمَ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ وَصَاحِبَ الْعَصَا وَالْمِيسَمِ.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، أَشْهَدُ أَنَّكَ كَلِمَةُ التَّقْوَى وَبَابُ الْهُدَى وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقَى وَالْحَبْلُ الْمَتِينُ وَالصِّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ.

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ وَشَاهِدُهُ عَلَى عِبَادِهِ وَأَمِينُهُ عَلَى عِلْمِهِ وَخَازِنُ سِرِّهِ وَمَوْضِعُ حِكْمَتِهِ وَأَخُو رَسُولِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ.

بخش شانزدهم

دعای دیگر در کنار قبر امیر مؤمنان علی عَلَيْهِ السَّلَامُ۱ - [در کنار قبر مطهر امیر مؤمنان علی عَلَيْهِ السَّلَامُ این گونه زیارت می‌کنی و] می‌گویی:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَمُودَ الدِّينِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ النَّبِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا قَسِيمَ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ وَصَاحِبَ الْعَصَا وَالْمِيسَمِ.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، أَشْهَدُ أَنَّكَ كَلِمَةُ التَّقْوَى وَبَابُ الْهُدَى وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقَى وَالْحَبْلُ الْمَتِينُ وَالصِّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ.

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ وَشَاهِدُهُ عَلَى عِبَادِهِ وَأَمِينُهُ عَلَى عِلْمِهِ وَخَازِنُ سِرِّهِ وَمَوْضِعُ حِكْمَتِهِ وَأَخُو رَسُولِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ.

وَأَشْهَدُ أَنَّ دَعْوَتَكَ حَقٌّ وَكُلَّ دَاعٍ مَنصُوبٍ دُونَكَ بَاطِلٌ مَدْحُوضٌ، أَنْتَ أَوَّلُ مَظْلُومٍ وَأَوَّلُ مَغْضُوبٍ حَقُّهُ. فَصَبَرْتَ وَاحْتَسَبْتَ لَعْنَ اللَّهِ مَنْ ظَلَمَكَ وَاعْتَدَى عَلَيْكَ وَصَدَّ عَنْكَ لَعْنًا كَثِيرًا يَلْعَنُهُمْ بِهِ كُلُّ مَلَكٍ مُقَرَّبٍ وَكُلُّ نَبِيٍّ مُرْسَلٍ، وَكُلُّ عَبْدٍ مُؤْمِنٍ مُمْتَحَنٍ. صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى رُوحِكَ وَبَدَنِكَ. أَشْهَدُ أَنَّكَ عَبْدُ اللَّهِ وَآمِينُهُ بَلَّغْتَ نَاصِحًا وَأَدَيْتَ أَمِينًا وَقَتَلْتَ صَدِيقًا وَمَضَيْتَ عَلَى يَقِينٍ لَمْ تُؤْذِرْ عَمَى عَلَى هُدًى وَلَمْ تَمِلْ مِنْ حَقٍّ إِلَى بَاطِلٍ. أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَاتَّبَعْتَ الرَّسُولَ، وَنَصَحْتَ لِلأُمَّةِ وَتَلَوْتَ الْكِتَابَ حَقَّ تِلَاوَتِهِ، وَجَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ وَدَعَوْتَ إِلَى سَبِيلِهِ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ. أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ عَلَى بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّكَ، وَدَعَوْتَ إِلَيْهِ عَلَى بَصِيرَةٍ، وَبَلَّغْتَ مَا أَمَرْتَ بِهِ، وَقُمْتَ بِحَقِّ اللَّهِ غَيْرَ وَاهِنٍ وَلَا مُوهِنٍ.

وَأَشْهَدُ أَنَّ دَعْوَتَكَ حَقٌّ وَكُلَّ دَاعٍ مَنصُوبٍ دُونَكَ بَاطِلٌ مَدْحُوضٌ، أَنْتَ أَوَّلُ مَظْلُومٍ وَأَوَّلُ مَغْضُوبٍ حَقُّهُ. فَصَبَرْتَ وَاحْتَسَبْتَ لَعْنَ اللَّهِ مَنْ ظَلَمَكَ وَاعْتَدَى عَلَيْكَ وَصَدَّ عَنْكَ لَعْنًا كَثِيرًا يَلْعَنُهُمْ بِهِ كُلُّ مَلَكٍ مُقَرَّبٍ وَكُلُّ نَبِيٍّ مُرْسَلٍ، وَكُلُّ عَبْدٍ مُؤْمِنٍ مُمْتَحَنٍ. صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى رُوحِكَ وَبَدَنِكَ. أَشْهَدُ أَنَّكَ عَبْدُ اللَّهِ وَآمِينُهُ بَلَّغْتَ نَاصِحًا وَأَدَيْتَ أَمِينًا وَقَتَلْتَ صَدِيقًا وَمَضَيْتَ عَلَى يَقِينٍ لَمْ تُؤْذِرْ عَمَى عَلَى هُدًى وَلَمْ تَمِلْ مِنْ حَقٍّ إِلَى بَاطِلٍ. أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَاتَّبَعْتَ الرَّسُولَ، وَنَصَحْتَ لِلأُمَّةِ وَتَلَوْتَ الْكِتَابَ حَقَّ تِلَاوَتِهِ، وَجَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ وَدَعَوْتَ إِلَى سَبِيلِهِ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ. أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ عَلَى بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّكَ، وَدَعَوْتَ إِلَيْهِ عَلَى بَصِيرَةٍ، وَبَلَّغْتَ مَا أَمَرْتَ بِهِ، وَقُمْتَ بِحَقِّ اللَّهِ غَيْرَ وَاهِنٍ وَلَا مُوهِنٍ.



فَصَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ صَلَاةً مُتَّبِعَةً مُتَوَاصِلَةً مُتَرَادِفَةً يَتَّبِعُ بَعْضُهَا بَعْضًا لَا انْقِطَاعَ لَهَا وَلَا أَمَدَ وَلَا أَجَلَ، وَالسَّلَامَ عَلَيْكَ وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، وَجَزَاكَ اللَّهُ مِنْ صَدِيقٍ خَيْرًا عَنْ رَعِيَّتِهِ.  
أَشْهَدُ أَنَّ الْجِهَادَ مَعَكَ جِهَادٌ، وَأَنَّ الْحَقَّ مَعَكَ وَالْإِيكَ وَأَنْتَ أَهْلُهُ وَمَعْدِنُهُ وَمِيرَاثُ النُّبُوَّةِ عِنْدَكَ.

فَصَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَسَلَّم تَسْلِيمًا، وَعَذَّبَ اللَّهُ قَاتِلَكَ بِأَنْوَاعِ الْعَذَابِ.  
أَتَيْتُكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، عَارِفًا بِحَقِّكَ مُسْتَبْصِرًا بِشَأْنِكَ، مُعَادِيًا لِأَعْدَائِكَ، مُوَالِيًا لِأَوْلِيَايِكَ.  
بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي أَتَيْتُكَ عَائِدًا بِكَ مِنْ نَارٍ اسْتَحَقَّهَا مِثْلِي بِمَا جَنَيْتُ عَلَى نَفْسِي، أَتَيْتُكَ زَائِرًا أَبْتَغِي بِزِيَارَتِكَ، فَكَأَنَّكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، أَتَيْتُكَ هَارِبًا مِنْ دُنُوبِي الَّتِي اخْتَطَبْتُهَا عَلَى ظَهْرِي، أَتَيْتُكَ وَافِدًا لِعَظِيمِ حَالِكَ وَمَنْزِلَتِكَ عِنْدَ رَبِّي.  
فَاشْفَعْ لِي عِنْدَ رَبِّكَ، فَإِنَّ لِي دُنُوبًا كَثِيرَةً، وَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ مَقَامًا مَغْلُومًا وَجَاهًا عَظِيمًا وَشَأْنًا كَبِيرًا وَشَفَاعَةً مَقْبُولَةً، وَقَدْ قَالَ اللَّهُ ﷻ: ﴿وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ ارْضَى﴾.

فَصَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ صَلَاةً مُتَّبِعَةً مُتَوَاصِلَةً مُتَرَادِفَةً يَتَّبِعُ بَعْضُهَا بَعْضًا لَا انْقِطَاعَ لَهَا وَلَا أَمَدَ وَلَا أَجَلَ، وَالسَّلَامَ عَلَيْكَ وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، وَجَزَاكَ اللَّهُ مِنْ صَدِيقٍ خَيْرًا عَنْ رَعِيَّتِهِ.  
أَشْهَدُ أَنَّ الْجِهَادَ مَعَكَ جِهَادٌ، وَأَنَّ الْحَقَّ مَعَكَ وَالْإِيكَ وَأَنْتَ أَهْلُهُ وَمَعْدِنُهُ وَمِيرَاثُ النُّبُوَّةِ عِنْدَكَ.  
فَصَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَسَلَّم تَسْلِيمًا، وَعَذَّبَ اللَّهُ قَاتِلَكَ بِأَنْوَاعِ الْعَذَابِ.  
أَتَيْتُكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، عَارِفًا بِحَقِّكَ مُسْتَبْصِرًا بِشَأْنِكَ، مُعَادِيًا لِأَعْدَائِكَ، مُوَالِيًا لِأَوْلِيَايِكَ. بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي أَتَيْتُكَ عَائِدًا بِكَ مِنْ نَارٍ اسْتَحَقَّهَا مِثْلِي بِمَا جَنَيْتُ عَلَى نَفْسِي، أَتَيْتُكَ زَائِرًا أَبْتَغِي بِزِيَارَتِكَ، فَكَأَنَّكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، أَتَيْتُكَ هَارِبًا مِنْ دُنُوبِي الَّتِي اخْتَطَبْتُهَا عَلَى ظَهْرِي، أَتَيْتُكَ وَافِدًا لِعَظِيمِ حَالِكَ وَمَنْزِلَتِكَ عِنْدَ رَبِّي.  
فَاشْفَعْ لِي عِنْدَ رَبِّكَ، فَإِنَّ لِي دُنُوبًا كَثِيرَةً، وَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ مَقَامًا مَغْلُومًا وَجَاهًا عَظِيمًا وَشَأْنًا كَبِيرًا وَشَفَاعَةً مَقْبُولَةً، وَقَدْ قَالَ اللَّهُ ﷻ: ﴿وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ ارْضَى﴾.

اللَّهُمَّ رَبَّ الْأَرْبَابِ صَرِيحَ الْأَحْبَابِ إِنِّي عُدْتُ بِأَخِي رَسُولِكَ مَعَاذًا فَفُكَّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، آمَنْتُ بِاللَّهِ وَ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكُمْ وَ أَتَوَلَّى آخِرَكُمْ بِمَا تَوَلَّيْتُ بِهِ أَوْلَكُمْ، وَ كَفَرْتُ بِالْجِبَّتِ وَ الطَّاغُوتِ وَ اللَّاتِ وَ الْعُزَّى».

(۱۷)

### بَابُ مَوْضِعِ رَأْسِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا عَنْ يَزِيدَ بْنِ عُمَرَ بْنِ طَلْحَةَ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ - وَ هُوَ بِالْحِيرَةِ -: أَمَا تُرِيدُ مَا وَعَدْتُكَ؟ قُلْتُ: بَلَى يَعْني الذَّهَابَ إِلَى قَبْرِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ. قَالَ: فَارْكَبْ وَ رَكِبَ إِسْمَاعِيلُ وَ رَكِبْتُ مَعَهُمَا حَتَّى إِذَا جَاَزَ الثُّوْيَةَ، وَ كَانَ بَيْنَ الْحِيرَةِ وَ النَّجَفِ عِنْدَ ذِكْوَاتِ بَيْضِ نَزَلٍ وَ نَزَلَ إِسْمَاعِيلُ وَ نَزَلْتُ مَعَهُمَا، فَصَلَّى وَ صَلَّى إِسْمَاعِيلُ وَ صَلَّيْتُ. فَقَالَ لِإِسْمَاعِيلَ: قُمْ فَسَلِّمْ عَلَيَّ جَدَّكَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

اللَّهُمَّ رَبَّ الْأَرْبَابِ صَرِيحَ الْأَحْبَابِ إِنِّي عُدْتُ بِأَخِي رَسُولِكَ مَعَاذًا فَفُكَّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، آمَنْتُ بِاللَّهِ وَ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكُمْ وَ أَتَوَلَّى آخِرَكُمْ بِمَا تَوَلَّيْتُ بِهِ أَوْلَكُمْ، وَ كَفَرْتُ بِالْجِبَّتِ وَ الطَّاغُوتِ وَ اللَّاتِ وَ الْعُزَّى».

### بخش هفدهم

### جایگاه سر مبارک امام حسین علیه السلام

۱ - یزید بن عمر بن طلحه گوید: امام صادق علیه السلام در کربلا به من فرمود: آیا موضوعی را که به تو وعده دادم نمی خواهی؟ گفتم: آری، یعنی رفتن به سوی قبر امیرالمؤمنین علیه السلام بود. گوید: پس حضرتش سوار بر مرکب شد و اسماعیل نیز پسرش سوار شد و من هم با آنها سوار بر مرکب شدم تا آن که از منطقه «ثویه» گذشت که بین کربلا و نجف است و در نزد تل سنگ های سرخ مایل به سفیدی فرود آمد و اسماعیل نیز فرود آمد و من هم با ایشان فرود آمدم. حضرتش در آن جا نماز گزارد و اسماعیل نیز نماز گزارد و من هم نماز گزاردم. آن گاه به اسماعیل فرمود: برخیز و به خدمت جد بزرگوارت امام حسین علیه السلام سلام کن.

فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! أَلَيْسَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِكَرْبَلَاءَ.  
 فَقَالَ: نَعَمْ، وَ لَكِنْ لَمَّا حُمِلَ رَأْسُهُ إِلَى الشَّامِ سَرَقَهُ مَوْلَى لَنَا، فَدَفَنَهُ بِجَنْبِ  
 أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ.  
 ۲ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عُقْبَةَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْخَزَّازِ  
 عَنِ الْوَشَاءِ أَبِي الْفَرَجِ عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبٍ قَالَ:  
 كُنْتُ مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَمَرَّ بِظَهْرِ الْكُوفَةِ، فَنَزَلَ فَصَلَّى رَكْعَتَيْنِ ثُمَّ تَقَدَّمَ قَلِيلًا  
 فَصَلَّى رَكْعَتَيْنِ ثُمَّ سَارَ قَلِيلًا فَنَزَلَ فَصَلَّى رَكْعَتَيْنِ.  
 ثُمَّ قَالَ: هَذَا مَوْضِعُ قَبْرِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ.  
 قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! وَالْمَوْضِعَيْنِ اللَّذَيْنِ صَلَّيْتَ فِيهِمَا؟  
 قَالَ: مَوْضِعُ رَأْسِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ مَوْضِعُ مَنْزِلِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

گفتم: قربانت گردم! آیا امام حسین علیه السلام در کربلا نیست؟  
 فرمود: آری، ولی آن گاه که سر مبارکش به شام برده می‌شد یکی از دوستانمان او را  
 سرقت نمود و در کنار امیرالمؤمنین علیه السلام دفن کرد.  
 ۲ - ابان بن تغلب گوید: همراه امام صادق علیه السلام بودم که از پشت کوفه گذشت. آن گاه  
 فرود آمد و دو رکعت نماز گزارد، سپس مقداری پیش رفت و دو رکعت نماز خواند آن گاه  
 مقداری سواره رفت سپس از مرکب فرود آمد و دو رکعت نماز به جا آورد.  
 سپس فرمود: این جا محل قبر امیرالمؤمنین علیه السلام است.  
 گفتم: قربانت شوم! آن دو جایی که نماز خواندی کجا بودند؟  
 فرمود: محل سر مبارک امام حسین علیه السلام و محل منزل قائم علیه السلام است.

(١٨)

بَابُ زِيَارَةِ قَبْرِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام

١ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَصَّالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ نُعَيْمِ بْنِ الْوَلِيدِ عَنْ يُونُسَ الْكُنَاسِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِذَا أَتَيْتَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ عليه السلام فَاتَتْ الْفُرَاتَ وَ اغْتَسِلْ بِحِيَالِ قَبْرِهِ وَ تَوَجَّهْ إِلَيْهِ وَ عَلَيْكَ السَّكِينَةُ وَ الْوَقَارَ حَتَّى تَدْخُلَ إِلَى الْقَبْرِ مِنَ الْجَانِبِ الشَّرْقِيِّ وَ قُلْ حِينَ تَدْخُلُهُ: «السَّلَامُ عَلَى مَلَائِكَةِ اللَّهِ الْمُنْزَلِينَ، السَّلَامُ عَلَى مَلَائِكَةِ اللَّهِ الْمُزْدِفِينَ، السَّلَامُ عَلَى مَلَائِكَةِ اللَّهِ الْمُسَوِّمِينَ، السَّلَامُ عَلَى مَلَائِكَةِ اللَّهِ الَّذِينَ هُمْ فِي هَذَا الْحَرَمِ مُقِيمُونَ». فَإِذَا اسْتَقْبَلْتَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ عليه السلام فَقُلْ: «السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى أَمِيرِ اللَّهِ عَلَى رُسُلِهِ وَ عَزَائِمِ أُمْرِهِ وَ الْخَاتَمِ لِمَا سَبَقَ وَ الْفَاتِحِ لِمَا اسْتَقْبَلَ وَ الْمُهَيِّمِ عَلَى ذَلِكَ كُلِّهِ وَ السَّلَامُ عَلَيْهِ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ».

## بخش هیجدهم

زیارت قبر امام حسین بن علی علیه السلام

١ - یونس کناسی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

هرگاه کنار قبر امام حسین علیه السلام آمدی پس به رود فرات برو و مقابل قبرش غسل کن و با آرامش و وقار رو به حرم امام حسین علیه السلام کن تا از طرف شرقی وارد حرم شو به هنگام ورود بگو: «السَّلَامُ عَلَى مَلَائِكَةِ اللَّهِ الْمُنْزَلِينَ، السَّلَامُ عَلَى مَلَائِكَةِ اللَّهِ الْمُزْدِفِينَ، السَّلَامُ عَلَى مَلَائِكَةِ اللَّهِ الْمُسَوِّمِينَ، السَّلَامُ عَلَى مَلَائِكَةِ اللَّهِ الَّذِينَ هُمْ فِي هَذَا الْحَرَمِ مُقِيمُونَ». چون مقابل قبر امام حسین علیه السلام ایستادی بگو: «السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى أَمِيرِ اللَّهِ عَلَى رُسُلِهِ وَ عَزَائِمِ أُمْرِهِ وَ الْخَاتَمِ لِمَا سَبَقَ وَ الْفَاتِحِ لِمَا اسْتَقْبَلَ وَ الْمُهَيِّمِ عَلَى ذَلِكَ كُلِّهِ وَ السَّلَامُ عَلَيْهِ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ».

ثُمَّ تَقُولُ: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَبْدِكَ وَ أَخِي رَسُولِكَ الَّذِي انْتَجَبْتَهُ بِعِلْمِكَ وَ جَعَلْتَهُ هَادِيًا لِمَنْ شِئْتَ مِنْ خَلْقِكَ وَ الدَّلِيلَ عَلَى مَنْ بَعَثْتَهُ بِرِسَالَاتِكَ وَ دَيَّانِ الدِّينِ بِعَدْلِكَ وَ فَضْلِ قَضَائِكَ بَيْنَ خَلْقِكَ وَ الْمُهَيِّمِينَ عَلَى ذَلِكَ كُلِّهِ، وَ السَّلَامَ عَلَيْهِ وَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَبْدِكَ وَ ابْنِ الَّذِي انْتَجَبْتَهُ بِعِلْمِكَ وَ جَعَلْتَهُ هَادِيًا لِمَنْ شِئْتَ مِنْ خَلْقِكَ وَ الدَّلِيلَ عَلَى مَنْ بَعَثْتَهُ بِرِسَالَاتِكَ وَ دَيَّانِ الدِّينِ بِعَدْلِكَ وَ فَضْلِ قَضَائِكَ بَيْنَ خَلْقِكَ وَ الْمُهَيِّمِينَ عَلَى ذَلِكَ كُلِّهِ وَ السَّلَامَ عَلَيْهِ وَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ.

ثُمَّ تُصَلِّي عَلَى الْحُسَيْنِ وَ سَائِرِ الْأَئِمَّةِ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَمَا صَلَّيْتَ وَ سَلَّمْتَ عَلَى الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ثُمَّ تَأْتِي قَبْرَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَتَقُولُ:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَغْتَ عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مَا أُمِرْتَ بِهِ وَ لَمْ تَحْشُ أَحَدًا غَيْرَهُ وَ جَاهَدْتَ فِي سَبِيلِهِ وَ عَبْدَتَهُ صَادِقًا حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ.

آن گاه می‌گوی: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَبْدِكَ وَ أَخِي رَسُولِكَ الَّذِي انْتَجَبْتَهُ بِعِلْمِكَ وَ جَعَلْتَهُ هَادِيًا لِمَنْ شِئْتَ مِنْ خَلْقِكَ وَ الدَّلِيلَ عَلَى مَنْ بَعَثْتَهُ بِرِسَالَاتِكَ وَ دَيَّانِ الدِّينِ بِعَدْلِكَ وَ فَضْلِ قَضَائِكَ بَيْنَ خَلْقِكَ وَ الْمُهَيِّمِينَ عَلَى ذَلِكَ كُلِّهِ، وَ السَّلَامَ عَلَيْهِ وَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَبْدِكَ وَ ابْنِ الَّذِي انْتَجَبْتَهُ بِعِلْمِكَ وَ جَعَلْتَهُ هَادِيًا لِمَنْ شِئْتَ مِنْ خَلْقِكَ وَ الدَّلِيلَ عَلَى مَنْ بَعَثْتَهُ بِرِسَالَاتِكَ وَ دَيَّانِ الدِّينِ بِعَدْلِكَ وَ فَضْلِ قَضَائِكَ بَيْنَ خَلْقِكَ وَ الْمُهَيِّمِينَ عَلَى ذَلِكَ كُلِّهِ وَ السَّلَامَ عَلَيْهِ وَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ.

سپس به امام حسین علیه السلام و دیگر امامان علیهم السلام درود می‌فرستی، آن سان که بر امام حسین علیه السلام درود و سلام فرستادی، آن گاه کنار قبر امام حسین علیه السلام می‌آیی و می‌گوی:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَغْتَ عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مَا أُمِرْتَ بِهِ وَ لَمْ تَحْشُ أَحَدًا غَيْرَهُ وَ جَاهَدْتَ فِي سَبِيلِهِ وَ عَبْدَتَهُ صَادِقًا حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ.

أَشْهَدُ أَنَّكَ كَلِمَةُ التَّقْوَى وَ بَابُ الْهُدَى وَ الْعُرْوَةُ الْوُثْقَى، وَ الْحُجَّةُ عَلَى مَنْ يَبْقَى وَ مَنْ تَحْتَ الثَّرَى.

أَشْهَدُ أَنَّ ذَلِكَ سَابِقٌ فِيمَا مَضَى وَ ذَلِكَ لَكُمْ فَاتِحٌ فِيمَا بَقِيَ، أَشْهَدُ أَنَّ أَرْوَاحَكُمْ وَ طِينَتَكُمْ طَيِّبَةٌ طَابَتْ وَ طَهَّرَتْ هِيَ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ مَنَّا مِنَ اللَّهِ وَ رَحْمَةً، وَ أَشْهَدُ اللَّهَ وَ أَشْهَدُكُمْ أَنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ وَ لَكُمْ تَابِعٌ فِي ذَاتِ نَفْسِي وَ شَرَائِعِ دِينِي وَ خَاتِمَةٌ عَمَلِي وَ مُنْقَلَبِي وَ مَتَوَايَ، وَ أَسْأَلُ اللَّهَ الْبَرَّ الرَّحِيمَ أَنْ يُتِمَّ ذَلِكَ لِي أَشْهَدُ أَنَّكُمْ قَدْ بَلَغْتُمْ عَنِ اللَّهِ مَا أَمَرَكُمْ بِهِ وَ لَنْ تَخْشَوْا أَحَدًا غَيْرَهُ وَ جَاهِدْتُمْ فِي سَبِيلِهِ وَ عِبَدْتُمُوهُ حَتَّى أَتَاكُمْ الْيَقِينُ، لَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكُمْ وَ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ أَمَرَ بِهِ وَ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ بَلَغَهُ ذَلِكَ مِنْهُمْ فَرَضِي بِهِ.

أَشْهَدُ أَنَّ الَّذِينَ انْتَهَكُوا حُرْمَتَكُمْ وَ سَفَكُوا دَمَكُمْ مُلْعُونُونَ عَلَى لِسَانِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ ﷺ. ثُمَّ تَقُولُ: «اللَّهُمَّ الْعَنِ الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَكَ وَ خَالَفُوا مِلَّتَكَ وَ رَغِبُوا عَنْ أَمْرِكَ وَ اتَّهَمُوا رَسُولَكَ وَ صَدُّوا عَنْ سَبِيلِكَ.

أَشْهَدُ أَنَّكَ كَلِمَةُ التَّقْوَى وَ بَابُ الْهُدَى وَ الْعُرْوَةُ الْوُثْقَى، وَ الْحُجَّةُ عَلَى مَنْ يَبْقَى وَ مَنْ تَحْتَ الثَّرَى. أَشْهَدُ أَنَّ ذَلِكَ سَابِقٌ فِيمَا مَضَى وَ ذَلِكَ لَكُمْ فَاتِحٌ فِيمَا بَقِيَ، أَشْهَدُ أَنَّ أَرْوَاحَكُمْ وَ طِينَتَكُمْ طَيِّبَةٌ طَابَتْ وَ طَهَّرَتْ هِيَ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ مَنَّا مِنَ اللَّهِ وَ رَحْمَةً، وَ أَشْهَدُ اللَّهَ وَ أَشْهَدُكُمْ أَنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ وَ لَكُمْ تَابِعٌ فِي ذَاتِ نَفْسِي وَ شَرَائِعِ دِينِي وَ خَاتِمَةٌ عَمَلِي وَ مُنْقَلَبِي وَ مَتَوَايَ، وَ أَسْأَلُ اللَّهَ الْبَرَّ الرَّحِيمَ أَنْ يُتِمَّ ذَلِكَ لِي أَشْهَدُ أَنَّكُمْ قَدْ بَلَغْتُمْ عَنِ اللَّهِ مَا أَمَرَكُمْ بِهِ وَ لَنْ تَخْشَوْا أَحَدًا غَيْرَهُ وَ جَاهِدْتُمْ فِي سَبِيلِهِ وَ عِبَدْتُمُوهُ حَتَّى أَتَاكُمْ الْيَقِينُ، لَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكُمْ وَ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ أَمَرَ بِهِ وَ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ بَلَغَهُ ذَلِكَ مِنْهُمْ فَرَضِي بِهِ.

أَشْهَدُ أَنَّ الَّذِينَ انْتَهَكُوا حُرْمَتَكُمْ وَ سَفَكُوا دَمَكُمْ مُلْعُونُونَ عَلَى لِسَانِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ ﷺ. أَن گاه می گویی: «اللَّهُمَّ الْعَنِ الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَكَ وَ خَالَفُوا مِلَّتَكَ وَ رَغِبُوا عَنْ أَمْرِكَ وَ اتَّهَمُوا رَسُولَكَ وَ صَدُّوا عَنْ سَبِيلِكَ.

اللَّهُمَّ احْشُ قُبُورَهُمْ نَارًا وَ أَجْوَافَهُمْ نَارًا وَ احْشُرْهُمْ وَ أَشْيَاعَهُمْ إِلَى جَهَنَّمَ زُرْقًا.  
اللَّهُمَّ الْعَنَّهُمْ لَعْنًا يَلْعَنُهُمْ بِهِ كُلُّ مَلَكٍ مُقَرَّبٍ وَ كُلُّ نَبِيٍّ مُرْسَلٍ وَ كُلُّ عَبْدٍ مُؤْمِنٍ امْتَحَنَتْ قَلْبَهُ  
لِلْإِيمَانِ.

اللَّهُمَّ الْعَنَّهُمْ فِي مُسْتَسِرِّ السِّرِّ وَ فِي ظَاهِرِ الْعَلَانِيَةِ.  
اللَّهُمَّ الْعَنِ جَوَابِيْتَ هَذِهِ الْأُمَّةِ وَ الْعَنِ طَوَاعِيَّتَهَا وَ الْعَنِ فَرَاعِيَّتَهَا وَ الْعَنِ قَتْلَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ،  
وَ الْعَنِ قَتْلَةَ الْحُسَيْنِ، وَ عَذِّبْهُمْ عَذَابًا لَا تُعَذِّبُ بِهِ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ.  
اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مِمَّنْ يَنْصُرُهُ وَ تَنْتَصِرُ بِهِ وَ تَمُنْ عَلَيْهِ بِنَصْرِكَ لِدِينِكَ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ». ثُمَّ  
اجْلَسَ عِنْدَ رَأْسِهِ فَقُلَ: «صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ أَشْهَدُ أَنَّكَ عَبْدُ اللَّهِ وَ أَمِينُهُ بَلَّغْتَ نَاصِحًا وَ  
أَدَيْتَ أَمِينًا وَ قَتَلْتَ صَدِيقًا وَ مَضَيْتَ عَلَى يَقِينٍ لَمْ تُؤْثِرْ عَمَى عَلَى هُدَى وَلَمْ تَمِلْ مِنْ حَقِّ إِلَى بَاطِلٍ.  
أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَ آتَيْتَ الزَّكَاةَ وَ أَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ اتَّبَعْتَ  
الرَّسُولَ وَ تَلَوْتَ الْكِتَابَ حَقَّ تِلَاوَتِهِ وَ دَعَوْتَ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ  
صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَ سَلَّمَ تَسْلِيمًا، وَ جَزَاكَ اللَّهُ مِنْ صَدِيقٍ خَيْرًا عَنْ رَعِيَّتِكَ.

اللَّهُمَّ احْشُ قُبُورَهُمْ نَارًا وَ أَجْوَافَهُمْ نَارًا وَ احْشُرْهُمْ وَ أَشْيَاعَهُمْ إِلَى جَهَنَّمَ زُرْقًا.  
اللَّهُمَّ الْعَنَّهُمْ لَعْنًا يَلْعَنُهُمْ بِهِ كُلُّ مَلَكٍ مُقَرَّبٍ وَ كُلُّ نَبِيٍّ مُرْسَلٍ وَ كُلُّ عَبْدٍ مُؤْمِنٍ امْتَحَنَتْ قَلْبَهُ لِلْإِيمَانِ.  
اللَّهُمَّ الْعَنَّهُمْ فِي مُسْتَسِرِّ السِّرِّ وَ فِي ظَاهِرِ الْعَلَانِيَةِ.  
اللَّهُمَّ الْعَنِ جَوَابِيْتَ هَذِهِ الْأُمَّةِ وَ الْعَنِ طَوَاعِيَّتَهَا وَ الْعَنِ فَرَاعِيَّتَهَا وَ الْعَنِ قَتْلَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَ الْعَنِ  
قَتْلَةَ الْحُسَيْنِ، وَ عَذِّبْهُمْ عَذَابًا لَا تُعَذِّبُ بِهِ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ.  
اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مِمَّنْ يَنْصُرُهُ وَ تَنْتَصِرُ بِهِ وَ تَمُنْ عَلَيْهِ بِنَصْرِكَ لِدِينِكَ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ». سپس  
بالای سر حضرتش بنشین و بگو: «صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ أَشْهَدُ أَنَّكَ عَبْدُ اللَّهِ وَ أَمِينُهُ بَلَّغْتَ  
نَاصِحًا وَ أَدَيْتَ أَمِينًا وَ قَتَلْتَ صَدِيقًا وَ مَضَيْتَ عَلَى يَقِينٍ لَمْ تُؤْثِرْ عَمَى عَلَى هُدَى وَلَمْ تَمِلْ مِنْ حَقِّ إِلَى بَاطِلٍ.  
أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَ آتَيْتَ الزَّكَاةَ وَ أَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ اتَّبَعْتَ الرَّسُولَ وَ  
تَلَوْتَ الْكِتَابَ حَقَّ تِلَاوَتِهِ وَ دَعَوْتَ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَ سَلَّمَ  
تَسْلِيمًا، وَ جَزَاكَ اللَّهُ مِنْ صَدِيقٍ خَيْرًا عَنْ رَعِيَّتِكَ.

وَأَشْهَدُ أَنَّ الْجِهَادَ مَعَكَ جِهَادٌ وَأَنَّ الْحَقَّ مَعَكَ، وَإِلَيْكَ وَأَنْتَ أَهْلُهُ وَمَغْدِنُهُ وَمِيرَاثُ النُّبُوَّةِ  
عِنْدَكَ وَعِنْدَ أَهْلِ بَيْتِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا.  
أَشْهَدُ أَنَّكَ صِدِّيقُ اللَّهِ وَحُجَّتُهُ عَلَى خَلْقِهِ، وَأَشْهَدُ أَنَّ دَعْوَتَكَ حَقٌّ وَكُلُّ دَاعٍ مَنْصُوبٍ غَيْرُكَ  
فَهُوَ بَاطِلٌ مَذْحُوضٌ، وَأَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِينُ».   
ثُمَّ تَحَوَّلَ عِنْدَ رَجُلَيْهِ وَتَخَيَّرَ مِنَ الدَّعَاءِ وَتَدَعَا لِنَفْسِكَ، ثُمَّ تَحَوَّلَ عِنْدَ رَأْسِ  
عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليه السلام وَتَقُولُ:  
«سَلَامٌ لِلَّهِ وَ سَلَامٌ مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ وَ أَنْبِيَائِهِ الْمُرْسَلِينَ يَا مُؤَلَّاهُ وَ ابْنُ مُؤَلَّاهُ وَ رَحْمَةُ  
اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ عَلَيْكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِكَ وَ عِتْرَةِ آبَائِكَ الْأَخْيَارِ الَّذِينَ أَدَّاهَبَ  
اللَّهُ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَ طَهَّرَهُمْ تَطْهِيرًا».  
ثُمَّ تَأْتِي قُبُورَ الشُّهَدَاءِ وَ تُسَلِّمُ عَلَيْهِمْ وَ تَقُولُ:

وَأَشْهَدُ أَنَّ الْجِهَادَ مَعَكَ جِهَادٌ وَأَنَّ الْحَقَّ مَعَكَ، وَإِلَيْكَ وَأَنْتَ أَهْلُهُ وَمَغْدِنُهُ وَمِيرَاثُ النُّبُوَّةِ عِنْدَكَ وَعِنْدَ  
أَهْلِ بَيْتِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا.  
أَشْهَدُ أَنَّكَ صِدِّيقُ اللَّهِ وَحُجَّتُهُ عَلَى خَلْقِهِ، وَأَشْهَدُ أَنَّ دَعْوَتَكَ حَقٌّ وَكُلُّ دَاعٍ مَنْصُوبٍ غَيْرُكَ فَهُوَ بَاطِلٌ  
مَذْحُوضٌ، وَأَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِينُ».   
آن گاه به طرف پایین پای حضرتش می روی و هر چه خواستی برای خود دعا می کنی.  
سپس به طرف بالای سر علی بن الحسین عليه السلام می روی و می گویی:  
«سَلَامٌ لِلَّهِ وَ سَلَامٌ مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ وَ أَنْبِيَائِهِ الْمُرْسَلِينَ يَا مُؤَلَّاهُ وَ ابْنُ مُؤَلَّاهُ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ  
بَرَكَاتُهُ عَلَيْكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِكَ وَ عِتْرَةِ آبَائِكَ الْأَخْيَارِ الَّذِينَ أَدَّاهَبَ اللَّهُ عَنْهُمْ  
الرَّجْسَ وَ طَهَّرَهُمْ تَطْهِيرًا».  
آن گاه کنار قبور شهدا می آیی و بر آنان سلام می کنی و می گویی:



«السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الرَّبَّانِيُّونَ، أَنْتُمْ لَنَا فَرَطٌ وَنَحْنُ لَكُمْ تَبَعٌ، وَنَحْنُ لَكُمْ خَلْفٌ وَ أَنْصَارُ، أَشْهَدُ أَنَّكُمْ أَنْصَارُ اللَّهِ وَ سَادَةُ الشُّهَدَاءِ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ، فَإِنَّكُمْ أَنْصَارُ اللَّهِ كَمَا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ: ﴿وَكَأَيِّنْ مِنْ نَبِيِّ قَاتَلَ مَعَهُ رَبِّيُونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا﴾ وَ مَا ضَعُفْتُمْ وَ مَا اسْتَكَنْتُمْ حَتَّى لَقِيتُمُ اللَّهَ عَلَى سَبِيلِ الْحَقِّ وَ نُصْرَةِ كَلِمَةِ اللَّهِ النَّامَةِ صَلَّى اللَّهُ عَلَى أَرْوَاحِكُمْ وَ أَبْدَانِكُمْ وَ سَلَّمَ تَسْلِيمًا.

أُبَشِّرُوا بِمَوْعِدِ اللَّهِ الَّذِي لَا خُلْفَ لَهُ إِنَّهُ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ، وَ اللَّهُ مُدْرِكُ لَكُمْ بِئَارِ مَا وَعَدَكُمْ أَنْتُمْ سَادَةُ الشُّهَدَاءِ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ، أَنْتُمْ السَّابِقُونَ وَ الْمُهَاجِرُونَ وَ الْأَنْصَارُ. أَشْهَدُ أَنَّكُمْ قَدْ جَاهَدْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ قُتِلْتُمْ عَلَى مِنْهَاجِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ ابْنِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ تَسْلِيمًا.

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقَكُمْ وَ عَدَهُ وَ أَرَاكُمْ مَا تُحِبُّونَ». ثُمَّ تَرْجِعُ إِلَى الْقَبْرِ وَ تَقُولُ:

«السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الرَّبَّانِيُّونَ، أَنْتُمْ لَنَا فَرَطٌ وَنَحْنُ لَكُمْ تَبَعٌ، وَ نَحْنُ لَكُمْ خَلْفٌ وَ أَنْصَارُ، أَشْهَدُ أَنَّكُمْ أَنْصَارُ اللَّهِ وَ سَادَةُ الشُّهَدَاءِ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ، فَإِنَّكُمْ أَنْصَارُ اللَّهِ كَمَا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ: ﴿وَكَأَيِّنْ مِنْ نَبِيِّ قَاتَلَ مَعَهُ رَبِّيُونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا﴾ وَ مَا ضَعُفْتُمْ وَ مَا اسْتَكَنْتُمْ حَتَّى لَقِيتُمُ اللَّهَ عَلَى سَبِيلِ الْحَقِّ وَ نُصْرَةِ كَلِمَةِ اللَّهِ النَّامَةِ صَلَّى اللَّهُ عَلَى أَرْوَاحِكُمْ وَ أَبْدَانِكُمْ وَ سَلَّمَ تَسْلِيمًا.

أُبَشِّرُوا بِمَوْعِدِ اللَّهِ الَّذِي لَا خُلْفَ لَهُ إِنَّهُ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ، وَ اللَّهُ مُدْرِكُ لَكُمْ بِئَارِ مَا وَعَدَكُمْ أَنْتُمْ سَادَةُ الشُّهَدَاءِ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ، أَنْتُمْ السَّابِقُونَ وَ الْمُهَاجِرُونَ وَ الْأَنْصَارُ. أَشْهَدُ أَنَّكُمْ قَدْ جَاهَدْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ قُتِلْتُمْ عَلَى مِنْهَاجِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ ابْنِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ تَسْلِيمًا.

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقَكُمْ وَ عَدَهُ وَ أَرَاكُمْ مَا تُحِبُّونَ».

آن گاه کنار قبر امام حسین (علیه السلام) برمی‌گرددی و می‌گویی:

«أَتَيْتُكَ يَا حَبِيبَ رَسُولِ اللَّهِ وَابْنَ رَسُولِهِ، وَإِنِّي بِكَ عَارِفٌ وَبِحَقِّكَ مُقَرَّرٌ بِفَضْلِكَ مُسْتَبْصِرٌ بِضَالَّةٍ مَنْ خَالَفَكَ عَارِفٌ بِالْهُدَى الَّذِي أَنْتُمْ عَلَيْهِ بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي وَنَفْسِي. اللَّهُمَّ إِنِّي أَصْلِي عَلَيْهِ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَيْهِ أَنْتَ وَرَسُولُكَ وَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَاةً مُتَتَابِعَةً مُتَوَاصِلَةً مُتَرَادِفَةً تَتَّبِعُ بَعْضُهَا بَعْضًا لَا انْقِطَاعَ لَهَا وَلَا أَمَدَ، وَلَا أَجَلَ فِي مَحْضَرِنَا هَذَا وَإِذَا غَبِنَا وَ شَهِدْنَا وَ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ».

وَ إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تُودِّعَهُ فَقُلْ:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ، أَسْتَوْدِعُكَ اللَّهَ وَ أَقْرَأُ عَلَيْكَ السَّلَامَ، آمَنَّا بِاللَّهِ وَ بِالرَّسُولِ وَ بِمَا جِئْتَ بِهِ وَ دَلَّلْتَ عَلَيْهِ وَ اتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ. اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنَّا وَ مِنَهُ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَنْفَعَنَا بِحُبِّهِ. اللَّهُمَّ ابْعَثْهُ مَقَاماً مَحْمُوداً تَنْصُرُ بِهِ دِينَكَ وَ تَقْتُلُ بِهِ عَدُوَّكَ وَ تُبِيرُ بِهِ مَنْ نَصَبَ حَرْباً لِإِلِ مُحَمَّدٍ فَإِنَّكَ وَعَدْتَ ذَلِكَ وَ أَنْتَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ».

«أَتَيْتُكَ يَا حَبِيبَ رَسُولِ اللَّهِ وَ ابْنَ رَسُولِهِ، وَإِنِّي بِكَ عَارِفٌ وَ بِحَقِّكَ مُقَرَّرٌ بِفَضْلِكَ مُسْتَبْصِرٌ بِضَالَّةٍ مَنْ خَالَفَكَ عَارِفٌ بِالْهُدَى الَّذِي أَنْتُمْ عَلَيْهِ بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي وَ نَفْسِي. اللَّهُمَّ إِنِّي أَصْلِي عَلَيْهِ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَيْهِ أَنْتَ وَ رَسُولُكَ وَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَاةً مُتَتَابِعَةً مُتَوَاصِلَةً مُتَرَادِفَةً تَتَّبِعُ بَعْضُهَا بَعْضًا لَا انْقِطَاعَ لَهَا وَلَا أَمَدَ، وَلَا أَجَلَ فِي مَحْضَرِنَا هَذَا وَإِذَا غَبِنَا وَ شَهِدْنَا وَ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ».

وهرگاه خواستی آن حضرت را وداع کنی پس بگو: «السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ، أَسْتَوْدِعُكَ اللَّهَ وَ أَقْرَأُ عَلَيْكَ السَّلَامَ، آمَنَّا بِاللَّهِ وَ بِالرَّسُولِ وَ بِمَا جِئْتَ بِهِ وَ دَلَّلْتَ عَلَيْهِ وَ اتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ».

اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنَّا وَ مِنَهُ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَنْفَعَنَا بِحُبِّهِ. اللَّهُمَّ ابْعَثْهُ مَقَاماً مَحْمُوداً تَنْصُرُ بِهِ دِينَكَ وَ تَقْتُلُ بِهِ عَدُوَّكَ وَ تُبِيرُ بِهِ مَنْ نَصَبَ حَرْباً لِإِلِ مُحَمَّدٍ فَإِنَّكَ وَعَدْتَ ذَلِكَ وَ أَنْتَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ».

أَشْهَدُ أَنْكُمْ شُهَدَاءُ نُجَبَاءَ جَاهِدْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ قُتِلْتُمْ عَلَى مِنْهَاجِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمْ تَسْلِيمًا كَثِيرًا».

۲- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ ثَوِيرٍ قَالَ:  
كُنْتُ أَنَا وَ يُونُسُ بْنُ ظَبْيَانَ وَ الْمُفَضَّلُ بْنُ عُمَرَ وَ أَبُو سَلَمَةَ السَّرَّاجُ جُلُوسًا عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ كَانَ الْمُتَكَلِّمُ مِنَّا يُونُسُ، وَ كَانَ أَكْبَرَنَا سِنًا فَقَالَ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ!  
إِنِّي أَحْضَرُ مَجْلِسَ هَؤُلَاءِ الْقَوْمِ يَعْنِي وَلَدَ الْعَبَّاسِ فَمَا أَقُولُ؟  
فَقَالَ: إِذَا حَضَرْتَ فَذَكَرْتَنَا فَقُلْ:  
«اللَّهُمَّ أَرِنَا الرَّخَاءَ وَ السُّرُورَ، فَإِنَّكَ تَأْتِي عَلَى مَا تُرِيدُ».

فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! إِنِّي كَثِيرًا مَا أَذْكُرُ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَأَيَّ شَيْءٍ أَقُولُ؟  
فَقَالَ: قُلْ: «صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ» تُعِيدُ ذَلِكَ ثَلَاثًا، فَإِنَّ السَّلَامَ يَصِلُ إِلَيْهِ مِنْ قَرِيبٍ وَ مِنْ بَعِيدٍ.

أَشْهَدُ أَنْكُمْ شُهَدَاءُ نُجَبَاءَ جَاهِدْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ قُتِلْتُمْ عَلَى مِنْهَاجِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمْ تَسْلِيمًا كَثِيرًا».

۲- حسین بن ثویر گوید: من، یونس بن ظبیان، مفضل بن عمر و ابو سلمه سراج در خدمت امام صادق علیه السلام نشسته بودیم. سخنگوی ما یونس بود که از ما بزرگ‌تر بود. پس او به حضرت گفت: قربانت گردم! من در مجلس این قوم - یعنی فرزندان عباس - حاضر می‌شوم چه بگویم؟

فرمود: آن‌گاه که در محافل آنها حاضر شدی و ما را یاد کردی پس بگو: «اللَّهُمَّ أَرِنَا الرَّخَاءَ وَ السُّرُورَ، فَإِنَّكَ تَأْتِي عَلَى مَا تُرِيدُ».

عرض کردم: قربانت گردم! من بیشتر اوقات امام حسین علیه السلام را به یاد می‌آورم در این هنگام چه بگویم:

فرمود: بگو: «صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ» این عبارت را سه بار تکرار کن، چرا که از دور و نزدیک سلام به آن حضرت می‌رسد.

ثُمَّ قَالَ: إِنَّ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمَّا قَضَى بَكَتْ عَلَيْهِ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُونَ السَّبْعُ وَمَا فِيهِنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ وَمَنْ يَنْقَلِبُ فِي الْجَنَّةِ وَالنَّارِ مِنْ خَلْقِ رَبِّنَا وَمَا يُرَى وَمَا لَا يُرَى بَكَى عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَّا ثَلَاثَةَ أَشْيَاءَ لَمْ تَبْكْ عَلَيْهِ.

قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! وَمَا هَذِهِ الثَّلَاثَةُ الْأَشْيَاءُ؟

قَالَ: لَمْ تَبْكْ عَلَيْهِ الْبَصْرَةَ وَلَا دِمَشْقَ وَلَا آلَ عُثْمَانَ عَلَيْهِمُ لَعْنَةُ اللَّهِ.

قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أَزُورَهُ فَكَيْفَ أَقُولُ؟ وَكَيْفَ أَصْنَعُ؟

قَالَ: إِذَا أَتَيْتَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَاعْتَسِلْ عَلَى شَاطِئِ الْفُرَاتِ، ثُمَّ الْبَسْ ثِيَابَكَ الطَّاهِرَةَ ثُمَّ امْشِ حَافِئاً فَإِنَّكَ فِي حَرَمٍ مِنْ حَرَمِ اللَّهِ وَحَرَمِ رَسُولِهِ وَعَلَيْكَ بِالتَّكْبِيرِ وَالتَّهْلِيلِ وَالتَّسْبِيحِ وَالتَّحْمِيدِ وَالتَّعْظِيمِ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ كَثِيراً وَالصَّلَاةَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآهِلِ بَيْتِهِ حَتَّى تَصِيرَ إِلَى بَابِ الْحَيْرِ. ثُمَّ تَقُولُ:

آن گاه فرمود: هنگامی که امام حسین علیه السلام به شهادت رسید آسمان های هفتگانه وزمین هفتگانه و آن چه در آنها و در بین آنهاست و همه مخلوقات آفریدگار ما که در بهشت و دوزخند و آن چه دیده شود و آن چه دیده نشود به اباعبدالله الحسین علیه السلام گریستند جز سه چیز که به آن حضرت گریه نکرد.

گفتم: قربانت گردم! آن سه چیز کدامند؟

فرمود: بصره، دمشق و آل عثمان لعنت خدا بر آنها باد به آن حضرت گریه نکرد.

گفتم: قربانت گردم! من می خواهم آن حضرت را زیارت نمایم چه بگویم، و چگونه زیارت نمایم؟

فرمود: آن گاه که کنار قبر امام حسین علیه السلام رفتی پس در کنار رود فرات غسل کن، بعد از آن لباس های پاکیزه را بپوش، پس پا برهنه برو، زیرا که تو در حرمی از حرم های خدا و حرم رسول او هستی و بر تو باد به تکبیر، لا اله الا الله، سبحان الله و الحمد لله گفتن و خداوند صلوات الله علیه را بسیار با عظمت و بزرگی یاد کنی و درود بر محمد و آل محمد صلوات الله علیه و خاندان آن حضرت بفرستی تا به در آستانه امام حسین علیه السلام برسی، سپس می گویی:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَابْنَ حُجَّتِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا مَلَائِكَةَ اللَّهِ وَزُؤَارَ قَبْرِ ابْنِ نَبِيِّ اللَّهِ».

ثُمَّ اخْطُ عَشْرَ خُطُوَاتٍ، ثُمَّ قِفْ وَكَبِّرْ ثَلَاثِينَ تَكْبِيرَةً، ثُمَّ امْشِ إِلَيْهِ حَتَّى تَأْتِيَهُ مِنْ قِبَلِ وَجْهِهِ فَاسْتَقْبِلْ وَجْهَكَ بِوَجْهِهِ وَتَجْعَلِ الْقِبْلَةَ بَيْنَ كَتِفَيْكَ، ثُمَّ قُلْ:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَابْنَ حُجَّتِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا قَتِيلَ اللَّهِ وَابْنَ قَتِيلِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ثَارَ اللَّهِ وَابْنَ ثَارِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَثَرَ اللَّهِ الْمُؤْتَوِّرَ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ.

أَشْهَدُ أَنَّ دَمَكَ سَكَنَ فِي الْخُلْدِ، وَاقْشَعَرَّتْ لَهُ أَظْلَةُ الْعَرْشِ وَبَكَى لَهُ جَمِيعُ الْخَلَائِقِ، وَبَكَتْ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ السَّبْعُ وَ مَا فِيهِنَّ وَ مَا بَيْنَهُنَّ وَ مَنْ يَتَقَلَّبُ فِي الْجَنَّةِ وَالنَّارِ مِنْ خَلْقِ رَبَّنَا وَ مَا يُرَى وَ مَا لَا يُرَى.

أَشْهَدُ أَنَّكَ حُجَّةُ اللَّهِ وَ ابْنُ حُجَّتِهِ وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَتِيلُ اللَّهِ وَ ابْنُ قَتِيلِهِ.

وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ ثَائِرُ اللَّهِ وَ ابْنُ ثَائِرِهِ وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ وَثَرُ اللَّهِ الْمُؤْتَوِّرُ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ.

وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَغْتَ وَ نَصَحْتَ وَ وَفَيْتَ وَ أَوْفَيْتَ وَ جَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ مَضَيْتَ لِلَّذِي كُنْتَ عَلَيْهِ شَهِيداً وَ مُسْتَشْهِداً وَ شَاهِداً وَ مَشْهُوداً.

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَ ابْنَ حُجَّتِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا مَلَائِكَةَ اللَّهِ وَ زُؤَارَ قَبْرِ ابْنِ نَبِيِّ اللَّهِ».

آن‌گاه ده گام بردار، سپس بایست و سی مرتبه تکبیر بگو، آن‌گاه حرکت کن تا از رو به رو وارد حرم شو و رو به روی حضرتش بایست و قبله را بین دو کتف قرار بده، آن‌گاه بگو:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَ ابْنَ حُجَّتِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا قَتِيلَ اللَّهِ وَ ابْنَ قَتِيلِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ثَارَ اللَّهِ وَ ابْنَ ثَارِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَثَرَ اللَّهِ الْمُؤْتَوِّرَ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ.

أَشْهَدُ أَنَّ دَمَكَ سَكَنَ فِي الْخُلْدِ، وَ اقْشَعَرَّتْ لَهُ أَظْلَةُ الْعَرْشِ وَ بَكَى لَهُ جَمِيعُ الْخَلَائِقِ، وَ بَكَتْ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ السَّبْعُ وَ مَا فِيهِنَّ وَ مَا بَيْنَهُنَّ وَ مَنْ يَتَقَلَّبُ فِي الْجَنَّةِ وَالنَّارِ مِنْ خَلْقِ رَبَّنَا وَ مَا يُرَى وَ مَا لَا يُرَى.

أَشْهَدُ أَنَّكَ حُجَّةُ اللَّهِ وَ ابْنُ حُجَّتِهِ وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَتِيلُ اللَّهِ وَ ابْنُ قَتِيلِهِ.

وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ ثَائِرُ اللَّهِ وَ ابْنُ ثَائِرِهِ وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ وَثَرُ اللَّهِ الْمُؤْتَوِّرُ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ.

وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَغْتَ وَ نَصَحْتَ وَ وَفَيْتَ وَ أَوْفَيْتَ وَ جَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ مَضَيْتَ لِلَّذِي كُنْتَ عَلَيْهِ شَهِيداً وَ مُسْتَشْهِداً وَ شَاهِداً وَ مَشْهُوداً.

أَنَا عَبْدُ اللَّهِ وَ مَوْلَاكَ وَ فِي طَاعَتِكَ وَ الْوَافِدُ إِلَيْكَ أَلْتَمِسُ كَمَالَ الْمَنْزِلَةِ عِنْدَ اللَّهِ وَ ثَبَاتَ الْقَدَمِ فِي الْهَجْرَةِ إِلَيْكَ، وَ السَّبِيلَ الَّذِي لَا يُخْتَلَجُ دُونَكَ مِنَ الدُّخُولِ فِي كِفَالَتِكَ الَّتِي أُمِرْتُ بِهَا. مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بِدَأْ بِكُمْ، بِكُمْ يُبَيِّنُ اللَّهُ الْكَذِبَ، وَ بِكُمْ يُبَاعِدُ اللَّهُ الزَّمَانَ الْكَلْبَ، وَ بِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ، وَ بِكُمْ يَخْتِمُ اللَّهُ، وَ بِكُمْ يَمْحُو مَا يَشَاءُ وَ بِكُمْ يُثَبِّتُ وَ بِكُمْ يَفُكُ الدَّلَّ مِنْ رِقَابِنَا، وَ بِكُمْ يُدْرِكُ اللَّهُ تَرَةً كُلَّ مُؤْمِنٍ يُطْلَبُ بِهَا، وَ بِكُمْ تُنْبِتُ الْأَرْضُ أَشْجَارَهَا، وَ بِكُمْ تُخْرِجُ الْأَشْجَارُ أَثْمَارَهَا، وَ بِكُمْ تُنْزِلُ السَّمَاءُ قَطْرَهَا وَ رِزْقَهَا وَ بِكُمْ يَكْشِفُ اللَّهُ الْكَرْبَ، وَ بِكُمْ يُنْزِلُ اللَّهُ الْغَيْثَ وَ بِكُمْ تَسِيخُ الْأَرْضُ الَّتِي تَحْمِلُ أَبْدَانَكُمْ وَ تَسْتَقِرُّ جِبَالُهَا عَنْ مَرَاسِيهَا إِرَادَةَ الرَّبِّ فِي مَقَادِيرِ أُمُورِهِ تَهْبِطُ إِلَيْكُمْ وَ تَصْدُرُ مِنْ بَيُوتِكُمْ وَ الصَّادِرُ عَمَّا فَصَلَ مِنْ أَحْكَامِ الْعِبَادِ لُعِنَتْ أُمَّةٌ قَتَلَتْكُمْ، وَ أُمَّةٌ خَالَفَتْكُمْ وَ أُمَّةٌ جَحَدَتْ وَ لَا يَتَكُمُ، وَ أُمَّةٌ ظَاهَرَتْ عَلَيْكُمْ، وَ أُمَّةٌ شَهِدَتْ وَ لَمْ تُسْتَشْهَدْ. الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ النَّارَ مَتَوَاهِمُ وَ بِنَسْ وَرْدُ الْوَارِدِينَ، وَ بِنَسْ الْوَرْدُ الْمُورُودُ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ.

أَنَا عَبْدُ اللَّهِ وَ مَوْلَاكَ وَ فِي طَاعَتِكَ وَ الْوَافِدُ إِلَيْكَ أَلْتَمِسُ كَمَالَ الْمَنْزِلَةِ عِنْدَ اللَّهِ وَ ثَبَاتَ الْقَدَمِ فِي الْهَجْرَةِ إِلَيْكَ، وَ السَّبِيلَ الَّذِي لَا يُخْتَلَجُ دُونَكَ مِنَ الدُّخُولِ فِي كِفَالَتِكَ الَّتِي أُمِرْتُ بِهَا. مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بِدَأْ بِكُمْ، بِكُمْ يُبَيِّنُ اللَّهُ الْكَذِبَ، وَ بِكُمْ يُبَاعِدُ اللَّهُ الزَّمَانَ الْكَلْبَ، وَ بِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ، وَ بِكُمْ يَخْتِمُ اللَّهُ، وَ بِكُمْ يَمْحُو مَا يَشَاءُ وَ بِكُمْ يُثَبِّتُ وَ بِكُمْ يَفُكُ الدَّلَّ مِنْ رِقَابِنَا، وَ بِكُمْ يُدْرِكُ اللَّهُ تَرَةً كُلَّ مُؤْمِنٍ يُطْلَبُ بِهَا، وَ بِكُمْ تُنْبِتُ الْأَرْضُ أَشْجَارَهَا، وَ بِكُمْ تُخْرِجُ الْأَشْجَارُ أَثْمَارَهَا، وَ بِكُمْ تُنْزِلُ السَّمَاءُ قَطْرَهَا وَ رِزْقَهَا وَ بِكُمْ يَكْشِفُ اللَّهُ الْكَرْبَ، وَ بِكُمْ يُنْزِلُ اللَّهُ الْغَيْثَ وَ بِكُمْ تَسِيخُ الْأَرْضُ الَّتِي تَحْمِلُ أَبْدَانَكُمْ وَ تَسْتَقِرُّ جِبَالُهَا عَنْ مَرَاسِيهَا إِرَادَةَ الرَّبِّ فِي مَقَادِيرِ أُمُورِهِ تَهْبِطُ إِلَيْكُمْ وَ تَصْدُرُ مِنْ بَيُوتِكُمْ وَ الصَّادِرُ عَمَّا فَصَلَ مِنْ أَحْكَامِ الْعِبَادِ لُعِنَتْ أُمَّةٌ قَتَلَتْكُمْ، وَ أُمَّةٌ خَالَفَتْكُمْ وَ أُمَّةٌ جَحَدَتْ وَ لَا يَتَكُمُ، وَ أُمَّةٌ ظَاهَرَتْ عَلَيْكُمْ، وَ أُمَّةٌ شَهِدَتْ وَ لَمْ تُسْتَشْهَدْ. الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ النَّارَ مَتَوَاهِمُ وَ بِنَسْ وَرْدُ الْوَارِدِينَ، وَ بِنَسْ الْوَرْدُ الْمُورُودُ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ.

أَنَا إِلَى اللَّهِ مِمَّنْ خَالَفَكَ بِرِيءٍ. ثَلَاثًا.  
ثُمَّ تَقُومُ فَتَأْتِي ابْنَهُ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ وَهُوَ عِنْدَ رَجُلَيْهِ فَتَقُولُ:  
«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ عَلِيٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ.  
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ خَدِيجَةَ وَ فَاطِمَةَ، صَلَّى اللَّهُ  
عَلَيْكَ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ».

تَقُولُهَا ثَلَاثًا.

«أَنَا إِلَى اللَّهِ مِنْهُمْ بِرِيءٍ» ثَلَاثًا.  
ثُمَّ تَقُومُ فَتَوَمِّئُ بِيَدِكَ إِلَى الشُّهَدَاءِ وَ تَقُولُ:  
«السَّلَامُ عَلَيْكُمْ» ثَلَاثًا «فُرُتُمْ وَ اللَّهُ فُرُتُمْ وَ اللَّهُ فَلَيْتَ أَنِّي مَعَكُمْ فَأَفُوزَ فَوْزًا عَظِيمًا».

ثُمَّ تَدُورُ فَتَجْعَلُ قَبْرَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَيْنَ يَدَيْكَ، فَصَلِّ سِتَّ رَكَعَاتٍ وَ قَدْ تَمَّتْ  
زِيَارَتُكَ فَإِنْ شِئْتَ فَانْصَرِفْ.

۳- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أُورَمَةَ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا  
عَنْ أَبِي الْحَسَنِ صَاحِبِ الْعُسْكَرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

وسه مرتبه می‌گویی: أَنَا إِلَى اللَّهِ مِمَّنْ خَالَفَكَ بِرِيءٍ.

آن‌گاه به کنار فرزندش علی علیه السلام می‌آیی که نزد پایین پای حضرتش قرار دارد و می‌گویی:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ عَلِيٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ.  
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ خَدِيجَةَ وَ فَاطِمَةَ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ لَعَنَ  
اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ».

وسه مرتبه می‌گویی: «أَنَا إِلَى اللَّهِ مِنْهُمْ بِرِيءٍ».

آن‌گاه برمی‌خیزی و با دست خود به جانب شهدا اشاره می‌کنی و سه مرتبه می‌گویی:

«السَّلَامُ عَلَيْكُمْ» [بعد می‌گویی:] «فُرُتُمْ وَ اللَّهُ فُرُتُمْ وَ اللَّهُ فَلَيْتَ أَنِّي مَعَكُمْ فَأَفُوزَ فَوْزًا عَظِيمًا».

آن‌گاه دور می‌زنی و قبر امام حسین علیه السلام پیش روی خود قرار می‌دهی. پس شش رکعت  
نماز بخوان که در واقع زیارت تو پایان یافته است پس اگر خواستی می‌توانی برگردی.

۳- یکی از اصحاب ما گوید: امام هادی علیه السلام فرمود:

تَقُولُ عِنْدَ رَأْسِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَشَاهِدَهُ عَلَى خَلْقِهِ،  
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ عَلِيٍّ الْمُرْتَضَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ فَاطِمَةَ  
الزَّهْرَاءِ.

أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَجَاهَدْتَ  
فِي سَبِيلِ اللَّهِ حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ. فَصَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ حَيًّا وَمَيِّتًا.

ثُمَّ نَضَعُ خَدَّكَ الْأَيْمَنَ عَلَى الْقَبْرِ وَقُلْ:

«أَشْهَدُ أَنَّكَ عَلَى بَيْتَةِ مِنْ رَبِّكَ جِئْتُ مُقَرَّاً بِالذُّنُوبِ لِتَشْفَعَ لِي عِنْدَ رَبِّكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ».

ثُمَّ اذْكُرِ الْأَيِّمَةَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِأَسْمَائِهِمْ وَاحِدًا وَاحِدًا وَقُلْ:

«أَشْهَدُ أَنَّكُمْ حُجَّةُ اللَّهِ».

ثُمَّ قُلْ: «اَكْتُبْ لِي عِنْدَكَ مِيثَاقًا وَ عَهْدًا أَنِّي أَتَيْتُكَ أَجَدُّ الْمِيثَاقِ فَاشْهَدْ لِي عِنْدَ رَبِّكَ إِنَّكَ أَنْتَ  
الشَّاهِدُ».

در نزد بالای سر امام حسین علیه السلام می گوئی:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَشَاهِدَهُ عَلَى خَلْقِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ  
يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ عَلِيٍّ الْمُرْتَضَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ.

أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ  
اللَّهِ حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ. فَصَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ حَيًّا وَمَيِّتًا.

آن گاه گونه راست را بر روی قبر مطهر بگذار و بگو: «أَشْهَدُ أَنَّكَ عَلَى بَيْتَةِ مِنْ رَبِّكَ جِئْتُ مُقَرَّاً  
بِالذُّنُوبِ لِتَشْفَعَ لِي عِنْدَ رَبِّكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ».

سپس ائمه علیهم السلام را یکی یکی با نام هایشان یاد کن و بگو: «أَشْهَدُ أَنَّكُمْ حُجَّةُ اللَّهِ».

آن گاه بگو: «اَكْتُبْ لِي عِنْدَكَ مِيثَاقًا وَ عَهْدًا أَنِّي أَتَيْتُكَ أَجَدُّ الْمِيثَاقِ فَاشْهَدْ لِي عِنْدَ رَبِّكَ إِنَّكَ أَنْتَ  
الشَّاهِدُ».



مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ الرَّزَّازِ الْكُوفِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى بْنِ عُبَيْدٍ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام مِثْلَهُ.

۴- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ زَيْدِ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَطِيَّةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

إِذَا فَرَعْتَ مِنَ السَّلَامِ عَلَى الشُّهَدَاءِ فَانْتَ قَبْرَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَاجْعَلْهُ بَيْنَ يَدَيْكَ، ثُمَّ تُصَلِّي مَا بَدَا لَكَ.

(۱۹)

**بَابُ الْقَوْلِ عِنْدَ قَبْرِ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى عليه السلام وَ أَبِي جَعْفَرِ الثَّانِي عليه السلام وَ مَا يُجْزَى مِنَ الْقَوْلِ عِنْدَ كُلِّهِمَا عليهما السلام**

۱- مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ الرَّزَّازِ الْكُوفِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى بْنِ عُبَيْدٍ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ: تَقُولُ بَعْدَ:

۴- حسن بن عطیه گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

آن‌گاه از سلام شهدا فارغ شدی پس کنار قبر امام حسین عليه السلام بیا و قبر را پیش روی خود قرار ده و هر چه خواستی نماز بگزار.

### بخش نوزدهم

**اعمال کنار قبر امام کاظم و امام جواد علیهما السلام زیاراتی که در بارگاه امامان علیهم السلام کفایت می‌کند**

۱- راوی گوید: امام هادی عليه السلام فرمود:

در بغداد (در بارگاه کاظمین علیهما السلام) می‌گویی:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ  
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ بَدَأَ لِلَّهِ فِي شَأْنِهِ، أَتَيْتُكَ عَارِفًا بِحَقِّكَ مُعَاذِيًا لِأَعْدَائِكَ، فَاشْفَعْ لِي عِنْدَ رَبِّكَ».  
وَ ادْعُ اللَّهَ وَ سَلِّ حَاجَتَكَ.

قَالَ: وَ تُسَلِّمُ بِهَذَا عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام.

۲ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ  
حَسَّانَ عَنِ الرِّضَا عليه السلام قَالَ:

سُئِلَ أَبِي عليه السلام عَنْ إِثْنَانِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام.

فَقَالَ: صَلُّوا فِي الْمَسَاجِدِ حَوْلَهُ وَ يُجْزَى فِي الْمَوَاضِعِ كُلِّهَا أَنْ تَقُولَ:

«السَّلَامُ عَلَى أَوْلِيَاءِ اللَّهِ وَ أَصْفِيَائِهِ، السَّلَامُ عَلَى أَمَنَاءِ اللَّهِ وَ أَجْبَائِهِ، السَّلَامُ عَلَى أَنْصَارِ  
اللَّهِ وَ خُلَفَائِهِ، السَّلَامُ عَلَى مَخَالٍ مَعْرِفَةِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى مَسَاجِدِ ذِكْرِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى  
مُظَاهِرِي أَمْرِ اللَّهِ وَ نَهْيِهِ، السَّلَامُ عَلَى الدُّعَاةِ إِلَى اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى الْمُسْتَقَرِّينَ فِي مَرْضَاةِ اللَّهِ،  
السَّلَامُ عَلَى الْمُمَحْصِينَ فِي طَاعَةِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى الْأِدْلَاءِ عَلَى اللَّهِ».

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ  
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ بَدَأَ لِلَّهِ فِي شَأْنِهِ، أَتَيْتُكَ عَارِفًا بِحَقِّكَ مُعَاذِيًا لِأَعْدَائِكَ، فَاشْفَعْ لِي عِنْدَ رَبِّكَ».

و خدایا بخوان و حاجت خود را بخواه.

فرمود: همین گونه به امام جواد عليه السلام نیز سلام می دهی.

۲ - علی بن حسان گوید: امام رضا عليه السلام فرمود:

از پدر بزرگوارم عليه السلام در مورد زیارت قبر امام حسین عليه السلام سؤال شد.

فرمود: در مساجد پیرامون بارگاه حضرتش نماز بخوانید و کافی است که در همه

مواضع آن بگویید:

«السَّلَامُ عَلَى أَوْلِيَاءِ اللَّهِ وَ أَصْفِيَائِهِ، السَّلَامُ عَلَى أَمَنَاءِ اللَّهِ وَ أَجْبَائِهِ، السَّلَامُ عَلَى أَنْصَارِ اللَّهِ وَ  
خُلَفَائِهِ، السَّلَامُ عَلَى مَخَالٍ مَعْرِفَةِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى مَسَاجِدِ ذِكْرِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى مُظَاهِرِي أَمْرِ اللَّهِ وَ  
نَهْيِهِ، السَّلَامُ عَلَى الدُّعَاةِ إِلَى اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى الْمُسْتَقَرِّينَ فِي مَرْضَاةِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى الْمُمَحْصِينَ فِي  
طَاعَةِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى الْأِدْلَاءِ عَلَى اللَّهِ».

السَّلَامُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ وَالَاهُمْ فَقَدْ وَالَى اللَّهُ، وَ مَنْ عَادَاهُمْ فَقَدْ عَادَى اللَّهُ، وَ مَنْ عَرَفَهُمْ فَقَدْ عَرَفَ اللَّهُ، وَ مَنْ جَهِلَهُمْ فَقَدْ جَهِلَ اللَّهُ، وَ مَنْ اعْتَصَمَ بِهِمْ فَقَدْ اعْتَصَمَ بِاللَّهِ، وَ مَنْ تَخَلَّى مِنْهُمْ فَقَدْ تَخَلَّى مِنَ اللَّهِ:

أُشْهِدُ اللَّهَ أَنِّي سِلْمٌ لِمَنْ سَأَلْتُمْ، وَ حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبْتُمْ، مُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ وَ عَلَانِيَتِكُمْ، مُفَوَّضٌ فِي ذَلِكَ كُلِّهِ إِلَيْكُمْ. لَعَنَ اللَّهُ عَدُوَّ آلِ مُحَمَّدٍ مِنَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ، وَ أَجْرًا إِلَى اللَّهِ مِنْهُمْ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ».

هَذَا يُجْزَى فِي الزِّيَارَاتِ كُلِّهَا، وَ تُكْثَرُ مِنَ الصَّلَاةِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ تُسَمَّى وَاحِدًا وَاحِدًا بِأَسْمَائِهِمْ، وَ تَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ مِنْ أَعْدَائِهِمْ، وَ تَخْتَارُ لِنَفْسِكَ مِنَ الدُّعَاءِ مَا أَحْبَبْتَ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ.

السَّلَامُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ وَالَاهُمْ فَقَدْ وَالَى اللَّهُ، وَ مَنْ عَادَاهُمْ فَقَدْ عَادَى اللَّهُ، وَ مَنْ عَرَفَهُمْ فَقَدْ عَرَفَ اللَّهُ، وَ مَنْ جَهِلَهُمْ فَقَدْ جَهِلَ اللَّهُ، وَ مَنْ اعْتَصَمَ بِهِمْ فَقَدْ اعْتَصَمَ بِاللَّهِ، وَ مَنْ تَخَلَّى مِنْهُمْ فَقَدْ تَخَلَّى مِنَ اللَّهِ: أُشْهِدُ اللَّهَ أَنِّي سِلْمٌ لِمَنْ سَأَلْتُمْ، وَ حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبْتُمْ، مُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ وَ عَلَانِيَتِكُمْ، مُفَوَّضٌ فِي ذَلِكَ كُلِّهِ إِلَيْكُمْ. لَعَنَ اللَّهُ عَدُوَّ آلِ مُحَمَّدٍ مِنَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ، وَ أَجْرًا إِلَى اللَّهِ مِنْهُمْ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ».

این زیارت در همه زیارت‌گاه‌ها کافی است. وبر محمد و آل محمد علیهم‌السلام بیشتر صلوات بفرست و هر یک را با نام‌های مبارکشان نام ببر و از دشمنانشان به خدا دوری جوی و هر دعایی که دوست داری برای خود و زنان و مردان مؤمن بخوان.

(۲۰)

**بَابُ فَضْلِ الزِّيَارَاتِ وَ ثَوَابِهَا**

- ۱- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيعٍ عَنْ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ زَيْدِ الشَّحَّامِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: مَا لِمَنْ زَارَ أَحَدًا مِنْكُمْ؟ قَالَ: كَمَنْ زَارَ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله.
- ۲- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ رَفَعَهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: يَا عَلِيُّ! مَنْ زَارَنِي فِي حَيَاتِي أَوْ بَعْدَ مَوْتِي أَوْ زَارَكَ فِي حَيَاتِكَ أَوْ بَعْدَ مَوْتِكَ، أَوْ زَارَ ابْنَيْكَ فِي حَيَاتِهِمَا أَوْ بَعْدَ مَوْتِهِمَا ضَمِنْتُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَنْ أُخْلَصَهُ مِنْ أَهْوَالِهَا وَ شَدَائِدِهَا حَتَّى أَصِيرَهُ مَعِيَ فِي دَرَجَتِي.

**بخش بیستم****فضیلت زیارتها و ثواب آنها**

- ۱- زید شحام گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: پاداش کسی که یکی از شما را زیارت کند چیست؟  
فرمود: به سان کسی است که رسول خدا صلى الله عليه وآله را زیارت نماید.
- ۲- محمد بن علی در روایت مرفوعه‌ای گوید: رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: ای علی! هر کس مرا در دوران زنده بودنم و یا بعد از مرگم، یا تو را در دوران زنده بودن و یا پس از مرگت و یا دو فرزندت را در دوران زنده بودنشان و یا پس از مرگشان زیارت کند بر او ضمانت می‌کنم که در روز قیامت از موارد هولناک و سختی‌های آن رهایش نمایم تا او را در درجه و مقام خود قرار دهم.

۳- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ حَمْدَانَ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْيَمَانِيِّ عَنْ مَنِيعِ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْ يُونُسَ بْنِ أَبِي وَهْبٍ الْقَصْرِيِّ قَالَ: دَخَلْتُ الْمَدِينَةَ فَأَتَيْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! أَتَيْتُكَ وَلَمْ أَزِرْ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام.

قَالَ: بُنُسَ مَا صَنَعْتَ؟! لَوْ لَا أَنَّكَ مِنْ شِيعَتِنَا مَا نَظَرْتُ إِلَيْكَ، أَلَا تَزُورُ مَنْ يَزُورُهُ اللَّهُ مَعَ الْمَلَائِكَةِ وَ يَزُورُهُ الْأَنْبِيَاءُ وَ يَزُورُهُ الْمُؤْمِنُونَ؟! قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! مَا عَلِمْتُ ذَلِكَ.

قَالَ: اعْلَمْ أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام أَفْضَلُ عِنْدَ اللَّهِ مِنَ الْأَئِمَّةِ كُلِّهِمْ، وَلَهُ ثَوَابُ أَعْمَالِهِمْ وَ عَلَى قَدَرِ أَعْمَالِهِمْ فَضَّلُوا.

۳- ابو وهب قصری گوید: وارد مدینه شده و به خدمت امام صادق عليه السلام شرفیاب شدم و گفتم: قربانت شوم! خدمت شما آمدم در حالی که امیرالمؤمنین عليه السلام را زیارت نکردم.

فرمود: چه کار بدی انجام دادی؟! اگر از شیعیان ما نبودی به تو نگاه نمی‌کردم. آیا زیارت نکردی کسی را که خدا با فرشتگان او را زیارت می‌نمایند، پیامبران او را زیارت می‌کنند و مؤمنین او را زیارت می‌کنند؟

گفتم: قربانت شوم! از این موضوع اطلاع نداشتم.

فرمود: بدان که امیرالمؤمنین عليه السلام در پیشگاه خدا از همه امامان افضل و برتر است و پاداش اعمال آنها برای اوست و آنها به مقدار اعمالشان فضیلت و برتری دارند.

(۲۱)

### بَابُ فَضْلِ زِيَارَةِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ بَشِيرِ الدَّهَّانِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: رُبَّمَا فَاتَنِي الْحَجُّ فَأَعْرِفُ عِنْدَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ. فَقَالَ: أَحْسَنْتَ يَا بَشِيرُ! أَيُّمَا مُؤْمِنٍ أَتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَارِفًا بِحَقِّهِ فِي غَيْرِ يَوْمِ عِيدِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ عَشْرِينَ حَجَّةً وَ عَشْرِينَ عُمْرَةً مَبْرُورَاتٍ مَقْبُولَاتٍ، وَ عَشْرِينَ حَجَّةً وَ عُمْرَةً مَعَ نَبِيِّ مُرْسَلٍ أَوْ إِمَامٍ عَدْلٍ، وَ مَنْ أَتَاهُ فِي يَوْمِ عِيدِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ مِائَةَ حَجَّةٍ وَ مِائَةَ عُمْرَةٍ وَ مِائَةَ غَزْوَةٍ مَعَ نَبِيِّ مُرْسَلٍ أَوْ إِمَامٍ عَدْلٍ. قَالَ: قُلْتُ لَهُ: كَيْفَ لِي بِمِثْلِ الْمَوْقِفِ؟

### بخش بیست و یکم

#### فضیلت زیارت امام حسین علیه السلام

۱ - بشیر دهان گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: گاهی انجام حج از دست من می رود پس نزد قبر امام حسین علیه السلام اعمال روز عرفه را به جا می آورم. فرمود: کار خوبی می کنی ای بشیر! هر مؤمنی که به زیارت قبر امام حسین علیه السلام در غیر روز عید با شناخت حق او بیاید خدا برای او بیست حج و بیست عمره نیکوی قبول شده و بیست حج و عمره با پیامبر مرسل یا امام عادل می نویسد. و هر کس در روز عید به زیارت او بیاید خداوند برای او صد حج، صد عمره و صد جنگ در رکاب پیامبر مرسل یا امام عادل می نویسد. گوید: عرض کردم: چگونه در همچو جایگاهی (این همه پاداش) است؟

قَالَ: فَنَظَرَ إِلَيَّ شِبْهَ الْمُغْضَبِ. ثُمَّ قَالَ لِي: يَا بَشِيرُ! إِنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا أَتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ (عَلَيْهِ السَّلَام) يَوْمَ عَرَفَةَ وَ اغْتَسَلَ مِنَ الْفُرَاتِ ثُمَّ تَوَجَّهَ إِلَيْهِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ حَجَّةً بِمَنَاسِكَهَا. وَلَا أَعْلَمُهُ إِلَّا قَالَ: وَ غَزْوَةً.

۲ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ الْمُخْتَارِ عَنْ زَيْدِ الشَّحَامِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَام) قَالَ: زِيَارَةُ قَبْرِ الْحُسَيْنِ (عَلَيْهِ السَّلَام) تَعْدِلُ عَشْرِينَ حَجَّةً وَ أَفْضَلُ وَ مِنْ عَشْرِينَ عُمْرَةً وَ حَجَّةً.

۳ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيعٍ عَنْ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ يَزِيدَ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ قَالَ: كُنْتُ مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَام) فَمَرَّ قَوْمٌ عَلَى حَمِيرٍ فَقَالَ: أَيْنَ يُرِيدُ هَؤُلَاءِ؟ قُلْتُ: قُبُورَ الشُّهَدَاءِ. قَالَ: فَمَا يَمْنَعُهُمْ مِنْ زِيَارَةِ الشَّهِيدِ الْغَرِيبِ؟

گوید: حضرتش به من همانند غضبناک نگاه کرد، سپس فرمود: ای بشیر! همانا هرگاه مؤمن روز عرفه به کنار قبر امام حسین (علیه السلام) آمد و در فرات غسل نمود. آن گاه متوجه آن حضرت شود خدا به هر گام او یک حج با مناسکش می نویسد.

راوی گوید: ندانستم که حضرتش، انجام یک جنگ را هم فرمود.

۲ - زید شحام گوید: امام صادق (علیه السلام) فرمود:

زیارت قبر امام حسین (علیه السلام) برابر بیست حج و بهتر از بیست عمره و حج است.

۳ - یزید بن عبدالمکک گوید: خدمت امام صادق (علیه السلام) بودم که عده‌ای با الاغ از آن جا گذشتند.

فرمود: اینها به کجا می‌روند؟

گفتم: به قبور شهدا (ی احد).

فرمود: پس چه چیزی را از زیارت شهید غریب (کربلا) باز می‌دارد؟

فَقَالَ رَجُلٌ مِّنْ أَهْلِ الْعِرَاقِ: وَزِيَارَتُهُ وَاجِبَةٌ؟  
 قَالَ: زِيَارَتُهُ خَيْرٌ مِّنْ حَجَّةٍ وَ عُمْرَةٍ وَ عُمْرَةٍ وَ حَجَّةٍ، حَتَّىٰ عَدَّ عِشْرِينَ حَجَّةً وَ  
 عُمْرَةً.

ثُمَّ قَالَ: مَقْبُولَاتٌ مَّبْرُورَاتٌ.  
 قَالَ: فَوَ اللَّهُ، مَا قُمْتُ حَتَّىٰ أَتَاهُ رَجُلٌ فَقَالَ لَهُ: إِنِّي قَدْ حَجَجْتُ تِسْعَ عَشْرَةَ  
 حَجَّةً فَادْعُ اللَّهَ أَنْ يَرْزُقَنِي تَمَامَ الْعِشْرِينَ حَجَّةً.  
 قَالَ: هَلْ زُرْتَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ؟  
 قَالَ: لَا.

قَالَ: لَزِيَارَتُهُ خَيْرٌ مِّنْ عِشْرِينَ حَجَّةً.  
 ۴- مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ  
 الْمَدَائِنِيِّ قَالَ:

پس مردی از اهل عراق گفت: زیارت آن حضرت واجب است؟  
 فرمود: زیارت او بهتر از حج و عمره و عمره و حج است.  
 حضرتش تا بیست بار حج و عمره را شمرد. سپس فرمود: (حج و عمره) قبول شده و  
 نیکو.

راوی گوید: به خدا سوگند! از جایم برنخاستم تا آن که مردی آمد و به حضرتش گفت:  
 من نوزده بار حج نموده‌ام از خدا بخواه که بیست بار حج را روزیم فرماید.  
 فرمود: آیا قبر امام حسین علیه السلام را زیارت کرده‌ای؟  
 گفت: نه.

فرمود: زیارت آن حضرت از بیست حج بهتر است.

۴- ابو سعید مدائنی گوید:



دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! أَأَنْتَ<sup>(۱)</sup> قَبْرُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ؟  
 قَالَ: نَعَمْ يَا أَبَا سَعِيدٍ! فَأَنْتَ قَبْرُ ابْنِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ أَطِيبِ الطَّيِّبِينَ وَأَطْهَرَ  
 الطَّاهِرِينَ وَأَبْرَّ الْأَبْرَارِ، فَإِذَا زُرْتَهُ كَتَبَ اللَّهُ لَكَ بِهِ خَمْسَةَ وَعِشْرِينَ حَجَّةً.  
 ۵- مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ صَالِحِ  
 النَّيْلِيِّ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:  
 مَنْ أَتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَارِفًا بِحَقِّهِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ أَجْرَ مَنْ أَعْتَقَ أَلْفَ نَسَمَةٍ،  
 وَكَمَنْ حَمَلَ عَلَى أَلْفِ فَرَسٍ مُسْرَجَةٍ مُلْجَمَةٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ.  
 ۶- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ  
 مُحَمَّدٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ هَارُونَ بْنِ خَارِجَةَ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ  
 يَقُولُ:

خدمت امام صادق علیه السلام وارد شدم به آن حضرت گفتم: قربانت گردم! به زیارت قبر امام  
 حسین علیه السلام بروم؟

فرمود: آری ای ابو سعید! به زیارت قبر امام حسین علیه السلام برو که خوشبوترین  
 خوشبویان، پاکیزه‌ترین پاکیزگان و نیکوترین نیکویان است. پس هر گاه آن حضرت را  
 زیارت نمودی خدا برای تو بیست و پنج حج می‌نویسد.

۵- صالح نیلی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

هر کس به زیارت قبر امام حسین علیه السلام با شناخت مقام او برود خدا برای او پاداش کسی  
 را می‌نویسد که هزار بنده آزاد کرده و همانند کسی است که هزار اسب زین و لگام شده در  
 راه خدا حمل کند.

۶- هارون بن خارجه گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمود:

۱- اصل «أَنْتَ» «أَنْتِي» بوده که به جهت کثرت استعمال «أَنْتِ» شده است.

وَكَلَّ اللَّهُ بِقَبْرِ الْحُسَيْنِ (عَلَيْهِ السَّلَام) أَرْبَعَةَ آلَافٍ مَلَكٍ شُعْتَ غُبْرٍ يَبْكُونَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، فَمَنْ زَارَهُ عَارِفًا بِحَقِّهِ شَيَّعُوهُ حَتَّى يُبْلَغُوهُ مَأْمَنَهُ، وَإِنْ مَرِضَ عَادُوهُ عُذُوَةً وَعَشِيَّةً، وَإِنْ مَاتَ شَهِدُوا جَنَازَتَهُ وَاسْتَغْفَرُوا لَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.

۷- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُوسَى بْنِ سَعْدَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ عُمَرَ بْنِ أَبَانَ الْكَلْبِيِّ عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبَ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَام): إِنَّ أَرْبَعَةَ آلَافٍ مَلَكٍ عِنْدَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ (عَلَيْهِ السَّلَام) شُعْتَ غُبْرٍ يَبْكُونَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ رَئِيسُهُمْ مَلَكٌ يُقَالُ لَهُ: مَنْصُورٌ، فَلَا يَزُورُهُ زَائِرٌ إِلَّا اسْتَقْبَلُوهُ وَ لَا يُودِّعُهُ مُودِّعٌ إِلَّا شَيَّعُوهُ وَ لَا مَرِضَ إِلَّا عَادُوهُ، وَ لَا يَمُوتُ إِلَّا صَلَّوْا عَلَى جَنَازَتِهِ، وَ اسْتَغْفَرُوا لَهُ بَعْدَ مَوْتِهِ.

۸- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي دَاوُدَ الْمُسْتَرْقِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ مِثْنَى الْحَنَاطِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ (عَلَيْهِ السَّلَام) قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ: مَنْ أَتَى الْحُسَيْنَ (عَلَيْهِ السَّلَام) عَارِفًا بِحَقِّهِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ.

خداوند چهار هزار فرشته را به قبر و بارگاه امام حسین (علیه السلام) موکل نموده که پژمرده و ژولیده و غبار آلودند. آنان تا روز قیامت بر او گریه می کنند. پس هر کس آن حضرت را با شناخت مقامش زیارت نماید فرشتگان او را مشایعت می کنند تا به جایگاه امن خود برسانند و اگر زائر بیمار شود صبح و شام عیادتش می کنند و اگر بمیرد به تشییع جنازه اش حاضر می شوند و تا روز قیامت بر او استغفار می کنند.

۷- ابان بن تغلب گوید: امام صادق (علیه السلام) فرمود:

کنار قبر و بارگاه امام حسین (علیه السلام) چهار هزار فرشته ژولیده و غبار آلود وجود دارد، آنها تا روز قیامت بر آن حضرت گریه می کنند. رئیس آنها فرشته ای است که منصور نامیده می شود. زائری که آن حضرت را زیارت می کند به استقبال او می روند و هر که آن حضرت را وداع می کند او را مشایعت می نمایند و اگر زائری او را عیادت می کند و اگر زائری بمیرد به جنازه او نماز می گزارند و پس از مرگش بر او استغفار می کنند.

۸- مثنی الحنطاط گوید: امام کاظم (علیه السلام) فرمود:

هر کس با آشنایی به مقام امام حسین (علیه السلام) به زیارت آن حضرت برود خداوند گناهان گذشته و آینده او را می آمرزد.

- ۹ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْخَبَرِيِّ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدٍ قَالَ: قَالَ أَبُو الْحَسَنِ مُوسَى عليه السلام:  
أَدْنَى مَا يُثَابُ بِهِ زَائِرُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام بِشَطِّ الْفُرَاتِ إِذَا عَرَفَ حَقَّهُ وَ حُرْمَتَهُ  
وَوَلَايَتَهُ أَنْ يُغْفَرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ.
- ۱۰ - أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ غَسَّانَ الْبَصْرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:  
مَنْ أَتَى قَبْرَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَارِفًا بِحَقِّهِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ.
- ۱۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى وَ غَيْرُهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ جَمِيعاً  
عَنْ مُوسَى بْنِ عُمَرَ عَنْ غَسَّانَ الْبَصْرِيِّ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهْبٍ وَ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ  
أَبِيهِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهْبٍ قَالَ:  
اسْتَأْذَنْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَقِيلَ لِي: ادْخُلْ.

۹ - حسین بن محمد گوید: امام کاظم عليه السلام فرمود:

زایری که با شناخت حق و حرمت و ولایت امام حسین عليه السلام آن حضرت را در کنار فرات زیارت کند، کمترین پاداشی که به او داده می‌شود این است که گناهان گذشته و آینده او آمرزیده می‌شود.

۱۰ - مثنی الحنّاط گوید: امام کاظم عليه السلام فرمود:

هر کس آشنایی به مقام امام حسین عليه السلام به زیارتش برود خداوند گناهان گذشته و آینده او را می‌آمرزد.

۱۱ - معاویة بن وهب گوید: از امام صادق عليه السلام اجازه ورود خواستم، پس به من گفته

شد: وارد شو.

فَدَخَلْتُ فَوْجَدْتُهُ فِي مُصَلَّاهُ فِي بَيْتِهِ، فَجَلَسْتُ حَتَّى قَضَى صَلَاتَهُ فَسَمِعْتُهُ وَهُوَ يُنَاجِي رَبَّهُ وَ يَقُولُ: «يَا مَنْ خَصَّنَا بِالْكَرَامَةِ وَ خَصَّنَا بِالْوَصِيَّةِ، وَ وَعَدَنَا الشَّفَاعَةَ، وَ أَعْطَانَا عِلْمَ مَا مَضَى وَ مَا بَقِيَ، وَ جَعَلَ أَقْبَدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْنَا اغْفِرْ لِي وَ لِإِخْوَانِي وَ لِزُؤَارِ قَبْرِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ الَّذِينَ أَنْفَقُوا أَمْوَالَهُمْ وَ اشْتَخَصُوا أَبْدَانَهُمْ رَغْبَةً فِي بَرِّنَا وَ رَجَاءً لِمَا عِنْدَكَ فِي صَلَاتِنَا وَ سُرُوراً أَدْخَلُوهُ عَلَى نَبِيِّكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ إِجَابَةً مِنْهُمْ لِأَمْرِنَا وَ غَيْظاً أَدْخَلُوهُ عَلَى عَدُوِّنَا أَرَادُوا بِذَلِكَ رِضَاكَ فَكَافِهِمْ عَنَّا بِالرِّضْوَانِ، وَ اكْلَأَهُمْ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ وَ اخْلَفَ عَلَى أَهَالِيهِمْ وَ أَوْلَادِهِمُ الَّذِينَ خُلِّفُوا بِأَحْسَنِ الْخُلَفِ وَ اصْحَبَهُمْ، وَ اكْفِهِمْ شَرَّ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ وَ كُلِّ ضَعِيفٍ مِنْ خَلْقِكَ أَوْ شَدِيدٍ وَ شَرِّ شَيَاطِينِ الْإِنْسِ وَ الْجِنِّ، وَ أَعْطِهِمْ أَفْضَلَ مَا أَمَّلُوا مِنْكَ فِي غُرَبَتِهِمْ عَنْ أَوْطَانِهِمْ وَ مَا آثَرُونَا بِهِ عَلَى أُنْبَائِهِمْ وَ أَهَالِيهِمْ وَ قَرَابَاتِهِمْ.

اللَّهُمَّ إِنَّ أَعْدَاءَنَا عَابُوا عَلَيْهِمْ خُرُوجَهُمْ فَلَمْ يَنْهَهُمْ ذَلِكَ عَنِ الشُّحُوصِ إِلَيْنَا وَ خِلَافاً مِنْهُمْ عَلَى مَنْ خَالَفَنَا، فَارْحَمْ تِلْكَ الْوُجُوهُ الَّتِي قَدْ غَيَّرَتْهَا الشَّمْسُ، وَ ارْحَمْ تِلْكَ الْخُدُودَ الَّتِي تَقَلَّبَتْ عَلَى حُفْرَةِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَ ارْحَمْ تِلْكَ الْأَعْيُنَ الَّتِي جَرَتْ دُمُوعُهَا رَحْمَةً لَنَا وَ ارْحَمْ تِلْكَ الْقُلُوبَ الَّتِي جَزَعَتْ وَ اخْتَرَقَتْ لَنَا، وَ ارْحَمْ الصَّرْحَةَ الَّتِي كَانَتْ لَنَا.

پس وارد شدم، دیدم حضرتش در جایگاه نماز خانه‌اش مشغول نماز است، نشستم تا نمازش تمام شد و شنیدم که با پروردگارش مناجات می‌کند و می‌فرماید: «یا مَنْ خَصَّنَا بِالْكَرَامَةِ وَ خَصَّنَا بِالْوَصِيَّةِ، وَ وَعَدَنَا الشَّفَاعَةَ، وَ أَعْطَانَا عِلْمَ مَا مَضَى وَ مَا بَقِيَ، وَ جَعَلَ أَقْبَدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْنَا اغْفِرْ لِي وَ لِإِخْوَانِي وَ لِزُؤَارِ قَبْرِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ الَّذِينَ أَنْفَقُوا أَمْوَالَهُمْ وَ اشْتَخَصُوا أَبْدَانَهُمْ رَغْبَةً فِي بَرِّنَا وَ رَجَاءً لِمَا عِنْدَكَ فِي صَلَاتِنَا وَ سُرُوراً أَدْخَلُوهُ عَلَى نَبِيِّكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ إِجَابَةً مِنْهُمْ لِأَمْرِنَا وَ غَيْظاً أَدْخَلُوهُ عَلَى عَدُوِّنَا أَرَادُوا بِذَلِكَ رِضَاكَ فَكَافِهِمْ عَنَّا بِالرِّضْوَانِ، وَ اكْلَأَهُمْ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ وَ اخْلَفَ عَلَى أَهَالِيهِمْ وَ أَوْلَادِهِمُ الَّذِينَ خُلِّفُوا بِأَحْسَنِ الْخُلَفِ وَ اصْحَبَهُمْ، وَ اكْفِهِمْ شَرَّ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ وَ كُلِّ ضَعِيفٍ مِنْ خَلْقِكَ أَوْ شَدِيدٍ وَ شَرِّ شَيَاطِينِ الْإِنْسِ وَ الْجِنِّ، وَ أَعْطِهِمْ أَفْضَلَ مَا أَمَّلُوا مِنْكَ فِي غُرَبَتِهِمْ عَنْ أَوْطَانِهِمْ وَ مَا آثَرُونَا بِهِ عَلَى أُنْبَائِهِمْ وَ أَهَالِيهِمْ وَ قَرَابَاتِهِمْ.

اللَّهُمَّ إِنَّ أَعْدَاءَنَا عَابُوا عَلَيْهِمْ خُرُوجَهُمْ فَلَمْ يَنْهَهُمْ ذَلِكَ عَنِ الشُّحُوصِ إِلَيْنَا وَ خِلَافاً مِنْهُمْ عَلَى مَنْ خَالَفَنَا، فَارْحَمْ تِلْكَ الْوُجُوهُ الَّتِي قَدْ غَيَّرَتْهَا الشَّمْسُ، وَ ارْحَمْ تِلْكَ الْخُدُودَ الَّتِي تَقَلَّبَتْ عَلَى حُفْرَةِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَ ارْحَمْ تِلْكَ الْأَعْيُنَ الَّتِي جَرَتْ دُمُوعُهَا رَحْمَةً لَنَا وَ ارْحَمْ تِلْكَ الْقُلُوبَ الَّتِي جَزَعَتْ وَ اخْتَرَقَتْ لَنَا، وَ ارْحَمْ الصَّرْحَةَ الَّتِي كَانَتْ لَنَا.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَوْدِعُكَ تِلْكَ الْأَنْفُسَ وَ تِلْكَ الْأَبْدَانِ حَتَّى تُؤَافِيَهُمْ عَلَى الْحَوْضِ يَوْمَ الْعَطَشِ». فَمَا زَالَ وَ هُوَ سَاجِدٌ يَدْعُو بِهَذَا الدُّعَاءَ، فَلَمَّا انْصَرَفَ قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! لَوْ أَنَّ هَذَا الَّذِي سَمِعْتُ مِنْكَ كَانَ لِمَنْ لَا يَعْرِفُ اللَّهَ لَطَنَنْتُ أَنَّ النَّارَ لَا تَطْعَمُ مِنْهُ شَيْئاً وَ اللَّهُ لَقَدْ تَمَيَّنْتُ أَنْ كُنْتُ زُرْتُهُ وَ لَمْ أَحْجْ. فَقَالَ لِي: مَا أَقْرَبَكَ مِنْهُ؟ فَمَا الَّذِي يَمْنَعُكَ مِنْ إِثْيَانِهِ؟ ثُمَّ قَالَ: يَا مُعَاوِيَةُ! لِمَ تَدْعُ ذَلِكَ؟ قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! لَمْ أَذَرِ أَنَّ الْأَمْرَ يَبْلُغُ هَذَا كُلَّهُ؟ قَالَ: يَا مُعَاوِيَةُ! مَنْ يَدْعُو لَزَوَّارِهِ فِي السَّمَاءِ أَكْثَرُ مِمَّنْ يَدْعُو لَهُمْ فِي الْأَرْضِ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَوْدِعُكَ تِلْكَ الْأَنْفُسَ وَ تِلْكَ الْأَبْدَانِ حَتَّى تُؤَافِيَهُمْ عَلَى الْحَوْضِ يَوْمَ الْعَطَشِ». حضرتش پیوسته در سجده بود و این دعا را می‌خواند، وقتی نمازش پایان یافت، عرض کردم: قربانت گردم! اگر این دعایی را که از شما شنیدم در حق کسی بود که خدا را نمی‌شناسد، یقین می‌کردم که شعله آتشی او را نخواهد سوزانید. به خدا سوگند! آرزو کردم که امام حسین علیه السلام را زیارت می‌کردم ولی حج انجام نمی‌دادم. فرمود: تو چقدر به آن حضرت نزدیکی؟ برای چه او را زیارت نمی‌کنی؟ سپس فرمود: ای معاویه! چرا آن را رها کردی؟ گفتم: قربانت گردم! چنین همه این مطالب را نمی‌دانستم. فرمود: ای معاویه! کسانی که زایران آن حضرت در آسمان دعا می‌کنند بیشتر از کسانی است که در زمین آن‌ها را دعا می‌کنند.

(۲۲)

## بَابُ فَضْلِ زِيَارَةِ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ

- ۱ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ  
الْحَمِيرِيِّ عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْقُمِّيِّ قَالَ: قَالَ الرُّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ:  
مَنْ زَارَ قَبْرَ أَبِي عَلَيْهِ السَّلَامُ بِبَغْدَادَ كَمَنْ زَارَ قَبْرَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ قَبْرَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ  
اللَّهِ عَلَيْهِ إِلَّا أَنْ لِرَسُولِ اللَّهِ وَ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا فَضْلُهُمَا.  
۲ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَاءِ عَنْ  
الرُّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ زِيَارَةِ قَبْرِ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِثْلَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ؟  
قَالَ: نَعَمْ.

- ۳ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ حَمْدَانَ الْقَلَانِسِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْخُضَيْنِيِّ عَنْ  
عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عُقْبَةَ قَالَ:

## بخش بیست و دوم

## فضیلت زیارت امام کاظم علیه السلام

- ۱ - حسین بن محمد قمی گوید: امام رضا علیه السلام فرمود:  
هر که قبر پدر بزرگوارم علیه السلام را در بغداد زیارت کند همانند کسی است که قبر رسول خدا  
ﷺ و قبر امیرالمؤمنین صلوات الله علیه را زیارت نموده باشد مگر این که رسول خدا و  
امیرالمؤمنین صلوات الله علیهما فضیلتی نسبت به خود دارند.  
۲ - حسن بن علی و شاء گوید: از امام رضا علیه السلام پرسیدم: زیارت قبر امام کاظم علیه السلام  
همانند زیارت قبر امام حسین علیه السلام است؟  
فرمود: آری.  
۳ - ابراهیم بن عقبه گوید:

كَتَبْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ الثَّالِثِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَسْأَلُهُ عَنْ زِيَارَةِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ عَنْ زِيَارَةِ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَجْمَعِينَ.  
فَكَتَبَ إِلَيَّ: أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْمُقَدَّمُ وَ هَذَا أَجْمَعُ وَ أَعْظَمُ أَجْرًا.

(۲۳)

### بَابُ فَضْلِ زِيَارَةِ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ

- ۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! زِيَارَةُ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ أَفْضَلُ أَمْ زِيَارَةُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ؟  
فَقَالَ: زِيَارَةُ أَبِي أَفْضَلُ، وَ ذَلِكَ أَنَّ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَزُورُهُ كُلُّ النَّاسِ وَ أَبِي لَا يَزُورُهُ إِلَّا الْخَوَاصُّ مِنَ الشَّيْعَةِ.
- ۲ - أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ سَيْفٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَسْلَمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سُلَيْمَانَ قَالَ:

نامه‌ای به امام هادی علیه السلام نوشتم و از زیارت امام کاظم و امام جواد علیه السلام پرسیدم.  
حضرتش در پاسخ من نوشت: زیارت امام حسین علیه السلام مقدم است، و این هم  
درب‌گیرنده آنها و هم از نظر پاداشی بزرگتر است.

### بخش بیست و سوم

#### فضیلت زیارت امام رضا علیه السلام

- ۱ - علی بن مهزیار گوید: به امام جواد علیه السلام گفتم: قربانت گردم! زیارت امام رضا علیه السلام برتر است یا زیارت امام حسین علیه السلام؟  
فرمود: زیارت پدرم برتر است، زیرا امام حسین علیه السلام را همه مردم زیارت می‌کنند، ولی پدرم را زیارت نمی‌کنند جز خواص شیعه.
- ۲ - محمد بن سلیمان گوید:

سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ حَجَّ حَجَّةَ الْإِسْلَامِ فَدَخَلَ مُتَمَتِّعًا بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ، فَأَعَانَهُ اللَّهُ عَلَى عُمْرَتِهِ وَحَجَّهِ ثُمَّ أَتَى الْمَدِينَةَ فَسَلَّمَ عَلَى النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله ثُمَّ أَتَاكَ عَارِفًا بِحَقِّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ وَبَائِهِ الَّذِي يُؤْتِي مِنْهُ، فَسَلَّمَ عَلَيْكَ، ثُمَّ أَتَى أَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عليه السلام فَسَلَّمَ عَلَيْهِ، ثُمَّ أَتَى بَغْدَادَ وَسَلَّمَ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى عليه السلام، ثُمَّ انْصَرَفَ إِلَى بِلَادِهِ.

فَلَمَّا كَانَ فِي وَقْتِ الْحَجِّ رَزَقَهُ اللَّهُ الْحَجَّ فَأَيُّهُمَا أَفْضَلُ هَذَا الَّذِي قَدْ حَجَّ حَجَّةَ الْإِسْلَامِ يَرْجِعُ أَيْضًا فَيُحْجُّ أَوْ يَخْرُجُ إِلَى خُرَاسَانَ إِلَى أَبِيكَ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى عليه السلام فَيَسَلِّمُ عَلَيْهِ؟

قَالَ: لَا، بَلْ يَأْتِي خُرَاسَانَ فَيَسَلِّمُ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام أَفْضَلُ، وَ لِيَكُنْ ذَلِكَ فِي رَجَبٍ وَلَا يَنْبَغِي أَنْ تَفْعَلُوا فِي هَذَا الْيَوْمِ، فَإِنَّ عَلَيْنَا وَعَلَيْكُمْ مِنَ السُّلْطَانِ شُنْعَةً.

۳- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْجَعْفَرِيِّ عَنْ حَمْدَانَ بْنِ إِسْحَاقَ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام - أَوْ حُكِّيَ لِي عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام الشُّكُّ مِنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ - قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام:

از امام جواد عليه السلام پرسیدم: کسی که حَجَّةَ الاسلام را انجام داد و متمتع به عمره حج شد و خدا او را به عمره و حج یاری نمود. بعد از آن به مدینه آمد و بر پیامبر صلى الله عليه وآله سلام نمود، و سپس خدمت شما آمد در حالی که آشنا به حق شماست و می داند که شما حجت خدا بر خلق هستی و همان بابی هستی که مردم به سوی آن می روند. پس به شما سلام داد. آن گاه کنار قبر امام حسین عليه السلام آمد و بر آن حضرت سلام داد، سپس به بغداد رفت و بر امام کاظم عليه السلام سلام داد، سپس به شهر خود رفت.

هنگامی که وقت حج فرا رسید خدا بر او حج روزی کرد. بنا بر این کدام یک برتر است این که حَجَّةَ الاسلام را انجام داده باز به حج برگردد و آن را انجام دهد و یا به خراسان برود و بر پدر بزرگوارت امام رضا عليه السلام سلام دهد؟

فرمود: نه، بلکه به خراسان بیاید و به امام رضا عليه السلام سلام دهد برتر است و این هم در ماه رجب باشد و برای شما سزاوار نیست که در این روز (ایام حج) این کار را انجام دهید، زیرا برای ما و شما از طرف سلطان ترس و وحشت است.

۳- حمدان بن اسحاق گوید: از امام جواد عليه السلام شنیدم - یا راوی برای من نقل کرد، تردید از علی بن ابراهیم است - که فرمود:



مَنْ زَارَ قَبْرَ أَبِي بَطُوسٍ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ.  
 قَالَ: فَحَجَجْتُ بَعْدَ الزِّيَارَةِ فَلَقِيتُ أَيُّوبَ بْنَ نُوحٍ فَقَالَ لِي: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ الثَّانِي عَلَيْهِ السَّلَامُ:  
 مَنْ زَارَ قَبْرَ أَبِي بَطُوسٍ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ وَ بَنَى اللَّهُ لَهُ  
 مَنَبْرًا فِي حِذَاءِ مَنَبْرِ مُحَمَّدٍ ﷺ وَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَتَّى يَفْرُغَ اللَّهُ مِنْ حِسَابِ الْخَلَائِقِ.  
 فَرَأَيْتُهُ وَ قَدْ زَارَ فَقَالَ: جِئْتُ أَطْلُبُ الْمَنَبْرَ.

۴- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ النَّيْسَابُورِيِّ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ  
 عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ سَعِيدٍ الْمَكِّيِّ عَنْ يَحْيَى بْنِ سُلَيْمَانَ الْمَازِنِيِّ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ  
 مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

مَنْ زَارَ قَبْرَ وَلَدِي عَلِيٍّ كَانَ لَهُ عِنْدَ اللَّهِ كَسْبِعِينَ حَجَّةً مَبْرُورَةً.

قَالَ: قُلْتُ: سَبْعِينَ حَجَّةً؟

قَالَ: نَعَمْ وَ سَبْعِينَ أَلْفَ حَجَّةٍ.

قَالَ: قُلْتُ: سَبْعِينَ أَلْفَ حَجَّةٍ؟

هر کس قبر پدرم علیه السلام را در طوس زیارت نماید خداوند گناهان گذشته و آینده او را می‌آمرزد.  
 راوی گوید: پس از زیارت آن حضرت به حج مشرف شدم و با ایوب بن نوح ملاقات  
 کردم. وی گفت: امام جواد علیه السلام فرمود:

هر کس قبر پدرم علیه السلام را در طوس زیارت کند خداوند گناهان گذشته و آینده او را  
 می‌آمرزد و برای او منبری در برابر حضرت محمد ﷺ و حضرت علی علیه السلام می‌سازد تا از  
 حسابرسی آفریدگان پایان یابد.

پس او را دیدم که به زیارت آن حضرت مشرف شد، آن گاه گفت: آمدم تا منبر را  
 تحویل بگیرم.

۴- یحیی بن سلیمان مازنی گوید: امام کاظم علیه السلام فرمود: هر کس قبر فرزندم علی را  
 زیارت کند برای او در پیشگاه خدا همانند هفتاد حج نیکو است.

عرض کردم: هفتاد حج؟

فرمود: آری، و هفتاد هزار حج.

عرض کردم: هفتاد هزار حج؟

قَالَ: رَبِّ حَجَّةٍ لَا تُقْبَلُ. مَنْ زَارَهُ وَبَاتَ عِنْدَهُ لَيْلَةً كَانَ كَمَنْ زَارَ اللَّهَ فِي عَرْشِهِ. قَالَ: نَعَمْ، إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ كَانَ عَلَى عَرْشِ الرَّحْمَانِ أَرْبَعَةٌ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ أَرْبَعَةٌ مِنَ الْآخِرِينَ. فَأَمَّا الْأَرْبَعَةُ الَّذِينَ هُمْ مِنَ الْأَوَّلِينَ فَنُوحٌ وَ إِبْرَاهِيمُ وَ مُوسَى وَ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَأَمَّا الْأَرْبَعَةُ مِنَ الْآخِرِينَ فَ مُحَمَّدٌ وَ عَلِيٌّ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ. ثُمَّ يَمْدُ الْمِضْمَارُ فَيَقْعُدُ مَعَنَا مَنْ زَارَ قُبُورَ الْأَئِمَّةِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَّا أَنْ أَعْلَاهُمْ دَرَجَةً وَأَقْرَبَهُمْ حَبْوَةً زَوَّارِ قَبْرِ وَلَدِي عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

۵- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ زَيْدِ الشَّحَامِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا لِمَنْ زَارَ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ؟ قَالَ: كَمَنْ زَارَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ فَوْقَ عَرْشِهِ. قَالَ: قُلْتُ: فَمَا لِمَنْ زَارَ أَحَدًا مِنْكُمْ؟ قَالَ: كَمَنْ زَارَ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ.

فرمود: چه بسا که حجی مورد پذیرش قرار نمی‌گیرد. هر کس او را زیارت کند و شبی را در نزد او بیتوته کند به سان کسی است که خداوند را در عرش زیارت کرده است. فرمود: آری، آن گاه که روز قیامت فرا رسد بر عرش خدای رحمان چهار تن از پیشینیان و چهار تن از پسینیان خواهد بود. چهار تن از پیشینیان عبارتند از: نوح، ابراهیم، موسی و عیسی علیه السلام و چهار تن از پسینیان عبارتند از حضرت محمد، حضرت علی، حضرت امام حسن و حضرت امام حسین علیه السلام. آنگاه جایگاه آماده می‌شود و زائران قبور ائمه علیه السلام با ما می‌نشینند با این تفاوت که بالاترین درجه و نزدیکترین هدیه از آن زائران قبر فرزندان علی علیه السلام است.

۵- زید شحام گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: پاداش زائر رسول خدا ﷺ چیست؟ فرمود: به سان کسی است که خداوند متعال را در بالای عرش زیارت کرده است. عرض کردم: پاداش کسی که یکی از شما (امامان علیه السلام) را زیارت کند چیست؟ فرمود: به سان کسی که پیامبر خدا ﷺ را زیارت کرده باشد.

(۲۴)

## بَابُ

- ۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ وَ غَيْرُهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ خَلَادِ الْقَلَانِسِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: مَكَّةُ حَرَمُ اللَّهِ وَ حَرَمُ رَسُولِهِ وَ حَرَمُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام الصَّلَاةُ فِيهَا بِمِائَةِ أَلْفِ صَلَاةٍ وَ الدَّرْهَمُ فِيهَا بِمِائَةِ أَلْفِ دِرْهَمٍ وَ الْمَدِينَةُ حَرَمُ اللَّهِ وَ حَرَمُ رَسُولِهِ وَ حَرَمُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا الصَّلَاةُ فِيهَا بِعَشْرَةِ آلَافِ صَلَاةٍ وَ الدَّرْهَمُ فِيهَا بِعَشْرَةِ آلَافِ دِرْهَمٍ وَ الْكُوفَةُ حَرَمُ اللَّهِ وَ حَرَمُ رَسُولِهِ وَ حَرَمُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام الصَّلَاةُ فِيهَا بِأَلْفِ صَلَاةٍ وَ الدَّرْهَمُ فِيهَا بِأَلْفِ دِرْهَمٍ.
- ۲- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ جَرِيرٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ:

## بخش بیست و چهارم

## [ نماز در حرم‌های چهارگانه ]

- ۱- خَلَادِ الْقَلَانِسِيِّ گوید: امام صادق عليه السلام فرمود: مَكَّةُ حَرَمُ خُدا و رسول او و امیرالمؤمنین عليه السلام است. یک نماز در آن برابر صد هزار نماز است و یک درهم (انفاق) در آن برابر صد هزار درهم است. و مدینه حرم خدا و رسول او و امیرالمؤمنین صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا است. یک نماز در آن برابر ده هزار نماز و یک درهم در آن برابر ده هزار درهم است. و کوفه حرم خدا و رسول او و امیرالمؤمنین عليه السلام است. یک نماز در آن برابر هزار نماز و یک درهم در آن برابر هزار درهم است.
- ۲- ابوبصیر گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می‌فرمود:

تَتِمُّ الصَّلَاةُ فِي أَرْبَعَةِ مَوَاطِنَ؛ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ مَسْجِدِ الرَّسُولِ ﷺ وَ مَسْجِدِ الْكُوفَةِ وَ حَرَمِ الْحُسَيْنِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ.

۳- عَلِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ حُذَيْفَةَ بْنِ مَنْصُورٍ قَالَ: حَدَّثَنِي مَنْ سَمِعَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ:

تَتِمُّ الصَّلَاةُ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ مَسْجِدِ الرَّسُولِ ﷺ وَ مَسْجِدِ الْكُوفَةِ وَ حَرَمِ الْحُسَيْنِ ﷺ.

۴- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَّارٍ عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي الْبَلَادِ عَنْ رَجُلٍ مِنْ أَصْحَابِنَا يُقَالُ لَهُ: حُسَيْنٌ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ:

تَتِمُّ الصَّلَاةُ فِي ثَلَاثَةِ مَوَاطِنَ: فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ مَسْجِدِ الرَّسُولِ ﷺ وَ عِنْدَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ ﷺ.

نماز در چهار جا تمام خوانده می شود: در مسجد الحرام، مسجد الرسول ﷺ، مسجد کوفه و حرم امام حسین صلوات الله علیه.

۳- نظیر این روایت را حذیفه بن منصور از امام صادق ﷺ نقل می کند.

۴- یکی از اصحاب ما به نام حسین گوید: امام صادق ﷺ فرمود:

در سه جا نماز تمام خوانده می شود: مسجد الحرام. مسجد الرسول ﷺ. و کنار قبر امام حسین ﷺ.

۵- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ عَبْدِ الْمَلِكِ الْقُمِّيِّ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ جَابِرٍ عَنْ عَبْدِ الْحَمِيدِ خَادِمِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

تَتِمُّ الصَّلَاةُ فِي أَرْبَعَةِ مَوَاطِنَ: الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ مَسْجِدِ الرَّسُولِ ﷺ وَ مَسْجِدِ الْكُوفَةِ وَ حَرَمِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

۶- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ أَبِي شَيْبَلٍ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَزُورُ قَبْرَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ؟

قَالَ: نَعَمْ، زُرِ الطَّيِّبَ وَ أَتِمَّ الصَّلَاةَ فِيهِ.

قُلْتُ: فَإِنْ بَعْضُ أَصْحَابِنَا يَرَوْنَ التَّقْصِيرَ.

قَالَ: إِنَّمَا يَفْعَلُ ذَلِكَ الضَّعْفَةُ.

۵- عبد الحمید گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

نماز در چهار جا تمام خوانده می‌شود: مسجد الحرام، مسجد الرسول، مسجد کوفه و حرم امام حسین علیه السلام.

۶- ابو شبل گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: قبر امام حسین علیه السلام را زیارت بنمایم؟

فرمود: آری، پاکیزه زیارت کن و نماز را در آن جا تمام گزار.

گفتم: بعضی از اصحاب ما نظرشان به قصر است.

فرمود: این حکم را فقط ضعفا و ناتوانان انجام می‌دهند.

(۲۵)

## بَابُ النَّوَائِرِ

- ۱- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَمَّنْ رَوَاهُ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:  
إِذَا بَعَدَتْ بِأَحَدِكُمْ الشُّقَّةُ وَنَأَتْ بِهِ الدَّارُ فَلْيُغْلُ أَعْلَى مَنْزِلِهِ وَ لِيُصَلِّ رَكْعَتَيْنِ وَلْيُؤْمِرَ بِالسَّلَامِ إِلَى قُبُورِنَا، فَإِنَّ ذَلِكَ يَصِلُ إِلَيْنَا.
- ۲- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:  
إِذَا أَرَدْتَ زِيَارَةَ الْحُسَيْنِ عليه السلام فَزُرْهُ وَأَنْتَ حَزِينٌ مَكْرُوبٌ شَعِثٌ مُغَبَّرٌ جَائِعٌ عَطْشَانٌ، وَ سَلِّهِ الْحَوَائِجَ وَ انْصَرِفْ عَنْهُ وَ لَا تَتَّخِذْهُ وَطَنًا.
- ۳- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ فَضَالٍ عَنْ كَرَّامٍ عَنْ ابْنِ أَبِي يَعْفُورٍ قَالَ:

## بخش بیست و پنجم

## چند روایت نکته دار

- ۱- راوی گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:  
هرگاه مسافت زیارت ما برای یکی از شما دور شد و خانه اش با ما فاصله زیادی داشت پس بر بالاترین جای منزلش برود و دو رکعت نماز گزارد و به سلام به قبور ما اشاره کند، زیرا همان برای ما می رسد.
- ۲- یکی از اصحاب ما گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:  
هرگاه خواستی امام حسین عليه السلام را زیارت کنی پس آن حضرت را با حال حزن و غصه و ژولیده و غبار آلود گرسنه و تشنه زیارت کن و حاجت های خود را بخواه آن گاه برگرد و آن جا را وطن بگیر.
- ۳- ابن ابی یعفور گوید:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: يَا أَخْذُ الْإِنْسَانُ مِنْ طِينِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام فَيَنْتَفِعُ بِهِ وَيَأْخُذُ غَيْرُهُ وَ لَا يَنْتَفِعُ بِهِ.

فَقَالَ: لَا وَاللَّهِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ! مَا يَأْخُذُهُ أَحَدٌ وَ هُوَ يَرَى أَنَّ اللَّهَ يَنْفَعُهُ بِهِ إِلَّا نَفَعَهُ بِهِ.

۴- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ يُونُسَ بْنِ الرَّبِيعِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

إِنَّ عِنْدَ رَأْسِ الْحُسَيْنِ عليه السلام لَتَرْبَةً حَمْرَاءَ فِيهَا شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ إِلَّا السَّامَ. قَالَ: فَأَتَيْنَا الْقَبْرَ بَعْدَ مَا سَمِعْنَا هَذَا الْحَدِيثَ فَاخْتَفَرْنَا عِنْدَ رَأْسِ الْقَبْرِ، فَلَمَّا حَفَرْنَا قَدَرَ ذِرَاعٍ ابْتَدَرْتُ عَلَيْنَا مِنْ رَأْسِ الْقَبْرِ مِثْلَ السُّهْلَةِ حَمْرَاءَ قَدَرَ الدَّرْهَمِ فَحَمَلْنَاهَا إِلَى الْكُوفَةِ فَمَزَجْنَاهُ وَأَقْبَلْنَا نُعْطِي النَّاسَ يَتَدَاوُونَ بِهَا.

۵- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ رِزْقِ اللَّهِ بْنِ أَبِي الْعَلَاءِ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ عُمَرَ السَّرَّاجِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا قَالَ:

به امام صادق عليه السلام گفتم: شخصی از خاک قبر امام حسین عليه السلام بر می‌دارد پس از آن نفع می‌برد و دیگری بر می‌دارد ولی از آن نفع نمی‌برد.

فرمود: نه، به خدایی که معبودی جز او نیست سوگند! کسی آن را بر نمی‌دارد که بداند که خداوند با آن نفع می‌رساند مگر این که به او نفع می‌رساند.

۴- یونس بن ربیع گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

به راستی نزد سر امام حسین عليه السلام خاک سرخی است که در آن شفای هر بیماری است مگر مرگ.

راوی گوید: ما بعد از شنیدن این حدیث نزد سر قبر را کندید، وقتی به اندازه یک ذراع کندید از سمت سر قبر همانند ماسه سرخ به اندازه درهم آشکار شد، پس آن را به کوفه بردیم و با موادی مخلوط نمودیم و به مردم دادیم که با آن مداوا می‌کنند.

۵- سلیمان بن عمر سراج از یکی از اصحابمان این گونه نقل می‌کند:

يُؤْخَذُ طِينٌ مِنْ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ عِنْدِ الْقَبْرِ عَلَى سَبْعِينَ ذِرَاعاً.  
 ۶- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ  
 مَحْبُوبٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ:  
 لِمَوْضِعِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ حُرْمَةٌ مَعْلُومَةٌ مَنْ عَرَفَهَا وَ اسْتَجَارَ بِهَا أُجِيرَ.  
 قُلْتُ: صِفْ لِي مَوْضِعَهَا.

قَالَ: امْسَحْ مِنْ مَوْضِعِ قَبْرِهِ الْيَوْمَ خَمْسَةً وَ عَشْرِينَ ذِرَاعاً مِنْ قُدَّامِهِ وَ خَمْسَةً  
 وَ عَشْرِينَ ذِرَاعاً عِنْدَ رَأْسِهِ وَ خَمْسَةً وَ عَشْرِينَ ذِرَاعاً مِنْ نَاحِيَةِ رِجْلَيْهِ وَ خَمْسَةً وَ  
 عَشْرِينَ ذِرَاعاً مِنْ خَلْفِهِ وَ مَوْضِعُ قَبْرِهِ مِنْ يَوْمِ دُفْنِ رَوْضَةِ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ وَ مِنْهُ  
 مِعْرَاجٌ يُعْرَجُ مِنْهُ بِأَعْمَالِ زُؤَارِهِ إِلَى السَّمَاءِ وَ لَيْسَ مِنْ مَلَكٍ وَ لَا نَبِيٍّ فِي  
 السَّمَاوَاتِ إِلَّا وَ هُمْ يَسْأَلُونَ اللَّهَ أَنْ يَأْذَنَ لَهُمْ فِي زِيَارَةِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَفَوْجٌ يَنْزِلُ  
 وَ فَوْجٌ يَعْرُجُ.

۷- عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ رَفَعَهُ قَالَ: قَالَ:

خاک قبر امام حسین علیه السلام از هفتاد زراعی قبر برداشته می شود.  
 ۶- اسحاق بن عمار گوید: از (امام علیه السلام) شنیدم که می فرمود:  
 برای محل قبر امام حسین علیه السلام حرمت مشخصی است، هر کس آن حرمت را بشناسد  
 و به وسیله آن پناه بخواهد پناه داده می شود.

گفتم: آن جایگاه را برای من توصیف بفرمایید؟

فرمود: از محل قبر امروزی آن حضرت بیست و پنج زراع، از پیش روی آن بیست و  
 پنج زراع از بالای سر و بیست و پنج زراع، از طرف پایین پا و بیست و پنج زراع و از پشت  
 قبر بیست و پنج زراع متر کنید. محل قبر آن حضرت روزی که دفن شد بوستانی از  
 بوستان های بهشت است و عروج از آن جاست که اعمال زوارش از آن جا تا آسمان بالا  
 می رود و هر فرشته و پیامبری که در آسمان ها است از خدا می خواهند که به آنها اجازه داده  
 شود که قبر امام حسین علیه السلام را زیارت کنند. پس گروهی فرود می آیند و گروه دیگر بالا می روند.

۷- علی بن محمد در روایت مرفوعه ای گوید: حضرتش فرمود:



الْحَتَمُ عَلَى طِينِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنْ يُقْرَأَ عَلَيْهِ «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ».  
وَرُوِيَ: إِذَا أَخَذْتَهُ قُلْتَ:

«بِسْمِ اللَّهِ اللَّهُمَّ بِحَقِّ هَذِهِ التُّرْبَةِ الطَّاهِرَةِ وَبِحَقِّ الْبُقْعَةِ الطَّيِّبَةِ وَبِحَقِّ الْوَصِيِّ الَّذِي  
تُوَارِيهِ وَبِحَقِّ جَدِّهِ وَأَبِيهِ وَأُمِّهِ وَأَخِيهِ وَالْمَلَائِكَةِ الَّذِينَ يَحْفُونَ بِهِ وَالْمَلَائِكَةِ الْعُكُوفِ عَلَى  
قَبْرِ وَلِيِّكَ يَنْتَظِرُونَ نَصْرَهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ اجْعَلْ لِي فِيهِ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَأَمَاناً مِنْ  
كُلِّ خَوْفٍ وَعِزّاً مِنْ كُلِّ ذُلٍّ وَأَوْسِعْ بِهِ عَلَيَّ فِي رِزْقِي وَأَصِحِّ بِهِ جِسْمِي».

۸- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ سَلَمَةَ بْنِ الْخَطَّابِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْخَطَّابِ عَنْ عَبْدِ  
اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ مِسْمَعٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ حَنَانٍ عَنْ أَبِيهِ  
قَالَ:

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا سَدِيرُ! تَزُورُ قَبْرَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي كُلِّ يَوْمٍ؟  
قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! لَا.  
قَالَ: فَمَا أَجْفَاكُمْ.

خاک مَهر برداشتن از قبر امام حسین علیه السلام این است که بر آن سوره قدر خوانده شود.  
و روایت شده است: هرگاه از خاک قبر برداشتی بگو: «بِسْمِ اللَّهِ اللَّهُمَّ بِحَقِّ هَذِهِ التُّرْبَةِ  
الطَّاهِرَةِ وَبِحَقِّ الْبُقْعَةِ الطَّيِّبَةِ وَبِحَقِّ الْوَصِيِّ الَّذِي تُوَارِيهِ وَبِحَقِّ جَدِّهِ وَأَبِيهِ وَأُمِّهِ وَأَخِيهِ وَالْمَلَائِكَةِ  
الَّذِينَ يَحْفُونَ بِهِ وَالْمَلَائِكَةِ الْعُكُوفِ عَلَى قَبْرِ وَلِيِّكَ يَنْتَظِرُونَ نَصْرَهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ اجْعَلْ لِي  
فِيهِ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَأَمَاناً مِنْ كُلِّ خَوْفٍ وَعِزّاً مِنْ كُلِّ ذُلٍّ وَأَوْسِعْ بِهِ عَلَيَّ فِي رِزْقِي وَأَصِحِّ بِهِ جِسْمِي».

۸- پدر حنان گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

ای سدید! قبر امام حسین علیه السلام را در هر روز زیارت می‌کنی؟

گفتم: قربانت گردم! نه.

فرمود پس شما چه جفاکارید.

قَالَ: فَتَزُورُونَهُ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ؟  
قُلْتُ: لَا.

قَالَ: فَتَزُورُونَهُ فِي كُلِّ شَهْرٍ؟  
قُلْتُ: لَا.

قَالَ: فَتَزُورُونَهُ فِي كُلِّ سَنَةٍ؟  
قُلْتُ: قَدْ يَكُونُ ذَلِكَ.

قَالَ: يَا سَدِيرُ! مَا أَجْفَاكُمْ لِلْحُسَيْنِ (عَلَيْهِ السَّلَام)! أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَلْفِي أَلْفِ  
مَلَكٍ شُعْتُ غُبْرٍ يَبْكُونَ وَ يَزُورُونَ لَا يَفْتُرُونَ وَ مَا عَلَيْكَ يَا سَدِيرُ أَنْ تَزُورَ قَبْرَ  
الْحُسَيْنِ (عَلَيْهِ السَّلَام) فِي كُلِّ جُمُعَةٍ خَمْسَ مَرَّاتٍ وَ فِي كُلِّ يَوْمٍ مَرَّةً.  
قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! إِنْ بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُ فَرَاخٌ كَثِيرَةٌ.  
فَقَالَ لِي: اصْعَدْ فَوْقَ سَطْحِكَ ثُمَّ تَلْتَفِتْ يُمْنَةً وَ يُسْرَةً ثُمَّ تَرْفَعْ رَأْسَكَ إِلَى  
السَّمَاءِ، ثُمَّ أَنْحِ نَحْوَ الْقَبْرِ وَ تَقُولُ:

فرمود: در هر هفته زیارت می کنی؟

گفتم: نه.

فرمود: آن حضرت را در هر ماه زیارت می کنی؟

گفتم: نه.

فرمود: در هر سال زیارت می کنی؟

گفتم: گاهی می شود.

فرمود: ای سدير! شما نسبت به امام حسين (عليه السلام) چه جفاكاريد؟!

آيا نمي دانى كه براى خداوند (عز و جل) دو ميليون فرشته است كه ژولیده و غبارآلودند و بر آن  
حضرت گريه مي كنند و حضرتش را زيارت مي كنند و سستی نمی ورزند. ای سدير! براى  
چه در هر هفته پنج بار و در هر روز يك بار را زيارت نمي كنى.

گفتم: قربانت گردم! ميان ما و او فرسنگ هاى بسيارى فاصله است.

حضرتش به من فرمود: بالاى سمت بام خانه ات برو، سپس به سمت راست و چپ  
نگاه كن. آن گاه سرت را به طرف آسمان بلند كن، سپس به سوى قبر روكن و بگو:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ».

تُكْتَبُ لَكَ زُورَةٌ وَ الزُّورَةُ حَجَّةٌ وَ عُمْرَةٌ.

قَالَ سَدِيرٌ: فَرُبَّمَا فَعَلْتُ فِي الشَّهْرِ أَكْثَرَ مِنْ عِشْرِينَ مَرَّةً.

۹ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ هَارُونَ بْنِ خَارِجَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

إِذَا كَانَ النَّصْفُ مِنْ شَعْبَانَ نَادَى مُنَادٍ مِنَ الْأُفُقِ الْأَعْلَى أَلَا زَائِرِي قَبْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام ازْجِعُوا مَغْفُورًا لَكُمْ وَ تَوَائِبُكُمْ عَلَى رَبِّكُمْ وَ مُحَمَّدٌ عليه السلام بَيْنَكُمْ. تَمَّ كِتَابُ الْحَجِّ مِنْ «الْكَافِي» وَ يَتْلُوهُ كِتَابُ الْجِهَادِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ.

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ».

با انجام این عمل برای تو پاداش زیارت امام حسین عليه السلام نوشته می‌شود که پاداش زیارت امام حسین عليه السلام پاداش یک حج و یک عمره است.

سدیر گوید: گاهی من در یک ماه بیش از بیست بار این عمل را انجام می‌دادم.

۹ - هَارُونَ بْنُ خَارِجَةَ گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هنگامی که نیمه ماه شعبان فرا رسد منادی از بالای آسمان صدا زند: ای زایران قبر امام حسین عليه السلام برگردید که آمرزیده شده‌اید و پاداش شما به عهده پروردگارتان و حضرت محمد پیامبرتان صلی الله علیه و آله است.

سپاس خدا را که کتاب حج از کتاب شریف «کافی» پایان یافت و در پی آن کتاب جهاد آغاز خواهد شد.